



سفرنامه پانز
بدرگاه بنام پانز

مجموعه عماد سعید، نریار است و فغانرهای محمدوی



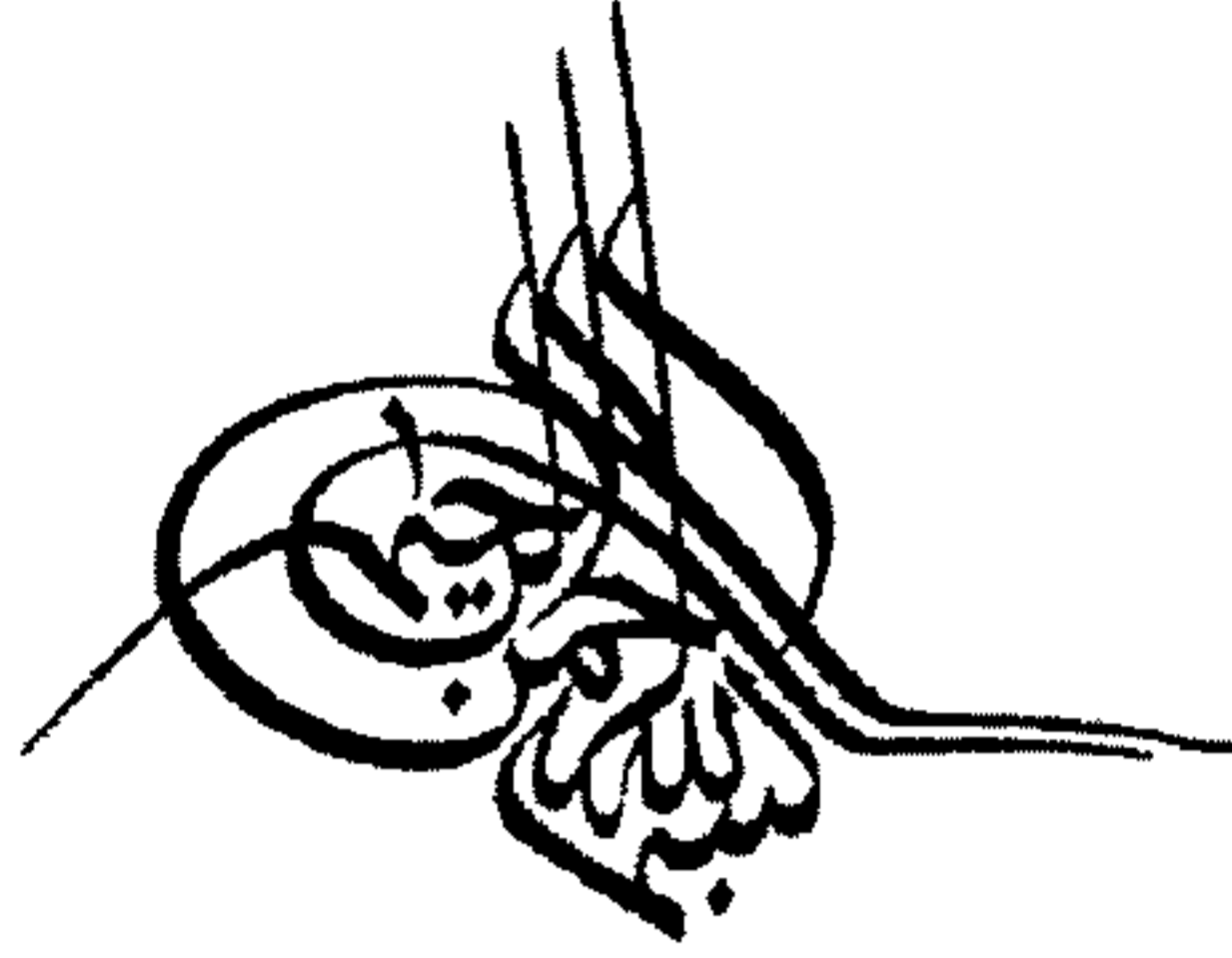
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَاصَالِحِ الْمَهْدِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

اهدایی حاج حسین شفیعی سروسستانی به ساحت قدسی
حضرت صاحب الزمان، ارواحنا له الفداء، به امید استفادة جمیع
مؤمنان و مؤمنات، نذری و خدمتی معنوی تا دست به دست
بگردد و خیرات و برکاتش، جمیع دعاگویان و خیرخواهان را فرا
بگیرد، مانعی در برابر سختی های عوالم برزخی و قیامتی و باعث
جلب رحمت و شفقت حضرت رحمة للعالمین، مهدی فاطمه،
صلوٰة الله و سلامه علیه شود.

ان شاء الله

ملتمس دعای خیر شما

حاج حسین شفیعی سروسستانی



تقديم به ساحت مقدس حضرت مولانا
صاحب الزمان ارواحنا له الفداء

عرض نیاز به درگاه بی نیاز

مجموعه‌ای از نمازها، ادعیه و زیارات مهدوی

گردآوری و تدوین: واحد پژوهش
مؤسسه فرهنگی موعود عصر (عج)

عنوان و نام پدیدآور	: عرض نیاز به درگاه بی‌نیاز (مجموعه ادعیه، زیارات و نمازهای مهدوی) / واحد پژوهش مؤسسه موعود عصر (عج)
مشخصات نشر	: تهران: موعود عصر (عج)، ۱۳۸۸
مشخصات ظاهری	: ۵۷۶ ص.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۱۸-۱۷-۱
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیپا
موضوع	: محمد بن حسن (ع)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق.
موضوع	: دعاها
موضوع	: زیارت‌نامه‌ها
دهبندی کنگره	: BP/۲۶۷/۸/ع۳۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۱۹۴۳۹۲۰

عرض نیاز به درگاه بی‌نیاز

مجموعه ادعیه، زیارات و نمازهای مهدوی

ناشر: موعود عصر (عج)

گردآوری: واحد پژوهش مؤسسه فرهنگی موعود عصر (عج)

سال و محل نشر: تهران، ۱۳۸۸

نوبت چاپ: اول

تیراژ: ۵۰۰۰

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۱۸-۱۷-۱

نشانی: تهران، ص.پ: ۱۴۱۵۵-۸۳۴۷

شماره تلفن: ۸-۶۶۹۵۶۱۶۷

سخن ناشر

«عرض نیاز به درگاه بی‌نیاز» حاصل تفحص در مجموعه مهمی از نمازها، دعاها و زیارت‌هایی است که از ناحیه مقدسه امام زمان علیه السلام صادر شده یا درباره آن حضرت از بقیه امامان علیهم السلام نقل گردیده است. مراجعه به «صحیفه مهدیه» تألیف سید مرتضی مجتهدی سیستانی، اساس این تفحص و منبع مادر تلقی شده که امید می‌رود، خدمات آن فاضل ارجمند مقبول طبع حضرت صاحب الزمان علیه السلام واقع شود.

شایان ذکر است، گزینش صورت گرفته از میان عموم دعاها و زیارت‌ها امکان ارائه اثری کوچک و قابل حمل و نقل را فراهم آورده است.

والسلام

فهرست مطالب

- بخش اول: نمازها ۹
- بخش دوم: دعاهای قنوت ۳۹
- بخش سوم: ادعیه بعد از نمازها ۵۳
- بخش چهارم: دعاهای ایام هفته ۸۳
- بخش پنجم: دعاهای هر ماه ۱۲۵
- بخش ششم: دعاهایی که مخصوص روز معینی از هفته نیست ۱۸۹
- بخش هفتم: توسل به حضرت بقیةالله(ع) ۲۷۵
- بخش هشتم: عریضه‌ها ۲۸۵
- بخش نهم: دعاهایی که حضرت بقیةالله(ع) از پدران بزرگوار خود نقل فرموده‌اند ۳۰۱
- بخش دهم: زیارات ۳۸۵
- بخش یازدهم: ادعیه نقل شده از سوی نواب امام عصر(ع) ۴۹۹
- ملحقات: بعضی از عباداتی که مورد توجه حضرت بقیةالله(ع) می‌باشند ۵۲۷

بخش اول

نمازها

در این بخش بعضی از نمازهایی را که از امام زمان (ع) روایت شده، یا برای آن حضرت نقل گردیده، می‌آوریم:

۱

نماز امام زمان (ع)

«قطب راوندی (ره)» می‌نویسد: نماز امام زمان ارواحنا فداه دو رکعت است؛ در هر رکعت یک مرتبه سوره «حمد» را باید خواند و چون به «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» رسید، آن را صد مرتبه باید گفت و بعد از نماز صد مرتبه بر محمد و آل محمد (ع) صلوات فرستاده و از خدا حاجتش را بخواهد.^۱ این نماز به زمان و مکان خاصی اختصاص ندارد و خواندن سوره بعد از «حمد» شرط نشده و خواندن دعای مخصوصی بعد از نماز وارد نشده است.

۱. دعوات راوندی، ص ۸۹

نماز دیگر امام زمان (ع)

«سید بن طاووس (ره)» می فرماید: نماز حضرت حجت ارواحنا فداه دو رکعت است؛ در هر رکعت سوره «حمد» را تا «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» می خوانی و چون به این آیه رسیدی صد مرتبه آن را تکرار می کنی و بعد بقیه سوره «حمد» را خوانده و بعد از آن سوره «اخلاص» را یک مرتبه می خوانی و پس از نماز این دعا را می خوانی:

اللَّهُمَّ عَظَمَ الْبَلَاءُ، وَ بَرَحَ الْخِفَاءُ، وَ انْكَشَفَ الْغَطَاءُ،

خداوندا؛ بلا و مصیبت بزرگ شد، و پنهانی برطرف گشت (آنچه پنهان بود آشکار شد)،

وَ ضَاقتِ الْأَرْضُ بِمَا وَسَّعتِ السَّمَاءُ، وَ إِلَيْكَ يَا رَبِّ

و پرده کنار زده شد، و زمین (بر ما) تنگ آمد با وجود وسعت آسمان، و شکایت ما

المُشْتَكِي، وَ عَلَيْكَ الْمُعْوَلُ فِي الشُّدَّةِ وَالرَّخَاءِ. اللَّهُمَّ

تنها به سوی توست، و اعتماد و تکیه ما در هر سختی و سستی بر توست. خداوندا؛

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، الَّذِينَ أَمَرْنَا بِطَاعَتِهِمْ.

درود بفرست بر محمد و آل محمد، کسانی که ما را به اطاعتشان امر کردی.

وَعَجِّلِ اللَّهُمَّ فَرَجَهُمْ بِقَائِمِهِمْ، وَأَظْهِرْ إِعْزَاذَهُ، يَا مُحَمَّدُ

خداوندا! فرج آل محمد را به وسیله قائم ایشان تعجیل فرما، و عزت و بزرگی او را ظاهر

يَا عَلِيُّ، يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ إِكْفِيَانِي فَإِنَّكُمَا كَافِيَايَ،

کن؛ ای محمد؛ ای علی؛ ای علی؛ ای محمد؛ مرا کفایت کنید که شما کفایت کنندگان من

يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ، يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ أَنْصُرَانِي فَإِنَّكُمَا

هستید. ای محمد؛ ای علی؛ ای علی؛ ای محمد؛ مرا یاری کنید، که شما یاری کنندگان

نَاصِرَايَ، يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ، يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ إِحْفَظَانِي

من هستید. ای محمد؛ ای علی؛ ای علی؛ ای محمد؛ مرا حفاظت کنید که شما

فَإِنَّكُمَا حَافِظَايَ، يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ، يَا مَوْلَايَ

حافظ و نگهبان من هستید. ای مولای من؛ ای صاحب الزمان؛ ای مولای من؛

يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ، يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ، الْغَوْثَ

ای صاحب الزمان؛ ای مولای من؛ ای صاحب الزمان؛ به فریاد رس،

الْغَوْثَ الْغَوْثَ، أُدْرِكْنِي أُدْرِكْنِي أُدْرِكْنِي، الْأَمَانَ الْأَمَانَ

به فریاد رس، به فریاد رس، مرا دریاب مرا دریاب مرا دریاب، امانم ده امانم ده

الْأَمَانَ^۱

امانم ده.

نماز مسجد مقدس جمکران

حسن بن مثله (ره) می گوید: مولایمان امام زمان (ع) به من فرمودند:

به مردم بگو: باید به این مکان رغبت کنند (بیایند) و آن را عزیز و بزرگ دارند و در اینجا چهار رکعت نماز گذارند: دو رکعت برای تحیت و احترام مسجد، که در هر رکعت یک مرتبه سوره «حمد» و هفت مرتبه سوره «اخلاص» و در هر رکوع و سجده، ذکر آن هفت مرتبه بگویند.

پس از آن دو رکعت برای امام زمان (ع) به گونه‌ای که ذکر می‌شود انجام دهند: سوره «حمد» را شروع کنند، به آیه «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» که رسیدند آن را صد مرتبه تکرار کنند، سپس سوره «حمد» را تمام کرده، سوره «اخلاص» را بعد از آن بخوانند و در هر رکوع و سجده ذکر آن را هفت مرتبه بگویند و رکعت دوم را نیز همین گونه بخوانند.

و چون نماز را به پایان بردند، تهلیل^۱ گفته و تسبیح حضرت فاطمه زهرا(س) بگویند و چون از آن فارغ شدند به سجده رفته بر محمد و آل محمد صد مرتبه صلوات فرستند. سپس حضرت این کلمات را فرمودند:

«فمن صلاها فكانما صلى في البيت العتيق؛^۲

هر کس این نماز را بخواند گویا در بیت عتیق (کعبه) خوانده است.»

۴

نماز امام زمان(ع)

در مقام آن حضرت در حله^۳ و نعمانیه^۴

محدث نوری(ره) می گوید: فاضل جلیل القدر میرزا عبدالله

اصفهانی (مشهور به افندی) در جلد پنجم کتاب «ریاض العلماء»

در شرح حال شیخ ابن ابی جواد نعمانی می گوید:

۱. «لا إله إلا الله» یا «لا إله إلا الله وَحْدَهُ وَحْدَهُ».

۲. جنّة المأوی، ص ۲۳۱.

۳. حله: یکی از شهرهای مشهور و قدیمی عراق.

۴. نعمانیه: شهری بین واسط و بغداد در کشور عراق است.

ایشان از کسانی است که در زمان غیبت کبریا، امام زمان (ع) را دیده است و از آن حضرت حدیث نقل کرده است. من در جای دیگر نقلی از خطّ شیخ زین الدّین، علی بن حسن بن محمّد خازن حایری (شاگرد شهید) نیز دیده‌ام که ابن ابی جواد نعمانی، مولای ما حضرت مهدی ارواحنا فداه را دیده و از آن حضرت سؤال کرده است: مولای من؛ شما مقامی در نعمانیّه و مقامی در حلّه دارید؛ چه وقت در آن دو مکان حضور دارید؟

حضرت فرمودند:

شب و روز سه‌شنبه در نعمانیّه هستم و شب و روز جمعه در حلّه؛ اما اهل حلّه، ادب را در مقام من به جای نمی‌آورند. کسی نیست که با ادب داخل مقام من شود و با رعایت ادب بر من و ائمه سلام کند و بر من و ایشان، دوازده مرتبه صلوات بفرستد؛ سپس دو رکعت نماز با دو سوره بخواند و با خداوند مناجات کند؛ مگر اینکه خدا آنچه می‌خواهد به او عنایت کند که یکی از آنها مغفرت و بخشش پروردگار برای اوست.

گفتم: مولای من؛ آن مناجات را به من بیاموز.

حضرت فرمودند: بگو:

اللَّهُمَّ قَدْ أَخَذَ التَّأْدِيبُ مِنِّي، حَتَّى مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَ أَنْتَ

بارالها! مجازات و مکافات اعمالم به سراغم آمد، تا اینکه به سختی و بدحالی گرفتار آمدم و تو

أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ، وَإِنْ كَانَ مَا اقْتَرَفْتُهُ مِنَ الذُّنُوبِ اسْتَحِقُّ

مهربانترین مهربانانی و هرچند گناہانی که مرتکب شدم مرا سزاوار چندین و چندین برابر این

بِهَ أَضْعَافٍ أَضْعَافٍ مَا أَدَّبْتَنِي بِهِ وَ أَنْتَ حَلِيمٌ ذَوَّانَاةٌ،

مجازات‌هایی که با آنها مرا ادب فرمودی کرده است، ولی تو بردبار و مدارا کننده‌ای، از گناہان

تَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ حَتَّى يَسْبِقَ عَفْوُكَ وَ رَحْمَتُكَ عَذَابَكَ.

زیاد چشم‌پوشی می‌کنی تا بخشش و رحمت تو بر عذابت پیشی گرفته باشد.

حضرت این دعا را سه مرتبه برایم تکرار فرمود تا یاد گرفتم.^۱

۵

نماز منسوب به امام زمان (ع)

برای برآورده شدن حاجت‌ها

خاتون آبادی (ره) این نماز را در «جنات الخلود» به امام زمان (ع)

نسبت داده است: شب قبل از خواب، ظرف تمیزی را که پر از

۱. جنّة المأوی، ص ۲۷۰.

آب پاکیزه است در کنار سر خود بگذارید و با پارچه تمیزی آن را بپوشانید و چون برای نماز شب برخاستید سه جرعه از آن آب بنوشید و با باقی مانده آن وضو بسازید. رو به قبله بایستید اذان و اقامه بگویید و دو رکعت نماز با هر سوره‌ای که خواستید بخوانید.

بعد از خواندن سوره به رکوع رفته و بیست و پنج مرتبه بگویید: «يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ» (ای فریادرس دادخواهان). سپس سر از رکوع برداشته همین ذکر را بیست و پنج مرتبه بگویید و همین کار را در سجده اول و بعد از سجده اول و در سجده دوم و بعد از سجده دوم تکرار کنید.

سپس برای رکعت دوم برخاسته و همین کار را در رکعت دوم نیز انجام دهید، که در این هنگام سیصد مرتبه این ذکر را گفته‌اید. سپس تشهد خوانده و سلام نماز را می‌گویید، بعد سر را به سوی آسمان بلند کنید و سی مرتبه بگویید: «مِنَ الْعَبْدِ الذَّلِيلِ إِلَى الْمَوْلَى الْجَلِيلِ»؛ (از سوی بنده‌ای خوار به سوی مولایی بزرگوار) و حاجت خود را بگویید که به اذن خدای متعال زود اجابت می‌شود.^۱

۱. جنات الخلود، ص ۴۱.

نگارنده گوید: محدث قمی (ره) این نماز را تحت عنوان «نماز استغاثه» در کتاب «الباقیات الصالحات» نقل کرده، ولی آن را به امام زمان (ع) نسبت نداده است.

۶

نماز توجّه

به حضرت صاحب الزمان (ع)

احمد بن ابراهیم گوید: به ابی جعفر محمد بن عثمان علاقه‌ام را برای دیدن مولایمان صاحب الزمان (ع) عرض کردم. به من گفت: آیا با اشتیاق فراوان دوست داری امام را ببینی؟ گفتم: آری.

به من گفت: خدا به این اشتیاق پاداش دهد و جمال حضرت را به آسانی و عافیت به تو نشان دهد. اما ای اباعبدالله؛ التماس نکن که او را ببینی؛ زیرا در ایام غیبت شوق دیدار آن حضرت وجود دارد ولی دیدار او درخواست نمی‌شود؛^۱ چرا که این اراده خداست و تسلیم در برابر

۱. گفتنی است که برای احمد بن ابراهیم این گونه تقدیر شده است نه برای تمام

اراده او بهتر است، اما با خواندن زیارت به آن حضرت توجه کن.
 اما کیفیت عمل: آنچه به محمد بن علی، املا کرده و دیگران از
 او نسخه برداری کرده‌اند، توجه به صاحب‌الزمان (ع) است با خواندن
 زیارت بعد از دوازده رکعت نماز که به صورت دو رکعتی انجام
 می‌دهی و «قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ» را در تمام این رکعت‌ها می‌خوانی،
 بر محمد و آل محمد، صلوات فرستاده و می‌گویی سخن خداوند
 عزوجل را:

شیعه؛ چون برخی دیگر از شیعیان چنین حاجتی از شیخ عمری (ره) داشته‌اند
 و اجابت شده است.

زهری می‌گوید: خیلی می‌خواستم امام زمان (ع) را ببینم، حتی در این راه مال
 زیادی هم خرج کردم تا به شیخ عمری رسیدم و او را خدمت کردم و با اصرار
 از او خواستم امام زمان (ع) را به من نشان بدهد.

گفت: این کار ممکن نیست؛ به او اصرار کردم تا آنکه گفت: فردا صبح بیا. صبح
 فردا که رفتم شیخ به استقبال آمد در حالی که جوانی در نهایت زیبایی و
 خوش‌بویی همراه او بود و در آستینش چیزی داشت که او را به شکل تجار نشان
 می‌داد. چون آن جوان را دیدم به سوی شیخ عمری رفتم، شیخ اشاره کرد که
 به سوی آن جوان بروم، من هم به سوی جوان رفتم و از او سؤالاتی پرسیدم که
 هرچه پرسیدم جواب داد، سپس خواست داخل خانه‌ای شود که به آن اعتنایی
 نمی‌شد. شیخ عمری گفت: اگر می‌خواهی از او سؤال کنی بپرس که بعد از این
 او را نخواهی دید. (الإحتجاج، ج ۲، ص ۲۹۷)

«سَلَامٌ عَلَى آلِ يَاسِينَ»، ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ مِنْ

سلام بر آل یاسین، این همان فضل آشکار است از جانب خداوند، و خدا صاحب فضل

عِنْدَ اللَّهِ، وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ، إِمَامُهُ مَنْ يَهْدِيهِ صِرَاطُهُ

بزرگ است، پیشوای او کسی است که او را به راه مستقیم خداوند هدایت کند؛ به

الْمُسْتَقِيمِ، قَدْ آتَاكُمْ اللَّهُ خِلَافَتَهُ يَا آلَ يَاسِينَ...^۱

تحقیق خداوند به شما جانشینی اش را داده است ای آل یاسین...

۷

نماز و دعای فرج برای رفع مشکلات مهم

ابوجعفر محمد بن جریر طبری در کتاب «مسند فاطمه (س)» از

قول ابو حنین کاتب، نمازی را که خود از حضرت صاحب الزمان (ع)

تعلیم گرفته است، نقل می کند:

دو رکعت نماز می خوانی و می گویی:

يَا مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِيلَ وَ سَتَرَ الْقَبِيحَ، يَا مَنْ لَمْ يُؤَاخِذْ

ای کسی که زیبایی را آشکار کرد و زشتی را پوشانید، ای آنکه به گناه مؤاخذه نکرده

بِالْجَرِيرَةِ وَلَمْ يَهْتِكِ السُّتْرَ، يَا عَظِيمَ الْمَنِّ، يَا كَرِيمَ الصَّفْحِ،

و پرده را ندرد، ای آنکه احسانش بر بندگان بزرگ و عفو و گذشت او بزرگوارانه است،

۱. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۴.

يَا مُبْتَدِئَ النُّعْمِ قَبْلَ اسْتِحْقَاقِهَا، يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ، يَا

ای آغازگر نعمتها قبل از استحقاق آن، ای صاحب گذشت نیکو

وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ، يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ، يَا مُنْتَهَى كُلِّ

و آمرزش فراگیر، ای آنکه دستان رحمتش باز است، ای نهایت هر

نَجْوَى، وَيَا غَايَةَ كُلِّ شَكْوَى، وَيَا عَوْنَ كُلِّ مُسْتَعِينٍ،

نجوا و رازگویی و ای پایان هر شکوه و شکایت، ای یار هر یاری طلب،

يَا مُبْتَدِئًا بِالنُّعْمِ قَبْلَ اسْتِحْقَاقِهَا، «يَا رَبَّاهُ» ده مرتبه، «يَا

ای آغازگر نعمتها قبل از استحقاق آن، ای پروردگرم؛

سَيِّدَاهُ» ده مرتبه، «يَا مَوْلَاهُ» ده مرتبه، «يَا غَايَتَاهُ» ده

ای اقا و سرورم؛ ای مولایم، ای نهایت مقصودم؛

مرتبه، «يَا مُنْتَهَى رَغْبَتَاهُ» ده مرتبه. أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذِهِ

ای نهایت اشتیاقم؛ از تو می‌خواهم به حق این

الْأَسْمَاءِ، وَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ

نامها و به حق محمد و آل پاکش - که بر آنان درود باد -

إِلَّا مَا كَشَفْتَ كَرْبِي، وَ نَفْسَتَ هَمِّي، وَ فَرَّجْتَ عَنِّي، وَ

که بلا و سختی را از من برطرف کنی، و اندوهم را بزدایی، و گشایش در کارم دهی، و

أَصْلَحْتَ حَالِي.

حالم را اصلاح نمایی.

بعد از آن هر چه می‌خواهی دعا کن و حاجتت را بطلب؛ سپس گونه

راست صورت را بر زمین گذاشته و صد مرتبه در آن حال می‌گویی:

يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ، يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ، اِكْفِيَانِي فَاِنَّكُمَا

ای محمد ای علی؛ ای علی ای محمد؛ مرا کفایت کنید که همانا شما مرا کفایت کننده‌اید

كافِيَانِي، وَاَنْصُرَانِي فَاِنَّكُمَا ناصِرَانِي.

و یاریم کنید که شما مرا یاری کننده‌اید.

سپس گونه‌چپ صورت را بر زمین گذاشته و صد مرتبه می‌گویی:
 «أَذْرِكُنِي» (مرا دریاب) و آن را بسیار تکرار کن. سپس به اندازه
 یک نفس می‌گویی: «الْغَوْثُ [الْغَوْثُ] الْغَوْثُ» (به فریادم برس، به
 فریادم برس، به فریادم برس)؛ بعد سر از زمین بردار که خداوند با
 بزرگواریش حاجتت را برآورده می‌کند. *إن شاء الله.*

۸

نماز استغاثه به امام زمان (ع)

سید علیخان (ره) در «الکلم الطیب» می‌گوید: این استغاثه به امام
 زمان (ع) است، هر جا باشی دو رکعت نماز با حمد و سوره به جای
 آور، آنگاه رو به قبله، زیر آسمان بایست و بگو:

سَلَامُ اللَّهِ الْكَامِلُ التَّامُّ الشَّامِلُ الْعَامُّ، وَصَلَوَاتُهُ الدَّائِمَةُ،

سلام خدا به طور کامل و تمام و همه جانبه و عمومی و درودهای ممتد و پیوسته

وَبَرَكَاتُهُ الْقَائِمَةُ التَّامَّةُ، عَلَى حُجَّةِ اللَّهِ وَوَلِيِّهِ فِي أَرْضِهِ

و برکت های پابرجا و تام و تمامش بر حجت خدا و ولی او در زمین و سایر

وَبِلَادِهِ، وَخَلِيفَتِهِ عَلَى خَلْقِهِ وَعِبَادِهِ، وَسُلَالَةِ النَّبُوَّةِ،

سرزمین هایش و جانشین او بر خلق و بندگانش و نژاد پاک نبوت

وَبَقِيَّةِ الْعِتْرَةِ وَالصَّفْوَةِ، صَاحِبِ الزَّمَانِ، وَمُظْهِرِ الْإِيمَانِ،

و باقیمانده عترت و (آن سرور) برگزیده یعنی حضرت صاحب الزمان و آشکار کننده ایمان

وَمُلْقِنِ أَحْكَامِ الْقُرْآنِ، وَمُطَهِّرِ الْأَرْضِ، وَنَاشِرِ الْعَدْلِ فِي

و یاد دهنده احکام قرآن و پاک کننده زمین و گسترنده عدالت در

الطُّولِ وَالْعَرْضِ، وَالْحُجَّةِ الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ، الْإِمَامِ الْمُنْتَظَرِ

درازا و پهناي زمین و حجت قائم مهدی آن امام منتظر

الْمَرْضِيِّ، وَابْنِ الْأَئِمَّةِ الطَّاهِرِينَ، الْوَصِيِّ بْنِ الْأَوْصِيَاءِ

پسندیده و فرزند امامان پاکیزه و وصی فرزند اوصیای

الْمَرْضِيِّينَ، الْهَادِيِ الْمَعْصُومِ بْنِ الْأَئِمَّةِ الْهُدَاةِ الْمَعْصُومِينَ،

پسندیده آن راهنمای معصوم فرزند امامان راهنمای معصوم

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَعزَّ الْمُؤْمِنِينَ الْمُسْتَضْعَفِينَ، السَّلَامُ

سلام بر تو ای عزت بخش مردم مؤمنی که ناتوان و خوارشان شمردند سلام

عَلَيْكَ يَا مُذِلَّ الْكَافِرِينَ الْمُتَكَبِّرِينَ الظَّالِمِينَ، السَّلَامُ

بر تو ای خوارکننده کافران سرکش و ستمکار سلام

عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ

بر تو ای مولای من ای صاحب الزمان؛ سلام بر تو ای فرزند

رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ

رسول خدا، سلام بر تو ای فرزند امیرمؤمنان سلام

عَلَيْكَ يَا بَنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ،

بر تو ای فرزند فاطمه زهرا بانوی زنان جهانیان،

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْأُئِمَّةِ الْحُجَّجِ الْمَعْصُومِينَ وَالْإِمَامِ

سلام بر تو ای فرزند پیشوایان و حجتهای معصوم و پیشوای

عَلَى الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ سَلَامٌ

بر خلق همگی سلام بر تو ای سرور من سلام

مُخْلِصٍ لَكَ فِي الْوِلَايَةِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمَامُ الْمَهْدِيُّ قَوْلًا

مخلصانه من به تو در ولایت و پیرویت گواهی دهم که تویی آن پیشوای راه یافته چه در

وَفِعْلًا، وَأَنْتَ الَّذِي تَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا، بَعْدَ مَا

گفتار و چه در کردار و تویی آن بزرگواری که زمین را پر از عدل و داد کنی پس آنکه پر از

مُلْتٌ جَوْرًا وَظُلْمًا، فَعَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَكَ، وَسَهَّلَ مَخْرَجَكَ،

ستم و بیدادگری شده پس از خدا خواهیم که شتاب کند در فرج تو و راه آمدنت را هموار

وَقَرَّبَ زَمَانَكَ، وَكَثَّرَ أَنْصَارَكَ وَأَعْوَانَكَ، وَأَنْجَزَ لَكَ مَا

و زمان ظهورت را نزدیک و یار و یاورت را بسیار گرداند و آنچه به تو وعده فرموده در بارهات

وَعَدَكَ، فَهُوَ أَصْدَقُ الْقَائِلِينَ (وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ

وفا کند زیرا که او راستگوترین گویندگان است که فرموده «و ما خواستیم بر کسانی که در

اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجَعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجَعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ) ۱-

زمین زبون شمرده می شدند منت نهیم و ایشان را پیشوایانی کنیم و وارثان شان گردانیم»

يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ، يَا بِنَ رَسُولِ اللَّهِ حَاجَتِي

ای سرور من ای صاحب الزمان ای فرزند رسول خدا حاجتم

کذا و کذا (و به جای کذا و کذا حاجات خود را ذکر نماید)، فَاشْفَعْ

این و این است پس شفاعت

لِي فِي نَجَاحِهَا، فَقَدْ تَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ بِحَاجَتِي، لَعَلَّمِي أَنْ

کن برایم در بر آمدنش زیرا که من با حاجت خویش به تو متوجه شده ام زیرا می دانم که شفاعت تو

لَكَ عِنْدَ اللَّهِ شَفَاعَةٌ مَقْبُولَةٌ، وَمَقَامًا مَحْمُودًا، فَبِحَقِّ مَنْ

به درگاه خدا پذیرفته و مقامت پسندیده است پس به حق همان خدایی که شمارا در کار خود

اخْتَصَّكُمْ بِأَمْرِهِ، وَأَرْتَضَاكُمْ لِسِرِّهِ، وَبِالْشَّانِ الَّذِي لَكُمْ

مخصوص کرده و برای راز و سرش پسندیده و بدان مقامی که شما در نزد

عِنْدَ اللَّهِ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُ، سَلِ اللَّهَ تَعَالَى فِي نَجْحِ طَلِبَتِي،

خدا میان خود و او دارید که از خدای تعالی بخواهی من به خواسته ام برسیم و

وَاجَابَةَ دَعْوَتِي، وَكُشْفِ كُرْبَتِي

دعایم اجابت شود و اندوهم برطرف گردد.

و هر چه دوست داری دعا کن و بخواه که این شاءالله برآورده می شود.^۱

۹

نماز هدیه خدمت امام زمان (ع)

سید جلیل القدر علی بن طساووس (ره) می فرماید: ابومحمد صیمری گفته است: ابوعبدالله احمد بن عبدالله بجلی با سندی که آن را به ائمه (ع) رسانده، گفته است:

... اگر کسی بتواند علاوه بر نمازهای پنجگانه و نوافل، نماز دیگری بخواند (هر چند هر روز دو رکعت باشد) و آن را به یکی از ائمه (ع) هدیه کند. شروع این نماز در رکعت اول مانند شروع نماز واجب با هفت، یا سه یا یک تکبیر است و بعد از ذکر رکوع و سجده در هر رکعت سه بار بگوید: «صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ»؛ (درود خداوند بر محمد و آل پاک و پاکیزه او باد) و چون تشهد خواند و سلام داد (بعد از نمازی که به امام زمان (ع) هدیه می کند) بگوید:

۱. مفاتیح الجنان، ص ۲۴۳، به نقل از الکلم الطیب، ص ۸۳.

اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ وَمِنْكَ السَّلَامُ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ

بارخداوندا؛ تو سلامی (مایه سلامت و آرامش و ایمنی هستی) و سلام از جانب

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ،

توسست؛ ای صاحب بزرگی و احترام؛ درود فرست بر محمد و آل محمد که پاکان و

وَأَبْلِغُهُمْ مِنِّي أَفْضَلَ التَّحِيَّةِ وَالسَّلَامِ. اللَّهُمَّ إِنَّ هَاتَيْنِ

پاکیزگان و نیکوکارانند و بهترین سلام و تحیت از طرف من به ایشان برسان. خدایا؛

الرَّكَعَتَيْنِ هَدِيَّةٌ مِنِّي إِلَى عَبْدِكَ وَابْنِ وَوَلِيِّكَ وَابْنِ وَوَلِيِّكَ

همانا این دو رکعت هدیه‌ای است از من برای بندهات و ولی تو و فرزند ولی تو،

سَبَطُ نَبِيِّكَ فِي أَرْضِكَ وَحُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ، يَا وَلِيَّ

نوه پیامبر و فرستادهات در روی زمین تو و حجتت بر مخلوقات تو؛ ای سرپرست

الْمُؤْمِنِينَ، يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ، يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ. ۱

مؤمنان، ای سرپرست مؤمنان، ای سرپرست مؤمنان.

اهدای نماز به امام زمان (ع) در روز پنجشنبه

«شیخ طوسی (ره)» در کتاب «مصباح کبیر» خود می‌گوید: روایت

شده که برای هدیه کردن نماز به معصومین (ع) به این طریق باید

عمل کرد:

روز جمعه هشت رکعت نماز بخواند؛ چهار رکعت هدیه به رسول خدا(ص) و چهار رکعت هدیه به فاطمه زهرا(س).

روز شنبه چهار رکعت هدیه به امیرالمؤمنین(ع) و هر روز چهار رکعت هدیه برای یکی از ائمه(ع) تا روز پنجشنبه که چهار رکعت به امام جعفر صادق(ع) هدیه می کند.

سپس دوباره روز جمعه هشت رکعت نماز بخواند؛ چهار رکعت هدیه به رسول خدا(ص) و چهار رکعت هدیه به حضرت فاطمه زهرا(س).

سپس روز شنبه، چهار رکعت هدیه به امام کاظم(ع) و همین کار را ادامه دهد تا روز پنجشنبه، چهار رکعت به امام زمان(ع) هدیه کرده و بین دو رکعت نماز، این دعا را بخواند:

اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ، وَ مِنْكَ السَّلَامُ، وَ إِلَيْكَ يَعُودُ السَّلَامُ،

بار خداوندا! تو سلامی (مایه سلامت و آرامش و ایمنی هستی) و سلام از جانب توست و

حِينَ رَبَّنَا مِنْكَ بِالسَّلَامِ اللَّهُمَّ إِنَّ هَذِهِ الرَّكَعَاتِ هَدِيَّةٌ مِنِّي

به سوی تو بازمی گردد. پروردگارا! سلامی از سوی خودت بر ما هدیه کن. خداوندا! این

إِلَى الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

چند رکعت نماز، هدیه ای است از من به حجت بن الحسن، پس بر محمد و آل محمد

۱. نام امامی را که نماز را به او هدیه می کنی بگو.

و بَلِّغُهُ أَيَّاهَا، وَأَعْطِنِي أَفْضَلَ أَمَلِي وَ رَجَائِي فِيكَ، وَ فِي

درود بفرست و این هدیه را به او برسان و به من فزون تر از آرزو و امیدی که در مورد تو و

رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ [فِيهِ].

رسولت - که رحمت و درود تو بر او و آل او باد - (او در مورد حجتت) دارم، عطا فرما.

و هرچه دوست داری طلب کن و دعا کن.^۱

۱۱

نماز امام زمان (ع) در شب جمعه

«سید بن طاووس (ره)» می فرماید: در کتاب «کنوز النجاح»

نوشته «ابوعلی فضل بن حسن طبرسی (ره)» آمده است: «احمد بن

دربی» از «خزانه» و او از «ابی عبدالله حسین بن محمد بزوفری»

روایت کرده که از ناحیه مقدسه وارد شده است:

هر کس از درگاه ربوبی حاجتی دارد شب جمعه بعد از نصف شب

غسل کرده و به جایگاه نماز خود رفته و دو رکعت نماز بخواند. در

۱. جمال الأسبوع، ص ۳۴؛ دعوات راوندی، ص ۱۰۸، مصباح المتهدج،

رکعت اول سوره حمد را بخواند تا برسد به آیه «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» و آن را صد مرتبه تکرار کند و سپس سوره حمد را تا آخر و سوره توحید را یک مرتبه بخواند. سپس به رکوع و سجده رفته و در هر کدام، ذکر آن را هفت مرتبه بگوید. رکعت دوم را نیز به همین صورت به جا آورد سپس دعایی را که ذکر می‌شود بخواند، که خدای تعالی به طور قطع حاجتش را هرچه باشد برآورده می‌کند، مگر آنکه قطع صلۀ رحم را خواسته باشد.

و دعا (چنین است):

اللَّهُمَّ إِنْ أَطَعْتُكَ فَالْمَحْمَدَةُ لَكَ، وَإِنْ عَصَيْتُكَ فَالْحُجَّةُ

خداوندا! اگر تو را اطاعت کردم حمد و سپاس شایسته توست، و اگر تو را نافرمانی کردم حجت و

لَكَ، مِنْكَ الرُّوحُ وَ مِنْكَ الْفَرْجُ، سُبْحَانَ مَنْ أَنْعَمَ وَ شَكَرَ،

دلیل تو بر من تمام است، آسایش و راحتی و حل مشکلات از ناحیه توست، پاک و منزّه است کسی که

سُبْحَانَ مَنْ قَدَرَ وَ غَفَرَ. اللَّهُمَّ إِنْ كُنْتُ قَدْ عَصَيْتُكَ، فَإِنِّي

نعمت داد و شکر گزارم، پاک و منزّه است کسی که قدرت داشت و بخشید. خداوندا!

قَدْ أَطَعْتُكَ فِي أَحَبِّ الْأَشْيَاءِ إِلَيْكَ وَهُوَ الْإِيمَانُ بِكَ، لَمْ

اگر معصیت و نافرمانی تو را کردم؛ به راستی که در محبوب‌ترین چیزها نزد تو که ایمان

أَتَّخِذُ لَكَ وَ لِدَاءً، وَ لَمْ أَدْعُ لَكَ شَرِيكًا، مَنَّا مِنْكَ بِهِ عَلَيَّ

به توست، تو را اطاعت کرده‌ام؛ فرزندی برای تو نگرفتم؛ و شریکی برایت نخواندم؛ و

لَا مَنَّا مَنِّي بِهٖ عَلَيكَ، وَقَدْ عَصَيْتُكَ يَا اِلٰهِي عَلٰی غَيْرِ

اینها منّتی از تو بر من است نه منّتی باشد از من بر تو؛ خدای من؛ تو را نافرمانی کردم

وَجِهَ الْمُكَابَرَةِ، وَلَا الْخُرُوجَ عَنْ عِبَادَتِكَ، وَلَا الْجُحُودَ

نه از روی گردنکشی و نه برای خارج شدن از مرتبه بندگی تو، و نه برای انکار ربوبیت

لِرُبُوبِيَّتِكَ، وَلٰكِنْ اطَّعْتُ هَوَايَ، وَاَزَلَنِي الشَّيْطَانُ، فَلَكَ

تو؛ بلکه از هوای نفسم پیروی کردم و شیطان مرا دچار لغزش ساخت؛ پس حجت

الْحُجَّةُ عَلَيَّ وَالْبَيَانُ، فَاِنْ تُعَذِّبُنِي فَبِذُنُوبِي غَيْرِ ظَالِمٍ،

و بیان تو بر من تمام است، پس اگر عذابم کنی به خاطر گناهانم می باشد و توستمگر نیستی و

وَ اِنْ تُغْفِرْ لِي وَ تَرْحَمْنِي، فَاِنَّكَ جَوَادٌ كَرِيْمٌ، يَا كَرِيْمٌ يَا

اگر مرا بیامرزی و ترحم نمایی همانا تو بخشنده بزرگواری، ای بزرگوار ای

كَرِيْمٌ، (این کلمه را به قدر یک نفس تکرار کند)، سپس بگوید:

بزرگوار،

يَا اٰمِنًا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ، وَ كُلُّ شَيْءٍ مِنْكَ خَائِفٌ حَذَرٌ،

ای آنکه از هر چیزی ایمن هستی، و همه از تو ترسان و بیمناکند؛

اَسْأَلُكَ بِاٰمِنِكَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ، وَخَوْفِ كُلِّ شَيْءٍ مِنْكَ،

از تو می خواهم به امنیت و امان تو از هر چیز و ترس هر چیز از تو،

اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ، وَاَنْ تُعْطِيَنِي اٰمَانًا

که بر محمد و آل محمد درود بفرستی و به من در مورد خودم

لِنَفْسِي وَاَهْلِي وَاَوْلَادِي، وَاَسْأَلُكَ مَا اَنْعَمْتَ بِهٖ عَلَيَّ، حَتّٰى

و خانواده و فرزندانم و دیگر نعمتهایی که به من داده ای امنیت و آسودگی عطا

لَا أَخَافُ أَحَدًا، وَلَا أَخْذَرُ مِنْ شَيْءٍ أَبَدًا، إِنَّكَ عَلِيُّ كُلِّ

کسی، تا هرگز از کسی نترسم و از چیزی بیمناک نباشم؛ همانا تو بر هر کاری

شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَحَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ، يَا كَافِيَ إِبْرَاهِيمَ

قادر و توانایی و خداوند، ما را بس است و او خوب و کیلی است. ای کفایت کننده ابراهیم

نَمْرُودَ، يَا كَافِيَ مُوسَى فِرْعَوْنَ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ

از شرّ نمرود، و ای کفایت کننده موسی از شرّ فرعون، از تو می خواهم که بر محمد

مُحَمَّدَ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَكْفِيَنِي شَرَّ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ.

و آل محمد درود بفرستی و مرا از شرّ «فلانی فرزند فلانی» کفایت کنی.

پس به خواست خدا، دعاکننده از شرّ کسی که از او می ترسد در

امان خواهد بود. آنگاه سجده کرده و حاجتش را می طلبد و به سوی

خدا تضرّع و ناله می کند.

هیچ زن و مرد مؤمنی نیست که این نماز را بخواند و با خلوص

نیت دعا کند، مگر اینکه برای او درهای آسمان برای اجابت باز شده

و در همان وقت و همان شب هر که باشد، دعایش اجابت می شود

و این از فضل خداوند بر ما و مردم است.^۱

۱. مهج الدعوات، ص ۳۵۱؛ المصباح، ص ۵۲۲ با اندکی تفاوت.

نماز روز بیست و هفتم ماه رجب

«ابوالعبّاس احمد بن علی بن نوح (ره)» می گوید: «ابواحمد محسن بن عبدالحکم سجری» به من فرمود و من از اصل کتابش نوشتم که در کتاب «ابی نصر جعفر بن محمد بن حسن بن هیثم» نوشته شده که این نماز از «ابوالقاسم حسین بن روح (ره)» نقل شده است:

نماز روز بیست و هفتم ماه رجب، دوازده رکعت است و در هر رکعت سوره «حمد» را با هر سوره‌ای که توانست می خواند و بعد از هر دو رکعت سلام می دهد و این دعا را می خواند:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي

سپتایش خدایی را که فرزندی نگرفته و شریکی در ملک و سلطنت ندارد، و برایش

الْمُلْكِ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذَّلِّ وَكَبْرُهُ تَكْبِيرًا، يَا عُدَّتِي

سرپرست و یآوری از جهت خواری و ذلت نمی باشد، و او را به عظمت و بزرگی یاد

فِي مُدَّتِي، وَيَا صَاحِبِي فِي شِدَّتِي، يَا وَلِيِّي فِي نِعْمَتِي،

کن. ای ساز و برگ من در مدت زندگی، و ای همدم من در سخت و گرفتاریم، و ای

یا غِیَاثِی فِی رَغَبَتِی، یا مُجِیبِی فِی حَاجَتِی، یا حَافِظِی

سرپرست من در نعمتم، ای فریادرس من در هر نیازم، ای اجابت‌گر من در درخواست

فی غِیْبَتِی، یا کَالِئِی فِی وَحْدَتِی، یا اَنْسِی فِی وَحْشَتِی،

من، ای حافظ من در غیاب من، ای نگهدار من در تنهایی من، ای مونس من در وحشت

أَنْتَ السَّاتِرُ عَوْرَتِی، فَلكَ الْحَمْدُ، وَأَنْتَ الْمُقِیلُ عَثْرَتِی،

من. تنها تو پوشاننده زشتی‌های من هستی؛ پس ستایش تو راست و توازن لغزش‌هایم

فَلَکَ الْحَمْدُ، وَأَنْتَ الْمُنْفِیسُ صَرْعَتِی، فَلكَ الْحَمْدُ صَلِّ

در می‌گذری؛ پس حمد تنها سزاوار توست و تنها تو برطرف‌کننده زمین افتادیم هستی.

عَلِی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَسْتُرُ عَوْرَتِی، وَآمِنُ رَوْعَتِی،

پس حمد تنها سزاوار توست، بر محمد و آل محمد درود بفرست و عیوب مرا بپوشان،

وَاقْلِنِی عَثْرَتِی، وَأَصْفَحْ عَن جُرْمِی، وَتَجَاوِزْ عَن سِیِّئَاتِی

و مرا از ترس ایمنی بخش، و از لغزشم درگذر، و از جرمم چشم‌پوشی کن، و از گناهانم

فِی أَصْحَابِ الْجَنَّةِ، وَعَدَ الصِّدْقِ الَّذِی کَانُوا یُوعَدُونَ.

درگذر و در میان اهل بهشت که وعده صدق به آنان دادند (مرا داخل گردان).

وقتی از نماز فارغ شدی و دعا را تمام کردی، هر کدام از سوره‌های

«حمد»، «قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ»، «قُلْ یَا أَیُّهَا الْکَافِرُونَ»، «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ

النَّاسِ»، «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ»، «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِی لَیْلَةِ الْقَدْرِ» و «آیة

الکرسی» را هفت مرتبه می‌خوانی، سپس هفت مرتبه می‌گویی:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ، وَسُبْحَانَ اللَّهِ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ»

معبودی جز خدا نیست و خدا بزرگ‌تر و منزّه است و وجوبش

لا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. و هفت بار نیز می‌گویی: اللَّهُ اللَّهُ رَبِّي،

خدا، خدا پرورگار من است،

و نیرویی نیست مگر به سبب خدا.

لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا.

به او چیزی را شریک نسازم.

و بعد در مورد هر چه دوست داری دعا می‌کنی.^۱

۱۳

نماز شب نیمه ماه شعبان

ابویحیی صنعانی و سی نفر از افراد مورد اعتماد، از امام باقر و

امام صادق (ع) روایت کرده‌اند که آن دو بزرگوار فرمودند:

هرگاه شب نیمه شعبان شد چهار رکعت نماز، در هر رکعت

«حمد» یک مرتبه و «قل هو الله أحد» را صد مرتبه می‌خوانی و

چون نماز تمام شد، می‌گویی:

اللَّهُمَّ إِنِّي فَقِيرٌ، وَمِنْ عَذَابِكَ خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ، اللَّهُمَّ لَا تُبَدِّلْ

خداوندا! من فقیر و محتاجم و از عذاب ترسان و به تو پناهنده‌ام. خداوندا! نامم را (با نام دیگری) عوض

۱. اقبال الاعمال، ص ۱۸۱.

اسْمِي، وَلَا تُغَيِّرْ جِسْمِي، وَلَا تَجْهَدْ بِلَائِي، وَلَا تُشْمِتْ بِي

مکن، و بدنم را دگرگون مساز، و بلامم را سخت مگردان و دشمنانم را سرزنش کننده من قرار مده، از

اَعْدَائِي، اَعُوذُ بِعَفْوِكَ مِنْ عِقَابِكَ، وَاَعُوذُ بِرَحْمَتِكَ مِنْ عَذَابِكَ،

کیفرت به بخششت پناه می برم و از عذابت به رحمتت پناه می برم و از خشم تو به خشنودی ات پناه

وَاَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ، وَاَعُوذُ بِكَ مِنْكَ جَلِ ثَنَاؤُكَ، اَنْتَ

می برم و از تو به خودت پناه می برم، ستایش تو والا است؛ تو، آن چنانی که خودت خود را ستوده ای

كَمَا اثْنَيْتَ عَلَي نَفْسِكَ، وَفَوْقَ مَا يَقُولُ الْقَائِلُونَ!

و برتر از گفتار گویندگانی.

بخش دوم

دعاهای قنوت

دعا برای ظهور امام زمان (ع) در قنوت نمازها

«شهید اول (ره)» در کتاب «ذکری» می گوید: «ابن ابی عقیل»،

این دعا را که از حضرت امیرالمؤمنین (ع) نقل شده، برای خواندن در قنوت انتخاب کرده است:

اللَّهُمَّ إِلَيْكَ شَخَصَتِ الْأَبْصَارُ، وَ تَقَلَّتِ الْأَقْدَامُ، وَ

بارالها! چشم‌ها به تو دوخته شده است، گام‌ها به سوی تو برداشته شده، دست‌ها به سوی تو بالا

رُفِعَتِ الْأَيْدِي، وَ مَدَّتِ الْأَعْنَاقُ، وَ أَنْتَ دُعِيتَ بِالْأَلْسُنِ،

آمده، گردن‌ها به سوی تو کشیده شده است. تویی که با زبان‌ها، فراخوانده می شوی؛ و کارهای

وَ إِلَيْكَ سِرُّهُمْ وَ نَجْوَاهُمْ فِي الْأَعْمَالِ، رَبَّنَا افْتَحْ

پنهانی و رازهای (مردم) به طرف توست؛ پروردگارا! بین ما و قوم ما به حق حکم کن، که تو

بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَ أَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ. اللَّهُمَّ

بهترین حکم کننده و قضاوت کننده هستی. بارالها! از نبود پیامبرمان، کمی نفراتمان، فراوانی

إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ غِيْبَةَ نَبِيِّنَا وَ قَلَّةَ عَدَدِنَا، وَ كَثْرَةَ

دشمنانمان، پشتیبانی دشمنانمان از یکدیگر علیه ما و وجود فتنه‌های فراوان برای ما؛ به تو

عَدُونَا، وَ تَظَاهِرَ الْأَعْدَاءِ عَلَيْنَا، وَ وَقُوعَ الْفِتَنِ بِنَا، فَفَرِّجْ

شکایت می کنیم بارالها! با عدالتی که آشکارش می کنی، و امام و پیشوای راستینی که به همگان

ذَلِكَ اللَّهُمَّ بَعْدَلٍ تُظَهِّرُهُ، وَ إِمَامٍ حَقٌّ تُعَرِّفُهُ، إِلَهَ الْحَقِّ

معرفی می کنی، این گرفتاری ها را برطرف کن و گشایشی فرما! ای معبود به حق، اجابت کن،

أَمِينَ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

ای پروردگار جهانیان.

وی می افزاید: روایتی به من رسیده است که امام صادق (ع)

همواره به شیعیان خود دستور می فرمودند: پس از کلمات فرج، در

قنوت این دعا را بخوانند.^۱

دعای قنوت حضرت بقیة الله (ع)

این قنوت را «سید بن طاووس (ره)» در «مهج الدعوات» و «مرحوم

کفعمی» در «البلد الامین» از حضرت صاحب الزمان (ع) نقل نموده اند:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَكْرَمِ أَوْلِيَاءِكَ

بارالها! بر محمد و آل محمد درود فرست؛ و اولیا و دوستان را با عمل و وعدهات گرامی بدار، و

۱. بحار الأنوار، ج ۸۵، ص ۲۰۷.

بِإِنجَازِ وَعْدِكَ، وَ بَلَّغُهُمْ دَرَكَ مَا يَأْمُلُونَهُ مِنْ نَصْرِكَ،

آنان را به دست‌یابی آنچه آرزو دارند از یاری تو برسان، و باز بدار از ایشان سختی و شکنجه و

وَ اكْفِفْ عَنْهُمْ بَأْسَ مَنْ نَصَبَ الْخِلَافَ عَلَيْكَ، وَ تَمَرَّدَ

عذاب کسی را که بنای مخالفت با تو دارد، و از منع تو نسبت به ارتکاب گناه و مخالفت سرپیچی

بِمَنْعِكَ عَلَي رُكُوبِ مُخَالَفَتِكَ، وَ اسْتِعَانَ بِرُفْدِكَ عَلَي فُلٍ

نموده و به کمک و عطای تو یاری جسته بر شکستن حرمتت؛ و به وسیله خوبی‌ها و نعمت‌هایی که از

حَدِّكَ، وَ قَصَدَ لَكَيْدِكَ بِأَيْدِكَ، وَ وَسِعَتْهُ حِلْمًا لَتَأْخُذَهُ

توست، قصد فریب دادن تو را دارد. الهه تو نسبت به این مخالفت خود بردباری کرده‌ای تا ناگهان و

عَلَي جَهْرَةٍ، وَ تَسْتَأْصِلُهُ عَلَي عِزَّةٍ. فَإِنَّكَ اللَّهُمَّ قُلْتَ

آشکارا او را گرفتار کنی، و با وجود قدرتی که یافته‌ای - او را به سختی مستأصل و بیچاره کنی. خداوند!

وَ قَوْلِكَ الْحَقُّ «حَتَّى إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَ

تو در قرآن فرموده‌ای و گفته‌ای تو حقیقت دارد؛ «تا آنکه زمین آراسته و دلرای زر و برق شد و اهلش

ازِينَتْ وَ ظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ قَادِرُونَ عَلَيْهَا أَتَاهَا أَمْرُنَا لَيْلًا

گمان کردند که قدرت و توانایی بر آن را دارند؛ - در این حال - دستور ما، شبانه یا به هنگام روز در

أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَاهُمْ حَصِيدًا كَأَنْ لَمْ تَغْنَبِ بِالْأَمْسِ كَذَلِكَ

رسید، و آنها را درو شده ساختیم؛ به گونه‌ای که گویا دیروز هیچ نداشته است؛ این گونه نشانه‌ها

نُفِصِلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»، وَ قُلْتَ «فَلَمَّا اسْفُونا

را برای کسانی که اهل تفکر و اندیشه باشند، به تفصیل بیان می‌کنیم». و نیز فرموده‌ای: «وقتی

انْتَقَمْنَا مِنْهُمْ»^۱، وَإِنَّ الْغَايَةَ عِنْدَنَا قَدْ تَنَاهَشْتَ، وَإِنَّا

ما را به خشم آورده و ناراحت کردند، از ایشان انتقام گرفتیم». (خدایا)؛ واقعیت آن است که ما به

لِغَضَبِكَ غَاضِبُونَ، وَإِنَّا عَلَىٰ نَصْرِ الْحَقِّ مُتَعَاصِبُونَ، وَ

آخر خط رسیده ایم و تحمل نداریم، ما با خشم تو به خشم می آییم، و برای یاری حق و حقیقت به

إِلَىٰ وُرُودِ أَمْرِكَ مُشْتَاقُونَ، وَإِلْجَازِ وَعْدِكَ مُرْتَقِبُونَ،

هم پیوسته ایم، و مشتاق رسیدن دستورت هستیم، و انتظار محقق شدن وعدهات را می کشیم،

وَلِحُلُولِ وَعِيدِكَ بِأَعْدَائِكَ مُتَوَقِّعُونَ. اللَّهُمَّ فَاذَنْ بِذَلِكَ،

و انجام تهدیدهایت علیه دشمنانت را متوقع هستیم. بارالها! اجازه این کار را صادر کن و راههای

وَأَفْتَحْ طُرُقَاتِهِ، وَسَهِّلْ خُرُوجَهُ، وَوَطِّأْ مَسَالِكَهُ، وَأَشْرِعْ

آن را بگشا، و قیام او را آسان گردان، و محل پیمودنش را آماده و هموار ساز و راههای او را آشکار

شَرَّائِعَهُ، وَأَيِّدْ جُنُودَهُ وَأَعْوَانَهُ، وَبَادِرْ بِأَسْكَ الْقَوْمِ

ساز، و سپاهیان و یارانش را نیرومند و قوی گردان، و ستم کاران را به سرعت گرفتار شکنجه و

الظَّالِمِينَ، وَأَبْطِطْ سَيْفَ نَقْمَتِكَ عَلَىٰ أَعْدَائِكَ الْمُعَانِدِينَ،

عذابت کن و شمشیر انتقامت را بر دشمنانت که آگاهانه مخالفت و سرپیچی می کنند مسلط

وَأَخْذِ بِالثَّارِ، إِنَّكَ جَوَادٌ مَكَارٌ.^۲

ساز و انتقام را بگیر، که تو بخشنده چاره جویی.

۱. سوره زخرف، آیه ۵۵.

۲. مهج الدعوات، ص ۹۰؛ البلد الامین، ص ۶۶۴.

دعای دوم حضرت بقیة الله (ع) در قنوت

این قنوت را «سید بن طاووس (ره)» در «مهج الدعوات» و

«مرحوم کفعمی» در «البلد الامین» از امام زمان (ع) نقل نموده‌اند:

[قُلْ] اللَّهُمَّ مَا لَكَ الْمُلْكُ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ، وَ تَنْزِعُ

(بگو): خدایا مالک و اختیاردار جهانی؛ فرمان‌فرمایی را به هر کسی که بخواهی می‌دهی؛ و از

الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ، وَ تُعْزِزُ مَنْ تَشَاءُ، وَ تُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ،

هر که بخواهی می‌گیری؛ هر کسی را که بخواهی عزیز می‌گردانی؛ و هر که را بخواهی خوار

بِيَدِكَ الْخَيْرُ، إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، يَا مَاجِدُ يَا جَوَادُ،

می‌کنی؛ خیر و خوبی تنها در دست توست؛ به راستی که تو بر هر چیز توانایی. ای شکوه‌مند؛

يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ، يَا بَطَّاشُ يَا ذَا بَطْشِ الشَّدِيدِ، يَا

ای سخاوتمند؛ ای دارنده قدر و عظمت و بخشش و بزرگواری، ای بسیار سخت‌گیر؛ ای صاحب

فَعَالًا لِّمَا يُرِيدُ، يَا ذَا الْقُوَّةِ الْمَتِينِ، يَا رَوْفُ يَا رَحِيمٌ،

سخت‌گیری شدید، ای انجام‌دهنده هر چه می‌خواهد؛ ای صاحب نیروی قوی و محکم؛ ای

يَا لَطِيفُ يَا حَيُّ حِينَ لَا حَيَّ. أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَخْزُونِ

رفوف؛ ای مهربان؛ ای لطف‌کننده؛ ای زنده، در زمانی که هیچ زنده‌ای نبود؛ از تو می‌خواهم به

الْمَكْنُونِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ، الَّذِي اسْتَأْثَرَتْ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ

وساطه اسمت که ذخیره شده، پنهان، زنده و پایدار است؛ که در دانش پنهان خود، مخفی‌اش

عِنْدَكَ لَمْ يَطَّلِعْ عَلَيْهِ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِكَ، وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ

کرده‌ای و هیچ کس از آفریدگانت بدان آگاهی ندارد؛ و از تو درخواست می‌کنم به واسطه آن

الَّذِي تُصَوِّرُ بِهِ خَلْقَكَ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ تَشَاءُ، وَ بِهِ

اسمت که آفریدگانت را با آن در رحم مادران، هرگونه بخواهی صورت می‌بخشی؛ و روزی

تَسُوقُ إِلَيْهِمْ أَرْزَاقَهُمْ فِي أَطْبَاقِ الظُّلُمَاتِ، مِنْ بَيْنِ

ایشان را در طبقه‌های تاریک، از بین رگ‌ها و استخوان‌ها به ایشان می‌رسانی؛ و از تو درخواست

الْعُرُوقِ وَالْعِظَامِ، وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي أَلْفَتْ بِهِ بَيْنَ

می‌کنم به واسطه آن اسمت که با آن بین دل‌های دوستانت پیوند و الفت برقرار کردی؛ و برف

قُلُوبِ أَوْلِيَائِكَ، وَ أَلْفَتْ بَيْنَ الثَّلْجِ وَالنَّارِ، لَا هَذَا يُذِيبُ

و آتش را با هم گرد آوردی، به گونه‌ای که نه آتش برف را آب کند، و نه برف آتش را خاموش

هَذَا، وَلَا هَذَا يُطْفِئُ هَذَا. وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي كَوَّنْتَ

نماید؛ و از تو درخواست می‌کنم به واسطه آن اسمت که با آن، به آب‌ها طعم بخشیدی، و از

بِهِ طَعْمَ الْمِيَاهِ، وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي أَجْرَيْتَ بِهِ الْمَاءَ

تو درخواست می‌کنم به آن اسمت که با آن آب را در بین لایه‌های زمین در ریشه‌های گیاه

فِي عُرُوقِ النَّبَاتِ بَيْنَ أَطْبَاقِ الثَّرَى، وَسُقَّتِ الْمَاءُ إِلَى

جاری ساختی و از میان سنگ‌های سخت، آب را به سوی ریشه درختان روان نمودی، و از تو

عُرُوقِ الْأَشْجَارِ بَيْنَ الصَّخْرَةِ الصَّمَاءِ، وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ

درخواست می‌کنم به آن اسمت که به وسیله آن طعم و رنگ‌های مختلف را به میوه‌ها دادی؛

الَّذِي كَوَّنْتَ بِهِ طَعْمَ الثَّمَارِ وَالْوَانِهَا. وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ

و از تو درخواست می‌کنم با آن نامی که با آن، آغاز می‌کنی و باز می‌گردانی؛ و از تو درخواست

الَّذِي بِهِ تَبْدِئُ وَتُعِيدُ، وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْفَرْدِ الْوَاحِدِ،

می‌کنم با آن اسم یکتای یگانه‌ات، اسمی که به یکتایی اشاره دارد، و برای بی‌نیازی، یگانه

الْمُتَفَرِّدِ بِالْوَحْدَانِيَّةِ، الْمُتَوَحِّدِ بِالصَّمَدَانِيَّةِ، وَ أَسْأَلُكَ

است؛ و از تو می‌خواهم به واسطه نامی که با آن، آب را با نیرو و فشار از تکه سنگ‌های سفت و

بِاسْمِكَ الَّذِي فَجَّرْتَ بِهِ الْمَاءَ مِنَ الصَّخْرَةِ الصَّمَاءِ، وَ

محکم بیرون آوردی، و از هر جایی که خواستی روان ساختی؛ و از تو می‌خواهم به واسطه نامی

سُقْتَهُ مِنْ حَيْثُ شِئْتَ. وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي خَلَقْتَ

که با آن، افریدگانت را افریدی و هرگونه که خواستی و هرگونه که خواستند آنان را روزی

بِهِ خَلَقَكَ، وَ رَزَقْتَهُمْ كَيْفَ شِئْتَ وَ كَيْفَ شَاءُوا، يَا مَنْ

دادی؛ ای کسی که روزها و شب‌ها، در او دگرگونی ایجاد نمی‌کنند؛ می‌خوانم تو را ابا همان

لَا يُغَيِّرُهُ الْأَيَّامُ وَاللَّيَالِي، أَدْعُوكَ بِمَا دَعَاكَ بِهِ نُوحٌ حِينَ

دعایی که نوح هنگامی که تو را ندا داد خواند، پس او را با همراهانش نجات بخشیدی، و قوم

نَادَاكَ فَأَنْجَيْتَهُ وَمَنْ مَعَهُ، وَ أَهْلَكَ قَوْمَهُ، وَ أَدْعُوكَ بِمَا

(ستمگر)ش را نابود کردی؛ و تو را می‌خوانم با همان دعایی که ابراهیم - دوست - هنگامی

دَعَاكَ بِهِ إِبْرَاهِيمُ خَلِيلِكَ حِينَ نَادَاكَ فَأَنْجَيْتَهُ وَجَعَلْتَ

که تو را ندا داد دعا کرد، پس او را نجات دادی، و آتش را برایش سرد و سلامت گردانیدی،

النَّارَ عَلَيْهِ بَرْدًا وَسَلَامًا، وَ أَدْعُوكَ بِمَا دَعَاكَ بِهِ مُوسَى

و تو را می‌خوانم با همان دعایی که موسی - هم سخنت - هنگامی که تو را ندا داد، با آن

كَلِمِكَ حِينَ نَادَاكَ فَفَلَقْتَ لَهُ الْبَحْرَ فَأَنْجَيْتَهُ وَ بَنِي

دعا تو را می‌خواند، پس دریا را برایش شکافتی و او را با بنی اسرائیل نجات دادی، و فرعون و

إِسْرَائِيلَ، وَأَغْرَقْتَ فِرْعَوْنَ وَ قَوْمَهُ فِي الْيَمِّ. وَ أَدْعُوكَ

سپاهش را در آب غرق فرمودی. و تو را می خوانم با دعایی که عیسی - روح تو - هنگامی که

بِمَا دَعَاكَ بِهِ عِيسَى رُوحُكَ حِينَ نَادَاكَ فَنَجَّيْتَهُ مِنْ

تو را ندا داد، با آن دعا تو را خواند، و در نتیجه او را از دست دشمنانش نجات دادی، و به سوی

أَعْدَائِهِ وَ إِلَيْكَ رَفَعْتَهُ، وَ أَدْعُوكَ بِمَا دَعَاكَ بِهِ حَبِيبُكَ وَ

خودت بالا بردی؛ و تو را می خوانم با همان دعایی که حضرت محمد همان دوست، برگزیده

صَفِيُّكَ وَ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله فَاسْتَجَبْتَ

و پیامبرت - که درود خدا بر او و آل او باد - با آن دعا تو را خواند، پس به او پاسخ مثبت دادی،

لَهُ، وَ مِنْ الْأَحْزَابِ نَجَّيْتَهُ، وَ عَلَى أَعْدَائِكَ نَصْرَتَهُ. وَ

و از گروه های متشکل نجاتش بخشیدی، و بر دشمنانت یاریش نمودی؛ و از تو می خواهم

أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي إِذَا دُعِيتَ بِهِ أَجَبْتَ، يَا مَنْ لَهُ

با آن نامت که هر گاه یا آن خوانده شوی به طور حتم پاسخ می دهی. ای کسی که آفرینش و

الْخَلْقُ وَ الْأَمْرُ، يَا مَنْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا، يَا مَنْ

دستور و حکم فروایی، از آن اوست؛ ای کسی که دانشش، همه چیز را فرا گرفته است؛ ای کسی

أَحْصَى كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا، يَا مَنْ لَا تُغَيِّرُهُ الْأَيَّامُ وَ اللَّيَالِي،

که تعداد همه چیز را می داند؛ ای کسی که روزها و شبها در او دگرگونی ایجاد نمی کند؛

وَ لَا تَتَشَابَهُ عَلَيْهِ الْأَصْوَاتُ. وَ لَا تَخْفَى عَلَيْهِ اللُّغَاتُ، وَ

و صدا های مختلف او را به اشتباه نمی اندازد؛ و لغت ها بر او پنهان نیست؛ اصرار و پافشاری

لَا يُرْمُهُ الْإِحَاخُ الْمُلْحِنِينَ. أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ

اصرار کنندگان او را به ستوه نمی آورد؛ از تو درخواست می کنم بر حضرت محمد و آل محمد

وَالْمُحَمَّدِ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، فَصَلِّ عَلَيْهِمْ بِأَفْضَلِ

که برگزیدگان از آفریدگانت هستند درود بفرستی. پس بر آنان به برترین درودهایت، درود

صَلَوَاتِكَ، وَصَلِّ عَلَى جَمِيعِ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ، الَّذِينَ

بفرست. و بر تمام پیامبران و فرستادگان خود که راهنمایی‌های تو را به درستی و به طور

بَلَّغُوا عَنْكَ الْهُدَىٰ، وَأَعْقِدُوا لَكَ الْمَوَاقِيقَ بِالطَّاعَةِ،

کامل به بندگانت رسانده و پیمان‌های محکم برای فرمان‌برداری با تو، بستند؛ درود بفرست،

وَصَلِّ عَلَى عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ. از این بخش دعا به بعد

و بر تمام بندگان شایسته و نیکوکار درود فرست.

مخصوص شخص حضرت مهدی (ع) است. يَا مَنْ لَا يُخْلَفُ

ای کسی که خلاف وعده‌اش

الْمِيْعَادَ أَنْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي، وَاجْمَعْ لِي أَصْحَابِي وَ

رفتار نمی‌کند؛ وعده‌ای را که به من دادی، وفا کن؛ و تمام یارانم را برایم گرد آور، و به

صَبْرَهُمْ، وَأَنْصُرْنِي عَلَىٰ أَعْدَائِكَ وَأَعْدَاءِ رَسُولِكَ، وَلَا

ایشان صبر و استقامت عطا کن، و مرا بر دشمنان خودت و دشمنان پیامبرت حضرت

تُخَيِّبْ دَعْوَتِي، فَإِنِّي عَبْدُكَ، ابْنُ عَبْدِكَ، ابْنُ أُمَّتِكَ، أَسِيرٌ

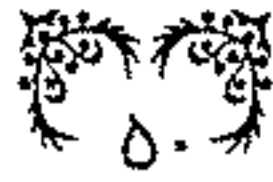
محمد(ص) - پیروز فرما؛ و دعایم را بی‌پهره مگردان؛ که من بنده تو و فرزند بنده تو، و

بَيْنَ يَدَيْكَ، سَيِّدِي أَنْتَ الَّذِي مَنَنْتَ عَلَيَّ بِهَذَا الْمَقَامِ وَ

فرزند کنیز تو هستم، در پیشگاه تو اسیرم. سرور و آقای من؛ تویی که چنین مقام و منزلتی

تَفَضَّلْتَ بِهِ عَلَيَّ دُونَ كَثِيرٍ مِنْ خَلْقِكَ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ

را بر من منت نهاده‌ای و مرا به وسیله آن از بسیاری از آفریدگانت برتری داده‌ای، از تو



عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُجْزَلَ مَا وَعَدْتَنِي، إِنَّكَ

هرخواست می‌کنم که بر محمد و آل محمد درود فرستی و به وعده‌ای که به من دادی وفا

أَنْتَ الصَّادِقُ وَلَا تَخْلِفُ الْمِيعَادَ، وَأَنْتَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ

کنی، که به راستی تو راست‌گو هستی، و خلاف وعده‌ات رفتار نمی‌کنی، و تو بر هر چیز

قَدِيرٌ ۱

توانایی داری.

۴

دعای سوم آن حضرت در قنوت

«آیت‌الله سید نصرالله مستنبط (ره)»، در حرم حضرت

امیرالمؤمنین (ع) به دیدار امام زمان (ع) شرفیاب شد، در حالی که

آن حضرت نماز می‌خواند؛ به آنچه آن حضرت می‌خواندند گوش فرا

داد و شنید که آن حضرت در قنوتش این‌گونه دعا می‌کرد:

اللَّهُمَّ إِنَّ مُعَاوِيَةَ بْنَ أَبِي سُفْيَانَ قَدْ عَادَى عَلِيَّ بْنَ أَبِي

بَارِئًا؛ به راستی که معاویه پسر ابوسفیان، با علی بن ابی طالب (ع) دشمنی سرسختانه‌ای

طالِب، فَالْعَنُهُ لَعْنًا وَبِيلاً^۱

کرد؛ پس او را به شدت لعنت کن.

۵

دعا در قنوت نماز جمعه

برای ظهور آن بزرگوار (ع)

«پسر مقاتل» روایت نموده که امام رضا (ع) فرمود:

در قنوت نماز جمعه چه می گوئید و چه دعایی می کنید؟

گفتم: همان دعاهایی که مردم می خوانند.

فرمود: آن طور که آنها دعا می کنند، دعا مکن؛ بلکه بگو:

اللَّهُمَّ أَصْلِحْ عَبْدَكَ وَ خَلِيفَتَكَ بِمَا أَصْلَحْتَ بِهِ أَنْبِيَاءَكَ

بارالها! به وسیله آنچه که کار پیامبران و فرستادگانت را اصلاح فرمودی، امور بنده و جانشینت

و رُسُلِكَ، وَ حُفَّهُ بِمَلَأَتِكَ، وَ أَيْدُهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ مِنْ

(امام عصر (ع)) را نیز اصلاح فرما و با فرشتگانت گرداگردش را فراگیر؛ و او را با روح القدس

عندك، وَأَسْلِكُهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مَنْ خَلْفَهُ رَصْدًا يَحْفَظُونَهُ

از جانب خودت، تأییدش گردان؛ و مراقب و نگهبانانی در پیش رو و از پشت سرش بگمار، تا

۱. معجم رجال الفكر و الأدب فی النجف خلال ألف عام، ج ۳، ص ۱۱۹۹.

مِنْ كُلِّ سُوءٍ، وَأَبْدَلُهُ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِ أَمْنًا، يَعْبُدُكَ لَا يُشْرِكُ

نگذارند هیچ بدی به او برسد؛ و پس از شرایط ترسناکی که دارد، محیطی سراسر آرامش برایش

بِكَ شَيْئًا، وَلَا تَجْعَلْ لِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ عَلَيَّ وَلِيًّا

فراهم کن، تا تو را بپرستد و چیزی را شریک تو نگرداند؛ و چیرگی و قدرت برای هیچ یک از

سُلْطَانًا، وَأُذِنَ لَهُ فِي جِهَادِ عَدُوِّكَ وَعَدُوِّهِ، وَأَجْعَلَنِي مِنْ

آفریدگانت بر ولیجات قرار مده؛ و به او اجازه بده تا با دشمن تو و دشمن خودش به نبرد برخیزد؛

أَنْصَارِهِ، إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ^۱

و مرا نیز از یاران آن حضرت قرار ده؛ همانا، تو بر هر چیزی توانا هستی.

۱. مصباح المتهجد، ص ۳۶۶، جمال الاسبوع، ص ۲۵۶، بحار الأنوار، ج ۸۹، ص ۲۵۱.

ابواب الجنات، ص ۱۸۳.

بخش سوم

ادعیه بعد از نمازها

دعا برای ظهور حضرت بقیة الله (ع)

بعد از هر نماز واجب

در کتاب «جمال الصالحین» از مولایمان امام صادق (ع) نقل شده
است که حضرت فرمودند:

همانا از حقوق ما بر شیعیان ما این است که بعد از هر نماز واجب
دست‌هایشان را بر چانه گذاشته و سه مرتبه بگویند:

يَا رَبِّ مُحَمَّدٍ عَجَّلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ، يَا رَبِّ مُحَمَّدٍ

ای پروردگار محمد؛ فرج و گشایش امور آل محمد را تعجیل فرما؛ ای پروردگار محمد؛

إِحْفَظْ غَيْبَةَ مُحَمَّدٍ، يَا رَبِّ مُحَمَّدٍ اِنْتَقِمِ لَابْنَةِ

محافظة کن (دین را در) غیبت محمد، ای پروردگار محمد؛ انتقام دختر محمد (ص)

مُحَمَّدٍ (ع).^۱

را بگیر.

۱. مکیال المکارم، ج ۲، ص ۷.

دعا برای ظهور امام زمان (ع)

پس از نمازهای واجب

امام جواد (ع) فرمودند:

وقتی از نماز واجب فارغ شدی بگو:

رَضِيْتُ بِاللَّهِ رَبًّا، وَ بِالْإِسْلَامِ دِينًا، وَ بِالْقُرْآنِ كِتَابًا، وَ

خشنودم که خداوند پروردگار من، اسلام دین من، قرآن کتابم،

بِمُحَمَّدٍ (ص) نَبِيًّا، وَ بَعَلِيٍّ وَ لِيًّا، وَ بِالْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ، وَ

حضرت محمد (ص)، پیامبرم، حضرت علی سرپرست و صاحب اختیارم،

عَلِيٍّ بِنِ الْحُسَيْنِ، وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، وَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ،

حسن و حسین و علی بن حسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد

وَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ، وَ عَلِيٍّ ابْنِ مُوسَى، وَ مُحَمَّدِ بْنِ

و موسی بن جعفر و علی ابن موسی و محمد بن

عَلِيٍّ، وَ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ، وَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، وَ الْحُجَّةَ

علی و علی بن محمد و حسن بن علی و حجت

بِنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ أُمَّةً. اللَّهُمَّ وَلِيَّكَ الْحُجَّةَ فَاحْفَظْهُ

بن الحسن بن علی امامان و پیشوایان من باشند. خداوندا! ولی تو حضرت

مَنْ بَيْنَ يَدَيْهِ، وَمَنْ خَلْفَهُ، وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ، وَ

حجت است، پس او را از روبه‌رو و پشت سرش و از طرف راست و چپش،

مَنْ فَوْقَهُ وَمَنْ تَحْتَهُ، وَأَمْدُدْ لَهُ فِي عُمُرِهِ، وَأَجْعَلْهُ الْقَائِمَ

و از بالا و پایین حفظ فرما، و عمرش را طولانی کن، و او را قیام‌کننده به امرت قرار بده، تا یاری‌گر

بِأَمْرِكَ، الْمُنتَصِرَ لِدِينِكَ، وَأَرِهَ مَا يُحِبُّ وَتَقَرُّ بِهِ فِي نَفْسِهِ

دینت باشد و آنچه دوست می‌دارد و باعث چشم‌روشنی‌اش می‌شود در مورد خودش و فرزندانش

وَفِي ذُرِّيَّتِهِ، وَأَهْلِهِ وَمَالِهِ، وَفِي شَيْعَتِهِ وَفِي عَدُوِّهِ،

و خانواده‌اش و مالش و پیروان و دشمنانش به او نشان ده، و آنچه دشمنانش در مورد او پرهیز

وَأَرْهَمْ مِنْهُ مَا يَحْذَرُونَ، وَأَرِهَ فِيهِمْ مَا يُحِبُّ وَتَقَرُّ بِهِ

دارند به آنان نشان ده، و آنچه آن حضرت در مورد دشمنانش دوست دارد و چشمش به آن

عَيْنُهُ، وَأَشْفِ بِهِ صُدُورَنَا وَصُدُورَ قَوْمِ مُؤْمِنِينَ.

روشن می‌شود به او نشان ده و سینه‌های ما را و سینه‌های مؤمنان را به وسیله او شفا بخش.

این حدیث، دعا کردن برای فرج مولایمان حضرت حجت، ارواحنا

فداه را بعد از هر نماز واجب مورد تأکید قرار می‌دهد.^۱

۱. مکیال المکارم، ج ۲، ص ۳ و مانند آن در «نزّهة الزاهد، ص ۹۱» وارد شده است.

دعا برای تشرّف خدمت حضرت بقیّة الله (ع)

که بعد از نمازهای واجب خوانده می شود

روایت شده است:

هر کس بعد از نمازهای واجب این دعا را بخواند و بر آن مواظبت کند، آن قدر عمرش طولانی شود و زندگی اش ادامه یابد که از زندگی دلتنگ شود و به سبب این دعا به دیدار حضرت صاحب الامر (ع) مشرف گردد.

آن دعا چنین است:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، اللَّهُمَّ إِنَّ رَسُولَكَ

خداوندا؛ بر محمد و آل محمد درود بفرست. خدای من؛ همانا رسول راستگو و تأیید

الصَّادِقَ الْمُصَدِّقَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ إِنَّكَ قُلْتَ مَا

شدهات، که درودهای تو بر او و آل او باد - گفته است: که همانا تو فرموده‌ای: در مورد

تَرَدَّدْتُ فِي شَيْءٍ أَنَا فَاعِلُهُ كَتَرَدَّدِي فِي قَبْضِ رُوحِ

هیچ کدام از کارهایی که انجام می‌دهم مثل قبض روح بنده مؤمنم دچار تردید نشده‌ام؛

عَبْدِي الْمُؤْمِنِ يَكْرَهُ الْمَوْتَ أَنَا أَكْرَهُ مَسَاءَتَهُ. اللَّهُمَّ فَصَلِّ

زیرا او مرگ را خوش نمی‌دارد و من ناراحتی او را نمی‌پسندم. خداوندا؛ پس بر محمد و

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجَّلْ لَوْلِيَّكَ الْفَرَجَ وَالنَّصْرَ

آل محمد درود بفرست و فرج و گشایش کار ولّیات و پیروزی و عافیتش را تعجیل فرما

وَالْعَافِيَةَ وَلَا تَسُوْنِي فِي نَفْسِي وَلَا فِي فُلَانٍ

و موجبات ناراحتی مرا در مورد خودم و فلانی فراهم مساز.

فرمود: و هر که را که می خواهی به جای «فلانی» نام ببر.^۱

۴

دعای دیدار امام زمان(ع)

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمودند:

هر کس بعد از هر نماز واجب این دعا را بخواند، همانا او حضرت

حجت(ع) را در بیداری یا خواب می بیند:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَانَا صَاحِبَ الزَّمَانِ، أَيْنَمَا كَانَ وَ حَيْثُمَا

خداوندا؛ به مولایمان صاحب الزمان هر کجا و هرگونه که باشد

كَانَ، مِنْ مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا، سَهْلِهَا وَ جَبَلِهَا،

در شرق و غرب زمین، بیابان و کوه آن؛

۱. مکارم الأخلاق: ج ۲، ص ۳۵ و در مصباح المتهجد، ص ۵۸ و الصحيفة

الصادقية، ص ۱۷۸ با اندکی تفاوت.

عَنْي وَعَنْ وَالِدِي، وَعَنْ وُلْدِي وَإِخْوَانِي التَّحِيَّةَ وَ

درود و تحیتی از طرف من و والدینم و از سوی فرزندانم و برادرانم

السَّلَامَ عَدَدَ خَلْقِ اللَّهِ، وَزِنَةَ عَرْشِ اللَّهِ، وَمَا أَحْصَاهُ

به تعداد آفریدگان خدا و سنگینی عرش الهی و آنچه کتابش

کتابه، وَأَحَاطَ عِلْمُهُ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَجِدُّ لَهُ فِي صَبِيحَةِ

در بر دارد و دانشش به آن احاطه دارد؛ برسان. خداوندا؛ همانا من در بامداد

هَذَا الْيَوْمِ، وَمَا عَشْتُ فِيهِ مِنْ أَيَّامِ حَيَاتِي، عَهْدًا وَعَقْدًا

امروز و دیگر روزهای زندگی‌ام، با او عهد و پیمان و بیعتی را

وَبَيْعَةً لَهُ فِي عُنُقِي، لَا أَحُولُ عَنْهَا وَلَا أُزُولُ. اللَّهُمَّ

که از او برگردنم است تجدید می‌کنم و هرگز از این بیعت دگرگون نمی‌شوم و کنار هم

اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَنُصَّارِهِ الذَّائِبِينَ عَنْهُ، وَالْمُمْتَلِينَ

نمی‌زنم. خداوندا؛ مرا از یارانش و جان‌نثارانی که از او دفاع می‌کنند قرار بده، و از آنان

لَأُؤَامِرُهُ وَنَوَاهِيهِ فِي أَيَّامِهِ، وَالْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ.

که دستورات و نهی‌هایش را در دوران حکومتش فرمان می‌برند و نیز از شهادت جویان در

اللَّهُمَّ فَإِنْ حَالَ بَيْنِي وَبَيْنَهُ الْمَوْتُ، الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلِيَّ

رکابش قرار بده. خداوندا؛ اگر بین من و او مرگ فاصله انداخت؛ - مرگی که برای بندگانت

عِبَادِكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا فَأَخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِي مُؤْتَرًّا كَفْنِي،

حتمی و قطعی قرار داده‌ای - پس مرا از قبرم خارج کن در حالی که کفنم را به کمر بستم،

شَاهِرًا سَيْفِي، مُجْرِدًا قَنَاتِي، مُلَبِّيًا دَعْوَةَ الدَّاعِي فِي

شمشیرم کشیده، نیزه‌ام آماده و بیرون کشیده شده و دعوت دعوت‌کننده را در شهر باشم

الْحَاضِرِ وَالْبَادِي. اللَّهُمَّ ارِنِي الطَّلْعَةَ الرَّشِيدَةَ وَالْفُرَّةَ

یا صحرا، لَبَّيْكَ گویم. خداوندا؛ به من طلعت راه‌گشاه و چهره ستوده شده را نشان بده، و با

الْحَمِيدَةَ، وَاکْحُلْ بَصْرِي بِنَظْرَةِ مَنْنِي إِلَيْهِ، وَعَجِّلْ فَرَجَهُ،

نگاهی از من به سوی او چشمم را سرمه کن، و فرجش را تعجیل فرما، و خروجش را آسان

وَسَهِّلْ مَخْرَجَهُ. اللَّهُمَّ اشْدُدْ أزرَهُ، وَقَوِّ ظَهْرَهُ، وَطَوِّلْ

گردان. خداوندا؛ پشتش را محکم، و کمرش را قوی و نیرومند گردان و عمرش را طولانی

عُمُرَهُ، وَاعْمُرِ اللَّهُمَّ بِهِ بِلَادَكَ، وَأَحْيِ بِهِ عِبَادَكَ، فَإِنَّكَ

کن و - خداوندا - به وسیله او، سرزمین‌هایت را آباد گردان و به واسطه او بندگانت را زنده

قُلْتَ وَقَوْلِكَ الْحَقُّ «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا

گردان؛ زیرا تو گفتی در حالی که سخن تو حق است: «فساد در خشکی و دریا ظاهر شده

كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ» فَأَظْهِرِ اللَّهُمَّ لَنَا وَلِيَّكَ وَابْنَ بِنْتِ

به واسطه آنچه مردم با دست خود انجام دادند». پس خداوندا؛ ولی خود و فرزند دختر

نَبِيِّكَ، الْمُسَمَّى بِاسْمِ رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، حَتَّى

پیامبرت را - که همنام است با رسولت که دروذهای تو بر او و آل او باد - برای ما ظاهر کن

لَا يَظْفَرُ بِشَيْءٍ مِنَ الْبَاطِلِ إِلَّا مَرْقَهُ، وَيُحَقِّقَ اللَّهُ الْحَقَّ

تا بر چیزی از باطل دست نیابد مگر آنکه آن را پاره کند، و خدا به کلماتش، حق را ثابت

بِكَلِمَاتِهِ وَيُحَقِّقَهُ. اللَّهُمَّ اكْشِفْ هَذِهِ الْعُمَّةَ عَنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ

کند و آن را محقق سازد. خداوندا؛ این گرفتاری و اندوه را از این امت با ظهورش برطرف

بظهوره، إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا، وَنَرَاهُ قَرِيبًا، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ

ساز که همانا آنان (مخالفان) آن را دور می بینند و ما نزدیک می بینیم؛ و خدا بر محمد و

مُحَمَّدٍ وَاللَّهِ ۱

آل محمد درود بفرستد.

۵

دعای بعد از نماز صبح

سید بزرگوار «علی بن طاووس (ره)» در کتاب «مصباح الزائر»

می نویسد: این دعایی است که هر روز پس از نماز صبح مولایمان

امام زمان (ع) با آن زیارت می شود:

اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَايَ صَاحِبَ الزَّمَانِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ عَن

خداوندا؛ برسان به مولایم صاحب الزمان - که درودهای خدا بر او باد - از

جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا

سوی تمام مردان و زنان مؤمن در شرق و غرب زمین و در خشکی و دریا و

وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا، وَسَهْلِهَا وَجَبَلِهَا، حَيْثُمْ وَمَيْتِهِمْ، وَعَن

بیابان و کوه، زنده و مرده آنها، و از سوی پدر و مادر و فرزندانم و خودم درود

وَالدِّيِّ وَوُلْدِي، وَعَنِّي مِنَ الصَّلَوَاتِ وَالتَّحِيَّاتِ، زَنَةَ عَرْشِ

و تحیتی هم سنگ عرش الهی، و گسترده گی کلمات او و نهایت رضایتش، و

اللَّهُ، وَمَدَادَ كَلِمَاتِهِ، وَمُنْتَهَى رِضَا، وَعَدَدَ مَا أَحْصَاهُ كِتَابُهُ،

آن مقدار که کتابش گرد آورده و علمش به آن احاطه دارد. بارالها؛ در امروز

وَأَحَاطَ بِهِ عِلْمُهُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَجِدُّ لَكَ فِي هَذَا الْيَوْمِ وَفِي كُلِّ

و در هر روز، عهد (زبانی) و پیمان (قلبی) و بیعت (عملی) که نسبت به او بر

يَوْمٍ، عَهْدًا وَعَقْدًا وَيَبِيعَةً [لَكَ] فِي رَقَبَتِي، اللَّهُمَّ كَمَا شَرَّفْتَنِي

گردم است تجدید می کنم. خداوندا؛ همان گونه که مرا به این شرافت سرفراز

بِهَذَا التَّشْرِيفِ، وَفَضَّلْتَنِي بِهَذِهِ الْفَضِيلَةِ، وَخَصَّصْتَنِي بِهَذِهِ

کردی، و به این فضیلت برتری دادی، و به این نعمت مخصوص گرداندی،

النُّعْمَةَ، فَصَلِّ عَلَى مَوْلَايَ وَسَيِّدِي صَاحِبِ الزَّمَانِ،

پس بر مولایم و آقایم صاحب الزمان درود فرست و مرا از یاوران و پیروان و

وَأَجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَشْيَاعِهِ وَالذَّائِبِينَ عَنْهُ، وَأَجْعَلْنِي مِنَ

مدافعانش قرار بده، و مرا از شهادت در پیشگاه و رکاب همایونی او قرار بده

الْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ، طَائِعًا غَيْرَ مُكْرَهٍ فِي الصَّفِّ الَّذِي

که با تمام شوق آرزوی شهادت می کنند نه با اجبار؛ در صفی که اهل آن را

نَعَتْ أَهْلُهُ فِي كِتَابِكَ، فَقُلْتَ «صَفًّا كَانَهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ»

در قرانت وصف کرده ای و گفتی: «صف بسته اند گویی اینان بنیانی آهنین

عَلَى طَاعَتِكَ وَطَاعَةِ رَسُولِكَ وَآلِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ. اللَّهُمَّ

هستند» در فرمان برداری تو و رسالت و آل او - که بر ایشان درود باد - خداوندا؛

هَذِهِ بَيْعَةٌ لَهُ فِي عُنُقِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ^۱

این بیعتی است برای او در گردنم تا روز قیامت.

۶

دعا برای ظهور امام زمان (ع)

در تعقیب نماز صبح

«شیخ بهایی (ره)» در تعقیب نماز صبح می گوید: در حالی که محاسن خود را در دست راست گرفته‌ای و کف دست چپ را رو به آسمان بالا برده باشی، هفت مرتبه می گویی:

يَا رَبِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

ای پروردگار محمد و آل محمد؛ بر محمد و آل محمد درود فرست،

وَ عَجِّلْ فَرَجَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ.^۲

و در فرج محمد و آل محمد شتاب فرما.

۱. زاد المعاد، ص ۴۸۷، مصباح الزائر، ص ۴۵۴.

بعضی از بزرگان این دعا را در بخش زیارت‌ها ذکر کرده‌اند؛ زیرا این دعا به منزله بیعت با امام زمان (ع) است.

۲. مفتاح الفلاح، ص ۲۰۶، مصباح المتهجد، ص ۵۳ (با کمی تفاوت).

۷

دعای دیگر برای ظهور آن حضرت (ع)

پس از نماز صبح

در «منهاج العارفين» آمده است: مستحب است نماز گزار بعد از

نماز صبح صد مرتبه بگوید:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ^۱

خداوندا! بر محمد و آل محمد درود فرست و در فرجشان تعجیل فرما.

۸

دعای دیگری برای حضرت بقیة الله (ع)

بعد از نماز صبح

«علامة مجلسی (ره)» در کتاب «مقباس» در تعقیب نماز صبح

روایت می کند: پیش از آنکه کلامی بر زبان بیاورد صد مرتبه

بگوید:

۱. منهاج العارفين، ص ۱۰۸.

يَا رَبِّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَعَجِّلْ فَرَجَ آلِ

ای پروردگار من! بر محمد و آل محمد درود فرست و در فرج و راحتی آل محمد شتاب

مُحَمَّدٍ، وَاعْتِقْ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ.^۱

فرما، و مرا از آتش رها و آزاد کن.

۹

دعاهایی که حضرت بقیةالله (ع)

برای برطرف شدن مشکلات شدید به مردی آموختند

«محدث نوری (ره)» در «دارالسلام» می گوید:

عالم عامل «ملا فتحعلی سلطان آبادی (ره)» به من گفت که:

فاضل مقدس پرهیزگار «ملا محمد صادق عراقی (ره)» در نهایت

فقر و تنگدستی و در سختی و بلا بود و گرفتاری و بدبختی از هر

سو به او رو آورده بود.

روزگاری به همین ترتیب گذشت و گشایش در کارش حاصل

نشد و تنگدستی او برطرف نشد تا اینکه شبی در خواب دید که گویا

در بیابانی است و در آن بیابان خیمه بزرگی برپا می باشد و قبه ای

۱. مکیال المکارم، ج ۲، ص ۱۳.

بربالای آن است.

شیخ از صاحب آن خیمه پرسش نمود. به او گفته شد: در این خیمه، پناهگاه محکم و استوار، فریادرس گرفتار بیچاره، حجت قائم، حضرت مهدی و امام منتظر مرضی - که خداوند تعالی در راحتی و فرجش شتاب کند و خروجش را آسان فرماید - حضور دارند. شیخ به سرعت به سمت خیمه رفت؛ زیرا برطرف شدن گرفتاری اش را در آن یافته بود.

وقتی به حضور حضرت رسید، از پریشانی و فشار زمان و سختی حال خانواده اش شکایت کرد و از حضرت دعایی خواست که با آن غم و اندوه از او برداشته شده و گرفتاری اش برطرف شود.

حضرت او را به سیدی از فرزندانش حواله کرد و به خیمه اش اشاره کرد. شیخ از حضور حضرت مرخص شده و به آن خیمه رفت. در آنجا سید سند دانشمند مورد اعتماد، عالم والا مقام و مورد تأیید جناب «سید محمد سلطان آبادی» را دید که بر سجاده اش نشسته و در حال نیایش است.

بعد از سلام، آنچه حجت پروردگار حواله کرده بود عرض کرد و

سید دعایی که رفع تنگدستی و سختی کند و موجب افزایش روزی باشد به او آموخت.

در این هنگام شیخ از خواب بیدار شد، در حالی که دعا در ذهنش مانده بود. سپس به سوی خانه «سید محمد» روانه شد با آنکه قبل از آن خواب به دلیلی که ذکر نمی‌کرد از سید کناره می‌گرفت و نمی‌خواست او را ببیند.

وقتی به خانه سید رسید و داخل شد، سید را دید که بر روی سجاده نمازش - همان گونه که در خواب دیده بود - نشسته و ذکر خدا می‌گوید و استغفار می‌کند.

به سید سلام کرد و او جواب داد؛ در حالی که خنده‌ای بر لب داشت، گویا قضیه را می‌داند و از اسرار پنهانی آگاه است. شیخ آنچه در خواب پرسیده بود از سید پرسید و سید همان دعا را به او آموخت.

شیخ مدت کمی آن دعا را خواند و دنیا از هر طرف به او روی آورد. همیشه استاد ما دام ظلّه آن سید را با احترام تعریف می‌نمود؛ در حالی که او را در اواخر عمرش درک کرده و زمان کوتاهی

شاگردی ایشان نموده بود.

آنچه سید(ره) در خواب و بیداری به شیخ آموخت، سه چیز است:

۱. بعد از نماز صبح در حالی که دست را بر روی سینه می گذارد، هفتاد مرتبه «یا فتاح» بگوید.

«کفعمی(ره)» نیز در کتاب «مصباح» می گوید: هر کس به این شکل این ذکر را بگوید، خداوند تعالی حجاب را از قلبش برطرف کند.

۲. آنچه «کلینی» در کتاب «کافی» آن را روایت کرده است که: یکی از اصحاب رسول خدا(ص) چند روزی به خدمت ایشان نرسید و هنگامی که حضور حضرت رسید، رسول خدا(ص) به او فرمودند:

چه چیزی تو را از دیدار ما در این چند روز باز داشت؟
مرد گفت: بیماری و فقر.

حضرت فرمود: آیا نمی خواهی به تو دعایی بیاموزم که خدا فقر و بیماری را به وسیله آن از تو دور کند؟

مرد گفت: البته، ای رسول خدا.

حضرت فرمودند: بگو:

لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ [الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ]، تَوَكَّلْتُ عَلَى

هیچ جنبش و توانایی نیست مگر به سبب خداوند [بلندمرتبه بزرگ]؛ توکل

الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ [صَاحِبَةً

کردم بر (خدای) زنده‌ای که هرگز نمی‌میرد، و حمد و ستایش مخصوص خدایی

وَلَا] وَلَدًا، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ

است که [همسر و] فرزندی ندارد و در فرمانروایی شریکی برایش نیست،

وَلِيُّ مِنَ الذَّلِّ، وَكَبْرُهُ تَكْبِيرًا.

و به بزرگی از او یاد کن.

۳. آنچه «ابن فهد حلی» در کتاب «عدّة الداعی» از رسول

خدا(ص) روایت کرده است:

هر کس این دعا را هر روز بعد از نماز صبح بخواند، هیچ حاجتی

از خدای تعالی نخواهد مگر آنکه به آسانی برآورده شود و خداوند

کارهای مهم او را کفایت نماید:

بِسْمِ اللَّهِ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَفْوَضُ أَمْرِي

به نام خدا و خداوند بر محمد و آل محمد درود فرستد، و کارم را به خدا

إِلَى اللَّهِ، إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ، فَوَقِيَهُ اللَّهُ سَيِّئَاتِ مَا مَكْرُوا،

و اگذار می کنم، همانا خدا نسبت به بندگان بیناست. پس خدا او را از بدی های آنچه مکر و حيله کرده اند

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ، فَاسْتَجِبْنَا

محفوظ داشت؛ هیچ خدایی جز تو نیست؛ پاک و منزهی تو، همانا من از گروه ستمگران بودم؛ پس دعای

لَهُ وَ نَجِّنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَ كَذَلِكَ تُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ، حَسْبُنَا اللَّهُ

او را اجابت کردیم و او را از غم و اندوه رهانیدیم و این گونه مؤمنان را نیز می بخشیم و خدا ما را کفایت

وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ، فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةِ اللَّهِ وَ فَضْلٍ لَمْ يَمَسُّهُمْ

می کند و او خوب و کیلی است. پس با نعمتی از سوی خدا و فضل و احسان در حالی که هیچ بدی به

سُوءٌ، مَا شَاءَ اللَّهُ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا

آنان راه نرسید دگر گون شدند. آنچه خدا بخواهد همان شود و هیچ جنبش و توانایی نیست مگر به سبب

مَا شَاءَ النَّاسُ، مَا شَاءَ اللَّهُ وَ أَنْ كَرِهَ النَّاسُ حَسْبِيَ الرَّبُّ

خدا؛ هر چه خدا بخواهد همان شود نه آنچه مردم بخواهند؛ هر چه خدا بخواهد همان شود؛ هر چند مردم

مِنَ الْمَرْبُوبِينَ، حَسْبِيَ الْخَالِقُ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ، حَسْبِيَ

خوش نداشته باشند. پرورش دهنده، مرا از پرورش یافتگان کفایت می کند؛ آفریننده، مرا از آفریدگان

الرَّازِقُ مِنَ الْمَرْزُوقِينَ، حَسْبِيَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ، حَسْبِيَ

کفایت می کند، روزی دهنده مرا از روزی خواران کفایت می کند؛ خدایی که پروردگار جهانیان است مرا

مَنْ هُوَ حَسْبِي، حَسْبِي مَنْ لَمْ يَزَلْ حَسْبِي، حَسْبِي مَنْ

کفایت می کند. کفایت می کند مرا آن کسی که برایم کافی است؛ کفایت می کند مرا آنکه همیشه کفایت

كَانَ مُذْ كُنْتُ [لَمْ يَزَلْ] حَسْبِي، حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ،

می‌کند؛ کفایت می‌کند مرا آنکه از ابتدایی که بودم پیوسته مرا کفایت می‌کند؛ خدایی مرا کفایت می‌کند

عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ.

که جز او خدایی نیست؛ تنها بر او توکل کردم و او پروردگار عرش بزرگ است.

۱۰

دعا برای ظهور آن حضرت

پس از نماز صبح و ظهر در هر روز

امام صادق (ع) می‌فرمایند:

هر کس بعد از نماز صبح و ظهر، در روز جمعه و دیگر روزها بگوید:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ

خداوندا! تو بر محمد و آل محمد درود فرست و در فرج و راحتی ایشان تعجیل فرما.

نمی‌میرد تا اینکه حضرت قائم مهدی (ع) را درک کند.^۱

۱. مصباح المتهجد: ۳۶۸. بحار الأنوار، ج ۸۶، ص ۷۷ و ج ۸۹، ص ۳۶۳ و در «الصحيفة الصادقية: ۱۶۹» نقل کرده است که این صلوات را صد مرتبه بگوید.

دعا برای ظهور آن بزرگوار (ع)

پس از نماز ظهر در هر روز

در کتاب «فلاح السائل» آمده است: از اذکار مهم در تعقیب نماز ظهر، اقتدا کردن به امام صادق (ع) در دعا کردن برای حضرت مهدی (ع) است و دعای امام صادق (ع) این است:

يَا سَامِعَ كُلِّ صَوْتٍ، يَا جَامِعَ (كُلِّ فَوْتٍ)، يَا بَارِيَّ كُلِّ

ای شنونده هر صدا؛ ای گردآورنده (هر نابود)؛ ای آفریننده هر جان و روان بعد از مرگ؛

نَفْسٍ بَعْدَ الْمَوْتِ، يَا بَاعِثُ، يَا وَارِثُ، يَا سَيِّدَ السَّادَةِ، يَا إِلَهَ

ای برانگیزاننده؛ ای وارث ای آقا و سرور آقایان؛ ای معبود معبودها؛ ای چیره و متسلط بر

الْآلَهَةِ، يَا جَبَّارَ الْجَبَابِرَةِ، يَا مَلِكَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، يَا رَبَّ

چیره شوندگان؛ ای پادشاه دنیا و آخرت؛ ای پرورش دهنده پرورش دهندگان، ای پادشاه

الْأَرْبَابِ، يَا مَلِكَ الْمُلُوكِ، يَا بَطَّاشُ، يَا ذَا الْبَطْشِ الشَّدِيدِ،

پادشاهان؛ ای بسیار سخت گیر؛ ای صاحب سخت گیری شدید؛ ای انجام دهنده هر چه

يَا فَعَّالًا لِمَا يُرِيدُ، يَا مُحْصِيَ عَدَدِ الْأَنْفَاسِ وَنَقْلِ الْأَقْدَامِ،

می خواهد؛ ای شمارشگر تعداد نفس ها و حرکت و جابجایی قدم ها؛ ای کسی که پنهان

يَا مَنْ السِّرُّ عِنْدَهُ عَلَانِيَةٌ، يَا مُبْدِيُّ، يَا مُعِيدُ. أَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ

در نزد او آشکار است؛ ای آغازگر آفرینش؛ ای بازگرداننده؛ از تو می‌خواهم به حق خودت

عَلَى خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَبِحَقِّهِمُ الَّذِي أُوجِبْتَ لَهُمْ عَلَيَّ

بر بندگان برگزیده‌ات از میان آفریدگانت، و به حقی که برای ایشان بر خودت لازم

نَفْسِكَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلَ بَيْتِهِ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ

کردی؛ که بر محمد و اهل بیتش درود بفرستی که سلام بر او و بر آنان باد، و در همین

السَّلَامُ، وَأَنْ تَمَنَّيَ عَلَيَّ السَّاعَةَ السَّاعَةَ بِفِكَارِ رَقَبَتِي مِنْ

ساعت، در همین ساعت بر من منت گذاشته و مرا از آتش رها کنی؛ و برای ولی خودت

النَّارِ، وَأَنْجِزْ لَوْلِيِّكَ وَأَبْنِ نَبِيِّكَ الدَّاعِيَ إِلَيْكَ بِإِذْنِكَ، وَ

و فرزند پیامبر خودت که دعوت کننده به سوی تو به اجازه تو و امانت‌داری در میان خلق

أَمِينِكَ فِي خَلْقِكَ، وَ عَيْنِكَ فِي عِبَادِكَ، وَ حُجَّتِكَ عَلَيَّ

تو و چشم تو در میان بندگان تو، و حجت تو بر آفریدگان تو است - که درودها و برکات

خَلْقِكَ، عَلَيْهِ صَلَوَاتُكَ وَبَرَكَاتُكَ وَعُدَّةُ. اللَّهُمَّ أَيَّدْهُ بِنَصْرِكَ،

تو بر او باد - وعده‌ات را انجام بده. خداوندا؛ با یاری خودت او را تأیید کن و بنده‌ات را

وَأَنْصُرْ عَبْدَكَ، وَقَوِّ أَصْحَابَهُ وَصَبِّرْهُمْ، وَاجْعَلْ لَهُمْ مِنْ

یاری نما، و اصحابش را قوت بخش و آنان را شکیبایی عنایت کن؛ و برای ایشان از نزد

لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا، وَ عَجِّلْ فَرَجَهُ، وَ أَمْكِنُهُ مِنْ أَعْدَائِكَ

خودت قدرت یاری کننده‌ای را قرار ده؛ و در راحتی و فرجش تعجیل کن، و او را بر

وَ أَعْدَاءِ رَسُولِكَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

دشمنانت و دشمنان رسولت، مکن و قدرت ببخش، ای مهربان‌ترین مهربانان.

دعا برای ظهور امام زمان (ع)

پس از نماز عصر

«سید بن طاووس (ره)» در کتاب «فلاح السائل» می‌نویسد: از اذکار مهم

بعد از نماز عصر، اقتدا کردن به مولایمان حضرت موسی بن جعفر (ع) در

دعا نمودن برای مولایمان حضرت مهدی (ع) است و آن دعا این است:

أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَ

تو خدایی هستی که معبودی جز تو نیست؛ اول و آخر و ظاهر و باطن تویی؛ تو خدایی

الْبَاطِنُ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، إِلَيْكَ زِيَادَةُ الْأَشْيَاءِ

هستی که معبودی جز تو نیست؛ فزونی و کاستی چیزها در اختیار توست؛ تو خدایی

وَتُقْضَانُهَا، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، خَلَقْتَ الْخَلْقَ

هستی که معبودی جز تو نیست؛ آفرینش را بدون کمک دیگران و بدون نیاز به آنان

بغَيْرِ مَعُونَةٍ مِنْ غَيْرِكَ، وَلَا حَاجَةَ إِلَيْهِمْ، أَنْتَ اللَّهُ لَا

آفریدی؛ تو خدایی هستی که معبودی جز تو نیست؛ مشیت از توست و آغاز کردن

إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، مِنْكَ الْمَشِيَّةُ وَإِلَيْكَ الْبَدْءُ. أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ

بستگی به تو دارد. تو خدایی هستی که معبودی جز تو نیست؛ قبل از هر قبلی بوده‌ای

إِلَّا أَنْتَ، قَبْلَ الْقَبْلِ وَ خَالِقُ الْقَبْلِ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا

و تو آفریدگار قبل هستی؛ تو خدایی هستی که معبودی جز تو نیست؛ بعد از هر بعدی

أَنْتَ، بَعْدَ الْبَعْدِ وَ خَالِقُ الْبَعْدِ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ،

هستی و آفریدگار بعد تویی، تو خدایی هستی که معبودی جز تو نیست، هر چه را

تَمْحُو مَا تَشَاءُ وَ تُثَبِّتُ وَ عِنْدَكَ أُمُّ الْكِتَابِ، أَنْتَ اللَّهُ لَا

بخوایی محو یا اثبات می کنی و ام کتاب نزد توست، تو خدایی هستی که معبودی

إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، غَايَةُ كُلِّ شَيْءٍ وَ وَاوْرَثُهُ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ

جز تو نیست؛ نهایت و وارث هر چیزی؛ تو خدایی هستی که معبودی جز تو نیست،

إِلَّا أَنْتَ، لَا يَعْزُبُ عَنْكَ الدَّقِيقُ وَلَا الْجَلِيلُ، أَنْتَ اللَّهُ لَا

هیچ چیز کوچک و بزرگ از نظرت پنهان نمی ماند؛ تو خدایی هستی که معبودی جز تو

إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، لَا يَخْفَى عَلَيْكَ اللَّغَاتُ، وَلَا تَتَشَابَهُ عَلَيْكَ

نیست، هیچ لغتی از تو پوشیده نمی ماند و صداهای مختلف تو را به اشتباه نمی اندازد.

الْأَصْوَاتُ. كُلُّ يَوْمٍ أَنْتَ فِي شَأْنٍ، لَا يَشْغَلُكَ شَأْنٌ عَنْ

هر روز تو در شأن و کاری هستی که هیچ شانی تو را از شأن دیگر باز نمی دارد. دانای

شَأْنٍ، عَالَمُ الْغَيْبِ وَ أَخْفَى، دَيَّانُ الدِّينِ، مُدَبِّرُ الْأُمُورِ،

غیب و پنهانی ها، پاداش دهنده کار تدبیرگر امور، برانگیزاننده افرادی که در قبرهایند،

بَاعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ، مُحْيِ الْعِظَامِ وَ هِيَ رَمِيمٌ، أَسْأَلُكَ

زنده کننده استخوان ها در حالی که بودر و خاکستر شده اند تو هستی، از تو می خواهم

بِاسْمِكَ الْمَكْنُونِ الْمَخْزُونِ، الْحَيِّ الْقَيُّومِ، الَّذِي لَا يَخِيبُ

به اسم پنهان ذخیره شده ات، که زنده و پاینده است، که هر گس تو را به آن نام بخواند

مَنْ سَأَلَكَ بِهِ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَنْ تُعَجِّلَ

نامید نمی‌شود، که بر محمد و آل محمد درود بفرستی و فرج و گشایش در کار انتقام

فَرَجَ الْمُنتَقِمِ لَكَ مِنْ أَعْدَائِكَ، وَأَنْجِزْ لَهُ مَا وَعَدْتَهُ، يَا

گیرنده‌ات از دشمنانت را تعجیل فرمایی و آنچه به او وعده داده‌ای به جای آوری؛ ای

ذَالْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ.

صاحب جلال و کرامت.

۱۳

دعا برای ظهور امام زمان (ع)

بعد از دو رکعت اول نماز شب

«شیخ طوسی (ره)» می‌گوید: مستحب است در تعقیب این دو

رکعت نماز، این دعا خوانده شود:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ وَلَمْ يُسَأَلْ مِثْلَكَ، أَنْتَ مَوْضِعُ مَسْأَلَةِ

خداوندا؛ همانا من از تو می‌خواهم، در حالی که کسی مانند تو نیست که سؤال شود. تو

السَّائِلِينَ وَمُنْتَهَى رَغْبَةِ الرَّاعِبِينَ، أَدْعُوكَ وَلَمْ يُدْعَ مِثْلَكَ،

محل خواسته در خواست کنندگانی و نهایت شوق مشتاقانی؛ تو را صدا می‌زنم در حالی

وَأَرْغَبُ إِلَيْكَ وَلَمْ يُرْغَبْ إِلَيَّ مِثْلَكَ، أَنْتَ مُجِيبُ دَعْوَةِ

که مثل تو کسی نیست که خوانده شود، و به سوی تو مشتاقم در حالی که کسی چون

الْمُضْطَرِّينَ وَأَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ. أَسْأَلُكَ بِأَفْضَلِ الْمَسَائِلِ وَ

تو نیست که به او میل شود؛ تو اجابت‌گر دعای بیچارگانی و مهربان‌ترین مهربانانی. از

أَنْجَحِهَا وَأَعْظَمِهَا، يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانُ يَا رَحِيمٌ وَبِأَسْمَائِكَ

تو می‌خواهم به برترین خواسته‌ها و کامیاب‌ترین و بزرگ‌ترین خواسته‌ها. ای خدا؛ ای

الْحُسْنَى، وَ أَمْثَالِكَ الْعُلِيَّا، وَنِعْمِكَ الَّتِي لَا تُحْصَى. وَبِأَكْرَمِ

بخشنده؛ ای مهربان، و به نام‌های نیکویت و مثل‌های بلندمرتبهات و نعمت‌هایت که

أَسْمَائِكَ عَلَيْكَ، وَ أَحَبِّهَا إِلَيْكَ، وَ أَقْرَبِهَا مِنْكَ وَسِيلَةً، وَ

به شمارش نیاید و به گرمی‌ترین نام‌هایت، و محبوب‌ترین آنها نزد تو و نزدیک‌ترین

أَشْرَفِهَا عِنْدَكَ مَنْزَلَةً، وَ أَجْزَلِهَا لَدَيْكَ ثَوَابًا، وَأَسْرَعِهَا

آنها از نظر وسیله بودن به سوی تو، و با شرافت‌ترین آنها نزد تو از نظر قدر و منزلت و

فِي الْأُمُورِ إِجَابَةً، وَ بِأَسْمِكَ الْمَكْنُونِ الْأَكْبَرِ الْأَعَزِّ

فراوان‌ترین آنها از نظر پاداشی، و سریع‌ترین آنها در امور از نظر اجابت، و به نام پنهان

الْأَجَلِ الْأَعْظَمِ الْأَكْرَمِ، الَّذِي تُحِبُّهُ وَتَهْوَاهُ، وَتَرْضَى

بزرگ‌تر، عزیزتر، بزرگوارتر، عظیم‌تر و گرمی‌ترت که آن را دوست می‌داری و می‌خواهی

بِهِ عَمَّنْ دَعَاكَ، فَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَاءَهُ، وَحَقُّ عَلَيْكَ أَنْ

و به واسطه آن از کسی که با آن نام، تو را بخواند راضی و خشنود می‌شوی و دعایش را

لَا تَحْرِمَ سَأَلِكَ وَلَا تُرُدَّهُ. وَبِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ فِي التَّوْرَةِ

اجابت می‌کنی، و بر تو سزاوار است که خواننده خود را محروم نساخته و او را رد نکنی.

وَ الْإِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ وَالْقُرْآنِ الْعَظِيمِ، وَبِكُلِّ اسْمٍ دَعَاكَ بِهِ

و به هر اسمی که برای توست در تورات، انجیل، زبور و قرآن عظیم، و به هر اسمی که

حَمَلَةٌ عَرْشِكَ وَ مَلَائِكَتِكَ، وَ أَنْبِيَآؤُكَ وَ رُسُلُكَ، وَ أَهْلُ

حاملان عرش و فرشتگان و پیامبران و فرستادگانت و مخلوقات فرمانبرداری تو را به آن

طَاعَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ،

اسم می خوانند؛ که بر محمد و آل محمد درود فرستی و در فرج و گشایش کار ولی و

وَ أَنْ تُعَجِّلَ فَرَجَ وَلِيِّكَ وَ ابْنِ وَلِيِّكَ، وَ تُعَجِّلَ خِزْيَ

فرزند ولی خود تعجیل کنی و در خواری و ذلت دشمنانش شتاب نمایی.

أَعْدَائِهِ. در اینجا هر چه دوست داری دعا کن.^۱

در کتاب «مکیال المکارم» آمده است: در کتاب «جمال

الصالحین» اضافه‌ای برای این دعا یافتیم که چنین است:

وَ تَجْعَلْنَا مِنْ أَصْحَابِهِ وَ أَنْصَارِهِ وَ تَرْزُقْنَا بِهِ رِجَاءَنَا، وَ

و ما را از اصحاب و یارانش قرار بدهی و به واسطه او امید ما را برآورده و ارزانی داری،

تَسْتَجِيبَ بِهِ دُعَائَنَا.^۲

و دعای ما را اجابت کنی.

«مرحوم کفعمی» گوید: مستحب است که این دعا بعد از هر دو

رکعت از نمازهای شب خوانده شود.^۳

۱. مصباح المتبهج، ص ۱۳۹.

۲. مکیال المکارم، ج ۲، ص ۱۴.

۳. المصباح، ص ۷۵.

دعا برای ظهور آن حضرت (ع)
بعد از رکعت چهارم نماز شب

بعد از رکعت چهارم نماز شب، دو سجده شکر می گذاری و در آن دو سجده صد مرتبه می گویی: «مَا شَاءَ اللَّهُ، مَا شَاءَ اللَّهُ»؛ سپس این دعا را می خوانی:

يَا رَبِّ، أَنْتَ اللَّهُ، مَا شِئْتَ مِنْ أَمْرٍ يَكُونُ، فَصَلِّ عَلَيَّ

ای پروردگار من؛ تو خداوندی، هر چه از امور بخواهی انجام می شود؛ پس بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْ لِي فِيهَا تَشَاءُ أَنْ تُعَجِّلَ فَرَجَ

محمد درود فرست، و برایم در آنچه می خواهی این را قرار بده که فرج آل محمد را تعجیل

آلِ مُحَمَّدٍ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِمْ، وَتَجْعَلَ فَرَجِي وَ

فرمایی - که خدا بر آن حضرت و آنان درود فرستد - و گشایش کار مرا و گشایش کار

فَرَجِ إِخْوَانِي مَقْرُونًا بِفَرَجِهِمْ، وَتَفْعَلَ بِي كَذَا وَ كَذَا.

برادرانم را همراه با فرج آل محمد قرار دهی و برای من (چنین و چنان) کنی.

و برای هر چه دوست داری دعا کن.^۱

در بخش چهارم دعایی را که بعد از نماز صبح در روز جمعه خوانده می‌شود و نیز دعای دیگری را که بعد از نماز جمعه خوانده می‌شود نقل می‌کنیم.

بخش چهارم

دعاهای ایام هفته

دعا برای ظهور امام زمان (ع)

در روزهای پنجشنبه

«سید بن طاووس (ره)» می‌نویسد: از جمله وظایف مستحبّ روز پنجشنبه آن است که انسان هزار بار بر پیغمبر (ص) صلوات بفرستد، و مستحبّ است که بگوید:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاعْجِلْ فَرَجَهُمْ^۱

خداوندا! بر محمد و آل محمد درود بفرست و فرج ایشان را تعجیل فرما.

صلوات برای ظهور آن حضرت (ع)

از عصر روز پنجشنبه تا پایان روز جمعه

«شیخ طوسی (ره)» می‌نویسد: مستحبّ است بعد از نماز عصر روز پنجشنبه

۱. جمال الاسبوع، ص ۱۲۱.

تا آخر روز جمعه بسیار صلوات فرستادن بر پیامبر (ص) به این گونه:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ، وَ

خداوندا! بر محمد و آل محمد درود فرست و فرج ایشان را تعجیل

أَهْلِكَ عَدُوَّهُمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ، مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ.

فرما و دشمنان آنان را از جن و انس از اولین و آخرین هلاک گردان

و اگر آن را صد مرتبه بگوید، فضیلت بسیاری دارد.^۱

«کفعمی (ره)» نیز می گوید: مستحب است که انسان در روز

پنجشنبه هزار مرتبه سوره «قدر» را بخواند و هزار مرتبه بر پیغمبر (ص)

و آل او صلوات بفرستد؛ بعد دعایی را که ذکر کردیم بخواند.^۲

۳

دعا برای ظهور امام زمان (ع)

در شب جمعه

«شیخ ابو جعفر طوسی (ره)» در کتاب «مختصر المصباح» وقتی

وظایف شب جمعه را نقل می کند، می فرماید:

۱. مصباح المتهجد، ص ۲۶۵ و ص ۲۵۷ با کمی تفاوت.

۲. المصباح، ص ۱۷۷.

صد مرتبه یا هر اندازه که می‌توانی این‌گونه بر پیغمبر (ص)
صلوات می‌فرستی:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ، وَأَهْلِكَ

خداوندا! بر محمد و آل محمد درود فرست و فرج ایشان را تعجیل فرما و دشمنان

عَدُوَّهُمْ، مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ، مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ.^۱

آنان را از جن و انس از اولین و آخرین هلاک گردان.

۴

دعای ندبه

«علامه مجلسی (ره)» در کتاب «زاد المعاد» با سند معتبر از
امام صادق (ع) روایت می‌کند: خواندن دعای ندبه در اعیاد چهارگانه
یعنی روز جمعه، عید فطر، عید قربان و عید غدیر مستحب است.^۲
علامه مجلسی (ره) در «مزار بحار» از «سید بن طاووس (ره)» از
بعضی از اصحاب امامان (ع) نقل نموده است: «محمد بن علی بن ابی‌قره»
گفت: من دعای ندبه را از کتاب «محمد بن حسین بن سفیان

۱. مکیال المکارم، ج ۲، ص ۳۱.

۲. زاد المعاد، ص ۴۹۱.

بزوفری» نقل کرده‌ام و افزوده است که: آن، دعای امام زمان (ع) است که خواندنش در اعیاد چهارگانه مستحب است.

و نیز، این دعا را عالم بزرگوار «محدث نوری (ره)» در «تحیة الزائر» از «مصباح الزائر» «سید بن طاووس (ره)» و «مزار» «محمد بن مهدی» با همان سند روایت نموده است. و همچنین از کتاب «مزار قدیم» هم نقل کرده و اضافه نموده است که خواندن آن در شب جمعه مستحب است همان گونه که در اعیاد اربعه استحباب دارد^۱ و دعا این است:

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَي سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ

حمد و سپاس سزاوار پروردگار عالمیان است و درود خدا بر سید و سرور ما (حضرت)

نَبِيِّهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا. اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا جَرَى

محمد، پیامبر خدا و بر آل او سلام و تحیتی کامل. بار پروردگارا! سپاس از آن توست در

بِهِ قَضَائِكَ فِي أَوْلِيَاءِكَ، الَّذِينَ اسْتَخْلَصْتَهُمْ لِنَفْسِكَ

مورد آنچه که از قضا و قدرت در مورد دوستانت، جاری گشت؛ آنهایی که وجودشان را

وَدِينِكَ، إِذَا اخْتَرْتَ لَهُمْ جَزِيلًا مَا عِنْدَكَ مِنَ النِّعَمِ

برای حضرتت و برای دینت خالص گردانیدی، زیرا که برگزیدی برای آنها چیزهای باارزشی

۱. مکیال المکارم، ج ۲، ص ۹۳.

المُقيم، الذي لا زوال له ولا اضمحلال، بعد ان شرطت

که نزد تو است؛ از نعمت‌های پایدار که نابودی و زوال برای آنها نیست. البته پس از آنکه

عليهم الزهد في درجات هذه الدنيا الدنية وزخرفها

زهد ورزیدن و بی‌رغبتی را در مورد این دنیای پست و زر و زیور آن با آنها شرط نمودی؛

وزبرجها، فشرطوا لك ذلك، وعلمت منهم الوفاء به،

آنان نیز متعهد شدند و تو نیز وفاداری ایشان را دانستی. پس آنان را قبول کردی و به

فقبلتهم وقربتهم، وقدمت لهم الذكر العلي، والثناء

در گاه خویش نزدیک‌شان ساختی و نامی بلند و ستایشی ارجمند به آنها دادی. و

الجلی، وأهبطت عليهم ملائكتك، وكرمتهم بوحيك،

فرشتگان را بر آنان فرو فرستادی و آنها را با وحی خود گرامی داشتی و از علم خود

ورفدتهم بعلمك، وجعلتهم الذريعة اليك، والوسيلة الى

بهره‌مند ساختی و آنان را وسیله به سوی درگاهت ساختی و واسطه‌ای برای جلب رضایت

رضوانك، فبعض أسكنته جنتك الى أن أخرجته منها،

و خشنودیت قرار دادی. پس بعضی از آنها را در بهشت خود جای دادی تا زمانی که او را

وبعض حملته في فلكك ونجيته ومن آمن معه من

از آن بیرون آوردی. و برخی دیگر را در کشتی‌ات سوار نمودی و با رحمت خود از او و

الهلكة برحمتك، وبعض أخذته لنفسك خليلاً، وسألك

مؤمنان همراهش را از هلاکت رهایی بخشیدی. و بعضی دیگر را برای خودت دوست قرار

لسان صدق في الآخرين فأجبتة، وجعلت ذلك علياً،

دادی و هنگامی که از تو لسان صدق و خوش‌نامی بین دیگران را درخواست کرد، اجابتش

وَبَعْضُ كَلِمَتِهِ مِنْ شَجَرَةٍ تَكْلِيمًا، وَجَعَلَتْ لَهُ مِنْ أَخِيهِ

نمودی و او را بلند آوازه قرار دادی، و با بعضی دیگر از طریق درخت هم کلام شدی و

رِذَاءً وَوَزِيرًا، وَبَعْضُ أَوْلَادَتِهِ مِنْ غَيْرِ آبٍ، وَأَتَيْتَهُ

برادرش را وزیر و یاورش قرار دادی. و برخی دیگر را بدون پدر به وجود آوردی و به او

الْبَيِّنَاتِ، وَأَيَّدْتَهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ، وَكُلَّ شَرَعْتَ لَهُ شَرِيعَةً،

معجزات و دلایل آشکار عنایت نمودی و با روح القدس تأییدش کردی و برای هر کدام (از

وَنَهَجْتَ لَهُ مِنْهَا جَاءًا، وَتَخَيَّرْتَ لَهُ أَوْصِيَاءَ مُسْتَحْفَظًا بَعْدَ

پیامبران) شریعتی را عنایت کردی و طریقه و راه روشنی معین فرمودی و برای هر یک

مُسْتَحْفَظًا، مِنْ مُدَّةٍ إِلَى مُدَّةٍ، أَقَامَةً لِدِينِكَ، وَحُجَّةً عَلَى

جانشینانی برگزیدی تا یکی پس از دیگری حافظ شریعت باشد؛ در زمان‌های معین برای

عِبَادِكَ، وَلَيْلًا يَزُولُ الْحَقُّ عَنْ مَقَرِّهِ، وَيَغْلِبُ الْبَاطِلُ

برپا داشتن دین تو و حجت بودن بر بندگان تو تا اینکه حق از مدار خود زایل نگردد و

عَلَى أَهْلِهِ، وَلَا يَقُولُ أَحَدٌ لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا

باطل بر اهل آن زمان چیره نشود. و تا اینکه کسی نگوید: (خدایا!) اگر به سوی ما رسولی

مُنْذِرًا، وَأَقَمْتَ لَنَا عُلَمَاءَ هَادِيًا، فَتَتَّبِعَ آيَاتِكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ

می‌فرستادی تا ما را بیم دهد و برای ما رهبری هدایت کننده می‌گماشتی ما پیش از

نَزَلَ وَنَخْزِي، إِلَى أَنْ أَنْتَهَيْتَ بِالْأَمْرِ إِلَى حَبِيبِكَ وَنَجِيْبِكَ

خذلان و رسوایی مان، از آیات پیروی می‌کردیم. تا اینکه امر رسالت به حبیب و رسول

مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَكَانَ كَمَا أَنْتَجَبْتَهُ سَيِّدًا

برگزیده‌ات، محمد - که درود خدا بر او و آل او باد - منتهی گردیدی؛ پس او همچنان که او

مَنْ خَلَقْتَهُ، وَصَفْوَةَ مَنْ اصْطَفَيْتَهُ، وَأَفْضَلَ مَنْ اجْتَبَيْتَهُ،

را انتخاب کردی، سرور بندگانت و زبده زبده گانت و برتر از همه برگزیده گانت و گرامی تر از

وَ أَكْرَمَ مَنْ اعْتَمَدْتَهُ، قَدَمْتَهُ عَلَى أَنْبِيَائِكَ، وَبَعَثْتَهُ إِلَى

همه معتمدان تو بود. او را بر تمام پیامبران مقدم داشتی و بر جن و انس از بندگانت

الثَّقَلَيْنِ مِنْ عِبَادِكَ، وَأَوْطَأْتَهُ مَشَارِقَكَ وَمَغَارِبَكَ،

مبعوثش نمودی و شرق و غرب را زیر پای او و فرمان او قرار دادی و براق را برایش مسخر

وَسَخَّرْتَ لَهُ الْبُرَاقَ، وَعَرَجْتَ بِهِ إِلَى سَمَائِكَ، وَأَوْدَعْتَهُ

کردی و او را به آسمانت بالا بردی و دانش آنچه را بوده و خواهد بود تا سرانجام خلقت، به

۱. در «مکیال المکارم» آورده است که «عرجت به» موافق نسخه‌ای است که آن را عالم ربّانی حاج میرزا حسین نوری (ره) در کتاب «تحیة الزائر» از کتاب «مزار قدیم» و «مزار» شیخ محمد بن المشهدی و «مصباح الزائر» سید بن طاووس (ره) نقل فرموده است و همه آنها برگرفته شده از کتاب «محمد بن علی بن ابی قرّة» است. ولی در «زاد المعاد» «عرجت بروحه» ذکر شده است و ظاهراً بر اثر اشتباهی است که در کتاب مصباح واقع شده و مجلسی هم از آن نقل نموده است و این مشهور گشته و سبب شبهه برخی کوتاه نظران و دشمنان گشته است؛ با اینکه معراج جسمانی از ضروریات مذهب و بلکه دین می باشد و روایات ائمه (ع) در آن متواتر و قرآن به آن گویا است.

تذکر ارزشمندی: هنگام تأمل در این عبارت، ملهم شدم که خود دعا، شهادت می دهد و دلالت دارد که صحیح همان است که ذکر نمودیم (عرجت به)، و در عبارت «زاد المعاد» تصحیفی واقع شده که چه بسا کار اهل عناد باشد و وجه دلالتش بدین گونه است: اینکه کلمه «سخرت له البراق» مقترن به «عرجت به» شده است، با توجه کامل برای خردمندان آشکار می گردد که همان صحیح است که گفتیم. چرا که عروج روح هیچ احتیاجی به براق ندارد و این بر هر که قلبی

عَلِمَ مَا كَانَ وَمَا يَكُونُ إِلَىٰ انْقِضَاءِ خَلْقِكَ، ثُمَّ نَصَرْتَهُ

او سپردی. سپس با ترسی که از او بر دل دشمنانش انداختی، یاریش کردی و گرداگرد او

بِالرُّعْبِ، وَحَفَفْتَهُ بِجِبْرَائِيلَ وَمِيكَائِيلَ، وَالْمُسَوِّمِينَ مِنْ

را به جبرئیل و میکائیل و فرشتگان دیگر - که هر یک دارای علامت و اسمی هستند -

مَلَائِكَتِكَ، وَوَعَدْتَهُ أَنْ تَظْهَرَ دِينَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ

احاطه نمودی و بدو وعده پیروزی دینش را بر تمامی ادیان دادی؛ گرچه مشرکان را خوش

كَرَهُ الْمُشْرِكُونَ، وَذَلِكَ بَعْدَ أَنْ بَوَّأْتَهُ مَبَوَّأً صَدَقَ مِنْ

نیاید. و این پیروزی بعد از آن بود که پیامبر را به جایگاه صدقی از خاندانش جای دادی و

أَهْلَهُ، وَجَعَلْتَ لَهُ وَلَهُمْ «أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ، لَلَّذِي

برای او و آنان «اولین خانه‌ای را که برای (عبادت) مردم قرار داده شد، که در مکه است

بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ * فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ، مَّقَامُ

ببرکت قرار دادی و باعث هدایت جهانیان گرداندی، و نیز در آن است نشانه‌های آشکار

إِبْرَاهِيمَ، وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا»، وَقُلْتَ «أِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ

مانند مقام ابراهیم و هر که داخل آن خانه شد، در امان خواهد بود». و گفتی: «خداوند

سلیم و عاری از شرک و نفاق داشته باشد، واضح است.

اگر گفته شود: «عبارت در مقام شمارش فضایل پیامبر اکرم(ص) است و عطف با

«او» اقتضا ندارد که به طور قطع، عروج به آسمان با براق بوده باشد». در پاسخ

می‌گوییم: «اگر هم بپذیریم که «بروحه» صحیح است، این، معراج جسمانی

را نفی نمی‌کند؛ زیرا اثبات فضیلتی برای پیامبر(ص) منافات با ثبوت فضیلت

دیگری ندارد. (مکیال المکارم، ج ۲، ص ۱۰۰).

۱. سوره آل عمران، آیه ۹۶-۹۷.

لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً^۱،

اراده فرموده که هر پلیدی و ناپاکی را از شما اهل بیت پیامبر، ببرد و شما را کاملاً پاک و

تَمَّ جَعَلَتْ أَجْرَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَوَدَّتَهُمْ فِي

یاکیزه گرداند». آنگاه پاداش رسالت حضرت محمد را - که درودهای تو بر او و آل او باد -

كِتَابِكَ، فَقُلْتَ «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي

دوستی آنان مقرر نموده و در کتابت فرمودی: «بگو من از شما پاداش نمی طلبم مگر

الْقُرْبَى»^۲، وَقُلْتَ «مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ»^۳ وَقُلْتَ

دوستی خویشاوندان نزدیک را» و فرمودی: «(بگو) پاداشی که از شما خواستم آن هم برای

«مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ

خودتان و به نفع شما است» و فرمودی: (بگو) «من از شما مزد رسالت نمی خواهم مگر

سَبِيلاً»^۴، فَكَانُوا هُمُ السَّبِيلَ إِلَيْكَ، وَالْمَسْلَكَ إِلَىٰ

آنکه هر کدام از شما که بخواهد راه خدا را در پیش گیرد، پس آنها همان راه به سوی تو

رِضْوَانِكَ، فَلَمَّا انْقَضَتْ أَيَّامُهُ، أَقَامَ وَلِيُّهُ عَلِيُّ بْنُ

هستند و طریق برای خشنودی تو می باشند. پس وقتی مدت عمر پیامبر سپری شد، وصی

أَبِي طَالِبٍ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا هَادِيًا، إِذْ كَانَ هُوَ

و جانشین خود علی بن ابی طالب - درودهای تو بر آن دو و آل آن دو باد - را برای هدایت

۱. سوره احزاب، آیه ۳۳.

۲. سوره شوری، آیه ۲۳.

۳. سوره سبأ، آیه ۴۷.

۴. سوره فرقان، آیه ۵۷.

الْمُنْذِرَ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ، فَقَالَ وَالْمَلَأُ أَمَامَهُ مَنْ كُنْتُ

امت برگزید؛ زیرا که خود او بیم‌دهنده بود، و برای هر قومی هدایتگری است. پس در حالی

مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالِاهُ، وَعَادِ مَنْ

که همه در حضور او بودند، چنین گفت: هر آنکه من مولای اویم، پس علی مولای اوست؛

عَادَاهُ، وَأَنْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ، وَأَخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ وَقَالَ مَنْ

پروردگارا؛ دوستش را دوست بدار و دشمنش را دشمن، یاری نما هر که او را یاری نماید و

كُنْتُ أَنَا نَبِيُّهُ فَعَلِيٌّ أَمِيرُهُ، وَقَالَ أَنَا وَعَلِيٌّ مِنْ شَجَرَةٍ

خارجردان هر که او را مخدول نماید و گفت: هر که را من پیامبر او هستم، پس علی امیر

وَاحِدَةٍ، وَسَائِرُ النَّاسِ مِنْ شَجَرٍ شَتَّى، وَأَحَلَّهُ مَحَلَّ

و فرمانروای اوست، و فرمود: من و علی از یک درختیم و دیگر انسان‌ها از درختان مختلفند.

هَارُونَ مِنْ مُوسَى، فَقَالَ لَهُ أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ

و او را قرار داد در جایگاه هارون نسبت به موسی، پس به او فرمود: تو نسبت به من،

مُوسَى، إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي، وَزَوْجَهُ ابْنَتُهُ سَيِّدَةَ نِسَاءِ

همانند هارون برای موسی هستی، جز اینکه پس از من پیامبری نیست. و دخترش را - که

الْعَالَمِينَ، وَأَحَلَّ لَهُ مِنْ مَسْجِدِهِ مَا حَلَّ لَهُ، وَسَدَّ

سپرور و بانوی زنان عالم است - به او تزویج فرمود. و حلال کرد از مسجدش برای او، آنچه

الْأَبْوَابِ إِلَّا بَابَهُ ثُمَّ أَوْدَعَهُ عِلْمَهُ وَحِكْمَتَهُ، فَقَالَ أَنَا

برای خودش حلال بود. و همه دره‌های (مسجد) را نیز جز در خانه علی بست. آنگاه علم و

مَدِينَةَ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا، فَمَنْ أَرَادَ الْمَدِينَةَ وَالْحِكْمَةَ

حکمتش را نزد او ودیعه نهاد و فرمود: من شهر علمم و علی درب آن، پس هر که

فَلْيَاتِهَا مِنْ بَابِهَا، ثُمَّ قَالَ أَنْتَ أَخِي وَوَصِيِّي وَوَارِثِي،

می خواهد به شهر علم و حکمت قدم نهد، باید از دروازه آن داخل گردد. سپس فرمود: تو

لَحْمُكَ مِنْ لَحْمِي، وَدَمُكَ مِنْ دَمِي، وَسِلْمُكَ سِلْمِي،

برادر من، وصی من و وارث من هستی، گوشت تو از گوشت من است و خون تو از خون

وَحَرْبُكَ حَرْبِي، وَالْإِيمَانُ مُخَالَطٌ لَحْمِكَ وَدَمِكَ، كَمَا

من؛ سازش و آشتی تو، سازش و آشتی من و جنگ تو جنگ من است، و ایمان با گوشت

خَالَطٌ لَحْمِي وَدَمِي، وَأَنْتَ غَدَا عَلَى الْحَوْضِ خَلِيفَتِي،

و خون تو آمیخته است همان گونه که با گوشت و خون من آمیخته است؛ و فردای

وَأَنْتَ تَقْضِي دِينِي، وَتُنْجِزُ عِدَاتِي، وَشَيْعَتُكَ عَلَى مَنَابِرِ

قیامت) تو خلیفه من بر حوض (کوثر) هستی و پس از من، تو هستی که فرض مرا

مِنْ نُورٍ مُبِيضَةٍ وَجُوهُهُمْ حَوْلِي فِي الْجَنَّةِ، وَهُمْ جِيرَانِي،

می بردازی و به وعده های من وفا می کنی و بیروان تو بر منبرهایی از نور با چهره های

وَلَوْلَا أَنْتَ يَا عَلِيُّ لَمْ يُعْرِفِ الْمُؤْمِنُونَ بَعْدِي، وَكَانَ

سفید و نورانی در اطراف من در بهشت اند و آنان همسایه من می باشند. ای علی؛ اگر تو

بَعْدَهُ هُدًى مِنَ الضَّلَالِ، وَنُورًا مِنَ الْعَمَى، وَحَبْلُ اللَّهِ

نبودی، مؤمنان پس از من شناخته نمی شدند؛ و به راستی که پس از پیامبر، او امت را از

الْمَتِينِ، وَصِرَاطُهُ الْمُسْتَقِيمِ، لَا يُسْبِقُ بِقَرَابَةٍ فِي رَحْمِ،

گمراهی به هدایت و از نابینایی به بصیرت رساند و اوست رشته محکم الهی و راه مستقیم

وَلَا بِسَابِقَةٍ فِي دِينِ، وَلَا يُلْحَقُ فِي مَنْقَبَةٍ مِنْ مَنَاقِبِهِ،

او؛ هیچ کس در خویشاوندی و نزدیکی با رسول خدا(ع) به او نمی رسد و هیچ کس در

يَحْذُو حَذْوَ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا. وَيُقَاتِلُ

دین بر او پیشگی نگرفته است؛ و کسی نیست که در یکی از اوصاف نیکویش با او برابری

عَلَى التَّأْوِيلِ، وَلَا تَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَاءِمٌ، قَدْ وَتَرَ فِيهِ

کند؛ زیرا او گام می‌نهد جای پای رسول خدا که درود خدا بر آن دو و بر و اهل بیت آن

صَنَادِيدَ الْعَرَبِ، وَقَتْلَ اِبْطَالِهِمْ، وَنَاوَشَ ذُؤْبَانَهُمْ، فَأَوْدَعَ

دو بزرگوار باد. و بیکار می‌نمود بر اساس تأویل حقایق و مقاصد قرآن؛ و در راه رضای خدا

قُلُوبَهُمْ أَحْقَادًا، بَدْرِيَّةً وَخَيْبَرِيَّةً وَحُنَيْنِيَّةً وَغَيْرَهُنَّ،

هیچ ملامتی، او را باز نمی‌داشت؛ به راستی که بزرگان عرب را ترسانید، و شجاعان آنها را

فَاضَبَّتْ عَلَى عِدَاوَتِهِ، وَكَبَّتْ عَلَى مُنَابَذَتِهِ، حَتَّى قَتَلَ

به خاک و خون کشید و با گرگ‌صفتان آنها مقابله کرد؛ به همین جهت دل‌های آنها پر از

النَّكَثِينَ وَالْقَاسِطِينَ وَالْمَارِقِينَ، وَلَمَّا قَضَى نَحْبَهُ، وَقَتَلَهُ

کینه شد از جنگ‌های بدر، خیبر، حنین و دیگر جنگ‌ها، پس دشمنی او را در دل پنهان

أَشْقَى الْأَخْرِينَ يَتَّبِعُ أَشْقَى الْأَوَّلِينَ، لَمْ يُمَثَّلْ أَمْرُ رَسُولِ

کردند و پیه اختلاف و درگیری روی آوردند تا اینکه پیمان‌شکنان، ستمگران و از دین

اللَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي الْهَادِينَ بَعْدَ الْهَادِينَ، وَالْأُمَّةُ

بیرون رفتگان را به درک واصل کرد. وقتی اجلس به سر آمد و شقی‌ترین آخرین (امت)

مُصْرَةً عَلَى مَقْتِهِ، مُجْتَمَعَةً عَلَى قَطِيعَةِ رَحْمِهِ، وَأَقْصَاءُ

که از شقی‌اولین پیروی کرد، آن حضرت را شهید کرد؛ فرمان رسول خدا - که درود خدا

وُلْدِهِ، إِلَّا الْقَلِيلَ مِمَّنْ وَفِي لِرِعَايَةِ الْحَقِّ فِيهِمْ، فَقُتِلَ مَنْ

بر او و آل او باد - درباره هدایت‌گران امت، یکی پس از دیگری، اطاعت نشد. مردم بر

قُتِلَ، وَسُبِيَ مَنْ سُبِيَ، وَأُقْصِيَ مَنْ أُقْصِيَ، وَجَرَى

دشمنی با وی اصرار ورزیدند؛ جمع شدند تا نسل او را قطع کنند و اولاد او را تبعید و آواره

الْقَضَاءُ لَهُمْ بِمَا يُرْجَى لَهُ حُسْنُ الْمَثُوبَةِ، إِذْ كَانَتْ

نمایند؛ جز اندکی که در رعایت حق فرزندان رسول خدا، وفا نمودند. پس (بر اثر ظلم و

الْأَرْضُ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ، وَالْعَاقِبَةُ

بیداد) گروهی کشته شدند و گروهی دیگری اسیر، جمعی دور از وطن، و حکم قضا و قدر

لِلْمُتَّقِينَ، وَسُبْحَانَ رَبِّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا، وَلَنْ

الهی، بر آنها جاری شد به چیزی که امید بهترین ثواب و پاداش از آن، می رود. زیرا زمین

يُخْلَفَ اللَّهُ وَعَدَّهُ، وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ، فَعَلَى الْأَطَائِبِ

از آن خداست و آن را به هر یک از بندگانش که بخواهد، ارث می دهد؛ و البته پایان نیکو

مَنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَعَلَىٰ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا

از آن پرهیزکاران است. و منزّه است پروردگار ما؛ به راستی که وعده او انجام شده است و

فَلْيَبْكُوا الْبَاكُونَ، وَإِيَّاهُمْ فَلْيَنْدُبِ النَّادِبُونَ، وَلِمِثْلِهِمْ

هرگز خلف وعده نمی کند، و او عزت مند حکیم است. پس بر پاکیزگان از آل محمد و علی

فَلْتُذْرِفِ الدَّمُوعُ، وَلْيُصْرُخِ الصَّارِخُونَ، وَيَضْجُ

- درود خدا بر آنها و اهل بیت آنها - بایستی گریه کنندگان اشک بریزند و بر آنان زاری

الضَّاجُّونَ، وَيَعِجُّ الْعَاجُّونَ، أَيْنَ الْحَسَنُ أَيْنَ الْحُسَيْنُ،

کنندگان زاری نمایند و برای امثال آن بزرگواران، باید سرشک از دیدگان جاری شود و

أَيْنَ أَبْنَاءِ الْحُسَيْنِ، صَالِحٌ بَعْدَ صَالِحٍ، وَصَادِقٌ بَعْدَ

شیون کنندگان شیون از دل برکشند و ضجه کنندگان فریاد بزنند و ناله کنندگان ناله

صَادِقٌ، أَيْنَ السَّبِيلُ بَعْدَ السَّبِيلِ، أَيْنَ الْخَيْرَةُ بَعْدَ الْخَيْرَةِ،

جانسوز سر دهند که حسن کجاست؟ حسین کجاست؟ فرزندان حسین کجا هستند؟ که

أَيْنَ الشُّمُوسُ الطَّالِعَةُ، أَيْنَ الْأَقْمَارُ الْمُنِيرَةُ، أَيْنَ الْأَنْجُمُ

هر یک شایسته‌های پس از شایسته دیگر، و راست گویی بعد از راست گویی دیگر بودند،

الزَّاهِرَةُ، أَيْنَ أَعْلَامُ الدِّينِ وَقَوَاعِدُ الْعِلْمِ، أَيْنَ بَقِيَّةُ اللَّهِ

کجاست راه راست پس از راه راست دیگر؟ کجا بندگان یکی پس از دیگری؟

الَّتِي لَا تَخْلُو مِنْ الْعِثْرَةِ الْهَادِيَةِ أَيْنَ الْمَعْدُ لِقَطْعِ دَابِرِ

خورشیدهای تابان کجا هستند؟ ماه‌های فروزان کجا بندگان؟ ستارگان درخشان کجا بندگان؟

الظُّلْمَةِ، أَيْنَ الْمُنْتَظَرُ لِإِقَامَةِ الْأُمَّتِ وَالْعَوَجِ، أَيْنَ

نشانه‌ها و راهنمایان دین و پایه‌های دانش کجا بندگان؟ باقی مانده حجج الهی کجاست؟ کسی

الْمُرْتَجَى لِأَزَالَةِ الْجَوْرِ وَالْعُدْوَانِ، أَيْنَ الْمُدَّخِرُ لِتَجْدِيدِ

که (جهان) از عترت هدایت‌گر خالی نخواهد بود. کجاست آنکه برای قطع دنباله ستمکاران

الْفِرَاطِ وَالسُّنَنِ، أَيْنَ الْمُتَخَيِّرُ لِأَعَادَةِ الْمِلَّةِ وَالشَّرِيعَةِ،

آماده گشته است؟ کجاست آنکه انتظارش را می‌کشند که کج‌روی‌ها و انحرافات را از بین

أَيْنَ الْمُؤَمِّلِ لِأَحْيَاءِ الْكِتَابِ وَحُدُودِهِ، أَيْنَ مُحْيِي

ببرد؟ کجاست کسی که برای براندازی ظلم و بیدادگری به او امید است؟ کجاست آن

مَعَالِمِ الدِّينِ وَأَهْلِهِ، أَيْنَ قَاصِمُ شَوْكَةِ الْمُعْتَدِينَ، أَيْنَ

ذخیره الهی برای تازه کردن واجبات و سنت‌های الهی؟ کجاست آن منتخب برای

هَادِمِ ابْنِيَةِ الشَّرْكِ وَالنَّفَاقِ، أَيْنَ مُبِيدُ أَهْلِ الْفُسُوقِ

بازگرداندن کیش و آیین؟ کجاست آنکه آرزو می‌رود بیاید و قرآن و حدودش را زنده کند؟

وَالْعُصِيَانِ وَالطُّغْيَانِ، أَيْنَ حَاصِدُ فُرُوعِ الْغِيِّ وَالشُّقَاقِ،

کجاست زنده کننده نشانه های دین و اهل آن؟ کجاست او که شوکت ستمکاران را در هم

أَيْنَ طَامِسُ آثَارِ الزَّيْغِ وَالْأَهْوَاءِ، أَيْنَ قَاطِعُ حَبَائِلِ

می شکند؟ کجاست آنکه بنیادهای شرک و نفاق را ویران می کند؟ کجاست او که فاسقان،

الْكَذِبِ وَالْأَفْتِرَاءِ، أَيْنَ مُبِيدُ الْعُتَاةِ وَالْمَرَدَّةِ، أَيْنَ مُسْتَاصلُ

نافرمانان و طغیان گران را به هلاکت می کشاند؟ کجاست آنکه شاخه های گمراهی و بدبختی

أَهْلِ الْعِنَادِ وَالتَّضْلِيلِ وَالْأَلْحَادِ، أَيْنَ مُعْزُ الْأَوْلِيَاءِ وَمُذِلُّ

را درو می کند؟ کجاست آنکه آثار انحراف و هواپرستی را محو می نماید؟ کجاست آنکه

الْأَعْدَاءِ، أَيْنَ جَامِعُ الْكَلِمَةِ عَلَى التَّقْوَى، أَيْنَ بَابُ اللَّهِ

رشته های دروغ و افترا را قطع می کند؟ کجاست نابود کننده سرکشان و تمردکنندگان؟

الَّذِي مِنْهُ يُوتَى، أَيْنَ وَجْهُ اللَّهِ الَّذِي إِلَيْهِ يَتَوَجَّهُ الْأَوْلِيَاءُ،

کجاست آنکه ریشه معاندان، گمراهان و کافران را بر کند؟ کجاست آنکه دوستان را عزیز

أَيْنَ السَّبَبِ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ، أَيْنَ صَاحِبُ

نماید و دشمنان را خوار و ذلیل؟ کجاست او که اتحاد کلمه بر اساس تقوا و پرهیزکاری

يَوْمَ الْفَتْحِ وَنَاشِرُ رَايَةِ الْهُدَى، أَيْنَ مُؤَلِّفُ شَمْلِ الصَّلَاحِ

فراهم آورد؟ کجاست درب ورودی به درگاه الهی که از آن در وارد شوند؟ کجاست آن

وَالرِّضَا، أَيْنَ الطَّالِبُ بِذُحُولِ الْأَنْبِيَاءِ وَأَبْنَاءِ الْأَنْبِيَاءِ،

(چهره و) آئینه تمام نمای خداوند که دوستان به سوی او توجه نمایند؟ کجاست آنکه

أَيْنَ الطَّالِبُ بِدَمِ الْمَقْتُولِ بِكَرْبَلَاءَ، أَيْنَ الْمَنْصُورُ عَلَى

وسیله بیوند بین زمین و آسمان است؟ کجاست صاحب روز ظفر و برافرازنده پرچم

مَنْ اَعْتَدَى عَلَيْهِ وَافْتَرَى، اَيْنَ الْمُضْطَرُّ الَّذِي يُجَابُ اِذَا

هدایت؟ کجاست گردآورنده پراکندگی درست کاری و مصلحت و خشنودی؟ کجاست آنکه

دَعَى، اَيْنَ صَدْرُ الْخَلَائِقِ ذُو الْبِرِّ وَالتَّقْوَى، اَيْنَ ابْنُ النَّبِيِّ

برای خون پیامبران و فرزندان آنها خونخواهی می کند؟ کجاست آنکه به دنبال انتقام خون

المُصْطَفَى، وَابْنُ عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى، وَابْنُ خَدِيجَةَ الْغُرَّاءِ،

شهید کربلاست؟ کجاست آنکه بر هر ظالم تجاوزگر دروغگو، پیروزمند است؟ کجاست آن

وَابْنُ فَاطِمَةَ الْكُبْرَى، يَا بِي اَنْتَ وَاُمِّي وَنَفْسِي لَكَ الْوَقَاءُ

آقای گرفتاری که اگر دعا کند اجابت می شود؟ کجاست آن صدرنشین عالم و صاحب تقوا

وَالْحَمَى، يَا بِنَ السَّادَةِ الْمُقَرَّبِينَ، يَا بِنَ النَّجْبَاءِ

و نیکوکاری؟ کجاست آن فرزند پیامبر مصطفی و فرزند علی مرتضی و فرزند خدیجه آن

الْاَكْرَمِينَ، يَا بِنَ الْهُدَاةِ الْمُهْدِيِّينَ، يَا بِنَ الْخَيْرَةِ الْمُهْدِيْنَ

صاحب سیمای نورانی و فرزند فاطمه کبرا؟ پدر و مادرم فدای تو باد و جانم بلاگردان و

يَا بِنَ الْغَطَارِفَةِ الْاَنْجَبِينَ، يَا بِنَ الْاَطَائِبِ الْمُطَهَّرِينَ، يَا

سپر و حامی تو باشد ای فرزند سروران مقرب؛ ای فرزند انسان های اصیل و نجیب و

بِنَ الْخَضَارِمَةِ الْمُتَجَبِّينَ، يَا بِنَ الْقِمَاقِمَةِ الْاَكْرَمِينَ، يَا

بزرگوار، ای فرزند هدایت گران هدایت شده؛ ای فرزند برگزیدگان مهذب (خودساخته)؛ ای

بِنَ الْبُدُورِ الْمُنِيرَةِ، يَا بِنَ السُّرُجِ الْمُضِيئَةِ، يَا بِنَ الشُّهْبِ

فرزند سروران شرافتمند؛ ای فرزند نیکوترین پاکان؛ ای فرزند آقایان بسیار بخشنده،

الثَّاقِبَةِ يَا بِنَ الْاَنْجُمِ الزَّاهِرَةِ، يَا بِنَ السُّبُلِ الْوَاضِحَةِ، يَا

همانند دریاهای پر جود؛ ای فرزند مهتران سخاوتمند گرامی؛ ای فرزند ماه های تابان؛ ای

بِنَ الْأَعْلَامِ اللَّائِحَةِ، يَا بِنَ الْعُلُومِ الْكَامِلَةِ، يَا بِنَ السُّنَنِ

فرزند چراغ‌های تابان؛ ای فرزند شهاب‌های تابنده؛ ای فرزند اختران فروزان؛ ای فرزند

المَشْهُورَةِ، يَا بِنَ الْمَعَالِمِ الْمَأْثُورَةِ، يَا بِنَ الْمُعْجَزَاتِ

راه‌های روشن؛ ای فرزند نشانه‌های آشکار؛ ای فرزند دانش‌های کامل خداوندی؛ ای فرزند

المَوْجُودَةِ، يَا بِنَ الدَّلَائِلِ الْمَشْهُودَةِ، يَا بِنَ الصِّرَاطِ

سنن و روش‌های پسندیده مشهور (آسمانی)؛ ای فرزند نشانه‌های بر جای مانده؛ ای فرزند

المُسْتَقِيمِ، يَا بِنَ النَّبَأِ الْعَظِيمِ، يَا بِنَ مَنْ هُوَ فِي أُمَّ

معجزات پایان نیافته و موجود، ای فرزند دلیل‌های کیده شده؛ ای فرزند راه راست، ای

الْكِتَابِ لَدَى اللَّهِ عَلَى حَكِيمٍ، يَا بِنَ الْآيَاتِ وَالْبَيِّنَاتِ،

فرزند خبر بزرگ؛ ای فرزند کسی که در امّ الكتاب، نزد خداوند، بلندمرتبه و حکیم است.

يَا بِنَ الدَّلَائِلِ الظَّاهِرَاتِ، يَا بِنَ الْبَرَاهِينِ الْوَاضِحَاتِ

ای فرزند نشانه‌ها و بیّنات (حجت‌های آشکار خداوند)، ای فرزند دلایل آشکارا، ای فرزند

الْبَاهِرَاتِ، يَا بِنَ الْحُجَجِ الْبَالِغَاتِ، يَا بِنَ النِّعَمِ السَّابِغَاتِ،

برهان‌های نمایان و روشن، ای فرزند حجت‌های رسا، ای فرزند نعمت‌های فراوان و فراخ،

يَا بِنَ طِهٍ وَالْمُحْكَمَاتِ، يَا بِنَ يَسٍ وَالذَّارِيَاتِ، يَا بِنَ

ای فرزند طه و آیات محکم قرآن، ای فرزند یاسین و ذاریات، ای فرزند طور و عادیات، ای

الطُّورِ وَالْعَادِيَاتِ، يَا بِنَ مَنْ دَنَى، فَتَدَلَّى فَكَانَ قَابَ

فرزند آنکه در شب معراج نزدیک شد و در آویخت (به مقام قرب حق تعالی) به اندازه فاصله

قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى، دُنُوًّا وَاقْتِرَابًا مِنَ الْعَلِيِّ الْأَعْلَى، لَيْتَ

دو سرکمان یا نزدیک‌تر، نزدیک به خدای علی اعلی. ای کاش می‌دانستم کجا اقامت

شَعْرِي، اَيْنَ اسْتَقَرَّتْ بِكَ النَّوْيُ، بَلْ اَيُّ اَرْضٍ تُثَقِّلُكَ اَوْ

گزیده‌ای؛ بلکه کدام سرزمین یا منطقه‌ای اقامت داری؛ آیا در کوه رضوی هستی یا غیر

ثَرِي، اِبْرَضْوِي اَوْ غَيْرِهَا اَمْ ذِي طَوِي، عَزِيْزٌ عَلَيَّ اَنْ

آن؟ یا در ذی طوی هستی؟ بسیار بر من سخت است که همه را ببینم و تو دیده

اَرَى الْخَلْقَ وَلَا تُرِي، وَلَا اَسْمَعُ لَكَ حَسِيْسًا وَلَا نَجْوِي،

نمی‌شوی؛ و از تو هیچ صدا و هیچ رازی نشنوم؛ بر من گران است که تو تنها در بلا گرفتار

عَزِيْزٌ عَلَيَّ اَنْ تُحِيْطَ بِكَ دُوْنِي الْبَلْوِي، وَلَا يَنَالُكَ مِنِّي

باشی و از من هیچ ناله و شکایتی به تو نرسد. جانم فدایت تو حقیقت پنهانی هستی که از

ضَجِيْحٌ وَلَا شَكْوِي، بِنَفْسِي اَنْتَ مِنْ مُغِيْبٍ لَمْ يَخْلُ مِنَّا

میان ما بیرون نیستی؛ جانم فدایت گرچه از نظرم دوری ولی از ما جدا نیستی؛ جانم

بِنَفْسِي اَنْتَ مِنْ نَازِحٍ مَا نَزَحَ عَنَّا، بِنَفْسِي اَنْتَ اَمْنِيَّةٌ

فدایت. تو آرمان و آرزوی هر مرد و زن مشتاق مؤمن هستی که آرزویت کنند و به یادت

شَائِقٌ يَتَمَنِّي، مِنْ مُؤْمِنٍ وَمُؤْمِنَةٍ ذَكَرًا فَحَنَّا، بِنَفْسِي اَنْتَ

ناله سردهند. جانم فدایت تو آن سرشته عزتی هستی که هم‌طراز از برایت نتوان یافت؛

مِنْ عَقِيْدٍ عَزِيْزٌ لَا يُسَامِي، بِنَفْسِي اَنْتَ مِنْ اَثِيْلٍ مَجْدِلًا

جانم فدایت تو از ارکان مجد و شرف و بزرگواری هستی که هم‌قطاری نداری؛ جانم فدایت

يُجَارِي، بِنَفْسِي اَنْتَ مِنْ تِلَادِ نَعْمٍ لَا تُضَاهِي، بِنَفْسِي

تو از نعمت‌های دیرین خدایی هستی که مانند نخواهد داشت؛ جانم فدایت، تو از خاندان

اَنْتَ مِنْ نَصِيْفِ شَرَفٍ لَا يُسَاوِي، اِلَى مَتِي اَحَارُ فَيْكَ

شرافتی هستی که کسی با تو برابری ندارد. تا کی سرگردان تو باشم ای مولای من؟ و تا

يا مَوْلَايَ، وَالِي مَتِي وَآيَ خِطَابِ أَصْفُ فَيْكَ وَآيَ

کی و با چه گفتاری به ستایش تو بپردازم؟ و چگونه راز دل بگویم؟ بر من بسی گران است

نَجْوَى، عَزِيزٌ عَلَيَّ اَنْ اَجَابَ دُونَكَ وَاَنَاغَى، عَزِيزٌ عَلَيَّ

که غیر تو پاسخم را بدهد و سخنان فریبنده و خوش آیند برایم بگوید؛ بسی مشکل است

اَنْ اَبْكِيكَ وَيَخْذَلِكَ الْوَرَى، عَزِيزٌ عَلَيَّ اَنْ يَجْرِيَ عَلَيْكَ

بر من که بر دوری تو بگریم و مردم تو را واگذارند؛ گران است بر من که آنچه (از مشکلات)

دُونَهُمْ مَا جَرَى، هَلْ مِنْ مُعِينٍ فَاطِيلُ مَعَهُ الْعَوِيلُ

می گذرد، بر تو بگذرد و بر غیر تو نگذرد، آیا کسی هست که مرا کمک کند تا همراه با او

وَالْبُكَاءُ، هَلْ مِنْ جَزُوعٍ فَاسَاعِدْ جَزَعَهُ اِذَا خَلَا، هَلْ

نال و شیون طولانی سر دهم؟ آیا کسی هست که بسیار جزع و زاری کند و من هم در

قَدَيْتُ عَيْنٌ فَسَاعَدْتَهَا عَيْنِي عَلَى الْقَدَى، هَلْ اِلَيْكَ يَا

تنهایی او با زاری و گریه پاریش نمایم؟ آیا چشمی خار و خاشاک رفته است تا چشم من

بِنَ اَحْمَدَ سَبِيلٍ فَتَلْقَى، هَلْ يَتَّصِلُ يَوْمَنَا مِنْكَ بَعْدَهُ

در اشک ریختن با او همدم شود؟ ای زاده احمد؛ آیا به سوی تو راهی است که بتوان تو را

فَنَحْطِي، مَتِي نَرُدُّ مَنَا هَلِكِ الرَّوِيَّةَ فَنَرُوِي، مَتِي نَنْتَقِعُ

ملاقات نمود؟ آیا روز جدایی ما به فردایی می رسد که روز وصال و بهره مندی از جمال

مِنْ عَذْبِ مَائِكَ فَقَدْ طَالَ الصَّدَى مَتِي نُعَادِيكَ

مقدسست باشد؟ کی می شود که بر چشمه های سیراب کننده ات در آییم و سیراب گردیم؟

وَنُرَاوِحُكَ، فَنُقِرُّ عَيْنَا، مَتِي تَرَانَا وَنَرَاكَ وَقَدْ نَشَرْتِ لَوَاءَ

کی می شود که از آب زلال و گوارایت بنوشیم که به راستی تشنگی طولانی شد؟ کی

النَّصْرُ تُرَى، أتر انا نحفُ بكِ وَأَنْتِ تَأْمُ الْمَلَأُ، وَقَدْ مَلَأَتْ

می‌شود که با تو صبح و شام کنیم و چشمان روشن گردد؟ کی رسد آن وقت که تو ما را

الْأَرْضَ عَدْلًا، وَأَذَقْتَ أَعْدَائِكَ هَوَانًا وَعَقَابًا، وَأَبْرَتْ

بینی و ما تو را؛ در حالی که پرچم نصر و ظفرت را گسترده باشی؟ آیا خواهی دید ما را

الْعُتَاةَ وَجَحْدَةَ الْحَقِّ، وَقَطَعْتَ دَابِرَ الْمُتَكَبِّرِينَ، وَاجْتَثَّتْ

که بر گرد تو حلقه زده‌ایم و تو بر مردم امامت کنی در حالی که زمین را پراز عدل و داد

أُصُولَ الظَّالِمِينَ، وَنَحْنُ نَقُولُ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ،

کرده‌ای و به دشمنانت خواری و عقوبت را چشانده باشی و سرکشان و منکران حق را

اللَّهُمَّ أَنْتَ كَشَّافُ الْكُرْبِ وَالْبَلْوَى وَالْيَكِ اسْتَعْدَى

هلاک کرده باشی، و ریشه متکبران را قطع نموده و اساس ستم‌کاران را از بیخ و بن

فَعِنْدَكَ الْعَدْوَى، وَأَنْتَ رَبُّ الْأُخْرَةِ وَالْدُنْيَا، فَاغْثُ يَا

برکنده باشی و ما آن موقع می‌گوییم: سپاس مخصوص پروردگار جهانیان است؟ بارخدا یا؛

غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ، عُبَيْدَكَ الْمُبْتَلَى، وَارِهِ سَيِّدَهُ يَا شَدِيدَ

تو برطرف‌کننده غم و اندوه و بلاها هستی و به درگاه تو درد دل و تو را به فریاد می‌طلبم

الْقُوَى، وَأَزِلْ عَنْهُ بِهِ الْأَسَى وَالْجَوَى، وَبَرِّدْ غَلِيلَهُ يَا مَنْ

که یاری رساندن برای انتقام گرفتن از ظالم نزد توست، و تو پروردگار دنیا و آخرت هستی،

عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى، وَمَنْ إِلَيْهِ الرَّجْعَى وَالْمُنْتَهَى، اللَّهُمَّ

پس دریاب ای فریادرس فریادخواهان؛ بنده کوچک گرفتار خود را؛ و آقایش را نشان ده

وَنَحْنُ عِبِيدُكَ التَّائِقُونَ إِلَيْكَ وَالْمُذَكَّرُ بِكَ وَبَنِيَّكَ،

ای نیرومند بسیار مقتدر، و به این وسیله غم و اندوه و درد سینه‌اش را از بین ببر و سوز

خَلَقْتَهُ لَنَا عِصْمَةً وَمَلَاذًا، وَأَقَمْتَهُ لَنَا قِوَامًا وَمَعَاذًا،

عشقش را آرام کن؛ ای کسی که بر عرش مسلط هستی و بازگشت و پایان کارها به سوی

وَجَعَلْتَهُ لِلْمُؤْمِنِينَ مِنَّا إِمَامًا، فَبَلِّغُهُ مِنَّا تَحِيَّةً وَسَلَامًا،

اوست. خدایا؛ ما بندگان تویم و شیفته ولی تو هستیم، او که یادآور تو و پیامبرت است، و

وَزِدْنَا بِذَلِكَ يَا رَبُّ أَكْرَامًا، وَاجْعَلْ مُسْتَقَرَّهُ لَنَا مُسْتَقَرًّا

تو او را برای حفظ و نگه‌داری ما و پناه ما آفریدی، و او را برپا داشتی تا پشتیبان و پناه‌گاه

وَمُقَامًا، وَأَتِمِّمْ نِعْمَتَكَ بِتَقْدِيمِكَ آيَاهُ أَمَامَنَا، حَتَّى تُورِدَنَا

ما باشد و او را برای مؤمنان از ما، پیشوا قرار دادی؛ پس سلام و تحیت ما را به او برسان، و

جَنَانِكَ، وَمُرَافَقَةَ الشُّهَدَاءِ مِنْ خُلَصَائِكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ

به وسیله آن، بر کرامت ما بیفزا، ای پروردگار ما، و جایگاه او را جایگاه و منزلگاه ما قرار ده،

عَلَى حُجَّتِكَ وَوَلِيِّ أَمْرِكَ، وَصَلِّ عَلَى جَدِّهِ مُحَمَّدٍ

و با مقدم داشتن او را پیشاپیش ما، نعمتت را بر ما کامل گردان تا ما را به بهشت خود

وَرَسُولِكَ السَّيِّدِ الْأَكْبَرِ، وَصَلِّ عَلَى أَبِيهِ السَّيِّدِ الْقُسُورِ،

وارد نمایی و هم‌نشین شهیدان مخلصت قرار دهی. خدایا؛ بر حجت و ولی امرت درود

وَ حَامِلِ اللُّوَاءِ فِي الْمَحْشَرِ، وَ سَاقِي أَوْلِيَائِهِ مِنْ نَهْرِ

فرست؛ و درود فرست بر جد او محمد، پیامبرت، آن بزرگوارترین آقا؛ و بر پدرش علی،

الْكُوْثَرِ، وَ الْأَمِيرِ عَلَى سَائِرِ الْبَشَرِ، الَّذِي مَنْ أَمِنَ بِهِ

آقای دلیر و سلحشور و شجاع، و برپا دارنده پرچم در صحرای محشر؛ و سیراب کننده

فَقَدْ ظَفَرَ وَ شَكَرَ، وَ مَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِهِ فَقَدْ خَطَرَ وَ كَفَرَ،

دوست‌دارانش از نهر کوثر، و فرمانروا بر تمام بشر؛ که هر کس بدو ایمان آورد؛ پیروزمند

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَى أَخِيهِ وَعَلَى نَجْلِهِمَا الْمَيَامِينِ

گشته است و آنکه ایمان نیاورد، به خطر بزرگ و کفر افتد. درود خدا بر او و بر برادرش و

الْغُرَرِ، مَا طَلَعَتْ شَمْسٌ وَمَا أَضَاءَ قَمَرٌ^۱ وَجَدَّتْهُ

بر فرزندانسان که نیک‌بختان و بزرگوارند. مادامی که خورشید می‌تابد و ماه نور می‌افشاند.

الصُّدَيْقَةَ الْكُبْرَى، فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ بِنْتِ مُحَمَّدِ الْمُصْطَفَى،

و درود بر مادر بزرگ او، صدیقه کبرا، فاطمه زهرا دختر محمد مصطفی و بر آنان که تو

وَعَلَى مَنْ اصْطَفَيْتَ مِنْ آبَائِهِ الْبَرَرَةِ، وَعَلَيْهِ أَفْضَلُ

برگزیدی از پدران نیکوکارش؛ و بر او بهترین، کامل‌ترین، تمام‌ترین، بادوام‌ترین، بیشترین،

وَ اكْمَلُ وَ اَتْمُّ وَ اَدْوَمُ وَ اَكْثَرُ وَ اَوْفَرُ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ

و فراوان‌ترین درود و رحمتی که بر هر یک از برگزیدگان و نیکان از پندگانت فرستادی

مَنْ أَصْفِيَاءُكَ، وَ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَ صَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً

نثار باد، و بر او درود فرست؛ درودی که بی‌شمار و پایان‌ناپذیر و بی‌انتهاست و مدتش

۱. این فقرة از دعا در بسیاری از کتب موجود می‌باشد: مانند: «إقبال الأعمال» سید بن طاووس (ص ۶۰۸)، «تحفة الزائر» (چاپ سنگی بدون شماره صفحه)، «زاد المعاد» علامة مجلسی (ره) (ص ۵۰۲)، «الصحيفة الهادية» عالم بزرگوار شیخ ابراهیم بن محسن کاشانی (ص ۸۷)، «مفتاح الجنات» عالم بزرگوار سید محسن امین (ج ۳، ص ۲۵۵)، «تکالیف الأنام» صدر الإسلام همدانی (ص ۱۹۵)، «عمدة الزائر» آیت‌الله سید حیدر کاظمی (ص ۳۵۸)، «فوز اکبر» علامه میرزا محمدباقر فقیه ایمانی (ص ۱۲۴)، «مکیال المکارم» علامه سید محمد تقی موسوی اصفهانی (ج ۲، ص ۹۹)، «منهاج العارفين» علامه سمنانی (ص ۱۵۹)، ضیاء الصالحین (ص ۵۴۲)، «الصحيفة الصادقية» (ص ۷۲۸)، «هدية الزائرین» محدث قمی (ره) (ص ۶۴۸)، و ملحقات «جمال الأسبوع» نشر دارالذخائر.

لَا غَايَةَ لَعَدَدِهَا، وَلَا نِهَايَةَ لِمَدَدِهَا، وَلَا نَفَادَ لِأَمَدِهَا،

بیان ندارد. خدایا؛ حق را به وسیله او برپا دار و باطل را به وسیله او نابود کن و دوستانت

اللَّهُمَّ وَأَقِمْ بِهِ الْحَقَّ، وَأَذْحِضْ بِهِ الْبَاطِلَ، وَأَدِلْ بِهِ

را توسط او چیره گردان و دشمنانت را به وسیله او خوار و ذلیل نما. خدای من؛ بین من،

أَوْلِيَاءَكَ، وَأَذِلْ بِهِ أَعْدَاءَكَ، وَصَلِ اللَّهُمَّ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُ

بین ما و او پیوندی برقرار کن که به همنشینی با پیشینیان پاک او منتهی گردد و ما را از

وَصَلَةَ تُؤَدِّي إِلَى مُرَافَقَةِ سَلَفِهِ، وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ يَأْخُذُ

کسانی قرار بده که به دامان آنان چنگ زده‌اند و در سایه آنان زندگی می‌کنند. و ما را

بِحُجْزَتِهِمْ، وَيَمَكْتُ فِي ظِلِّهِمْ، وَأَعِنَّا عَلَى تَأْدِيَةِ حُقُوقِهِ

باری کن در ادا کردن حقوقش به او، و کوشش کردن در اطاعت از او، و دوری کردن از

إِلَيْهِ، وَالْأَجْتِهَادِ فِي طَاعَتِهِ، وَاجْتِنَابِ مَعْصِيَتِهِ، وَأَمْنُنْ

نافرمانی او، و بر ما منت بگذار به خشنودی او و مهر و رحمت و دعا و خیرش را بر ما

عَلَيْنَا بِرِضَاهُ، وَهَبْ لَنَا رَأْفَتَهُ وَرَحْمَتَهُ وَدُعَاءَهُ وَخَيْرَهُ،

ارزانی دار تا بدین وسیله به رحمت و اسعه تو دست یابیم و نزد تو به کامیابی نایل شویم؛ و

مَانِنًا بِهِ سَعَةً مِنْ رَحْمَتِكَ، وَفَوْزًا عِنْدَكَ، وَاجْعَلْ

قرار بده نماز ما را به واسطه او قبول شده، و گناهان ما را به واسطه او آمرزیده شده و

صَلَاتِنَا بِهِ مَقْبُولَةً، وَذُنُوبَنَا بِهِ مَغْفُورَةً وَدُعَاءَنَا بِهِ

دعاهای ما را به واسطه او مستجاب شده، و روزی‌های ما را به وسیله او وسعت داده شده،

مُسْتَجَابًا، وَاجْعَلْ أَرْزَاقَنَا بِهِ مَبْسُوطَةً، وَهَمُومَنَا بِهِ

و اندوه‌های ما را به واسطه او برطرف شده، و حوائج ما را توسط او برآورده شده، و با چهره

مَكْفِيَّةً، وَحَوَائِجِنَابِهِ مَقْضِيَّةً، وَأَقْبِلْ إِلَيْنَا بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ،

کریمانهات به ما توجه کن و روی آور و تقرب و توسل ما را به درگاہت پذیرا باش، و به ما

وَأَقْبِلْ تَقَرُّبَنَا إِلَيْكَ، وَأَنْظِرْ إِلَيْنَا نَظْرَةَ رَحِيمَةٍ، نَسْتَكْمِلُ

نظر رحمتی بفرما که به واسطه آن، کرامت نزد تو را به کمال رسانیم. سپس با بخشش و

بِهَا الْكِرَامَةَ عِنْدَكَ، ثُمَّ لَا تَصْرِفْهَا عَنَّا بِجُودِكَ، وَأَسْقِنَا

بزرگواریات نظر لطف خود را از ما بازگیر و از حوض جدش - که درود خدا بر او و آل او

مِنْ حَوْضِ جَدِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِكَأْسِهِ وَيَيْدِهِ، رِيًّا

باد - سیرابمان ساز با جام و کاسه او و به دست او؛ سیراب کردنی کامل

رَوِيًّا هَنِيئًا سَائِعًا، لَا ظَمًا بَعْدَهُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ^۱

و گوارا و خوش که پس از آن تشنگی نباشد؛ ای مهربان‌ترین مهربانان

دعا در روز جمعه

بعد از نماز صبح برای تعجیل فرج

مستحب است روز جمعه بعد از نماز صبح، صد مرتبه سوره

«توحید» بخوانند و صد مرتبه هم از درگاه خداوند، طلب آمرزش

۱. تحفة الزائر: چاپ سنگی بدون شماره صفحه، زاد المعاد، ص ۴۹۱ و مصباح

الزائر، ص ۴۴۶ (با تفاوت اندک)

نموده و استغفار کنند؛ صد مرتبه هم بدین صورت بر پیامبر (ص)
صلوات بفرستند:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاعَجِّلْ فَرَجَهُمْ!

خداوندا؛ بر محمد و آل محمد درود بفرست و فرج ایشان را تعجیل فرما.

۶

دعا برای ظهور امام زمان (ع)

در روز جمعه

«شیخ طوسی (ره)» در «مصباح المتهجد» فرموده است: هرگاه
کسی خواست روز جمعه بر پیامبر (ص) صلوات بفرستد چنین بگوید:

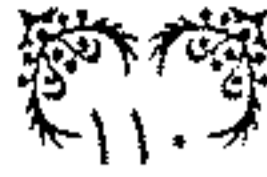
اللَّهُمَّ اجْعَلْ صَلَاتِكَ، وَصَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ وَرُسُلِكَ،

خدایا؛ درود و رحمت خود را و درود فرشتگان و رسولان خودت را بر محمد

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاعَجِّلْ فَرَجَهُمْ.

و آل محمد نثار کن و در گشایش کارشان شتاب فرما.

یا بگوید:



اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ. ۱

بارالها؛ بر محمد و آل محمد درود بفرست و در فرج ایشان تعجیل فرما.

وی در جای دیگر می‌گوید: روایت شده است که صد مرتبه

بگوید:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ. ۲

بارالها؛ بر محمد و آل محمد درود بفرست و در فرج ایشان تعجیل فرما.

۷

دعای دیگری برای ظهور آن حضرت

در روز جمعه

مستحب است انسان در روز جمعه، صد مرتبه سوره قدر را بخواند

و هزار مرتبه بگوید:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ.

بارالها؛ بر محمد و آل محمد درود بفرست و در فرج ایشان تعجیل فرما.

و اگر نتوانست صد مرتبه، اگر موفق نشد ده مرتبه، و بالآخره

۱. مصباح المتعجد، ص ۲۸۴.

۲. مصباح المتعجد، ص ۳۸۷.

اگر نتوانست هرچه توانست بخواند.^۱

۸

صلواتی که هر کس بعد از نماز جمعه بخواند

از اصحاب امام زمان (ع) خواهد بود

از مولایمان جعفر بن محمد (ع) و او از پدرانش (ع) روایت کرده

که فرمودند: هر کس پس از نماز جمعه، هفت مرتبه بگوید:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَعَجِّلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ،

بارالها! بر محمد و آل محمد درود بفرست و در فرج آل محمد تعجیل فرما.

از اصحاب قائم (ع) خواهد بود.^۲

۱. البلد الامین، ص ۱۱۲ و مانند آن در بحار الأنوار، ج ۸۹، ص ۳۳۱ وارد شده است.

۲. بحار الأنوار، ج ۹۰، ص ۶۵.

دعا برای ظهور آن حضرت (ع)

در روز جمعه، عید فطر و عید قربان

از امام محمد باقر (ع) روایت شده است که فرمود:

در روز جمعه، عید فطر و قربان، وقتی قصد خروج از منزل

نمودی، بگو:

اللَّهُمَّ مَنْ تَهَيَّأَ فِي هَذَا الْيَوْمِ، أَوْ تَعَبَّأَ أَوْ أَعَدَّ وَاسْتَعَدَّ

خدایا! هر کس در این روز مهیا گشته یا آماده شده یا حاضر شده یا آمادگی

لوفادة إلى مخلوق، رجاء رفته و جائزته و نوافله،

یافته تا نزد مخلوقی برود و امید پاداش و عطیه و بخششی از او دارد؛

فإليك يا سيدي كنت وفادتي و تهيتي و إعدادي

پس ای آقای من! کوچ کردن من و مهیا شدن من و حاضر گشتن من

وَاسْتَعْدَادِي رَجَاءَ رَفْدِكَ، وَجَوَائِزِكَ وَنَوَافِلِكَ. اللَّهُمَّ

و آمادگی من به سوی تو به امید پاداش و بخشش تو است. بار خدایا!

صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ،

بر بنده و فرستادهات و برگزیده از بندگانت، محمد (ص)،

وَعَلَىٰ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَصِيِّ رَسُولِكَ، وَصَلِّ يَا رَبُّ عَلَيَّ

و بر علی (ع) امیر مؤمنان و وصی پیامبرت درود فرست، و ای پروردگارم؛ درود فرست بر

أئمة المؤمنين، الحسن والحسين و علي و محمد،

پیشوایان مؤمنان؛ امام حسن (ع) و امام حسین (ع) و امام سجاد (ع) و امام باقر (ع)...

و امامان را تا آخر نام ببر تا به نام صاحب (حضرت مهدی (ع))

برسی و بگو:

اللَّهُمَّ افْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيرًا، وَأَنْصُرْهُ نَصْرًا عَزِيزًا. اللَّهُمَّ

خدایا؛ گشایشی آسان برایش مقرر فرما؛ نصرتی با عزت عنایتش فرما؛ خداوندا؛

أظهر به دينك و سنة رسولك، حتى لا يستخفي بشيء

دینت را و نیز سنت پیامبرت را به وسیله او ظاهر فرما تا هیچ حقی از ترس

من الحق مخافة أحد من الخلق. اللهم إنا نرغب إليك

هیچ کسی پوشیده ندارد. خدایا؛ ما به سوی تو مشتاق هستیم در مورد

في دولة كريمة تعزبها الإسلام و أهله، و تذل بها النفاق

دولتی با کرامت، که اسلام و اسلامیان را بدان عزیز نمایی و نفاق و اهلس را

و أهله، و تجعلنا فيها من الدعوة إلى طاعتك و القادة

خوار و ذلیل کنی، و ما را در آن دولت، از فراعوانان به فرمانبرداریات، و از رهبران راه

إلى سبيلك، و ترزقنا بها كرامة الدنيا و الآخرة. اللهم ما

خودت قرار ده، و کرامت دنیا و آخرت را روزیمان فرما. خدایا؛ آنچه از حق و حقیقت را

أُنْكِرْنَا مِنْ حَقِّ فَعَرَّفْنَا، وَ مَا قَصْرْنَا عَنْهُ فَبَلَّغْنَا.

که نشناختیم، به ما بشناسان و به آنچه دست نیافتیم، ما را به آن برسان.

در اینجا برای امام عصر (ع) دعا کن، و دشمنانش را نفرین نما، و حاجت را درخواست کن، و سخن آخرت این گونه باشد:

اللَّهُمَّ اسْتَجِبْ لَنَا، اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مِمَّنْ تَذَكَّرَ فِيهِ فَيَذَكَّرُ!

خداوندا! (دعای ما را) به اجابت برسان، خداوندا! ما را از کسانی قرار ده که تذکر دهند و متذکر شوند.

۱۰

صلوات ضراب اصفهانی

نسخه دفتری که از مولای ما حضرت مهدی (ع) روایت شده است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ، وَ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ،

خدایا! بر محمد سید رسولان و خاتم پیامبران و حجت پروردگار جهانیان درود

وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، الْمُتَّجِبِ فِي الْمِيثَاقِ، الْمُصْطَفَى

فرست، او که در روز پیمان الهی، پسندیده شد و در عالم اظله اختیار شد، از

فِي الظَّلَالِ الْمُطَهَّرِ مِنْ كُلِّ آفَةٍ، الْبُرَىءِ مِنْ كُلِّ عَيْبٍ،

هر آفتی پاکیزه است، و از هر عیبی مبرا؛ همگی برای نجات خود چشم امید

الْمُؤَمِّلِ لِلنَّجَاةِ، الْمُرْتَجِي لِلشَّفَاعَةِ، الْمَفْوُضِ إِلَيْهِ دِينَ

به او دارند، و امیدوار به شفاعت او هستند؛ دین خداوند بدو واگذار شده است.

اللَّهُ، اللَّهُمَّ شَرِّفْ بُنْيَانَهُ وَعَظِّمْ بُرْهَانَهُ، وَأَفْلِحْ حُجَّتَهُ،

خداوندا؛ بنای هستی او را شرافت ده، و برهانش را بزرگ نما، و حجتش را پیروز

وَأَرْفَعْ دَرَجَتَهُ، وَأَضِئْ نُورَهُ، وَبَيِّضْ وَجْهَهُ، وَأَعْطِهِ

فرما، و مقامش را بالا ببر؛ و نورش را تابنده کن، و رویش را سفید نما، و به او

الْفُضْلَ وَالْفُضِيلَةَ، وَالْمَنْزِلَةَ وَالْوَسِيلَةَ وَالدرَجَةَ الرَّفِيعَةَ،

فضیلت و برتری و فزونی و مقام و وسیله شفاعت و درجه بلند عنایت کن، و او را

وَأَبْعَثْهُ مَقَامًا مَحْمُودًا يَغْبِطُهُ بِهِ الْأَوْلُونَ وَالْآخِرُونَ،

به مقام پسندیده‌ای مبعوث نما که همگان از اولین و آخرین بر او غبطه خورند.

وَصَلِّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ، وَقَائِدِ

و درود فرست بر امیر مؤمنان و وارث رسولان و پیشوای

الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ، وَسَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ،

سفید رویان و سرور همه جانشینان و حجت پروردگار جهانیان

وَصَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثِ

و درود فرست بر حسن بن علی پیشوای مؤمنان و وارث

الْمُرْسَلِينَ، وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَصَلِّ عَلَى الْحُسَيْنِ

رسولان و حجت پروردگار جهانیان و درود فرست بر حسین بن علی

بِنِ عَلِيٍّ اِمَامِ الْمُؤْمِنِيْنَ وَ وَاٰرِثِ الْمُرْسَلِيْنَ، وَ حُجَّةِ رَبِّ

پيشواي مؤمنان و وارث رسولان و حجت خداوند جهانيان و درود فرست بر علي

الْعَالَمِيْنَ وَ صَلَّى عَلَيَّ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ اِمَامِ الْمُؤْمِنِيْنَ

بن الحسين پيشواي مؤمنان و وارث رسولان و حجت پروردگار جهانيان و درود

وَ وَاٰرِثِ الْمُرْسَلِيْنَ وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ، وَ صَلَّى عَلَيَّ

فرست بر محمد بن علي پيشواي مؤمنان و وارث پيامبران و حجت پروردگار

مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ اِمَامِ الْمُؤْمِنِيْنَ، وَ وَاٰرِثِ الْمُرْسَلِيْنَ، وَ

جهانيان، و درود فرست بر جعفر بن محمد پيشواي مؤمنان و وارث رسولان و

حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ، وَ صَلَّى عَلَيَّ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ، اِمَامِ

حجت پروردگار جهانيان، و درود فرست بر موسي بن جعفر پيشواي مؤمنان

الْمُؤْمِنِيْنَ، وَ وَاٰرِثِ الْمُرْسَلِيْنَ، وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ،

و وارث رسولان و حجت پروردگار جهانيان و درود فرست بر علي بن موسي

وَ صَلَّى عَلَيَّ مُوسَى بْنُ جَعْفَرِ اِمَامِ الْمُؤْمِنِيْنَ، وَ وَاٰرِثِ

پيشواي مؤمنان و وارث رسولان و حجت پروردگار جهانيان و درود فرست بر

الْمُرْسَلِيْنَ، وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ، وَ صَلَّى عَلَيَّ عَلِيُّ بْنُ

محمد بن علي پيشواي مؤمنان و وارث رسولان و حجت پروردگار جهانيان

مُوسَى، اِمَامِ الْمُؤْمِنِيْنَ، وَ وَاٰرِثِ الْمُرْسَلِيْنَ، وَ حُجَّةِ رَبِّ

و درود فرست بر علي بن محمد، پيشواي مؤمنان و وارث رسولان و حجت

الْعَالَمِيْنَ، وَ صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ، اِمَامِ الْمُؤْمِنِيْنَ،

پروردگار جهانيان و درود فرست بر حسن بن علي پيشواي مؤمنان و وارث

وَ وَاِثِ الْمُرْسَلِينَ، وَ حُجَّةَ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَ صَلَّى عَلَيَّ

رسولان و حجّت پروردگار جهانیان و درود فرست بر بازمانده هدایت‌گر هدایت

عَلَيَّ بِنِ مُحَمَّدٍ، اِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ، وَ وَاِثِ الْمُرْسَلِينَ، وَ

شده، پیشوای مؤمنان و وارث رسولان و حجّت پروردگار جهانیان. خداوند؛

حُجَّةَ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَ صَلَّى عَلَيَّ الْحَسَنَ بِنِ عَلِيٍّ، اِمَامِ

بر محمد و اهل بیتش درود فرست که پیشوایان هدایت‌گر، دانایان راستگو،

الْمُؤْمِنِينَ، وَ وَاِثِ الْمُرْسَلِينَ، وَ حُجَّةَ رَبِّ الْعَالَمِينَ،

نیوکاران پرهیزکار؛ ستون‌های دینت و ارکان توحیدت و مفسران وحی‌ات، و

وَ صَلَّى عَلَيَّ الْخَلْفَ الْهَادِيَ الْمَهْدِيِّ، اِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ، وَ

حجّت‌های تو بر آفریدگانت و جانشینانت در زمین تو هستند؛ آنان که برای

وَاِثِ الْمُرْسَلِينَ، وَ حُجَّةَ رَبِّ الْعَالَمِينَ، اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ

خودت ایشان را اختیار کردی و بر تمام بندگان برگزیدی و آنها را برای دینت

مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِهِ الْاِئِمَّةَ الْهَادِيْنَ، الْعُلَمَاءَ الصّٰدِقِيْنَ،

پسندیدی و به شناخت خودت آنها را مخصوص گرداندی، و با کرامت خودت

الْاَبْرَارِ الْمُتَّقِيْنَ، دَعَائِمِ دِيْنِكَ، وَ اَرْكَانِ تَوْحِيْدِكَ، وَ

بر آنان شکوه و بزرگی بخشیدی و غرق دریای رحمت خود کردی، و آنها را با

تَرَاجِمَةَ وَحْيِكَ وَ حُجَجَكَ عَلَيَّ خَلْقِكَ، وَ خُلَفَاءَكَ

نعمت خود پرورش دادی و با حکمت خود به آنان غذای روحی دادی و به نور

فِي اَرْضِكَ، الَّذِيْنَ اخْتَرْتَهُمْ لِنَفْسِكَ، وَ اصْطَفَيْتَهُمْ عَلَيَّ

خویش ایشان را پوشانیدی و در ملکوتت بالا بردی، و گرداگرد وجود ایشان را

عِبَادِكَ، وَارْتَضَيْتَهُمْ لِدِينِكَ وَخَصَصْتَهُمْ بِمَعْرِفَتِكَ،

به فرشتگان احاطه نمودی، و به واسطه پیامبرت - که درود تو بر او و آل او
وَجَلَلْتَهُمْ بِكَرَامَتِكَ، وَغَشَّيْتَهُمْ بِرَحْمَتِكَ، وَرَبَّيْتَهُمْ

باد - به آنها شرافت بخشیدی. خدایا؛ بر محمد و بر ایشان درود فرست؛ درودی
بِنِعْمَتِكَ، وَغَذَيْتَهُمْ بِحِكْمَتِكَ، وَالْبَسْتَهُمْ نُورَكَ، وَرَفَعْتَهُمْ

پاک و فزاینده و فراوان و دایمی و پاکیزه که جز خودت کسی بر آن احاطه پیدا
فِي مَلَكُوتِكَ، وَحَفَفْتَهُمْ بِمَلَائِكَتِكَ وَشَرَّفْتَهُمْ بِنَبِيِّكَ،

نکند، و جز در دانش تو ننگند و غیر تو کسی نتواند آن را به شماره در آورد.
صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَيْهِمْ،

خداوندا؛ بر ولیّات درود فرست؛ او که زنده کننده سنت توست و قیام کننده به
صَلْوَةٍ زَاكِيَةٍ نَامِيَةٍ كَثِيرَةٍ، دَائِمَةٍ طَيِّبَةٍ، لَا يُحِيطُ بِهَا إِلَّا

امر تو، و دعوت کننده به سوی تو، و دلالت کننده بر تو، و حجت تو بر بندگانت
أَنْتَ، وَلَا يَسَعُهَا إِلَّا عِلْمُكَ، وَلَا يُحْصِيهَا أَحَدٌ غَيْرُكَ،

و جانشین تو در زمینت و گواه تو بر بندگان توست. خدایا؛ یاری او را تقویت
اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى وَلِيِّكَ الْمُحْيِي سُنَّتِكَ، الْقَائِمِ بِأَمْرِكَ،

نما و عمرش را طولانی فرما، و با طولانی شدن ماندنش، زین را زینت ببخش
الدَّاعِي إِلَيْكَ، الدَّلِيلُ عَلَيْكَ، حُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ، وَ

خدایا؛ از ستم حسودان او را کفایت کن، و از شر حيله گران پناهی ده و اراده
خَلِيفَتِكَ فِي أَرْضِكَ، وَشَاهِدِكَ عَلَى عِبَادِكَ، اللَّهُمَّ اعِزِّ

ستمکاران را از او دور کن، و او را از دست زورگویان رهایی ده. خداوندا؛ درباره

نَصْرَهُ، وَ مَدَّ فِي عُمُرِهِ، وَ زَيَّنَ الْأَرْضَ بِطَوْلِ بَقَائِهِ، اللَّهُمَّ

خودش، ذریه‌اش، پیروانش، رعیتش، یاران ویژه‌اش، عموم پیروانش، دشمنانش

أَكْفَهُ بَغْيَ الْحَاسِدِينَ، وَ أَعَدَّهُ مِنْ شَرِّ الْكَائِدِينَ، وَ أَزْجُرْ

و تمام اهل دنیا، آنچه که چشمش را به آن روشن نمایی و روانش را به آن

عَنْهُ ارَادَةَ الظَّالِمِينَ، وَ خَلَصَهُ مِنْ أَيْدِي الْجَبَّارِينَ، اللَّهُمَّ

شاد گردانی، به او عنایت فرما. و او را به برتر از آنچه آرزو دارد در دنیا و آخرت

أَعْطِهِ فِي نَفْسِهِ وَ ذُرِّيَّتِهِ وَ شِيعَتِهِ وَ رَعِيَّتِهِ، وَ خَاصَّتِهِ وَ

برسان؛ زیرا تو بر هر چیز توانایی. خدایا؛ آنچه از دینت محو شده به وسیله او

عَامَّتِهِ وَ عَدُوَّهُ، وَ جَمِيعِ أَهْلِ الدُّنْيَا، مَا تُقَرُّ بِهِ عَيْنُهُ، وَ

تازه کن، و آنچه از کتابت عوض شده به واسطه او زنده کن، و آنچه از احکامت

تَسْرُّ بِهِ نَفْسُهُ، وَ بَلَّغَهُ أَفْضَلَ مَا أَمَّلَهُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ،

تغییر داده شده به وسیله او ظاهر کن؛ تا اینکه دینت به وسیله او و با دست

أَنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ جَدِّدْ بِهِ مَا أَمْتَحَى مِنْ

او نو و تر و تازه گردد؛ آن گونه که خالص و بی‌آلایش بوده که نه شکمی در آن

دِينِكَ، وَ أَحْيِ بِهِ مَا بُدِّلَ مِنْ كِتَابِكَ، وَ أَظْهِرْ بِهِ مَا غُيِّرَ مِنْ

باشد و نه شبهه‌ای به آن راه یابد و نه باطل و بدعتی کنار آن و نزد آن باشد.

حُكْمِكَ، حَتَّى يَعُودَ دِينُكَ بِهِ، وَ عَلَى يَدَيْهِ غَضًّا جَدِيدًا

خدایا؛ هر تاریکی را به نور او روشن کن و هر بدعتی را به واسطه قدرت و

خَالصًا مُخْلِصًا، لَا شَكَّ فِيهِ، وَ لَا شُبُهَةَ مَعَهُ، وَ لَا بَاطِلَ

قوتش ویران نما، و با عزت او هر گونه گمراهی را منهدم فرما، و هر فرد زورگوی

عِنْدَهُ وَلَا بَدْعَةَ لَدَيْهِ، اللَّهُمَّ نَوِّرْ نُورَهُ كُلَّ ظُلْمَةٍ، وَ هُدِّ

گردنکش را به واسطه او هلاک گردان، و با شمشیرش هر آتشی را خاموش کن

بِرُكْنِهِ كُلَّ بَدْعَةٍ، وَ أَهْدِمْ بَعْزَهُ كُلَّ ضَلَالَةٍ، وَ اقْصِمْ بِهِ كُلَّ

و ظلم هر ستمگری را به واسطه عدلش نابود کن، و دستور و حکمش را بر هر

جَبَّارٍ، وَ اخْمِدْ بِسَيْفِهِ كُلَّ نَارٍ، وَ أَهْلِكْ بَعْدْلَهُ جَوْرَ كُلِّ

حکمی جاری ساز، و با سلطنتش هر قدرتمندی را ذلیل و خوار ساز. خدایا، هر

جَائِرٍ، وَ أَجْرُ حُكْمِهِ عَلَى كُلِّ حُكْمٍ، وَ اذِلْ بِسُلْطَانِهِ كُلَّ

که قصد بدی به او کند ذلیل و خوار کن و هر که را که با او دشمنی نماید به

سُلْطَانٍ، اللَّهُمَّ اذِلْ كُلَّ مَنْ نَاوَاهُ، وَ أَهْلِكْ كُلَّ مَنْ عَادَاهُ،

هلاکت انداز و هر که را با او نیرنگ کند دچار نیرنگ گردان و هر که را منکر

وَ اَمْكُرْ بِمَنْ كَادَهُ، وَ اسْتَأْصِلْ مَنْ جَحَدَهُ حَقَّهُ، وَ اسْتَهَانَ

حقیقش باشد و امرش را سبک شمارد و در خاموشی نورش بکوشد و بخواهد

بِأَمْرِهِ، وَ سَعَى فِي اِطْفَاءِ نُورِهِ، وَ ارَادَ اخْمَادَ ذِكْرِهِ، اللَّهُمَّ

نامش و یادش را کمرنگ سازد از ریشه برکن. خدایا؛ درود فرست بر محمد

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى، وَ عَلَى الْمُرْتَضَى، وَ فَاطِمَةَ

مصطفی، و بر علی مرتضی و فاطمه زهرا و حسن صاحب مقام رضا و حسین

الزَّهْرَاءِ، وَ الْحَسَنِ الرَّضَا، وَ الْحُسَيْنَ الْمُصْطَفَى، وَ جَمِيعِ

صاحب مقام برگزیده و خالص بی آایش و همه اوصیا و جانشینان

الْأَوْصِيَاءِ مَصَابِيحِ الدُّجَى، وَ أَعْلَامِ الْهُدَى، وَ مَنَارِ التَّقَى،

آن حضرت که چراغهای روشن در تاریکی و نشانههای هدایت و جلوه گاه

وَ الْعُرْوَةَ الْوُثْقَى، وَ الْحَبْلَ الْمَتِينِ، وَ الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ،

پرهیزکاری و دستاویز مورد اطمینان و ریسمان محکم و راه راست هستند.

وَ صَلِّ عَلَى وَلِيِّكَ وَ وُلاةِ عَهْدِكَ، وَ الْأَئِمَّةِ مِنْ وَوَلَدِهِ،

و درود فرست بر ولی خود و عهده‌داران پیمانست و امامان از فرزندانش؛

وَ مُدِّ فِي أَعْمَارِهِمْ، وَ زِدْ فِي آجَالِهِمْ، وَ بَلِّغُهُمْ أَقْصَى

و بر عمرشان بیفز و مدت آنها را زیاد فرما، و ایشان را به نهایت آرزوهای

آمالهم دیناً وَ دُنْيَا وَ آخِرَةً إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. ۱-

دینی و دنیوی و اخروی‌شان برسان؛ چرا که تو بر هر کاری توانا هستی.

صلوات و دعا در عصر روز جمعه

برای ظهور حضرت بقیةالله (ع)

از امام صادق (ع) روایت شده است که فرمود:

در روز قیامت، خدای تعالی روزها را برمی‌انگیزد؛ و روز جمعه را مانند عروسی - که دارای زیبایی و کمال باشد و به شخصی ثروتمند و دین‌داری هدیه گردد - پیشاپیش آنها می‌آورد، و روز جمعه (در

۱. مصباح‌المتهدج، ص ۴۰۶، البلد الامین، ص ۱۲۰، المصباح، ص ۷۲۵، دلائل الإمامه، ص ۵۴۹ و مانند آن در جمال الاسبوع، ص ۳۰۱ آمده است.

حالی که دیگر روزها در پشت سرش قرار دارند) جلو درب بهشت می ایستند؛ و برای تمام کسانی که بر محمد و آل محمد درود و صلوات بسیار فرستاده‌اند، شفاعت می کند.

«عبدالله بن سنان» می گوید: پرسیدم: بسیار؛ در مورد صلوات، یعنی چند تا؟ و صلوات فرستادن در کدام ساعت‌های روز جمعه، از فضیلت بیشتری برخوردار است؟ حضرت فرمود:
صد مرتبه، پس از عصر.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاعَجِّلْ فَرَجَهُمْ.

بارالها! درود پیوسته بر حضرت محمد و آل محمد نثار کن و در فرج و راحتی ایشان شتاب فرما.

و آن را صد مرتبه تکرار می کنی.^۱

فضیلت خواندن سوره بنی اسرائیل

در هر شب جمعه

در پایان این بخش، روایتی را که در «تفسیر برهان» از کتاب

۱. جمال الاسبوع، ص ۲۷۷، الصحیفة الصادقیة، ص ۹۲۹.

«تفسیر عیاشی (ره)» و «ثواب الأعمال»، از امام صادق (ع) نقل شده
است، می آوریم.

آن حضرت فرمود:

هر کس سوره بنی اسرائیل را در هر شب جمعه بخواند، نمی میرد
تا امام قائم (حضرت مهدی (ع)) را درک کند و از اصحاب آن
بزرگوار باشد.^۱

۱. مکیال المکارم، ج ۲، ص ۳۷۸، المصباح، ص ۵۸۵، ثواب الأعمال، ص ۱۰۷،
تفسیر برهان، ج ۶، ص ۷، ح ۱-۲، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۷۶، ح ۱.

بخش پنجم

دعاهای هر ماه

دعا برای ظهور حضرت مهدی (ع)

در ظهر روز عاشورا

«عبدالله بن سنان» می گوید: در روز عاشورا، نزد آقایم امام صادق (ع) رفتم و آن حضرت را با رنگی پریده و چهره‌ای اندوهگین یافتم و دیدم اشک از چشمان مبارکش چون مرواریدهای غلطان، جاری بود. در آن حال به من فرمود: ای عبدالله؛ بهترین کاری که در این روز می‌توانی انجام دهی این است که لباس‌های پاکیزه‌ات را بپوشی و تسلب نمایی. عرض کردم تسلب چیست؟

فرمود: گریبانت را باز کن و همانند عزاداران آستین خود را بالا بزن؛ سپس به بیابان بی‌آب و علف یا مکانی برو که کسی تو را نبیند، یا منزل خلوتی اختیار کن، یا به خلوتگاه دیگری برو و هنگام بالا آمدن آفتاب، چهار رکعت نماز با رکوع و سجود نیکو به جای آور و بین هر دو رکعتی

سلام بده؛ در رکعت اول سوره «حمد» و «قل یا ایها الکافرون» و در رکعت دوم سوره «حمد» و «قل هو الله أحد» را بخوان. سپس دو رکعت دیگر را به جای آور؛ در رکعت اول «حمد» و سوره «احزاب» و در رکعت دوم «حمد» و «منافقون» را بخوان، یا سوره‌های دیگری را که می‌توانی بخوانی، اختیار کن. سپس نماز را تمام کرده و به طرف قبر و بارگاه امام حسین (ع) رو می‌کنی و در نظر آور قتلگاه آن حضرت را و کسانی که با آن بزرگوار بودند - از فرزندان و اهل بیت ایشان - و بر او سلام فرست، و دشمنانش را نفرین نما و از کارهایشان بیزاری بجوی؛ با این عمل، خداوند تو را به مراتب بالایی در بهشت نائل کند و گناهانت را فرو ریزد. سپس از جایی که در بیابان یا هر محل خلوت دیگری که هستی، چند قدم بردار و بگو:

«إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ، رِضًا بِقَضَاءِ اللَّهِ وَتَسْلِيمًا

همانا ما از خداییم و به سوی او بازمی‌گردیم؛ راضی به قضا و حکم اویم، و تسلیم

لأمره».

فرمانش هستیم.

در آن حال، باید حزن و اندوه در چهره‌ات آشکار باشد؛ هرچه

می توانی یاد خدا کن؛ آیه استرجاع (إنا لله...) را بخوان. وقتی این کار را انجام دادی و این راه را رفتی به جایی که ابتدا در آن نماز گزاردی بازگرد، و چنین بگو:

اللَّهُمَّ عَذِّبِ الْفَجْرَةَ، الَّذِينَ شَاقُّوا رَسُولَكَ، وَحَارَبُوا

خداوندا؛ فاجران و تبہکاران را به عذاب خود گرفتار کن؛ آنها که با پیامبرت دشمنی ورزیدند

أَوْلِيَاءِكَ، وَعَبَدُوا غَيْرَكَ، وَأَسْتَحَلُّوا مَحَارِمَكَ، وَالْعِن

و با دوستانت به جنگ برخاستند، و غیر از تو را بندگی کردند، و حرام‌هایت را حلال شمردند.

الْقَادَةَ وَالْأَتْبَاعَ، وَمَنْ كَانَ مِنْهُمْ، فَخَبَّ وَأَوْضَعَ مَعَهُمْ، أَوْ

(خدایا) سران و پیروان آنها را لعنت کن و هر که با آنها بوده پس فریب خورده و با آنان

رَضِيَ بِفِعْلِهِمْ لَعْنًا كَثِيرًا. اللَّهُمَّ وَ عَجَّلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ،

پست گردیدند، یا به کردار آنان راضی گشتند، بسیار نفرین فرما. خدایا؛ در فرج و راحتی آل

وَاجْعَلْ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ، وَأَسْتَنْقِذْهُمْ مِنْ أَيْدِي

محمد شتاب بفرما، و درود و رحمت را بر پیامبر و ایشان قرار ده، و آنان را از دست منافقین

الْمُنَافِقِينَ الْمُضِلِّينَ، وَالْكَفْرَةَ الْجَاهِدِينَ، وَافْتَحْ لَهُمْ فَتْحًا

گمراه‌کننده‌ رهایی ده؛ و از شر کافران و منکران خودت نجات بخش، و برای آنان گشایشی

يَسِيرًا، وَأَتِحْ لَهُمْ رَوْحًا وَفَرَجًا قَرِيبًا، وَاجْعَلْ لَهُمْ لَدُنْكَ

آسان مقدر فرما، و فرج و آسایش نزدیک برای ایشان فراهم نما، و از جانب خودت بدان‌ها

عَلَىٰ عَدُوِّكَ وَ عَدُوِّهِمْ سُلْطَانًا نَصِيرًا.

سلطه و حکومتی مقتدرانه بر دشمنان خود و دشمنان ایشان، عنایت فرما.

سپس دستانت را بلند کن و با این دعا برای خدا فروتنی کن؛ و در حالی که به دشمنان خاندان پیامبر(ص) اشاره می کنی، چنین دعا کن:

اللَّهُمَّ إِنَّ كَثِيرًا مِنَ الْأُمَّةِ نَاصَبَتِ الْمُسْتَحْفَظِينَ مِنْ

خدایا؛ گروه زیادی از امت، نسبت به امامان - که حافظ دین و شریعت اند - عداوت ورزیده اند؛

الْأُمَّةِ، وَ كَفَرَتْ بِالْكَلِمَةِ، وَ عَكَفَتْ عَلَى الْقَادَةِ الظَّالِمَةِ،

و به کلمه (حق) کافر گشتند؛ و بر رهبران ستمگر روی آوردند و ملازم گشتند؛ و از کتاب

وَ هَجَرَتِ الْكِتَابَ وَالسُّنَّةَ، وَ عَدَلَتْ عَنِ الْحَبْلَيْنِ الَّذِينَ

خدا و سنت پیامبر دور شدند و کناره گرفتند؛ و از دو ریسمان محکمی که به اطاعتشان

أَمَرَتْ بِطَاعَتِهِمَا، وَ التَّمَسُّكَ بِهِمَا، فَأَمَاتَتِ الْحَقَّ، وَ جَارَتْ

دستور دادی (یعنی قرآن و عترت پیامبر(ص)) روی گردانند، در نتیجه حق را میراندند و از

عَنِ الْقُصْدِ، وَمَالَاتِ الْأَحْزَابَ، وَ حَرَفَتِ الْكِتَابَ، وَ

راه اعتدال و میانه روی منحرف شدند، و احزاب را یاری کردند؛ کتاب تو را تحریف و دگرگون

كَفَرَتْ بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهَا، وَ تَمَسَّكَتْ بِالْبَاطِلِ لَمَّا

ساختند، و به آنچه از حق و حقیقت بدانها عرضه شد کفر ورزیدند؛ و به هر باطلی که بر

اعْتَرَضَهَا، وَ ضَيَّعَتْ حَقَّكَ، وَأَضَلَّتْ خَلْقَكَ، وَ قَتَلَتْ أَوْلَادَ

آنان عرضه شد، تمسک جستند؛ و حق تو را ضایع ساختند، و بندگانت را گمراه نمودند،

نَبِيِّكَ، وَ خَيْرَةَ عِبَادِكَ، وَ حَمَلَةَ عِلْمِكَ، وَ وَرَثَةَ حِكْمَتِكَ

و فرزندان پیامبرت، بهترین بندگانت، حاملان علمت و وارثان وحی و حکمتت را کشتند.

وَ وَحْيِكَ. اللَّهُمَّ فَزَلْزِلْ أَقْدَامَ أَعْدَائِكَ وَ أَعْدَاءَ رَسُولِكَ

خداوندا؛ قدم‌های دشمنان خود و دشمنان پیامبرت و دشمنان اهل بیت پیامبرت را لرزان

وَ أَهْلَ بَيْتِ رَسُولِكَ. اللَّهُمَّ وَأَخْرِبْ دِيَارَهُمْ، وَأَفْلِلْ

فرما، خدایا؛ سرزمین آنان را ویران کن، و سلاح‌هایشان را از کار بینداز، و اتحاد آنها را از بین

سِلَاحِهِمْ، وَخَالَفْ بَيْنَ كَلِمَتِهِمْ، وَفُتِّ فِي أَعْضَادِهِمْ،

ببر، و در میان مددکاران آنها پراکندگی و پریشانی ایجاد کن و مکر و حيله‌شان را سست

وَ أَوْهِنْ كَيْدَهُمْ، وَأَضْرِبْهُمْ بِسَيْفِكَ الْقَاطِعِ، وَارْمِهِمْ

گردان و آنها را به شمشیر برآنت دچار کن، و با سنگ هلاک‌کننده‌ات سنگ‌باران بنما، و آنها

بِحَجْرِكَ الدَّامِغِ، وَطَمَّهِمْ بِالْبَلَاءِ طَمًّا، وَقُمَّهُمْ بِالْعَذَابِ

را به شدت غرق بلا گردان، و عذاب فراگیری را بر آنان مسلط فرما، و مجازات‌های زشت

قَمًّا، وَعَذِّبْهُمْ عَذَابًا نَكْرًا، وَخُذْهُمْ بِالسِّنِينَ وَالْمَثَلَاتِ

و دشواری را گریبان‌گیر آنها بساز؛ و آنها را با قحطی و عقوبت‌ها گرفتار کن همان‌گونه که

الَّتِي أَهْلَكْتَ بِهَا أَعْدَائِكَ، إِنَّكَ ذُو نِقْمَةٍ مِنَ الْمُجْرِمِينَ.

دشمنانت را با آنها هلاک گرداندی. همانا، تو انتقامی بس شدید از مجرمان خواهی گرفت.

اللَّهُمَّ إِنَّ سُنَّتَكَ ضَائِعَةٌ، وَأَحْكَامَكَ مُعْطَلَةٌ، وَعِثْرَةَ نَبِيِّكَ

خدایا؛ سنت و طریقت تو از بین رفته است، احکام (حیات بخش) تعطیل گشته است، و

فِي الْأَرْضِ هَائِمَةٌ. اللَّهُمَّ فَأَعِنِ الْحَقَّ وَأَهْلَهُ، وَأَقْمِعِ

عترت پیامبرت در زمین سرگشته گردیده‌اند. ای خدا؛ حق و اهل آن را یاری کن، و باطل و

الْبَاطِلَ وَأَهْلَهُ، وَمَنْ عَلَيْنَا بِالنَّجَاةِ، وَاهْدِنَا إِلَى الْإِيمَانِ،

اهل آن را نابود کن، و با رهایی ما از دست آنان بر ما منت بگذار، و به راه ایمان هدایت‌مان

وَعَجِّلْ فَرَجَنَا، وَانظِمَّهُ بِفَرَجِ أَوْلِيَاءِكَ، وَاجْعَلْهُمْ لَنَا وُدًّا،

فرما؛ و در فرج و گشایش امور ما تعجیل نما، و فرج ما را با فرج اولیای سر و سامان ده، آنان

وَاجْعَلْنَا لَهُمْ وَفْدًا. اللَّهُمَّ وَأَهْلِكَ مَنْ جَعَلَ يَوْمَ قَتْلِ ابْنِ

را دوست دار ما قرار ده، و ما را گروه پیام رسان ایشان گردان. بار خدایا؛ هلاک گردان کسی را

نَبِيِّكَ وَ خَيْرَتِكَ عِيدًا، وَأَسْتَهْلِ بِهِ فَرَحًا وَمَرَحًا، وَخُذْ

که روز شهادت فرزند پیامبرت و برگزیدهات را عید قرار داده است، و اظهار شادی و سرور

أَخْرَهُمْ كَمَا أَخَذْتَ أَوْلَهُمْ، وَأَضْعِفِ اللَّهُمَّ الْعَذَابَ وَ

را در آن روز مرسوم کرده است؛ با دست انتقامت، گریبان آخرشان را بگیر، همان طور که

التَّنْكِيلَ عَلَى ظَالِمِي أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ، وَأَهْلِكَ أَشْيَاعَهُمْ

اولشان را گرفتار ساختی، و عذاب و عقوبت را بر آنان که بر اهل بیت پیامبر ستم ورزیدند

وَقَادَتَهُمْ، وَأَبْرُ حُمَاتِهِمْ وَجَمَاعَتِهِمْ. اللَّهُمَّ وَضَاعِفِ

دوچندان بگردان؛ و رهبران و پیروان آنان را هلاک گردان؛ و حمایت کنندگان و همه جمعیت

صَلَوَاتِكَ وَرَحْمَتِكَ وَبَرَكَاتِكَ عَلَى عْتَرَةِ نَبِيِّكَ، الْعِترَةِ

ایشان را ریشه کن نما و نابود فرما. خدایا؛ درود و رحمت و برکاتت را بر عترت پیامبرت، بیش

الضَّائِعَةِ الْخَائِفَةِ الْمُسْتَذَلَّةِ، بَقِيَّةِ الشَّجَرَةِ الطَّيِّبَةِ الزَّائِكَةِ

از بیش نازل کن؛ عترتی که حقشان ضایع شد و از شر دشمنان همواره ترسان بوده، و در

المُبَارَكَةِ. وَأَعْلِ اللَّهُمَّ كَلِمَتَهُمْ، وَأَفْلِحْ حُجَّتَهُمْ، وَاكْشِفِ

میان مردم به خواری کشیده شدند؛ و باقی مانده درخت پاک و پاکیزه و پربرکت (شجره

الْبَلَاءِ وَاللَّأْوَاءِ، وَحَنَادِسِ الْأَبَاطِيلِ وَالْعَمَى عَنْهُمْ، وَثَبَّتْ

طیبه) بودند. خدایا؛ کلمه آنها را عالی و بلندمرتبه گردان، و حجتشان را غالب و پیروز نما؛ و

قُلُوبَ شِيعَتِهِمْ وَحَزْبِكَ عَلَى طَاعَتِهِمْ وَوَلَايَتِهِمْ وَنُصْرَتِهِمْ

بلا و سختی و تاریکی های باطل و ناروا و کوری را از آنان دفع کن؛ و دل های پیروان آنها و

وَمُؤَالَاتِهِمْ، وَأَعِينُهُمْ وَأَمْنَحُهُمُ الصَّبْرَ عَلَى الْأَذَى فَيْكَ،

حزب خودت را بر فرمان بری، دوستی، یاری و موالات آنها ثابت و استوار بدار؛ و آنان را کمک

وَأَجْعَلْ لَهُمْ أَيَّامًا مَشْهُودَةً، وَأَوْقَاتًا مَحْمُودَةً مَسْعُودَةً،

کن و در برابر اذیت هایی که در راه تو به آنها می رسد صبر و شکیبایی به ایشان عنایت فرما؛

يُوشِكُ فِيهَا فَرَجُهُمْ، وَتُوجِبُ فِيهَا تَمْكِينَهُمْ وَنُصْرَهُمْ، كَمَا

و برای آنان روزهای تاریخی، و اوقاتی نیک و پسندیده قرار ده که فرج و گشایش امور آنها،

ضَمِنْتَ لِأَوْلِيَاءِكَ فِي كِتَابِكَ الْمُنْزَلِ، فَإِنَّكَ قُلْتَ وَقَوْلِكَ

بسی نزدیک باشد؛ و قدرت یافتن و پیروزی شان برسد و آنان را بر امور مسلط نمایی، که این

الْحَقُّ «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

حقیقت را خود در کتابت تضمین فرموده ای و چنین گفته ای و گفته تو حق مطلق است:

لَيْسَتْ خُلْفَتُهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ

«خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند وعده داده است

وَلَيُمْكِنَنَّ لَهُمْ دِينُهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ

که در زمین خلافت دهد، همان گونه که به پیشینیان آنها نیز خلافت روی زمین را بخشید؛

بَعْدَ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا». اللَّهُمَّ

و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده پابرجا و برقرار سازد و ترس شان را به امنیت و

فَاكْشِفْ غُمَّتَهُمْ، يَا مَنْ لَا يَمْلِكُ كَشْفَ الضُّرِّ إِلَّا هُوَ، يَا

آرامش مبدل کند (آن چنان) که تنها مرا پرستش کنند و چیزی را شریک من قرار ندهند.

أَحَدٌ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ، وَ أَنَا يَا إِلَهِي عَبْدُكَ الْخَائِفُ مِنْكَ،

خداوندا؛ غم و اندوه آنها را برطرف کن؛ ای کسی که جز او، کس دیگری بیچارگی و سختی

وَالرَّاجِعُ إِلَيْكَ، السَّائِلُ لَكَ، الْمُقْبِلُ عَلَيْكَ، اللَّاجِئُ إِلَى

را نمی زداید؛ ای خدای یگانه و همواره زنده و پاینده؛ ای خدای من؛ همانا من بنده ترسان

فَنَائِكَ، الْعَالَمُ بِأَنَّهُ لَا مَلْجَأَ مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ. اللَّهُمَّ فَتَقَبَّلْ

از تو هستم و به سوی تو باز می گردم و از تو درخواست می کنم و به درگاه تو رو می آورم و

دُعَائِي، وَاسْمَعْ يَا إِلَهِي عَلَانِيَتِي وَنَجْوَايَ، وَاجْعَلْنِي

به آستان امن تو پناه می برم و نیک می دانم که از ترس تو، جز به خودت نمی توان پناه برد.

مِمَّنْ رَضِيَتْ عَمَلُهُ، وَقَبِلَتْ نُسُكُهُ، وَنَجَّيْتَهُ بِرَحْمَتِكَ،

خدایا؛ دعایم را بپذیر؛ ای خدای من؛ به سخن آشکار و راز پنهان من گوش فراده، و مرا

إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْكَرِيمُ. اللَّهُمَّ وَصَلْ أَوْلَا وَآخِرًا عَلَى

از آنان قرار ده که از کردارشان خوشنود هستی و اعمالشان را می پذیری و با رحمت خودت

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

(آنان را از ورطه های زندگی) نجات می دهی؛ همانا تو خدای شکست ناپذیر بخشنده ای.

وَارْحَمْ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ، بِأَكْمَلِ وَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ

خداوندا؛ در ابتدا و انتها بر محمد و آل محمد درود فرست و برای محمد و آل محمد برکت

وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَى أَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ، وَمَلَائِكَتِكَ

و فزونی عطا کن، و بر محمد و آل محمد رحم نما به نوعی کامل تر و برتر از درود و برکت

وَحَمَلَةَ عَرْشِكَ بِإِلَهِ إِلَّا أَنْتَ. اللَّهُمَّ وَلَا تُفَرِّقْ بَيْنِي وَ

و رحمتی که بر پیامبران و رسولان و فرشتگان و حاملان عرش فرستاده‌ای؛ به حرمت این

بَيْنَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ، وَاجْعَلْنِي

واقعت که جز تو خدایی نیست. خدایا؛ میان من و محمد و آل محمد - که درود تو بر او و

يَا مَوْلَايَ مِنْ شَيْعَةِ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنِ

ایشان باد - جدایی میفکن؛ و ای مولای من؛ مرا از شیعیان و پیروان محمد و علی و فاطمه

وَالْحُسَيْنِ وَذُرِّيَّتِهِمُ الطَّاهِرَةَ الْمُتَجَبَّةَ، وَهَبْ لِي التَّمَسُّكَ

و حسن و حسین و اولاد پاک و نیک‌نژاد و شریف آنها قرار ده و به من توفیق عنایت کن که

بِحَبْلِهِمْ، وَالرِّضَا بِسَبِيلِهِمْ، وَالْأَخْذَ بِطَرِيقَتِهِمْ، إِنَّكَ جَوَادٌ

به ریسمان آنها چنگ زنم، و به رادشان خشنود کردم و روش آنان را در پیش گیرم؛ همانا

كَرِيمٌ. [سپس صورت به خاک بمال و بگو] يَا مَنْ يَحْكُمُ مَا

تو بسیار کریم و بخشنده هستی. ای کسی که آنچه می‌خواهد حکم می‌کند، و هر چیزی

يَشَاءُ وَيَفْعَلُ مَا يُرِيدُ أَنْتَ حَكَمْتَ، فَلَكَ الْحَمْدُ مَحْمُودًا

را که اراده کند انجام می‌دهد؛ حکم از آن توست، پس حمد و ستایش سزاوار تو است در

مَشْكُورًا، فَعَجِّلْ يَا مَوْلَايَ فَرَجَهُمْ، وَفَرَجَنَا بِهِمْ،

حالی که ستایش شده و سپاس‌گزاری شده هستی. ای مولای من؛ در فرج آنان و فرج ما که

فَإِنَّكَ ضَمَنْتَ إِعْزَاذَهُمْ بَعْدَ الذَّلَّةِ، وَتَكَثِيرَهُمْ بَعْدَ الْقَلَّةِ،

به سبب آنان تحقق پیدا می‌کند تعجیل کن، همانا تو عزت آنها را پس از خواری، و فزونی

وَإِظْهَارَهُمْ بَعْدَ الْخُمُولِ، يَا أَصْدَقَ الصَّادِقِينَ، وَيَا أَرْحَمَ

آنان را پس از کمی، و جلوه کردن‌شان را پس از گمنامی ضمانت کرده‌ای؛ ای راست‌گوترین

الرَّاحِمِينَ. فَاسْأَلْكَ يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي، مُتَضَرِّعًا إِلَيْكَ

راست‌گویان؛ ای مهربان‌ترین مهربانان؛ ای خدای من؛ ای آقای من؛ از تو با تضرع و گریه و

بجودك و كرمك، بَسْطِ أَمَلِي وَالتَّجَاوُزَ عَنِّي، وَقَبُولِ

زاری به درگاه کرم و بخشش، درخواست می‌کنم که آرزوهایم را تحقق بخشی، و از گناهانم

قَلِيلِ عَمَلِي وَكَثِيرِهِ، وَالزِّيَادَةَ فِي أَيَّامِي وَتَبْلِيغِي ذَلِكَ

درگذری، و کم و زیاد عملم را بپذیری، و در مدت عمرم زیاد مرا بدان حرم مطهر و بارگاه

الْمَشْهَدِ، وَأَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ يُدْعَى فَيُجِيبُ إِلَى طَاعَتِهِمْ

شریف شرفیاب گردانی. مرا از کسانی قرار ده که برای یاری، دوستی و فرمان‌برداری ایشان

و مُوَالَاتِهِمْ وَنَصْرِهِمْ، وَتُرِينِي ذَلِكَ قَرِيبًا سَرِيعًا فِي

خوانده می‌شوند و بی‌درنگ پاسخ می‌دهند و این زمان را هرچه زودتر با عافیت و سریع به

عَافِيَةٍ، إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

من بنمایان که همانا تو بر آنچه بخواهی توانایی.

سپس سرت را به طرف آسمان بلند کن و بگو:

أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَكُونَ مِنَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَكَ، فَأَعِدْنِي

خدایا؛ به تو پناه می‌برم از اینکه از آنانی باشم که به روزهای (بزرگ) تو امید ندارند؛ پس

يَا إِلَهِي بِرَحْمَتِكَ مِنْ ذَلِكَ.

به رحمت مرا از این گرفتاری پناه ده.

ای «پسر سنان»! این دعا از چندین حج و عمره مستحبی که

ثروت را در آن راه مصرف کنی و بدنت را به زحمت بیندازی و از

خانواده‌ات جدا شوی، برتر است و آگاه باش که خدای تعالی به هر کس که در این روز این نماز را به جای آورد و این دعا را خالصانه بخواند و این عمل را با یقین و تصدیق (به خدا و ائمه (ع)) انجام دهد، ده ویژگی عطا می‌کند:

از مرگ بد او را حفظ می‌کند؛ از مشکلات و فقر در امانش می‌دارد؛ تا زنده است دشمن را بر او چیره نمی‌گرداند؛ خودش و فرزندانش را تا چهار نسل از دیوانگی، جذام و پستی می‌رهاند؛ بر او و فرزندانش تا چهار پشت، راهی برای شیطان و همکارانش باقی نمی‌گذارد.

«پسر سنان» می‌گوید: از نزد امام رفتم در حالی که می‌گفتم: سپاس خدای را که با معرفت و دوستی شما بر من منت نهاد، و از او یاری می‌طلبم که با منت و رحمتش، بر اطاعت شما - که خدا بر من واجب کرده است - موفقم بدارد.^۱

۱. مصباح‌المتهجد، ص ۷۸۲، بحار الأنوار، ج ۱۰۱، ص ۳۰۳.

دعای دیگری در روز عاشورا

«صالح بن عقبه» از پدرش از امام باقر(ع) روایت می‌کند که

فرمود:

در روز عاشورا با دعای زیر به یکدیگر تعزیت بگویید:

أَعْظَمَ اللَّهُ أَجُورَنَا بِمُضَابِنَا بِالْحُسَيْنِ، وَجَعَلَنَا وَإِيَّاكُمْ

خداوند اجرهای ما را بر مصیبت‌مان بر حسین، بزرگ گرداند، و ما و شما را از انتقام جویمان

مِنَ الطَّالِبِينَ بِنَاهِ مَعَهُ وَلِيَّهُ الْإِمَامَ الْمَهْدِيَّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ

به خویش همراه با ولی‌اش، امام و پیشوای هدایت‌سده از آل محمد - که سلام بر آنان

عَلَيْهِمُ السَّلَامُ. ۱

باد - قرار دهد.

۱. مصباح‌المتهجد، ص ۷۷۲؛ المصباح، ص ۶۴۰ و مانند همین روایت در کامل الزیارات، ص ۳۲۵ آمده است.

دعای ایام ماه رجب

که از ناحیه مقدسه امام زمان (ع) صادر شده است

«ابن عیاش» می گوید: از اموری که از ناحیه مقدسه امام عصر (ع)

به دست «شیخ ابوجعفر محمد بن عثمان بن سعید» رسیده، دعایی

است که در هر روز از ماه رجب خوانده می شود:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَعَانِي جَمِيعِ مَا يَدْعُوكَ بِهِ وُلاةُ أَمْرِكَ،

پروردگارا! از تو درخواست می کنم به معانی تمام آنچه را که اولیای امورت، تو را به آن

المَأْمُونُونَ عَلَى سِرِّكَ، الْمُسْتَبْشِرُونَ بِأَمْرِكَ، الْوَاصِفُونَ

می خوانند؛ آنان که بر سر تو امین و به امر تو خوشنود و مفتخرند، آنها که قدرت تو را

لِقُدْرَتِكَ، الْمُعْلِنُونَ لِعَظَمَتِكَ، أَسْأَلُكَ بِمَا نَطَقَ فِيهِمْ مِنْ

توصیف و عظمت تو را نشان می دهند؛ درخواست می کنم به آنچه مشیت تو درباره آنها

مَشِيَّتِكَ، فَجَعَلْتَهُمْ مَعَادِنَ لِكَلِمَاتِكَ، وَأَرْكَانًا لِتَوْحِيدِكَ

ناطق است، پس آنها را معدن کلمات، و ارکان توحید خود ساختی و نشانه ها و مقامات

وآیات، و مقامات، التي لا تعطيل لها في كل مكان

خویشتن قرارشان دادی؛ نشانه ها و مقاماتی که تعطیلی برای آنها در هیچ مکانی نیست،

يَعْرِفُكَ بِهَا مَنْ عَرَفَكَ، لَا فَرْقَ بَيْنَكَ وَبَيْنَهَا إِلَّا أَنَّهُمْ

هر که تو را شناخت به آن آیات و نشانه ها شناخته است؛ میان تو و آنان تفاوتی نیست

عِبَادُكَ وَخَلْقِكَ، فَتُقْهَا وَرَتُقْهَا بِيَدِكَ، بَدُوْهَا مِنْكَ وَعَوْدُهَا

جز آنکه آنها بندگان تو و آفریده تو هستند. باز و بسته شدن امور آنها در دست توست.

الْيَكِ أَعْضَادٌ وَأَشْهَادٌ وَمُنَاةٌ وَأَذْوَادٌ، وَحَفَظَةٌ وَرُؤَادٌ، فَبِهِمْ

ابتدا و انتهای آنها از تو و برگشت ایشان به سوی توست. (آنان) پشتیبان و یاور تو و

مَلَأَتْ سَمَائِكَ وَأَرْضِكَ، حَتَّىٰ ظَهَرَ أَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ،

گواهان (بر خلق) و حامیان، و مدافعان و نگهبانان و پیشوایان تو هستند. پس از وجود

فَبِذَلِكَ أَسْأَلُكَ، وَبِمَوَاقِعِ الْعِزِّ مِنْ رَحْمَتِكَ، وَبِمَقَامَاتِكَ

ایشان آسمان و زمینت را پر کردی تا آشکار شود که: معبودی جز تو نیست. پس به

وَعَلَامَاتِكَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَنْ تَزِيدَنِي

واسطه آن و به جایگاه والای عزت از مهربانی تو، و به واسطه مقامات و نشانه‌هایت از

إِيمَانًا وَتَثْبِيثًا يَا بَاطِنًا فِي ظُهُورِهِ، وَظَاهِرًا فِي بَطُونِهِ

تو درخواست می‌کنم که بر محمد و آل او درود فرستی، و ایمان و استواری مرا افزونی

وَمَكْنُونِهِ، يَا مُفْرَقًا بَيْنَ النُّورِ وَالذُّجُورِ، يَا مَوْصُوفًا

بخشی؛ ای نهانی که در عین پنهان بودن آشکاری، و ای آشکاری که در عین آشکار

بَغَيْرِ كُنْهِ، وَمَعْرُوفًا بَغَيْرِ شَبْهِهِ، حَادًّا كُلَّ مَحْدُودٍ، وَشَاهِدًا

بودن پنهانی؛ ای جداکننده میان نور و تاریکی؛ ای آنکه وصف شده‌ای ولی نه با کنه

كُلِّ مَشْهُودٍ، وَمَوْجِدًا كُلَّ مَوْجُودٍ، وَمُخْصِيًا كُلَّ مَعْدُودٍ،

ذات؛ و ای آنکه شناخته شده‌ای اما نه به وسیله تشبیه و همانند؛ ای تعیین کننده حد

وَفَاقِدًا كُلِّ مَفْقُودٍ، لَيْسَ دُونَكَ مِنْ مَعْبُودٍ، أَهْلَ الْكِبْرِيَاءِ

و اندازه هر محدود؛ و ای گواه هر مشهود؛ و ای ایجاد کننده هر موجود؛ و ای شمارشگر

وَالْجُودِ، يَا مَنْ لَا يُكَيِّفُ بِكَيْفٍ، وَلَا يُؤَيِّنُ بَأَيْنٍ، يَا

هر شمرده شده؛ و ای نابود کننده هر نابود شده؛ جز تو معبودی نیست؛ و تو اهل کبریا و

مُحْتَجِباً عَنِ كُلِّ عَيْنٍ، يَا دَيْمُومُ يَا قَيُّومُ، وَعَالِمَ كُلِّ

بزرگواری و بخشش هستی. ای خدایی که به چگونگی و کیفیت توصیف نگردد، و از جا

مَعْلُومٍ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَعَلَى عِبَادِكَ الْمُتَجَبِّينَ،

و مکان او پرسش نشود؛ ای آنکه از چشم‌ها پنهانی؛ ای وجود دایم، ای پاینده، ای دانای

وَبَشْرِكَ الْمُحْتَجِبِينَ، وَمَلَائِكَتِكَ الْمُقْرَبِينَ وَالْبُهُمِ الصَّافِينَ

هر معلوم، درود فرست بر بندگان برگزیده‌ات؛ و انسان‌های پرده‌دارت؛ و بر فرشتگان

الْحَافِينَ، وَبَارِكْ لَنَا فِي شَهْرِنَا هَذَا الْمُرَجَّبِ الْمُكْرَمِ،

مقربت؛ و آن خاموشان به صف ایستاده و احاطه‌کنندگان، و این ماه گرامی رجب و نیز

وَمَا بَعْدَهُ مِنَ الْأَشْهُرِ الْحُرْمِ، وَأَسْبِغْ عَلَيْنَا فِيهِ النَّعْمَ وَأَجْزِلْ

ماه‌های حرام بعد از آن را بر ما مبارک گردان؛ و در آن، نعمت‌هایت را بر ما فرو ریز، و

لَنَا فِيهِ الْقِسْمَ، وَأَبْرِزْ لَنَا فِيهِ الْقِسْمَ، بِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ

بهره‌های ما را در این ماه بسیار گردان، و سوگند ما را در آن صادق قرار بده، به خاطر

الْأَجَلِ الْأَكْرَمِ الَّذِي وَضَعْتَهُ عَلَى النَّهَارِ فَاضَاءً وَعَلَى

بزرگ‌ترین، بزرگ‌ترین، باشکوه‌ترین و گرامی‌ترین نامت؛ نامی که چون بر روز نهادی

اللَّيْلِ فَاطْلَمَ، وَاعْفِرْ لَنَا مَا تَعَلَّمْنَا وَمَا لَا نَعْلَمُ، وَاعْصِمْنَا

روشن شد و وقتی بر شب قرار دادی، تاریک گشت. خداوندا؛ آنچه از گناهان ما را که تو

مِنَ الذُّنُوبِ خَيْرَ الْعِصْمِ، وَاكْفِنَا كَوَافِي قَدْرِكَ، وَامْنُنْ

می‌دانی و ما نمی‌دانیم بر ما ببخش؛ و ما را به بهترین وجه از گناهان نگهداری و حفظ

عَلَيْنَا بِحُسْنِ نَظْرِكَ، وَلَا تَكْلُنَا إِلَىٰ غَيْرِكَ، وَلَا تَمْنَعْنَا

فرما؛ و ما را با تقدیر کفایت کننده خود بسنده باش؛ و با نگاه نیکویت بر ما منت بگذار.

مِنْ خَيْرِكَ، وَبَارِكْ لَنَا فِي مَا كَتَبْتَهُ لَنَا مِنْ أَعْمَارِنَا، وَأَصْلِحْ

و به غیر خودت و امگذار، و از خیر و خوبیت محرومان مفرما؛ و به عمری که برای ما

لَنَا خَبِيئَةً أَسْرَارِنَا، وَأَعْظِنَا مِنْكَ الْأَمَانَ، وَأَسْتَعْمَلْنَا

مقرر داشته‌ای برکت عنایت کن، و درون و باطن مان را اصلاح فرما و برای ما از سوی

بِحُسْنِ الْإِيمَانِ، وَبَلِّغْنَا شَهْرَ الصِّيَامِ، وَمَا بَعْدَهُ مِنَ الْأَيَّامِ،

خود امان بده، و ما را با ایمان نیکو و کردار نیک به کار گیر، و ما را به ماه مبارک رمضان

وَالْأَعْوَامِ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ.^۱

و روزها و سال‌های پس از آن برسان؛ ای دارای شکوه و بزرگواری.

دعای دیگر در ایام ماه رجب

که از ناحیه مقدسه رسیده است

«ابن عیاش» می‌گوید: این دعا نیز از ناحیه مقدسه به دست

«حسین بن روح (ره)» رسیده است که در هر روز از ماه رجب

خوانده می‌شود:

۱. المصباح، ص ۷۰۱، مصباح المتهجد، ص ۸۰۳، بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۳۹۲.

إقبال الأعمال، ص ۱۴۵.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِالْمَوْلُودَيْنِ فِي رَجَبٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ

خدایا! از تو درخواست می‌کنم به حق دو تولد یافته در ماه رجب، یعنی محمد بن علی دوم (حضرت

الثانی، وابنه علی بن مُحَمَّدِ الْمُتَّجِبِ، وَأَتَقَرَّبُ بِهِمَا إِلَيْكَ

جواد(ع) و فرزندش علی بن محمد که برگزیده شده است؛ و به وسیله آن دو به سوی تو به بهترین

خَيْرِ الْقُرْبِ، يَا مَنْ إِلَيْهِ الْمَعْرُوفُ طَلِبُ، وَفِيمَا لَدَيْهِ رُغْبُ.

وجه تقرب می‌جویم. ای کسی که هر نیکی از او درخواست می‌شود، و به آنچه نزد اوست رغبت

أَسْأَلُكَ سُؤَالَ مُعْتَرِفٍ مُذْنِبٍ قَدْ أَوْبَقَّتْهُ ذُنُوبُهُ، وَأَوْثَقَتْهُ

می‌شود. از تو درخواست می‌کنم همانند گناهکاری که به جرمش اعتراف می‌کند، و گناهانش او را به

عُيُوبُهُ، فَطَالَ عَلَى الْخَطَايَا دُؤُوبُهُ، وَمِنَ الرَّزَايَا خُطُوبُهُ،

هلاکت و عیب‌های او را در بند کشیده؛ دیر زمانی است که بر اشتباه‌کاری‌ها عادت کرده و کارش

يَسْأَلُكَ التَّوْبَةَ وَحُسْنَ الْأُوبَةِ، وَالنُّزُوعَ عَنِ الْحُوبَةِ، وَمَنْ

با مصیبت‌های بزرگ می‌گذرد؛ از تو درخواست توبه و بازگشت نیکو و بیرون آمدن از گناه می‌کند، و

النَّارِ فَكَأَنَّكَ رَقَبَتُهُ، وَالْعَفْوِ عَمَّا فِي رِبْقَتِهِ، فَأَنْتَ يَا مَوْلَايَ

می‌خواهد آزادی از آتش جهنم و بخشش از آنچه را در بند اوست نصیب سازی. ای مولای من؛ تو

أَعْظَمُ أَمَلِهِ وَثِقَتُهُ، اللَّهُمَّ وَأَسْأَلُكَ بِمَسَائِلِكَ الشَّرِيفَةِ وَ

بزرگ‌ترین آرزو و مایه اطمینان او هستی. بار خدایا! از تو به حق درخواست‌های شرافت‌مندانه‌ات، و

وَسَائِلِكَ الْمُنِيفَةِ أَنْ تَتَّعِدَنِي فِي هَذَا الشَّهْرِ بِرَحْمَةٍ مِنْكَ

دستاویزهای والایت؛ درخواست می‌کنم که مرا در این ماه در رحمت بی‌کرانت غرق گردانی، و بر من

وَاسِعَةٍ، وَنِعْمَةٍ وَازْعَةٍ، وَنَفْسٍ بِمَا رَزَقْتَهَا قَانِعَةٍ، إِلَى نُزُولِ

نعمت‌های فراوان عطا کنی، و به من نفسی عطا کنی که تاروزی که در قبر فرود آیم و در منزل آخرت

الحافرة، و محل الأخرة، و ما هي إليه صائرة^۱.

سکونت گزینم و آنجا که روانم به سوی آن می‌شتابد، نسبت به آنچه نصیب آن نمودی قانع باشم.

۵

دعای سوم در ایام ماه رجب

«شیخ طوسی (ره)» می‌فرماید: در هر روز از ماه رجب مستحب

است این دعا خوانده شود:

اللَّهُمَّ يَا ذَا الْمَنِّ السَّابِغَةِ، وَالْأَلَاءِ الْوَازِعَةِ، وَالرَّحْمَةِ

خدایا! ای کسی که دارای لطف و احسان فراوان، و نعمت‌های گسترده و رحمت فراگیر، و قدرت

الْوَاسِعَةِ، وَالْقُدْرَةِ الْجَامِعَةِ، وَالنُّعْمِ الْجَسِيمَةِ، وَالْمَوَاهِبِ

جامع و کامل، و نعمت‌های عظیم و بخشش‌های بزرگ، و هدیه‌های زیبا، و عطایای فراوان هستی

الْعَظِيمَةِ، وَالْأَيَادِي الْجَمِيلَةِ، وَالْعَطَايَا الْجَزِيلَةِ. يَا مَنْ

ای کسی که به وسیله تمثیل وصف نمی‌شود و به هیچ موجودی به عنوان نظیر مثال زده نمی‌شود،

لَا يُنْعَتُ بِتَمْثِيلٍ، وَلَا يُمَثَّلُ بِنَظِيرٍ، وَلَا يُغْلَبُ بِظَهِيرٍ، يَا

و به کمک پشتیبان، مغلوب نمی‌شود؛ ای کسی که موجودات را خلق کرد، سپس به آنان رزق و

مَنْ خَلَقَ فَرَزَقَ، وَاللَّهُمَّ فَانْطِقْ، وَابْتَدِعْ فَشَرَعَ، وَعَلَا

روزی داد؛ و به آنان الهام کرد؛ پس به سخن درآورد؛ و نوآوری نمود، سپس تشریح کرد؛ و برتری

۱. المصباح، ص ۷۰۳؛ مصباح المتهجد، ص ۸۰۵؛ بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۳۹۳؛

إقبال الأعمال، ص ۱۴۶.

فَارْتَفِعْ، وَقَدَّرَ فَأَحْسَنَ، وَصَوَّرَ فَأَتَقَنَ، وَاحْتَجَّ فَأَبْلَغَ،

یافت، پس رفیع و بلند مرتبه گردید؛ و تقدیر کرد، پس نیکو گردانید؛ و تصویر کرد پس محکم نمود؛

وَأَنْعَمَ فَأَسْبَغَ، وَأَعْطَى فَأَجْزَلَ، وَمَنْعَ فَأَفْضَلَ. يَا مَنْ

و با دلیل استدلال کرد پس رسا گردانید؛ و نعمت داد پس آن را کامل کرد؛ و عطا نمود پس آن را

سَمَا فِي الْعِزِّ فَفَاتَ نَوَاطِرَ الْأَبْصَارِ، وَدَنَا فِي اللَّطْفِ

بیشتر کرد؛ و بخشش نمود، و آن را افزونی داد. ای کسی که اوج گرفت در عزت و توانمندی، و به

فَجَازَ هَوَاجِسَ الْأَفْكَارِ، يَا مَنْ تَوَحَّدَ بِالْمُلْكِ فَلَا نَدَّ لَهُ

همین خاطر دیدگاههای چشمان نتوانست به سوی او راه یابد، و آن قدر به لطافت نزدیک شده که

فِي مَلَكُوتِ سُلْطَانِهِ، وَتَفَرَّدَ بِالْآلَاءِ وَالْكَبْرِيَاءِ، فَلَا ضِدَّ

از هر آنچه به ذهن خطور می کند، ای کسی که در پادشاهی، تنها هستی؛ پس همتایی برای او در

لَهُ فِي جَبْرُوتِ شَأْنِهِ، يَا مَنْ حَارَتْ فِي كِبْرِيَاءِ هَيْبَتِهِ

قدرت و سلطنت بر هستی نیست؛ و در نعمت‌ها و شکوه و عظمت، یگانه و بی مانند هستی؛ پس در

دَقَائِقُ لَطَائِفِ الْأَوْهَامِ، وَأَنْحَسَرَتْ دُونَ إِدْرَاكِ عَظَمَتِهِ

مقام جبروت و استیلا، ضدی برای او نیست؛ ای کسی که لطایف و دقت‌ها و ریزبینی‌های افکار و

خَطَائِفُ أَبْصَارِ الْأَنْامِ. يَا مَنْ عَنَتِ الْوُجُوهُ لَهُيْبَتِهِ،

تصویرات و نیروی خیال در هیبت و شکوه او حیران و سرگردان و در ادراک کمترین مرتبه بزرگی

وَخَضَعَتِ الرَّقَابُ لِعَظَمَتِهِ، وَوَجَلَتِ الْقُلُوبُ مِنْ خَيْفَتِهِ،

او دیدگان، جستجوگر مردم ناتوان شده، ای کسی که صورت‌ها به خاطر عظمت و جلال او خوار و

أَسْأَلُكَ بِهَذِهِ الْمُدْحَةِ الَّتِي لَا تَتَّبِعِي إِلَّا لَكَ، وَبِمَا وَآيَتَ بِهِ

دلیل گردید و از بین رفت، و گردن‌ها به خاطر عظمت او خم شد و خاشع گشت، و قلب‌ها از ترس او

عَلَى نَفْسِكَ لِدَاعِيكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ، وَبِمَا ضَمَنْتَ الْإِجَابَةَ

لرزان و هراسان شد؛ به خاطر این، مدح و ثنایی که هیچ کس به غیر تو سزاوار و شایسته آن نیست؛

فِيهِ عَلَى نَفْسِكَ لِلدَّاعِينَ. يَا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ، وَأَبْصَرَ

و به خاطر آنچه برای مؤمنانی که تو را می خوانند، بر خودت وعده داده‌ای؛ و به خاطر آنچه برای

النَّاظِرِينَ، وَأَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ، يَا ذَا الْقُوَّةِ الْمَتِينِ، صَلِّ عَلَى

دعاکنندگان، اجابت کردن راضمان شده‌ای؛ از تو طلب می کنم، ای شنواترین شنوندگان، و بیناترین

مُحَمَّدَ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ [الْأئِمَّةِ الصَّادِقِينَ]،

بینندگان، و سریع‌ترین محاسبه‌کنندگان؛ ای صاحب نیرو و توان محکم؛ بر پایان بخش پیامبران

وَأَقْسِمُ لِي فِي شَهْرِنَا هَذَا خَيْرَ مَا قَسَمْتَ، وَاحْتَمُّ لِي

حضرت محمد (ص) و اهل بیت او - که پیشوایان راستگو هستند - درود بفرست و در این ماه، بهترین

فِي قَضَائِكَ خَيْرَ مَا حَتَمْتَ، وَاحْتَمُّ لِي بِالسَّعَادَةِ فِيمَنْ

قسمت‌ها را برای من قرار بده؛ و بهترین حکم را در قضا و قدر خودت برای من حتمی گردان، و

خَتَمْتَ، وَأُحِينِي مَا أَحْيَيْتَنِي مَوْفُورًا، وَأُمْتِنِي مَسْرُورًا

پایان کار مرا به سعادت ختم کن، در میان کسانی که کارشان را به پایان رساندی، و تا مادامی که مرا

وَمَغْفُورًا، وَتَوَلَّ أَنْتَ نَجَاتِي مِنْ مُسَائِلَةِ الْبُرْزَخِ،

زنده نگه می داری نعمت را بر من زیاد و فراوان بگردان؛ و مرا در حالی که شادان و بخشیده شده‌ام،

وَأَذْرَأْ عَنِّي مُنْكَرًا وَنَكِيرًا، وَأَرِّ عَيْنِي مُبَشِّرًا وَبَشِيرًا،

بمیران، و خودت نجات از پرسش‌های برزخ مرا بر عهده بگیر؛ و نکیر و منکر را از من دور کن، و مبشر

وَأَجْعَلْ لِي إِلَى رِضْوَانِكَ وَجَنَانِكَ مَصِيرًا وَعَيْشًا قَرِيرًا،

و بشیر را به من نشان بده؛ و بازگشت مرا به سوی بهشت و رضوان خودت قرار بده و زندگی خوش

وَمُلْكًا كَبِيرًا. وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ كَثِيرًا.

و کامیاب، و دارایی بزرگ برایتان قرار بده؛ و بر محمد و آل او درود فراوان بفرست.

۶

دعای روز سوم ماه شعبان

«علامة مجلسی (ره)» در کتاب «بحار الأنوار» می فرماید: وکیل امام حسن عسکری (ع)، «قاسم بن علاء همدانی» نامه‌ای از ناحیه مقدسه دریافت کرد که در آن فرموده بودند:

همانا مولای ما امام حسین (ع) در روز پنجشنبه سوم شعبان به دنیا آمدند؛ آن روز را روزه بگیر، و این دعا را بخوان.^۱

و در کتاب «زاد المعاد» می فرماید: امام زمان (ع) این دستور را صادر فرمودند:

روز سوم ماه شعبان را روزه بگیر و این دعا را بخوان؛ زیرا این روز، روز ولادت امام حسین (ع) است:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ الْمَوْلُودِ فِي هَذَا الْيَوْمِ، الْمَوْعُودِ

ای خدا؛ از تو درخواست می کنم به حق مولود در این روز که پیش از آنکه چهره اش ظاهر شود و متولد

۱. بحار الأنوار، ج ۱۰۱، ص ۳۴۷.

بشهادته قبل استهلاله وولادته، بكته السماء ومن فيها،

گردد به شهادت او وعده داده شده، کسی که آسمان و هر که در آن است و زمین و هر که بر روی آن

والأرض ومن عليها، ولما يطأ لابتئها قتيل العبرة، وسيد

است بر (مظلومیت) او گریستند، در حالی که هنوز قدم به این دنیا نگذاشته بود، او کشته گریه و سرور

الأسرة الممدود بالنصرة يوم الكرة المعوض من قتله

خاندان است که با انتقام خون پاکش در رجعت آل محمد نصرت و ظفر پایدار خواهید یافت، و در عوض

ان الأئمة من نسله، والشفاء في تربته، والفوز معه في

شهادتش امامان و پیشوایان دین از نسل پاک آن حضرت، و شفای هر درد و مرضی در تربت اوست، و

أوبته، والأوصياء من عترته بعد قائمهم وغيبته، حتى

رستگاری و پیروزی همراه اوست به هنگام رجعتش، و اوصیا از عترت او هستند، پس از حضرت مهدی (ع)

يُذركوا الأوتار، ويثأروا الثأر، ويرضوا الجبار، ويكونوا

و بعد از غیبت آن حضرت تا اینکه به خونخواهی آن حضرت برخیزند و انتقام گیرند، و خداوند جبار را از

خير أنصار، صلى الله عليهم مع اختلاف الليل والنهار،

خودشان خشنود کنند، و از بهترین یاوران (دین خدا) باشند. درود خدا بر آنان تا زمانی که شب و روز در

اللهم فبحقهم اليك أتوسل، وأسأل سؤال مقترف [و]

رفت و آمد هستند. بار خدایا؛ به حق آنان به درگاه تو توسل می جویم، و از تو درخواست می کنم مانند

مُعترف مُسئء الى نفسه، مما فرط في يومه وأمسه،

گناه کاری که اعتراف به گناهان خود می کند، به خود بدی نموده به خاطر اینکه در روز و شب خود کوتاهی

يسئلك العظمة الى محل رمسه اللهم صل على محمد

کرده است، از تو درخواست می کند که او را تا هنگام مرگ از گناه محفوظ بداری. خدایا؛ بر حضرت محمد

وَعَثْرَتَهُ، وَأَحْشُرْنَا فِي زُمْرَتِهِ، وَبَوَّئْنَا مَعَهُ دَارَ الْكِرَامَةِ،

و عثرت پاکش درود فرست، و ما را در زمره آن بزرگوار محشور فرما، و در سرای کرامت یعنی بهشت و

وَمَحَلِّ الْإِقَامَةِ. اللَّهُمَّ وَكَمَا أَكْرَمْتَنَا بِمَعْرِفَتِهِ فَأَكْرَمْنَا

محل اقامت ابدی، مرا با او همنشین گردان. خدایا! همانطور که ما را با معرفت و شناخت او گرامی داشتی،

بِزُلْفَتِهِ، وَأَرْزُقْنَا مُرَافَقَتَهُ وَسَابِقَتَهُ، وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ يُسَلِّمُ

پس با تقرب به او نیز گرامی دار؛ و دوستی، همراهی و شتافتن به سوی او را روزی ما بگردان، و ما را از

لَأْمُرِهِ، وَيُكْثِرُ الصَّلَاةَ عَلَيْهِ عِنْدَ ذِكْرِهِ، وَعَلَى جَمِيعِ

کسانی قرار ده که در برابر امر او تسلیم است و در هنگام یاد نمودن از او درود بسیار بر او و تمامی اوصیا

أَوْصِيَاءِهِ وَأَهْلِ اصْطِفَائِهِ، الْمَمْدُودِينَ مِنْكَ بِالْعَدَدِ الْإِثْنَى

و برگزیدگان او می فرستد، آنان که از طرف تو پیوسته آمده اند، و تعدادشان دوازده تن است؛ همه آنها

عَشَرَ النُّجُومِ الزُّهَرِ، وَالْحُجَجِ عَلَى جَمِيعِ الْبَشَرِ. اللَّهُمَّ

ستارگان درخشان، و برای تمامی انسان ها حجت هستند. خدایا! در این روز، بهترین بخشش خود را به ما

وَهَبْ لَنَا فِي هَذَا الْيَوْمِ خَيْرَ مَوْهَبَةٍ، وَأَنْجِحْ لَنَا فِيهِ كُلَّ

بخش؛ و در این روز، تمامی حاجات ما را برآورده کن، همان طور که امام حسین (ع) را به جدش حضرت

طَلَبَةَ، كَمَا وَهَبْتَ الْحُسَيْنَ لِمُحَمَّدٍ جَدِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ

محمد - که درود خدا بر او و آل او باد - هدیه دادی و فطرس - فرشته الهی - به گهواردش پناه برد؛ ما

آلَهُ، وَعَاذَ فُطْرُسٍ بِمَهْدِهِ، فَنَحْنُ عَائِدُونَ بِقَبْرِهِ مِنْ بَعْدِهِ،

نیز پس از شهادتش به قبر او پناه می بریم و در نزد تربت او حاضر می شویم و منتظر بازگشتش هستیم؛

نَشْهُدُ تَرْبَتَهُ، وَنَنْتَظِرُ أَوْبَتَهُ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ. ۱

ای پروردگار هستی، دعای ما را مستجاب کن.

۶

فضیلت شب نیمه شعبان

سید بزرگوار، «رضی الدین علی بن طاووس (ره)» می فرماید: سزاوار است تعظیم این شب به خاطر ولادت حضرت مهدی (ع) نزد مسلمانان و کسانی که اعتراف به حقوق امامت ایشان دارند - به مقداری که پیامبر (ص) آن را ذکر فرموده‌اند - و سعادت‌مندان از امت پیامبر (ص) آن را بشارت داده‌اند؛ باشد.

همان‌طور که روزگار و زندگانی برای مسلمانان تنگ و تاریک شد و لشکریان دشمن بر آنان مسلط شدند و بدیمنی و شومی گناهانشان آنان را احاطه کرد؛ پس خداوند مولودی را به دنیا آورد که آنان را از اسارت و بندگی آزاد کند و آنان را بر حقوق از دست رفته ایشان قدرت و توانایی می‌دهد و به تمامی افراد بشر آنچه را که مستحق آن هستند، اعطا می‌کند؛ سفره رحمت خود را در شرق

۱. زاد المعاد، ص ۵۷؛ مصباح‌المتهجد، ص ۸۲۶؛ المصباح، ص ۷۲۰؛ اقبال الأعمال، ص ۲۰۲.

و غرب عالم می گستراند؛ سفره‌ای که همگان به طور یکسان از آن بهره‌مند می‌شوند.

کامل‌کننده الطاف خداوند با اوصافی نیکو است. او بر آن سفره مانند پدری دلسوز نسبت به فرزندان عزیزش یا مانند حاکمی مهربان و بزرگوار نسبت به رعیت و زیردستانش می‌نشیند و آن حضرت از مقدمات نشانه‌های سرور و بشارت‌های خیر و نیکی نسبت به جهان پایدار را به آنها نشان می‌دهد؛ آنچه را که حاضر آن گواهی بر غایب آن می‌دهد و دل‌ها را به سوی اطاعت پروردگار می‌کشاند.

«سید بن طاووس (ره)» در ادامه می‌افزاید:

تمامی انسان‌ها باید برای شکرگزاری از آنچه خداوند به وسیله آن حضرت بر آنان منت گذاشته و به آنان عطا کرده و به خاطر اینکه خداوند آنان را از رعیت و سربازان آن حضرت قرار داده تا برای یاری اسلام و ایمان و ریشه‌کن کردن کفر و سرکشی و دشمنان اسلام و برپا کردن خیمه‌های سعادت در تمامی عالم از شرق تا غرب و در دورترین نقاط جهان، او را یاری دهند، این شب را گرامی بدارند و به عبادت بپردازند.

و آنها را در خدمت خداوندی که کسی به ذات او پی نمی‌برد قرار خواهد داد و نیز در خدمت رسول خدا(ص) - که سبب این ولادت و سعادت و شرافت دادن به ریاست آن حضرت است - و نیز تشکری و خدمتی برای پدران پاک آن حضرت؛ آنان که اصل و ریشه این ولادت مبارک و یاوران آن حضرت در برپا داشتن حرمت و حفظ احترامش هستند، و نیز تشکر و خدمتی به خود آن حضرت نماید.

همان‌گونه که واجب است هر بنده‌ای در برابر زمامدار خود که باعث استواری و پایداری او گردیده و سعادت او را تأمین نموده خدمت کند و گمان نمی‌کنم که قوت بشری قادر بر قیام به این حقوق عظیم و پسندیده باشد مگر با نیروی الهی.

پس هر بنده‌ای از بندگان سعادت‌مند به خاطر نعمت‌هایی که به وسیله آن حضرت و طفیلی وجود ایشان، به او می‌رسد، باید با قدرت و جدیت به شکرگزاری قیام کند.

از جمله دعاها و سوگندهایی که در شب نیمه شعبان به واسطه این مولود عالی مقام و ارزشمند، به خدای تعالی می‌دهیم؛ این دعاست:

دعای شب نیمه شعبان

اللَّهُمَّ بِحَقِّ لَيْلَتِنَا هَذِهِ وَمَوْلُودِهَا، وَحُجَّتِكَ وَمَوْعُودِهَا،

خدایا؛ به حق امشب ما و مولود آن، و حجت تو و وعده داده شده آن، که برتری دیگری

الَّتِي قَرَنْتَ إِلَيَّ فَضْلَهَا فَضْلاً فَتَمَّتْ كَلِمَتُكَ صِدْقاً

بر برتری آن مقرون ساختی و پیوسته نمودی؛ پس کامل گردید کلمه تو به راستی و

وَعَدَلاً، لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِكَ وَلَا مُعَقَّبَ لآيَاتِكَ، نُورِكَ

عدالت، که دگرگون کننده‌ای برای کلمات تو نیست، و نه پس زنده‌ای بر آیات نیست؛

الْمُتَالِقُ، وَضِيَاءُكَ الْمُشْرِقُ، وَالْعَلَمُ النُّورُ، فِي طَخِيَاءِ

او نور درخشان تو و روشنایی تابان و پرچم نور در تاریکی شب سیاه، (که جمالش)

الدَّيْجُورِ، الْغَائِبِ الْمَسْتُورِ. جَلَّ مَوْلِدُهُ، وَكَرَّمَ مَحْتَدُهُ،

پنهان و پوشیده است. ولادتش شکوه‌مند، و نژادش شریف است، و فرشتگان شاهدان

وَالْمَلَائِكَةُ شُهَدَاءُ، وَاللَّهُ نَاصِرُهُ وَمُؤَيِّدُهُ، إِذَا آتَى مِعَادَهُ،

اویند، و خداوند یاری کننده و تأیید کننده اوست؛ هنگامی که زمان وعده‌اش فرا رسد، و

وَالْمَلَائِكَةُ أَمْدَادُهُ، سَيْفُ اللَّهِ الَّذِي لَا يَنْبُؤُ، وَنُورُهُ الَّذِي لَا

فرشتگان مددکار اویند. او شمشیر خداوندی است که کند نشود؛ و نور خداوندی است

يَخْبُؤُ، وَذُو الْحِلْمِ الَّذِي لَا يَصْبُؤُ، مَدَارُ الدَّهْرِ، وَنَوَامِيسُ

که هرگز خاموش نگردد، و صاحب بردباری است که از جا درنرود. محور و مرکز چرخش

العصر، وولاية الأمر، والمنزل عليهم الذكر، وينزل ما ينزل

روزگار، و ناموس‌های زمانه، و کاردان فرمان الهی؛ و کسانی که نازل گشته بر ایشان ذکر

فی ليلة القدر، وأصحاب الحشر والنشر، تراجمه وحیه،

یعنی قرآن و آنچه در شب قدر نازل گردد، و صاحبان گردآوری و پراکندگی، بیان کننده

وولاية أمره ونهیه، اللهم فصل علی خاتمهم وقائمهم

پیام آسمانی او؛ و عهده‌داران امر و نهی او می‌باشند. بارخدا یا؛ بر آخرین، و قیام‌کننده

المستور عن عوالمهم وأدرک بنا أيامه، وظهوره وقيامه،

ایشان درود بفرست که از عوالم ایشان پوشیده است؛ و ما را موفق به درک روزگار و

واجعلنا من أنصاره، وأقرن ثارنا بثاره، وأکتبنا فی أعوانه

دوران ظهور و قیامش بگردان؛ و ما را از یاران آن حضرت قرار بده؛ و خونخواهی ما را به

وخلصائه، وأحینا فی دولته ناعمین، وبصحبته غانمین،

خونخواهی او پیوسته گردان؛ و ما را در گروه یاران و مخلصان بی‌آلایش او بنویس؛ و ما

وبحقه قائمین، ومن السوء سالمین یا أرحم الراحمین،

را در دولت آن حضرت، برخوردار از نعمت زنده بدار؛ و به همراهی او بهره‌مند، و به ادای

والحمد لله رب العالمین، وصلى الله على محمد خاتم

حقیق پابرجا، و از بدی نیز برکنار بدار؛ ای مهربان‌ترین مهربانان؛ و ستایش مخصوص

النبيين والمرسلین، وعلى أهل بيته الصادقین وعترته

پروردگار جهانیان است؛ و درود خدا بر حضرت محمد خاتم پیامبران و رسولان و بر اهل

الناطقین، والعن جمیع الظالمین، واحکم بیننا و بینهم یا

بیت راستگو و عترت سخن‌گوی اندیشمند او باد. خدا یا؛ به همه ستم‌کاران لعنت کن، و

أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ^۱

خودت بین ما و آنها داوری کن، ای بهترین داوران.

۸

فضیلت (دعای خضر(ع) معروف به) دعای کمیل در آن شب

«کمیل بن زیاد» می گوید: با مولایم امیرالمؤمنین(ع) در «مسجد بصره» نشسته بودم و گروهی از اصحاب نیز همراه آن حضرت بودند، پس بعضی از آنان از ایشان سؤال کردند که معنای این فرمایش خداوند: «فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ»^۲ در آن شب هر امری با حکمت معین گردد»، چیست؟

حضرت امیرالمؤمنین(ع) فرمودند:

مراد، شب نیمه شعبان است؛ قسم به آن کس که جان علی در دست اوست، هیچ بنده‌ای نیست مگر اینکه تمامی خیر و شری

۱. إقبال الأعمال، ص ۲۱۸؛ زاد المعاد، ص ۶۳؛ المصباح، ص ۷۲۴؛ مصباح الزائر، ص ۳۱۵.

۲. سورة دخان، آیه ۴.

که در طول سال تا شب نیمه شعبان آینده بر او می‌گذرد، در آن شب برای او تقسیم می‌شود و هیچ بنده‌ای نیست که این شب را با شب‌زنده‌داری سپری کند و دعای حضرت خضر(ع) (دعای کمیل) را بخواند مگر اینکه اجابت شود.

۹

دعای افتتاح

«علامه مجلسی(ره)» می‌گوید: با سند معتبر روایت شده که: امام عصر(ع) خطاب به شیعیان مرقوم فرمودند:
این دعا را در تمام شب‌های ماه مبارک رمضان بخوانید؛ زیرا فرشتگان به آن گوش فرا می‌دهند و برای خواننده آن، طلب بخشش می‌کنند.
دعا این است:

اللَّهُمَّ اِنِّیْ اَفْتَحُ التَّنَاءَ بِحَمْدِكَ، وَاَنْتَ مُسَدِّدٌ لِلصَّوَابِ

بار الهی! من ثناگویی تو را با ستایش و حمدت آغاز می‌کنم؛ و تو به لطف و احسانت هر کار راست و

بِمَنْكَ، وَاَیْقَنْتُ اَنَّكَ اَنْتَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِیْنَ فِی مَوْضِعِ

درستی را استوار کننده‌ای؛ و یقین دارم که تو در جایگاه بخشش و مهربانی، مهربان‌ترین مهربانان

العُفُو وَالرَّحْمَةَ، وَاَشَدُّ الْمُعَاقِبِیْنَ فِی مَوْضِعِ النَّكَالِ

هستی؛ و در جایگاه انتقام و عقوبت نیز سخت‌ترین کیفرکننده‌ای؛ و در جایگاه بزرگی عظمت،

وَالنَّقْمَةَ، وَأَعْظَمُ الْمُتَجَبِّرِينَ فِي مَوْضِعِ الْكِبْرِيَاءِ

بزرگ‌ترین قدرت و شوکت را دارا هستی، بارالها! به من اجازه دادی تو را بخوانم و از تو درخواست

وَالْعِظْمَةَ، اللَّهُمَّ أَذْنَتَ لِي فِي دُعَائِكَ وَمَسْئَلَتِكَ، فَاسْمَعْ

نمایم؛ بنابراین، ای شنونده؛ به ثناگویی من گوش بده؛ و ای مهربان؛ دعایم را اجابت کن؛ و ای

يَا سَمِيعُ مَدْحَتِي، وَأَجِبْ يَا رَحِيمُ دَعْوَتِي، وَأَقِلْ يَا

آمرزنده؛ از لغزشم درگذر. خدای من؛ چه اندوه جانکاه بسیاری که تو برطرف نمودی؛ و چه

غُفُورُ عَثْرَتِي، فَكَمْ يَا إِلَهِي مِنْ كُرْبَةٍ قَدْ فَرَّجْتَهَا، وَهُمُومٍ

مصیبت‌هایی که تو کنار زدی؛ و چه لغزش‌هایی که درگذشتی؛ و چه رحمت و لطفی که تو

قَدْ كَشَفْتَهَا، وَعَثْرَةٌ قَدْ أَقَلْتَهَا، وَرَحْمَةٌ قَدْ نَشَرْتَهَا،

گسترانیدی؛ و چه حلقه‌های بلایی که از هم گسستی؛ ستایش ویژه‌ی خدایی است که همسر و

وَحَلْقَةٌ بَلَاءٍ قَدْ فَكَّكْتُهَا، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ

فرزندی ندارد، و در فرمان‌فرمایی او نیز شریکی نیست، و هیچ ولی و سرپرستی از روی ذلت و

صَاحِبَةً وَلَا وُلْدًا، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ

ناتوانی اختیار نکرده است، و خدای را در نهایت بزرگی یاد کن. ستایش به تمام انواع آن در مورد

يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذَّلِّ وَكِبْرُهُ تَكْبِيرًا، الْحَمْدُ لِلَّهِ بِجَمِيعِ

تمام نعمت‌هایش، مخصوص خداست، ستایش ویژه‌ی خدایی است که در فرمان‌فرمایی او هیچ کس

مَحَامِدَهُ كُلِّهَا عَلَى جَمِيعِ نِعَمِهِ كُلِّهَا، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا

نمی‌تواند با او ضدیت کند و در فرمانش کشمکش‌کننده‌ای برای او نیست. ستایش ویژه‌ی خدایی

مُضَادٌّ لَهُ فِي مُلْكِهِ، وَلَا مُنَازِعٌ لَهُ فِي أَمْرِهِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ

است که در خلقت و آفرینش شریکی ندارد، و در عظمت و بزرگی‌اش مانندی ندارد. ستایش ویژه

الَّذِي لَا شَرِيكَ لَهُ فِي خَلْقِهِ، وَلَا شَبِيهَ لَهُ فِي عَظَمَتِهِ،

خدایی است که فرمان او و ستایش او در بین آفریدگان آشکار و شکوهش به واسطه کرامت و

الْحَمْدُ لِلَّهِ الْفَاشِي فِي الْخَلْقِ أَمْرُهُ وَحَمْدُهُ الظَّاهِرُ

بزرگواری اش هویدا است، و دستش را با سخاوتمندی همواره گشوده است؛ همان خدایی که

بِالْكَرَمِ مَجْدُهُ، وَالْبَاسِطِ بِالْجُودِ يَدُهُ، الَّذِي لَا تَنْقُصُ

گنجینه‌هایش کم نمی‌شود و بخشش زیادش تنها باعث افزایش بخشش و کرم و بزرگواری او

خَزَائِنُهُ، وَلَا تَزِيدُهُ كَثْرَةُ الْعَطَاءِ إِلَّا جُودًا وَكَرَمًا، أَنَّهُ

می‌شود؛ همانا او، تنها عزتمند بسیار بخشنده است. بارالها؛ از تو می‌خواهم اندکی از بسیار را به

هُوَ الْعَزِيزُ الْوَهَّابُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ قَلِيلًا مِنْ كَثِيرٍ مَعَ

طوری که به این اندک بسیار نیازمندم؛ و تو از قدیم بی‌نیاز از اینها بوده‌ای و این اندک، نزد من

حَاجَةٌ بِي إِلَيْهِ عَظِيمَةٌ، وَغِنَاكَ عَنْهُ قَدِيمٌ وَهُوَ عِنْدِي

بسیار زیاد و ارزشمند است و برای تو (بر آوردنش) هیچ کاری ندارد و کم و آسان می‌باشد. بارالها؛

كَثِيرٌ، وَهُوَ عَلَيْكَ سَهْلٌ يَسِيرٌ، اللَّهُمَّ إِنَّ عَفْوَكَ عَنْ ذَنْبِي،

واقعیت آن است که بخشش تو نسبت به گناه من، و گذشت تو از اشتباه من، و چشم‌پوشی تو از

وَتَجَاوُزَكَ عَنْ خَطِيئَتِي، وَصَفْحَكَ عَنْ ظَلْمِي، وَسِتْرَكَ

ستم من، و پوشش تو بر رفتار زشت من، و بردباری تو نسبت به جرم سنگین و بسیار من چه از

عَلَى قَبِيحِ عَمَلِي، وَحِلْمِكَ عَنْ كَثِيرِ جُرْمِي عِنْدَ مَا كَانَ

روی عمد انجام داده‌ام، و چه به طور اشتباهی مرتکب شده‌ام؛ باعث شده باز هم طمع کنم و اقدام

مِنْ خَطِيئَتِي وَعَمْدِي أَطْمَعَنِي فِي أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَا

به درخواست چیزی از تو نمایم که سزاوار آن نیستم؛ همان چیزی که از رحمت نصیبم ساختی، و

أَسْتَوْجِبُهُ مِنْكَ، الَّذِي رَزَقْتَنِي مِنْ رَحْمَتِكَ، وَأَرَيْتَنِي مَنْ

از قدرت نشانی دادی، و از پاسخ‌گویی‌ات که به من شناساندی؛ بدین‌سان، با آرامش تو را می‌خوانم.

قُدْرَتِكَ، وَعَرَّفْتَنِي مِنْ اجَابَتِكَ، فَصَرْتُ أَدْعُوكَ آمِنًا،

و نیز از تو می‌خواهم در حالت انس با تو نه با ترس و هراس، و با اطمینان خاطر به سوی تو در آنچه

وَأَسْأَلُكَ مُسْتَأْنَسًا لَا خَائِفًا وَلَا وَجَلًا، مُدْلًا عَلَيْكَ فِيمَا

به خاطر آن آهنگ تو کردم، پس اگر دیر پاسخم را دادی، با نادانی‌ام بر تو عتاب و سرزنش کنم؛ با

قَصَدْتُ فِيهِ إِلَيْكَ، فَإِنْ أَبْطَأَ عَنِّي عَتَبْتُ بِجَهْلِي عَلَيْكَ،

آنکه احتمال قوی می‌رفت چیزی که در دادنش به من تأخیر کردی برایم بهتر باشد؛ زیرا، تو پایان

وَلَعَلَّ الَّذِي أَبْطَأَ عَنِّي هُوَ خَيْرٌ لِي لِعَلْمِكَ بِعَاقِبَةِ الْأُمُورِ،

همه کارها را می‌دانی؛ پروردگارا! هیچ مولای کریم و بزرگواری را بر بنده پستی شکیباتر از تو بر

فَلَمْ أَرَ مَوْلًا كَرِيمًا أَصْبَرَ عَلَيَّ عَبْدٍ لَيْمٍ مِنْكَ عَلَيَّ يَا

خود ندیدم. پروردگارا! تو مرا دعوت می‌کنی، ولی من روی می‌گردانم؛ تو به من محبت می‌کنی ولی

رَبِّ، إِنَّكَ تَدْعُونِي فَأُولَىٰ عَنكَ، وَتَتَحَبَّبُ إِلَيَّ فَاتَبَغَّضُ

من با تو دشمنی می‌کنم، تو به من مهر می‌ورزی ولی من از تو نمی‌پذیرم، گویا من از تو طلبکارم و

إِلَيْكَ، وَتَتَوَدَّدُ إِلَيَّ فَلَا أَقْبَلُ مِنْكَ، كَأَنَّ لِي التَّطَوُّلَ عَلَيْكَ،

نسبت به تو برتری دارم؛ ولی این هم باعث نمی‌شود تو از مهربانی و احسان و فزون‌بخشیدن با

فَلَمْ يَمْنَعَكَ ذَلِكَ مِنَ الرَّحْمَةِ لِي وَالْأَحْسَانِ إِلَيَّ،

سخاوتمندی و بزرگواری‌ات نسبت به من، دست برداری. بنابراین (خدایا!) به این بنده نادان رحمت

وَالْتَّفَضُّلَ عَلَيَّ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ، فَارْحَمَ عَبْدَكَ الْجَاهِلَ،

کن؛ و با فزونی احسانت بر او بخشش فرما؛ راستی که تو بخشنده و بزرگواری. ستایش ویژه خداست

وَجَدُ عَلَيْهِ بِفَضْلِ احْسَانِكَ، اِنَّكَ جَوَادٌ كَرِيمٌ الْحَمْدُ لِلّٰهِ

که صاحب فرمانروایی است، کشتی را در دریا روان می‌سازد، باده‌ها را در

مَالِكِ الْمَلِكِ، مُجْرِي الْفَلَكَ، مُسَخِّرِ الرِّيحِ، فَالِقِ

اختیار دارد، شکافنده صبح است، پادشاه دهنده روز جزاست، پروردگار جهانیان است؛ ستایش ویژه

الْأُصْبَاحِ، دَيَّانِ الدِّينِ، رَبِّ الْعَالَمِينَ، الْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلَى

خداست که با وجود آگاهی‌اش بر دباری می‌کند، و ستایش ویژه خداست که با وجود قدرت و

حَلْمِهِ بَعْدَ عِلْمِهِ، وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلَى عَفْوِهِ بَعْدَ قُدْرَتِهِ،

توانایی‌اش عفو و بخشش می‌کند، و ستایش ویژه خداست که در حال خشم نیز مهلت طولانی

وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلَى طَوْلِ اَنَاتِهِ فِي غَضَبِهِ، وَهُوَ قَادِرٌ عَلَى

می‌دهد، با اینکه می‌تواند هر کاری که اراده کند انجام بدهد؛ ستایش ویژه خداست که آفریننده

مَا يُرِيدُ، الْحَمْدُ لِلّٰهِ خَالِقِ الْخَلْقِ، بِاسْطِ الرِّزْقِ، فَالِقِ

مخلوقات است، گستراننده روزی است؛ شکافنده صبح است؛ شکوهمند و ارجمند است؛ دارای فضل

الْأُصْبَاحِ، ذِي الْجَلَالِ وَالْاَكْرَامِ، وَالْفَضْلِ وَالْاَنْعَامِ، الَّذِي

و احسان و نعمت‌بخشی است؛ همان خدای که دور است پس به چشم نمی‌آید، و نزدیک است که

بَعْدَ فَلَا يُرَى، وَقَرُبَ فَشَهِدَ النَّجْوَى، تَبَارَكَ وَتَعَالَى،

صحبت‌های درگوشی را نیز می‌شنود، پاک و بلندمرتبه است. ستایش ویژه خدایی است که برایش

الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَيْسَ لَهُ مُنَازِعٌ يُعَادِلُهُ، وَلَا شَبِيهٌ

ستیزه‌جویی نیست که با او برابری کند؛ و شبیهی ندارد که با او همانندی نماید؛ و کمک‌کاری ندارد

يُشَاكِلُهُ، وَلَا ظَهِيرٌ يُعَاضِدُهُ، قَهَرَ بَعِزَّتَهُ الْأَعْرَاءَ، وَتَوَاضَعَ

که او را یاری برساند، با اقتدار خودش بر قدرتمندان چیره گشته؛ و بزرگان، در برابر عظمت او

لِعَظَمَتِهِ الْعُظْمَاءُ، فَبَلَغَ بِقُدْرَتِهِ مَا يَشَاءُ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي

فروتنی و کوچکی کنند؛ و بدین سان دست قدرتش بر آنچه بخواهد رساست. ستایش ویژه خداست

يُجِيبُنِي حِينَ أُنَادِيهِ، وَيَسْتُرُّ عَلَيَّ كُلَّ عُورَةٍ وَأَنَا أَعْصِيهِ

که وقتی او را صدا می‌زنم پاسخم را می‌دهد؛ و در حالی که من او را نافرمانی می‌کنم تمام عیوب و

و يُعْظِمُ النِّعْمَةَ عَلَيَّ فَلَا أُجَازِيهِ، فَكَمْ مِنْ مَوْهَبَةٍ هَنِيئَةٍ

زشتی‌هایم را پنهان می‌دارد؛ و نعمت‌هایش را برایم زیاد می‌کند ولی من جواب خوبی به این

قَدْ أَعْطَانِي، وَعَظِيمَةٌ مَخُوفَةٌ قَدْ كَفَانِي، وَبِهَجَةٍ مُونِقَةٍ

نعمت‌بخشی‌ها نمی‌دهم. چه بخشش گوارایی که به من نمود، و چه امور بزرگ ترسناکی که مرا از

قَدْ أَرَانِي، فَأُثْنِي عَلَيْهِ حَامِدًا، وَأَذْكُرُهُ مُسَبِّحًا، الْحَمْدُ لِلَّهِ

آنها کفایت کرد، و چه بسیار خوشی‌های دوست‌داشتنی که به من نشان داد، به این جهات پیوسته

الَّذِي لَا يُهْتَكُ حِجَابُهُ وَلَا يُغْلَقُ بَابُهُ، وَلَا يُرَدُّ سَأَلُهُ، وَلَا

او را با ستایش خود ثناگویی می‌کنم، و همیشه با تسبیح کردن او به یادش می‌باشم. ستایش ویژه

يُخَيِّبُ آمَلُهُ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُؤْمِنُ الْخَائِفِينَ، وَ يُنَجِّي

خدایی است که پرده و حجاب او دریده نمی‌شود؛ درگاهش بسته نمی‌شود؛ گدایش رد نمی‌شود؛

الصَّالِحِينَ، وَ يَرْفَعُ الْمُسْتَضَعْفِينَ، وَيَضَعُ الْمُسْتَكْبِرِينَ، وَ

آرزومندش، ناامید بر نمی‌گردد. ستایش ویژه خدایی است که بیمناکان را ایمنی می‌بخشد، صالحان

يُهْلِكُ مُلُوكًا، وَيَسْتَخْلِفُ آخِرِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ قَاصِمِ

و شایستگان را رها می‌سازد، ناتوان شمرده‌شدگان را والا و بالا می‌برد، و تکبرکنندگان را بر زمین

الْجَبَّارِينَ، مُبِيرِ الظَّالِمِينَ، مُدْرِكِ الْهَارِبِينَ، نَكَالِ

می‌زند، و پادشاهانی را نابود می‌کند و به جای ایشان افراد دیگری را می‌نشانند. و ستایش ویژه

الظالمين، صرِيخُ الْمُسْتَضْرِحِينَ، مَوْضِعُ حَاجَاتِ

خدایی است که درهم شکننده زور گویان، نابودکننده ستمگران، به جنگ آورنده فراریان، کیفر

الطالبين، مُعْتَمِدِ الْمُؤْمِنِينَ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مِنْ خَشْيَتِهِ

دهنده ستمگران، فریادرس دادخواهان، پاسخگوی حاجت خواهان و مورد اعتماد مؤمنان است.

تَرَعْدُ السَّمَاءِ وَ سُكَّانُهَا وَ تَرَجُّفُ الْأَرْضِ وَ عِمَارُهَا،

ستایش ویژه خدایی است که آسمان و ساکنانش از ترس و هراس او می غرزند، و زمین و آبادگرانش

وَ تَمْوِجُ الْبِحَارِ وَ مَنْ يَسْبِحُ فِي غَمْرَاتِهَا، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي

به لرزه درمی آید، و دریاها و هر که در اعماق آن شناور است دچار موج گردند. ستایش ویژه خدایی

هَدَانَا لِهَذَا وَ مَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ، الْحَمْدُ لِلَّهِ

است که ما را به این (راه خودش) هدایت فرمود. و اگر او هدایتمان نمی کرد به هیچ وجه هدایت

الَّذِي يَخْلُقُ وَلَمْ يَخْلُقْ، وَيَرْزُقُ وَلَا يُرْزَقُ، وَيُطْعِمُ وَلَا

نمی شدیم. ستایش ویژه خدایی است که می آفریند و خود آفریده نشده است. و روزی می دهد و

يُطْعَمُ، وَيُمِيتُ الْأَحْيَاءَ وَيُحْيِي الْمَوْتَى، وَهُوَ حَيٌّ لَا

خود روزی داده نمی شود و می خوراند و خود نمی خورد، و زندهها را می میراند و مردگان را زنده

يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ

می کند، و او زندهای است که هرگز نمی میرد، و خیر و خوبی، تنها در دست اوست؛ و او بر هر چیزی

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ، وَأَمِينِكَ وَصَفِيِّكَ

توانایی دارد. بارالها! بر حضرت محمد - که بنده، فرستاده، امانت دار، برگزیده، محبوب، منتخب تو از

وَ حَبِيبِكَ، وَ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَ حَافِظِ سِرِّكَ، وَ مُبَلِّغِ

آفریدگانت، نگهدارنده اسرار، و رساننده رسالت های توست - درودی پیوسته نثار کن؛ برترین،

رِسَالَاتِكَ، أَفْضَلَ وَأَحْسَنَ وَأَجْمَلَ، وَأَكْمَلَ وَأَزْكَى

نیکوترین زیباترین، کاملترین، خوبترین، رشدکنندهترین، پاکترین و پاکیزهترین، والاترین و

وَأَنْمَى، وَأَطْيَبَ وَأَطْهَرَ وَأَسْنَى، وَأَكْثَرَ مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ

بیشترین درودها، برکتها، رحمتها و مهربانیها، و سلامتبخشیهایی باشد که بر هر یک از

وَتَرَحَّمْتَ، وَتَحَنَّنْتَ وَسَلَّمْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ عِبَادِكَ،

بندگان خاص خود، پیامبران، رسولان، برگزیدگان، و گرامی داشتهشدگان در بین مخلوقات تو؛ نثار

وَأَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَصِفْوَتِكَ، وَأَهْلِ الْكِرَامَةِ عَلَيْكَ مِنْ

فرموده باشی. بارالها! بر حضرت علی (ع) فرمانروای مؤمنان، و وصی و وجانشین فرستاده پروردگار

خَلْقِكَ، اللَّهُمَّ وَصَلْ عَلَى عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَوَصِيِّ

جهانیان، بنده تو، ولی تو، برادر رسول تو، حجت تو بر آفریدگانت، آیت و بزرگترین نشانهات، و آن

رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، عَبْدِكَ وَوَلِيِّكَ وَأَخِي رَسُولِكَ،

خبر بزرگ! درود پیوسته نثار کن. و بر حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا سرور زنان جهانیان، درود

وَحُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ، وَأَيْتِكَ الْكُبْرَى وَالنَّبَأَ الْعَظِيمَ،

فرست. و بر دو نواده ارجمند پیامبر رحمت، دو امام و پیشوای هدایت؛ یعنی امام حسن و امام

وَصَلْ عَلَى الصِّدِّيقَةِ الطَّاهِرَةِ، فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ

حسین (ع) که سرور جوانان بهشتی هستند؛ درود فرست. و بر پیشوایان مسلمانان، یعنی: علی بن

الْعَالَمِينَ، وَصَلْ عَلَى سِبْطِي الرَّحْمَةِ، وَإِمَامِي الْهُدَى،

الحسین (سجاد)، محمد بن علی (باقر)، جعفر بن محمد (صادق)، موسی بن جعفر (کاظم)، علی بن

الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، سَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، وَصَلْ

موسی (رضا)، محمد بن علی (جواد)، علی بن محمد (هادی)، حسن بن علی (عسکری) و بازمانده او

عَلَىٰ أُمَّةِ الْمُسْلِمِينَ، عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ، وَمُحَمَّدُ بْنُ

که راهنما و راه‌یافته است (ع)؛ که همگی حجت‌های تو بر بندگانت، و امانت‌داران تو در شهرهایت

عَلِيٌّ، وَجَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ، وَمُوسَىٰ بْنُ جَعْفَرٍ، وَعَلِيُّ بْنُ

هستند؛ صلوات و درودی فراوان و دایمی نثار کن. خدایا! درود فرست بر ولی امرت، قیام‌کننده مورد

مُوسَىٰ، وَمُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ، وَعَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ، وَالْحَسَنِ

آرزو، و عدالت محض که همه در انتظارش بوده و هستند؛ و با فرشتگان مقربیت او را در بر گیر؛ و با

بْنِ عَلِيٍّ، وَالْخَلْفَ الْهَادِيَ الْمَهْدِيَّ حُجْبَكَ عَلِيَّ

روح‌القدس تأییدش کن؛ ای پروردگار جهانیان؛ بارالها! او را فرا خواننده مردم به سوی قرآن، و

عِبَادِكَ، وَأَمْنًاكَ فِي بِلَادِكَ، صَلَوَةٌ كَثِيرَةٌ دَائِمَةٌ اللَّهُمَّ

برپادارنده دین و آیینت قرار ده؛ او را همانند دیگران که در زمین، خلافت بخشیدی و جانشین

وَصَلِّ عَلَىٰ وَلِيِّ أَمْرِكَ الْقَائِمِ الْمُؤَمَّلِ، وَالْعَدْلِ الْمُنْتَظَرِ،

خودت کردی، جانشین ساز؛ دینی را که برای او پسندیدهای، قدرتمند و ارزشمند ساز؛ پس از

وَحُفَّهُ بِمَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ، وَأَيِّدُهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ يَا رَبَّ

شرایط ترسناکی که دارد، او را به آرامش و ایمنی برسان، تا در نتیجه تو را بپرستد و چیزی را با تو

الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ الدَّاعِيَ إِلَىٰ كِتَابِكَ، وَالْقَائِمَ

شریک نگیرد. خدایا! او را عزیز کن، و به وسیله او (مؤمنان را) عزت ببخش؛ او را یاری و پیروز کن و

بَدِينِكَ، اسْتَخْلَفُهُ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفْتَ الَّذِينَ مِنْ

(مؤمنان را) به واسطه او پیروز فرما، و یاری عزتمندت را بدو برسان، و برایش گشایش و پیروزی

قَبْلَهُ، مَكَنٌ لَهُ دِينُهُ الَّذِي ارْتَضَيْتَهُ لَهُ، أَبْدَلُهُ مِنْ بَعْدِ

شایان و آسانی فراهم کن و از جانب خودت برایش قدرت و سلطنتی پیروز مقرر دار. بارالها! آیین

خَوْفَهُ أَمْنًا، يَعْبُدُكَ لَا يُشْرِكُ بِكَ شَيْئًا، اللَّهُمَّ اعِزَّهُ وَأَعِزِّزْ

خودت و سنت پیامبرت را به وسیله او آشکار ساز؛ به گونه‌ای که از ترس یکی از آفریدگانت، هیچ

بِه، وَأَنْصُرُهُ وَأَنْتَصِرْ بِهِ، وَأَنْصُرُهُ نَصْرًا عَزِيزًا، وَافْتَحْ لَهُ

بخشی از حق و حقیقت را پنهان نکند. بارالها! واقعیت آن است که ما مشتاق دولت کریمه آن

فَتْحًا يَسِيرًا، وَاجْعَلْ لَهُ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا، اللَّهُمَّ

حضرت هستیم که (در سایه حضور پیشوای معصوممان) اسلام و اسلامیان را عزیز و نیرومند

أَظْهَرُ بِهِ دِينَكَ وَسُنَّةَ نَبِيِّكَ، حَتَّى لَا يَسْتَخْفِيَ بِشَيْءٍ

گردانی، و نفاق و منافقین را خوار و ذلیل نمایی؛ و در آن حکومت و دولت، ما را از کسانی قرار دهی

مِنَ الْحَقِّ مَخَافَةً أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ، اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغَبُ إِلَيْكَ

که مردم را به فرمان برداری از تو فراخوانیم، و همه را به راه تو رهبری کنیم، و به واسطه این دولت

فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ، تُعِزُّ بِهَا الْأَسْلَامَ وَأَهْلَهُ، وَتُذِلُّ بِهَا

شکوهمند، کرامت دنیا و آخرت را به ما ارزانی داری. بارالها! حقیقت‌هایی را که به ما شناساندی،

النُّفَاقَ وَأَهْلَهُ، وَتَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ،

توان تحملش را نیز بده تا آنها را باور کنیم؛ و هر چه را به آن دست نیافته‌ایم. خودت ما را بدان‌ها

وَالْقَادَةَ إِلَى سَبِيلِكَ، وَتَرْزُقُنَا بِهَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ،

برسان. خدایا! به واسطه آن حضرت پراکندگی ما را سامان بخش؛ اختلاف میان ما را اصلاح کن،

اللَّهُمَّ مَا عَرَّفْتَنَا مِنَ الْحَقِّ فَحَمَلْنَاهُ وَمَا قَصَرْنَا عَنْهُ

گسیستگی ما را تبدیل به پیوستگی فرما؛ کمی تعداد ما را تبدیل به بسیاری گردان، خواری و ذلت

فَبَلِّغْنَا، اللَّهُمَّ الْمُمْ بِه شَعْنًا، وَأَشْعِبْ بِهِ صَدْعَنَا وَارْتُقْ

ما را تبدیل به عزت کن؛ فقیران ما را بی‌نیاز و ثروتمند ساز؛ بدهی ورشکستگان و بدهکاران ما را ادا

بِه فَتَقْنَا، وَكَثَّرْ بِه قَلْبَنَا، وَأَعَزَّ بِه ذَلَّتْنَا، وَأَغْنِ بِه عَائِلَنَا،

کن؛ فقر و نیازمندی ما را جبران فرما؛ نقص و خلل‌های ما را پر کن؛ سختی ما را تبدیل به راحتی

وَأَقْضِ بِه عَنْ مَغْرَمِنَا، وَأَجْبِرْ بِه فَقْرَنَا، وَسُدِّ بِه خَلَّتْنَا،

کن؛ رخسارمان را سپید و نیکو گردان؛ اسیرانمان را آزاد ساز؛ خواسته‌های ما را برآور؛ وعده‌هایمان

وَيَسِّرْ بِه عُسْرَنَا، وَبَيِّضْ بِه وُجُوهَنَا، وَفَكِّ بِه أَسْرَنَا،

را محقق کن؛ دعای ما را پاسخگو باش؛ خواسته‌های ما را عطا کن؛ ما را به آرمان‌ها و آرزوهای

وَأَنْجِحْ بِه طَلِبَتَنَا وَأَنْجِزْ بِه مَوَاعِيدَنَا، وَأَسْتَجِبْ بِه

دنیوی و اخروی برسان؛ و برتر از آنچه بدان مایلیم به ما عطا کن. ای بهترین کسی که از او

دَعْوَتَنَا، وَأَعْطِنَا بِه سُؤْلَنَا، وَبَلِّغْنَا بِه مِنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

درخواست می‌شود؛ ای دارای فراگیرترین بخشش و عطا؛ سینه‌های ما را به وسیله او شفا بخش؛

آمَانَنَا، وَأَعْطِنَا بِه فَوْقَ رَغْبَتِنَا، يَا خَيْرَ الْمَسْئُولِينَ

خشم قلبمان را به وسیله او برطرف کن؛ به کمک او و به واسطه حضور او، با اذن و خواست خودت

وَأَوْسَعَ الْمُعْطِينَ، أَشْفِ بِه صُدُورَنَا، وَأَذْهَبْ بِه غَيْظَ

ما را در مورد حقیقت‌هایی که در آن اختلاف شده، راهنمایی و هدایت فرما؛ به راستی، تو هر که را

قُلُوبِنَا، وَاهْدِنَا بِه لِمَا اخْتَلَفَ فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِأَذْنِكَ، إِنَّكَ

خودت بخواهی به راه راست رهنمون می‌شوی، ما را به واسطه او بر دشمن خودت و دشمن ما،

تَهْدِي مَنْ تَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ، وَأَنْصُرْنَا بِه عَلَى

یاری فرما؛ ای معبود به حق؛ دعایمان را مستجاب گردان. بارالها! واقعیت آن است که ما به تو

عَدُوِّكَ وَعَدُوَّنَا، إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ، اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ

شکایت می‌کنیم به خاطر فقدان و عدم حضور پیامبرمان - که درود بر او و آل او باد - و از پنهان

فَقَدْ نَبَّيْنَا صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَغَيْبَةَ وَلِيِّنَا، وَكَثْرَةَ عَدُوِّنَا،

بودن سرپرست مهربانمان؛ و از بسیاری دشمنانمان، و کمی تعداد خودمان، و از فتنه‌ها و آشوب‌های

وَقَلَّةَ عَدَدِنَا، وَشِدَّةَ الْفِتَنِ بِنَا، وَتَظَاهِرَ الزَّمَانِ عَلَيْنَا،

سختی که دچارشان هستیم؛ و به خاطر ظاهر شدن روزگار بر علیه ما، پس بر محمد و آل او درودی

فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَعِنَّا عَلَى ذَلِكَ بِفَتْحِ مَنْكَ

پیوسته نثار کن، و ما را در این گرفتاری‌ها کمک کن توسط پیروزی و گشایشی که در آن شتاب

تُعَجِّلُهُ، وَبُضْرٍ تُكْشِفُهُ، وَنَصْرٍ تُعْزُهُ، وَسُلْطَانٍ حَقٍّ تُظْهِرُهُ،

می‌کنی؛ و ضرر و زبانی که بر طرف می‌سازی و یاری کردنی که با آن عزت می‌بخشی و قدرتمند

وَرَحْمَةٍ مِنْكَ تَجَلِّلُنَاهَا، وَعَافِيَةٍ مِنْكَ تُلْبَسُنَاهَا، بِرَحْمَتِكَ

حقی که آشکارش می‌نمایی، و رحمتی که با آن به ما بزرگی و شکوه می‌دهی؛ و لباس عافیتی که

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

بر ما می‌پوشانی، به حق رحمت، ای مهربان‌ترین مهربانان.

دعا برای ظهور امام زمان (ع)

بعد از هر نماز در ماه مبارک رمضان

پیامبر اکرم (ص) فرمودند:

۱. زادالمعاد، ص ۱۱۰؛ المصباح، ص ۷۷۰؛ مصباح المتهجد، ص ۵۷۷؛ إقبال الأعمال، ص ۳۲۲.

هر کس این دعا را در ماه رمضان بعد از نمازهای واجب بخواند،
گناهانش تا روز قیامت بخشیده می‌شود:

اللَّهُمَّ ادْخُلْ عَلَى أَهْلِ الْقُبُورِ السُّرُورَ، اللَّهُمَّ اغْنِ كُلَّ

خداوندا؛ بر ساکنان گورها، شادمانی و خوشی عطا فرما؛ خداوندا؛ تمام نیازمندان را بی‌نیاز

فقیر، اللَّهُمَّ اشْبِعْ كُلَّ جَائِعٍ اللَّهُمَّ اكْسُ كُلَّ عُرْيَانٍ، اللَّهُمَّ

گردان؛ خداوندا؛ تمام گرسنگان را سیر کن؛ خداوندا؛ هر عریانی را بیوشان؛ خداوندا؛ قرض

اقض دینَ كل مدین، اللَّهُمَّ فَرِّجْ عَنْ كُلِّ مَكْرُوبٍ، اللَّهُمَّ

هر مقروضی را ادا فرما؛ خداوندا؛ اندوه هر اندوهناکی را برطرف کن؛ خداوندا؛ هر غریبی

رُدِّ كُلِّ غَرِيبٍ، اللَّهُمَّ فَكِّ كُلِّ اسِيرٍ، اللَّهُمَّ اصْلِحْ كُلَّ

را به (وطن) بازگردان؛ خداوندا؛ هر اسیری را آزاد کن؛ خداوندا؛ هر امر فاسدی را از امور

فاسد منْ اُمُورِ الْمُسْلِمِينَ، اللَّهُمَّ اشْفِ كُلَّ مَرِيضٍ، اللَّهُمَّ

مسلمانان اصلاح فرما؛ خداوندا؛ هر مریضی را شفا مرحمت کن؛ خداوندا؛ فقر و تهیدستی

سُدِّ فَقْرَنَا بِغْنَاكَ، اللَّهُمَّ غَيِّرْ سُوءَ حَالِنَا بِحُسْنِ حَالِكَ،

ما را با بی‌نیازی خودت برطرف کن؛ خداوندا؛ بدی حال ما را به خوبی حال خودت تغییر

اللَّهُمَّ اقض عَنَّا الدَّيْنَ، وَاغْنِنَا مِنَ الْفَقْرِ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ

بده؛ خداوندا؛ قرض ما را ادا بفرما؛ و ما را از فقر به توانگری برسان؛ همانا تو بر هر چیزی

شئٍ قَدِيرٌ.

توانایی.

بر خواننده بزرگوار پوشیده نیست که مضمون این دعا تنها در

دوران حکومت الهی و دولت حضرت مهدی (ع) محقق می‌شود.

۱۱

دعا برای ظهور امام زمان (ع)

در روز سیزدهم ماه مبارک رمضان

سید بزرگوار «علی بن طاووس (ره)» برای این روز، این دعا را

نقل کرده است:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَدِينُكَ بِطَاعَتِكَ وَوَلَايَتِكَ، وَوَلَايَةَ مُحَمَّدٍ

بار خدایا! همانا من گردن می‌نهم به اطاعت و ولایت تو، و ولایت حضرت محمد (ص)

نَبِيِّكَ، وَوَلَايَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ حَبِيبِ نَبِيِّكَ، وَوَلَايَةَ الْحَسَنِ

پیامبر تو، و ولایت امیر مؤمنان (حضرت علی (ع)) دوست پیامبرت، و ولایت امام حسن

وَالْحُسَيْنِ، سِبْطِي نَبِيِّكَ وَسَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ جَنَّتِكَ.

و امام حسین دو نوه پیامبرت و دو سرور جوانان اهل بهشت. و گردن می‌نهم (ای

وَأَدِينُكَ يَا رَبُّ بِوَلَايَةِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ

پروردگارا!) به ولایت علی بن حسین (سجاد) و محمد بن علی (باقر) و جعفر بن محمد

وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَعَلِيِّ بْنِ مُوسَى

(صادق) و موسی بن جعفر (کاظم) و علی بن موسی (رضا) و محمد بن علی (جواد) و

وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ،

علی بن محمد (هادی) و حسن بن علی (عسکری) و آقاییم و مولایم صاحب زمان (ع).

وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ صَاحِبِ الزَّمَانِ. أَدِينُكَ يَا رَبِّ بِطَاعَتِهِمْ

گردن می‌نهم ای پروردگار جهان؛ به اطاعت و ولایت آنان و تسلیم شدن نسبت به آنچه

وَوَلَايَتِهِمْ، وَبِالتَّسْلِيمِ بِمَا فَضَّلْتَهُمْ، رَاضِيًا غَيْرَ مُنْكَرٍ وَلَا

فضیلت و برتری داده‌ای ایشان را؛ در حالی که راضی و خشنود هستم و انکار نمی‌کنم،

مُسْتَكْبِرًا، عَلِيٌّ مَا أَنْزَلْتَ فِي كِتَابِكَ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلِيَّ

و استکبار نمی‌ورزم بر آنچه که در قرآنت نازل کردی. خدایا؛ بر محمد و آل محمد درود

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَادْفَعْ عَنَّا وَلِيَّكَ وَخَلِيفَتِكَ وَلِسَانِكَ

بفرست؛ و دور کن (هر شری) را از ولایت و جانشین و زبان گویای خودت و قیام‌کننده

وَالْقَائِمِ بِقِسْطِكَ، وَالْمُعْظَمِ لِحُرْمَتِكَ، وَالْمُعَبَّرِ عَنْكَ، وَ

به عدلت، و بزرگ دارنده حرمتت، و بیان‌کننده از جانب خودت، و گوینده احکامت، و

النَّاطِقِ بِحُكْمِكَ، وَعَيْنِكَ النَّاطِرَةَ، وَأَذْنِكَ السَّامِعَةَ، وَشَاهِدِ

چشم بینایت، و گوش شنوایت، و گواه بندگانت، و حجت تو بر آفریدگانت، و جهاد‌کننده

عِبَادِكَ، وَحُجَّتِكَ عَلَيَّ خَلْقِكَ، وَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِكَ،

در راهت و کوشش‌کننده در اطاعت و پیرویت. او را در جمله امانت‌های خودت که ضایع

وَالْمُجْتَهِدِ فِي طَاعَتِكَ. وَأَجْعَلْهُ فِي وَدِيعَتِكَ الَّتِي لَا تَضِيْعُ،

نمی‌شود قرار بده، و او را به وسیله سپاهیان پیروز خودت یاری برسان؛ و او را یاری کن و

وَأَيِّدْهُ بِجُنْدِكَ الْغَالِبِ، وَأَعْنُهُ وَأَعْنِ عَنْهُ، وَأَجْعَلْنِي وَوَالِدِيَّ

از او حمایت کن؛ و من و پدر و مادر و فرزندانشان و فرزندان مرا از کسانی قرار بده که آن

وَمَا وَلَدَا وَوُلْدِي مِنَ الَّذِينَ يَنْصُرُونَهُ، وَيَنْتَصِرُونَ بِهِ فِي

حضرت را یاری می کنند، و به وسیله او در دنیا و آخرت یاری می شوند؛ و پراکندگی ما را

الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ، إِشْعَبُ بِهِ صَدْعَنَا، وَارْتُقُ بِهِ فَتَقْنَا. اللَّهُمَّ

به وسیله او اصلاح کن، و گسستگی ما را به وسیله او تبدیل به پیوستگی فرما. بار خدایا؛

أُمَّتٌ بِهِ الْجَوْرَ، وَدَمْدَمٌ بِمَنْ نَصَبَ لَهُ، وَأَقْصَمٌ

به وسیله آن حضرت، ستم و جور را بمیران، و غضب کن بر کسانی که علیه ایشان

رُؤُوسَ الضَّلَالَةِ حَتَّى لَا تَدَعَ عَلَى الْأَرْضِ مِنْهُمْ دِيَّارًا. ۱

هستند، و سران گمراهی را درهم بشکن تا هیچ کسی از آنان بر روی زمین باقی نماند.

دعا هنگام واقع شدن صدای عجیب در ماه رمضان

از «ابن مسعود» روایت است که پیامبر (ص) فرمودند:

وقتی در ماه مبارک رمضان، صدایی به گوش مردم رسید، همانا

فتنه در ماه شوال است، و در ماه ذیقعدہ نیز قبیله‌ها از یکدیگر

جدا می شوند، و در ماه‌های ذیحجه و محرم خون‌ریزی‌های زیادی

صورت می‌پذیرد؛ چه محرمی؛ خدا می‌داند که مردم بسیار زیادی

۱. إقبال الأعمال، ص ۴۲۶؛ بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۳۷؛ باب السعادة، ص ۸۵.

در آن به قتل می‌رسند.

گفته شد: ای رسول خدا! صیحه چیست؟

رسول خدا(ص) فرمودند:

صدایی^۱ است که در نیمهٔ ماه مبارک رمضان، و روز جمعه هنگام برآمدن خورشید شنیده خواهد شد. در آن سال، شروع ماه رمضان نیز در شب جمعه خواهد بود. این صدا به قدری مهیب است که هر کس را که خواب باشد، بیدار می‌کند و کسانی را که ایستاده‌اند می‌نشانند و عروسان را از حجله‌هایشان ناخودآگاه به بیرون می‌کشد. این جریانات در شب جمعه اتفاق می‌افتد و در آن سال زلزله‌ها و سرمای شدید زیاد، پدیدار خواهد شد.

بدین‌سان، هرگاه هلال ماه مبارک رمضان آن سال در شب جمعه دیده شود، وقتی که نماز صبح روز جمعهٔ نیمهٔ ماه مبارک رمضان را به جای آوردید، به خانه‌های خود بروید و درب‌ها را ببندید و قفل کنید. پنجره‌ها را نیز ببندید و خودتان را پنهان داشته و گوش‌هایتان

۱. در روایت «الهدّة» تعبیر شده است که به معنای صدای عجیبی است که از افتادن شیئی از آسمان به زمین ایجاد شود!

را نیز ببینید. پس از احساس وقوع صدا در برابر خدای متعال به سجده بیفتید و بگویید:

سُبْحَانَ الْقُدُّوسِ، سُبْحَانَ الْقُدُّوسِ رَبَّنَا.

خدای قدوس و پاک، ستوده و منزّه است؛ خدای پاک، ستوده است و پروردگار ماست.

زیرا، هر کس این کارها را انجام دهد و رهایی می‌یابد، و هر که انجام ندهد به هلاکت می‌رسد.^۱

این دعا را در این بخش نقل کردیم چون در ماه مبارک رمضان خوانده می‌شود؛ هرچند در تمام ماه‌های رمضان خوانده نمی‌شود.

۱۳

دعا برای ظهور حضرت مهدی (ع)

در روز هجدهم ماه مبارک رمضان

سید بزرگوار «علی بن طاووس (ره)» برای روز هجدهم ماه مبارک

رمضان، این دعا را نقل کرده است:

۱. التشریف بالمنن معروف به ملاحم و فتن، ص ۲۸۴ از عالم جلیل القدر سید بن طاووس. این روایت را در ص ۱۰۰ همان کتاب با تفاوت مختصری نقل نموده است.

اللَّهُمَّ إِنَّ الظَّالِمَةَ كَفَرُوا بِكِتَابِكَ، وَجَحَدُوا آيَاتِكَ، وَكَذَّبُوا

بار خدایا؛ همانا ستم‌کاران نسبت به قرآن تو کفر ورزیدند، و آیات را انکار کردند، و فرستادگانت را

رُسُلِكَ، وَبَدَّلُوا مَا جَاءَ بِهِ رَسُولُكَ، وَشَرَعُوا غَيْرَ دِينِكَ،

تکذیب نمودند، و آنچه را که پیامبر تو آورده است دگرگون کردند، و غیر دین تو را قانون نهادند،

وَسَعَوْا بِالْفَسَادِ فِي أَرْضِكَ، وَتَعَاوَنُوا عَلَى إِطْفَاءِ نُورِكَ،

و در روی زمین فساد را رواج دادند، و برای خاموش کردن نور هدایت تو با یکدیگر همکاری کردند

وَشَاقَبُوا وُلاةَ أَمْرِكَ، وَوَالُوا أَعْدَاءَكَ، وَعَادُوا أَوْلِيَاءَكَ،

و با سرپرستان امور تو مخالفت و دشمنی کردند، و با دشمنانت دوستی و هم‌عهدی نمودند، و با

وَزَلَمُوا أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكَ. اللَّهُمَّ فَاَنْتَقِمْ مِنْهُمْ، وَاصْبُبْ

دوستانت دشمنی ورزیدند و بر اهل بیت پیامبرت ظلم و ستم کردند. بار خدایا؛ از آنان انتقام بگیر و

عَلَيْهِمْ عَذَابَكَ، وَاسْتَأْصِلْ شَفَاتَهُمْ. اللَّهُمَّ إِنَّهُمْ اتَّخَذُوا

عذابت را بر آنان سرازیر کن، و آنان را از ریشه برکن خدایا؛ همانا ایشان دین تو را وسیلهٔ گول زدن

دِينِكَ دَغَلًا، وَمَالِكَ دُولا، وَعِبَادَكَ خَولا، فَكفَّ بِأَسْهُمِ،

و حيله‌گری گرفتند و اموال تو را وسیلهٔ چیرگی و غلبهٔ خودشان قرار دادند و بندگان تو را بنده و

وَأَوْهَنَ كَيْدَهُمْ، وَأَشْفَ مِنْهُمْ صُدُورَ الْمُؤْمِنِينَ، وَخَالَفَ

بردهٔ خود کردند. پس بندگان را از عذاب و شکنجهٔ آنان باز بدو، و مکر و حيله‌هایشان را نسبت

بَيْنَ قُلُوبِهِمْ، وَشَتَّتْ أَمْرَهُمْ، وَاجْعَلْ بِأَسْهُمِ بَيْنَهُمْ، وَأَسْفِكَ

و بی‌اثر کن، و سینهٔ مؤمنان را از آنان شفا بده و بین دل‌های آنان (دشمنان) اختلاف ایجاد کن، و

بِأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ دِمَائِهِمْ، وَخُذْهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ.

کارهایشان را آشفته و پراکنده ساز، و سختی‌هایشان را بین خودشان قرار ده، و خونشان را به دست

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ. اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْهَدُ يَوْمَ

مؤمنان بریز، و آنها را گرفتار کن؛ به طوری که نتوانند بفهمند که از کجا گرفتار شدند. بارخدايا؛

الْقِيَامَةِ، وَيَوْمَ حُلُولِ الطَّامَةِ، أَنَّهُمْ لَمْ يُذْنِبُوا لَكَ ذَنْبًا، وَلَمْ

بر محمد و آل محمد درود فرست. خدايا؛ ما را در روز قیامت و روز فرارسیدن بلای بزرگ، گواهی

يُرْتَكِبُوا لَكَ مَعْصِيَةً، وَلَمْ يُضَيِّعُوا لَكَ طَاعَةً، وَأَنَّ مَوْلَانَا

می دهیم که ایشان هرگز گناهی انجام نداده‌اند، و نافرمانی تو را مرتکب نشدند، و هرگز طاعتی از تو

وَسَيِّدُنَا صَاحِبَ الزَّمَانِ، الْهَادِيَ الْمُهْتَدِي، التَّقِيُّ النَّقِيُّ

راضیع نکرده‌اند؛ و به راستی که مولای ما و آقای ما و صاحب روزگار ما، و هدایت کننده هدایت شده،

الزَّكِيُّ الرَّضِيُّ، فَاسْئَلْكَ بِنَا عَلِيٍّ يَدِيهِ مِنْهَا جَ الْهُدَى،

و پرهیزکار، پاک و آراسته، صالح و پسندیده می باشد. پس، ما را به وسیله آن حضرت در راه هدایت،

وَالْمَحَجَّةَ الْعُظْمَى، وَقَوْنَا عَلَى مُتَابَعَتِهِ، وَأَدَاءِ حَقِّهِ،

و راه آشکار بزرگ ببر؛ و ما را قدرت بده تا از آن حضرت پیروی کنیم. و حقش را ادا کنیم؛ و ما را در

وَاحْشُرْنَا فِي أَعْوَانِهِ وَأَنْصَارِهِ، إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ. ۱

زمره یاران و مددکاران و یاوران آن حضرت محشور فرما؛ همانا تو شنونده دعا هستی.

دعا برای ظهور امام زمان (ع)

در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان

این دعا ضمن اعمال شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان، در بعضی از کتابها وارد شده است:

اللَّهُمَّ يَا ذَا الْمَجْدِ الشَّامِخِ وَالسُّلْطَانِ الْبَاذِخِ، صَلِّ عَلَيَّ

بار خدایا؛ ای صاحب شکوه و عظمت رفیع و سلطنت والا؛ بر محمد

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَكُنْ لَوْلِيَّكَ وَأَبْنِ وَلِيِّكَ مُحَمَّدِ بْنِ

و آل محمد درود فرست، و برای ولی و فرزند ولی خود محمد بن

الْحَسَنِ الْمَهْدِيِّ، فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَلِيًّا وَحَافِظًا، وَقَائِدًا

حسن، حضرت مهدی (ع) در این ساعت سرپرست و محافظ

و نَاصِرًا، وَدَلِيلًا وَعَوْنًا، وَعَيْنًا وَمُعِينًا، حَتَّى تُسْكِنَهُ

و پیشوا و یاور و راهنما و مددکار و دیده بان و کمک رسان باش؛ تا او را از روی میل و

أَرْضِكَ طَوْعًا، وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا. يَا مُدَبِّرَ الْأُمُورِ، يَا

رغبت بر روی زمینت ساکن گردانی، و بهره مندی او را طولانی گردانی. ای تدبیر کننده

بَاعَثَ مَنْ فِي الْقُبُورِ، يَا مُجْرِيَ الْبُحُورِ، يَا مُلِينَ الْحَدِيدِ

کارها؛ ای برانگیزاننده هر که در قبرهاست؛ ای جاری کننده دریاها؛ ای نرم کننده آهن

لِدَاوُودَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

برای حضرت داوود - که درود بر او باد - بر محمد و آل محمد درود بفرست، و برای من

وَأَفْعَلْ بِي كَذَا وَكَذَا. وَبِهِ جَاي «كَذَا وَكَذَا» حَاجَتِ خُودِ رَا از

انجام بده چنین و چنان.

خدا بخواه.^۱

۱۵

دعای دیگر برای ظهور آن حضرت

در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان

«علامه مجلسی (ره)» فرموده است که «محمد بن عیسی بن

عبید» با سند خود از یکی از معصومین (ع) نقل کرده که فرمود:

در شب بیست و سوم از ماه مبارک رمضان؛ این دعا را در حالت

ایستاده یا نشسته و در هر حالی و در تمام ماه مبارک رمضان و هر

طور که برایت ممکن و مقدور است و در تمام دورات دوران عمرت

تکرار کن و بعد از تکریم و بزرگداشت خداوند متعال و درود بر

پیامبر و اهل بیت او (ع) بگو:

اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيِّكَ الْقَائِمِ بِأَمْرِكَ، مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الْمَهْدِيِّ،

بار خدایا؛ برای ولی خودت - او که برای اجرای او امر تو قیام می کند - حضرت محمد بن

عَلَيْهِ وَعَلَىٰ آبَائِهِ أَفْضَلُ الصَّلَاةِ وَالسَّلَامِ، فِي هَذِهِ السَّاعَةِ

الحسن المهدی که بر او و بر پدرانش برترین سلامها و درودها باد. در این ساعت و در هر

وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ، وَلِيًّا وَحَافِظًا وَقَائِدًا وَنَاصِرًا وَدَلِيلًا

ساعت، سرپرست و محافظ و پیشوا و یاور و راهنما و تأییدکننده باش، تا او را از روی میل و

وَمُؤَيِّدًا، حَتَّى تُسَكِّنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا، وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا

رغبت ساکن گردانی، و او را در طول و عرض زمین بپردمند گردانی، و او و فرزندان او را از
وَعَرْضًا، وَتَجْعَلَهُ وَذُرِّيَّتَهُ مِنَ الْأُمَّةِ الْوَارِثِينَ. اللَّهُمَّ

پیشوایانی که وارثان اصلی خلافت و امامت هستند، قرار دهی، بارخدا! او را یاری کن و ما
انصره و انتصر به، واجعل النصر منك على يده، واجعل

را به وسیله او یاری ده، و نصرت و پیروزی خود را به دست او قرار بده؛ و پیروزی را برای او
النصر له و انتصر به، واجعل النصر له والفتح على وجهه،

و گشایش را در راه او قرار بده؛ و حکومت و کار را به غیر او حواله نکن. خدایا! دین خودت
ولا توجه الأمر إلى غيره. اللهم أظهر به دينك وسنة

و سنت پیامبرت را به وسیله آن حضرت نمودار کن، تا اینکه هیچ حقی را به خاطر ترس از
نبيك، حتى لا يستخفى بشيء من الحق مخافة أحد من

فردی از مردم پنهان نسازد. بار خدایا! همانا من مشتاق دولت کریمه آن حضرت هستم که
الخلق. اللهم انى ارجب إليك فى دولة كريمه تعز بها

اسلام و اهلش را به واسطه آن عزیز کنی. و نفاق و اهلش را ذلیل و خوار گردانی، و ما را در
الإسلام وأهله، وتذل بها النفاق وأهله، وتجعلنا فيها من

آن از فراخوان به طاعت خویش و رهبرانی به سوی راه خودت قرار دهی؛ و در دنیا و آخرت
الدعاة إلى طاعتك، والقادة إلى سبيلك، واتنا فى الدنيا

به ما خیر و خوبی عطا فرما. و ما را از عذاب جهنم محفوظ بدار، و برای ما خوبی های هر دو
حسنة وفى الآخرة حسنة، وقنا عذاب النار، واجمع لنا

جهان را گرد آور؛ و برای ما تمامی آنچه را که در دو جهان دوست داری، از طرف ما انجام

خَيْرَ الدَّارَيْنِ، وَأَقْضِ عَنَّا جَمِيعَ مَا تُحِبُّ فِيهِمَا، وَاجْعَلْ

بدهد؛ و برای ما در این چیزها، آنچه خیر است به واسطهٔ مهربانی و منت دیرینهات در عافیت

لَنَا فِي ذَلِكَ الْخَيْرَةَ بِرَحْمَتِكَ وَمَنْكَ فِي عَافِيَةِ، آمِينَ رَبُّ

قرار بده، اجابت کن ای پروردگار جهانیان؛ و از فضل و فزون بخشش خودت و دست پر خیر و

العَالَمِينَ، وَزِدْنَا مِنْ فَضْلِكَ وَيَدُكَ الْمَلَأَ، فَإِنَّ كُلَّ مُعْطِ

برکتت بر ما افزون گردان؛ پس همانا هر بخشنده‌ای دارایی و توانایی‌اش، در اثر بخشیدن به

يُنْقُصُ مِنْ مُلْكِهِ، وَعَطَاؤُكَ يَزِيدُ فِي مُلْكِكَ.!

تدریج کم می‌شود، ولی بخشش تو، توانایی و دارایی‌ات را زیاد می‌کند.

دعای سوم برای ظهور آن حضرت (ع)

در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان

شیخ بزرگوار، «کفعمی (ره)» می‌نویسد: از ائمهٔ معصومین (ع) به

ما رسیده است که:

در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان، این دعا را در حال

سجده یا ایستاده یا نشسته و در هر حالی و در تمامی ماه مبارک

و هر طور که برایت امکان دارد و در تمام دوران عمرت تکرار کن؛
و بعد از بزرگداشت و ادای احترام به خداوند متعال، و درود بر
پیامبرش (ص) بگو:

اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيِّكَ الْحُجَّةَ بْنِ الْحَسَنِ، (صَلِّوَاتِكَ عَلَيْهِ

بار خدایا؛ برای ولایت حضرت حجت بن الحسن (که درود تو بر او

وَعَلَىٰ آبَائِهِ)، فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ، وَلِيًّا

و پدران او باد)، در این ساعت و در هر ساعت، سرپرست

و حَافِظًا، وَقَائِدًا وَنَاصِرًا، وَدَلِيلًا وَعَيْنًا، حَتَّىٰ تُسَكِّنَهُ

و محافظ و پیشوا و یاور و راهنما و دیده‌بان باش، تا او را از روی میل و رغبت بر روی

أَرْضِكَ طَوْعًا، وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا. ۱

زمینت ساکن گردانی، و بهره‌مندی او را در زمین طولانی فرما.

دعای روز عید غدیر

کسی که آن را بخواند مانند کسی است که زیر پرچم

حضرت قائم (ع) و در خیمه آن حضرت باشد

«عَلَمَه مَجْلَسِي (ره)» می فرماید: با سند متصل روایت می کنم آنچه را که ذکر کرده و روایت فرموده آن را «محمد بن علی طرازی» در کتابش؛ از «محمد بن سنان»، از «داوود بن کثیر رقی»، از «عمارة بن جوین ابوهارون عبدی»، همچنین با سندهایمان از «شیخ مفید محمد بن محمد بن نعمان (ره)»، روایت می کنیم آنچه را که روایت می کند آن را از عمارة بن جوین ابوهارون عبدی؛ که گفت:

در روز هجدهم ذی الحجه خدمت امام صادق (ع) شرفیاب شدم؛ در حالی که آن حضرت روزه دار بود، به من فرمودند:

همانا این روز، روزی است که خدا حرمتش را بین مؤمنان زیاد کرده است؛ چون خداوند در این روز دین آنها را کامل کرده و نعمتش را بر آنان تمام نموده است و عهد و پیمانی که از ایشان در عالم ذر گرفته، برای آنان تجدید کرده است؛ زیرا آن موقف را از یاد آنها برده بود و خداوند آنان را توفیق داده که آن عهد و پیمان را از او قبول کنند و خداوند آنان را از کسانی که این امر را انکار می کردند، قرار نداد.

من به آن حضرت عرض کردم: جانم فدای شما باد؛ ثواب روزه

گرفتن در این روز چیست؟ حضرت فرمودند:

همانا این روز، روز عید، شادی، سرور و روزه گرفتن به خاطر سپاسگزاری از خداوند می‌باشد. روزه گرفتن در این روز معادل شصت ماه روزه گرفتن در ماه‌های حرام می‌باشد.

در این روز هر موقع که خواست، (گرچه بهترین وقت آن نزدیک ظهر می‌باشد؛ و آن ساعتی است که حضرت علی (ع) در غدیر خم برای جانشینی پیامبر معین شد و مردم در آن وقت به منزل نزدیک شده بودند) دو رکعت نماز بخواند، سپس سجده کند و صد مرتبه خدا را شکر کند (و شُكْرًا لِلَّهِ بگویند) و بعد از سجده این دعا را بخواند:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَنَّ لَكَ الْحَمْدَ، وَحَدَّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ،

بارخدا! من از تو درخواست می‌کنم (با گواهی این) که حمد و ستایش مخصوص تو می‌باشد که تنها و

وَأَنَّكَ وَاحِدٌ أَحَدٌ صَمَدٌ، لَمْ تَلِدْ وَلَمْ تُوَلَدْ، وَلَمْ يَكُنْ لَكَ

بی‌شریک می‌باشی، و همانا تو یگانه، تنها و بی‌نیاز هستی، نه فرزند کسی هستی و نه کسی فرزند توست،

كُفُوا أَحَدٌ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ، صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَ

و نه هیچ کس همتای توست و همانا حضرت محمد بنده و فرستاده توست؛ که سلام و درود تو بر او و آل

الله، يَا مَنْ هُوَ كُلُّ يَوْمٍ فِي شَأْنٍ، كَمَا كَانَ مِنْ شَأْنِكَ أَنْ

تَفَضَّلْتَ عَلَيَّ، بَانَ جَعَلْتَنِي مِنْ أَهْلِ اجَابَتِكَ، وَأَهْلِ دِينِكَ

او باد؛ ای کسی که هر روز برای او شأنی و امری است؛ همچنان که از شأن توست که بر من تفضل فرموده

وَأَهْلِ دَعْوَتِكَ، وَوَقَّقْتَنِي لِذَلِكَ فِي مُبْتَدَأِ خَلْقِي، تَفَضُّلاً

و مرا از پاسخ دهندگان به تو، و اهل دین و دعوت خویش قرار دادی؛ و مرا در آفرینش اولی ام (عالم ذر) بر

مِنْكَ وَكَرَمًا وَجُودًا، ثُمَّ أَرَدَفْتَ الْفَضْلَ فَضْلاً، وَالْجُودَ

این کار از روی فضل و جود و کرم موفق کردی. سپس فضلی در پی فضل دیگر، و جود و بخششی در پی

جُودًا، وَالْكَرَمَ كَرَمًا، رَافَةً مِنْكَ وَرَحْمَةً، إِلَى أَنْ جَدَّدْتَ

جود و بخشش دیگر، و کرامتی در پی کرامت دیگر از رأفت و رحمت خود تفضل فرمودی تا آنکه این عهد

ذَلِكَ الْعَهْدَ لِي تَجْدِيدًا بَعْدَ تَجْدِيدِكَ خَلْقِي، وَكُنْتُ نَسِيًا

را بر من تازه کردی، و بعد از آنکه مرا آفرینش جدیدی فرمودی؛ و با آنکه من به کلی فراموش شده و در

مَنْسِيًا نَاسِيًا سَاهِيًا غَافِلًا، فَاتَّمَمْتَ نِعْمَتَكَ بَانَ ذِكْرَتِي

سهو و نسیان و غفلت بودم، پس نعمت را بر من کامل کردی به اینکه مرا یادآور آن عهد و پیمان کردی؛

ذَلِكَ، وَمَنْنْتَ بِهِ عَلَيَّ، وَهَدَيْتَنِي لَهُ، فَلْيَكُنْ مِنْ شَانِكَ

و با آن بر من منت گذاشتی، و به سوی آن هدایت فرمودی. پس باید از شأن تو این باشد ای خدای من؛ و

يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ أَنْ تُتِمَّ لِي ذَلِكَ، وَلَا تَسْلُبْنِيهِ

سرور من، و مولای من، که آن نعمت را بر من کامل گردانی و از من زایل نگردانی تا آنکه مرا با آن عقیده

حَتَّى تَتَوَفَّانِي عَلَى ذَلِكَ، وَأَنْتَ عَنِّي رَاضٍ، فَإِنَّكَ أَحَقُّ

و پیمان بمیرانی، و تو از من خوشنود باشی؛ همانا تو سزاوارترین نعمت بخشان هستی که نعمت را بر من

الْمُنْعَمِينَ أَنْ تُتِمَّ نِعْمَتَكَ عَلَيَّ، اللَّهُمَّ سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَاجْبُنَا

کامل گردانی. خدایا؛ (عهد تو را) شنیدیم و اطاعت کردیم؛ و همچنین دعوت کنندهات را بر ما فرستادی به

دَاعِيكَ بِمَنِّكَ، فَلَكَ الْحَمْدُ غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ، اٰمَنَّا

لطف و کرم تو اجابت کردیم، پس حمد و سپاس بر تو باد، آمرزش تو را خواهیم ای پروردگار ما؛ و باز گشت

بِاللَّهِ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَبِرَسُولِهِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ

همه به سوی توست؛ ما به خدای یکتا و بی شریک و به فرستاده او حضرت محمد - که سلام و درود خدا بر

الهِ وَصَدَّقْنَا وَاجْبُنَا دَاعِيَ اللَّهِ، وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فِي مُوَالَاةِ

او و آل او باد - ایمان آوردیم؛ و دعوت کننده خدایی را تصدیق و اجابت کردیم و اوامر فرستاده او را در مورد

مَوْلَانَا وَمَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ، امیر الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ ابِي طَالِبٍ

دوستی و اطاعت از مولایمان و مولای مؤمنان، امیر مؤمنان حضرت علی بن ابی طالب (ع) پیروی کردیم؛ او

عَبْدَ اللَّهِ وَآخِي رَسُولِهِ، وَالصَّدِيقَ الْأَكْبَرَ، وَالْحُجَّةَ عَلِيَّ

که بنده خدا، و برادر فرستاده او، و راست گویی بزرگ، و حجت خدا بر خلق اوست؛ او تأیید کننده پیامبر خدا

بِرَيْتِهِ، الْمُؤَيَّدَ بِهِ نَبِيِّهِ وَدِينِهِ الْحَقِّ الْمُبِينِ، عَلِمَا لَدِينِ اللَّهِ،

و دین اوست که حقیقت آن آشکار و واضح است، او علم و نشانه دین خدا و گنجینه دانش خدا، و صندوق

وَخَازِنَا لِعِلْمِهِ، وَعَيْبَةَ غَيْبِ اللَّهِ، وَمَوْضِعَ سِرِّ اللَّهِ، وَآمِينَ

رازهای خدا، و محل سر خدا و امین خدا بر آفریدگان او، و گواه او بر بندگانش است. بار خدایا؛ «ای پروردگار

اللَّهُ عَلِيَّ خَلْقِهِ، وَشَاهِدَهُ فِي بَرِيَّتِهِ، اللَّهُمَّ رَبَّنَا اِنَّا سَمِعْنَا

ما؛ همانا ما صدای ندادهنده‌ای را که ندا سر داد که به پروردگارتان ایمان آورید شنیدیم و به پروردگاران

مُنَادِيَا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ، اِنْ اٰمَنُوا بِرَبِّكُمْ فَاٰمَنَّا، «رَبَّنَا فَاغْفِرْ

ایمان آوردیم؛ پس گناهان ما را ببخش و بدی‌های ما را بپوشان و ما را همراه با نیکان عالم بمیران. پروردگار

لَنَا ذُنُوبَنَا، وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا، وَتَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ * رَبَّنَا وَ

ما؛ بر ما آنچه را که بر رسولانت وعده داده‌ای عطا فرما، و ما را در روز قیامت خوار و ذلیل نفرما؛ که همانا تو

اتنا ما وَعَدْتَنَا عَلَى رُسُلِكَ، وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ، إِنَّكَ لَا

از وعده‌های خود تخلف نمی‌کنی». پس ای پروردگار ما! ما به لطف و کرم تو ایمان آوردیم، و دعوت کننده به

تُخْلِفُ الْمِعَادَ»! فَاَمَّا يَا رَبَّنَا بِمَنِّكَ وَلَطْفِكَ اجْبِنَا دَاعِيكَ،

سوی تو را اجابت کردیم، و از فرستاده‌ات تبعیت کردیم و او و مولای مؤمنان را تصدیق کردیم، و به جبت و

وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ وَصَدَّقْنَاهُ، وَصَدَّقْنَا مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ، وَكَفَرْنَا

طاغوت کفر ورزیدیم، پس تو ولی و سرپرست ما کن آن را که ما به ولایت برگزیدیم؛ و ما را با پیشوایانمان

بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ، فَوَلْنَا مَا تَوَلَّيْنَا، وَاحْشُرْنَا مَعَ اٰمِتِنَا،

محشور فرما، زیرا ما به آنان ایمان آورده‌ایم و به امامت آنان یقین داریم، و تسلیم آنان هستیم. ما به نپایان

فَاِنَّا بِهِمْ مُؤْمِنُونَ مُوقِنُونَ، وَلَهُمْ مُسْلِمُونَ، اٰمِنًا بِسِرِّهِمْ

و آشکار آنها، شاهد و غایب آنها، و زنده و مرده آنها ایمان آورده‌ایم؛ و به پیشوایی و رهبری و سروری آنان

وَعَلَانِيَتِهِمْ، وَشَاهِدِهِمْ وَغَائِبِهِمْ، وَحَيْثُ هُمْ وَمَيْتِهِمْ، وَرَضِينَا

راضی و خشنود هستیم؛ و برای وساطت بین ما و خدای ما، آنان کفایت می‌کنند؛ و نیازی به غیر ایشان از

بِهِمْ اٰمَّةٌ وَقَادَةٌ وَسَادَةٌ، وَحَسْبُنَا بِهِمْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ اللّٰهِ دُوْنَ

آفریدگانش نیست؛ و به جای آنها جایگزین نمی‌جوییم؛ و غیر آنان را تکیه‌گاه خود نمی‌گیریم. و به درگاه

خَلْقِهِ لَا نَبْتَغِيْ، بِهِمْ بَدَلًا وَلَا نَتَّخِذُ مِنْ دُوْنِهِمْ وَلِيَّةَ، وَبَرِّئْنَا

خدا از هر کسی که با آنان به مبارزه و جنگ می‌پردازند، بیزاری می‌جوییم؛ چه آن افراد از جن باشند؛ یا از

اِلٰى اللّٰهِ مِنْ كُلِّ مَنْ نَصَبَ لَهُمْ حَرْبًا، مِنَ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ

انسان‌ها، از پیشینیان باشند یا از افراد آخرالزمان؛ و به جبت و طاغوت کفر می‌ورزیم؛ و همچنین به بت‌های

مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، وَكَفَرْنَا بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ،

چهارگانه و دنباله‌روها و پیروانشان؛ و هر کسی که آنان را دوست دارند؛ چه از جنیان باشند و چه از انسان‌ها؛

وَالْأوثَانَ الْأَرْبَعَةَ، وَأَشْيَاعِهِمْ وَاتَّبَاعِهِمْ وَكُلِّ مَنْ وَالَاهُمْ

از اول خلقت تا آخر آن، کفر می‌ورزیم. بار خدایا! ما تو را گواه می‌گیریم که ما به دینی که حضرت محمد و

مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ مِنْ أَوَّلِ الدَّهْرِ إِلَى آخِرِهِ، اللَّهُمَّ إِنَّا

آل محمد - که درود خدا بر او و بر آنان باد - به آن متدین هستیم، گرویدیم؛ و گفتار ما، گفتار آنان؛ و دین

نُشْهَدُكَ إِنَّا نَدِينُ بِمَا دَانَ بِهِ مُحَمَّدٌ وَآلُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ

ما دین آنان می‌باشد؛ آنچه آنان گفتند، ما می‌گوییم؛ و به آنچه آنان عقیده دارند، ما هم معتقدیم؛ و آنچه را

عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ، وَقَوْلُنَا مَا قَالُوا، وَدِينُنَا مَا دَانُوا بِهِ، مَا قَالُوا

که آنان منکر شدند، ما هم منکر آن هستیم؛ و هر کسی را آنان دوست داشتند، ما هم دوست داریم؛ و با هر

بِهِ قُلْنَا، وَمَا دَانُوا بِهِ دِنًا، وَمَا أَنْكَرُوا أَنْكَرْنَا، وَمَنْ وَالُوا

کسی آنان دشمنی کردند، ما هم با آنان دشمنی می‌کنیم؛ و هر کسی را لعن و نفرین کردند، ما هم لعن و

وَالَيْنَا وَمَنْ عَادُوا عَادَيْنَا، وَمَنْ لَعَنُوا لَعْنَا، وَمَنْ تَبَرَّأُوا مِنْهُ

نفرین می‌کنیم؛ و از هر کسی بیزاری جستند، ما هم بیزاری می‌جوییم؛ و هر کسی را مورد رحمت قرار دادند،

تَبَرَّأْنَا [مِنْهُ]، وَمَنْ تَرَحَّمُوا عَلَيْهِ تَرَحَّمْنَا عَلَيْهِ، آمَنَّا وَسَلَّمْنَا

ما هم مورد رحمت قرار می‌دهیم؛ به امامان خودمان ایمان آوردیم؛ و در برابر آنها تسلیم هستیم؛ و راضی و

وَرَضِينَا وَاتَّبَعْنَا مَوَالِينَا، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ، اللَّهُمَّ فَتَمِّمْ لَنَا

خشنود می‌باشیم؛ و از ایشان پیروی می‌کنیم؛ که سلام خدا بر آنان باد. بار خدایا! این ایمان و عقیده ما را

ذَلِكَ، وَلَا تَسْلُبْنَا، وَاجْعَلْهُ مُسْتَقَرًّا ثَابِتًا عِنْدَنَا، وَلَا تَجْعَلْهُ

کامل گردان، و آن را از ما مگیر، و آن را برای ما مستقر و ثابت گردان، و آن را به صورت غایب برایمان قرار

مُسْتَعَارًا، وَأَحِينَا مَا أَحْيَيْتَنَا عَلَيْهِ، وَأَمْتَنَا إِذَا أَمْتَنَا عَلَيْهِ أَلْ

مده؛ و ما را بر این عقیده زنده بدار، و بر آن بمیران هرگاه ما را بمیرانی. آل محمد(ص) پیشوایان ما هستند؛

مُحَمَّدٍ أُمَّتُنَا، فِيهِمْ نَاتِمٌ، وَإِيَّاهُمْ نُوَالِي، وَعَدُوَّهُمْ عَدُوٌّ لِلَّهِ

پس به آنان اقتدا می کنیم و فقط آنان را به سرپرستی می پذیریم، و دشمنانشان را - که دشمنان خداوند

نُعَادِي، فَاجْعَلْنَا مَعَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ،

هستند - دشمن می داریم. پس ما را در دنیا و آخرت با آنان و از مقربان و نزدیکان درگاه خودت قرار بده؛ زیرا

فَإِنَّا بِذَلِكَ رَاضُونَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

ما به این کار راضی و خشنود هستیم؛ ای مهربان ترین مهربانان.

سپس سجده نموده و صد مرتبه «الحمد لله» بگوید و در حالت

سجده صد مرتبه خدا را شکر نموده، بگوید: «شكراً لله».

همانا هر کسی این عمل را انجام دهد، مانند کسی است که در

آن روز (غدیر) حاضر بوده و با حضرت پیامبر(ص) بر آن امر بیعت

کرده است. مقام آن شخص، مقام صادقان - کسانی که با دوست

داشتن دوست خدا و رسولش در آن روز، خدا و رسولش را تصدیق

کردند - می باشد.

او مانند کسی است که با رسول خدا(ص)، حضرت علی(ع)، امام

حسن و امام حسین(ع) حاضر بوده و ایشان را درک نموده است و

مانند کسی است که زیر پرچم امام زمان(ع) و در خیمه آن حضرت،

یعنی نجباء و نقباء می باشد.^۱

۱۸

تسبیح حضرت امام زمان (ع)

از روز هجدهم تا آخر هر ماه

«علامه مجلسی (ره)» در «بحار الأنوار» ضمن نقل تسبیح

چهارده معصوم (ع) از «دعوات راوندی» تسبیح مولایمان امام

زمان (ع) را چنین نقل می نماید:

سُبْحَانَ اللَّهِ عَدَدَ خَلْقِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ رِضَىٰ نَفْسِهِ، سُبْحَانَ

پاک و منزّه است خداوند، به تعداد موجوداتی که آفریده است؛ پاک و منزّه است خداوند، به مقدار رضایت

اللَّهِ مَدَادَ كَلِمَاتِهِ، سُبْحَانَ [اللَّهِ] زِينَةِ عَرْشِهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ

خودش؛ پاک و منزّه است خداوند، به گستردگی و پهنای کلماتش؛ پاک و منزّه است خداوند، به بزرگی عرش

مِثْلَ ذَلِكَ.^۲

او؛ حمد و سپاس مخصوص خداوند است، همانند آنچه گفته شد.

این دعا از روز هجدهم تا آخر هر ماه خوانده می شود.

۱. بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۲۹۸؛ زادالمعاد، ص ۳۴۱.

۲. دعوات راوندی، ص ۹۴؛ بحار الأنوار، ج ۹۴، ص ۲۰۷.

بخش هشتم

دعاهایی که مخصوص

روز معینی از ایام هفته نیست

دعای عهد

حضرت امام جعفر صادق (ع) می فرماید:

هر کس با این عهد، چهل روز به درگاه خداوند دعا کند از یاران قائم ما خواهد بود، و اگر هم پیش از ظهور آن حضرت بمیرد خداوند (در وقت ظهور) او را از قبرش خارج خواهد ساخت و به ازای هر کلمه، هزار حسنه به او عطا می کند و هزار گناه را (از کارنامه اعمالش) محو می کند؛ آن عهد چنین است:

اللَّهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظِيمِ، وَرَبَّ الْكُرْسِيِّ الرَّفِيعِ، وَرَبَّ الْبَحْرِ

خدايا؛ ای پروردگار روشنی بزرگ؛ ای پروردگار جایگاه بلندمرتبه؛ ای پروردگار دریای متلاطم؛

الْمَسْجُورِ، وَمُنْزِلِ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ، وَرَبَّ الظِّلِّ

فروفرستنده تورات و انجیل و زبور؛ و ای پروردگار سایه و گرمی آفتاب؛ و ای فرو فرستنده قرآن بزرگ؛

وَالْحَرُورِ، وَمُنْزِلِ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ، وَرَبَّ الْمَلَائِكَةِ الْمُقْرَبِينَ

و ای پروردگار فرشتگان مقرب؛ و ای پروردگار پیامبران و رسولان؛ بار خدايا؛ من از تو درخواست

وَالْأَنْبِيَاءَ وَالْمُرْسَلِينَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ،

می‌کنم به ذات کریمت، و به روشنی ذات روشنی‌بخشت، و فرمان‌روایی بی‌آغازت؛ ای زنده؛ ای پایدار؛

وَبُنُورِ وَجْهِكَ الْمُنِيرِ، وَمُلْكِكَ الْقَدِيمِ، يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ،

درخواست می‌کنم به واسطه نامت، همان نامی که آسمان‌ها و زمین‌ها به سبب آن روشن گردید؛

أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي أَشْرَقَتْ بِهِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُونَ،

همان نامی که پیشینیان و آیندگان با آن اصلاح می‌شوند. ای زنده پیش از هر زنده؛ و ای زنده پس

وَبِاسْمِكَ الَّذِي يَصْلُحُ بِهِ الْأَوْلُونَ وَالْآخِرُونَ، يَا حَيًّا قَبْلَ

از هر زنده؛ و ای زنده‌ای که زنده بودی در حالی که هیچ زنده نبود؛ ای زنده‌کننده مردگان؛ ای

كُلِّ حَيٍّ وَيَا حَيًّا بَعْدَ كُلِّ حَيٍّ، وَيَا حَيًّا حِينَ لَا حَيٍّ، يَا

میراننده زندگان؛ ای زنده‌ای که جز تو معبودی نیست؛ بار خدایا؛ به مولای ما، یعنی پیشوای هدایت‌گر

مُحْيِيَ الْمَوْتَى وَمُمِيتِ الْأَحْيَاءِ، يَا حَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ،

هدایت‌شده‌ای که قیام‌کننده است به امر تو - که درود خدا بر او و تمام نیاکان پاکیزه‌اش باد - سلام

اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَانَا الْإِمَامَ الْهَادِيَ الْمَهْدِيَّ الْقَائِمَ بِأَمْرِكَ،

برسان؛ سلام و درودی از طرف همه مردان و زنان باایمان که در شرق و غرب زمین، بیابان و کوهسار،

صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ الطَّاهِرِينَ، عَنْ جَمِيعِ

دریا و یا خشکی زمین هستند. سلامی از طرف من و پدر و مادرم. سلام‌ها و درودهایی که هم‌سنگ

الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا،

عرش الهی و به قدر گستردگی کلمات او باشد. آن قدر که علم خدا آن را شماره کند، و کتاب الهی

سَهْلِهَا وَجِبَلِهَا وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا، وَعَنِّي وَعَنْ وَالِدِيَّ مِنْ

به آن احاطه دارد. بار خدایا؛ من در این صبحدم و در ابتدای این روز نو، و تمامی ایام زندگانییم، عهد

الصَّلَوَاتِ زِنَةَ عَرْشِ اللَّهِ، وَمَدَادَ كَلِمَاتِهِ، وَمَا أَحْصَاهُ

(زبانی) و پیمان (قلبی) و بیعت (عملی) را با آن عزیز تجدید می‌کنم که هیچ‌گاه و به هیچ وجه از آن

عَلْمُهُ وَاحْاطَ بِهِ كِتَابُهُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَجِدُّ لَهُ فِي صَبِيحَةِ

برنخواهم گشت و هرگز آن را از بین نمی‌برم. خداوندا؛ مرا از یاران و کمک‌رسانان و حمایت‌کنندگان

يَوْمِي هَذَا وَمَا عَشْتُ مِنْ أَيَّامِي، عَهْدًا وَعَقْدًا وَبَيْعَةً لَهُ

و مدافعان آن بزرگوار قرار ده؛ جزو گروهی که به سرعت برای انجام خواسته‌های او به سپوش

فِي عُنُقِي، لَا أَحُولُ عَنْهَا وَلَا أَزُولُ أَبَدًا، اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي

می‌شابند؛ جزو دسته‌ای که دستورات او را بدون کم و زیاد انجام می‌دهند؛ جزو حمایت‌کنندگان از

مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ، وَالذَّابِّينَ عَنْهُ، وَالْمُسَارِعِينَ إِلَيْهِ فِي

او و پیشی‌گیرندگان برای انجام امور دلخواه او و شهادت‌طلبان در پیش روی او قرار ده. بار خدایا؛ از

قَضَاءِ حَوَائِجِهِ، وَالْمُمْتَثِلِينَ لِأَمْرِهِ، وَالْمُحَامِلِينَ عَنْهُ،

تو می‌خواهم که اگر مرگ - که آن را یک امر حتمی و قطعی برای بندگانت قرار داده‌ای - بین من و

وَالسَّابِقِينَ إِلَى إِرَادَتِهِ وَالْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ، اللَّهُمَّ

آن عزیز حایل شد، مرا از قبرم در حالی خارج کن که کفنم را به کمر بسته‌ام؛ شمشیرم را کشیده‌ام

إِنْ حَالَ بَيْنِي وَبَيْنَهُ الْمَوْتُ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَى عِبَادِكَ

و بالا بردم نیزه‌ام را آماده کرده‌ام و فراخوانی شخصی را که دعوت کننده به سوی اوست لبیک

حَتْمًا مَقْضِيًّا، فَأَخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِي مُؤْتَرًّا كَفْنِي، شَاهِرًا

گفته و پاسخ مثبت می‌دهم؛ فراخوانی همان کسی که در شهرها و صحراها ندا می‌دهد. بار خدایا؛ آن

سَيْفِي، مُجَرِّدًا قَنَاتِي، مُلَبِّيًا دَعْوَةَ الدَّاعِي فِي الْحَاضِرِ

رخسار زیبای جذاب، و روی نورانی دوست داشتنی را به من نشان بده؛ و سرمه دیده‌ام را نگاهی به

وَالْبَادِي، اللَّهُمَّ ارِنِي الطَّلَعَةَ الرَّشِيدَةَ، وَالْغُرَّةَ الْحَمِيدَةَ،

آن عزیز قرار ده، و در فرج و گشایش امورش شتاب کن، و شرایط قیام او را آسان گردان، و راهش را

وَإَكْحَلَ نَاطِرِي بِنَظَرَةِ مَنِّي إِلَيْهِ، وَعَجَّلْ فَرَجَهُ، وَسَهِّلْ

برای دستیابی به مقاصدش گسترش ده، و مرا در راه روشن او راه ببر، و فرمان او را مطاع و قابل اجرا

مَخْرَجَهُ، وَأَوْسِعْ مِنْهُجَهُ، وَأَسْئَلُكَ بِي مَحَجَّتِهِ وَأَنْفِذْ أَمْرَهُ،

گردان، و پشتش را محکم کن. خدایا! با حضور او سرزمین‌ها و شهرهایت را آباد گردان، و بندگانت

وَأَشُدُّ أَرْزَهُ، وَأَعْمُرِ اللَّهُمَّ بِهِ بِلَادَكَ، وَأَخِي بِهِ عِبَادَكَ،

را زنده گردان؛ زیرا، تو فرموده‌ای - به خوبی نیز می‌دانم که گفته‌های تو حق است - که «پیش از

فَأَنَّكَ قُلْتَ وَقَوْلِكَ الْحَقُّ، «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ

آنکه آن بزرگوار ظهور فرماید - فساد در خشکی و دریا آشکار شده که به دست مردمان به بار آمده

بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ»، فَأَظْهِرِ اللَّهُمَّ لَنَا وَلِيَّكَ وَأَبْنِ

است؛ پس، ای خدا، ولی و نماینده خودت را که پسر دختر پیامبرت می‌باشد و هم‌نام فرستاده تو -

بِنْتِ نَبِيِّكَ الْمُسَمَّى بِاسْمِ رَسُولِكَ، حَتَّى لَا يَظْفَرَ بِشَيْءٍ

محمد(ص) - است؛ برای ما آشکار کن تا هر باطل و نادرستی را نابود کند و بر آن پیروز گردد، و حق

مِنَ الْبَاطِلِ إِلَّا مَزَقَهُ، وَيُحَقِّقِ الْحَقَّ وَيُحَقِّقَهُ، وَأَجْعَلْهُ اللَّهُمَّ

را پایدار و محقق فرماید. بار خدایا! او را پناه بندگان ستم‌دیده‌ات، و یار و یاور کسانی قرار ده که جز تو

مَفْرَعًا لِمَظْلُومِ عِبَادِكَ، وَنَاصِرًا لِمَنْ لَا يَجِدُ لَهُ نَاصِرًا

یآوری برای خود نمی‌یابند، و خدایا! او را تجدید کننده آن دستورات کتابت (قرآن) قرار ده که تعطیل

غَيْرِكَ، وَمُجَدِّدًا لِمَا عَطَلَ مِنْ أَحْكَامِ كِتَابِكَ، وَمُشِيدًا لِمَا

شده است؛ و محکم کننده نشانه‌های آشکار دینت، و روش‌های نیکویی پیامبرت - که درود بر او و آل

وَرَدَ مِنْ أَعْلَامِ دِينِكَ، وَسُنَنِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ،

او باد - قرار ده. خدای من؛ او را جزو کسانی قرار ده که از بدی و عذاب تجاوزکاران در امان می‌داری.

وَاجْعَلْهُ اللَّهُمَّ مِمَّنْ حَصَّنَتْهُ مِنْ بَأْسِ الْمُعْتَدِينَ اللَّهُمَّ وَسُرِّ

خدایا؛ پیامبرت حضرت محمد - که درود بر او و آل او باد - را با دیدن این فرزند شایسته‌اش و کسانی

نَبِيِّكَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِرُؤْيَيْتِهِ، وَمَنْ تَبِعَهُ عَلَى

که از دعوت او پیروی نمودند، شاد و خوشحال فرما؛ و به بیچارگی ما که با غیبت او به وجود آمده

دَعْوَتِهِ، وَارْحَمْ اسْتِكَانَتَنَا بَعْدَهُ، اللَّهُمَّ اكْشِفْ هَذِهِ الْغُمَّةَ

است، رحم کن. خدایا؛ این اندوه و افسردگی را با حضور آن عزیز پنهان شده، از این امت برطرف کن؛

عَنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ بِحُضُورِهِ، وَعَجِّلْ لَنَا ظُهُورَهُ، إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ

و در ظهور و آشکار شدن او شتاب کن؛ چرا که آنها (دشمنان تو) زمان ظهور او را دیروقت می‌پندارند،

بَعِيدًا وَنَرِيهِ قَرِيبًا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

ولی ما آن را نزدیک می‌دانیم؛ البته، به امید رحمت و مهربانی تو؛ ای مهربان‌ترین مهربانان

آنگاه سه مرتبه دست راست خود را بر ران خود می‌زنی و در هر مرتبه می‌گویی:

الْعَجَلُ، الْعَجَلُ، يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ. ۱

بشتاب؛ بشتاب؛ ای صاحب اختیار زمان.

۱. مفاتیح الجنان، ص ۱۰۶۱؛ زاد المعاد، ص ۴۸۸؛ البلد الأمين، ص ۱۲۴؛

مصباح الزائر، ص ۴۵۵؛ المصباح، ص ۷۲۹؛ الصحيفة الصادقية، ص ۲۰۴؛ باب

دعای عهد دیگر

«جابر بن یزید جعفی» گوید: حضرت امام محمد باقر (ع) فرمود: هر کس در همه عمرش یک بار این دعا را بخواند، در زمره بندگان نوشته می شود و در دفتر حضرت قائم (ص) بالا برده می شود؛ وقتی قائم ما، خروج کرد آن شخص را به اسم خودش و پدرش می خواند، و این نامه را به او می دهد و می گوید: بگیر؛ این نامه، عهدی است که در دنیا با ما بسته ای.

این سخن خداوند عزوجل نیز به همین اشاره دارد: «إِلَّا مَنْ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا»^۱ جز آن کسی که نزد خدای بخشنده پیمانی فراهم کرده باشد».

با طهارت، این دعا را بخوانید:

اَللّٰهُمَّ يَا اِلٰهَ الْاَلٰهَةِ، يَا وَاٰحِدُ، يَا اَحَدُ، يَا اٰخِرَ الْاٰخِرِيْنَ،

خدایا؛ ای معبود معبودان؛ ای خدای یگانه؛ و ای خدای یکتا؛ ای از همه پیشینیان

السَّعَادَةِ، ص ۲۱۴.

۱. سوره مریم، آیه ۸۷.

يَا قَاهِرَ الْقَاهِرِينَ، يَا عَلِيُّ يَا عَظِيمُ، أَنْتَ الْعَلِيُّ الْأَعْلَى،

پیشین تر؛ ای چیره شونده و غالب بر همه قدرتمندان؛ ای برتر و ای بزرگ؛ تو خدای برتر

عَلَوْتَ فَوْقَ كُلِّ عُلُوٍّ، هَذَا يَا سَيِّدِي عَهْدِي وَأَنْتَ مُنْجِزُ

و بلند مرتبه هستی، و برتری یافتی بر هر برتری؛ این است عهد من، ای سرور من؛ و تو

وَعْدِي، فَصَلِّ يَا مَوْلَايَ عَهْدِي، وَأَنْجِزْ وَعْدِي، اٰمَنْتُ بِكَ.

وفا کننده وعده من هستی؛ پس مولای من این عهد مرا به مقصد برسان، و به وعده ام

وَأَسْأَلُكَ بِحِجَابِكَ الْعَرَبِيِّ، وَبِحِجَابِكَ الْعَجَمِيِّ، وَبِحِجَابِكَ

وفا فرما که من به تو ایمان دارم. و از تو مسألت می کنم به حجاب عربیت، و به حجاب

الْعِبْرَانِيِّ، وَبِحِجَابِكَ السَّرْيَانِيِّ، وَبِحِجَابِكَ الرَّومِيِّ،

عجمیت، و به حجاب عبرانیت، و به حجاب سریانیت، و به حجاب رومیت، و به حجاب

وَبِحِجَابِكَ الْهِنْدِيِّ، وَأَثْبِتْ مَعْرِفَتَكَ بِالْعِنَايَةِ الْأُولَى،

هندیت، و با عنایات اولیهات، معرفت را در وجود من ثابت گردان؛ زیرا تو خدایی هستی

فَإِنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا تُرَى، وَأَنْتَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى. وَأَتَقَرَّبُ

که دیده نمی شوی، و تو در چشم انداز برتری هستی. به تو تقرب می جویم به وسیله

إِلَيْكَ بِرَسُولِكَ الْمُنْذِرِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَبِعَلِيِّ أَمِيرِ

رسول و فرستاده بیم دهنده تو - که درود خدا بر او و آل او باد -؛ و به حضرت علی امیر

الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ الْهَادِي، وَبِالْحَسَنِ السَّيِّدِ

مؤمنان - درود خدا بر او باد - که هدایت کننده بود؛ و به حسن، آقا و سرور؛ و به حسین،

وَبِالْحُسَيْنِ الشَّهِيدِ سِبْطِي نَبِيِّكَ، وَبِفَاطِمَةَ الْبُتُولِ، وَبِعَلِيِّ

شهید؛ دو سبط پیامبرت و به فاطمه بتول؛ و به علی بن الحسین، زینت عبادت پیشه گان،

بْنِ الْحُسَيْنِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ ذِي الثَّنَاتِ، وَ [بِ] مُحَمَّدِ بْنِ

و صاحب پینه‌ها (بی که بر اثر عبادت بر بدنش عارض شده بود)، و به محمد بن علی،

عَلِيِّ الْبَاقِرِ عَنِ عِلْمِكَ، وَبِجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ الصَّادِقِ،

شکافنده علم تو؛ و به جعفر بن محمد صادق، که میثاق و میعاد تو را تصدیق نمود؛ و

الَّذِي، صَدَّقَ بِمِيثَاقِكَ وَبِمِعَادِكَ، وَبِمُوسَى بْنِ جَعْفَرِ

به موسی بن جعفر، که پارسا بود و به پیمان تو قیام کرد؛ و به علی بن موسی، حضرت

الْحَضُورِ الْقَائِمِ بَعْدِكَ، وَبِعَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرَّضَا الرَّاضِي

رضا که راضی به حکم تو بود؛ و به محمد بن علی، دانشمند بافضیلت و مورد پسند در

بِحُكْمِكَ، وَبِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ الْخَبَرِ الْفَاضِلِ، الْمُرْتَضَى

میان مؤمنان؛ و به علی بن محمد، امین و امانت‌دار، هدایت‌کننده هدایت‌جویان؛ و به

فِي الْمُؤْمِنِينَ، وَبِعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ الْأَمِينِ الْمُؤْتَمَنِ، هَادِي

حسن بن علی، پاک و پاکیزه، گنجینه رازهای اوصیا. و به تو تقرب می‌جویم (ای خدا)؛

الْمُسْتَرَشِدِينَ، وَبِالْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ الطَّاهِرِ الزَّكِيِّ، خَزَانَةَ

به وسیله امام قیام‌کننده عدل گستر؛ همان هدایت‌شده‌ای که مورد انتظار است؛ که او

الْوَصِيِّينَ. وَأَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِالْإِمَامِ الْقَائِمِ الْعَدْلِ الْمُنْتَظَرِ

امام ما و فرزند امام ماست؛ دروذهای خدا بر همه آنان باد. ای آنکه باشکوه و بزرگ

الْمَهْدِيِّ، إِمَامِنَا وَابْنِ إِمَامِنَا صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ.

است، پس شایسته این جلالت و عظمت است؛ در عین حال به بندگانش ترحم می‌کند و

يَا مَنْ جَلَّ فَعَظَمَ وَ [هُوَ] أَهْلُ ذَلِكَ فَعَفَى وَرَحِمَ، يَا مَنْ

آنان را عفو می‌نماید؛ ای آنکه تقدیر می‌نماید و تقدیرش دقیق است؛ از ضعف خود، و از

قَدَرَ فَلَطْفَ، أَشْكُو إِلَيْكَ ضَعْفِي، وَمَا قَصَرَ عَنْهُ عَمَلِي

کوتاهی عملم نسبت به توحید و کنه شناخت تو به تو شکایت می‌برم؛ و به تو رو می‌کنم

مِنْ تَوْحِيدِكَ، وَكُنْهُ مَعْرِفَتِكَ، وَأَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِالتَّسْمِيَةِ

به وسیله نامیدن سبید، و به یگانگی بزرگ؛ که کسی که بدان پشت کند نمی‌تواند

الْبَيْضَاءِ، وَبِالْوَحْدَانِيَّةِ الْكُبْرَى، الَّتِي قَصَرَ عَنْهَا مَنْ أَدْبَرَ

بدان دست یازد. ایمان آوردم به بزرگ‌ترین حجابت، و به کلمات کامل علی‌رتبهات؛ که

وَتَوَلَّى. وَآمَنْتُ بِحِجَابِكَ الْأَعْظَمِ، وَبِكَلِمَاتِكَ التَّامَّةِ

از آنها این دار دنیا و بلا را خلق نمودی، و آنکه را دوست کاشتی به منزل بهشتی وارد

الْعُلْيَا، الَّتِي خَلَقْتَ مِنْهَا دَارَ الْبَلَاءِ، وَأَحْلَلْتَ مَنْ أَحْبَبْتَ

گردانیدی. ایمان آوردم به سبقت‌جویان و راست‌گویان؛ آنان که از میان مؤمنان، اصحاب

جَنَّةِ الْمَأْوَى، وَآمَنْتُ بِالسَّابِقِينَ وَالصِّدِّيقِينَ، أَصْحَابِ

یمین و سعادت‌یافتگان اند؛ و نیز به آنها که عمل شایسته و صالح را با عمل ناشایسته

الْيَمِينِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ، [وَ] الَّذِينَ خَلَطُوا عَمَلًا صَالِحًا وَ

مخلوط کرده‌اند، اینکه سرپرست مرا غیر آنها قرار ندهد، و بین من و آنها جدایی می‌فکن؛

آخَرَ سَيِّئًا إِلَّا تَوَلَّيْتَنِي غَيْرَهُمْ، وَلَا تُفَرِّقْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ غَدَا

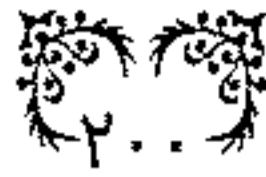
در فردایی که رضا و خشنودی را مقدم داری با تمام شدن حکم و داوری. من به نهان و

إِذَا قَدَّمْتَ الرِّضَا بِفَضْلِ الْقَضَاءِ. آمَنْتُ بِسِرِّهِمْ وَعَلَانِيَتِهِمْ

آشکار و پایان اعمال‌شان، ایمان آوردم. پس همانا تو کار آنها را ختم خواهی کرد هرگاه

وَخَوَاتِيمَ أَعْمَالِهِمْ، فَإِنَّكَ تَخْتِمُ عَلَيْهَا إِذَا شِئْتَ، يَا مَنْ

که خواستی؛ ای آنکه بر من منت نهادی و به یکتایی خویش، مقرر و معترف نمودی؛



أَتَحْفَنِي بِالْإِقْرَارِ بِالْوَحْدَانِيَّةِ، وَحَبَانِي بِمَعْرِفَةِ الرَّبُّوبِيَّةِ،

و با شناخت مقام ربوبی خودت بر من لطف کردی؛ و مرا از شک و کوردلی رهانیدی؛

وَخَلَصَنِي مِنَ الشُّكِّ وَالْعَمَى، رَضِيْتُ بِكَ رَبًّا، وَبِالْأَصْفِيَاءِ

راضی گشتم به اینکه تو پروردگارم باشی؛ و برگزیدگان، حجت‌های من باشند؛ و افراد

حُجَجًا، وَبِالْمَحْجُوبِينَ أَنْبِيَاءَ، وَبِالرُّسُلِ أَدْلَاءَ، وَبِالْمُتَّقِينَ

محبوب، پیامبران من باشند؛ و رسولان تو راهنمایان من گردند؛ و پرهیزگاران نیز

أَمْرَاءَ، وَسَامِعًا لَكَ مُطِيعًا.^۱

فرمانروایان من باشند؛ که آگاهانه، حرف شنو و مطیع تو هستم.

۳

دعای زمان غیبت

دعای روزگار غیبت که مولایمان حضرت امام هشتم (ع) امر به

خواندن آن نموده است.

اللَّهُمَّ ادْفَعْ عَنِّي وَلِيِّكَ وَخَلِيفَتِكَ، وَحُجَّتِكَ عَلَيَّ خَلْقِكَ،

خدایا! (هر بلایی را) دفع بفرما از ولایت؛ و خلیفیات و حجتت بر بندگانت؛ و زبان گویای تو

وَلِسَانِكَ الْمُعَبَّرُ عَنْكَ بِأَذْنِكَ، النَّاطِقُ بِحِكْمَتِكَ، وَعَيْنِكَ

که با اجازه تو، از طرف تو مطالب را بیان می کند، آنکه زبانش به حکمت تو گویا است؛ و

۱. مهج الدعوات، ص ۳۹۸؛ بحار الأنوار، ج ۹۵، ص ۳۳۷؛ نجم الثاقب، ص ۷۸۲.

النَّاظِرَةَ عَلٰى بَرِيَّتِكَ، وَشَاهِدَكَ عَلٰى خَلْقِكَ، الْجَحْجَاحِ

چشم بینای تو است که بر بندگانت نظارت دارد؛ او که شاهد تو بر آفریده‌های تو و از مهتران

المُّجَاهِدِ، الْعَائِدُ بِكَ عِنْدَكَ. وَأَعِذُهُ مِنْ شَرِّ جَمِيعِ مَا

مجاهد در راه توست؛ او که نزد تو به تو پناه می‌برد. او را در پناه خود قرار ده از شر هر آنچه

خَلَقْتَ وَبَرَآتَ، وَأَنْشَأْتَ وَصَوَّرْتَ، وَأَحْفَظُهُ مِنْ بَيْنِ

آفریده و پدید آوردی، و ایجاد کردی، و صورت و شکل بخشیدی؛ او را از رو به رو، پشت سر،

يَدَيْهِ وَمَنْ خَلْفَهُ، وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ، وَمَنْ فَوْقَهُ

طرف راست و طرف چپ، و از بالای سرش و زیر پایش، حفظ کن و به نگهداری و حفظی که

وَمَنْ تَحْتَهُ بِحِفْظِكَ الَّذِي لَا يَضِيعُ مَنْ حَفِظْتَهُ بِهِ، وَأَحْفَظْ

وقتی کسی را به آن حفظ کنی ضایع و تباه نمی‌شود، و حفظ کن در وجود او رسول خودت

فِيهِ رَسُولُكَ وَأَبَائِهِ، أُمَّتِكَ وَدَعَائِمَ دِينِكَ. وَأَجْعَلُهُ فِي

و پدران او را؛ که امامان تو و ستون‌های دین تو هستند، و قرار ده او را در ودیعه خودت که

وَدِيْعَتِكَ الَّتِي لَا تَضِيعُ، وَفِي جِوَارِكَ الَّذِي لَا يُخْفَرُ، وَفِي

از بین رفتنی نیست، و در همسایگی خود که مورد خیانت قرار نگیرد، و در حمایت و سایه

مَنْعِكَ وَعِزِّكَ الَّذِي لَا يُقْهَرُ، وَأَمْنَهُ بِأَمَانِكَ الْوَثِيقِ، الَّذِي

عزت خودت که مقهور نگردد. و او را در امان محکم خود ایمن بدار؛ که هرگز آنکه در سایه

لَا يُخَذَلُ مَنْ أَمْنَتْهُ بِهِ، وَأَجْعَلُهُ فِي كَنْفِكَ الَّذِي لَا يُرَامُ مَنْ

امن تو باشد ذلیل و خوار نگردد. و او را در کنف حمایت خویش قرار ده؛ زیرا حمایت شده تو

كَانَ فِيهِ، وَأَيْدُهُ بِنَصْرِكَ الْعَزِيزِ، وَأَيْدُهُ بِجُنْدِكَ الْغَالِبِ،

هرگز مورد سوء قصد کسی قرار نخواهد گرفت؛ و او را با یاری شکست‌ناپذیرت کمک فرما، و

وَقُوَّةَ بَقُوَّتِكَ، وَأَرْدَفُهُ بِمَلَائِكَتِكَ، وَوَالٍ مَنْ وَالَاهُ، وَعَادِ

با سپاه پیروزمندت تأییدش کن، و با نیروی خود نیرومندش فرما، و فرشتگانت را با او همراه

مَنْ عَادَاهُ، وَالْبَسَهُ دَرْعَكَ الْحَصِينَةَ، وَحُفَّهُ بِالْمَلَائِكَةِ

ساز؛ و دوستش را دوست دار، و دشمنش را دشمن بدار؛ و زره محکم و محافظ خود را بر او

حَفَا. اللَّهُمَّ وَبَلِّغْهُ أَفْضَلَ مَا بَلَغْتَ الْقَائِمِينَ بِقِسْطِكَ مِنْ

پیوشان؛ و فرشتگان را گرداگر او درآور. بار خدایا؛ او را به برترین مرتبه‌ای برسان که هر یک از

أَتْبَاعِ النَّبِيِّينَ. اللَّهُمَّ اشْعَبْ بِهِ الصَّدْعَ، وَارْتُقْ بِهِ الْفَتْقَ،

بریاکنندگان قسط و عدل از پیروان پیامبران را بدان مرتبه رسانیدی. خداوند! اختلاف‌ها را به

وَأُمَّتُ بِهِ الْجَوْرَ، وَأَظْهَرْ بِهِ الْعَدْلَ، وَزَيِّنْ بِطَوْلِ بَقَائِهِ

واسطه وجود مقدسش برطرف گردان، و تفرقه‌ها و پراکندگی‌ها را به واسطه او از میان بردار.

الْأَرْضَ، وَأَيِّدْهُ بِالنَّصْرِ، وَأَنْصُرْهُ بِالرُّعْبِ، وَقُوَّةَ نَاصِرِيهِ،

و ظلم و ستم را به وسیله او بمیران، و عدل را به وسیله او آشکار ساز، و زمین را با باقی ماندن

وَإِخْذَلْ خَاذِلِيهِ، وَدَمِّمْ عَلَى مَنْ نَصَبَ لَهُ، وَدَمَّرْ مَنْ

طولانی‌اش زینت و کمال بخش؛ و او را به یاری خودت تأیید کن و با رعب افکندن بر دل

غَشَّهٗ. وَأَقْتُلْ بِهِ جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ، وَعُمُدَهُ وَدَعَائِمَهُ، وَأَقْصِمْ

دشمنانش پیروزش گردان، و یارانش را نیرومند ساز، و خوارکنندگان او را خوار و ذلیل گردان،

بِهِ رُؤُوسَ الضَّلَالَةِ وَشَارِعَةَ الْبِدْعِ، وَمُمَيَّتَةَ السُّنَّةِ،

و آنکه رودررویش به جنگ ایستد به هلاکت برسان، و آنکه با او مکر و خدعه کند نابودش

وَمُقَوِّیَةَ الْبَاطِلِ، وَذَلِّلْ بِهِ الْجَبَّارِينَ، وَأَبْرِ بِهِ الْكَافِرِينَ

ساز، و با دست توانایش ستمگران و کافران و سردسته‌ها و ارکان آنان را به خاک هلاکت انداز،

وَجَمِيعَ الْمُلْحِدِينَ، فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا، وَبَرِّهَا

و پشت سران گمراهی، بدعت گذاران و نابودکنندگان سنت الهی و تقویت کنندگان باطل را

وَبَحْرِهَا، وَسَهْلِهَا وَجَبَلِهَا، حَتَّى لَا تَدَعَ مِنْهُمْ دِيَّارًا،

به واسطه او بشکن. با وجود شریفش، زورگویان متکبر را ذلیل کن، و همه کافران و ملحدان را

وَلَا تُبْقِيَ لَهُمْ آثَارًا. اَللّٰهُمَّ طَهِّرْ مِنْهُمْ بِلَادَكَ، وَاشْفِ مِنْهُمْ

- در شرق و غرب، دریا و خشکی، کوه و دشت - ریشه کن فرما؛ تا کسی از آنان بر جای نماند،

عِبَادَكَ، وَأَعِزِّ بِهِ الْمُؤْمِنِينَ، وَأُخِي بِهٖ سُنَنَ الْمُرْسَلِينَ،

و اثری از آنان باقی نگذاری. بار خدایا؛ سرزمینت را از وجود آنها پاک گردان، و قلب بندگانت

وَدَارِسَ حِكْمَةِ النَّبِيِّينَ، وَجَدِّدْ بِهِ مَا مَتَّحَىٰ مِنْ دِينِكَ،

را با نابودی آنها شفا ده؛ و به واسطه آن وجود مقدس، اهل ایمان را عزیز گردان، و سنت‌های

وَبُدِّلْ مِنْ حُكْمِكَ، حَتَّىٰ تُعِيدَ دِينَكَ بِهِ، وَعَلَىٰ يَدَيْهِ

رسولان و آنچه از حکمت‌های پیامبران مندرس گشته به وسیله او زنده کن، و آنچه از دین تو

غَضًا مَخْضًا صَحِيحًا، لَا عِوَجَ فِيهِ، وَلَا بَدْعَةَ مَعَهُ، وَحَتَّىٰ

که از بین رفته و از احکامت که دگرگون شده به وسیله او بازسازی کن؛ تا دین حقیقی خود

تُتِيرَ بَعْدَهُ ظِلْمَ الْجَوْرِ، وَتُطْفِئَ بِهِ نِيرَانَ الْكُفْرِ، وَتَوْضِحَ

را به وسیله او و به دست توانای او، به گونه‌ای تازه و بی‌الایش و صحیح اعاده کنی و بازگردانی؛

بِهِ مَعَاقِدَ الْحَقِّ وَمَجْهُولَ الْعَدْلِ. فَإِنَّهُ عَبْدُكَ الَّذِي

که هیچ کجی در آن نباشد و هیچ بدعتی با آن آمیخته نباشد. و تاریکی‌های ظلم و بیداد با

اسْتَخْلَصَتْهُ لِنَفْسِكَ، وَأَصْطَفَيْتَهُ مِنْ خَلْقِكَ، وَأَصْطَفَيْتَهُ

عدل او روشن گردد، و آتش کفر به وسیله او خاموش شود، و در نتیجه، پیچیدگی‌های حق

عَلَىٰ عِبَادِكَ، وَأَتَمَّنْتَهُ عَلَىٰ غَيْبِكَ، وَعَصَمْتَهُ مِنَ الذُّنُوبِ،

آشکاره گردد، و اساس عدل و قسط - که مجهول مانده است - معلوم و روشن شود. زیرا آن

وَبَرَّأْتَهُ مِنَ الْعُيُوبِ، وَطَهَّرْتَهُ مِنَ الرَّجْسِ، وَسَلَّمْتَهُ مِنْ

حضرت، بنده توست که برای خودت خالصش گردانیدی، و از میان بندگانت او را برگزیدی،

الدَّنَسِ. اللَّهُمَّ فَإِنَّا نَشْهَدُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَيَوْمَ حُلُولِ

و بر آنها اختیار کردی، و او را برای سپردن غیب خودت، امین یافتی؛ و از گناهان، او را نگه

الطَّامَّةِ، أَنَّهُ لَمْ يُذْنَبْ ذَنْبًا وَلَا أَتَىٰ حَوْبًا، وَلَمْ يَرْتَكِبْ

داشتی، و از هر عیبی پیراسته اش کردی، و از هر پلیدی آراسته اش گردانیدی، و از هر ناپاکی

مَعْصِيَةً، وَلَمْ يُضَيِّعْ لَكَ طَاعَةً، وَلَمْ يَهْتِكْ لَكَ حُرْمَةً، وَلَمْ

رهایش ساختی. خدایا؛ ما در روز قیامت و آن حادثه بزرگ محشر، گواهی می دهیم که او

يُبَدِّلُ لَكَ فَرِيضَةً، وَلَمْ يُغَيِّرْ لَكَ شَرِيْعَةً، وَأَنَّهُ الْهَادِي

هرگز گناهی نکرده، و جرمی انجام نداده، و معصیتی مرتکب نشده، و طاعتی را از تو ضایع

الْمَهْدِيُّ الطَّاهِرُ التَّقِيُّ النَّقِيُّ الرَّضِيُّ الزَّكِيُّ. اللَّهُمَّ أَعْطِهِ

نساخته، و حرمتی را از تو هتک نکرده، و فریضه ای از تو را دگرگون ننموده، و قانونی از دین تو

فِي نَفْسِهِ وَأَهْلِهِ، وَوَلَدِهِ وَذُرِّيَّتِهِ، وَأُمَّتِهِ وَجَمِيعِ رَعِيَّتِهِ، مَا

تغییر نداده است. و او هدایت گر انسان ها، و هدایت یافته پاک سیرت باتقوای پاکیزه پسندیده

تُقَرُّ بِهِ عَيْنُهُ، وَتَسْرُّ بِهِ نَفْسُهُ، وَتَجْمَعُ لَهُ مُلْكُ الْمَمْلَكَاتِ

آراسته است. خدایا؛ برای او نسبت به خودش، اهلیش، فرزندانش، امت و همه زیردستانش،

كُلِّهَا، قَرِيبَهَا وَبَعِيدَهَا، وَعَزِيزَهَا وَذَلِيلَهَا، حَتَّىٰ يَجْرِيَ

چیزی عطا کن که چشمش را به آن روشن نمایی و روانش را به آن شاد گردانی؛ و حکومت

حُكْمُهُ عَلَىٰ كُلِّ حُكْمٍ، وَيَغْلِبُ بِحَقِّهِ كُلَّ بَاطِلٍ. اللَّهُمَّ

سراسر کشورهای نزدیک و دور؛ سرفراز و خوار را به او عطا فرما؛ تا حکمش بر حکم هر

اسْئَلِكُ بِنَا عَلَىٰ يَدَيْهِ مِنْهَا جَ الْهُدَىٰ، وَالْمَحَجَّةَ الْعُظْمَىٰ،

حکمیانی جاری گردد، و حق او بر هر باطلی غالب گردد. خدایا؛ ما را به دست او، بر طریقت

وَالطَّرِيقَةَ الْوَسْطَىٰ، الَّتِي يَرْجِعُ إِلَيْهَا الْعَالِي، وَيَلْحَقُ

هدایت، و بر راه روشن عظیم و راه میانه و اعتدال سالک گردان؛ راهی که هر افراط‌گر پیشی

بِهَا التَّالِي، وَقَوْنَا عَلَىٰ طَاعَتِهِ، وَثَبَّتْنَا عَلَىٰ مُشَايَعَتِهِ،

گیرنده، و هر کوه‌نظر عقب مانده، باید بدان باز گردد. و ما را بر طاعتش قوی گردان، و بر

وَأَمْنُنْ عَلَيْنَا بِمُتَابَعَتِهِ، وَاجْعَلْنَا فِي حَزْبِهِ الْقَوَّامِينَ

بیروی‌اش ثابت قدم بدار؛ و با نعمت بیروی‌اش بر ما منت بگذار، و ما را در سپاه او قرار ده؛

بَأْمْرِهِ، الصَّابِرِينَ مَعَهُ، الطَّالِبِينَ رِضَاكَ بِمُنَاصَحَتِهِ،

که اجراکننده فرمان اویند، و در راهش صابر و شکیبا هستند، و از خیرخواهی او فقط رضا و

حَتَّىٰ تَحْشُرْنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ وَمُقَوِّبَةِ

خشنودی تو را طالب‌باند؛ تا در روز رستاخیز ما را در میان یاران و مددکاران و تقویت‌کنندگان

سُلْطَانِهِ. اللَّهُمَّ وَاجْعَلْ ذَلِكَ لَنَا خَالِصًا مِنْ كُلِّ شَكِّ

حکومت بابرکتش محشور فرمایی. خدایا؛ این را از ما، خالص و به دور از هر شک و شبهه

وَشُبْهَةٍ وَرِيَاءٍ وَسُمْعَةٍ، حَتَّىٰ لَا نَعْتَمِدَ بِهِ غَيْرَكَ، وَلَا نَطْلُبَ

و ریا و سمعه قرار بده؛ آن‌گونه که با این کار، به غیر تو اعتماد نکنیم و از این کار، جز تو را

بِهِ إِلَّا وَجْهَكَ، وَحَتَّىٰ تُحَلِّنَا مَحَلَّهُ، وَتَجْعَلَنَا فِي الْجَنَّةِ

نطلبیم؛ و تا اینکه به لطفت ما را به محل و مقام او وارد نمایی؛ و در بهشت با او و در جوار

مَعَهُ، وَأَعَدْنَا مِنَ السَّامَةِ وَالْكَسَلِ وَالْفِتْرَةِ، وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ

او جای دهی؛ و ما را از خستگی و تنبلی و سستی در طاعت، در پناه خویش قرار دهی؛ و

تَنْصُرُ بِهِ لَدِينِكَ، وَتُعْزُّ بِهِ نَصْرَ وَلِيِّكَ، وَلَا تَسْتَبْدِلْ بِنَا

ما را از کسانی قرار دهی که دینت را به سبب آنها یاری می دهی و یاری ولیات را تقویت

غَيْرِنَا، فَإِنَّ اسْتِبْدَالَكَ بِنَا غَيْرِنَا عَلَيْكَ يَسِيرٌ، وَهُوَ عَلَيْنَا

می گردانی. و کسی را غیر از ما جایگزین ما مفرما، زیرا که این جایگزینی برای تو بسی سهل

عَسِيرٌ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وُلَاةِ عَهْدِهِ، وَالْأئِمَّةِ مِنْ وُلْدِهِ،

و آسان است؛ ولی برای ما بسیار گران و سنگین می باشد. خدایا؛ رحمت فرست بر فرمانداران

وَبَلِّغُهُمْ أَمْوَالَهُمْ، وَزِدْ فِي أَجَالِهِمْ، وَأَعِزِّ نَصْرَهُمْ، وَتَمِّمْ

او؛ و پیشوایان از فرزندان او؛ و آنان را به آرزوهایشان برسان، و بر عمرهایشان بیفز، و نصرت

لَهُمْ مَا أَسْنَدْتَ إِلَيْهِمْ فِي أَمْرِكَ لَهُمْ، وَثَبَّتْ دَعَائِمَهُمْ،

باعزت به آنها عنایت فرما، و آنچه از امر دین خود را مربوط به آنان فرمودی به حد کمال و

وَاجْعَلْنَا لَهُمْ أَعْوَانًا، وَعَلَى دِينِكَ أَنْصَارًا، فَإِنَّهُمْ مَعَادِنُ

اتمام برسان؛ و اساس حکومت آنها را ثبات و پایداری عنایت کن؛ و ما را، برای آنان یار و برای

كَلِمَاتِكَ، وَأَرْكَانُ تَوْحِيدِكَ، وَدَعَائِمُ دِينِكَ، وَوُلَاةُ أَمْرِكَ،

دینت یاور قرار بده؛ زیرا آنان معدن های کلمات تو، و پایه های توحید تو، استوانه های دین تو،

وَخَالِصَتُكَ مِنْ عِبَادِكَ، وَصَفْوَتُكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَأَوْلِيَاءُ وُكُ

و سرپرستان امر از طرف تو، و خالصان و خالصان از بندگان تو، و برگزیده از خلق تو، و دوستان

وَسَلَائِلُ أَوْلِيَاءِكَ، وَصَفْوَةُ أَوْلَادِ رُسُلِكَ، وَالسَّلَامُ عَلَيْهِمْ

تو، و فرزندان اولیای تو و برگزیده از فرزندان پیامبران تو هستند، و درود بر آنها و رحمت و

وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ^۱

برکات الهی بر آنان نثار باد.

۴

دعای معرفت در زمان غیبت

سید بزرگوار، جناب «علی بن طاووس (ره)» در کتاب «جمال الأسبوع» می‌فرماید:

دعای دیگری است برای حضرت صاحب‌الزمان (ع) که سزاوار است آن دعا ترک نشود؛ گرچه همه تعقیبات و دعاهایی را که برای عصر روز جمعه ذکر کردیم به خاطر داشتن عذر ترک شود. و این سَرّی دارد که خداوند ما را از فضل و احسان ویژه خود با آن آشنا نموده است. پس به آن اعتماد کن و آن را انجام بده.

این دعای شریف به دو طریق از «محمد بن همام» روایت شده و او گفته است که: «شیخ ابو‌عمر و عمری (ره)» این دعا را به او املا نموده و دستور به خواندن آن داده است و آن، دعایی است برای

۱. جمال الأسبوع، ص ۳۰۷، و در مصباح المتبهج، ص ۴۰۹، المصباح، ص ۷۲۶، و البلد الأمين، ص ۱۲۲ با تفاوتی اندک. نیز، سید بن طاووس (ره) با کمی کاستی و فزونی همین را در کتاب مصباح الزائر، ص ۴۵۷ نقل کرده است.

زمان غیبت قائم آل محمد (ع):

اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي نَفْسَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ، لَمْ

بارخدايا! خودت را به من بشناسان؛ زیرا اگر خودت را به من شناسانی تو و پیامبرت را

أَعْرَفَكَ وَلَمْ أَعْرِفْ رَسُولَكَ، اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ، فَإِنَّكَ

نمی شناسم. خدايا! پیامبرت را به من معرفی فرما؛ زیرا اگر پیامبرت را به من شناسانی،

إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ، اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي

حجت تو را نخواهم شناخت. خداوندا! حجتت را به من بشناسان؛ زیرا اگر حجتت را به من

حُجَّتَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ، ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي،

شناسانی، نسبت به دینم گمراه می گردم. خدايا! مرا به مرگ جاهلیت نمیران و پس از

اللَّهُمَّ لَا تُمِثْنِي مِثَّةَ جَاهِلِيَّةٍ، وَلَا تُزِغْ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ

آنکه هدایت نمودی، قلبم را دچار انحراف و تردید مساز. ای خدا! همان گونه که مرا به

هَدَيْتَنِي، اللَّهُمَّ فَكَمَا هَدَيْتَنِي لَوْلَايَةِ مَنْ فَرَضَتْ طَاعَتَهُ

ولایت و دوستی آن کس که طاعتش را بر من واجب نمودی - یعنی؛ سرپرستان امرت پس

عَلَيَّ مِنْ وِلَايَةِ وَوَلَاةِ أَمْرِكَ بَعْدَ رَسُولِكَ، صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ

از رسول گرامی ات که درود تو بر او و آل او باد - رهنمون شدی، تا صاحبان حقیقی خلافت

وآله، حَتَّى وَالْيَتِّ وَوَلَاةِ أَمْرِكَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ

و والیان امرت یعنی: امیر مؤمنان علی بن ابی طالب، حسن، حسین، علی، محمد، جعفر،

أَبِي طَالِبٍ، وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنَ، وَعَلِيًّا وَمُحَمَّدًا وَجَعْفَرًا

موسی، علی، محمد، علی، حسن و حجت قائم مهدی - که درودهای تو بر همه آنان باد - را

وَمُوسَى، وَعَلِيًّا وَمُحَمَّدًا، وَعَلِيًّا وَالْحَسَنَ، وَالْحُجَّةَ الْقَائِمَ

دوست بدارم. ای خدا؛ مرا بر دین خودت ثابت بدار، و مرا بر طاعت خویش به کار گیر، و

الْمَهْدِيَّ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، اللَّهُمَّ ثَبِّتْنِي عَلَى

قلبم را برای صاحب امرت مطیع و نرم کن، و مرا در عرصه‌های امتحان‌هایی که از بندگانت

دِينِكَ، وَأَسْتَعْمَلْنِي بِطَاعَتِكَ، وَلِيِّنْ قَلْبِي لَوْلِيِّ أَمْرِكَ

به عمل می‌آوری عافیت ببخش، و در فرمان‌برداری از صاحب فرمانت استوارم ساز؛ همان

وَعَافِنِي مِمَّا أَمْتَحَنْتَ بِهِ خَلْقَكَ، وَثَبِّتْنِي عَلَى طَاعَةِ وَلِيِّ

کسی که از بندگانت پنهانش گرداندی؛ پس با اجازه تو از میان خلق پنهان شد، و منتظر

أَمْرِكَ الَّذِي سَتَرْتَهُ عَن خَلْقِكَ، فَبِإِذْنِكَ غَابَ عَن بَرِيَّتِكَ،

فرمان تو هست؛ در حالی که تو آگاهی - بدون اینکه کسی تو را آگاه کند - به‌رزمانی که در

وَأَمْرِكَ يَنْتَظِرُ، وَأَنْتَ الْعَالِمُ غَيْرُ مُعْلَمٍ بِالْوَقْتِ الَّذِي فِيهِ

آن، کار ولایت را اصلاح فرمایی، و آن وقت به او اجازه فرمایی که امرش را آشکارش نماید و

صَلَاحُ أَمْرٍ وَلِيِّكَ، فِي الْأُذُنِ لَهُ بِإِظْهَارِ أَمْرِهِ، وَكُشْفِ

از اسرارش پرده بردارد. و مرا بدان شکیبافرما تا شتاب در چیزی را نخواهم که تو تأخیرش

سِرِّهِ وَصَبْرُنِي عَلَى ذَلِكَ حَتَّى لَا أَحِبَّ تَعْجِيلَ مَا

را می‌خواهی، و تأخیر چیزی را مطالبه نکنم که تو تعجیلش را اراده نموده‌ای، و پرده بر

أَخْرَتَ، وَلَا تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتَ، وَلَا أَكْشِفَ عَمَّا سَتَرْتَ،

ندارم از آنچه تو پنهانش کرده‌ای، و چیزی را کاشف نکنم که تو پوشیده‌اش فرموده‌ای، و

وَلَا أَبْحَثَ عَمَّا كَتَمْتَ، وَلَا أَنَاذِعَكَ فِي تَدْبِيرِكَ، وَلَا

نسبت به تدبیر تو (در کار عالم) با تو نزاع و مجادله نکنم، و در برابر اراده تو چون و چرا

أَقُولَ لِمَ وَكَيْفَ، وَمَا بِالْوَليِّ الْأَمْرِ لَا يَظْهَرُ، وَقَدْ

نکنیم، و نگوییم که چه شده و چرا صاحب الامر ظهور نمی کند - با اینکه زمین پر از ظلم و

امتلات الارض من الجور، وافوض امورى كلها اليك،

ستم گشته است؟! - (بلکه) همه کارها و امور عالم را به محضر مقدس تو وامی گذارم. بار

اللهم انى اسئلك ان ترينى وليك ظاهرا نافذ الامر، مع

خدایا! از تو می خواهم که جمال صاحب امرت را آشکارا به من بنمایانی در حالی که امرش

علمى بان لك السلطان والقدرة والبرهان، والحجة

در عالم نافذ است؛ با علم و آگاهی به اینکه سلطنت، قدرت، برهان، دلیل رسا، مشیت نافذ،

والمشيئة، والحوول والقوة، فافعل ذلك بى وجميع

نیرو و توانایی واقعی از آن تو هست. پس این لطف را به من و به همه مؤمنان بفرما تا به

المؤمنين، حتى ننظر الى ولى امرك صلواتك عليه و

ولیت - که درود تو بر او و آل او باد - آشکارا بنگریم، در حالی که با گفتار آشکار و دلالت

آله، ظاهر المقالة واضح الدلالة، هاديا من الضلالة،

روشنش، از گمراهی به راه هدایت رهنمون شویم، و از جهالت نجات پیدا کنیم. پروردگارا!

شافيا من الجهالة و ابرز يا رب مشاهدته، وثبت

مشاهده او را آشکار فرما، و پایه های حکومتش را محکم گردان، و ما را از کسانی قرار ده که

قواعده، واجعلنا ممن تقر عينه برويته، واقمنا بخدمته،

با دیدن جمالش، چشمشان روشن گردد، و ما را به خدمت او به پا دار، و بر ملت و آیین او

وتوفنا على ملته، واحشونا فى زمرة، اللهم اعده من

بمیران، و روز قیامت نیز در گروه او محشور فرما. خدایا! پناه بده او را از شر هر چه خلق

شَرَّ جَمِيعِ مَا خَلَقْتَ، وَبَرَاتٍ وَذَرَاتٍ، وَأَنْشَاتٍ وَصَوْرَتٍ،

کردی و پدید آوردی، آفریدی و ایجاد کردی، و صورت و شکل بخشیدی، و حفظ فرما او را

وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ، وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ

از مقابلش و پشت سرش و سمت راست و چپش، و از بالای سرش و زیر پایش؛ به نگهداری

شِمَالِهِ، وَمِنْ فَوْقِهِ وَمِنْ تَحْتِهِ، بِحِفْظِكَ الَّذِي لَا يَضِيعُ

و حفظی که وقتی کسی را به آن گونه حفظ کنی ضایع و تباد نمی شود، و با حفظ وجود او

مَنْ حَفِظْتَهُ بِهِ، وَاحْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ، وَوَصِيَّ رَسُولِكَ

پیامبرت و وصی پیامبرت را - که درود بر ایشان باد - حفظ کن. خداوندا! عمرش را طولانی

عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، اللَّهُمَّ وَمُدِّ فِي عُمُرِهِ، وَزِدْ فِي أَجَلِهِ، وَأَعِنِّهِ

کن، و بر مدت زندگانی اش بیفزای، و در ولایت و حکومتی که بدو عنایت کردی و واگذار

عَلَى مَا وَلَّيْتَهُ وَأَسْتَرْعَيْتَهُ، وَزِدْ فِي كَرَامَتِكَ لَهُ، فَانَّهُ

نمودی و نگهداری ساختی کمکش فرما، و در کرامت نسبت به او بیفزای؛ زیرا او هدایت کننده

الْهَادِي الْمُهْدِي وَالْقَائِمُ الْمُهْتَدِي، وَالطَّاهِرُ التَّقِيُّ الزَكِيُّ،

بشر و هدایت یافته و قیام کننده برای هدایت خلق است؛ گوهر پاک، باتقوا، پاک سرشت،

النَّقِيُّ الرَّضِيُّ الْمَرْضِيُّ، الصَّابِرُ الشُّكُورُ الْمُجْتَهِدُ، اللَّهُمَّ

پاک سیرت، صاحب مقام رضا و خشنودی، و شکیبادر بلا و مصایب، شکرگزار، مجاهد و

وَلَا تَسْلُبْنَا الْيَقِينَ لِطَوْلِ الْأَمَدِ فِي غَيْبَتِهِ، وَأَنْقِطَاعِ خَبْرِهِ

تلاشگر است. خدایا! به واسطه دراز شدن زمان غیبتش و قطع شدن خبرش از ما، یقین ما

عَنَّا، وَلَا تُسِنَا ذِكْرَهُ وَأَنْتِظَارَهُ، وَالْإِيمَانَ بِهِ، وَقُوَّةَ الْيَقِينِ

را زایل مگردان؛ و از یاد ما مبر یادش را و انتظارش را و ایمان به او را، و یقین استوار بر

فِي ظُهُورِهِ وَالِدُعَاءَ لَهُ وَالصَّلَاةَ عَلَيْهِ، حَتَّى لَا يُقْنِنَنَا

ظهورش را، و دعا کردن برای (وجود نازنینش)، و درود فرستادن (بر آن حضرت) را؛ تا

طُولِ غَيْبَتِهِ مِنْ [ظُهُورِهِ وَ] قِيَامِهِ، وَيَكُونُ يَقِينًا فِي ذَلِكَ

طولانی شدن زمان غیبتش ما را از ظهور و قیام بر حقیقتش ناامید نسازد؛ و یقین و باور ما به

كَيْقِينَا فِي قِيَامِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَمَا جَاءَ

قیام او و ظهور او همانند یقین ما به قیام پیامبر خدا - که درود خدا بر او و آل او باد - و

بِهِ مِنْ وَحْيِكَ وَتَنْزِيلِكَ، وَقَوُّ قُلُوبِنَا عَلَى الْإِيمَانِ بِهِ،

وحی و کتاب نازل شده بر او، محکم و استوار باشد و قلب‌های ما را بر ایمان به او تقویت

حَتَّى تَسْلُكَ بِنَا عَلَى يَدَيْهِ مِنْهَاجَ الْهُدَى، وَالْمَحَجَّةَ

کن تا به دست مبارکش راه هدایت و شاهراه روشن و مسیر اعتدال را بیماییم. و ما را بر

الْعُظْمَى، وَالطَّرِيقَةَ الْوَسْطَى، وَقَوْنَا عَلَى طَاعَتِهِ، وَثَبَّتْنَا

اطاعت و فرمان‌برداری از او نیرو بخش، و بر پیروی‌اش ثابت بدار، و ما را در گروه او و یاران

عَلَى مُتَابَعَتِهِ، وَاجْعَلْنَا فِي حَزْبِهِ وَأَعْوَانِهِ وَأَنْصَارِهِ،

و یاورانش و کسانی که به کار او خوشنودند؛ قرار بده. و این ایمان و عقیده را در زندگی و

وَالرَّاضِينَ بِفِعْلِهِ، وَلَا تَسْلُبْنَا ذَلِكَ فِي حَيَاتِنَا، وَلَا عِنْدَ

مرگ ما از ما بگیر، تا در حالی ما را بمیرانی که نه دچار شک و تردید شده، و نه پیمان

وَفَاتِنَا، حَتَّى تَتَوَفَّانَا وَنَحْنُ عَلَى ذَلِكَ لَا شَاكِينَ وَلَا

شکسته باشیم. و نه در مورد آن دو دل بوده و نه آن را تکذیب کنیم. خداوندا؛ در فرجش

نَاكِثِينَ وَلَا مُرْتَابِينَ وَلَا مُكْذِبِينَ، اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ،

تعجیل فرما، و با یاریت تأییدش کن، و یارانش را یاری کن، و آنان را که ترک یاری او

وَأَيْدُهُ بِالنَّصْرِ، وَأَنْصُرُ نَاصِرِيهِ، وَأَخْذُلُ خَاذِلِيهِ، وَدَمْدَمٌ

می‌کنند ذلیل و خوار بنما، و هر آن که رودررویش به جنگ بایستد و او را تکذیب کند

عَلَى مَنْ نَصَبَ لَهُ وَكَذَّبَ بِهِ، وَأَظْهَرَ بِهِ الْحَقَّ، وَأَمَتْ بِهِ

نابودش کن، و حق را به واسطه او آشکار نما، و ستم را به وسیله او بمیران، و بندگان

الْجَوْرَ، وَأَسْتَنْقَذُ بِهِ عِبَادَكَ الْمُؤْمِنِينَ مِنَ الذَّلِّ، وَأَنْعَشُ بِهِ

مؤمنت را به واسطه او از خواری و ذلت برهان، و عالم را به وجودش آباد گردان، و سرکشان

الْبِلَادَ، وَأَقْتُلُ بِهِ جَبَابِرَةَ الْكُفْرَةِ، وَأَقْصِمُ بِهِ رُؤُوسَ

کافر را توسط او هلاک کن، و سران گمراهی را به وسیله او در هم شکن، و طغیان‌پیشگان

الضَّلَالَةَ، وَذَلُّ [بِهِ] الْجَبَّارِينَ وَالْكَافِرِينَ، وَأَبْرُ بِهِ

و کافران را (توسط او) ذلیل فرما. و همه منافقان و عهدشکنان، و تمام مخالفان و ملحدان

الْمُنَافِقِينَ وَالنَّاكِثِينَ، وَجَمِيعَ الْمُخَالَفِينَ وَالْمُلْحِدِينَ، فِي

بی‌دین را - در شرق و غرب عالم، در دریا و خشکی، در کوهها و دشتها به وسیله او هلاک

مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا، وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا، وَسَهْلِهَا

فرما؛ تا کسی از آنان وانگذاری، و اثری از آنها باقی نگذاری، و سرزمین‌هایت را از لوٹ وجود

وَجَبَلِهَا، حَتَّى لَا تَدَعَ مِنْهُمْ دِيَّارًا، وَلَا تُبْقِيَ لَهُمْ آثَارًا،

انان پاک گردان، و سینه‌بندگان را با هلاکت دشمنان، شفا عنایت فرما. و آنچه از دینت

طَهَّرُ مِنْهُمْ بِلَادَكَ، وَأَشْفُ مِنْهُمْ صُدُورَ عِبَادِكَ، وَجَدِّدُ بِهِ

محو شده است به وسیله او بازسازی کن؛ و هر آنچه را از احکامت دگرگونی یافته، و از

مَا أَمْتَحَى مِنْ دِينِكَ، وَأَصْلِحْ بِهِ مَا بَدَّلَ مِنْ حُكْمِكَ وَغَيْرِ

سنت تو تغییر داده شده است اصلاح کن؛ تا دین تو به دست مبارکش به صورت تازه و نو و

مِنْ سُنَّتِكَ، حَتَّى يَعُودَ دِينُكَ بِهِ، وَعَلَى يَدَيْهِ غَضًّا جَدِيدًا

صحیح اعاده گردد به گونه‌ای که هیچ کژی در آن نباشد و هیچ بدعتی به همراه آن نباشد

صَحِيحًا، لَا عَوْجَ فِيهِ وَلَا بَدْعَةَ مَعَهُ، حَتَّى تُطْفِئَ بَعْدْلَهُ

تا با عدل و داد او آتش فتنه‌های کافران را خاموش نمایی؛ زیرا او بندهٔ مخلص توست که

نيران الكافرين، فانه عَبْدُكَ الَّذِي اسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِكَ،

برای خودت خالص گردانیدی، و برای یاری دینت او را پسندیدی، و با علم بی‌نهایت او

وَأَرْتَضَيْتَهُ لِنُصْرَةِ دِينِكَ، وَأَصْطَفَيْتَهُ بِعِلْمِكَ، وَعَصَمْتَهُ مِنْ

را برگزیدی، و از گناهان او را بازداشتی و نگهداری کردی، و از عیب‌ها پیراسته‌اش کردی، و

الذُّنُوبِ، وَبَرَّأْتَهُ مِنَ الْعُيُوبِ، وَأَطْلَعْتَهُ عَلَى الْغُيُوبِ،

بر پنهانی‌ها مطلعش ساختی، و بر او نعمت ارزانی داشتی، و از هرگونه پلیدی پاکش

وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ، وَطَهَّرْتَهُ مِنَ الرَّجْسِ، وَتَقَّيْتَهُ مِنَ الدَّنَسِ،

گردانیدی، و از هر نوع آلودگی پاکیزه‌اش ساختی. بار خدایا! بر او و پدرانش - آن پیشوایان

اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ الْأَيْمَةِ الطَّاهِرِينَ، وَعَلَى

پاک - و بر پیروان نیک‌نژادش رحمت فرست؛ و آنها را به آرزوهایشان به برتر از آنچه امید

شيعته الْمُنتَجِبِينَ، وَبَلِّغْهُمْ مِنْ آمَالِهِمْ أَفْضَلَ مَا يَأْمَلُونَ،

دارند برسان، و این دعا را از ما خالص و به دور از شک و شبهه و ریا و سمعه قرار بده؛

وَأَجْعَلْ ذَلِكَ مِنَّا خَالِصًا مِنْ كُلِّ شَكٍّ وَشُبْهَةٍ وَرِيَاءٍ

آن گونه که با این کار، به غیر تو اعتماد نکنیم و از این کار، جز تو را نطلبیم. خداوندا! ما به

وَسُمْعَةٍ، حَتَّى لَا نُرِيدَ بِهِ غَيْرَكَ، وَلَا نَطْلُبُ بِهِ إِلَّا وَجْهَكَ،

تو شکایت می‌بریم از فقدان پیامبرمان؛ و از غیبت ولی‌مان، و سختی دوران بر ما، و وقوع

اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقَدْ نَبِينَا، وَغَيْبَةَ وَلِيِّنَا، وَشِدَّةَ الزَّمَانِ

فتنه‌های گوناگون نسبت به ما، و تظاهر و پشیمانی دشمنان از یکدیگر علیه ما، و زیادی

عَلَيْنَا وَوُقُوعَ الْفِتَنِ بِنَا، وَتَظَاهِرَ الْأَعْدَاءِ، وَكَثْرَةَ عَدُوِّنَا

دشمن ما و کمی جمعیت خودمان، خدایا! با فتح و گشایشی از جانب خویش ما را از این

وَقَلَّةَ عَدَدِنَا، اللَّهُمَّ فَفَرِّجْ ذَلِكَ عَنَّا بِفَتْحٍ مِنْكَ تَعْجَلُهُ،

اندوخته‌ها به سرعت رهایی بخش، و یاری با عزت و ظهور پیشوای عادل را نصیبمان فرما؛ ای

وَنَصْرٍ مِنْكَ تُعْزُهُ، وَآمَامَ عَدْلٍ تُظَهِّرُهُ، إِلَهَ الْحَقِّ [آمِينَ]

خدای به حق، و پروردگار جهانیان، این دعا را اجابت کن. خدایا! از درگاہت می‌خواهیم که

رَبِّ الْعَالَمِينَ. اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ أَنْ تَأْذِنَ لَوْلِيِّكَ فِي إِظْهَارِ

به ولی‌ات اجازه دهی تا عدلت را در میان خلقت آشکار نماید، و دشمنانت را در

عَدْلِكَ فِي عِبَادِكَ، وَقَتْلِ أَعْدَائِكَ فِي بِلَادِكَ، حَتَّى لَا

سرزمین‌هایت هلاک گرداند؛ تا هیچ پایگاه و رکنی برای ستم باقی نگذاری ای پروردگار

تَدْعَ لِلْجَوْرِ يَا رَبِّ دَعَامَةَ إِلَّا قَصَمْتَهَا، وَلَا بَقِيَّةَ إِلَّا

من؛ و همه پایگاه‌های آنان را در هم شکنی، و بقایای آنان را نابود گردانی؛ و نیروهای‌شان

أَفْنَيْتَهَا، وَلَا قُوَّةَ إِلَّا أَوْهَنْتَهَا، وَلَا رُكْنَاً إِلَّا هَدَمْتَهُ، وَلَا

را سست نمایی، و پایه‌های آنها را ویران سازی، و تیزی و سختی آنها را کند و بی‌اثر

حَدّاً إِلَّا فَلَائَتْهُ وَلَا سِلَاحاً إِلَّا أَكَلَّتْهُ، وَلَا رَايَةً إِلَّا

گردانی، و سلاح‌شان را از کار بیندازی، و پرچم آنها را سرنگون سازی، و شجاعان آنها را

نَكَسَتْهَا، وَلَا شُجَاعاً إِلَّا قَتَلْتَهُ، وَلَا جَيْشاً إِلَّا خَذَلْتَهُ،

نابود کنی، و سپاه‌شان را شکست خورده و خوار سازی. پروردگارا! سنگ نابودکننده‌ات را به

وَأَرْمِهِمْ يَا رَبِّ بِحَجْرِكَ الدَّامِعِ، وَأَضْرِبُهُمْ بِسَيْفِكَ الْقَاطِعِ،

سوی ایشان رها کن، و شمشیر برآنت را بر ایشان فرود آور، و آنها را دچار عذابی کن که هر

وَبِأَسْكَ الَّذِي لَا تَرُدُّهُ عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ، وَعَذَابُ

گروه مجرم از آن رهایی ندارند. و دشمنانت و دشمنان دین و پیامبرت - درود تو بر او و آل

أَعْدَائِكَ وَأَعْدَاءَ دِينِكَ وَأَعْدَاءَ رَسُولِكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ

او باد - را به دست ولایت و بندگان مؤمنت، معذب فرما. خداوند؛ ولتی و حجت خویش را بر

وَأَلِهِ، بِيَدِ وَلِيِّكَ وَأَيْدِي عِبَادِكَ الْمُؤْمِنِينَ، اللَّهُمَّ اكْفِ وَلِيِّكَ

زمین از ترس دشمنانش و از مکر حيله گران کفایت فرما، و با آن کسی که با او مکر کند

وَحُجَّتِكَ فِي أَرْضِكَ هَوْلَ عَدُوِّهِ، وَكَيْدَ مَنْ كَادَهُ، وَأَمْرُ

مکر کن، و حلقه بدی را برای بدخواهانش قرار بده، و اصل و اساس آنها را از وجود مقدسش

بِمَنْ مَكَرَ بِهِ، وَاجْعَلْ دَائِرَةَ السَّوْءِ عَلَى مَنْ أَرَادَ بِهِ

قطع کن، و ترس و هیتش را در دل های ایشان ایجاد گردان؛ و قدم هاشان را سست و

سَوْءًا، وَأَقْطَعْ عَنْهُ مَادَّتَهُمْ، وَأَرْعِبْ لَهُ قُلُوبَهُمْ، وَزَلْزِلْ [لَهُ]

لرزان قرار ده، و به قهر ناگهانی ات به طور آشکار گرفتارشان کرده، و عذابت را بر سر آنها

أَقْدَامَهُمْ، وَخُذْهُمْ جَهْرَةً وَبِغْتَةً، وَشَدِّدْ عَلَيْهِمْ عَذَابَكَ،

شدید نما، و در بین بندگان خوار و ذلیلشان فرما، و در میان شهرها آنها را مورد لعن قرار

وَأَخْزِهِمْ فِي عِبَادِكَ وَالْعَنَّهُمْ فِي بِلَادِكَ، وَأَسْكِنُهُمْ أَسْفَلَ

بده، و در پست ترین نقطه جهنم سکونتشان بده، و اطراف آنها را با سخت ترین عذابت

نَارِكَ، وَأَحْطِ بِهِمْ أَشَدَّ عَذَابِكَ، وَأَصْلِهِمْ نَارًا، وَأَحْسُ

احاطه کن و به آتش دوزخ بیفکن، و قبرهای مردگان آنها را پر از آتش گردان، و حرارت و

قُبُورَ مَوْتَاهُمْ نَارًا، وَأَصْلِهِمْ حَرًّا نَارِكَ فَانْتَهُمَ أَضَاعُوا

سوزندگی آتش را به آنها بچشان؛ زیرا آنها نماز را تباه کردند، از شهوت‌ها پیروی کردند، و

الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ، وَأَضَلُّوا عِبَادَكَ، اللَّهُمَّ وَآخِي

بندگان را گمراه ساختند. خدایا؛ با وجود ولایت (صاحب‌الامر (ع)) قرآن را زنده کن، و نور

بَوْلِيكَ الْقُرْآنَ، وَارِنَا نُورَهُ سَرْمَدًا لَا ظِلْمَةَ فِيهِ، وَآخِي

جمال او را به طور دائم و همیشگی به ما بنمایان، به گونه‌ای که هرگز تاریکی گرد آن نور

[به] الْقُلُوبِ الْمَيِّتَةِ، وَأَشْفِ بِهِنَّ الصُّدُورَ الْوَعْرَةَ، وَاجْمَعْ بِهِ

را بگیرد. و به واسطه او قلب‌های مرده را حیات بخش، و سینه‌های سوخته را شفا بده. و

الْأَهْوَاءَ الْمُخْتَلِفَةَ عَلَى الْحَقِّ وَأَقِمَّ بِهِ الْحُدُودَ الْمُعْطَلَةَ،

هواهای گوناگون و نظرات مختلف را با رأی او بر محور حق جمع بگردان. و حدود الهی

وَالْأَحْكَامَ الْمُهْمَلَةَ، حَتَّى لَا يَبْقَى حَقٌّ إِلَّا ظَهَرَ، وَلَا عَدْلٌ

تعطیل شده و احکام ترک شده را به وسیله او برپا بدار؛ تا حقی نماند مگر اینکه ظاهر

الْزَهَرَ، وَاجْعَلْنَا يَا رَبِّ مِنْ أَعْوَانِهِ، وَمُقَوِّية سُلْطَانِهِ،

گردد، و عدلی نماند مگر اینکه درخشنده شود. بارپروردگارا؛ ما را از آن یاران او و

وَالْمُؤْتَمِرِينَ لِأَمْرِهِ، وَالرَّاضِينَ بِفِعْلِهِ، وَالْمُسْلِمِينَ

تقویت‌کنندگان حکومتش و فرمانبران دستورش و از آنانی که به کار آن حضرت خوشنود

لِأَحْكَامِهِ، وَمَنْ لَا حَاجَةَ بِهِ إِلَى التَّقِيَّةِ مِنْ خَلْقِكَ، أَنْتَ

هستند، و در برابر احکام و فرامین او تسلیمند، و نیازی به تقیه کردن از آنها در میان

يَا رَبِّ الَّذِي تَكْشِفُ الضَّرَّ وَتُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاكَ،

بندگان ندارد قرار ده. ای پروردگارا؛ تو هستی که هر اندوه و بلائی را برطرف می‌کنی، و

وَتُنَجِّي مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ، فَكَشِفِ الضُّرَّ عَنِّي وَلِيَّكَ،

هر مضطرّ بیچاره‌ای را که تو را بخواند، اجابت می‌فرمایی، و از سختی و اندوه بزرگ نجاتش

وَأَجْعَلُهُ خَلِيفَتَكَ فِي أَرْضِكَ، كَمَا ضَمَنْتَ لَهُ، اللَّهُمَّ لَا

می‌دهی؛ پس ناراحتی را از وجود ولیّات برطرف کن و او را جانشینت در زمینت قرار ده؛

تَجْعَلَنِي مِنْ خُصَمَاءِ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، وَلَا

همان‌گونه که این امر را تضمین فرموده‌ای. خداوندا؛ مرا از خصومتگران آل محمد - که

تَجْعَلَنِي مِنْ أَعْدَاءِ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، وَلَا تَجْعَلَنِي

سلام و درود بر آنها باد - قرار مده، و مرا در زمره دشمنان آل محمد - که سلام و درود بر

مِنْ أَهْلِ الْحَنَقِ وَالغَيْظِ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ،

آنها باد - مقرر نکن؛ و مرا از آنانی قرار مده که نسبت به آل محمد - سلام و درود بر آنها

فَإِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ذَلِكَ فَاعْذِنِي، وَأَسْتَجِيرُ بِكَ فَاجِرْنِي،

باد - کینه و خشم دارند؛ چرا که من از این امر به تو پناه می‌برم پس پناهم ده، و از تو امان

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَجْعَلْنِي بِهِمْ فَائِزًا

می‌طلبم؛ پس امانم بده. خدایا؛ بر محمد و آل محمد درود و رحمت فرست، و مرا در دنیا و

عِنْدَكَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ، آمِينَ رَبَّ

آخرت به واسطه ایشان از رستگاران و مقربان درگاہت قرار ده. ای پروردگار جهانیان؛ این

العالمین!

دعاها را اجابت فرما.

۱. جمال الأسبوع، ص ۳۱۵؛ مصباح المتبهج، ص ۴۱۱؛ مصباح الزائر، ص

دعای دیگر در زمان غیبت

سید بزرگوار «علی بن طاووس (ره)» در «مهج الدعوات» می‌فرماید: به سند خود روایت می‌کنم از «محمد بن احمد جعفی حدیثی» را که او با سند خویش روایت نموده است و در آن، از غیبت حضرت مهدی (ع) یاد کرده است.

گفتم: شیعه باید در آن زمان چه کند؟ فرمود:

بر شما باد دعا کردن و انتظار فرج؛ زیرا به زودی برای شما نشانه‌ای آشکار خواهد شد و هرگاه نشانه بر شما آشکار گشت، خدای را سپاس گوید، و بدان تمسک جوید. گفتم: چه دعایی را بخوانیم؟ فرمود: می‌گویی:

اللَّهُمَّ أَنْتَ عَرَّفْتَنِي نَفْسَكَ، وَعَرَّفْتَنِي رَسُولَكَ، وَعَرَّفْتَنِي

خدایا؛ و خود را به من شناساندی و فرستاده‌ات را به من معرفی کردی، و فرشتگان

مَلَائِكَتِكَ، وَعَرَّفْتَنِي نَبِيَّكَ، وَعَرَّفْتَنِي وُلَاةَ أَمْرِكَ. اللَّهُمَّ

شناساندی و پیامبرت را معرفی کردی و سرپرستان امرت را به من شناساندی، خدایا؛ گیرنده

لَا أَخْذَ إِلَّا مَا أُعْطِيتَ، وَلَا وَاقِيَ إِلَّا مَا وَقِيتَ. اللَّهُمَّ

(عطایی) نیست مگر آنچه را تو عطا کنی، و بازدارنده‌ای نیست جز از آنچه تو باز داری.

لَا تُغَيِّبْنِي عَنْ مَنَازِلِ أَوْلِيَائِكَ، وَلَا تُزِغْ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ

خداوندا! مرا از مرتبه و جایگاه اولیای پنهان مدار، و قلبم را پس از هدایت دچار انحراف

هَدَيْتَنِي. اللَّهُمَّ اهْدِنِي لَوْلَايَةِ مَنْ افْتَرَضْتَ طَاعَتَهُ.^۱

مگردان. خدایا! مرا به ولایت کسی راهنمایی کن که طاعتش را بر من واجب گردانیدی.

۶

دعای دیگری نیز در زمان غیبت

«شیخ کلینی (ره)» از «زراره» و او از امام صادق (ع) روایتی را نقل

می‌کند که مضمون آن چنین است:

چاره‌ای برای او نیست، مگر اینکه غایب شود.

من گفتم: چرا چنین است؟

حضرت فرمودند: می‌ترسد - و با دست مبارکش به شکمش اشاره

فرمود - و او امام منتظر می‌باشد که انتظارش را باید کشید و او

کسی است که مردم در ولایتش شک می‌کنند، پس عده‌ای از آنان

۱. مهج الدعوات، ص ۳۹۵.

می گویند که ایشان هنوز متولد نشده است و عده‌ای دیگر می گویند که پدر ایشان از دنیا رفته و جانشینی نداشته است و گروه دیگری می گویند که ایشان دو سال قبل از فوت پدرشان به دنیا آمده است. «زراره» گفت: به حضرت گفتم: اگر آن زمان را درک کردم، به چه چیزی مرا امر می کنید؟ فرمود:

خدا را به این دعا بخوان:

اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ

بار خدایا؛ خودت را به من بشناسان، پس اگر تو خودت را به من نشناسانی، من هرگز

أَعْرِفُكَ. اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَبِيَّكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَبِيَّكَ لَمْ

تو را نمی توانم بشناسم، بار خدایا؛ پیامبرت را به من بشناسان، پس اگر تو پیامبرت را

أَعْرِفُهُ [قَطُّ]. اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ. فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي

به من نشناسانی، من هرگز نمی توانم او را بشناسم، بار خدایا؛ حجت خودت را به من

حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي.^۱

بشناسان، پس اگر تو او را به من نشناسانی، از دین خود گمراه می شوم.

دعای غریق در زمان غیبت

سید بزرگوار، «رضی الدین علی بن طاووس (ره)» در کتاب «مهج الدعوات» از «عبدالله بن سنان» نقل کرده است که امام صادق (ع) فرمودند:

به زودی شبهه‌ای شما را فرا می‌گیرد، پس شما بدون راهنما و امامی هدایت کننده، باقی خواهید ماند و نجات پیدا نمی‌کند، مگر کسی که به وسیله «دعای غریق» خدا را بخواند.

«عبدالله بن سنان» گفت: دعای غریق چگونه است؟

حضرت فرمودند: می‌خوانی:

يَا اللهُ يَا رَحْمَانُ يَا رَحِيمُ، يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ ثَبِّتْ قَلْبِي

ای خدا، ای مهربان، ای بخشنده، ای دگرگون کننده قلبها، قلب مرا بر دین خود (و)

عَلَى دِينِكَ.

لزوم بیروی از آن) ثابت مدار.

دعای نجات از فتنه‌های آخرالزمان

در کتاب «سلاح المؤمنین» این دعا را برای رهایی و نجات از فتنه‌های آخرالزمان نقل شده است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ، (يا

خدایا؛ بر محمد و آل محمد درود فرست و فرج ایشان را نزدیک فرما، (ای مهربان‌ترین

أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ هفت مرتبه تکرار شود). اللَّهُمَّ عَمِّ أَعْدَاءِ آلِ

مهربانان) خدایا؛ بدی و بدبختی را بر سر

نَبِيِّكَ وَظَالِمِيهِمْ وَأَعْدَاءِ شِيَعَتِهِمْ، وَأَعْدَاءِ مَوَالِيهِمْ بِالشَّرِّ

دشمنان و ستمگران بر آل پیامبران و دشمنان شیعیان و موالیان آنان فرود آور، و بر آنان فراگیر

عَمَّا، وَطَمَّهِمْ بِالشَّرِّ طَمًّا، وَاطْرُقَهُمْ بِلَيْلَةٍ لَأُخْتِ لَهَا،

کن، و آنان را در یک شب در هم بکوب که نظیری نداشته باشد. و در یک ساعت آنان را در هم

وَسَاعَةً لَا مَنَجِي مِنْهَا، وَأَنْتَقِمُ مِنْهُمْ أَنْتِقَامًا عَاجِلًا، وَأُحْرِقُ

بکوب که محل نجاتی برای آنان نباشد و از آنان به زودی انتقام بگیر و قلب‌هایشان را با آتش

قُلُوبَهُمْ بِنَارِ غَضَبِكَ. اللَّهُمَّ شَتِّتْ شَمْلَهُمْ، وَفَرِّقْ جَمْعَهُمْ،

غضب خودت بسوزان. خدایا؛ اجتماع آنان را پراکنده و جمع ایشان را متفرق ساز، و چاره‌اندیشی‌ها

وَقَلْبُ تَدْبِيرِهِمْ، وَنَكْسُ أَعْلَامِهِمْ، وَخَرَبُ بُنْيَانِهِمْ، وَقَرَّبُ

و نقشه‌های آنها را دگرگون کن، و پرچم‌هایشان را واژگون فرما، و ریشه و بنیان آنها را برکن، و

اجالَهُمْ، وَأَلْقِ بِأَسْهُمِ بَيْنِهِمْ، وَاجْعَلْنَا مِنْ بَيْنِهِمْ سَالِمِينَ،

زمان مرگ آنان را نزدیک فرما، و سختی‌هایشان را بین خودشان بینداز، و ما را در بین آنان سالم و

وَخُذْهُمْ أَخْذَ عَزِيزٍ مُقْتَدِرٍ. اللَّهُمَّ أَلِقِ الْأَوْجَاعَ وَالْأَسْقَامَ

محفوظ بدار، و آنان را گرفتار شخص قدرتمند با اقتدار. بار خدایا؛ دردها و بیماری‌ها را بر بدن‌های

فِي أَبْدَانِهِمْ، وَضَيِّقُ مَسَالِكِهِمْ، وَأَسْلِبْهُمْ مَمَالِكَهُمْ،

آنان مسلط فرما و راه‌های آنان را تنگ نما و کشورهای تحت سلطه آنها را از دست ایشان خارج

وَحَيْرُهُمْ فِي سُبُلِهِمْ، وَأَقْطَعْ عَنْهُمْ الْمَدَدَ، وَأَنْقُصْ مِنْهُمْ

کن، و آنان را در راه‌ها و نقشه‌هایشان متحیر و سرگردان کن و کمک‌رسانی را از ایشان قطع کن

الْعَدَدَ. اللَّهُمَّ وَاحْفَظْ مَوَالِيَ آلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ

و تعداد آنان را کم کن. بار خدایا؛ دوستان اهل بیت رسولت - که بر آنان درود باد - را از شر آنان

مِنْ شُرُورِهِمْ، وَسَلِّمْهُمْ مِنْ مَكْرِهِمْ، وَخُدْعِهِمْ وَضُرِّهِمْ،

محفوظ بدار، و آنها را از مکر و خدعه و نیرنگ و زیان آنان سالم نگه دار؛ و آنها را با کمک خود

وَأَنْصُرْهُمْ عَلَيْهِمْ بِنَصْرِكَ، وَاجْمَعْ كَلِمَتَهُمْ، وَأَلْفِ جَمْعَهُمْ،

بر آنان پیروز فرما؛ و بین ایشان وحدت و یکپارچگی برقرار فرما؛ و جمع ایشان را گردآوری کن؛

وَدَبِّرْ أَمْرَهُمْ، وَعَرِّفْهُمْ مَا يَجْهَلُونَ، وَعَلِّمْهُمْ مَا لَا يَعْلَمُونَ،

و امور ایشان را تدبیر فرما؛ و آنها را با آنچه آشنایی ندارند، آشنا فرما؛ و آنچه را نمی‌دانند به آنها

وَبَصِّرْهُمْ مَا لَا يُبْصِرُونَ، وَأَعْلِ كَلِمَتَهُمْ، وَاجْعَلْهَا الْعُلْيَا،

بیاموز، و به آنچه که نسبت به آن بصیرت و آگاهی ندارند، آگاه فرما و حکم و اراده ایشان را والا

وَأَجْعَلْ كَلِمَةَ الْأَعْدَاءِ السُّفْلَى.^۱

و آن را برتر قرار بده و حکم و اراده دشمنان را پایین تر قرار بده.

۹

دعای امام جواد(ع)

برای رفع ظلم و ستم از جهان

سید بزرگوار، «علی بن طاووس(ره)» این دعا را در کتاب «مهج

الدعوات» از مولایمان امام جواد(ع) نقل می کند که عبارتست از:

اللَّهُمَّ إِنَّ ظُلْمَ عِبَادِكَ قَدْ تَمَكَّنَ فِي بِلَادِكَ حَتَّى

بار خدایا؛ همانا ظلم و ستم بندگانت در سرزمین های تو قدرت و توانایی یافته و عدالت را از بین برده و

أَمَاتَ الْعَدْلَ وَقَطَعَ السُّبُلَ وَمَحَقَّ الْحَقَّ وَأَبْطَلَ

راه های هدایت را قطع کرده و حق و حقیقت را از بین برده و صدق و راستی را نابود کرده و خیر و نیکی

الصِّدْقَ وَأَخْفَى الْبِرَّ وَأَظْهَرَ الشَّرَّ وَأَخْمَدَ التَّقْوَى وَ

را مخفی کرده و شرارت و بدبختی را آشکار کرده و فساد و تباهی و نور تقوا را خاموش کرده و هدایت و

أَزَالَ الْهُدَى وَأَزَاخَ الْخَيْرَ وَأَثْبَتَ الضَّرَّ وَأَنْمَى

خوشبختی را نابود کرده و خیر و برکت کنار گذاشته شده و کجی و خروج از حق را تثبیت کرده و فساد

الْفَسَادَ وَقَوَّى الْعِنَادَ وَبَسَطَ الْجَوْرَ وَعَدَى الطُّورَ

و تباهی را رشد داده و کدورت و کینه توزی را در بین مردم تقویت نموده و ستمگری را گسترش داده و

۱. سلاح المؤمنین، ص ۵۹.

اللَّهُمَّ يَا رَبَّ لَا يَكْشِفُ ذَلِكَ إِلَّا سُلْطَانُكَ وَلَا يُجِيرُ

از حدّ تجاوز کرده است. بار خدایا! ای پروردگار عالمیان، هیچ کس و هیچ چیزی جز سلطنت و قدرت تو

منه إِلَّا امْتِنَانُكَ اللَّهُمَّ رَبِّ فَابْتُرِ الظُّلْمَ وَابْتُ جِبَالَ

آنها را برطرف نمی کند و هیچ کس قادر به نجات مردم از دست آنان نیست مگر لطف و بخشش تو. بار

الغُشْمِ وَأَخْمِدْ سُوقَ الْمُنْكَرِ وَأَعِزِّ مَنْ عَنَّهُ يَنْزَجِرُ

پروردگارا! ریشه ظلم و ستم را قطع کن، و طناب ستمگری و بیدادگری را پاره پاره کن و بازار شرارت و

وَاحْصِدْ شَافَةَ أَهْلِ الْجَوْرِ وَالْبِسْهُمُ الحَوْرَ بَعْدَ الكُورِ

بدی را کساد کن و کسانی را که از آنها نفرت دارند، عزیز فرما؛ و ریشه گروه ستمکاران را از بیخ و بن برکن

وَعَجِّلِ اللَّهُمَّ إِلَيْهِمُ البَيَاتَ وَأَنْزِلْ عَلَيْهِمُ المَثَلَاتِ

و آنان را بعد از ناز و نعمت و فراوانی به کمبود و نقصان دچار فرما و به حمله و شبیخون زدن و غافلگیری

وَأَمّت حَيَاةَ الْمُنْكَرِ لِيُؤْمِنَ المَخُوفُ وَيَسْكُنَ المَلْهُوفُ

آنان شتاب کن؛ و عقوبت های سخت را بر آنان نازل فرما؛ و بدی ها و بدکاران را بمیران تا آنان در ترس و

وَيَشْبَعُ الجَائِعُ وَيُحْفَظُ الضَّائِعُ وَيَأْوِي الطَّرِيدُ وَ

وحشت سر می برند، آرام گیرند و انسان های دلسوخته و اندوهگین به آرامش برسند و گرسنه ها سیر شوند

يَعُودُ الشَّرِيدُ وَيُغْنِي الفَقِيرُ وَيُجَارَ المُسْتَجِيرُ وَيُوقَّرُ

و چیزهایی که دچار تباهی شدند، محفوظ بمانند و فراری ها مأوی گیرند و آوارده ها برگردند و فقرا غنی شوند

الكَبِيرُ وَيُرْحَمُ الصَّغِيرُ وَيُعَزَّ المَظْلُومُ وَيُذَلُّ الظَّالِمُ

و به امان خواهان، امان داده شود، و پیران تکریم شوند و اطفال مورد ترحم واقع شوند و مظلوم عزیز شود و

وَيُفَرِّجَ المَغْمُومُ وَتَنْفَرِجَ الغَمَّاءُ وَتَسْكُنَ الدَّهْمَاءُ

ستمگر خوار و ذلیل شود و غم های انسان های اندوهگین برطرف شود و دشواری ها راحتی یابند و شورش ها

و يَمُوتَ الْأَخْتِلَافُ وَ يَعْلُو الْعِلْمُ وَ يَشْمَلُ السَّلْمُ وَ

آرام شود و اختلاف و دوگانگی از میان برود؛ و علم و دانش برتری پیدا کند؛ و صلح و آشتی فراگیر شود و

يُجْمَعُ الشُّبَّتَاتُ وَ يَقْوَى الْأَيْمَانُ وَ يُتْلَى الْقُرْآنُ إِنَّكَ

تفرقه و پراکندگی به اتحاد و اجتماع مبدل شود و ایمان قدرت بگیرد و قرآن تلاوت گردد، همانا تو پاداش

أَنْتَ الدَّيَّانُ الْمُنْعَمُ الْمَنَّانُ. ۱

دهنده روزی ده و بسیار احسان کننده هستی.

۱۰

دعا برای حفظ شدن از شرّ دجال

از «معاذ بن جبل» روایت شده است که گفت: روزی حضرت پیامبر (ص) مرا به سوی «عبدالله بن سلام» فرستاد؛ در حالی که نزد پیامبر (ص) عده‌ای از اصحابش حضور داشتند، «عبدالله بن سلام» نزد پیامبر (ص) حاضر شد، حضرت پیامبر (ص) فرمودند:

ای عبدالله؛ برای من خبر بده در مورد ده کلمه‌ای که خداوند به حضرت ابراهیم (ع) در روزی که می‌خواستند او را به آتش بیندازند آموخت، آنان را یافته‌ای که در «تورات» نوشته شده باشد؟

«عبدالله» گفت: ای رسول خدا؛ پدر و مادرم فدای شما، آیا برای شما در مورد آن ده کلمه چیزی نازل شده است؟ همانا من ثواب قرائت آنها را در «تورات» یافتم؛ ولی کلمات آن را نیافتم و آن ده عدد دعا بود که در تمامی آنها اسم اعظم خداوند وجود داشت.

پیامبر (ص) فرمودند: آیا خداوند آنها را به «حضرت موسی (ع)» آموخت؟ عبدالله گفت: خداوند آنها را به کسی جز «حضرت ابراهیم (ع)» نیاموخت. پیامبر (ص) فرمودند: چه چیزی در مورد ثواب آن در تورات دیده‌ای؟ «عبدالله» گفت: ای رسول خدا؛ چه کسی توانایی دارد که به آن ثواب‌ها برسد؟ من در تورات دیدم که نوشته شده است:

هیچ بنده‌ای نیست که خداوند بر او منت گذارد و این کلمات را در قلب او قرار دهد، مگر اینکه نور را در چشمان او و یقین را در قلبش قرار دهد و سینه‌اش را برای ایمان بگشاید و نوری برای او قرار دهد که از جایی که نشسته به سوی عرش تلالؤ کند و خداوند روزی دو بار به او بر فرشتگان مباحثات کند و حکمت را در زبانش قرار دهد و حفظ کتابش را به او عطا فرماید؛ گرچه نسبت به این امر حریص نباشد و او را در دین، فقیه و دانشمند قرار دهد و محبت

او را در قلب‌های بندگانش بیفکند و او را از عذاب قبر و فتنه دجال و ترس و هراس بزرگ روز قیامت ایمن گرداند.

او را در گروه شهدا محشور فرماید و خداوند او را احترام و تکریم کند و آنچه به کرامت و بزرگواری خویش به رسولانش عطا کرده، به او نیز عطا کند و چنین شخصی روزی که همه مردم می‌ترسند، نمی‌ترسد و روزی که تمام مردم غمگین هستند، غمگین نمی‌باشد و نام او در نزد خداوند به عنوان صدیق (تصدیق کننده) نوشته شود و در روز قیامت محشور شود در حالی که قلبش آرام و مطمئن باشد و تحت پوشش بزرگان همراه حضرت ابراهیم (ع) در روز قیامت باشد.

به برکت این دعا، بنده آنچه از خداوند بخواهد به او عطا فرماید و اگر خداوند را سوگند دهد، خداوند به سوگند او عمل کند و در مجاورت پروردگار مهربان در جایگاه باشکوه (بهشت) استقرار پیدا کند و برای او ثواب هر شهیدی که از ابتدای آفرینش دنیا به شهادت رسیده‌اند، نوشته شود.

پیامبر (ص) فرمودند: ای «ابن سلام»؛ مراد از جایگاه باشکوه چیست؟

«ابن سلام» گفت: مراد بهشت عدن می‌باشد و آن، محلّ عرش پروردگار با عظمت و در جوار خداوند می‌باشد.

ابن سلام گفت: ای رسول خدا! آن (دعا) را به ما یاد بده و همان گونه که خداوند به شما احسان نموده، شما نیز به ما احسان فرما.

پیامبر (ص) فرمودند: برای خداوند به سجده بیفتید.

«معاذ بن جبل» گفت: آنان همگی به سجده افتادند و چون سر

از سجده برداشتند، پیامبر اکرم (ص) فرمودند: بخوانید:

يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ، أَنْتَ الْمَرْهُوبُ مِنْكَ جَمِيعُ [خَلْقِكَ]،

خدايا؛ خدايا؛ خدايا؛ تو کسی هستی که تمامی مخلوقات از تو هراسان و ترسان هستند، ای

يَا نُورَ النُّورِ، أَنْتَ الَّذِي احْتَجَبَتْ دُونَ خَلْقِكَ فَلَا تُدْرِكُ

روشنی بخش نور، تو کسی هستی که از خلق خود در حجاب و پنهان هستی و نور هم نمی‌تواند

نُورَكَ نُورًا، يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ، أَنْتَ الرَّفِيعُ الَّذِي ارْتَفَعَتْ

نورانيت تو را درک کند، خدايا؛ خدايا؛ خدايا؛ تو بلندمرتبه‌ای هستی که بر عرش خودت که بالاتر

فَوْقَ عَرْشِكَ مِنْ فَوْقِ سَمَائِكَ، فَلَا يَصِفُ عَظَمَتَكَ أَحَدٌ

از آسمان‌هايت می‌باشد استیلا و برتری یافتی، پس عظمت و جلال تو را هیچ یک از مخلوقات

مِنْ خَلْقِكَ، يَأْنُورُ النُّورِ قَدْ اسْتَنَارَ بِنُورِكَ أَهْلُ سَمَائِكَ،

نمی‌تواند وصف کند، ای روشنی بخش نور، همانا اهل آسمان‌ها از نور تو، نور گرفته‌اند و اهل زمین

وَاسْتِضَاءَ بَضْوَتِكَ أَهْلُ أَرْضِكَ. يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ، أَنْتَ

در پرتو روشنایی تو روشنی یافتند. خدایا؛ خدایا؛ خدایا؛ تو کسی هستی که غیر تو خدایی نیست،

الذِي لَا إِلَهَ غَيْرُكَ، تَعَالَيْتَ عَنْ أَنْ يَكُونَ لَكَ شَرِيكَ،

تو بالاتر از آن هستی که برای تو شریکی باشد و بزرگ‌تر از آن هستی که برای تو فرزندی باشد

وَتَعَظَّمْتَ عَنْ أَنْ يَكُونَ لَكَ وَلَدٌ، وَتَكَرَّمْتَ عَنْ أَنْ يَكُونَ

و بزرگوارتر از آن هستی که برای تو همانند و شبیهی باشد و برتر از آن هستی که برای تو ضد و

لَكَ شَبِيهٌ، وَتَجَبَّرْتَ عَنْ أَنْ يَكُونَ لَكَ ضِدٌّ، فَأَنْتَ اللَّهُ

مخالفی باشی، پس تو خدایی هستی که به تمامی زبان‌ها ستایش شده‌ای و کسی که در تمامی

الْمَحْمُودُ بِكُلِّ لِسَانٍ، وَأَنْتَ الْمَعْبُودُ فِي كُلِّ مَكَانٍ، وَأَنْتَ

مکان‌ها عبادت و پرستش شده‌ای و کسی هستی که در تمامی ساعات و لحظات یاد شده‌ای،

الْمَذْكُورُ فِي كُلِّ أَوَانٍ وَزَمَانٍ، يَا نُورَ النُّورِ، كُلُّ نُورٍ خَامِدٌ

ای روشنی بخش نور؛ تمامی نورها با وجود نور تو خاموش هستند، ای صاحب ملک هر مالکی؛

لِنُورِكَ، يَا مَلِيكَ كُلِّ مَلِيكَ، يَفْنَى غَيْرُكَ يَا دَائِمٌ، كُلُّ

غیر تو همه چیز فانی و نابود می‌شود، ای کسی که ابدی هستی و تمامی زنده‌ها - غیر از تو -

حَتَّى يَمُوتَ غَيْرُكَ. يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ الرَّحْمَانُ الرَّحِيمُ،

می‌میرند. خدایا؛ خدایا؛ خدایا؛ ای بخشندهٔ مهربان؛ آن‌گونه مرا مورد مهر و رحمت خویش قرار

ارْحَمْنِي رَحْمَةً تُطْفِئُ بِهَا غَضَبَكَ، وَتَكْفِي بِهَا عَذَابَكَ،

بده که آتش خشم و غضب تو را خاموش کند و عذابت را از من بپزد و از جانب تو سعادت و

وَتَرْزُقْنِي بِهَا سَعَادَةً مِنْ عِنْدِكَ، وَتَحُلْنِي بِهَا دَارَكَ الَّتِي

خوشبختی را رزق و روزی من فرماید و به وسیلهٔ آن در جایگاهی که بندگان نیکوکار در آنجا

تَسْكُنُهَا خَيْرُكَ مِنْ خَلْقِكَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. يَا مَنْ

ساکن هستند، ساکن شوم، ای مهربان‌ترین مهربانان؛ ای کسی که زیبایی را آشکار می‌کنی و

أَظْهَرَ الْجَمِيلِ، وَسَتَرَ الْقَبِيحِ، يَا مَنْ لَمْ يُؤَاخِذْ بِالْجَرِيرَةِ،

زشتی را می‌پوشانی، ای کسی که بندها را به گناهش مؤاخذه نمی‌کنی و پرده‌داری نمی‌کنی،

وَلَمْ يَهْتِكِ السُّتْرَ، يَا عَظِيمَ الْعَفْوِ، يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ، يَا

ای دارای عفو عظیم؛ ای کسی که گذشت نیکوداری، ای کسی که مغفرت و بخشش او فراگیر

وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ، يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ، يَا صَاحِبَ كُلِّ

است، ای کسی که دست رحمت او برای همه باز است، ای صاحب تمامی رازها و ای پایان تمامی

نَجْوَى، وَيَا مُنْتَهَى كُلِّ شَكْوَى، يَا كَرِيمَ الصَّفْحِ، يَا عَظِيمَ

شکایت‌ها (دادرسی تمامی شکایت‌ها به او ختم می‌شود) ای صاحب الطاف بزرگ، ای بزرگ‌ترین

الْمَنْ، يَا مُبْتَدِئًا بِالنُّعْمِ قَبْلَ اسْتِحْقَاقِهَا، يَا رَبَّاهُ يَا رَبَّاهُ،

بخشنده، ای کسی که به بندگان قبل از استحقاق آنان نعمت بخشیدی، پروردگارا؛ پروردگارا؛ ای

وَيَا سَيِّدَاهُ وَيَا أَمْلَاهُ، وَيَا غَايَةَ رَغْبَتَاهُ، أَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ

آقا و سرور؛ ای کعبهٔ آمل و آرزوها و ای نهایت اشتیاق. خدایا؛ خدایا؛ خدایا؛ از تو می‌خواهم که

يَا اللَّهُ أَنْ لَا تُشَوِّهَ خَلْقِي فِي النَّارِ.

هیأت مرا در آتش جهنم زشت و بدترکیب نکنی.

دعای فرج

(إلهی عظم البلاء)

مرحوم «کفعمی» در کتاب «البلد الامین» دعایی را برای حضرت امام زمان (ع) نقل می‌فرماید که آن حضرت آن دعا را به مردی که زندانی بود، یاد می‌دهند و بعد از خواندن، او از زندان آزاد می‌شود:

إلهی عظم البلاء، وبَرِحَ الخفاءُ، وانكشَفَ الغطاءُ،

یا خدایا! بلا و مصیبت بزرگ شد و پنهانی برطرف گشت (آنچه پنهان بود آشکار شد) و

وانقطع الرجاءُ، وضاعت الأرضُ ومُنعت السماءُ، وانت

برده (از کار ما) برداشته شد و امید قطع شد و زمین (بر ما) تنگ آمد و آسمان (رحمتش

المستعانُ والیک المَشْتکی، وَعَلیک المَعْوَلُ فی الشدَّةِ

را از ما) دریغ کرد و تنها تویی که از تو یاری خواسته می‌شود، و شکایت ما نزد تو آورده

والرَّخاءُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، اُولَی الْأَمْرِ

می‌شود و در سختی و سستی بر تو اعتماد می‌شود. خدایا! بر محمد و آل محمد درود

الذینَ فَرَضْتَ عَلَینَا طاعتَهُمْ، وَعَرَّفْتَنَا بِذَکَ مَنْزِلَتِهِمْ،

فرست، همان صاحبان امری که اطاعت آنها را بر ما واجب کردی و به این وسیله مقام و

فَفَرِّجْ عَنَا بِحَقِّهِمْ، فَرَجًا عَاجِلًا قَرِيبًا كَلِمَحِ الْبَصْرِ أَوْ

منزلت آنان را برای ما شناساندی، پس به حق آنان برای ما گشایش فوری و نزدیکی چون

هُوَ أَقْرَبُ، يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ، يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ، اِكْفِيَانِي

چشم بر هم زدن یا نزدیکتر از آن مرحمت فرما، ای محمد؛ ای علی؛ ای علی؛ ای محمد؛

فَانَّكَمَا كَافِيَانِ، وَأَنْصُرَانِي فَانَّكَمَا نَاصِرَانِ، يَا مَوْلَانَا يَا

مرا کفایت کنید که همانا شما کفایت کنندگان من هستید و مرا یاری کنید که همانا شما

صَاحِبَ الزَّمَانِ، الْغَوْثَ الْغَوْثَ الْغَوْثَ، اذْرِكْنِي اذْرِكْنِي

یاری کنندگان من هستید، ای مولای ما، ای صاحب الزمان؛ بیه فریاد رس، به فریاد رس،

اذْرِكْنِي، السَّاعَةَ السَّاعَةَ السَّاعَةَ، الْعَجَلَ الْعَجَلَ الْعَجَلَ،

مرا دریاب، مرا دریاب، مرا دریاب، هم اکنون، هم اکنون، هم اکنون؛ به شتاب، به شتاب، به

يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ.^۱

شتاب، ای مهربانترین مهربانان، به حق حضرت محمد و آل پاکش.

دعا برای ظهور امام زمان (ع)

در حرم حضرت موسی بن جعفر (ع)

در پایین پای حضرت، توقف می کنی و می خوانی:

۱. البلد الأمين، ص ۶۰۷، مزار شهید: ۲۳۱، المصباح، ص ۲۳۵، منهج العارفين: ۴۸۳.

اللَّهُمَّ عَظَمَ الْبَلَاءُ، وَبَرَحَ الْخَفَاءُ، وَأَنْكَشَفَ الْغَطَاءُ، وَضَاقَتِ

بِإِخْدَائِهِ؛ بِلَا وَ مَصِيبَتِ بِزُرْگِ شَدِّ وَ پِنهَانِی بِرَطْرِفِ گِشْتِ (آنچه پنهان بود آشکار شد) و پَرده (از کار ما)

الْأَرْضُ، وَمُنِعَتِ السَّمَاءُ، وَأَنْتَ يَا رَبَّ الْمُسْتَعَانُ، وَإِلَيْكَ

بِرِدَاشْتِه شَدِّ وَ پِنهَانِی زَمِینِ تَنگِ شَدِّ، وَ بِأَسْمَانِ (رَحْمَتِش رَا از ما) دَرِیغِ کَرْدِ وَ تَوِیِیِ ای پَروردگارِ آن کس

الْمُسْتَكِي. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، الَّذِينَ فَرَضَتْ

کِه از او یاری خواسته می شود، و شکایت نزد تو آورده می شود. بار خدایا؛ بر محمد و آل محمد و آل او درود

طَاعَتَهُمْ، وَعَرَّفْنَا بِذَلِكَ مَنْزِلَتَهُمْ، وَفَرَّجْنَا عَنَّا كَرْبَنَا قَرِيبًا

فَرِیست، آنان که اطاعت ایشان را واجب کردی و مقام و مرتبه آنان را بدین وسیله به ما شناساندی و اندوه

كَلِمَحِ الْبَصْرِ، أَوْ هُوَ أَقْرَبُ، يَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ، وَيَا أَسْمَعَ

ما را بر طرف کن به زودی مانند یک چشم بر هم زدن یا زودتر از چشم بر هم زدن، ای بیناترین بیننده

السَّامِعِينَ، وَيَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ، وَيَا أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ. يَا

و ای شنواترین شنونده و ای سریع ترین محاسبه کننده و ای حکیم ترین حکیمان. ای محمد ای علی،

مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ، يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ، يَا مُصْطَفَى أَنْصُرَانِي

ای علی ای محمد، ای برگزیده شده (مصطفی)، ای راضی شده (مرتضی)، ای راضی شده، ای برگزیده

فَإِنَّا نَاصِرَايَ، وَكَفِيَانِي فَإِنَّا كَافِيَايَ، يَا صَاحِبَ

شده، مرا یاری کن که شما یاری کنندگان من هستید و مرا کفایت کنید که شما کفایت کنندگان من

الزَّمانِ، الْغَوْثُ الْغَوْثُ الْغَوْثُ، أَدْرِكْنِي أَدْرِكْنِي أَدْرِكْنِي

هستید، ای صاحب الزمان به فریاد رس، به فریاد رس، به فریاد رس، مرا دریاب، مرا دریاب، مرا دریاب.

این جمله (أدرکنی) را می‌گویی تا نفس قطع شود، سپس حاجت خود را درخواست می‌کنی که به خواست خداوند برآورده می‌شود.

۱۳

دعا برای ظهور امام زمان (ع)

در سجده شکر

«شیخ الطائفه، طوسی (ره)» در کتاب «مصباح المتهجد» می‌فرماید:

سجده شکر به جا آور و بخوان آنچه را که حضرت امام کاظم (ع) برای «عبدالله بن جنذب» نوشت: در سجده سه مرتبه این دعا را بخوان:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ، وَأَشْهَدُ مَلَائِكَتَكَ وَ أَنْبِيَآءَكَ وَرُسُلَكَ

بار خدایا؛ من تو را و فرشتگان و رسولانت و تمامی مخلوقات را شاهد و

وَجَمِيعَ خَلْقِكَ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ رَبِّي، وَالْإِسْلَامُ دِينِي،

گواه می‌گیرم که تو پروردگار من و اسلام دین من و حضرت محمد (ص)

وَمُحَمَّدٌ نَبِيِّ، وَعَلِيٌّ وَلِيِّ، وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ وَعَلِيٌّ

پیامبر من و حضرت علی (ع) ولی و سرپرست من است و امام حسن، امام

بُنِ الْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ وَجَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ وَمُوسَى

حسین، امام سجاد، امام باقر، امام صادق، امام کاظم، امام رضا، امام جواد،

بُنِ جَعْفَرٍ وَعَلِيٌّ بْنُ مُوسَى وَمُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ وَعَلِيٌّ بْنُ

امام هادی، امام عسکری و جانشین صالح ایشان که درود تو بر تمامی ایشان

مُحَمَّدَ وَالْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ وَالْخَلْفَ الصَّالِحَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمْ

باد، پیشوایان و امامان من هستند. به ایشان اظهار ارادت و ولایت دارم و از

أُمَّتِي، بِهِمْ أَتَوَلَّى، وَمِنْ عَدُوِّهِمْ أَتَبَرَّءُ. اللَّهُمَّ إِنِّي أُنشِدُكَ

دشمنان ایشان بیزاری می جویم و با آنان دشمنی می کنم. خدایا! من به خون

دَمَ الْمَظْلُومِ. و سه مرتبه می گوئی: اللَّهُمَّ إِنِّي أُنشِدُكَ بِوَأَيْكَ

مظلوم تو را سوگند می دهم. بار خدایا! تو را به وعدهای که

عَلَى نَفْسِكَ لِأَوْلِيَاءِكَ، لَتُظْهِرَنَّهُمْ عَلَى عَدُوِّكَ وَعَدُوَّهُمْ أَنْ

به اولیا و دوستان خود فرموده‌ای که آنان را حتما بر دشمنان خویش و دشمنان ایشان

تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى الْمُسْتَحْفَظِينَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ. و

چیره گردانی سوگند می دهم که بر محمد، و نگهبانان دینت از آل محمد درود فرستی.

سه مرتبه می گوئی: اللَّهُمَّ إِنِّي أُنشِدُكَ بِأَيِّوَأَيْكَ عَلَى نَفْسِكَ

بار خدایا! تو را به عهدی که در مورد دشمنانت با خود نموده‌ای که آنها را هلاک و نابود

لَأَعْدَائِكَ، لَتُهْلِكَنَّهُمْ وَلَتُخْزِنَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ وَأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ،

کنی و به دست خودشان و به دست مؤمنان، آنان را به خواری و ذلت بکشانی سوگند

أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى الْمُسْتَحْفَظِينَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ. و

می دهم که بر حضرت محمد(ص) و بر نگهبانان دینت از آل محمد درود فرستی.

سه مرتبه می گوئی: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْيُسْرَ بَعْدَ الْعُسْرِ. ۱

بار خدایا! من از تو آسایش و راحتی را بعد از سختی و مشقت می خواهم.

دعای هنگام عطسه

در کتاب «جنات الخلود» آورده است: هنگام عطسه کردن، مستحب است که انگشت اشاره را روی سر بینی قرار داده و آنچه را که امام زمان (ع) قرائت فرموده است، بخواند:

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

ستایش، ویژه خداست، که پروردگار جهانیان است؛ و درود خدا، بر محمد و آل او باد. در حالی

عَبْدًا ذَاكِرًا لِلَّهِ، غَيْرَ مُسْتَكْبِرٍ وَلَا مُسْتَكْبَرٍ.

که بنده‌ای هستم، که همواره به یاد خدا می‌باشم، و روگردان نیستم و استکبار نمی‌ورزم.

دعای سفر در ساعت مخصوص

به حضرت بقیة الله (ع)

«سید بن طاووس (ره)» در کتاب «الأمان» آورده است: ما در کتاب خود به نام «الأسرار المودعة في ساعات الليل والنهار» گفتیم که هر ساعتی از روز، ویژه یکی از امامان (ع) است و هر ساعتی نیز دو

دعا دارد. یکی را از دست خط جدم «شیخ طوسی (ره)» نقل کردم و دیگری را از دست خط منسوب به ابن مقله روایت نمودم.

از روایات استفاده می شود که هر یک از امامان (ع)، در ساعتی که به ایشان اختصاص دارد، نگهبان و حمایت کننده از شیعیان، خواهند بود:

ساعت اول، اختصاص دارد به مولای ما امیرالمؤمنین، حضرت علی (ع) است.

و ساعت دوم، اختصاص دارد به مولای ما حضرت امام حسن (ع)؛

و ساعت سوم، اختصاص دارد به مولای ما حضرت امام حسین (ع)؛

و ساعت چهارم، اختصاص دارد به مولای ما حضرت امام زین العابدین (ع)؛

و ساعت پنجم، اختصاص دارد به مولای ما حضرت امام باقر (ع)؛

و ساعت ششم، اختصاص دارد به مولای ما حضرت امام

صادق (ع)؛

و ساعت هفتم، اختصاص دارد به مولای ما حضرت امام
کاظم(ع)؛

و ساعت هشتم، اختصاص دارد به مولای ما حضرت امام
رضا(ع)؛

و ساعت نهم، اختصاص دارد به مولای ما حضرت امام جواد(ع)؛
و ساعت دهم؛ اختصاص دارد به مولای ما حضرت امام
هادی(ع)؛

و ساعت یازدهم، اختصاص دارد به مولای ما حضرت امام
عسکری(ع)؛

و ساعت دوازدهم که اختصاص به امام دوازدهم حضرت مهدی(ع) دارد.
انسان، در هر یک از ساعت‌های دوازده گانه یاد شده، دعای ویژه
آن ساعت را می‌خواند و تفاوتی ندارد که روز بلند تابستانی، یا روز
کوتاه زمستانی باشد؛ زیرا از روایات برمی‌آید که روز به هر اندازه
باشد باید به دوازده بخش تقسیم شود و دعاهاى مخصوص نیز
دوازده بخش هستند.

بدین‌سان، هرگاه تصمیم به مسافرت گرفتى، هنگام حرکت در

هر یک از ساعت‌های دوازده‌گانه که قرار داشتی - و آن ساعت به هر یک از امامان عزیزی که خدا او را حمایت کننده و وسیله نجات قرار داده اختصاص داشت - این دعا را بخوان:

اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَانَا فُلَانًا صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنَّنِي أُسَلِّمُ عَلَيْهِ،

بارالها! به مولای ما، (نام امامی را ببر که آن ساعت به او اختصاص دارد) - که درودهایت بر

وَأِنَّنِي أَتَوَجَّهُ إِلَيْهِ بِإِقْبَالِكَ عَلَيْهِ، فِي أَنْ يَكُونَ خَفَارَتِي

او نثار باد - این خبر را برسان که من بر او درود و سلام می‌فرستم، و چون تو روی به ایشان

وَ حِمَايَتِي وَسَلَامَتِي وَ كَمَالِ سَعَادَتِي ضَمَانَهَا بِكَ عَلَيْهِ،

داری من نیز به ایشان روی آورده‌ام؛ تا به ضمانت تو مرا در حمایت و پناه و امنیت خویش

حَيْثُ قَدْ تَوَجَّهْتُ فِي السَّاعَةِ الَّتِي جَعَلْتَهُ كَالْخَفِيرِ فِيهَا

بدارند و سعادت و خوشبختی کامل نصیبم شود؛ زیرا من در ساعتی آغاز به کار می‌کنم که

وَحَدِيثُهَا فِي ذَلِكَ إِلَيْهِ.

آن حضرت را نگهبان و امان‌دهنده در آن ساعت قرار داده‌ای.

این دعا مخصوص ساعت دوازدهم - یعنی از هنگام زردی آفتاب تا غروب آن - در هر روز برای امام زمان (ع) است:

يَا مَنْ تَوَحَّدَ بِنَفْسِهِ عَنْ خَلْقِهِ، يَا مَنْ غَنِيَ عَنْ خَلْقِهِ

ای کسی که خود را از آفریدگانش جدا ساخته؛ ای کسی که به آفریددش از آفریدگانش بی نیاز است؛

بصُنْعِهِ، يَا مَنْ عَرَّفَ نَفْسَهُ خَلْقَهُ بِلُطْفِهِ، يَا مَنْ سَلَكَ بِأَهْلِ

ای کسی که خود را با لطف و مهربانی به آفریدگانش شناسانده؛ ای کسی که فرمانبردارانش را به شاعران

طَاعَتِهِ مَرْضَاتُهُ، يَا مَنْ أَعَانَ أَهْلَ مَحَبَّتِهِ عَلَى شُكْرِهِ،

خشنودی‌های خود کشانده؛ ای کسی که دوست‌داران خود را برای سیاسگزاریش یاری نموده؛ ای کسی

يَا مَنْ مَنَّ عَلَيْهِمْ بِدِينِهِ، وَلَطَفَ لَهُمْ بِنَائِلِهِ. أَسْأَلُكَ بِحَقِّ

که با آیین خویش بر دوست‌دارانش منت نهاده، و با نعمت‌ها و بخشش‌های خود به آنها لطف کرده است؛

وَلِيَّكَ الْخَلْفَ الصَّالِحَ، بِقِيَّتِكَ فِي أَرْضِكَ، الْمُنْتَقِمَ لَكَ مِنْ

از تو درخواست می‌کنم، به واسطه ولی خود و آن جانشین صالح، که یادگار و باقی‌مانده حاجت‌های تو در

أَعْدَائِكَ، وَأَعْدَاءَ رَسُولِكَ، بَقِيَّةِ آبَائِهِ الصَّالِحِينَ، مُحَمَّدَ

زمینت می‌باشد، و از دشمنان تو و پیامبرت، انتقام می‌گیرد؛ هم او که یادگار اجداد شایسته‌اش است، یعنی

بْنِ الْحَسَنِ، وَأَتَضَرَّعُ إِلَيْكَ بِهِ، وَأَقْدِمُهُ بَيْنَ يَدَيِ حَوَائِجِي

محمد فرزند حسن؛ و به واسطه او نزد تو تضرع و زاری می‌کنم، و او را پیشاپیش حاجت‌ها و خواسته‌هایم

وَرَغْبَتِي إِلَيْكَ. أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ

نزد تو قرار می‌دهم؛ (از تو می‌خواهم) که بر محمد و آل محمد درود بفرستی، و نسبت به من چنین و

تَفْعَلْ بِي كَذَا وَكَذَا، وَ أَنْ تُدَارِكَنِي بِهِ، وَ تُتَجِنِّي مِمَّا

چنان کنی، و (می خواهی که) به واسطه او مرا دریایی، و از آنچه برایم ترسناک و هولناک است، و از آن

أَخَافُهُ وَأَحْذَرُهُ، وَ الْبَسْنِي بِهِ عَافِيَتِكَ وَ عَفْوِكَ فِي الدُّنْيَا

پرهیز می کنم، نجات دهی، و به واسطه آن وجود شریف، لباس عافیت و عفو و بخشش خود را در دنیا و

وَ الْآخِرَةِ، وَ كُنْ لَهُ وَلِيًّا وَ حَافِظًا، وَ نَاصِرًا وَ قَائِدًا، وَ كَالثَّ

آخرت به من بیوشانی، نیز، برای او سرپرست و نگهبان و یاور و راهبر و نگهدارنده و پوشش دهنده باش،

وَ سَاتِرًا، حَتَّى تُسَكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا، وَ تُتَمِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا،

تا آنکه او را از روی میل بر روی زمین ساکن گردانی و در آن برای مدت طولانی بپرهمند نمایی؛ ای

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ

مهربان ترین مهربانان؛ به خوبی می دانم که هیچ جنبش و نیرویی جز به واسطه تو (ای خدای بلندمرتبه یا

الْعَظِيمِ، فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ. اللَّهُمَّ صَلِّ

عظمت) نیست؛ پس به زودی خداوند تو را از ایشان کفایت می کند و اوست که شنوا و دانا است. خدایا؛

عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، الَّذِينَ أَمَرْتُ بِطَاعَتِهِمْ، وَ أَوْلِي

بر محمد و آل محمد درود بفرست؛ همان بزرگوارانی که دستور به اطاعت از ایشان داده ای؛ همان عزیزان

الْأَرْحَامِ الَّذِينَ أَمَرْتُ بِصِلَتِهِمْ، وَ ذَوِي الْقُرْبَى الَّذِينَ

و خویشان نسبی پیامبر، که فرمان دادی به ایشان بپیوندیم؛ همان نزدیکان پیامبرت که امر فرمودی تا با

أَمَرْتُ بِمَوَدَّتِهِمْ، وَ الْمَوَالِي الَّذِينَ أَمَرْتُ بِعِرْفَانِ حَقِّهِمْ،

ایشان اظهار مهربانی و دوستی کنیم؛ همان فرمان فرمایانی که دستور فرمودی به شناخت حق آنان؛ همان

وَ أَهْلَ الْبَيْتِ الَّذِينَ أَذْهَبْتَ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَ طَهَّرْتَهُمْ

اهل بیت که پلیدی و ناپاکی را از آنها دور ساخته و بدین سان پاکیزگی و پاکی کامل ظاهری و باطنی را

تَطْهِيراً. أَسْأَلُكَ بِهِمْ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَآلُ مُحَمَّدٍ،

بر ایشان مقرر داشتی. به واسطه ایشان از تو درخواست می‌کنم که بر محمد و آل محمد درود بفرستی؛

وَأَنْ تَغْفِرَ ذُنُوبِي كُلَّهَا يَا غَفَّارُ، وَتَتُوبَ عَلَيَّ يَا تَوَّابُ،

و تمام گناهانم را ببخشی، ای بسیار بخشنده؛ و از من درگذری و بازگشتم را بپذیری، ای بسیار توبه‌پذیر؛

وَتَرْحَمَنِي يَا رَحِيمٌ، يَا مَنْ لَا يَتَعَاطَمُهُ ذَنْبٌ وَهُوَ عَلَيَّ

و به من رحم کنی، ای رحم‌کننده؛ ای کسی که گناه هیچ کس ضرری به عظمت و بزرگی او نمی‌رساند؛

كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.^۱

و این در حالی است که بر هر چیز تواناست.

دعای دیگر در ساعت مخصوص به آن حضرت (ع)

در کتاب «مفتاح الفلاح» این دعا برای ساعت مخصوص امام زمان (ع)

از هنگام زردی آفتاب تا غروب آن - در هر روز نقل شده است:

اللَّهُمَّ يَا خَالِقَ السَّقْفِ الْمَرْفُوعِ، وَالْمِهَادِ الْمَوْضُوعِ،

بارالها! ای به وجود آورنده آسمان برافراشته و زمین گسترده؛ ای روزی بخش گناه‌کار و فرمان‌بر؛

۱. البلد الأمين، ص ۲۱۱؛ المصباح، ص ۱۹۳، منهاج العارفين، ص ۱۲۷، همچنین در دو کتاب «مصباح المجتهد»، ص ۵۱۷ و «بحار الأنوار»، ج ۸۶، ص ۳۵۴ با اندکی تفاوت آمده است.

وَرَاذِقَ الْعَاصِي وَالْمُطِيعِ، الَّذِي لَيْسَ لَهُ مِنْ دُونِهِ وَلِيٌّ

ای کسی که هیچ سرپرستی ندارد، و کسی جز او قادر به شفاعت نیست؛ از تو درخواست می‌کنم،

وَلَا شَفِيعٌ. أَسْأَلُكَ بِأَسْمَائِكَ الَّتِي إِذَا سُمِّيتُ عَلَيَّ

به واسطه نام‌هایت که اگر بر رادهای صعب و دشوار خوانده شود، آسان می‌گردند؛ و اگر بر کوه‌ها

طَوَارِقِ الْعُسْرِ عَادَتْ يُسْرًا، وَإِذَا وُضِعَتْ عَلَيَّ الْجِبَالُ

نهاده شود، از هم پاشیده و پراکنده می‌شوند؛ و اگر به سوی آسمان بالا برده شود، تمامی بسته‌ها

كَانَتْ هَبَاءً مَنثورًا، وَإِذَا رُفِعَتْ إِلَى السَّمَاءِ تَفْتَحَتْ لَهَا

فرا رویش گشوده شوند؛ و اگر به تاریکی‌های زمین فرو فرستاده شود، تمامی تنگی‌ها فرا رویش

الْمَغَالِقُ، وَإِذَا هُبِطَتْ إِلَى ظِلْمَاتِ الْأَرْضِ اتَّسَعَتْ لَهَا

گسترده شوند؛ و اگر بر مردگان خوانده شود، از قبرها به درآیند؛ و اگر بر نیست‌ها و نابودشدگان

الْمَضَائِقُ، وَإِذَا دُعِيَتْ بِهَا الْمَوْتَى انْتَشَرَتْ مِنَ اللَّحُودِ،

دمیده شود، به عرصه وجود درآیند؛ و اگر بر دل‌ها یادآوری شود، از روی خشوع به لرزه درآیند؛

وَإِذَا نُودِيَتْ بِهَا الْمَعْدُومَاتُ خَرَجَتْ إِلَى الْوُجُودِ،

و اگر بر گوش‌ها خوانده شوند، اشک شوق از دیدگان سرازیر خواهد شد. از تو درخواست می‌کنم؛

وَإِذَا أَكْرَتْ عَلَيَّ الْقُلُوبَ وَجَلَّتْ خُشُوعًا، وَإِذَا قُرِعَتْ

به واسطه حضرت محمد (ص) رسول و فرستادگان که با معجزه‌های او را تأیید نمودی، و او را

الْأَسْمَاعُ فَاضَتْ الْعُيُونُ دُمُوعًا. أَسْأَلُكَ بِمُحَمَّدٍ رَسُولِكَ

با نشانه‌های محکم و استوار برانگیختی، و از تو درخواست می‌کنم به واسطه امیر مؤمنان علی بن

الْمُؤَيَّدِ بِالْمُعْجَزَاتِ، الْمَبْعُوثِ بِمُحْكَمِ الْآيَاتِ، وَبِأَمِيرِ

ابی طالب؛ که برای برادری و جانشینی آن حضرت اختیار کردی، و او را برای دوستی خالص و

الْمُؤْمِنِينَ عَلَىٰ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ، الَّذِي اخْتَرْتَهُ لِمُؤَاخَاتِهِ

دامادی پیامبرت، برگزیدی، و نیز به واسطه حضرت مهدی (ع) - صاحب زمان و روزگار - از تو

و وصیتت، و اصطفیتت لمصافاته و مضاهرته، و بصاحب

درخواست می‌کنم همان عزیزی که دیدگاه‌های پراکنده را بر فرمان برداری از او گرد می‌آوری؛

الزَّمانِ الْمَهْدِيِّ، الَّذِي تَجْمَعُ عَلَىٰ طَاعَتِهِ الْارَاءَ

و به واسطه او خواسته‌های مختلف را به هم پیوند می‌دهی؛ و حق دوستانت را به واسطه او

الْمُتَفَرِّقَةَ، وَ تُؤَلِّفُ بِهِ بَيْنَ الْأَهْوَاءِ الْمُخْتَلِفَةِ، وَ تَسْتَخْلَصُ

باز می‌ستانی و برمی‌گردانی؛ و از بدترین دشمنانت، به واسطه آن بزرگوار انتقام می‌گیری؛ و به

بِهِ حُقُوقَ أَوْلِيَاءِكَ، وَ تَنْتَقِمُ بِهِ مِنْ شَرِّ أَعْدَائِكَ، وَ تَمْلَأُ

وسيله او، زمین را پر از عدل و داد و نیکی می‌کنی؛ و با ظهور او، فضل و احسانت را پر بندگان

بِالْأَرْضِ عَدْلًا وَ إِحْسَانًا، وَ تُوسِّعُ عَلَى الْعِبَادِ بظُهُورِهِ

توسعه می‌دهی و فراوان می‌گردانی؛ و حق و راستی را به جایگاه او در حالی که عزیز و نیرومند و

فَضْلًا وَ اِمْتِنَانًا، وَ تُعِيدُ الْحَقَّ إِلَىٰ مَكَانِهِ عَزِيزًا حَمِيدًا،

ستوده باشد باز می‌گردانی؛ و دین و آیین راستین خود را به دست باکفایت او تر و تازه می‌گردانی؛

وَ تُرْجِعُ الدِّينَ عَلَىٰ يَدَيْهِ غَضًّا جَدِيدًا، أَنْ تُصَلِّيَ مُحَمَّدٌ

(از تو می‌خواهم) که بر محمد و آل محمد درود بفرستی، واقعتاً آن است که من ایشان را شفیع

وَالْمُحَمَّدِ، فَقَدْ اسْتَشْفَعْتُ بِهِمْ إِلَيْكَ، وَ قَدَّمْتُهُمْ أَمَامِي

خود ساختم و آنان را پیشاپیش خود و پیشاپیش حوائجهم به درگاه تو آوردم، تا خواسته‌هایم

وَ بَيْنَ يَدَيَّ حَوَائِجِي، وَأَنْ تُوزِعَنِي شُكْرَ نِعْمَتِكَ، فِي

را برآورده سازی، و (از تو می‌خواهم سپاسگزاری نعمت خودت را نصیبم کنی؛ در اینکه مرا به

التَّوْفِيقَ لِمَعْرِفَتِهِ، وَالْهُدَايَةَ إِلَى طَاعَتِهِ، وَتَزِيدَنِي قُوَّةً فِي

شناخت آن حضرت توفیق داده، و به فرمان‌بری از او رهنمون گشته‌ای، و نیرویم را برای جنگ

التَّمَسُّكَ بِعِصْمَتِهِ وَالْإِقْتِدَاءَ بِسُنَّتِهِ، وَالْكَوْنَ فِي زُمْرَتِهِ،

زدن به نگهبانی ویژه او و پیروی از روش‌های او، و بودن جزو همراهان و بارانش فزونی بخشی.

إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. ۱

راستی که تو شنوای دعا هستی، به خاطر مهربانیت، ای مهربان‌ترین مهربانان.

صلوات بر امام زمان (ع)

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وَلِيِّكَ، وَابْنِ أَوْلِيَاءِكَ، الَّذِينَ فَارَضْتَ

بارها! درود بفرست بر نماینده‌ات که فرزند نمایندگان ویژه توست؛ همان بزرگوارانی که

طَاعَتَهُمْ، وَأَوْجَبْتَ حَقَّهُمْ، وَأَذْهَبْتَ عَنْهُمْ الرَّجْسَ،

فرمان‌برداری از ایشان را فرضی و واجب فرمودی، و رعایت حق ایشان را بر همگان لازم کردی، و

وَطَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيرًا. اللَّهُمَّ انْتَصِرْ بِلَدِينِكَ، وَأَنْصُرْ بِنَصْرِكَ

رجس و پلیدی را از ایشان زدودی، و بدین‌سان به طور کامل و پاکیزه نگاهشان داشتی. خدایا! او

أَوْلِيَاءِكَ وَأَوْلِيَاءَهُ وَشِيعَتَهُ وَأَنْصَارَهُ، وَاجْعَلْنَا مِنْهُمْ.

را یاور و پیروزگر دینت قرار ده، و دوستانت را و دوستان و شیعیان و یاران باوفای او را به واسطه او

۱. مفتاح الفلاح، ص ۴۹۸، المصباح، ص ۱۹۴ (با اندکی تفاوت).

اللَّهُمَّ أَعِذْهُ مِنْ شَرِّ كُلِّ بَاغٍ وَطَاغٍ، وَمِنْ شَرِّ جَمِيعِ

یاری برسان؛ ما را نیز جزو این یاری شونندگان بگمار. خدایا؛ آن عزیز را از زیان و بدی تمام ستمگران

خَلْقِكَ، وَأَحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ، وَعَنْ يَمِينِهِ

و طاغوت‌ها و سرکشان و از بدی و زیان همه آفریدگانت در پناه خودت بدار. و او را از پیش روی،

وَعَنْ شِمَالِهِ، وَأَحْرُسْهُ وَأَمْنَعْهُ أَنْ يُوَصَلَ إِلَيْهِ بِسُوءٍ،

پشت سر، راست و چپ نگهبانی کن، و پاسداری و نگهدارنده‌اش باش تا هیچ گزند و بدی بدو نرسد؛

وَأَحْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَآلَ رَسُولِكَ، وَأَظْهَرْ بِهِ الْعَدْلَ،

و بدین سان، پیامبرت حضرت محمد(ص) و آل رسالت را نیز محافظت فرما. خدایا؛ عدل و داد را

وَأَيُّدُهُ بِالنُّصْرِ، وَأَنْصُرْ نَاصِرِيهِ، وَأَخْذَلْ خَاذِلِيهِ، وَأَقْصِمْ

به دست او آشکار فرما، و او را با یاریات تأیید و موفق گردان، و یارانش را یاری کن، و مخالفان و

بِهِ جَبَابِرَةَ الْكُفْرَةِ، وَأَقْتُلْ بِهِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَجَمِيعَ

بدخواهانش را خوار و رسوا کن؛ و به واسطه او ستمگران کافر را در هم بکوبان، و کافران و منافقان

الْمُلْحِدِينَ حَيْثُ كَانُوا مِنْ مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا،

و تمام منکرانت را - در شرق و غرب هستی و خشکی و دریای جهان - به واسطه او نابود فرما. به

وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا، وَأَمْلَأْ بِهَا الْأَرْضَ عَدْلًا، وَأَظْهَرْ بِهِ دِينَ

دست باکفایتش زمین را پر از عدل و داد کن، و آیین راستین پیامبرت را - که بر او و آل او درود باد

نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَالْأَلَمُ السَّلَامُ. وَاجْعَلْنِي اللَّهُمَّ مِنْ أَنْصَارِهِ

- را دوباره آشکار ساز. خدایا؛ مرا جزو یاران و کمک‌رسانان به آن عزیز، و تابعان و پیروان آن بزرگوار

وَأَعْوَانِهِ، وَأَتْبَاعِهِ وَشِيعَتِهِ، وَأَرِنِي فِي آلِ مُحَمَّدٍ مَا

مقرر فرما؛ و به من نشان بده در مورد آل محمد آنچه را ایشان آرزو دارند و در مورد دشمنانشان

يَأْمُلُونَ، وَفِي عَدُوِّهِمْ مَا يَحْذَرُونَ، إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ. ۱

آنچه را از آن پرهیز می کنند و می ترسند، ای معبود راستین؛ اجابت فرما.

۱۹

دعایی از امام زمان (ع)

در آغاز نمازها

این دعا را امام زمان (ع) در پاسخ سؤالی از «حمیری» فرمودند: توجه (یعنی خواندن این دعا در آغاز نماز) واجب نیست؛ و مستحب مؤکد در این باره - که همانند اجماع مورد قبول همگان می باشد - این عبارت است:

وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

روی به کسی آورده‌ام که آسمان‌ها و زمین را بیافرید؛ در حالی که من تنها او را

حَنِيفًا مُسْلِمًا عَلَىٰ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ وَدِينِ مُحَمَّدٍ وَهُدًى

می پرستم و تسلیم او هستم، بر آیین حضرت ابراهیم، و دین حضرت محمد، و هدایت

امیر المؤمنین و ما أنا مِنَ الْمُشْرِكِينَ، إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي

امیر مؤمنان علی (ع) - هستم و به خدا نیز شرک نمی‌ورزم. به راستی که نماز، عبادت،

وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ

زندگانی و مرگ من برای خداست که پروردگار جهانیان است و هیچ شریکی ندارد. من

أَمَرْتُ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ. اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ،

دستور یافته‌ام که چنین باشم و من جزو مسلمانان هستم. بارالها! مرا جزو مسلمانان

أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، بِسْمِ

قرار بده: از شیطان رانده شده به خدای شنوای دانا پناه می‌برم، به کمک نام خدای

اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، و پس از آن، حمد را می‌خواند.^۱

بخشنده مهربان.

دعای حضرت صاحب‌الامر (ع)

سید بزرگوار، «علی بن طاووس (ره)» در «مهج الدعوات» این دعا

را از جمله دعاهای امام زمان (ع) نقل کرده است:

إِلَهِي بِحَقِّ مَنْ نَاجَاكَ، وَبِحَقِّ مَنْ دَعَاكَ فِي الْبَرِّ

خدایا! از تو درخواست می‌کنم به حق هر کسی که با تو نجوا کرده است، و به حق هر

وَالْبَحْرِ، تَفَضَّلْ عَلَيَّ فَقَرَاءَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالْغِنَاءِ

کسی که در خشکی و دریا تو را خوانده است؛ که نسبت به مردان و زنان فقیر مؤمن

۱. بحار الأنوار، ج ۸۴، ص ۳۵۹ به نقل از الإحتجاج، ج ۲، ص ۳۰۷.

وَالثَّرْوَةَ، وَعَلَىٰ مَرْضَىٰ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالشِّفَاءِ

لطف کنی و توانگری و دارایی را روزی شان گردانی؛ به مردان و زنان مریض مؤمن، شفا

وَالصِّحَّةَ، وَعَلَىٰ أَحْيَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِاللِّطْفِ

و سلامتی ارزانی بداری؛ و به مردان و زنان مؤمن که در قید حیات هستند نیکی و

وَالكِرَمَ، وَعَلَىٰ أَمْوَاتِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالْمَغْفِرَةِ

بزرگواریت را مرحمت کنی؛ و به مردگان مؤمن - اعم از زن و مرد - آمرزش و رحمت

وَالرَّحْمَةَ، وَعَلَىٰ غُرَبَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالرَّدِّ إِلَىٰ

(گسپردن) را بیخشایی؛ و غریبان مؤمن را - اعم از زن و مرد - در کمال سلامتی و

أَوْطَانِهِمْ سَالِمِينَ غَانِمِينَ، بِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ. ۱.

بهردمندی، به وطن‌هاشان بازگردانی؛ به واسطه حضرت محمد و آل او.

دعای سهم اللیل، از امام زمان (ع)

این دعا از حضرت صاحب‌الزمان (ع) روایت شده است:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعَزِيزِ تَعْزِيزِ اعْتِزَّازِ عِزَّتِكَ، بِطَوْلِ

خدایا؛ همانا از تو درخواست می‌کنم به واسطه عزت‌مندی راستین و عزت‌بخشت؛ به واسطه توانایی

حَوْلِ شَدِيدِ قُوَّتِكَ، بِقُدْرَةِ مَقْدَارِ اقْتِدَارِ قُدْرَتِكَ، بِتَأْكِيدِ

نیروی بزرگ قدرتت؛ به واسطه توان اندازه‌های توانایی قدرتت؛ به واسطه بزرگیت که بسی جای

تَحْمِيدُ تَمْجِيدِ عَظَمَتِكَ، بِسْمُو نُومٍ عُلُوِّ رَفْعَتِكَ، بِدَيْمُومٍ

سپاس و شکوهمندی حقیقی دارد؛ به واسطه رفعت و والایت که بسی والا و بلندمرتبه است؛ به

قِيُومِ دَوَامِ مُدَّتِكَ، بِرِضْوَانِ غُفْرَانِ أَمَانِ رَحْمَتِكَ، بِرَفِيعِ

واسطه دایمی بودن که مدت بسی پایدار و استوار است؛ به واسطه خشنودی آمرزش که امنیت

بَدِيعِ مَنِيْعِ سَلْطَنَتِكَ، بِسُعَاةِ صَلَاةِ بَسَاطِ رَحْمَتِكَ،

رحمت را به همراه می آورد؛ به واسطه پادشاهی نوآور و استوار که بسیار والا مرتبه است و با همه

بِحَقَائِقِ الْحَقِّ مِنْ حَقِّ حَقِّكَ، بِمَكْنُونِ السِّرِّ مِنْ سِرِّكَ،

متفاوت و از همه بهتر است؛ به واسطه گستره رحمت تو به کوشندگان نماز؛ به واسطه حقیقت حق

بِمَعَاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عِزِّ عِزِّكَ، بِحَنِينِ أَنْبِيَاءِ تَسْكِينِ الْمُرِيدِينَ،

تو که دارای حقایق راستین است؛ به واسطه آن بخش از راز و رمز و بیژدهات که آن را نیز در پرده راز

بِحَرَقَاتِ خَضَعَاتِ زَفَرَاتِ الْخَائِفِينَ، بِأَمَالِ أَعْمَالِ أَقْوَالِ

نهادهای؛ به واسطه آن بخش از عزت و اقتدار که پایه‌های عزت توست؛ به واسطه ناله‌های پنهانی

الْمُجْتَهِدِينَ، بِتَخَشُّعِ تَخَضُّعِ تَقَطُّعِ مَرَارَاتِ الصَّابِرِينَ،

و شکوه‌های ارادتمندان؛ به واسطه آدهای آتشین و فروتنانه کسانی که از تو می‌ترسند؛ به واسطه

بِتَعَبُدِ تَهَجُّدِ تَمْجُدِ تَجَلُّدِ الْعَابِدِينَ. اللَّهُمَّ ذَهَلَتِ الْعُقُولُ،

آرزوها، کارها، گفتار کوشش کنندگان؛ به واسطه خشوع و خضوع شکیبایان که در هنگام تلخی‌ها از

وَأَنْحَسَرَتِ الْأَبْصَارُ، وَضَاعَتِ الْأَفْهَامُ، وَحَارَتِ الْأَوْهَامُ،

خود نشان می‌دهند؛ به واسطه عبادت‌ها، شب‌زنده‌داری‌ها و ثنا و ستایش‌گویی‌ها و نشاط کسانی

وَقَصُرَتِ الْخَوَاطِرُ، وَبَعُدَتِ الظُّنُونُ عَنْ إِدْرَاكِ كُنْهِ كَيْفِيَّةِ

که به عبادت و پرستش تو مشغول‌اند؛ خدای من؛ عقل‌ها و خرده‌ها از کار افتادند، و چشم‌ها ناتوان

مَا ظَهَرَ مِنْ بَوَادِي عَجَائِبِ أَصْنَافِ بَدَائِعِ قُدْرَتِكَ، دُونَ

شدند و فهم و درک‌ها تباه شدند و به نابودی گرایید و خیال‌ها و اندیشه‌های ژرف‌نگر سرگردان

الْبُلُوغِ إِلَى مَعْرِفَةِ تَلَاؤِ لَمَعَانِ بُرُوقِ سَمَائِكَ. اللَّهُمَّ

شدند، خاطر‌ها نتوانستند ادامه راه را بروند، و گمان‌ها در دوردست‌ها ناکام ماندند، ولی هیچ یک

مُحَرِّكَ الْحَرَكَاتِ، وَمُبْدِئِ نَهَائَةِ الْغَايَاتِ، وَمُخْرِجِ يَنَابِيعِ

نتوانستند به طور کامل این را دریابند که شگفتی‌های آغازین و نوآوری‌های گوناگون قدرت چگونه

تَفْرِيعِ قُضْبَانِ النَّبَاتِ، يَا مَنْ شَقَّ صَمَّ جَلَامِيدِ الصُّخُورِ

است؟ و نتوانستند به این شناخت دست یابند که چگونه آسمان تو به نورافشانی و درخشندگی برق

الرَّاسِيَاتِ، وَأَنْبَعِ مِنْهَا مَاءٍ مَعِينَا حَيَاةً لِّلْمَخْلُوقَاتِ،

خود می‌پردازد. بارالها! ای جنباننده جنبنده‌ها! ای آغازگر پایان مقصودها! ای کسی که چشمه‌ها

فَأَحْيَى مِنْهَا الْحَيَوَانَ وَالنَّبَاتَ وَعَلِمَ مَا اخْتَلَجَ فِي

ساقه‌های گیاهان را بیرون می‌آورد؛ ای کسی که سنگ‌های سخت و به زمین چسبیده را شکافت و

سِرِّ أَفْكَارِهِمْ مِنْ نُطْقِ إِشَارَاتِ خَفِيَّاتِ لُغَاتِ النَّمْلِ

از آنها آبی گوارا که باعث زندگانی آفریدگان است بیرون آورد و از آن آب نیز حیوان‌ها و گیاهان را

السَّارِحَاتِ. يَا مَنْ سَبَّحْتَ وَهَلَلْتَ وَقَدَّسْتَ وَكَبَّرْتَ

زندگی بخشید؛ و آنچه را در اندیشه‌های پنهان‌شان - همانند برق - می‌گذرد آگاهی دارد، چنان که

وَسَجَدْتَ لِجَلَالِ جَمَالِ أَقْوَالِ عَظِيمِ عِزَّةِ جَبْرُوتِ

از گفتاری که مورچگان با اشاره‌های رمزی (به عنوان لغت و زبان) دارند آگاه است؛ فرشتگان هفت

مَلَكُوتِ سَلْطَنَتِهِ مَلَائِكَةُ السَّبْعِ السَّمَاوَاتِ، يَا مَنْ دَارَتْ

آسمان برای شکوه زیبایی گفتارهای بزرگ مرتبه عزت جبروت پادشاهی استوارش، زبان به تسبیح

فَأُضَاءَتْ وَأَنْعَارَتْ لِدَوَامِ دَيْمُومِيَّتِهِ النُّجُومُ الزَّاهِرَاتُ،

و تهلیل و تقدیس و تکبیر گشودداند و به سجده افتاده‌اند؛ ای کسی که ستارگان پرتوافشان، در برابر

وَأَخْصَى عَدَدَ الْأَحْيَاءِ وَالْأَمْوَاتِ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَ

دایمی بودن راستین او به چرخش درآمده‌اند و به نورافشانی پرداخته‌اند؛ ای کسی که تعداد زندگان

أَلِ مُحَمَّدٍ خَيْرَ الْبَرِيَّاتِ، وَأَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا. وَبِهِ جَاي

و مردگان را می‌داند و به شماره درآورده است؛ بر محمد و آل محمد - که بهترین مردم هستند -

«كَذَا وَكَذَا» حاجت خود را مسئلت می‌کنی.^۱

درود بی‌پایانت را نثار فرما؛ و این کارم را برای من انجام بده.

دعای دیگر از امام زمان (ع)

این دعای شریف نیز از وجود مبارک حضرت صاحب‌الزمان (ع)

روایت شده است:

اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا تَوْفِيقَ الطَّاعَةِ، وَبُعْدَ الْمَعْصِيَةِ. وَصِدْقَ النِّيَّةِ،

بارالها؛ توفیق فرمان‌برداری از خودت را روزیمان گردان؛ و (نیز، توفیق) دوری از گناه و

وَعَرْفَانَ الْحُرْمَةِ، وَآكْرَمَنَا بِالْهُدَى وَالْإِسْتِقَامَةِ، وَسَدِّدْ

نافرمانی، نیت درست و راستین، شناخت حریم ممنوع خود را نصیب ما بفرما، و ما را

۱. المصباح، ص ۳۵۴؛ البلد الأمين، ص ۴۷۹.

السُّنَّتَا بِالصَّوَابِ وَالْحِكْمَةِ، وَأَمَلًا قُلُوبَنَا بِالْعِلْمِ وَالْمَعْرِفَةِ،

با هدایت و پایداری گرامی بدار. و زبان‌های ما را با سخنان درست و حکیمانه، استوار

وَطَهَّرْ بَطُونَنَا مِنَ الْحَرَامِ وَالشُّبْهَةِ، وَكَفِّفْ أَيْدِينَا عَنِ

گردان. و دل‌های ما را از علم و معرفت پر کن؛ و شکم‌های ما را از حرام و شبهه‌ناک پاک

الظُّلْمِ وَالسَّرِقَةِ، وَأَغْضُضْ أَبْصَارَنَا عَنِ الْفُجُورِ وَالْخِيَانَةِ،

گردان؛ و دستان ما را از ستم و دزدی باز بدار؛ و چشمانمان را از خیانت و تبه‌کاری فرو

وَأَسَدِّدْ أَسْمَاعَنَا عَنِ اللَّغْوِ وَالْغَيْبَةِ، وَتَفَضَّلْ عَلَيَّ عُلَمَائِنَا

ببند؛ و دروازه گوش‌های ما را بر شنیدن مطالب بیهوده و غیبت ببند. و به عالمان ما

بِالزُّهْدِ وَالنَّصِيحَةِ، وَعَلَى الْمُتَعَلِّمِينَ بِالْجُهْدِ وَالرَّغْبَةِ،

زهد و خیرخواهی مرحمت کن؛ و به دانش‌پژوهان تلاش، کوشش و اشتیاق کرم کن؛ و

وَعَلَى الْمُسْتَمِعِينَ بِالإِتِّبَاعِ وَالْمَوْعِظَةِ، وَعَلَى مَرْضَى

شنوندگان را موفق به پیروی و پندپذیری بگردان، و به بیماران مسلمان شفا و راحتی از

الْمُسْلِمِينَ بِالشُّفَاءِ وَالرَّاحَةِ، وَعَلَى مَوْتَاهُمْ بِالرَّافَةِ

بیماری عنایت فرما؛ و مسلمانانی را که از دنیا رفته‌اند با آغوش رافت و مهربانی خاص

وَالرَّحْمَةِ، وَعَلَى مَشَايخِنَا بِالْوَقَارِ وَالسَّكِينَةِ، وَعَلَى

خودت بپذیر؛ و پیران ما را دارای وقار و متانت و آرامش کن؛ جوانان‌مان را موفق به توبه

الشُّبَابِ بِالإِنَابَةِ وَالتَّوْبَةِ، وَعَلَى النِّسَاءِ بِالْحَيَاءِ وَالْعِفَّةِ.

و بازگشت به درگاہت ساز؛ و به زنان حیا و پاکدامنی مرحمت فرما؛ و ثروتمندان ما را

وَعَلَى الْأَغْنِيَاءِ بِالتَّوَّاضِعِ وَالسَّعَةِ، وَعَلَى الْفُقَرَاءِ بِالصَّبْرِ

متواضع و دست و دل باز گردان؛ و فقیران ما را موفق کن تا شکیبایی و قناعت را پیشه

وَالْقَنَاعَةَ، وَعَلَى الْغُزَاةِ بِالنُّصْرِ وَالْغَلْبَةِ، وَعَلَى الْأَسْرَاءِ

کنند؛ و جنگجویان ما را به پیروزی و چیرگی برهان؛ و اسیران ما را به رهایی و راحتی از

بِالْخِلَاصِ وَالرَّاحَةِ، وَعَلَى الْأَمْرَاءِ بِالْعَدْلِ وَالشَّفَقَةِ،

دست دشمن نایل کن؛ و فرمان فرمایان ما را دادگر و دل سوز گردان؛ و رعیت را نیز دارای

وَعَلَى الرَّعِيَّةِ بِالْإِنصَافِ وَحُسْنِ السَّيْرِ، وَبَارِكْ لِلْحُجَّاجِ

انصاف و خوش رفتاری گردان؛ و زاد و توشه حاجیان و زائران را بابرکت گردان و موفقشان

وَالزُّوَّارِ فِي الزَّادِ وَالنَّفَقَةِ، وَأَقْضِ مَا أَوْجَبْتَ عَلَيْهِمْ مِنْ

کن تا حج و عمره‌ای را که بر آنان واجب نموده‌ای به درستی به انجام برسانند همه اینها

الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ. بِفَضْلِكَ وَرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

را به خاطر لطف و احسان و مهربانیت بر ما ارزانی دار، ای مهربان‌ترین مهربانان؛

دعای «یا نور النور»

از امام زمان (ع)

يَا نُورَ النُّورِ، يَا مُدَبِّرَ الْأُمُورِ، يَا بَاعَثَ مَنْ فِي الْقُبُورِ، صَلِّ

ای روشنی بخش روشنی‌ها؛ ای تدبیر کننده کارها؛ ای کسی که تمام مردگان درون قبرها را برمی انگیزی؛ بر

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْ لِي وَلِشِيعَتِي مِنَ الضِّيقِ

محمد و آل محمد درود بفرست، و گشایشی برای من، و پیروان من فراهم کن تا از این تنگنا رها شویم، و

فَرَجًا، وَمِنَ الْهَمِّ مَخْرَجًا، وَأَوْسِعْ لَنَا الْمَنْهَجَ، وَأَطْلِقْ لَنَا

از اندوخته‌ها به در آییم؛ و مسیر و راه ما را وسیع گردان، و از نزد خودت به گونه‌ای برای ما راهی مقرر کن که

مِنْ عِنْدِكَ مَا يُفَرِّجُ، وَافْعَلْ بِنَا مَا أَنْتَ أَهْلُهُ يَا كَرِيمُ. ۱

گشایشی در تمام امورمان حاصل شود؛ و آن گونه که تو سزاوارش هستی - ای بزرگوار؛ - با ما رفتار کن.

در روایت است که: هر کس این دعا را همیشه بخواند، با امام

عصر (ع) محشور خواهد شد. ۲

۲۴

دعای دیگر از امام زمان (ع)

برای رفع مشکلات

این دعای شریف برای رفع مشکلات، در کتاب «قصص الأنبياء»

از مولایمان امام زمان (ع) نقل شده است:

يَا مَنْ إِذَا تَضَايَقَتِ الْأُمُورُ فَتَحَ لَنَا بَابًا لَمْ تَذْهَبْ إِلَيْهِ

ای کسی که وقتی کارها بر ما تنگ آید، دری را به روی ما می‌گشاید که به خیال و اندیشه هیچ کس

الْأَوْهَامُ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَفْتَحْ لِي أُمُورِي

نرسیده باشد؛ بنابراین، از تو می‌خواهم که بر محمد و آل محمد درود بفرستی و دری فراروی کارهای

۱. المصباح، ص ۴۰۷؛ جنات الخلود، ص ۴۱؛ ضياء الصالحين، ص ۵۳۳.

۲. منتخب الأثر، ص ۵۲۱.

الْمُتَضَائِقَةَ بِأَبَا لَمْ يَذْهَبَ إِلَيْهِ وَهُمْ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. ۱

گره خورده و بسته شده‌ام بگشایی که هیچ ذهنی بدان نرسیده باشد. ای مهربان‌ترین مهربانان.

۲۵

دعای مهمّ دیگر از امام زمان (ع)

برای برآورده شدن حاجت‌ها

«سید علی خان» در کتاب شریف «الکلم الطیب» می‌گوید: این دعای ارزشمندی است از امام زمان (ع) برای کسی که چیزی از او ضایع گشته یا حاجتی دارد؛ لذا شخصی که خواسته یا مشکل مهمّی دارد باید این دعا را بسیار بخواند:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.

به نام خداوند بخشنده مهربان

أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، مُبْدِئُ الْخَلْقِ وَمُعِيدُهُمْ

تو آن خدایی هستی که جز تو معبودی نیست؛ آغازگر و بازگرداننده آفریدگان هستی.

وَأَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، مُدَبِّرُ الْأُمُورِ، وَبَاعِثُ

و تویی آن خدایی که جز تو معبودی نیست؛ تدبیر کننده کارها هستی، و هر که را در

مَنْ فِي الْقُبُورِ، وَأَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْقَابِضُ

قبرهاست برمی‌انگیزی؛ تو همان خدای یکتایی هستی که جز تو معبودی نیست؛ تنگ

الْبَاسِطُ، وَأَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، وَارِثُ الْأَرْضِ

گیرنده و گستراننده هستی؛ و تو آن خدایی هستی که جز تو معبودی نیست؛ و وارث

وَمَنْ عَلَيْهَا. أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي إِذَا دُعِيتَ بِهِ أُجِبْتَ،

زمین و ساکنان آن هستی. از تو درخواست می‌کنم به واسطه نامت که هرگاه بدان خوانده

وَإِذَا سُئِلْتَ بِهِ أُعْطِيتَ، وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ،

شدی پاسخ دادی؛ و هرگاه بدان وسیله از تو درخواست شده عطا کردی؛ و به حق محمد

وَبِحَقِّهِمُ الَّذِي أَوْجَبْتَهُ عَلَيَّ نَفْسِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

و اهل بیت او؛ و به واسطه حقی که برای ایشان بر خود واجب ساخته‌ای از تو درخواست

وَالِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُقْضِيَ لِي حَاجَتِي، السَّاعَةَ السَّاعَةَ،

می‌کنم تا بر محمد و آل محمد درود بفرستی و حاجتم را برآورده سازی؛ همین ساعت،

يَا سَيِّدَاهُ، يَا مَوْلَاهُ، يَا غِيَاثَاهُ، أَسْأَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ سَمَّيْتَهُ

همین ساعت ای آقای من؛ ای مولای من؛ ای فریاد رس من؛ از تو می‌خواهم به واسطه

بِهِ نَفْسِكَ، وَأَسْتَأْثَرْتُ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ أَنْ تُصَلِّيَ

تمامی نام‌هایی که خویشتن را بدان نامیده‌ای و آن را در دانش پنهانیت نزد خود نگه

عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَالِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُعَجِّلَ خَلَاصَنَا مِنْ هَذِهِ

داشته‌ای؛ که بر محمد و آل محمد درود بفرستی، و در رهایی ما از این گرفتاری و سختی

السُّدَّةِ، يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ، يَا سَمِيعَ الدُّعَاءِ، إِنَّكَ

شتاب کنی. ای دگرگون‌کننده دل‌ها و چشم‌ها؛ ای شنوای دعا؛ به راستی که تو بر هر

عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ۱.

چیزی توانا هستی؛ به واسطه رحمتت ای مهربان‌ترین مهربانان؛

۲۶

دعای امام عصر (ع)

برای شفا از بیماری‌ها

«محدث نوری (ره)» می‌فرماید: شیخ بزرگوار جناب «کفعمی (ره)»

در کتاب «البلد الامین» از حضرت مهدی (ع) روایت می‌کند:

کسی که این دعا را با تربت امام حسین (ع) در ظرف نو بنویسد،

و آن را بشوید و بنوشد، از بیماری‌هایش رهایی می‌یابد:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

بِسْمِ اللَّهِ دَوَاءٌ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ شِفَاءٌ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ كِفَاءٌ،

(گفتن) «بِسْمِ اللَّهِ» دواست؛ و «الْحَمْدُ لِلَّهِ» شفاست؛ و «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» موجب کفایت است؛ و

هُوَ الشَّافِي شِفَاءٌ، وَهُوَ الْكَافِي كِفَاءٌ، أَذْهَبَ الْبَاسَ

«هُوَ الشَّافِي» شفا است و «هُوَ الْكَافِي» کفایت است؛ تو را به پروردگار مردم سوگند می‌دهم

بِرَبِّ النَّاسِ، شِفَاءً لَا يُغَادِرُهُ سُقْمٌ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ

که بدی را دور گردانی و شفایی بدهی که هیچ بیماری در پی آن نباشد. و درود پیوسته

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ النَّجَبَاءِ.۱

خداوند بر محمد و آل نجیبش نثار باد.

«محدث نوری (ره)» در ادامه می‌افزاید: دست خطی از سید زین‌الدین

علی بن حسین حسینی دیدم که بیان داشته است: این دعا را مردی از ساکنان کربلا در عالم خواب از حضرت مهدی (ع) آموخته بود.

وی بیمار بود، و از بیماری خود به حضرت مهدی (ع) شکایت کرد و آن حضرت دستور فرمود این دعا را بنویسد و بشوید و بنوشد. وی چنان کرد و فوراً بیماریش برطرف شد.

۲۷

دعای دیگر از امام زمان (ع)

برای رهایی از سختی‌ها و حفظ شدن از دزدان

اللَّهُمَّ إِنِّي أَخَافُكَ، وَأَخَافُ مِمَّنْ يَخَافُكَ، وَأَعُوذُ بِكَ

بارالها! من از تو می‌ترسم؛ و از هر کسی که از تو می‌ترسد نیز می‌ترسم؛ و از کسانی که

مِمَّنْ لَا يَخَافُكَ.

از تو نمی‌ترسند به خودت پناه می‌برم.

۱. جنّة المأوی، ص ۲۲۶، دارالسلام، ج ۱، ص ۲۸۸.

دعای دیگری از امام زمان (ع)
برای رهایی از سختی‌ها و مشکلات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

رَبِّ اسْأَلْكَ مَدَدًا رُوحَانِيًّا تَقْوِيًّا بِه قُوَايَ الْكُلِّيَّةِ وَالْجُزْئِيَّةِ،

بار پروردگارا! مدد و کمک روحانی از تو درخواست می‌کنم که نیروهای کلی و نیز جزئی مرا با آن تقویت و

حَتَّى أَقْهَرَ بِمَبَادِي نَفْسِي كُلَّ نَفْسٍ قَاهِرَةٍ، فَتَنْقَبِضَ لِي

نیرومند گردانی؛ تا اینکه بتوانم با امکانات خویشتن هر کسی هر چه توانمند باشد شکست بدهم؛ به گونه‌ای

إِشَارَةً دَقَائِقَهَا، انْقِبَاضًا تَسْقُطُ بِه قُوَاهَا، حَتَّى لَا يَبْقَى

که دقیق‌ترین و حساس‌ترین حرکت‌های او در اختیارم قرار گیرد و بدین سان نیروهای او از کار بیفتند. تا

فِي الْكُونِ ذُو رُوحٍ إِلَّا وَنَارُ قَهْرِي قَدْ أَحْرَقَتْ ظُهُورَهُ.

جایی که هیچ موجود دارای روحی در هستی نباشد، جز آنکه آتش قهر من نمود او را بسوزاند. ای سخت‌گیر؛

يَا شَدِيدُ، يَا ذَا الْبَطْشِ الشَّدِيدِ، يَا قَاهِرُ يَا قَهَّارُ، اسْأَلْكَ

ای سخت‌گیر؛ ای صاحب سخت‌گیری شدید؛ ای دارای سلطه؛ ای دارای غلبه و چیرگی فراوان؛ به واسطه

بِمَا أَوْدَعْتَهُ عِزْرَ آئِيلٍ مِنْ أَسْمَائِكَ الْقَهْرِيَّةِ، فَاَنْفَعَلْتَ لَهُ

آن نام‌های قهری که به عزرائیل سپردی و تمام جان‌ها خواه ناخواه تحت تأثیر قهر و غلبه او هستند، از تو

النُّفُوسُ بِالْقَهْرِ، أَنْ تُودِعَنِي هَذَا السَّرِّ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ،

درخواست می‌کنم تا در همین ساعت از زندگانیم آن راز را (که به عزرائیل سپرده‌ای) را به من نیز عنایت

حَتَّى الْيُنَّ بِه كُلِّ صَعْبٍ، وَأَذِلَّ بِه كُلِّ مَنِيعٍ، بِقُوَّتِكَ يَا

فرمایی؛ تا در نتیجه هر سخت دشواری را نرم کنم، و هر نیرومندی را خوار و در اختیار قرار دهم؛ به کمک

ذَا الْقُوَّةِ الْمَتِينِ.

نیرویت، ای دارای نیروی استوار.

این دعا را هنگام سحر - در صورت امکان - سه مرتبه و هنگام

صبح سه مرتبه و در شب نیز سه مرتبه خوانده شود. البته اگر

مشکلات خواننده این دعا بسیار سخت و غیرقابل تحمل است پس

از قرائت دعا سی مرتبه این دعا را نیز بخواند:

يَا رَحْمَانُ يَا رَحِيمُ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، أَسْأَلُكَ اللَّطْفَ

ای بخشنده؛ ای مهربان حقیقی؛ ای مهربان‌ترین مهربانان؛ از تو لطف را نسبت به آنچه

بِمَا جَرَّتْ بِه الْمَقَادِيرُ ۱-

جاری گشته به آن مقدرات تقاضا دارم.

حز امام زمان (ع)

سید بزرگوار، «علی بن طاووس (ره)» در «مهج الدعوات»، و «مرحوم کفعمی» در «البلد الامین» حز مولا یمان امام زمان (ع) را چنین نقل کرده‌اند:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

يَا مَالِكَ الرَّقَابِ وَ هَازِمَ الْأَحْزَابِ، يَا مُفْتِحَ الْأَبْوَابِ،

ای صاحب اختیار همگان؛ ای شکست دهنده حزب‌های متحد شده؛ ای گشاینده درها؛ ای

يَا مُسَبِّبَ الْأَسْبَابِ سَبِّبْ لَنَا سَبِيًّا لَا نَسْتَطِيعُ لَهُ طَلْبًا

سبب ساز حقیقی تمام سبب‌ها؛ سببی برای ما بساز که توان دست‌یابی و جستجویش را

بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ

نداریم؛ به حق کلمه شهادتین: «لا إله إلا الله»؛ «محمد رسول الله»؛ که صلوات و درودهای

إِلَهُ أَجْمَعِينَ. ۱

الهی پیوسته بر او و تمام آل او نثار باد.

دعای حجاب (پنهان بودن)، از امام عصر (ع)

اللَّهُمَّ احْجُبْنِي عَنْ عُيُونِ أَعْدَائِي، وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ

بارالها؛ مرا از دیده دشمنانم بپوشان، و مرا با دوستانم گرد هم بیاور، و آنچه را به من وعده

أَوْلِيَائِي، وَأَنْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي، وَاحْفَظْنِي فِي غَيْبَتِي

فرموده‌ای به انجام برسان، و مرا در زمان غیبت و پنهانیم - تا آنگاه که اجازه آشکار شدنم را

إِلَى أَنْ تَأْذَنَ لِي فِي ظُهُورِي، وَأَخِي بِي مَا دَرَسَ مِنْ

صادر می‌فرمایی - در حفظ و نگهداری خود بدار، و واجبات و مستحباتی که کهنه شده‌اند به

فَرُوضِكَ وَ سُنَنِكَ، وَعَجِّلْ فَرَجِي، وَسَهِّلْ مَخْرَجِي،

دست من زنده کن، و در گشایش امرم شتاب فرما، و شرایط قیام مرا آسان و فراهم گردان،

وَاجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا، وَافْتَحْ لِي فَتْحًا

و از جانب خودت برایم سلطنتی یاری کننده مقرر دار، و پیروزی آشکاری نصیبم ساز، و مرا

مُبِينًا، وَاهْدِنِي صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا، وَقِنِي جَمِيعَ مَا أَحَازِرُهُ

در راه راست رهنمون باش، و مرا از ستمگرانی که حذر می‌کنم در حفظ و حراست بدار، و

مِنَ الظَّالِمِينَ، وَاحْجُبْنِي عَنْ أَعْيُنِ البَاغِضِينَ، النَّاصِبِينَ

مرا از دیده کینه توزان و دشمنان سرسخت آل پیامبرت که پرچم دشمنی به دوش دارند

العَدَاوَةَ لِأَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ، وَلَا يَصِلْ مِنْهُمْ إِلَى أَحَدٍ بِسُوءٍ.

پنهان بدار، و مگذار هیچ گزندی از هیچ کسی به من رسد. آنگاه که اجازه ظهور و آشکار

فَإِذَا أَذْنَتْ فِي ظُهُورِي فَأَيِّدْنِي بِجُنُودِكَ، وَاجْعَلْ مَنْ

شدن مرا دادی نیز با سپاهیان خودت موفق و تأییدم فرما، و پیروانم را که برای یاری دینت

يَتَّبِعُنِي لِنُصْرَةِ دِينِكَ مُؤَيِّدِينَ، وَفِي سَبِيلِكَ مُجَاهِدِينَ،

گرداگرد من هستند و در راه تو جهاد می کنند نیز تأییدکن و موفق فرما؛ (این دوستانم را)

وَعَلَى مَنْ أَرَادَنِي وَ أَرَادَهُمْ بِسُوءٍ مَنْصُورِينَ، وَوَقِّفْنِي

بر بدخواهان من و ایشان یاری کن. مرا موفق کن تا حدود تو را برپا گردانم، و بر هر کسی

لِإِقَامَةِ حُدُودِكَ، وَأَنْصُرْنِي عَلَى مَنْ تَعَدَّى مَحْدُودَكَ.

که پا از مرز و حدود تو را برپا گردانم، و بر هر کسی که پا از مرز و حدود تو فراتر از گذاشته

وَأَنْصُرِ الْحَقَّ وَ أَهَقِ الْبَاطِلَ، إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا،

است مرا یاری فرما و غالب گردان. حق و راستی را یاری کن، و باطل را نابود و نیست گردان

وَأُورِدْ عَلَيَّ مِنْ شِيعَتِي وَ أَنْصَارِي مَنْ تَقَرَّبَ بِهِمُ الْعَيْنُ،

چرا که باطل رفتنی است. آن دسته از دوستان و پیروان و یاران مرا که موجب چشم‌روشنی

وَيَشُدُّ بِهِمُ الْأَزْرُ، وَاجْعَلْهُمْ فِي حِرْزِكَ وَأَمْنِكَ، بِرَحْمَتِكَ

و پشت گرمی هستند، نزد من بیاور؛ و ایشان را نیز در نگهبانی و امنیت و یزادات قرار بده؛

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. ۱

(این کارها را) با رحمت خود انجام بده، ای مهربان‌ترین مهربانان.

دعا برای فرج در روز ظهور

«شیخ نعمانی (ره)» در کتاب «الغیبه» این دعا را از «یونس بن ظبیان» نقل کرده است که امام صادق (ع) فرمود:

وقتی شب جمعه فرا می‌رسد، خدای تعالی فرشته‌ای را به آسمان دنیا می‌فرستد؛ پس از دمیدن صبح، آن فرشته بر عرش نشسته و بر بالای بیت المعمور قرار می‌گیرد و منبرهایی از نور برای حضرت محمد، حضرت علی، امام حسن و امام حسین (ع) آماده می‌کند و آنها بر فراز منبرها می‌روند و فرشتگان و پیامبران و مؤمنان گرداگرد ایشان درمی‌آیند و درهای آسمان گشوده می‌شود.

هنگامی که ظهر فرا رسد، پیامبر خدا (ص) عرض می‌کند: پروردگارا! زمان انجام وعده تو که در قرآن فرموده‌ای کی فرا می‌رسد.

(و آن وعده، این آیه شریفه است:)

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي

الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلِيُمْكِنَ لَهُمْ دِينُهُمُ الَّذِي
ارْتَضَى لَهُمْ وَلِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا^۱.

خدا به مؤمنانی که اعمال شایسته دارند وعده داده که به طور
حتم ایشان را - همانند پیشینیان که به خلافت رسانید - به خلافت
و حکومت بر زمین گمارد و شرایط اجرای دینی را که برایشان
پسندیده است فراهم سازد، و به جای خوف و هراسی که در روزگار
برای ایشان به وجود آمده است امنیت و آرامش را جایگزین سازد.
پس از این، فرشتگان و پیامبران نیز همین دعا را می کنند؛ سپس
حضرت محمد و علی و حسن و حسین (ع) به سجده می افتند، و
عرضه می دارند:

يَا رَبِّ اغْضَبْ، فَإِنَّهُ قَدْ هُتِكَ حَرِيمُكَ، وَقُتِلَ أَصْفِيَاؤُكَ،

پروردگارا! خشم کن؛ زیرا، حرمت شکسته شد، و برگزیدگان کشته شدند، و بندگان

وَأَذِلَّ عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ.

صالح و شایسته تو به خواری کشیده شدند.

خداوند دعای آنان را می پذیرد و «روز معلوم» همان روز است.^۲

۱. سوره نور، آیه ۵۵.

۲. مکیال المکارم، ج ۱، ص ۳۹۳؛ از الغیبه مرحوم نعمانی: ص ۲۷۶.

دعای حضرت بقیسه الله (ع)

در اول ظهور

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقْنَا وَعَدَّهُ، وَأَوْرَثَنَا الْأَرْضَ، نَتَبَوَّءُ

سپاس ویژه خداست که وعده خویش را نسبت به ما انجام داد، و ما را وارث زمین گردانید، تا هر کجا که

مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ، فَنَعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ»^۱.

بخواهیم در بهشت ساکن گردیم؛ بنابراین، چه نیکوست پاداش کسانی که اهل عمل هستند.

دعای شیعه

هنگام خروج حضرت قائم (ع)

پیغمبر خدا (ص) می فرمایند:

اگر می خواهی از غرق شدن و آتش سوزی و سرقت در امان

باشی، در هنگام صبح بگو:

۱. سوره زمر (ع)، آیه ۷۴.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۷.

بِسْمِ اللَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ، لَا يَصْرَفُ السُّوءَ إِلَّا اللَّهُ، بِسْمِ اللَّهِ مَا

به نام خدا! هر چه خدا بخواهد؛ (همان خواهد شد؛) جز خدا، کسی نمی تواند بدی ها را برطرف و دور کند. به

شَاءَ اللَّهُ، لَا يَسُوقُ الْخَيْرَ إِلَّا اللَّهُ، بِسْمِ اللَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ، مَا

نام خدا! هر چه خدا بخواهد، (همان خواهد شد؛) جز خدا کسی نمی تواند خیر و خوبی را بکشد به نام خدا!

يَكُونُ مِنْ نِعْمَةِ فَمَنْ اللَّهُ، بِسْمِ اللَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ، لَا حَوْلَ

هر چه خدا بخواهد، (همان می شود) هر نعمتی که وجود داشته باشد از خداست به نام خدا! هر چه خدا بخواهد

وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، بِسْمِ اللَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ،

(همان خواهد شد؛) هر نیرو و جنبشی، تنها به واسطه خدای بلند مرتبه بزرگوار خواهد بود. به نام خدا! هر چه

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ.

خدا بخواهد، (همان خواهد شد؛) و خدا بر محمد و آل بسیار پاکش درود بفرستد.

دعای آن حضرت (ع)

هنگام عبور از وادی السلام

حضرت امیرالمؤمنین (ع) می فرماید:

گویا او (حضرت بقیة الله (ع)) را می بینم که سوار بر اسبی آراسته

که پیشانی آن از سفیدی می درخشد، از «وادی السلام» عبور

می کند و به سوی «رودخانه سهله» می رود و این دعا را می خواند:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَقًّا حَقًّا، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِيْمَانًا وَصِدْقًا،

به حقیقت و واقعیت اعتراف می‌کنم که جز خدا معبودی نیست؛ ایمان دارم و تصدیق می‌کنم که هیچ

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَعْبُدًا وَرِقًّا. اللَّهُمَّ مُعِزُّ كُلِّ مُؤْمِنٍ

معبودی جز خدا نیست؛ از روی بندگی و سلب اختیار از خود در برابر خدا، عرضه می‌دارم که جز او

وَحِيدٍ، وَمُذِلُّ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ، أَنْتَ كُنْفَى حِينَ تُعِينِي

معبودی نیست. بارالها! ای عزت‌بخش هر مؤمن غریب و تنها؛ ای کسی که هر ستمگر زورگوی کینه‌توزی

الْمَذَاهِبِ، وَتَضِيقُ عَلَيَّ الْأَرْضُ بِمَا رَحِبَتْ. اللَّهُمَّ

را تو خوار می‌کنی؛ تو تنها پناهگاه و حامی من هستی؛ آنگاه که راه‌های گوناگون مرا به رنج افکند؛ و

خَلَقْتَنِي وَكُنْتَ غَنِيًّا عَنِ خَلْقِي، وَلَوْلَا نَصْرُكَ إِيَّايَ

زمین با این همه گسترده و پهنا، بر من تنگ آید. بارالها! تو مرا آفریده‌ای در حالی که بی‌نیاز از آفرینش

لَكُنْتُ مِنَ الْمَغْلُوبِينَ، يَا مُنْشِرَ الرَّحْمَةِ مِنْ مَوَاضِعِهَا،

من بودی؛ اگر جز یاری رساندن تو بود، به طور حتم من نیز از شکست خوردگان بودم. ای خدایی که

وَمُخْرِجَ الْبَرَكَاتِ مِنْ مَعَادِنِهَا، وَيَا مَنْ خَصَّ نَفْسَهُ

رحمت و مهربانی خویش را از جایگاه‌های آن می‌پراکنی؛ ای خدایی که برکت‌ها را از معدن‌های آن بیرون

بِشْمُوحِ الرَّفْعَةِ، فَأَوْلِيَاؤُهُ بَعِزُّهُ يَتَعَزَّزُونَ، يَا مَنْ وَضَعَتْ

می‌آوری؛ ای خدایی که بلندمرتبتگی و والایی را به خویش اختصاص داد، و بدین‌سان دوستانش به واسطه

لَهُ الْمُلُوكِ نِيرَ الْمَدْلَةِ عَلَى أَعْنَاقِهِمْ، فَهُمْ مِنْ سَطْوَتِهِ

او عزتمند می‌شوند؛ ای که تمام پادشاهان، یوغ خواری و ذلت را بر گردن خویش در برابر تو افکنده‌اند؛ و

خَائِفُونَ، أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي فَطَرْتَ بِهِ خَلْقَكَ، فَكُلِّ

از خشم تو و هیبت پیوسته بیمناک هستند؛ به واسطه آن نامت از تو درخواست می‌کنم که آفریدگانت

لَكَ مُذْعِنُونَ. أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُنْجِزَ

را با آن آفریدی، و همه به فرمان برداریت گردن نهاده‌اند. از تو درخواست می‌کنم که بر محمد (ص) درود

لِي أَمْرِي، وَتُعَجِّلَ لِي فِي الْفَرَجِ، وَتَكْفِينِي وَتُعَافِينِي

بفرستی، و کار مرا به انجام برسانی، و در گشایش و فرج کار من ستاب فرمایی، و مرا کفایت کنی و عافیت

وَ تَقْضِيَ حَوَائِجِي، السَّاعَةَ السَّاعَةَ، اللَّيْلَةَ اللَّيْلَةَ، إِنَّكَ

و سلامتی ببخشی و خواسته‌هایم را برآورده سازی؛ در همین ساعت؛ در همین ساعت؛ همین امشب؛

عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. ۱-

همین امشب؛ به راستی که تو بر هر چیزی توانایی.

۲۵

صلوات بر فاطمة زهرا (س)

(اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ فَاطِمَةَ وَ أَيْهَا...)

یکی از صلوات‌های مجرب و مؤثر در گرفتن حاجت، صلوات حضرت

فاطمه زهرا (س) است؛ به این گونه که پانصد و سی مرتبه بگوید:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ فَاطِمَةَ وَ أَيْهَا وَ بَعْلَهَا وَ بَنِيهَا [وَ السِّرُّ

خداوندا؛ درود فرست بر فاطمه و پدر بزرگوارش و همسر گرامیش و فرزندان عزیزش او

۱. العدد القویة، ص ۷۵، دلائل الإمامة، ص ۴۸۵ (با تفاوتی اندک).

المُسْتَوْدَعُ فِيهَا [بَعْدَ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ.]

به آن رازی که در وجود او به ودیعه نهادی [به تعداد آنچه دانش تو بر آن احاطه دارد.

مقصود از «السرّ المستودع فیها» حضرت حجّت (ع) است.

بخش هفتم

توسّل به حضرت بقیّة الله (ع)

دعای توسّل به حضرت بقیّة الله (ع)

در کتاب «قبس المصباح» دعای مختصری (برای توسّل به مولای مان صاحب الزّمان (ع)) نقل شده که عبارت است از:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ وَلِيِّكَ وَحُجَّتِكَ صَاحِبِ الزَّمَانِ إِلَّا

خداوندا! از تو درخواست می‌کنم به حقّ ولی و حجتت، صاحب زمان، اینکه به واسطه آن حضرت،

أَعْنَتَنِي بِهِ عَلَى جَمِيعِ أُمُورِي، وَكَفَيْتَنِي بِهِ مَوْوَنَةَ كُلِّ مُوَدِّ

مراد در همه کارهایم یاری رسانی و به وسیله او مرا از شرّ هر طغیانگر و ستمگر و آزاررسانی در

وَطَاغِ وَبَاغٍ، وَأَعْنَتَنِي بِهِ، فَقَدْ بَلَغَ مَجْهُودِي، وَكَفَيْتَنِي كُلَّ

امان بداری و کمکم کنی. به راستی که ناتوان گشته و جانم به لب رسیده و از هر دشمن و (غم و

عَدُوٍّ وَهَمٍّ [وَعَمٍّ] وَدَيْنٍ، وَوُلْدِي وَجَمِيعِ أَهْلِي وَإِخْوَانِي،

اندوهی) و مشکلات و قرضی، کفایت کنی مرا و فرزندانم و همه اهل و برادرانم را، و هر کس کار

وَمَنْ يُعْنِينِي أَمْرُهُ وَخَاصَّتِي، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ. ۱

او به من مربوط می‌شود و نیز خاصان مرا، این دعا را بپذیر ای پروردگار جهانیان.

در کتاب «جنات الخلود» می‌فرماید: فتح و پیروزی بر دشمنان در جنگ‌ها و غیر آن، و نیز ادای قرض‌ها، بستگی به توسل به حضرت مهدی (ع) به این طریق دارد^۱ و سپس این دعا را نقل نموده است.

۲

توسل به حضرت بقیة الله (ع)

در مشکلات

از وظایف بزرگ ما توجه و توسل به حضرت بقیة الله (ع) است؛ مخصوصاً در هنگام سختی‌ها، مشکلات شدید و بیماری‌های دشوار که بر انسان وارد می‌شود. یکی از ذکرهای مهم و مجرب در رفع گرفتاری‌ها ذکر شریف زیر است:

يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ أَغْنِنِي، يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ أَدْرِكْنِي

ای صاحب‌الزمان؛ به فریادم برس، ای صاحب‌الزمان، مرا دریاب.

۱. جنات الخلود، ص ۴۰.

۳

توسّل دیگر به حضرت بقیّة الله (ع)

در مشکلات (یا فارس الحجاز)

روایت شده است که:

هر مؤمنی که امری از امور دنیوی یا اخروی بر او دشوار گردد، به صحرا رود و این دعا را هفتاد مرتبه بخواند، یاری حضرت صاحب الامر (ع) به او می‌رسد:

يَا فَارِسَ الْحِجَازِ أُدْرِكُنِي، يَا أَبَا صَالِحِ الْمَهْدِيِّ أُدْرِكُنِي، يَا

ای اسب سوار حجاز؛ مرا دریاب، ای اباصالح المهدی؛ مرا دریاب، ای ابالقاسم، مرا دریاب،

أَبَا الْقَاسِمِ أُدْرِكُنِي وَلَا تَدْعُنِي، فَإِنِّي عَاجِزٌ ذَلِيلٌ.

مرا دریاب، و مرا رها نکن که همانا من درمانده‌ای ناتوان و خوار هستم.

۴

توسّل دیگر به حضرت بقیّة الله (ع)

در مشکلات (یا محمد یا علی...)

يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ يَا فَاطِمَةُ، يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ أُدْرِكْنِي وَ

ای محمد، ای علی، ای فاطمه، ای صاحب زمان، مرا دریاب

لَا تُهْلِكْنِي. ۱

و هلاکم نکن.

۵

توسّل دیگر به حضرت بقیّة الله (ع)

(یا صاحب الزّمان)

روایت شده است: هر که را شدّت و مصیبتی برسد هفتاد بار بگوید:

يَا اللهُ يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ يَا فَاطِمَةُ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ، أُدْرِكْنِي وَلَا تُهْلِكْنِي. ۲

ای خدا، ای محمد، ای علی، ای فاطمه، ای صاحب الزّمان، مرا دریاب و هلاکم نکن.

۶

توسّل دیگر به آن حضرت (ع)

در کتاب «التحفه الرضویّة» آمده است: بعد از نافله مغرب، صد

مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد (ع) بفرست، سپس هفتاد مرتبه

۱. دارالسلام، عراقی، ص ۳۱۷.

۲. منهاج العارفين، ص ۴۸۳.

بگو:

يَا اللَّهُ يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ يَا فَاطِمَةُ يَا حَسَنُ يَا حُسَيْنُ، يَا

ای خدا؛ ای محمد؛ ای علی؛ ای فاطمه؛ ای حسن؛ ای حسین؛ ای صاحب الزمان؛ مرا

صاحب الزمان، اذرن کنی یا صاحب الزمان.۱

دریاب ای صاحب الزمان.

سپس صد مرتبه دیگر صلوات بفرست و آنگاه حاجت خود را

طلب کن.

صاحب کتاب «التحفة الرضویة» در ادامه می نویسد: سید علامه،

حضرت والد فرموده است: این دعا برای برطرف شدن مشکلات و

سختی های مهم تجربه شده است.

۷

توسل دیگر به حضرت حجّت (ع)

(یا حجّة القائم)

از سید بزرگوار و استاد معظم، عالم ربّانی و حکیم و فقیه

۱. التحفة الرضویة، ص ۱۵۰.

بلندمرتبه «سید محمد هندی نجفی (ره)» و او از دانشمند محترم
 «سید حسن قزوینی» و او از «سید حسین شوشتری» که از امامان
 جماعت بود و او از استادانش نقل می کند که:
 (در سختی ها و مشکلات) سر برهنه رو به قبله بایست و پانصد و
 هفتاد مرتبه بگو: «یا حَجَّةُ الْقَائِمِ»، و این عمل تجربه شده است.^۱

۸

توسل برای رفع بیماری

توسل به اسمی که مولایمان حضرت بقیه الله (ع) در دعا برای
 پایان یافتن دوران غیبت می خوانند:

«داوود بن زربی» می گوید: در مدینه به شدت مریض شدم و خبر
 مریضی من به امام صادق (ع) رسید. حضرت به من چنین نوشت:
 خبر مریضی تو به من رسید. یک صاع^۲ گندم بخر، آنگاه بر پشت
 بخواب و گندم را به روی سینهات بریز هر گونه که ریخته شد و

۱. تکالیف الأنام فی غیبة الإمام، ص ۲۵۱.

۲. یک صاع، ۳۹ سیر است که قریب یک من می باشد.

چنین بگو:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي إِذَا سَأَلَكَ بِهِ الْمُضْطَرُّ

بارخدايا؛ از تو درخواست می‌کنم به آن اسمت که هرگاه مضطرّ (امام زمان (ع)) به آن

كشفت ما به من ضرٌّ، وَمَكُنْتَ لَهُ فِي الْأَرْضِ، وَجَعَلْتَهُ

اسم تو را بخواند، مشککش را برطرف می‌کند و در زمین توانایی و قدرتش می‌دهی و

خَلِيفَتِكَ عَلَى خَلْقِكَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَعَلَى أَهْلِ

خليفة خود بر بندگانت قرار می‌دهی، (از تو می‌خواهم) که بر محمد و اهل بیتش درود

بِئْتِهِ، وَأَنْ تُعَافِيَنِي مِنْ عِلَّتِي.

فرستی و مرا از این بیماری عافیت بخشی.

سپس بنشین و گندم را جمع کن و همین دعا را بخوان. سپس

گندم را یک مدّ، یک مدّ، (که هر مدّ ده سیر است) تقسیم کن و به

هر مسکینی یکی از آن را بده و باز همان دعا را بخوان.

«داوود» می‌گوید: این کار را که انجام دادم، گویی از بند آزاد

شدم و عده‌ای دیگر هم این دستور را عمل کردند و از آن بهره‌مند

گردیدند.^۱

۱. بحار الأنوار، ج ۹۵، ص ۳۵؛ المصباح، ص ۱۹۹.

بخش هشتم

عریضه‌ها

کیفیت نوشتن نامه

به محضر امام عصر (ع)

عباراتی را که در پی می آید در کاغذی نوشته و آن را بر روی قبر یکی از امامان (ع) می افکنی. یا آن را بسته و مهر کن و در میان گل پاکی که ساخته‌ای قرار ده؛ سپس آن را در جوی آب یا چاهی عمیق یا برکه‌ای بینداز که نامه به محضر مقدس امام عصر (ع) خواهد رسید و آن حضرت، خودش عهده‌دار برآوردن خواسته‌ات می‌گردد. کیفیت نوشتن نامه بدین صورت است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

كَتَبْتُ يَا مَوْلَايَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ مُسْتَعِيثًا، وَشَكْوَتْ

ای مولای من - که درود خدا بر تو باد - به پیشگاه مقدست می نویسم در حالی که تو را به فریاد می طلبم؛ و به تو

مَنْزَلَ بِي مُسْتَجِيرًا بِاللَّهِ عَزَّوَجَلَّ ثُمَّ بِكَ، مِنْ أَمْرِ قَدْ

از مشکلی که برایم پیش آمده شکوه و شکایت می نمایم، در حالی که به خداوند و تو پناه آوردم؛ از مصیبتی که

دَهَمَنِي، وَأَشْغَلَ قَلْبِي، وَأَطَالَ فِكْرِي، وَسَلَبَنِي بَعْضَ

تحمّلش برای من مشکل است و قلبم را به خود واداشته است. و اندیشهام در موردش به درازا کشیده است، و مقداری

لُبِّي، وَغَيْرَ خَطِيرِ نِعْمَةِ اللَّهِ عِنْدِي، أَسْلَمَنِي عِنْدَ تَخِيلٍ

از عقل و خرد مرا زایل گردانده، و نعمت ارزشمندی را که خدا به من داده است دگرگون ساخته است. هنگام گمان

وُرُودِهِ الْخَلِيلُ، وَتَبَرَّأَ مِنِّي عِنْدَ تَرَائِي إِقْبَالِهِ إِلَيَّ

ورود این مشکل، دوست صمیمی من، مرا وا گذاشت، و خویشاوند صمیمی من نیز وقتی متوجه شد این مشکل در راه

الْحَمِيمِ، وَعَجَزَتْ عَن دِفَاعِهِ حِيلَتِي، وَخَانَتْنِي فِي

است از من بیزاری جست. چاره جویی های من در مقابله با این گرفتاری راه به جایی نبرده است، و بردباری و نیروی

تَحْمَلُهُ صَبْرِي وَقُوَّتِي. فَلَجَأْتُ فِيهِ إِلَيْكَ، وَتَوَكَّلْتُ

من قادر به تحمل آن نیست و به وظیفه خود عمل نکرده است. بدین سان، چاره های ندیدم جز آنکه به سرعت به

فِي الْمَسْأَلَةِ لِلَّهِ جَلَّ ثَنَاؤُهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْكَ فِي دِفَاعِهِ

استان مقدّست پناه آورم، و برای درخواست از خداوند - که ستایشش شکوهمند، از آن اوست - به خداوند و همچنین

عَنِّي، عَلِمًا بِمَكَانِكَ مِنَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَلِيَّ التَّدْبِيرِ

به حضرت توکل کردم تا این گرفتاری را از من دور کنید. این گفتارهای من، از (روی بی دقتی نیست؛ بلکه) علم دارم

و مَالِكِ الْأُمُورِ، وَاثِقًا بِكَ فِي الْمُسَارَعَةِ فِي الشَّفَاعَةِ

به جایگاه با عظمت تو نزد خداوندی که پروردگار جهانیان است صاحب تدبیر و مالک همه امور است. در این حالات

إِلَيْهِ جَلَّ ثَنَاؤُهُ فِي أَمْرِي، مُتَيَقِّنًا لِإِجَابَتِهِ تَبَارَكَ

روحانی به تو اطمینان دارم و امیدوارم که برای شفاعت نزد خداوند - که ستایش او شکوهمند باد - در مورد انجام

وَتَعَالَىٰ إِيَّاكَ بِإِعْطَائِي سُؤْلِي. وَأَنْتَ يَا مَوْلَايَ

کارهای مربوطه به من شتاب می کنی؛ و از سویی نیز یقین و اعتقاد دارم که خداوند - که مرتبش والا و مبارک است

جَدِيرٌ بِتَحْقِيقِ ظَنِّي وَتَصَدِيقِ أَمَلِي فِيكَ فِي أَمْرٍ

- درخواست تو را با برآورده کردن درخواست من اجابت می فرماید. ای سرور و سالار من؛ خودت نیز آن قدر بزرگوار

كَذَا كَذَا (در این قسمت حاجت نوشته شود)، فِيمَا لَا طَاقَةَ

وَسِرِّارِ هَسْتِي كَه مَطْمَئِنِّ هَسْتَمِ كَمَا نَمِي رَا مَحَقَّقِي مِي سَا زِي وَ اَرَزُو بِيَمِ رَا بَه وَ اَلْقَعِيَّتِ بِيُوْنَدِ مِي دِهِي دَر مَوْرِدِ اِيْنِ كَا رِهَا

لِي بِحَمَلِهِ، وَلَا صَبْرَ لِي عَلَيْهِ، وَإِنْ كُنْتُ مُسْتَحِقًّا لَهُ

- که برایم سخت شده است و دیگر طاقت تحمل آنها را ندارم، و شکبیم در این موارد تمام شده است؛ البته به خوبی

وَلَا ضَعْفَهُ بِقَبِيحِ أَفْعَالِي وَتَفْرِيطِي فِي الْوَاجِبَاتِ الَّتِي

مِي دَانِمِ كَه هَمَّةُ اِيْنِ مَشْكَلَاتِ، حَقِّي مَن اَسْتُ وَ سِرِّا ر چنْد بَر اِيْرش نِيْز هَسْتَمِ؛ چَرَا كَه كَا رِهَا ي زَسْت مَن، وَ كَوْنِ اِهْمِي وَ

لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، فَأَغْنِنِي يَا مَوْلَايَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ

كُنْدِي دَر اِنْجَامِ وَا جِبَاتِي كَه بَرَا ي خدَاوَنْد - شَكْر هَمْنَد بَزْرگ - اَسْتُ نَتِيْجَهَا ي چَرَا اِيْنِ مَشْكَلَاتِ دَر بَر نَخْوَاهَد دَا سْت. اِي

عِنْدَ اللَّهِ، وَقَدِّمِ الْمَسْأَلَةَ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي أَمْرِي،

سِرْرُو ر اَقَا ي مَن - كَه دَرُو د خدَاوَنْد نَثَارَتِ بَاه - بَا اِيْنِ هَمْد، دَر اِيْنِ دَل سُوْخْتَكِي وَ اَنْدُوْهَ بَه فَرِيَادَمِ بَرَس، وَ دَر بِيْشْگَا ه

قَبْلَ حُلُولِ التَّلَفِ، وَشَمَاتَةِ الْأَعْدَاءِ، فَبِكَ بَسَطْتَ

اَلْبِيْ دَر خَوَاسْتِ اِنْجَامِ كَا رِهَا ي مَن وَ بَر طَرَفِ شُدْنِ مَشْكَلَمِ رَا تَقْدِيْمِ كُن، وَ زُوْد تَر اِيْنِ كَا رَا اِنْجَامِ بَدَد؛ بِيْش اَز اَنَكِه

النُّعْمَةَ عَلَيَّ، وَأَسْأَلُ اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ لِي نَصْرًا عَزِيْزًا،

تَلْفَاتِي بَه بَر اِيْد، وَ دَشْمَنَانِ بَه مَسْخَرَكِي وَ شَمَانَتِ مَن بِيْر دَا رَنْد؛ زِيْرَا، تَنَهَا بَه خَا طَرِ تُوْسْت كَه اِيْنِ هَمْمَه نَعْمَتِ بَر مَن

وَفَتْحًا قَرِيْبًا، فِيهِ بُلُوْغُ الْأَمَالِ، وَخَيْرُ الْمَبَادِي،

گَسْتَر دَدِه اَسْتُ. نِيْز، اَز خدَاوَنْد - شَكْر هَمْنَد - دَر خَوَاسْتِ كُن كَه يَارِي بَزْرگ وَ اَرَز شَمْنَد، وَ فَتْحِ وَ بِيْرُوْزِي نَزْدِيْك

وَخَوَاتِيمِ الْأَعْمَالِ، وَالْأَمْنُ مِنَ الْمَخَافِ كُلِّهَا فِي

وَ سَرِيْعِ خُوْدِ رَا نَصِيْبِ مَن فَرْمَا يْد؛ بَه گُوْنَهَا ي كَه بَه اَرَزُو هَا يِمِ بَرَسْمِ وَ اَعْاَزِ وَ بَا يَانِ كَا رِهَا يِمِ نِيْز بَه نِيْكِي بَا شْد؛ وَ دَر هَر

كُلِّ حَالٍ، إِنَّهُ جَلُّ ثَنَائِهِ لَمَّا يَشَاءُ فَعَالٌ، وَهُوَ حَسْبِي

حالی از تمام ترسناک‌ها در امان باشم. اعتقاد بر این است که خداوند - که ستایشش شکوهمند باد - هر چه بخواهد

وَنِعْمَ الْوَكِيلُ فِي الْمَبْدِئِ وَالْمَأَلِ.

به طور کامل انجام می‌دهد؛ و کفایت‌گر من و وکیل نیکوی من نیز در دنیا و آخرت، تنها خداست.

پس از آماده شدن نامه، به طرف جوی آب یا برکه (یا چاه) می‌روی و یکی از چهار نایب خاص حضرت بقیةالله (ع) یعنی: جناب «عثمان بن سعید»، پسرش «محمد بن عثمان»، «حسین بن روح نوبختی» و «علی بن محمد سمري (ره)» را (که راه‌های دستیابی و واسطه ما به آن حضرت هستند) انتخاب می‌کنی و با این عبارات او را صدا زده و می‌گویی:

يَا فُلَانُ بَنَ فُلَانٍ، سَلَامٌ عَلَيْكَ، أَشْهَدُ أَنَّ وَفَاتَكَ فِي

ای (فلان فرزند فلان)؛ سلام و درود بر تو، گواهی می‌دهم که درگذشت تو در راه خدا بوده،

سَبِيلِ اللَّهِ، وَأَنَّكَ حَيٌّ عِنْدَ اللَّهِ مَرْزُوقٌ، وَقَدْ خَاطَبْتُكَ

و اینک تو نزد خداوند زنده هستی و روزی خاص او را دریافت می‌کنی. و بدین سان، من در

فِي حَيَاتِكَ الَّتِي لَكَ عِنْدَ اللَّهِ جَلُّ وَعَزُّ وَهَذِهِ رُقْعَتِي

حیاتی که نزد خدا داری تو را مخاطب قرار می‌دهم، و این نامه و عریضه و درخواست حاجت

وَحَاجَتِي إِلَى مَوْلَانَا عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَسَلِّمْهَا إِلَيْهِ، فَاَنْتَ

من به سرورمان حضرت مهدی (ع) است، پس آن را به حضرتش تسلیم کن. به راستی که تو

الثقةُ الأمينُ.

مورد اطمینان و امانت‌دار هستی.

آنگاه نامه را در جوی آب یا درون چاه یا برکه بینداز که به خواست خداوند، خواسته‌ات برآورده خواهد شد.^۱

۲

عریضه‌ای به خداوند

که در عریضه حضرت بقیاس‌الله (ع) قرار داده می‌شود
 مرحوم «علامة مجلسی» (ره) در کتاب «بحار الأنوار» می‌نویسد:
 این رقعہ را نوشته و آن را می‌بندی، سپس نامه دیگری به محضر
 امام زمان (ع) می‌نویسی، سپس آن نامه و عریضه به خداوند را درون
 نامه‌ای که برای امام (ع) نوشتی قرار می‌دهی، سپس آن را گل اندود
 کرده و درون دریا یا چاه آب می‌افکنی.
 متن عریضه به خداوند چنین است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

۱. المصباح، ص ۵۳۱؛ البلد الأمين، ص ۲۲۷، منهج العارفين، ص ۴۴۸.

إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَتَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُهُ، رَبِّ الْأَرْبَابِ، وَقَاصِمِ

(این نامهای است) به سوی خداوندی که منزّه و نامهایش مقدّس و پاک است، پروردگار و پرورش دهنده

الْجَبَابِرَةِ الْعِظَامِ، عَالِمِ الْغَيْبِ وَكَاشِفِ الضُّرِّ، الَّذِي سَبَقَ

پرورش دهندگان، در هم کوبنده سرکشان بزرگ؛ دانای پنهانی‌ها، و برطرف کننده گرفتاری‌ها؛ خدایی که هر

فِي عِلْمِهِ مَا كَانَ وَمَا يَكُونُ، مِنْ عَبْدِهِ الذَّلِيلِ الْمُسْكِينِ،

چه اتفاق افتاده است و هر چه در آینده به وقوع خواهد پیوست بیشتر در آگاهی و علم و دانش او بوده است. از

الَّذِي انْقَطَعَتْ بِهِ الْأَسْبَابُ، وَطَالَ عَلَيْهِ الْعَذَابُ، وَهَجَرَهُ

بنده بیچاره و خوار و ناتوانش، که تمام سبب‌ها و وسیله‌ها را از دست داده است، و عذاب و شکنجه‌ای طولانی

الْأَهْلُ، وَبَايَنَهُ الصِّدِّيقُ الْحَمِيمُ فَبَقِيَ مُرْتَهَنًا بِذَنْبِهِ، قَدْ

بر او وارد شده است، و خائوده‌اش او را رها کردند، و دوست حمیمی‌اش او را وا گذاشته پس در گرو گناه و

أَوْبَقَهُ جُرْمُهُ، وَطَلَبَ النَّجَاةَ [ة] فَلَمْ يَجِدْ مَلْجَأًا وَلَا مُلْتَجَاً،

خطایش مانده است، و جرم بزهش او را هلاک گردانیده است؛ و به دنبال راه نجات نیز رفته است، ولی هیچ

غَيْرَ الْقَادِرِ عَلَى حَلِّ الْعُقَدِ، وَمُؤَبَّدِ الْأَبَدِ، فَفَزَعَ إِلَىٰ

پناه‌گاه و تکیه‌گاهی پیدا نکرده است؛ جز خدایی که بر گشودن گره و برطرف کردن مشکل توانایی دارد و او

وَاعْتِمَادِي عَلَيْهِ، وَلَا لَجَأَ وَلَا مُلْتَجَاً إِلَّا إِلَيْهِ. اللَّهُمَّ

جاودانگی را ابدیت بخشیده است، پس به سوی او پناه آوردم و بر او تکیه نمودم که پناهی و تکیه‌گاهی جز

إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعِلْمِكَ الْمَاضِي، وَبِنُورِكَ الْعَظِيمِ، وَبِوَجْهِكَ

به سوی او نیست. بارالها؛ به واسطه دانش و آگاهی قاطعت و به واسطه روشنی بزرگ و باعظمتت، و به خاطر

الْكَرِيمِ، وَبِحُجَّتِكَ الْبَالِغَةِ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَعَلَىٰ

قدر و منزلت گریمانه‌ات و به واسطه حجت و دلیل رسالت؛ از تو درخواست می‌کنم بر محمد و آل محمد

اَلِ مُحَمَّدٍ، وَ اَنْ تَاْخُذَ بِيَدِي وَ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ تَقْبَلُ دَعْوَتَهُ،

درود بفرستی؛ دستم را بگیری؛ موا جزو کسانی که دعایش پذیرفته، و لغزشش مورد گذشت واقع شده است،

وَ تَقِيلَ عَثْرَتَهُ، وَ تَكْشِفَ كَرْبَتَهُ، وَ تَزِيلَ تَرْحَتَهُ، وَ تَجْعَلَ لَهُ

و گرفتارش برطرف گشته، و رواندگی او از بین برفته، قرار دهی؛ و برای او در کارش گشایش و گریز گاهی

مِنْ اَمْرِهِ فَرَجًا وَ مَخْرَجًا، وَ تَرُدُّ عَنِّي بِاَسِ هَذَا الظَّالِمِ

فراهم نمایی، و اذیت و آزار این ظالم ستمگر و آزار همه مردمان را از من برطرف کنی؛ ای پروردگار فرشتگان

الغاشِمِ، وَ بِاَسِ النَّاسِ يَا رَبَّ الْمَلَائِكَةِ وَ النَّاسِ، حَسْبِي

و انسان‌ها، تو برایم کافی هستی و هر کس تو برایش بی‌نیاز کننده و کفایتگر باشی همه امورش کفایت شده

اَنْتَ وَ كَفِي مَنْ اَنْتَ حَسْبُهُ، يَا كَاشِفَ الْاُمُورِ الْعِظَامِ،

و درست است، ای برطرف کننده مشکلات بزرگ؛ واقعیت و باورم این است که هیچ جنبش و نیرویی نیست

فَاِنَّهُ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِكَ.

جز آنکه از تو سرچشمه می‌گیرد.

پس از این نامه، نامه درخواست حاجت از مولایمان

صاحب الزمان (ع) را چنین می‌نویسی:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

تَوَسَّلْتُ بِحُجَّةِ اللّٰهِ الْخَلْفِ الصَّالِحِ، مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ

به حجت خداوند و جانشین شایسته و نیک، (حضرت) محمد فرزند حسن توسل جسته‌ام،

بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ

او که فرزند علی فرزند محمد فرزند موسی فرزند جعفر فرزند محمد فرزند علی فرزند

مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ،

حسین فرزند علی بن ابی طالب می باشد؛ که همان خیر بزرگ و راه راست، و ریسمان

النَّبِيِّ الْعَظِيمِ، وَالصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ، وَالْحَبْلِ الْمَتِينِ، عَصْمَةَ

محکم الهی است و پناهگاهی مطمئن و تقسیم کننده بهشت و دوزخ است. من به سوی

الْمَلَجَاءِ، وَقَسِيمِ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ. أَتَوْسَّلُ إِلَيْكَ يَا أَبَاكَ

تو توسل می جویم به واسطه پدران پاک و نیکوکار و برگزیده ات، و نیز به واسطه مادران

الطَّاهِرِينَ الْخَيْرِينَ الْمُتَجَبِّينَ، وَأُمَّهَاتِكَ الطَّاهِرَاتِ

پاکت؛ که همگی باقی ماندگان نیکوکار و شایسته اند؛ همان هایی که خداوند - این بهترین و

الْبَاقِيَاتِ الصَّالِحَاتِ، الَّذِينَ ذَكَرَهُمُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ، فَقَالَ

عزیزترین گوینده در کتابش از آنان یاد کرده است و فرموده است: «آنچه باقی می ماند و

عَزَّ مَنْ قَائِلُ «الْبَاقِيَاتِ الصَّالِحَاتِ»، وَبِحَدِّكَ رَسُولِ

نیک و شایسته است» و نیز به واسطه جد بزرگوارت رسول خدا - درود بر او و آل او - کسی

اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَخَلِيلِهِ وَحَبِيبِهِ وَخَيْرَتِهِ مَنْ

که خدا را دوست دارد و خدا او را دوست دارد و برگزیده مخلوقاتش است؛ در این توسل ها،

خَلْقِهِ، أَنْ تَكُونَ وَسِيلَتِي إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فِي كَشْفِ

درخواست من آن است که شما وسیله و واسطه من باشید تا خدای - عزوجل - گرفتاریم

ضُرِّي، وَحَلُّ عَقْدِي، وَفَرَجُ حَسْرَتِي، وَكَشْفُ بَلِيَّتِي،

را برطرف کند، و گره از کارم بگشاید، و این همه آه و حسرت را از من دور کند، و بلاها را

وَتَنْفِيسِ تَرْحَتِي، وَبِكْهَيْعِصِ وَبِيسِ وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ،

از من بزدايد، و اندوه و واماندگيم را از بين ببرد. درخواست مي كنم، به واسطه كهيعص و

وَبِالْكَلِمَةِ الطَّيِّبَةِ، وَبِمَجَارِي الْقُرْآنِ، وَبِمُسْتَقْرَرِ الرَّحْمَةِ،

يس و قرآن حكيم، و نيز به واسطه كلمه طيبه و پاكيژه الهي، و مجاري قرآني، و به قرارگاه

وَبِجَبْرُوتِ الْعَظْمَةِ، وَبِاللُّوحِ الْمَحْفُوظِ، وَبِحَقِيقَةِ

رحمت، و بزرگي عظمت، و لوح محفوظ، و حقيقت ايمان، و پايندگي برهان، و روشني نور،

الْإِيمَانِ، وَقِوَامِ الْبُرْهَانِ، وَبِنُورِ النُّورِ، وَبِمَعْدَنِ النُّورِ،

و معدن نور، و به واسطه حجاب پنهان داشته شده، و بيت المعمور (طواف گاه اهل آسمان)

وَالْحِجَابِ الْمَسْتُورِ، وَالْبَيْتِ الْمَعْمُورِ، وَبِالسَّبْعِ الْمَثَانِي،

و سبع المثاني (سوره حمد)، و قرآن با عظمت، و واجبات احكام، و آنچه به زبان عبراني

وَالْقُرْآنِ الْعَظِيمِ، وَفَرَأَيْضِ الْأَحْكَامِ، وَالْمُكَلِّمِ بِالْعِبْرَانِيَّ،

گفت و گو شده، و آنچه به يوناني ترجمه شده، و آنچه به سرياني راز و نياز شده، و آنچه در

وَالْمُتَرَجِّمِ بِالْيُونَانِيَّ، وَالْمُنَاجِيَّ بِالسَّرِّيَانِيَّ، وَمَادَارَ فِي

خاطرها و خطورها وارد شده، و به واسطه آنچه گمان ها آن را در بر نمي گيرند؛ يعني دانش

الْخَطَرَاتِ، وَمَالِمَ يُحِطُ بِهِ لِلظُّنُونِ، مِنْ عِلْمِكَ الْمَخْزُونِ،

پنهاني تو، و راز محفوظت، و تورات و انجيل و زبور؛ به واسطه همه آنچه عرض شد از تو

وَبِسَرِّكَ الْمَصُونِ، وَالتَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ. يَا ذَا الْجَلَالِ

درخواست مي كنم - اي صاحب شكوه و بزرگواري؛ - كه بر محمد و آل او درود بفرستي؛ و

وَالْإِكْرَامِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَخُذْ بِيَدِي، وَفَرِّجْ عَنِّي

دستم را بگیری، و به واسطه روشنی‌ها و انوارت و قسم‌هایت و کلمه‌های رسایت در کارم

بِأَنْوَارِكَ وَأَقْسَامِكَ وَكَلِمَاتِكَ الْبَالِغَةِ، إِنَّكَ جَوَادٌ كَرِيمٌ،

گشایشی کنی. باور دارم که تو بخششگر بزرگوار هستی؛ خداوند برای ما بس است و خوب

وَحَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

وکیلی است. هیچ جنبش و نیرویی نیست جز آنکه به واسطه خداوند والای بزرگ به وجود

الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، وَصَلَوَاتُهُ وَسَلَامُهُ عَلَى صَفْوَتِهِ مِنْ بَرِيَّتِهِ

می‌آید. درودها و سلام‌های ویژه الهی بر برگزیده‌اش از بین مردم یعنی حضرت محمد و

مُحَمَّدٍ وَذُرِّيَّتِهِ.

نسل پاکش نثار باد.

پس از نوشتن نامه دوم، هر دو نامه را خوشبو کرده و نامه اول را (که

به خداوند نوشته شد) در میان نامه دوم (که به امام (ع) نوشته شد) قرار

داده و هر دو را در آب روان یا چاه آب می‌افکنی. البته پیش از این کار،

نامه‌ها را در گل نرم (یعنی بدون سنگریزه) قرار ده. سپس دو رکعت

نماز گزارده و به واسطه محمد و آل محمد (ص) به خدای تعالی روی

می‌آوری و انداختن نامه‌ها در آب، باید در شب جمعه باشد.

یادآور می‌شود که این عریضه‌نویسی را برای آزمایش انجام مده،

بلکه باور داشته باش که خواسته‌ات اجابت می‌شود و تنها در مورد

سختی‌ها و کارهای بسیار دشوار انجام شود.

همچنین کسی را که شایستگی ندارد از این جریان مطلع مکن و این نامه را برایش ننویس؛ زیرا فایده‌ای برایش ندارد. از طرفی این نامه‌ها، امانتی است که بر عهده‌توست که آن را حفظ کنی و در مورد آن بازخواست خواهی شد.

پس از انداختن نامه‌ها، این دعا را بخوان:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتِي لَحِظْتَ بِهَا الْبَحْرَ الْعِجَابَ،

بارالها! از تو می‌خواهم به قدرتت؛ همان قدرتی که دریاها را بزرگ را با آن ملاحظه فرمودی، پس به خروش

فَأَزِيدَ وَهَاجَ وَمَاجَ، وَكَانَ كَاللَّيْلِ الدَّاجِ، طَوْعًا لِأَمْرِكَ،

و موج‌و داشتی، و همانند شبی تاریک شدند؛ این همه، از سر فرمانبرداری دریاها از تو، و نیز از ترس و هیبت

وَخَوْفًا مِنْ سَطْوَتِكَ، فَافْتَقَ أَجَاؤُهُ، وَأَتْلَقَ مِنْهَا جُهُ،

تو بود. بدین سان، آب شور دریاها شکافته، و راه‌هایش زینت داده شد، و جزائر آن تسبیح گفتند، و جواهر

وَسَبَّحَتْ جَزَائِرُهُ، وَقَدَّسَتْ جَوَاهِرُهُ، تُنَادِيكَ حَيْثَانُهُ

آن تقدیس نمودند. ماهیان دریاها با زبان‌ها و لغات مختلف تو را ندا دادند: خدای ما! آقای ما! چه چیزی بر

بِاخْتِلَافِ لُغَاتِهَا، إِلَهِنَا وَسَيِّدِنَا مَا الَّذِي نَزَلَ بِنَا، وَمَا الَّذِي

ما فرود آمد؟ چه چیزی در دریای ما پیش آمد؟ و به ماهی‌ها فرمودی: آرام باش؛ (و به دریا فرمودی: به

حَلِّ بِيحْرِنَا فَقُلْتَ لَهَا أَسْكِنِي، سَأَسْكُنُكَ مَلِيًّا، وَأَجَاوِرُ

زودی تو را به آرامش می‌رسانم؛ و بنده‌ای شایسته و پاک را مجاور تو می‌گردانم؛ پس آرام گرفت و تسبیح

بِكَ عَبْدًا زَكِيًّا، فَسَكَنَ وَسَبَّحَ وَوَعَدَ بَضَائِرَ الْمَنَحِ. فَلَمَّا

گفت و به بخشش های نهانی وعده داده شد، آنگاه که یونس پسر مٹی در آنجا فرود آمد چون گرفتار

نَزَلَ بِهِ ابْنُ مَتَّى بِمَا أَلَمَ الظُّنُونُ، فَلَمَّا صَارَ فِي فِيهَا سَبَّحَ

مصیبت هایی شد که حتی تصور آنها دردناک است، و آنگاه که وارد دهان آن ماهی شد و درون شکم آن

فِي أَمْعَائِهَا، فَبَكَتِ الْجِبَالُ عَلَيْهِ تَلْهُفًا، وَأَشْفَقَتْ عَلَيْهِ

ماهی رفت، به تسبیح گویی تو پرداخت و در این شرایط، کوه ها غصه او را خوردند و به گریه افتادند، و زمین

الْأَرْضُ تَأْسُفًا، فَيُونُسُ فِي حُوتِهِ كَمُوسَى فِي تَابُوتِهِ

برای او متأسف شد و برایش دلسوزی کرد. پرواضح است که حال یونس در شکم ماهی همانند موسی در

لَأْمْرِكَ طَائِعٌ، وَلِوَجْهِكَ سَاجِدٌ خَاضِعٌ، فَلَمَّا أَحْبَبْتَ أَنْ

میان تابوتش بود؛ هر دو اطاعت دستور تو کردند، و به خاطر ذات پاکت به سجده و فروتنی پرداختند. در

تَقِيَهُ الْقَيْتَهُ بِشَاطِئِ الْبَحْرِ شَلُّوا لَا تَنْظُرُ عَيْنَاهُ، وَلَا تَبْطِشُ

نهایت، آنگاه که خواستی او را نگاه داری، به کنار درپایش افکندی در حالی که چشمانش، توان دیدن نداشت،

يَدَاهُ، وَلَا تَرْكُضُ رِجْلَاهُ، وَأَنْبَتَ مِنْهُ مِنْكَ عَلَيْهِ شَجَرَةٌ

و دستان و پاهایش قادر به حرکت نبودند؛ که در این هنگام بر او منت نهادی و درختی از کدو برایش

مِنْ يَقْطِينٍ، وَأَجْرِيَتْ لَهُ فُرَاتَانِ مِنْ مَعِينٍ، فَلَمَّا اسْتَغْفَرَ

رویاندی، و آبی گوارا را برایش جاری ساختی. آنگاه که درخواست آمرزش و بازگشت کرد نیز راهی

وَتَابَ خَرَقَتْ لَهُ إِلَى الْجَنَّةِ بَابًا، إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ.

به سوی بهشت برایش گشودی. در واقع، تو تنها کسی هستی که بسیار بخشنده است.

عریضه استغاثه دیگری به امام زمان (ع)

فاضل متبحر، جناب «محمد بن محمد طیب» که از علمای دوره صفویه بوده است، در کتاب خود به نام «انیس العابدین» از کتاب «السعادات» این عبارت را نقل کرده است: دعای توسل برای تمام کارهای مهم و خواسته‌ها:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

تَوَسَّلْتُ إِلَيْكَ يَا أَبَا الْقَاسِمِ مُحَمَّدَ بْنَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ

به تو توسل جسته‌ام ای ابوالقاسم؛ ای محمد فرزند حسن فرزند علی فرزند محمد فرزند

مُحَمَّدَ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ

علی فرزند موسی فرزند جعفر فرزند محمد فرزند علی فرزند حسین فرزند علی بن ابی

بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، النَّبِيِّ الْعَظِيمِ، الصِّرَاطِ

طالب؛ که خبر بزرگ، و راه راست، و پناه پناه‌آورندگان است؛ (به تو توسل می‌جویم) به

الْمُسْتَقِيمِ، وَعِصْمَةِ اللَّاجِينَ. بِأَمِّكَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ،

واسطهٔ مادرت سرور زنان جهانیان؛ و نیز به واسطهٔ پدران پاک، و مادران طاهره و پاکت؛

وَبِأَبَائِكَ الطَّاهِرِينَ، وَبِأُمَّهَاتِكَ الطَّاهِرَاتِ، يَا سَيِّدَ الْقُرْآنِ

به واسطه یاسین و قرآن حکیم، و بزرگی جبروت الهی، و حقیقت ایمان، و روشنی بخش

الْحَكِيمِ، وَالْجَبْرُوتِ الْعَظِيمِ، وَحَقِيقَةِ الْإِيمَانِ، وَنُورِ النُّورِ،

نورها، و کتاب نگاشته شده، از تو درخواست می کنم و متوسل می شوم؛ تا به عنوان سفیر

وَكِتَابِ مَسْطُورٍ، أَنْ تَكُونَ سَفِيرِي إِلَى اللَّهِ تَعَالَى فِي

و فرستاده من به سوی خدای تعالی در مورد برآوردن حاجت (...) یا هلاک کردن و

الْجَاغَةَ لِفُلَانٍ، أَوْ هَلَاكَ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ.

نابودی دشمنم یعنی فلانی فرزند فلانی؛ این درخواست را انجام بده.

این نامه را در خاک پاک، گل اندود کرده، و آن را در آب جاری

یا چاه آب می افکنی و در این هنگام می گویی:

يَا سَعِيدَ بْنَ عُمَانَ، وَيَا مُحَمَّدَ بْنَ عُمَانَ، أَوْ صِلَا قِصَّتِي

ای سعید بن عثمان و ای محمد بن عثمان؛ از شما دو نفر درخواست می کنم که این جریان

إِلَى صَاحِبِ الزَّمَانِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ.

و داستان کار مرا به حضرت صاحب الزمان - که درود خدا بر او نثار باد - برسانید.

بخش نهم

دعاهایی که

حضرت بقیّة الله (ع) از پدران

بزرگوار خود نقل فرموده‌اند

دعای حضرت امیرالمؤمنین (ع) در سختی‌ها

به نقل از حضرت بقیة الله ارواحنا فداه

دعایی با اجابت فوری از ناحیه خداوند تعالی که حضرت امیرالمؤمنین (ع) خواندن آن را در مورد سختی‌ها و هنگامه‌های خطرناک، سفارش فرموده‌اند.

جناب «سید بن طاووس (ره)» این دعا را بدون اشاره به نام راوی آن نقل کرده است؛ لکن «علامة مجلسی (ره)» گفته است: سند دیگری برای این دعا دارم که بسیار عالی است؛ گرچه خالی از غرابت نیست.

من این دعا را از پدرم نقل می‌کنم و ایشان توسط یکی از صالحان - بدون واسطه - از حضرت مهدی (ع) نقل کرده است.^۱

۱. بحارالانوار، ج ۹۵، ص ۲۶۶.

اللَّهُمَّ أَنْتَ الْمَلِكُ الْحَقُّ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَأَنَا عَبْدُكَ

بارالها! تو فرمانروایی راستین هستی که جز تو معبودی نیست، و من نیز بنده تو هستم؛ بر خود

ظَلَمْتُ نَفْسِي وَاعْتَرَفْتُ بِذُنُوبِي فَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ لَا إِلَهَ

ستم کردم، و به گناهانم اعتراف دارم؛ پس، گناهان مرا ببخش؛ جز تو خدایی نیست، ای آمرزنده؛

إِلَّا أَنْتَ يَا غَفُورُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَحْمَدُكَ وَأَنْتَ لِلْحَمْدِ

بارالها! تو را می‌ستایم در حالی که می‌دانم تو سزاوار ستودن هستی؛ چرا که هر چه میل آن را

أَهْلٌ، عَلَيَّ مَا خَصَصْتَنِي بِهِ مِنْ مَوَاهِبِ الرَّغَائِبِ، وَ

داشته‌ام بر من ارزانی داشته‌ای، و نیکویی‌ها و احسان فراوانی که به من رساندی، و بر آنچه به من

وَصَلَّ إِلَيَّ مِنْ فَضَائِلِ الصَّنَائِعِ، وَعَلَيَّ مَا أَوْلَيْتَنِي بِهِ،

لطف نمودی، و از رضوان خود به من واگذار نمودی، و مرا از منت خویش برخوردار گردانیدی؛ و

وَتَوَلَّيْتَنِي بِهِ مِنْ رِضْوَانِكَ، وَأَنْلَتَنِي مِنْ مَنِّكَ الْوَاصِلِ

همیشه از من دفاع فرمودی و توفیقم دادی، و دعایم را اجابت فرمودی؛ تا آنکه با شوق و رغبت به

إِلَيَّ، وَمِنَ الدَّفْعِ عَنِّي، وَالتَّوْفِيقِ لِي، وَالإِجَابَةِ

مناجات بپردازم و باصفای باطن تو را بخوانم؛ نیز، به گونه‌ای رفتار کردی که به تو امید ببندم، و

لِدُعَائِي، حَتَّىٰ أَنَاجِيكَ رَاغِبًا، وَأَدْعُوكَ مُصَافِيًا، وَ

در همه جا تو را نسبت به خود مهربان، و در کارهایم ناظر، و برای گناهانم آمرزنده، و نسبت به

حَتَّىٰ أَرْجُوكَ فَأَجِدُكَ فِي الْمَوَاطِنِ كُلِّهَا لِي جَابِرًا، وَ

عیب‌ها و زشتی‌هایم پرده‌پوش بیابم. به اندازه یک چشم بر هم زدن نیز - از زمانی که در دنیا که

فِي أُمُورِي نَاطِرًا، وَلِذُنُوبِي غَافِرًا، وَلِعَوْرَاتِي سَاتِرًا، لَمْ

محل آزمایشات است مرا منزل دادی - نیکی‌های تو از من دریغ نشده است تا اینکه بنگری برای

أَعْدِمُ خَيْرَكَ طَرْفَةَ عَيْنٍ مُدًّا أَنْزَلْتَنِي دَارَ الْإِخْتِبَارِ، لَتَنْظُرَ

سرای آخرت که محل همیشگی و زندگی جاودان من است، چه پیش خواهیم فرستاد؟ بدین سان

مَاذَا أَقْدَمُ لِدَارِ الْقَرَارِ. فَأَنَا عَتِيقُكَ اللَّهُمَّ مِنْ جَمِيعِ

- خدایا! - من یکی از آزادشدگان تو هستم در مورد تمام مصیبت‌ها و بدبختی‌ها، و غصه‌هایی که

الْمَصَائِبِ وَاللَّوْازِبِ، وَالْغُمُومِ الَّتِي سَاوَرْتَنِي فِيهَا

در آن ناآرامی‌ها و اندوه‌ها بر من هجوم آورده است؛ در مورد پیش آمده‌های (بد) قضا و نیز رخ دادن

الْهُمُومِ، بِمَعَارِيضِ الْقَضَاءِ، وَ مَضْرُوفِ جُهْدِ الْبَلَاءِ، لَا

سختی‌های بلا؛ همیشه، تنها از تو زیبایی و رفتار نیک سراغ داشته و جز فضل و رفتار بزرگوارانه از

أَذْكَرُ مِنْكَ إِلَّا الْجَمِيلَ، وَلَا أَرَى مِنْكَ غَيْرَ التَّفْضِيلِ.

تو ندیدم. نیکی و خیرت مرا در بر گرفته، و فضل و احسانت یکی پس از دیگری به من رسیده، و

خَيْرُكَ لِي شَامِلٌ، وَ فَضْلُكَ عَلَيَّ مُتَوَاتِرٌ، وَ نِعْمُكَ عِنْدِي

نعمت‌هایت پیوسته و بدون لحظه‌ای درنگ در اختیار من قرار گرفته است. نعمت فراوانی که

مُتَّصِلَةٌ، سَوَابِغُ لَمْ تُحَقِّقْ حِذَارِي، بَلْ صَدَّقْتَ رَجَائِي،

محقق نساختی بر حذر شدنم (ناامیدیم) را، بلکه امیدم را صادق قرار دادی؛ و در سفرها همراهی‌ام

وَ صَاحِبَتَ أَسْفَارِي، وَ أَكْرَمْتَ أَحْضَارِي، وَ شَفَيْتَ

کرده‌ای، و در زمان حضور در وطنم نیز مرا بزرگ داشتی، بیماری‌هایم را شفا بخشیدی و درد و

أَمْرَاضِي، وَ عَافَيْتَ أَوْصَابِي، وَ أَحْسَنْتَ مُنْقَلَبِي وَ

الم مرا عافیت بخشیدی و نیکو گرداندی حال حرکتم را و آرام گرفتم را، و مرا مورد شماتت و

مَثْوَايَ، وَلَمْ تُشْمِتْ بِي أَعْدَائِي، وَ رَمَيْتَ مَنْ رَمَانِي، وَ

سرزنش دشمنانم قرار ندادی؛ هر کس مرا هدف گرفت تو نیز او را هدف تیر انتقام خود قرار

كَفَيْتَنِي شَرًّا مِنْ عَادَانِي. اللَّهُمَّ كَمْ مِنْ عَدُوٍّ أَنْتَضَى عَلَيَّ

دادی، و در نهایت از شرّ و بدی تمام کسانی که با من دشمنی کردند مرا کفایت کردی، بارالها!

سَيْفَ عَدَاوَتِهِ، وَ شَحَذَ لِقَتْلِي ظَبَّةَ مُدَيْتِهِ، وَ أَرْهَفَ لِي

چه بسیار دشمنانی داشتم که شمشیر کینه و دشمنی‌اش را بر روی من کشید، و نوک نیزدش را

شَبَا حَدِّهِ، وَ دَافَ لِي قَوَاتِلَ سُومِهِ، وَ سَدَّدَ لِي صَوَائِبَ

برای کشتن من تیز کرد، و تیزی لبه شمشیرش را برای من آماده کرد، و کشنده‌ترین زهرهایش

سَهَامِهِ، وَ أَضْمَرَ أَنْ يَسُومَنِي الْمَكْرُوهَ، وَ يُجَرِّعَنِي

را برای مهیا ساختن، و تیرهای دقیقش را بر من نشانه گرفت، و در دل نهان داشته بود که مرا

ذُعَافَ مَرَارَتِهِ، فَانظُرْتُ يَا إِلَهِي إِلَى ضَعْفِي عَنْ اِحْتِمَالِ

گرفتار ناخوشی‌ها و ناملايمات کند، و تلخی‌ها را جرعه جرعه به کام من کند؛ لیکن، ای خدای

الْفَوَادِحِ، وَ عَجَزِي عَنِ الْإِنْتِصَارِ مِمَّنْ قَصَدَنِي

من؛ به ناتوانی و ضعف من در برابر تحمل مشکلات، و عجز و بیچارگی‌ام و عدم توانم برای پیروزی

بِمُحَارَبَتِهِ، وَ وَحَدَّتِي فِي كَثِيرٍ مِنْ نَاوَانِي، وَ أَرَصَدَ لِي

در برابر کسی که به قصد جنگ با من آمد، و تنهایی‌ام در میان آن همه دشمن قسم خورده که

فِيمَا لَمْ أَعْمَلْ فِكْرِي فِي الْإِنْتِصَارِ مِنْ مِثْلِهِ. فَأَيَّدْتَنِي

در خیال ستیز با من بودند، و چنان در کمین من بودند که حتی فکر نمی‌کردم بتوانم در

يَا رَبِّ بِعَوْنِكَ، وَ شَدَّدْتَ أَيْدِي بِنَصْرِكَ، ثُمَّ فَلَلْتَ لِي

مقابلشان در چنان مواردی پیروز و کامیاب شوم، نگرستی، و با کمک خودت مرا تأیید و کمک

حَدَّهُ، وَ صَيَّرْتَهُ بَعْدَ جَمْعِ عَدِيدِهِ وَحَدَّهُ، وَ أَعْلَيْتَ كَعْبِي

کردی، و با یاریت دستاتم را نیرومند ساختی؛ آنگاه، تیزی (لبه شمشیرها و) سختی‌ها را به نفع

عَلَيْهِ، وَرَدَدْتَهُ حَسِيرًا لَمْ تَشْفِ غَلِيلَهُ، وَلَمْ تُبْرِدْ

من کند کردی، و پس از آن همه توانایی و یارانی که دشمنم گرد آورده بود او را تنها گردانیدی، و

حَزَاذَاتِ غَيْظِهِ، وَقَدْ غَضَّ عَلَيَّ شُؤَاهُ، وَابَ مَوْلِيَا قَدْ

در نهایت نیز مرا بر او برتری دادی و سلاحم را بر او توان بخشیدی، تا آنکه با اندوه و حسرت او را

أَخْلَفْتَ سَرَايَاهُ، وَأَخْلَفْتَ أَمَالَهُ. اللَّهُمَّ وَكَمْ مِنْ بَاغِ بَغِي

بر گرداندی به گونه‌ای که کینه درونی‌اش بر طرف نشد و خشم افروخته‌اش نسبت به من سرد

عَلَيَّ بِمَكَائِدِهِ، وَنَصَبَ لِي شَرَكًا مَصَائِدِهِ، وَضَبًّا إِلَيَّ

نگردید؛ با اینکه بر من چنگ انداخته بود، ولی در حالی که تو خواب و خیال‌هایش را بر باد دادی،

ضُبُوءَ السَّبْعِ لَطْرِيدَتِهِ، وَأَنْتَهَزَ فُرْصَتَهُ، وَاللِّهَاقَ لَفْرِيَسْتِهِ،

بازگشت. بارالها! چه دشمنان و ستمگرانی که با نیرنگ‌های خود بر من جفا کرده، و دام‌های خود

وَ هُوَ مُظَهَّرٌ بِشَاشَةِ الْمَلَقِ، وَ يَبْسُطُ إِلَيَّ وَجْهًا طَلِقًا.

را برایم گسترده، همانند درنده‌ای که برای طعمه و شکار خود کمین می‌کند برای من کمین

فَلَمَّا رَأَيْتَ يَا إِلَهِي دَغَلَ سَرِيرَتِهِ، وَقُبِحَ طَوِيَّتِهِ، أَنْكَسْتَهُ

کرده و فرصت به دست آورده را استفاده کرده و به تندی و شتاب بر شکار خود می‌جهد، در حالی

لَامٌ رَأْسَهُ فِي زُبَيْتِهِ، وَأَرْكَسْتَهُ فِي مَهْوِي حَفِيرَتِهِ، وَ

که خوشروئی منافقانه از خودش آشکار می‌کند و با چهره‌ای باز نه در هم کشیده بر خورد می‌کند؛

أَنْكَسْتَهُ عَلَيَّ عَقْبِيهِ، وَ رَمَيْتُهُ بِحَجْرِهِ، وَنَكَاتَهُ بِمَشْقَصِهِ،

لیکن، ای خدای من؛ وقتی دیدی چه نیرنگی برایم در سینه دارد، و چه نیت زشتی در سر دارد،

وَ خَنَقْتَهُ بَوْتَرِهِ، وَرَدَدْتِ كَيْدَهُ فِي نَحْرِهِ، وَ رَبَّقْتَهُ بِنَدَامَتِهِ

او را در دام خودش سرنگون ساختی، و او را در گودالی که برای من کنده بود افکندی و وادار به

فَاسْتَخْذَلَ وَتَضَاعَلَ بَعْدَ نَحْوَتِهِ، وَبَخَعَ وَأَنْقَمَعَ بَعْدَ

عقب‌نشینی کردی، و با سنگی که داشت بر خودش زدی، و با تیر خودش او را مجروح کردی، و با

استطالته، ذَلِيلًا مَأْسُورًا فِي حَبَائِلِهِ الَّتِي كَانَ يُحِبُّ أَنْ

زه کمانش او را خفته ساختی، و نیرنگش را به حلقوم خودش برگردانیدی، و آن متکبر را به

يَرَانِي فِيهَا، وَقَدْ كَدْتُ لَوْلَا رَحْمَتِكَ أَنْ يَحِلَّ بِي مَا حَلَّ

پشیمانی تمام گریبان گیر نمودی و پس از آن همه ادعای چیرگی و غرور و تکبر او را سرافکننده

بِسَاحَتِهِ، فَالْحَمْدُ لِرَبِّ مُقْتَدِرٍ لَا يُنَازِعُ، وَلِوَلِيِّ ذِي أُنَاةٍ

نمودی، و بعد از سرکشی ذلیل و مغلوب کردی، در حالی که با ذلت و خواری در دام‌هایی که

لَا يَعْجَلُ، وَقِيُّومٍ لَا يَغْفُلُ، وَحَلِيمٍ لَا يَجْهَلُ. نَادَيْتُكَ يَا

می‌خواست مراد در آن بسیند گرفتارش کردی؛ این همه در شرایطی بود که اگر رحمت شامل من

إِلَهِي مُسْتَجِيرًا بِكَ، وَاثِقًا بِسُرْعَةِ إِجَابَتِكَ، مُتَوَكِّلًا عَلَيَّ

نمی‌شد زود بود که بر من وارد شود آنچه نسبت به او وارد شده است؛ بنابراین، حمد و ستایش را

مَا لَمْ أَزَلْ أَعْرِفُهُ مِنْ حُسْنِ دِفَاعِكَ عَنِّي، عَالِمًا أَنَّهُ لَنْ

مخصوص پروردگاری می‌دانم که دارای قدرتی لایتنازع و بی‌رقیب است، سرپرستی که

يُضْطَهَدُ مَنْ أَوَى إِلَى ظِلِّ كِفَايَتِكَ، وَلَا يَقْرَعُ الْقَوَارِعُ

مهلت‌دهنده است و شتاب نمی‌کند؛ پایداری که غفلت نمی‌کند، و پردباری که از هیچ چیز

مَنْ لَجَأَ إِلَى مَعْقِلِ الْإِنْتِصَارِ بِكَ، فَخَلَّصْتَنِي يَا رَبِّ

بی‌اطلاع نیست. ای خدای من! در حالی تو را ندا در می‌دهم که پناهندات هستم؛ به اجابت و

بِقُدْرَتِكَ وَنَجَّيْتَنِي مِنْ بَأْسِهِ بِتَطَوُّلِكَ وَ مِنْكَ. اللَّهُمَّ وَكَمْ

پاسخ دادن سریع اطمینان دارم؛ با اعتماد بر آنچه از دیرباز شناختم که تو به خوبی از من دفاع

مِنْ سَحَابٍ مَكْرُوهٍ جَلِيَّتِهَا، وَسَمَاءٍ نِعْمَةٍ أَمْطَرْتَهَا، وَ

می کنی؛ می دانم که هر کس در سایه کفایت تو در آید شکست نمی خورد؛ و هر کس به تو پناه

جَدَاوِلِ كِرَامَةٍ أَجْرِيَّتِهَا، وَ أَعْيُنِ أَحْدَاثِ طَمَسَتْهَا، وَ

برد ستیزه گران با او ستیزه نمی کنند و او را نمی گویند؛ بنابراین، ای پروردگار من؛ با قدرت و توان

نَاشِي رَحْمَةٍ نَشَرْتَهَا، وَ غَوَاشِي كَرْبٍ فَرَجْتَهَا، وَ غَمَمٍ

وصف ناپذیرت مرا خلاصی بخشیدی، و با منت و نعمت بخش الهی ات مرا از بدی و آزار او نجات

بَلَاءٍ كَشَفْتَهَا، وَ جُنَّةٍ عَافِيَةِ الْبَسْتِهَا، وَأُمُورٍ حَادِثَةٍ

دادی. بار خدایا؛ چه بسیار ابرهای ناخوشایندی که رانندی و دور کردی، و چه آسمان های

قَدَرْتَهَا، لَمْ تُعْجِزْكَ إِذْ طَلَبْتَهَا، فَلَمْ تَمْتَنِعْ مِنْكَ إِذْ

نعمت باری که به بارش در آوردی، و چه زهرهای کرامت و بزرگواری که روان نمودی، و چشمه های

أَرَدْتَهَا. اللَّهُمَّ وَكَمْ مِنْ حَاسِدٍ سُوءِ تَوْلَانِي بِحَسَدِهِ،

حادثه های ناگوار که ناپدید ساختی، و رحمت هایی که گستردی، و مصیبت های فراگیری که

وَسَلَقْنِي بِحَدِّ لِسَانِهِ وَوَحْزَنِي بِقَرْفِ عَيْبِهِ، وَجَعَلَ

بر طرف کردی و بلاهایی که رفع کردی، و لباس عافیتی که بر من پوشانیدی، و چیزهای تازه ای

عَرَضِي غَرَضًا لِمَرَامِيهِ، وَقَلَدَنِي خِلَالًا لَمْ تَزَلْ فِيهِ

که برای آینده در نظر گرفتی؛ آن گونه که هنگام جستجوی آنها ناتوان نیستی و بدین جهت وقتی

كَفَيْتَنِي أَمْرَهُ. اللَّهُمَّ وَكَمْ مِنْ ظَنٍّ حَسَنِ حَقَّقْتَ، وَعَدَمٍ

اراده کنی نیز سرپیچی نمی کنند. بار خدایا؛ چه بسیار حسود و بداندیشی که با حسادت مرا گرفتار

إِمْلَاقِ ضَرْنِي جَبَرْتِ وَأَوْسَعْتَ، وَمِنْ صَرْعَةِ أَقَمْتَ،

کرد، و به تندی زبانش مرا آزرده ساخت، و با عیب نهادنش مرا به درد آورد، و ابرویم را مورد هدف

وَمِنْ كُرْبَةٍ نَفْسَتْ، وَمِنْ مَسْكَنَةٍ حَوَّلَتْ، وَمِنْ نِعْمَةٍ

خود قرار داد، و قلاده‌ای به گردنم افکنده است که همواره تو امر او را بر من کفایت نمودی. بارالها!

حَوَّلَتْ، لَا تُسْأَلُ عَمَّا تَفْعَلُ، وَلَا بِمَا أُعْطِيتَ تَبْخُلُ،

چه خوش گمانی‌هایی که تاکنون به تو داشتیم و آنها به وقوع پیوست، و چه بسیار تنگدستی که به

وَلَقَدْ سُئِلَتْ فَبَدَلَتْ، وَلَمْ تُسْأَلْ فَاِبْتَدَأَتْ وَأَسْتُمِیحَ

من زیان زد و تو جبران کردی و توانگری بخشیدی، و چه بسیار که بر زمین افتادم و سقوط کردم

فَضْلِكَ فَمَا أَكْدَيْتَ، أَيْتَ إِلَّا إِنْعَامًا وَأَمْتِنَانًا وَتَطَوُّلًا،

و تو مرا برپا کردی، و چه بسیار حادثه‌های اندوه‌باری که از آن رهایی بخشیدی، و چه

وَأَيْتُ إِلَّا تَقَحُّمًا عَلٰی مَعْاصِيكَ، وَأَنْتَهَاكَ لِحُرْمَاتِكَ،

بیچارگی‌هایی که از بین بردی، و چه نعمت‌هایی که ارزانی داشتی؛ در مورد آنچه انجام می‌دهی از

وَتَعَدِّيًّا لِحُدُودِكَ وَغَفْلَةً عَنِ وَعِيدِكَ، وَطَاعَةً لِعَدُوِّي

تو پرس و جو نمی‌شود، در عطایست بخل نمی‌ورزی؛ همانا، از تو درخواست شد و بلافاصله

وَعَدُوِّكَ، لَمْ تَمْتَنِعْ عَنِ إِتْمَامِ إِحْسَانِكَ، وَتَتَابَعِ امْتِنَانِكَ،

بخشیدی، و چیزهایی را که درخواست نشد پیش از درخواست تو احسان کردی، از تو بخشش و

وَلَمْ يَحْجُزْنِي ذَلِكَ عَنِ ارْتِكَابِ مَسَاخِطِكَ. اَللّٰهُمَّ فَهَذَا

بزرگواری درخواست شد و تو دریغ نورزیدی؛ و نخواسته‌ای که جز نعمت بخشیدن و منت نهادن

مَقَامُ الْمُعْتَرِفِ لَكَ بِالتَّقْصِيرِ عَنِ اِدَاءِ حَقِّكَ، الشَّاهِدِ

و بهره‌مند ساختن، کار دیگری بکنی؛ در مقابل - چنان که از اعمالم پیداست - من نیز سرباز زدم

عَلٰی نَفْسِهِ بِسُبُوغِ نِعْمَتِكَ، وَحُسْنِ كِفَايَتِكَ، فَهَبْ لِي

جز مرتکب شدن گناهان و هتک حرمت نسبت به تو و تجاوز و گذشتن از مرزها و حدودت، و

اللَّهُمَّ يَا إِلَهِي مَا أَصِلُ بِهِ إِلَى رَحْمَتِكَ، وَأَتَّخِذُهُ سُلْمًا

بی توجهی نسبت به وعده‌های عذابت و فرمانبرداری از دشمن مشترک من و خودت کاری انجام

أَعْرِجُ فِيهِ إِلَى مَرْضَاتِكَ، وَأَمِنُ بِهِ مِنْ عِقَابِكَ، فَإِنَّكَ

ندادم؛ تو نیز با این وجود دست از کامل کردن نعمت و پی در پی فرستادن خوبی‌ها و منت

تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ وَتَحْكُمُ مَا تُرِيدُ، وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ

نهادن هایت، بر نداشته‌ای لیکن اینها نیز باعث باز داشتن من از انجام گناهان و دست برداشتن از

قَدِيرٌ. اللَّهُمَّ حَمْدِي لَكَ مُتَوَاصِلٌ، وَثَنَائِي عَلَيْكَ دَائِمٌ،

خشم تو نشد؛ بار خدایا! این جایگه، جایگاه کسی است که دارد اعتراف می‌کند در ادای حق تو

مِنَ الدَّهْرِ إِلَى الدَّهْرِ بِالْوَانِ التَّسْبِيحِ، وَفُنُونِ التَّقْدِيسِ،

کوتاهی کرده است؛ خودش گواهی بر ضد خودش می‌دهد که نعمت تو کامل و نگه‌داری و

خَالصًا لَذِكْرِكَ، وَمَرْضِيًّا لَكَ بِنَاصِعِ التَّوْحِيدِ، وَمَحْضِ

حفاظت تو از او نیز به نیکی انجام شده است؛ پس، ای خدای من! ای معبود من؛ به من ببخش

التَّحْمِيدِ، وَطَوْلِ التَّعْدِيدِ فِي إِكْذَابِ أَهْلِ التَّنْذِيرِ. لَمْ

آنچه را که به سبب آن به رحمت تو برسیم، و آن را نزدبانی برای بالا آمدن به سوی کارهای

تُعْنُ فِي شَيْءٍ مِنْ قُدْرَتِكَ، وَلَمْ تُشَارِكْ فِي إِلَهِيَّتِكَ، وَلَمْ

خشنود کننده و رضای تو قرار دهیم و بدان وسیله از کیفر تو در امان بمانیم. به راستی، تو هر چه

تُعَايِنُ إِذْ حَبَسْتَ الْأَشْيَاءَ عَلَى الْغَرَائِزِ الْمُخْتَلِفَاتِ،

بخواهی انجام داده، به هر کاری دستور می‌دهی و تو بر هر کاری توانایی خدایا! سپاس من پی در

وَفَطَرْتَ الْخَلَائِقَ عَلَى صُنُوفِ الْهَيْئَاتِ، وَلَا خَرَقَتْ

پی به درگاه تو واصل، و ثنا و ستایشم به طور دایم نثار آستان تو، از روزگاری تا روزگار دیگر است؛

الأوهام حجب الغيوب إليك، فاعتقدت منك محدوداً

و این تسبیحاتم به شکل های گوناگون بوده، و تقدیس تو را از راه های مختلف به جای می آورم؛

في عظمتك، ولا كيفية في ازليتك، ولا ممكنا في

خالصانه به یاد توام، و با یگانه دانستنت و سپاس بی شائبهات و به وسیله دروغ گو شمردن

قدمك، ولا يبلغك بعد الهمم، ولا ينالك غوص الفطن،

همیشگی و پیوسته آنهایی که برای تو مثل و مانند و همتا قائلند؛ سعی دارم مورد رضایت و

ولا ينتهي إليك نظر الناظرين في مجد جبروتك،

خشنودیت قرار گیرم. در قدرتمندیت کسی به تو یاری نمی رساند، و در خدایت کسی با تو

وعظيم قدرتك. ارتفعت عن صفة المخلوقين صفة

شریک نیست، و هنگامی که اشیا را بر غریزه های گوناگون پوشش دادی و نگهداری کردی کسی

قدرتك، وعلا عن ذلك كبرياء عظمتك، ولا ينتقص ما

تو را معاینه و مشاهده نمی کرد، و آنگاه که هر مخلوقی را در صنف و هیئت ویژه ای خلق کردی

أردت أن يزداد، ولا يزداد ما أردت أن ينتقص، ولا

کسی تو را نمی دید. (عقل و) وهم و قوای باطنیه هیچ کس، یسارای دریدن پرده های پنهانی به

أحد شهدك حين فطرت الخلق، ولا ضد حضرك حين

سوی تو را ندارد، تا در نتیجه تو را در عظمتت محدود باور دارد، و نمی تواند برای ازلیت تو کیفیتی

برأت النفوس. كلت الألسن عن تبیین صفتك،

و برای قدیمیت تو امکانی فرض کند. هر چه همت کسی عالی باشد به کنه حقیقت تو نمی رسد، و

وأنحسرت العقول عن كنه معرفتك، وكيف تدركك

ژرفاندیشی و زیرکی هیچ کسی به تو دست نمی یابد، و نگرش هیچ کسی به منتهای جبروت و

الصِّفَاتُ، أَوْ تَحْوِيكَ الْجِهَاتُ، وَأَنْتَ الْجَبَّارُ الْقُدُّوسُ

نیروی عظیم تو نخواهد رسید. صفت و ویژگی قدرت تو برتر از توصیف آفریدگان، و عظمت

الذی لَمْ تَزَلْ أَزَلِيًّا دَائِمًا فِي الْغُيُوبِ وَحَدِّكَ، لَيْسَ فِيهَا

کبریایی تو بلندمرتبه‌تر از آنهاست؛ آنچه را که اراده کنی زیاد گردد کم نمی‌شود، و اگر کمی

غَيْرُكَ، وَلَمْ يَكُنْ لَهَا سِوَاكَ. حَارَتْ فِي مَلَكُوتِكَ

چیزی را اراده کنی توان افزایش ندارد؛ در هنگام آفرینش مخلوقات هیچ کس گواه تو نبود، و در

عَمِيقَاتُ مَذَاهِبِ التَّفْكِيرِ، وَحَسُرَ عَنِ إِدْرَاكَكَ بَصَرُ

زمان خلقت جاندارها نیز هیچ کس که با تو ضدیت داشته باشد نزدت حضور نداشت. زبان‌ها از

الْبَصِيرِ، وَتَوَاضَعَتِ الْمُلُوكُ لِهَيْبَتِكَ، وَعَنْتِ الْوُجُوهُ بَدَلِ

روشنگری در مورد صفت تو عاجز و ناتوانند، و عقل‌ها در حسرت رسیدن به کنه و نهایت شناخت

الْإِسْتِكَاةَ لِعَزَّتِكَ، وَأَنْقَادَ كُلِّ شَيْءٍ لِعَظَمَتِكَ، وَأَسْتَسَلِمَ

تو در مانده‌اند؛ آخر، چگونه صفت‌ها تو را در می‌یابند؟ و به چه صورت، جهت‌ها می‌توانند تو را در

كُلِّ شَيْءٍ لِقُدْرَتِكَ، وَخَضَعَتِ الرَّقَابُ بِسُلْطَانِكَ، فَضَلَ

بر گیرند؟ در حالی که تو جبار و قدوس (پاک و در نهایت پاک) هستی؛ همان که پیوسته، و

هُنَالِكَ التَّدْبِيرُ فِي تَصَارِيفِ الصِّفَاتِ لَكَ، فَمَنْ تَفَكَّرَ فِي

همیشگی و به طور دایم تنها در غیب مطلق هستی، جز تو در آن نیست، و غیر از تو کسی

ذَلِكَ رَجَعَ طَرْفُهُ إِلَيْهِ حَسِيرًا، وَعَقْلُهُ مَبْهُوتًا مَبْهُورًا،

شایسته‌شان نیست. در ملکوت تو نیز عمیق‌ترین راهروهای اندیشه، حیران شده‌اند؛ دیده‌زرف‌نگر

وَفِكْرُهُ مُتَحِيرًا. اللَّهُمَّ فَلِكِ الْحَمْدُ حَمْدًا مُتَوَاتِرًا مُتَوَالِيًا

و باز، از ادراک حقیقت تو خسته و درمانده است؛ پادشاهان در برابر هیبت تو فروتن‌اند؛ ابروداران

مُتْسِقًا مُسْتَوْثِقًا يَدُومٌ وَلَا يَبِيدُ غَيْرَ مَفْقُودٍ فِي الْمَلَكُوتِ،

در برابر عزت تو سرخواری و بیچارگی فرود آورده‌اند؛ همه چیز مُنْقَاد و سرافکننده در برابر عظمت

وَلَا مَطْمُوسٍ فِي الْعَالَمِ، وَلَا مُنْتَقَصٍ فِي الْعِرْفَانِ، فَلَكَ

و بزرگی تو است؛ هر چیزی در برابر نیرو و قدرت تو سر تسلیم فرود آورده است؛ با سلطنت و

الْحَمْدُ حَمْدًا لَا تُحْصَى مَكَارِمُهُ فِي اللَّيْلِ إِذَا أُدْبِرَ، وَ

چیرگی تو، تمام گردن‌ها به خضوع و افتادگی درآمده است، و در اینجاست که هر تدبیر و

فِي الصُّبْحِ إِذَا أُسْفِرَ، وَ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ، وَ بِالْغُدُوِّ

چاره‌جویی در پیدا کردن صفاتی برای تو، دچار گمراهی و سرگردانی شده است؛ هر کس در مورد

وَالْأَصَالِ، وَالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ، وَالظَّهِيرَةِ وَالْأَسْحَارِ.

صفات اندیشه کند در مانده و خسته از این کار برمی‌گردد، و عقلش ناتوان و شگفت‌زده و

اللَّهُمَّ بِتَوْفِيقِكَ أَحْضَرْتَنِي النَّجَاةَ، وَجَعَلْتَنِي مِنْكَ فِي

اندیشه‌اش سرگردان می‌شود، ای خدا! پس، تمام حمد و سپاس‌ها را مخصوص تو می‌دانم؛ حمد و

وَلَايَةِ الْعِصْمَةِ لَمْ تُكَلِّفْنِي فَوْقَ طَاقَتِي إِذْ لَمْ تَرْضَ مِنِّي

سپاسی بی در پی، متصل، همراه و محکم به هم چسبیده، که دایمی باشد و قطع نشود و در

إِلَّا بِطَاعَتِي، فَلَيْسَ شُكْرِي وَإِنْ دَأْبْتُ مِنْهُ فِي الْمَقَالِ،

ملکوت نیز ناپدید نشود، و در جهان آفرینش محو و نابود نشود، و از نظر شناخت نیز کم نداشته

وَ بِالْغَتِّ مِنْهُ فِي الْفِعَالِ يَبَالِغُ أَدَاءَ حَقِّكَ، وَلَا مُكَافِ

باشد؛ پس، سپاس و ستایشی که مکرمت‌ها و خوبی‌هایش را نتوان بر شمرد سزاوار توست، و تو را

فَضْلِكَ، لِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، لَمْ تَغِبْ عَنْكَ

سپاس هنگامی که شب پشت می‌کند و هنگامی که صبح طلوع می‌کند؛ در دریا و خشکی، و

غَائِبَةٌ، وَلَا تَخْفَىٰ عَلَيْكَ خَافِيَةٌ، وَلَا تَضِلُّ لَكَ فِي ظَلَمِ

صبح و شام، و در شبانگاه و بامدادان و در ظهر و سحر گاهان. بارالها! با توفیقت مرا نجات

الْخَفِيَّاتِ ضَالَّةً، إِنَّمَا أَمْرُكَ إِذَا أَرَدْتَ شَيْئًا أَنْ تَقُولَ لَهُ

بخشیدی، و در دائره حفظ و حراست خود سرپرستی و نگه‌داری کردی، بیش از طاقت و توانم

كُنْ فَيَكُونُ. اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ مِثْلَ مَا حَمَدْتَ بِهِ نَفْسَكَ،

برای من وظیفه‌ای نگذاشتی؛ زیرا، تنها فرمان برداریت را از من خواستی تا مورد رضایت قرار

وَحَمْدَكَ بِهِ الْحَامِدُونَ، وَمَجْدَكَ بِهِ الْمُمَجِّدُونَ، وَكَبْرَكَ

گیرم. بنابراین، سپاس‌گزاری و تشکر من از تو (هرچند در گفتار خسته شوم، و نهایت توانم را در

بِهِ الْمُكَبِّرُونَ، وَعَظَمَكَ بِهِ الْمُعْظِمُونَ، حَتَّىٰ يَكُونَ لَكَ

انجام آن به کار گیرم) نخواهد توانست حقت را ادا کند و هم‌پایه فضل تو باشد؛ زیرا، تو خدایی

مَنِّي وَحْدِي فِي كُلِّ طَرْفَةِ عَيْنٍ، وَأَقَلُّ مِنْ ذَلِكَ، مِثْلُ

هستی که معبودی جز تو نیست؛ هیچ پنهان‌شده‌ای از تو پنهان نشده است، و هیچ چیز پوشیده و

حَمْدِ جَمِيعِ الْحَامِدِينَ وَتَوْحِيدِ أَصْنَافِ الْمُخْلِصِينَ، وَ

مخفی نیز بر تو پوشیده نیست، و در تاریکی‌های پنهان، گم‌شده‌ای از نظر تو گم نمی‌شود. شأن تو

تَقْدِيسِ أَحْبَابِكَ الْعَارِفِينَ، وَتَنَاءِ جَمِيعِ الْمُهَلِّلِينَ، وَ

چنین است که هر گاه چیزی را اراده کنی به آن می‌گویی: (انجام) شو؛ آن نیز (بلافاصله) انجام

مِثْلُ مَا أَنْتَ عَارِفٌ بِهِ، وَمَحْمُودٌ بِهِ مِنْ جَمِيعِ خَلْقِكَ

می‌شود. بارالها! تو را سپاس به همان گونه که خود را ستوده‌ای؛ و همان گونه که تمام ستایشگران

مِنَ الْحَيَوَانَ وَالْجَمَادِ. وَارْغَبْ إِلَيْكَ اللَّهُمَّ فِي شُكْرِ مَا

تو را حمد و سپاس گفته‌اند، و تمام ثناگویان تو را ثنا و تمجید نموده‌اند، و بزرگ‌دارندگان تو را

أَنْطَقْتَنِي بِهِ مِنْ حَمْدِكَ، فَمَا أُيسِرَ مَا كَلَّفْتَنِي مِنْ ذَلِكَ،

بزرگ داشته‌اند، و به عظمت یادکنندگان تو را تعظیم کرده‌اند؛ تا جایی که من در هر چشم به هم

وَأَعْظَمَ مَا وَعَدْتَنِي عَلَى شُكْرِكَ، إِبْتَدَأْتَنِي بِالنِّعَمِ فَضْلاً

زدن و بلکه در زمانی کمتر از آن، به تنهایی به اندازه تمام ستایشگران تو را ستایش کنم، و به

وَ طَوَّلاً، وَ أَمَرْتَنِي بِالشُّكْرِ حَقًّا وَعَدَلاً، وَ وَعَدْتَنِي عَلَيْهِ

اندازه تمام مخلصان تو را یگانه بخوانم، و به اندازه تمام دوستان عارف تو را تقدیس کنم، و به

أَضْعَافاً وَمَزِيداً، وَأَعْطَيْتَنِي مِنْ رِزْقِكَ اعْتِبَاراً وَامْتِحَاناً،

اندازه تمام تهلیل‌گویان تو را ثناگویی کنم؛ همانند آنچه که تو خودت نسبت به آن شناخت داری،

وَسَأَلْتَنِي مِنْهُ فَرَضاً يَسِيراً صَغِيراً، وَ وَعَدْتَنِي عَلَيْهِ

و با آن ستایش شونده‌ای از تمام مخلوقات اعم از حیوان و جمادات. بارالها؛ اشتیاق دارم شکر و

أَضْعَافاً وَمَزِيداً وَإِعْطَاءً كَثِيراً، وَ عَافَيْتَنِي مِنْ جُهْدِ

سپاس تمام ستایش‌هایی را که زبانت را بدان گویا کردی نیز به جای آورم. چه قدر آسان است

الْبَلَاءِ، وَ لَمْ تُسَلِّمْنِي لِلْسُّوءِ مِنْ بَلَائِكَ، وَ مَنَحْتَنِي

انجام آنچه مرا بدان موظف فرمودی، و چه عظیم است وعده‌هایی که برای سپاسگزاری به من

الْعَافِيَةَ، وَ أَوْلَيْتَنِي بِالْبَسْطَةِ وَالرِّخَاءِ، وَ ضَاعَفْتَ لِي

دادی؛ از راه فضل و دوستی و لطف شروع به نعمت بخشیدن به من کردی، و به من دستور دادی

الْفُضْلَ مَعَ مَا وَعَدْتَنِي بِهِ مِنَ الْمَحَلَةِ الشَّرِيفَةِ، وَ

که در مقابل آن نعمت‌ها - چنان که حق توست و عدالت نیز همین را اقتضای می‌کند - به

بَشْرَتَنِي بِهِ مِنَ الدَّرَجَةِ الرَّفِيعَةِ الْمُنِيعَةِ، وَ اصْطَفَيْتَنِي

شکرگزاری بپردازم؛ نیز به من وعده فرمودی که در مقابل شکر و سپاسگزاریم نیز چند برابر به

بِأَعْظَمِ النَّبِيِّينَ دَعْوَةً، وَأَفْضَلِهِمْ شَفَاعَةً مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ

من ببخشی و پاداش بدهی. از روزی و رزقت جهت عبرت جویی و آزمایش، به من ارزانی داشتی،

عَلَيْهِ وَاللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي مَا لَا يَسَعُهُ إِلَّا مَغْفِرَتُكَ، وَلَا

ولی در مقابل مقدار کم و کوچک از آن را از من درخواست کردی و باز هم در مقابل پرداخت آن،

يَمْحَقُهُ إِلَّا عَفْوُكَ، وَهَبْ لِي فِي يَوْمِي هَذَا وَسَاعَتِي

وعدۀ پاداش های چند برابر و نیز بخشش های بسیار به من دادی. و مرا از سختی بلا عافیت و

هَذِهِ يَقِينًا يَهْوَنُ عَلَيَّ مُصِيبَاتِ الدُّنْيَا وَأَحْزَانَهَا، وَ

سلامت دادی و به بدی های بلایت را رها نکردی، و عافیت و سلامتی را به من احسان نمودی، و

يُشَوِّقُنِي إِلَيْكَ، وَ يُرَغِّبُنِي فِيمَا عِنْدَكَ، وَ اَكْتُبْ لِي

مرا با گستردگی و رفاه یاری کردی و برای من فضل و احسان را - با اینکه در محل بزرگواری

الْمَغْفِرَةَ، وَ بَلِّغْنِي الْكِرَامَةَ، وَ ارْزُقْنِي شُكْرَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ

برای من و عده دادی - چندین برابر قرار دادی، و به وسیله او مرا به درجه رفیع و والا بشارت

عَلَيَّ، فَإِنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الْوَاحِدُ الرَّفِيعُ الْبَدِيُّ الْبَدِيعُ

دادی، و مرا به بزرگترین پیامبران از نظر فراخوان و برترین آنان از نظر شفاعت یعنی حضرت

السَّمِيعُ الْعَلِيمُ الَّذِي لَيْسَ لِأَمْرِكَ مَدْفَعٌ، وَلَا عَنْ قَضَائِكَ

محمّد(ص) - که درود خدا بر او و آل او باد - برگزیدی. بار خدایا! بیامرز برای من آنچه را که جز

مُمْتَنِعٌ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ رَبِّي وَرَبُّ كُلِّ شَيْءٍ فَاطِرُ السَّمَاوَاتِ

آمرزش تو آن را توان ندارد، و جز عفو تو آن را محو و نابود نکند؛ امروز و در ساعت حاضر یقینی

وَالْأَرْضِ، عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ، الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ الْمُتَعَالِ.

به من ببخشی که مصیبت ها و اندوهد های دنیا را بر من آسان گرداند، و مرا مشتاق تو کند، و

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الثَّبَاتَ فِي الْأَمْرِ، وَالْعَزِيمَةَ فِي

ترغیب به چیزهایی که نزد توست بنماید. مغفرت و آمرزش خویش را برای من بنویس، و مرا به

الرُّشْدِ، وَإِلْهَامَ الشُّكْرِ عَلَى نِعْمَتِكَ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ جَوْرِ

کرامت برسان، و شکر و سپاسگزاری بر نعمت‌هایت را که بر من عنایت کردی، روزیم کن؛ زیرا، تو

كُلِّ جَائِرٍ، وَبَغْيِ كُلِّ بَاغٍ، وَحَسَدِ كُلِّ حَاسِدٍ. اللَّهُمَّ

خدای یکتای والای آغازگر نوآور شنوای گانا هستی؛ خدایی که هیچ چیزی نمی‌تواند دستورت را

بِكَ أَصُولَ عَلَى الْأَعْدَاءِ، وَإِيَّاكَ أَرْجُو وَلَايَةَ الْأَحْبَاءِ،

برگرداند، و از قضا و نظر تو جلوگیری کند؛ و گواهی می‌دهم که تو پروردگار من و پرورش‌دهنده

مَعَ مَا لَا أُسْتَطِيعُ إِحْصَاءَهُ مِنْ فَوَائِدِ فَضْلِكَ، وَأَصْنَافِ

تمام چیزهایی؛ آفریننده آسمان‌ها و زمینی؛ دانای پنهانی‌ها و دیدنی‌ها؛ بلندمرتبه، بزرگ و

رِفْدِكَ، وَأَنْوَاعِ رِزْقِكَ، فَإِنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

والمقام. بار خدایا، به راستی من از تو درخواست ثبات و پایداری را در ولایت، و عزم راسخ در

الْفَاشِي فِي الْخَلْقِ حَمْدُكَ، الْبَاسِطِ بِالْجُودِ يَدُكَ، لَا

انجام خوبی‌ها، و الهام به من برای سپاسگزاری بر نعمت‌هایت دارم. از جور و ستم تمام جائران و

تُضَادِّ فِي حُكْمِكَ، وَلَا تُتَارَعُ فِي سُلْطَانِكَ وَ مَلِكِكَ، وَ

ستم‌کاران، از جفاکاری زورگویان، و از حسد حسادت‌کنندگان به تو پناه می‌آورم. بارالها به واسطه

لَا تُرَاجَعُ فِي أَمْرِكَ، تَمْلِكُ مِنَ الْأَنْامِ مَا شِئْتَ، وَ

تو می‌خواهم بر دشمنان ظفر و چیرگی یابم؛ و تنها از تو ولایت و دوستی و دوستان را امید دارم؛

لَا يَمْلِكُونَ إِلَّا مَا تُرِيدُ. اللَّهُمَّ أَنْتَ الْمُنْعَمُ الْمَفْضِلُ الْقَادِرُ

با اینکه هنوز نمی‌توانم موارد فضل سودمندت، و انواع پذیرایی و روزیات را به شماره درآورم.

الْقَاهِرُ الْمُقَدَّسُ فِي نُورِ الْقُدُسِ، تَرَدَّدَتْ بِالْعِزَّةِ وَالْمَجْدِ،

همانا، تو خدایی هستی که جز تو معبودی نیست و ستایشت در بین خلقت گسترده و آشکار

و تَعَظَّمْتَ بِالْقُدْرَةِ وَالْكَبْرِيَاءِ، وَ غَشَّيْتَ بِالْبَهَاءِ، وَ

اسیبت، و دست جود و بخشش باز و گسترده است، و در حکم و فرمان تو با تو ضدیت نمی توان

جَلَلْتَ الْبَهَاءَ بِالْمَهَابَةِ. اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ الْعَظِيمُ، وَالْمَنْ

کرد، و در سلطنت و فرمان رویی، کسی نمی تواند به جنگ تو بیاید، و امر و دستور تو باز گردانده

الْقَدِيمُ، وَ السُّلْطَانُ الشَّامِخُ، وَ الْحَوْلُ الْوَاسِعُ، وَ الْقُدْرَةُ

نمی شود، هر چه از مردم را بخواهی ملک توست؛ لیکن هر چه آنها بخواهند - جز با اراده تو به

الْمُقْتَدِرَةُ، وَ الْحَمْدُ الْمُتَّبَعُ الَّذِي لَا يَنْفَدُ بِالشُّكْرِ سَرْمَدًا

دست نمی آورند. بارالها! تو نعمت بخش، فضل و فزونی بخش، توانا، چیره و غالب و پاکیزه دانسته

وَلَا يَنْقُضِي أَبَدًا، إِذْ جَعَلْتَنِي مِنْ أَفْضَلِ بَنِي آدَمَ، وَ

شده در نور پاک هستی؛ لباس عزت و بزرگواری بر تن داری، و با قدرت و کبریاییت ابراز بزرگی

جَعَلْتَنِي سَمِيعًا بَصِيرًا صَحِيحًا سَوِيًّا مُعَافًا لَمْ تَشْغَلْنِي

می کنی، و نور را به زیبایی و درخشندگی پوشانده ای، و درخشندگی را با هیبت جلالت

بِنُقْضَانٍ فِي بَدَنِي، وَ لَا بَاقَةَ فِي جَوَارِحِي، وَ لَا عَاهَةَ

بخشیده ای. بار خدایا! ستایش فراوان از آن توست؛ منت دیرینه مخصوص توست؛ سلطنت رفیع و

فِي نَفْسِي وَلَا فِي عَقْلِي، وَلَمْ يَمْنَعْكَ كِرَامَتُكَ إِيَّايَ، وَ

پابرجا مال توست؛ جنبش و توان فراگیر، قدرت شایان و ستایش پی در پی که پایان نپذیرد و تا

حُسْنُ صُنْعِكَ عِنْدِي، وَ فَضْلُ نِعْمَاتِكَ عَلَيَّ إِذْ وَسَّعْتَ

ابدیت نیز از بین رفتنی نیست، سزاوار توست؛ زیرا، تو مرا از بافضیلت ترین فرزندان حضرت آدم

عَلَىٰ فِي الدُّنْيَا، وَفَضَّلْتَنِي عَلَىٰ كَثِيرٍ مِنْ أَهْلِهَا تَفْضِيلًا،

قرار دادی، و مرا شنوا، بینا، سالم درست اندام، با عفت و سلامتی قرار دادی و در بدنم کمبودی

وَ جَعَلْتَنِي سَمِيعًا أَعْي مَا كَلَّفْتَنِي، بَصِيرًا أَرَىٰ قُدْرَتَكَ

نیست تا مرا به خود مشغول کند، و اعضا و جوارح من نیز دچار آفت و بیماری نیستند، و در روان و

فِيمَا ظَهَرَ لِي، وَأَسْتَرْعَيْتَنِي وَأَسْتَوْدَعْتَنِي قَلْبًا يَشْهَدُ

عقلم نیز آسیبی وجود ندارد، کرامت و بزرگواری تو بر من، و کارهای نیکی که برایم می کنی، و

بِعَظَمَتِكَ، وَلِسَانًا نَاطِقًا بِتَوْحِيدِكَ، فَإِنِّي لَفَضْلِكَ عَلَيَّ

فزونسی نعمت‌هایت تو را باز ندانست که نعمت‌هایت را در این دنیا بر من گسترانندی، و مرا بر

حَامِدٌ، وَلَتَوْفِيقِكَ إِيَّايَ بِحَمْدِكَ شَاكِرٌ، وَبِحَقِّكَ شَاهِدٌ،

بسیاری از اهل دنیا برتری و فضیلت بخشیدی، و مرا شنوا قرار دادی تا به وظایفم گوش فرا دهم

وَإِلَيْكَ فِي مِلْمِي وَمُهْمِي ضَارِعٌ، لَأَنَّكَ حَيٌّ قَبْلَ كُلِّ

و مرا بینا قرار دادی تا قدرت تو را که برایم آشکار ساختی ببینم، و مرا مراعات کردی و قلبی به

حَيٌّ، وَحَيٌّ بَعْدَ كُلِّ مَيِّتٍ، وَحَيٌّ تَرِثُ الْأَرْضَ وَمَنْ

من دادی تا با این ودیعه ارزشمند بتوانم عظمت تو را مشاهده کنم، و زبانی گویا به یگانگی ات،

عَلَيْهَا، وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ. اللَّهُمَّ لَا تَقْطَعْ عَنِّي خَيْرَكَ

ارزانی ام کردی. لذا، من تو را جهت فضل و فزونی که بر من بخشیدی ستایش گرم، و به خاطر

فِي كُلِّ وَقْتٍ، وَلَمْ تُنْزِلْ بِي عُقُوبَاتِ النَّقْمِ، وَلَمْ تُغَيِّرْ مَا

اینکه توفیق ستایشت را به من دادی شکر گزارم و به حق تو گواهی دهنده‌ام و در امور سخت و

بِي مِنَ النُّعْمِ، وَلَا أَخْلَيْتَنِي مِنْ وَثِيقِ الْعَصَمِ، فَلَوْ لَمْ

مهمم به تو تضرع کنندم؛ زیرا تو قبل از هر زندگای زنده بوده‌ای، و پس از هر که بمیرد نیز زنده

أَذْكُرُ مِنْ إِحْسَانِكَ إِلَيَّ وَإِنْعَامِكَ عَلَيَّ إِلَّا عَفْوَكَ عَنِّي،

خواهی بود، و زنده‌ای هستی که وارث زمین و هر که بر آن قرار داد می‌باشی، و تو بهترین وارثان

وَالِإِسْتِجَابَةَ لِدُعَائِي، حِينَ رَفَعْتُ رَأْسِي بِتَحْمِيدِكَ وَ

هستی. خدایا! خیر و نیکی‌ات را هیچ‌گاه از من قطع مکن، و کیفرهای انتقامی‌ات را بر من

تَمْجِيدِكَ لَا فِي تَقْدِيرِكَ جَزِيلٍ حَظِي حِينَ وَفَّرْتَهُ

مفرست، و نعمت‌هایی را که بر من ارزانی داشته‌ای تغییر مده، و از حفاظت‌گاه‌های محکم و

انْتَقَصَ مُلْكِكَ، وَلَا فِي قِسْمَةِ الْأَرْزَاقِ حِينَ قَتَّرْتَ عَلَيَّ

مطمئن‌ت مرا خالی مگردان؛ زیرا، اگر من از احسان و نعمت‌بخشی‌ات بر من، جز عفو و بخششت و

تَوَفَّرَ مُلْكِكَ. اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ،

پاسخ دادن به دعایم - هنگامی که سر بلند کردن برای ستایش و بزرگ‌شماریت - را یاد نمی‌کردم،

وَعَدَدَ مَا أَدْرَكَتَهُ قُدْرَتُكَ، وَعَدَدَ مَا وَسَّعَتْهُ رَحْمَتُكَ،

با قرار دادن بهره فراوان، چیزی از فرمان‌روایی تو کم نمی‌گشت، و در تقسیم نمودن رزق و

وَأَضْعَافَ ذَلِكَ كُلِّهِ، حَمْدًا وَاصِلًا مُتَوَاتِرًا مُتَوَازِيًا

روزی‌ها نیز با کم گذاشتن سهمیه من چیزی بر پادشاهی‌ات افزون نمی‌شد. خدایا! حمد و ستایش

لِلْآلَاءِ وَأَسْمَائِكَ. اللَّهُمَّ فَتَمِّمْ إِحْسَانَكَ إِلَيَّ فِيمَا بَقِيَ

را به تعداد آنچه علم و دانش تو بر آن احاطه دارد، مخصوص تو دانم؛ به تعداد آنچه قدرت و توان

مِنْ عُمْرِي، كَمَا أَحْسَنْتَ إِلَيَّ [مِنْهُ] فِيمَا مَضَى، فَإِنِّي

تو آن را درک کند و دریابد؛ به تعداد آنچه رحمت تو آن را شامل و فراگیرد؛ بلکه چندین برابر

أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِتَوْحِيدِكَ وَتَهْلِيلِكَ وَتَمْجِيدِكَ وَتَكْبِيرِكَ

همه آنچه گفتم، حمد و ستایش رسنده پی در پی هم‌راستا بر نعمت‌ها و نام‌هایت (نشانه‌هایت)

و تَعْظِيمَكَ، [وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي خَلَقْتَهُ مِنْ ذَلِكَ فَلَا

نثار نمی‌کنم. بار پروردگارا! احسان و نیکی‌ات را بر من در باقی مائده دوران زندگانی‌ام تمام

يَخْرُجُ مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ]. وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الرَّوْحَ الْمَكْنُونِ

گردان. همان گونه که در گذشته زندگانی‌ام نیز چنین کردی؛ زیرا من با یگانه دانستن تو، و

الْحَيِّ الْحَيِّ الْحَيِّ وَ بِهِ وَبِهِ وَبِكَ وَبِكَ وَبِكَ، إِلَّا

تهلایل گفتن و ثناگویی تو و گرمی داشت و تعظیم تو به تو توسل می‌جویم (و تو را

تَحْرِمَنِي رِفْدَكَ، وَفَوَآئِدَ كِرَامَتِكَ، وَ لَا تُؤَلِّنِي غَيْرَكَ، وَ

می‌خوانم به واسطه نامی که از آن آفریدی و از تو جز به سوی خودت خارج نخواهد شد). و

لَا تُسَلِّمَنِي إِلَىٰ عَدُوِّي، وَ لَا تَكِلْنِي إِلَىٰ نَفْسِي، وَ

تو را می‌خوانم به واسطه اسمت، روح پنهان، زنده زنده زنده، و به او، و به او، و به او، و به او،

أَحْسِنُ إِلَىٰ أُمَّةٍ الْإِحْسَانِ عَاجِلًا وَ آجِلًا، وَ حَسِّنُ فِي

و به تو، و به تو، و به تو؛ که مرا از جایزه و کرامت‌های سودمند محروم مگردانی، و

الْعَاجِلَةَ عَمَلِي، وَ بَلِّغْنِي فِيهَا أَمَلِي وَ فِي الْآجِلَةَ، وَ

سرپرستی‌ام را به دست کسی جز خودت مسپار، و مرا به دست دشمنم تسلیم مکن، و به

الْخَيْرِ فِي مُنْقَلَبِي، فَإِنَّهُ لَا تُفْقِرُكَ كَثْرَةُ مَا يَنْدَفِقُ بِهِ

خودم نیز مسپار و وامگذار؛ و کامل‌ترین احسان را در حال حاضر و به زودی و نیز در آینده‌ها

فَضْلِكَ، وَسَيِّبُ الْعَطَايَا مِنْ مَنِّكَ، وَ لَا يُنْقِصُ جُودَكَ

بر من فرو فرست، و در زمان‌های نزدیک باعث نیکی عملی، و در نزدیک و دور زمانه، مرا به

تَقْصِيرِي فِي شُكْرِ نِعْمَتِكَ، وَ لَا تُجَمُّ خَزَائِنَ نِعْمَتِكَ

آرزوه‌هایم برسان، و در بازگشتن نیز به من خیر برسان؛ زیرا، جوشش زیاد فضل و احسان تو

النَّعْمُ، وَلَا يُنْقِصُ عَظِيمَ مَوَاهِبِكَ مِنْ سَعَتِكَ الْإِعْطَاءُ، وَ

نیازمندت نخواهد کرد؛ بخشش‌ها از ناحیه تو می‌رسد، و کوتاهی من در سپاسگزاری نعمت

لَا تُؤَثِّرُ فِي جُودِكَ الْعَظِيمِ الْفَاضِلِ الْجَلِيلِ مِنْحُكَ، وَ

تو باعث کاستی در بخشش و جودت نمی‌گردد، و گنجینه‌های نعمتت را نعمت‌ها زیاد و

لَا تَخَافُ ضِيمَ إِمْلَاقِ فَتُكْدِي، وَلَا يَلْحَقُكَ خَوْفُ عَدَمِ

انبوه نمی‌گرداند، و بخشش‌های بزرگ تو باعث کاستی در عطاهای فراگیرت نمی‌شود، و

فَيَنْقُصَ فَيْضَ مُلْكِكَ وَفَضْلِكَ. اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي قَلْبًا

عطاهای خاص تو تأثیری در سخاوت بزرگ و افزون و شکوه‌مندت ندارد، و از تنگدستی

خَاشِعًا، وَيَقِينًا صَادِقًا، وَبِالْحَقِّ صَادِعًا، وَلَا تُؤْمِنِي

نمی‌هراسی تا دست نگه‌داری، و ترس از بی‌چیزی به تو نمی‌رسد تا از فیض پادشاهی و

مَكْرَكْ، وَلَا تُتْسِنِي ذِكْرَكَ، وَلَا تَهْتِكْ عَنِّي سِتْرَكَ، وَلَا

فضلت کم کند. بارخدایا؛ قلبی خاشع، یقینی راستین و حقیقت‌جو، و سخن حق را آشکار

تَوْلِنِي غَيْرَكَ، وَلَا تُقْنِنِي مِنْ رَحْمَتِكَ بَلْ تَعْمَدْنِي

کننده نصیبم کن؛ و کاری کن که خود را از مکسرت در امان ندانم، و یادت را از یادم مبرود

بِفَوَائِدِكَ، وَلَا تَمْنَعْنِي جَمِيلَ عَوَائِدِكَ، وَكُنْ لِي فِي كُلِّ

برده‌پوششی‌ات را از من ببرد، و سرپرستی‌ام را به دیگری مسپار، مرا از رحمتت ناامید مساز

وَخَشَّةَ أَنْيْسَا، وَفِي كُلِّ جَزَعٍ حِصْنَا، وَ مِنْ كُلِّ هَلَاكَةٍ

بلکه با سودبخشی‌ات مرا بهره‌مند گردان، و از بهره‌های زیبایت محرومم مسپار، و در هر

غِيَاثًا، وَ نَجْنِي مِنْ كُلِّ بَلَاءٍ، وَاعْصِمْنِي مِنْ كُلِّ زَلَلٍ

وحشتی انیس من باش، و در هر بی‌تابی و ناشکیبایی جای امن و حصن من باش، و از هر

وَخَطَا، وَتَمَّ لِي فَوَائِدَكَ، وَقِنِي وَعَيْدَكَ، وَأَصْرِفْ

هلاکتی دادرس من باش، و از همه بلاها نجاتم بخش، و از هر لغزش و اشتباهی نگاهم دار، و

عَنِّي أَلِيمَ عَذَابِكَ وَتَدْمِيرَ تَكْوِيلِكَ، وَشَرِّفْنِي بِحِفْظِ

سودبخشیات را برایم کامل کن، و عذاب دردناکت و هلاکت عقوبت و مجازاتت را از من دور

كِتَابِكَ، وَأَصْلِحْ لِي دِينِي وَدُنْيَايَ وَآخِرَتِي وَأَهْلِي وَ

گردان و با نگرهبانی از کتابت به من شرافت ببخش، و دین و دنیا و آخرت و اهل و فرزندانم

وَلَدِي، وَوَسِّعْ رِزْقِي، وَأَدِرَّهُ عَلَيَّ، وَأَقْبِلْ عَلَيَّ، وَ

را برایم اصلاح کن، و رزقم را وسعت بده و روزی ام را ریزان گردان و به من رو کن و روی

لَا تُعْرِضْ عَنِّي. اللَّهُمَّ ارْفَعْنِي وَلَا تَضَعْنِي، وَارْحَمْنِي

مبارکت را از من مگردان، بارالها؛ مرا بالا ببر و پست مگردان؛ و به من رحم کن و مرا

وَلَا تُعَذِّبْنِي، وَأَنْصُرْنِي وَلَا تَخْذَلْنِي، وَأَثِرْنِي وَلَا تُؤْتِرْ

عذاب مکن، و یاریم کن و خسوارم مکن، و مرا بر دیگران ترجیح بده و دیگران را بر من

عَلَيَّ، وَاجْعَلْ لِي مِنْ أَمْرِي يُسْرًا وَفَرَجًا، وَعَجِّلْ

ترجیح مده، و در کارم راحتی و گشایش بیاور، و در پاسخ مثبت دادن به من شتاب کن، و

إِجَابَتِي، وَأَسْتَنْقِذْنِي مِمَّا قَدْ نَزَلَ بِي، إِنَّكَ عَلِيٌّ كُلُّ

از مشکلاتی که بر من وارد شده است رهاییم بخش؛ اعتقاد و باورم آن است که تو بر هر

شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَذَلِكَ عَلَيْكَ يَسِيرٌ، وَأَنْتَ الْجَوَادُ الْكَرِيمُ. ۱

چیزی توانایی، و این کارها برایت آسان است، و تو سخاوتمند بزرگوار هستی.

حکایت حرز یمانی

در «دارالسلام» نقل فرموده است: دستخط «علامة مجلسی اول (ره)» را در پشت دعایی که معروف به «حرز یمانی» است چنین یافتیم: به نام خداوند بخشنده مهربان، ستایش مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است و درود بر شرافتمندترین پیامبران مرسل محمد (ص) و عترت پاک او باد.

و بعد؛ سید نجیب و ادیب بزرگوار، برگزیده بزرگواران و نقیبان ارجمند، جناب «امیر محمد هاشم» - که خداوند تأیید و توفیقش را به واسطه مقام ارجمند محمد و آل پاکش (ع) ادامه دهد - از من خواست تا اجازه «حرز یمانی» را که به امیر مؤمنان (ع) و امام پرهیزگاران و بهترین مخلوقات پس از آقا و سرور پیامبران (ص) نسبت داده می‌شود، به او بدهم.

به این خاطر، اجازه روایت این دعا را به او می‌دهم؛ با سندم که از سید عابد و زهد پیشه ارجمند «امیر اسحاق استرآبادی» (که نزدیک قبر آقای تمام جوانان اهل بهشت در کربلا دفن شده است)

و او از امام و مولای ما و مولای جن و انس، جانشین خدای تعالی، صاحب‌العصر و الزمان (ع) نقل می‌کند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

اللَّهُمَّ أَنْتَ الْمَلِكُ الْحَقُّ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، وَأَنَا

بارالها! تو پادشاه راستینی هستی که جز تو معبودی نیست؛ و من بنده تو هستم؛ بر خود

عَبْدُكَ، ظَلَمْتُ نَفْسِي، وَأَعْتَرَفْتُ بِذَنْبِي، وَلَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ

ستم کردم؛ و به گناهم اعتراف دارم؛ در حالی که (می‌دانم) جز تو کسی گناهان را

إِلَّا أَنْتَ، فَاغْفِرْ لِي يَا غَفُورٌ يَا شَكُورٌ. اللَّهُمَّ إِنِّي

نمی‌بخشد، پس بخشش و آمرزشت را شامل من گردان، ای آمرزنده؛ ای پاداش دهنده؛

أَحْمَدُكَ، وَأَنْتَ لِلْحَمْدِ أَهْلٌ، عَلَيَّ مَا خَصَّصْتَنِي بِهِ مِنْ

بارالها! من تو را ستایش می‌کنم، و می‌دانم که تو شایسته ستایش هستی. ستایش بر

مَوَاهِبِ الرَّغَائِبِ، وَمَا وَصَلَ إِلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ السَّابِعِ،

بخشش‌های خوش‌آیندی که به من اختصاص دادی، و فضل و احسان فراوانی که به من

وَمَا أَوْلَيْتَنِي بِهِ مِنْ إِحْسَانِكَ إِلَيَّ، وَبَوَّأْتَنِي بِهِ مِنْ مَظَنَّةِ

رسانیدی، و نیکی و احسان که بر من ارزانی داشتی، و آنچه از جایگاه عدل برای من جای

الْعَدْلِ، وَأَنْلَتَنِي مِنْ مَنِّكَ الْوَاصِلِ إِلَيَّ وَمِنَ الدَّفَاعِ عَنِّي،

دادی، و از لطف و احسان پیاپی‌ات به من رسانیدی، و از من دفاع کردی، و توفیقم دادی، و

والتَّوْفِيقِ لِي، وَالْإِجَابَةِ لِدُعَائِي حِينَ أُنَاجِيكَ دَاعِيًا وَ

دعایم را مستجاب می‌کنی هنگامی که در حال دعا با تو مناجات می‌کنم؛ و هنگامی که تو

أَدْعُوكَ مُضَامًا، وَأَسْأَلُكَ فَأَجِدُكَ فِي الْمَوَاطِنِ كُلِّهَا لِي

را می خوانم در حالی که نستمیدادم. و درخواست می کنم و می بینم که در همه جا نسبت

جَابِرًا، وَفِي الْأُمُورِ نَاطِرًا، وَلِذُنُوبِي غَافِرًا، وَلِعَوْرَاتِي

به من مهربان و نیکوکاری، و در تمام کارها نظاره گر من هستی، و گناهانم را می بخشی، و

سَاتِرًا، لَمْ أَعْدَمْ خَيْرَكَ طَرْفَةَ عَيْنٍ مُنْذُ أَنْزَلْتَنِي دَارَ

عیب هایم را می پوشانی؛ از ابتدای ورود به دنیا (که منزلگاه اختیار است) حتی به قدر یک

الإِخْتِيَارِ لِتَنْظُرَ مَا أَقْدَمُ لِدَارِ الْقَرَارِ، فَأَنَا عَتِيقُكَ مِنْ

چشم بر هم زدن نیز سراغ ندارم که خیر و خوبی ات به من نرسیده باشد. چنین کردی تا

جَمِيعِ الْآفَاتِ وَالْمَصَائِبِ، فِي اللُّوَاظِبِ وَالْغُمُومِ الَّتِي

بینی برای خانه همیشگی ام (آخرت) چه چیزی می فرستم (ای خدا) بدین سان، من ازاد

سَاوَرْتَنِي فِيهَا الْهُمُومُ، بِمَعَارِيضِ أَصْنَافِ الْبَلَاءِ،

شده تو از تمام آسیب ها و مصیبت ها، در سختی ها و غم و اندوه هایی هستم که ناراحتی ها

وَمَصْرُوفِ جُهْدِ الْقَضَاءِ، لَا أَذْكَرُ مِنْكَ إِلَّا الْجَمِيلَ، وَلَا

را بر من حمله ور ساخته؛ به پیش آمدن بلاهای گوناگون، و رخ دادن سختی قضا. از تو جز

أَرَى مِنْكَ غَيْرَ التَّفْضِيلِ. خَيْرُكَ لِي شَامِلٌ، وَفَضْلُكَ

خوبی و زیبایی به یادم ندارم و جز مهربانی و فضل، از تو نمی بینم. خیر و نیکی تو مرا فرا

عَلَى مُتَوَاتِرٍ، وَنِعْمَتِكَ عِنْدِي مُتَّصِلَةٌ، وَسَوَابِقُ لَمْ تُحَقِّقْ

گرفته است، و فضل و فزون بخشی تو پی در پی به من می رسد، و نعمتت به طور متصل به

حِذَارِي، بَلْ صَدَّقْتَ رَجَائِي، وَصَاحِبْتَ أَسْفَارِي، وَ

من می‌رسد، و سابقه‌هایی که محقق نساختی بر حذر شدنم (ناامیدیم) را، بلکه امیدم را به

أَكْرَمْتَ أَحْضَارِي، وَشَفَيْتَ أَمْرَاضِي وَأَوْهَانِي، وَعَافَيْتَ

راستی رسانده‌ای، و در سفرها همراهم بودی، و در وطن نیز با کرامت و بزرگواری با من

مُنْقَلَبِي وَمَثْوَايَ، وَلَمْ تُشْمِتْ بِي أَعْدَائِي، وَرَمَيْتَ مَنْ

رفتار کردی، و بیماری‌ها و سستی‌هایم را شفا بخشیدی، و پناه‌گاه و آرامگاهم را عافیت

رَمَانِي، وَكَفَيْتَنِي مَوْوَنَةً مِنْ عَادَانِي. فَحَمْدِي لَكَ وَاصِلٌ،

بخشیدی، و دشمنان مرا اجازه شتماتت کردن نسبت به من ندادی، و هر که مرا هدف

وَتَنَائِي عَلَيْكَ دَائِمٌ، مِنَ الدَّهْرِ إِلَى الدَّهْرِ، بِاللَّوَانِ

گرفت او را هدف گرفتی، و سختی و رنج دشمنانم را از من کفایت نمودی. بنابراین،

التَّسْبِيحِ، خَالِصًا لَذِكْرِكَ، وَمَرْضِيًّا لَكَ بِبِنَايَةِ التَّوْحِيدِ،^۱

ستایشم به تو پیوسته، و ثناگویی‌ام بر تو همیشگی است. از هر زمانی تا زمان دیگر، با

وَأِمْحَاضِ التَّمْجِيدِ بِطَوْلِ التَّعْدِيدِ، وَمَزِيَّةِ أَهْلِ الْمَزِيدِ،

تسبیح‌گویی‌های گوناگون، فقط به خاطر یاد تو و جلب خشنودی تو به توحید ناب و

لَمْ تُعَنْ فِي قُدْرَتِكَ، وَلَمْ تُشَارِكْ فِي إِلَهِيَّتِكَ، وَلَمْ تُعَلِّمْ

ستایشگری خالص، با طولانی شدن شمارش و فزونی اهل افزایش خواهم بود، کسی در

لَكَ مَائِيَّةٌ فَتَكُونُ لِلْأَشْيَاءِ الْمُخْتَلَفَةِ مُجَانِسًا، وَلَمْ تُعَايِنِ

توانایت یاریت نکرده است، و در خدایت نیز شریک نشده، و ماهیتی برای تو ندانسته‌اند تا

۱. این کلمه به تعبیرات مختلف وارد شده: بِبِنَايَةِ التَّوْحِيدِ، بِبِنَايَةِ التَّوْحِيدِ، بِبِنَايَةِ التَّوْحِيدِ، ولی نسخه‌ای که در متن ذکر کرده‌ایم صحیح‌تر است.

إِذْ حَبَسْتَ الْأَشْيَاءَ عَلَى الْغَرَائِزِ، وَلَا خَرَقْتَ الْأَوْهَامُ

هم جنس اشیای مختلف باشی، و هنگامی که به هر چیزی غریزه خاصی عطا می کردی

حُجَبِ الْغُيُوبِ، فَتَعْتَقِدُ فِيكَ مَحْدُودًا فِي عَظَمَتِكَ، فَلَا

دیده نشده‌ای، و اوهام و خیال‌ها نتوانسته‌اند پرده‌های عالم پنهان را ببرد تا اعتقاد به

يَبْلُغُكَ بَعْدُ الْهَمَمِ، وَلَا يَنَالُكَ غَوْصُ الْفِكْرِ، وَلَا يَنْتَهِي

محدودیتی در مورد عظمت تو پیدا کنند، بنابراین، همت‌های والا توان رسیدن به تو را

إِلَيْكَ نَظْرُ نَاطِرٍ فِي مَجْدِ جَبْرُوتِكَ، ارْتَفَعَتْ عَنْ صِفَةِ

ندارند، و اندیشه‌های ژرف‌نگر نمی‌توانند به تو دست یابند، و نگرش کسانی که بر شکوه

الْمَخْلُوقِينَ صِفَاتُ قُدْرَتِكَ، وَعَلَا عَنْ ذَلِكَ كِبْرِيَاءُ

جبروت تو چشم دوخته‌اند به تو منتهی نمی‌شود، ویژگی‌های قدرتت برتر از توصیف

عَظَمَتِكَ، لَا يَنْقُصُ مَا أَرَدْتَ أَنْ يَزِدَادَ، وَلَا يَزِدَادُ مَا

آفریدگان است، و بزرگی کبریایت برتر از آنهاست. چیزی را که اراده کرده‌ای تا افزون

أَرَدْتَ أَنْ يَنْقُصَ، لَا أَحَدَ حَضَرَكَ حِينَ بَرَأْتَ النُّفُوسَ،

باشد کم نمی‌شود، و چیزی که خواسته‌ای کم باشد افزون نمی‌گردد. هیچ کس، در هنگام

كَلَّتِ الْأَوْهَامُ عَنْ تَفْسِيرِ صِفَتِكَ، وَأَنْحَسَرَتِ الْعُقُولُ عَنْ

آفرینش جان‌ها نزد تو حضور نداشته است، اندیشه و خیال از تفسیر و بیان وصف تو

كُنْهِ عَظَمَتِكَ، وَكَيْفَ تُوصَفُ وَأَنْتَ الْجَبَّارُ الْقُدُّوسُ،

درمانده‌اند، و عقل‌ها در دست‌یابی به کنه و عمق حقیقت بزرگی تو درمانده‌اند، چگونه قابل

الَّذِي لَمْ تَزَلْ أَزَلِيًّا دَائِمًا فِي الْغُيُوبِ وَحَدِّكَ لَيْسَ فِيهَا

وصف هستی، در حالی که تو بسیار قدرتمند و در نهایت پاکی هستی؟ که همیشه و به طور

غَيْرُكَ وَلَمْ يَكُنْ لَهَا سِوَاكَ، حَارَ فِي مَلَكُوتِكَ عَمِيقَاتُ

دایم، به تنهایی در پنهانی‌ها هستی و کسی جز تو نمی‌تواند چنین باشد. ژرف‌ترین راه‌های

مَذَاهِبِ التَّفْكِيرِ، فَتَوَاضَعَتِ الْمُلُوكُ لِهَيْبَتِكَ، وَعَنْتِ

اندیشه در ملکوت تو سرگردان شده است؛ و بدین سان، پادشاهان برای عظمت تو به فروتنی

الْوُجُوهُ بِذِلِّ الْإِسْتِكَاثَةِ لَكَ، وَأَنْقَادَ كُلِّ شَيْءٍ لِعَظَمَتِكَ،

افتاده‌اند، و ابرومندان با ذلت و بیچارگی صورت بر خاک نهاده‌اند؛ و هر چیزی منقاد و

وَأَسْتَسَلَّمَ كُلُّ شَيْءٍ لِقُدْرَتِكَ، وَخَضَعَتِ لَكَ الرَّقَابُ،

سرافکنده عظمت توست، و هر چیزی در برابر توان و قدرت تو سر تسلیم و بندگی فرود

وَكُلُّ دُونَ ذَلِكَ تَحْيِيرُ اللُّغَاتِ، وَضَلَّ هُنَالِكَ التَّدْبِيرُ فِي

آورده است، و گردن‌ها در برابرت فروتن و کج شده است، و لغات را یارای رسیدن به آن

تَصَارِيفِ الصِّفَاتِ، فَمَنْ تَفَكَّرَ فِي ذَلِكَ رَجَعَ طَرْفُهُ إِلَيْهِ

نیست، و تدبیر عقلا در جگونگی صفات تو دچار سرگردانی شده است. بدین سان، هر کس

حَسِيرًا، وَعَقْلُهُ مَبْهُورًا، وَتَفَكَّرَهُ مُتَحَيِّرًا. اللَّهُمَّ فَلِكَ

در آن تفکر کند چشمش در حالی که خسته و درمانده گشته به سوی او برمی‌گردد، و

الْحَمْدُ مُتَوَاتِرًا مُتَوَالِيًا مُتَّسِقًا مُسْتَوْثِقًا، يَدُومٌ وَلَا يَبِيدُ

عقلش مبهوت و اندیشه‌اش سرگردان می‌شود. بارالها! تو را ستایش می‌کنم به طور پی در

غَيْرَ مَفْقُودٍ فِي الْمَلَكُوتِ، وَلَا مَطْمُوسٍ فِي الْمَعَالِمِ، وَلَا

بی و پیوسته و محکم و متصل؛ به گونه‌ای که دایمی باشد و از بین نرود و در ملکوت نیز

مُنْتَقَصٍ فِي الْعُرْفَانِ، وَلَكَ الْحَمْدُ مَا لَا تُحْصِي مَكَارِمُهُ

کم نشود، و در مکان‌های مخصوص آن محو و نابود نشود، و از نظر شناخت نیز کمی‌بودی

فِي اللَّيْلِ إِذَا أَدْبَرَ، وَالصُّبْحِ إِذَا أَسْفَرَ، وَفِي الْبَرَارِي

نداشته باشد. و ستایش مخصوص توست انجمن که خوبی‌های آن قابل شمارش نیست در

وَالْبَحَارِ، وَالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ، وَالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ، فِي

آن هنگام که شب پایان می‌رسد و صبح‌گاهان طلوع می‌کند و در خشکی‌ها و دریاها و صبح

الظُّهَائِرِ وَالْأَسْحَارِ. اللَّهُمَّ بِتَوْفِيقِكَ قَدْ أَحْضَرْتَنِي الرَّغْبَةَ.

و شام و شبانگاهان و بامدادان و در نیمه‌های روز و سحرگاهان. بارالها! با توفیقت مرا به

وَجَعَلْتَنِي مِنْكَ فِي وِلَايَةِ الْعُصْمَةِ لَمْ أَبْرَحْ فِي سُبُوغِ

اشتیاق آوردی، و در حفظ و سرپرستی خودت قرار دادی به گونه‌ای که همیشه در

نِعْمَائِكَ، وَتَتَابِعُ الْإِثْمِكَ مَحْفُوظًا لَكَ فِي الْمَنْعَةِ وَالِدَّفَاعِ

نعمت‌های بی‌شمارت که سر برده‌ام و خوبی‌های پیوسته‌ات به من رسیده است و در قلعه

مَحُوطًا بِكَ مَثْوَىً وَ مُنْقَلَبِي، وَلَمْ تُكَلِّفْنِي فَوْقَ طَاقَتِي،

حفظ و حراست تو محفوظ بوده و در حال آرام گرفتیم و حرکتیم در احاطه تو بودم، بیش

إِذْ لَمْ تَرْضَ مِنِّي إِلَّا طَاعَتِي، وَلَيْسَ شُكْرِي وَإِنْ أَبْلَغْتُ

از توام نیز برای من وظیفه مقرر نفرموده‌ای؛ زیرا، تنها فرمان‌برداری از خودت را سبب

فِي الْمَقَالِ وَبَالِغْتُ فِي الْفِعَالِ بِبَالِغِ أَدَاءِ حَقِّكَ، وَلَا

خشنودیت از من قرار دادی، با اینکه سپاس‌گزاری من - هر چند در گفتن بکوشم و با تمام

مُكَافِيًا لِفَضْلِكَ، لِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، لَمْ

توانم کار کنم - نمی‌تواند حق تو را ادا کند، و پاداش فضل و احسان تو باشد؛ زیرا، تو

تَغِبُ وَلَا تَغِيبُ عَنْكَ غَائِبَةٌ، وَلَا تَخْفَى عَلَيْكَ خَافِيَةٌ، وَلَمْ

خدایی هستی که جز تو معبودی نیست؛ هیچ‌گاه چیزی که غایب است برای تو غایب نبوده

تَضَلُّ لَكَ فِي ظَلَمِ الْخَفِيَّاتِ ضَالَةً، إِنَّمَا أَمْرُكَ إِذَا أَرَدْتَ

و نخواهد بود، و هیچ چیز پنهانی برای تو پنهان نیست؛ و هیچ گم‌شده‌ای در تاریکی‌های

شَيْئًا أَنْ تَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ. اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ مِثْلَ مَا

پنهانی، برای تو گم‌شده نیست. فرمان تو این‌گونه است که هر گاه به چیزی بفرمایی: باش؛

حَمَدَتْ بِه نَفْسُكَ، وَحَمَدَكَ بِه الْحَامِدُونَ، وَمَجَّدَكَ بِه

می‌شود. بارالها! ستایش مخصوص توست به همان شکلی که تو خودت را ستوده‌ای، و

الْمُمَجِّدُونَ، وَكَبَّرَكَ بِه الْمُكَبِّرُونَ، وَعَظَمَكَ بِه الْمُعْظِمُونَ،

ستایشگران به ستایشت پرداخته‌اند، و ثناگویان تو را بزرگ شمرده‌اند، و تکبیرگویان به

حَتَّى يَكُونَ لَكَ مِنِّي وَحْدِي بِكُلِّ طَرْفَةِ عَيْنٍ، وَأَقْلَ مِنْ

بیان بزرگی تو پرداخته‌اند، و تعظیم‌کنندگان در پیشگاه تو به تعظیم پرداخته‌اند؛ به طوری

ذَلِكَ مِثْلَ حَمْدِ الْحَامِدِينَ، وَتَوْحِيدِ أَصْنَافِ الْمُخْلِصِينَ،

که از من به تنهایی به اندازه چشم بر هم زدن و حتی کمتر از چشم بر هم زدن، قدر

وَتَقْدِيرِ أَجْناسِ الْعَارِفِينَ، وَثَنَاءِ جَمِيعِ الْمُهَلِّلِينَ،

ستایش ستایشگران، و یگانه دانستن تمام مخلصان نسبت به تو، و منزه دانستن تمام

وَمِثْلَ مَا أَنْتَ بِه عَارِفٌ مِنْ جَمِيعِ خَلْقِكَ مِنَ الْحَيَوَانِ،

عارفان نسبت به ساحت تو، و ثناگویی تمام تهلیل‌گویان، و همانند آنچه تو از تمام مخلوقات

وَأَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي رَغْبَةٍ مَا أَنْطَقْتَنِي بِه مِنْ حَمْدِكَ، فَمَا

زنده‌ات سراغ داری؛ باشد. و از طرفی مشتاق تو هستم که ستایش‌هایی را که بر زبانم

أَيْسَرًا مَا كَلَّفْتَنِي بِه مِنْ حَقِّكَ، وَأَعْظَمَ مَا وَعَدْتَنِي عَلَيَّ

آوردی برایت به جای آوردم. بدین سان، چه قدر آسان است وظیفه‌ای که برای ادای حقت

شُكْرَكَ، ابْتَدَأْتَنِي بِالنِّعَمِ فَضْلاً وَطَوَّلاً، وَأَمَرْتَنِي بِالشُّكْرِ

برایم معین فرمودی، و چه قدر وعده پاداش تو نسبت به من در مقابل ستایشم، عظیم

حَقّاً وَعَدْلاً، وَوَعَدْتَنِي عَلَيْهِ أضعافاً وَمَزِيداً، وَأَعْطَيْتَنِي

است. با فضل و احسان خود شروع به نعمت بخشی به من کردی، و از آنچه که حق تو بود و

مِنْ رِزْقِكَ اعْتَبَاراً وَفَضْلاً، وَسَأَلْتَنِي مِنْهُ يَسِيراً صَغِيراً،

عدالت اقتضای می کرد به من فرمودی که سپاسگزاری از نعمت هایت را به جای آورم، و وعده

وَأَعْفَيْتَنِي مِنْ جُهْدِ البَلَاءِ وَلَمْ تُسَلِّمْنِي لِلسُّوءِ مِنْ بَلَائِكَ

فرمودی که چند برابر سپاسگزاری من، به من پاداش خواهی داد؛ و از رزق و روزیت به من

مَعَ مَا أُوْلِيْتَنِي مِنَ العَافِيَةِ، وَسَوَّغْتَ مِنْ كِرَامَتِ النُّحْلِ،

اعتبار و ارزش و فزونی عطا کردی، و در مقابل، مقدار کوچک و کمی از آن را از من

وَضَاعَفْتَ لِي الفُضْلَ مَعَ مَا أُودِعْتَنِي مِنَ المَحَجَّةِ

خواستنی؛ و از سختی و رنج گرفتاری ها عافیتم بخشیدی، و مرا به بلاهای بدت وانگذاشتی؛

الشَّرِيفَةَ، وَيَسَّرْتَ لِي مِنَ الدَّرَجَةِ العَالِيَةِ الرَّفِيعَةِ،

به خاطر عافیتی که با آن مرا سرپرستی نمودی، و از عطایای کریمانهات بخشیدی، و فضل

وَاصْطَفَيْتَنِي بِأَعْظَمِ النَّبِيِّينَ دَعْوَةً، وَأَفْضَلِهِمْ شَفَاعَةً،

و احسان را بر من دوچندان نمودی با آنچه از طریقه شرافتمندانه در وجودم ودیعه نهادی،

مُحَمَّدَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. اللَّهُمَّ فَاعْفُرْ لِي مَا لَا يَسْعُهُ

و درجه والا و بلندمرتبه ای را برایم فراهم فرمودی؛ و برگزیدی مرا در دوران پیامبری که از

إِلَّا مَغْفِرَتِكَ، وَلَا يَمَحِقُهُ إِلَّا عَفْوُكَ، وَلَا يُكْفِرُهُ إِلَّا

جهت فراخوانی، بزرگترین انبیا و از جهت شفاعت، برترین آنها است؛ یعنی حضرت محمد

فَضْلِكَ، وَهَبْ لِي فِي يَوْمِي يَقِيناً تَهَوُّنٌ عَلَيَّ بِهِ

که درود خدا بر او و آل او باد. بار خدایا! بیامرز برای من آنچه را که جز آمرزش تو فراگیر

مُصِيبَاتِ الدُّنْيَا وَ أَحْزَانَهَا بِشَوْقٍ إِلَيْكَ، وَرَغْبَةً فِيمَا

آن نباشد، و جز عفو و بخشش تو آن را نابود نکند، و جز فضل تو آن را نپوشاند. و امروز به

عِنْدَكَ، وَ اَكْتُبْ لِي عِنْدَكَ الْمَغْفِرَةَ، وَ بَلِّغْنِي الْكِرَامَةَ،

من یقینی عطا کن که با آن تمام مصیبت‌ها و غصه‌های دنیا را به واسطه اشتیاق به سوی

وَ اَرْزُقْنِي شُكْرَ مَا اَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ، فَاِنَّكَ اَنْتَ اللهُ الْوَاحِدُ

خودت و میل و علاقه به نعمت‌هایی که نزد تو است آسان گردانی، و برایم نزد خودت

الرَّفِيعُ الْبَدِيُّ الْبَدِيعُ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ، الَّذِي لَيْسَ لَأَمْرِكَ

بخشش و مغفرت را بنویس، و مرا به کرامت برسان، و سپاسگزاری از نعمت‌های ارزانی

مَدْفَعٌ، وَلَا عَنْ قَضَائِكَ مُمْتَنِعٌ، أَشْهَدُ أَنَّكَ رَبِّي وَرَبُّ

شدهات را نصیب کن؛ زیرا تو خدای یکتا، والا، آغازگر، نوآور، شنوا و دانا هستی؛ خدایی که

كُلِّ شَيْءٍ، فَاطِرُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، عَالِمُ الْغَيْبِ

دستورت قابل رد شدن نیست؛ و بازدارنده‌ای از حکم و قضای تو وجود ندارد. گواهی

وَالشَّهَادَةَ، الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ، اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْأَلُكَ الثَّبَاتَ فِي

می‌دهم که پروردگار من و پروردگار هر چیزی تو هستی؛ آسمان‌ها و زمین را آفریدی؛ آگاه

الْاَمْرِ، وَالْعَزِيْمَةَ عَلَي الرُّشْدِ، وَالشُّكْرَ عَلَي نِعْمَتِكَ،

از پنهانی و آشکاری؛ بلندمرتبه و بزرگ هستی. خدایا؛ به راستی از تو ثبات و پایداری در

اَعُوذُ بِكَ مِنْ جَوْرِ كُلِّ جَائِرٍ، وَبِعْغِي كُلِّ بَاغٍ، وَحَسَدِ

امر دین و ولایت، اراده قوی بر کامل شدن و سپاسگزاری نعمت‌هایت را اگر خواست می‌کنم.

كُلُّ حَاسِدٍ بِكَ أَصُولٌ عَلَى الْأَعْدَاءِ، وَبِكَ أَرْجُو وَلايَةَ

به تو پناه می آورم از جور و ستم هر ستمگر و از تجاوز و ستم هر ستم‌پیشه و حسادت هر

الْأَحْبَاءِ مَعَ مَا لا أَسْتَطِيعُ إِحْصَاءَهُ، وَلا تَعْدِيدَهُ مِنْ

حسود؛ با کمک تو بر دشمنانم هجوم می آورم و چیرد می گردم، و سرپرستی دوستان را نیز

عَوَائِدِ فَضْلِكَ، وَطَرْفِ رِزْقِكَ، وَالْوَانِ مَا أَوْلَيْتَ مِنْ

از تو امید دارم، با اینکه نمی توانم فضل و عایدات تو، و نصیب‌های خوشایند، و بخشش

إِرْفَادِكَ، فَإِنَّكَ أَنْتَ اللهُ الَّذِي لا إِلَهَ إِلا أَنْتَ، الْفَاشِي

نمودن رنگارنگ تو را به شماره در آورم. راستی که تو خدایی هستی که جز تو معبودی

فِي الْخَلْقِ رَفْدُكَ، الْبَاسِطُ بِالْجُودِ يَدُكَ، وَلا تُضَادُّ فِي

نیستی؛ بخشش نسبت به همه مخلوقات آشکار است، و دست مبارکت به جود و بخشش

حُكْمِكَ، وَلا تُتَارَعُ فِي أَمْرِكَ، تَمْلِكُ مِنَ الْأَنْامِ مَا تَشَاءُ،

گسترده است؛ و در دستورت کسی به ضدیت با تو نمی تواند برخیزد (تا انجام نشود)؛ در

وَلا يَمْلِكُونَ إِلا مَا تُرِيدُ. «قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكِ الْمُلْكِ تُوتِي

فرمانت کسی را یارای نزاع و جدال با تو نیست؛ از مردم آنچه بخواهی می گیری، ولی آنان،

الْمُلْكِ مَنْ تَشَاءُ، وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ، وَتُعِزُّ مَنْ

جز آنچه را تو اراده کرده باشی در اختیار نخواهند داشت. «بگو: پروردگارا! ای صاحب

تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ

فرمان‌روایی و حکومت؛ به هر که بخواهی فرمان‌روایی را می دهی، و از هر که بخواهی

قَدِيرٌ * تُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَتُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ

می گیری، و هر که را بخواهی عزت می بخشی و هر که را بخواهی به ذلت و خواری

وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ

می کشانی؛ خیر و خوبی، تنها در دست توست؛ راستی که تو بر هر کاری توانایی. شب را در

وَتَرْزُقُ مَنْ تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ. أَنْتَ الْمُنْعَمُ الْمُنْفَعُ

روز وارد می کنی، و روز را در شب می گردانی؛ و زنده را از مرده بیرون می آوری، و مرده را

الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْقَادِرُ الْقَاهِرُ الْمُقَدِّسُ فِي نُورِ الْقُدْسِ،

از زنده خارج می کنی؛ و هر که را بخواهی بدون حساب، روزی می بخشی. تو نعمت بخش

تَرَدِّيتَ بِالْمَجْدِ وَالْعِزِّ، وَتَعْظَمْتَ بِالْكِبْرِيَاءِ، وَتَغَشَّيْتَ

فزون می دهی، آفریننده و به وجود آورنده، توانا چیره، و تقدیس شده در روشنی قدس هستی؛

بِالنُّورِ وَالْبَهَاءِ، وَتَجَلَّيْتَ بِالْمَهَابَةِ وَالسَّنَاءِ، لَكَ الْمَنْ

ردای عزت و بزرگواری را بر تن کرده ای، و با کبریایی عظمت داری و با روشنی و شکوه، و

الْقَدِيمِ، وَالسُّلْطَانَ الشَّامِخِ، وَالْجُودُ الْوَاسِعِ، وَالْقُدْرَةَ

جلال خودت را پوشانده ای، و با هیبت و عظمت خود را بزرگ نموده ای، منت دیرینه،

الْمُقْتَدِرَةَ، جَعَلْتَنِي مِنْ أَفْضَلِ بَنِي آدَمَ، وَجَعَلْتَنِي سَمِيعًا

پادشاهی بلندمرتبه، و بخشش فراگیر و توان و قدرت و اقتدار واقعی از آن توست، مرا از

بَصِيرًا، صَحِيحًا سَوِيًّا مُعَافًا، لَمْ تَشْغَلْنِي بِنُقْصَانِ فِي

بزرگترین فرزندان آدم قرار دادی، مرا شنوا و بینا و صحیح و درست اندام و سالم قرار دادی،

بَدَنِي، وَلَمْ تَمْنَعْكَ كِرَامَتُكَ إِيَّايَ، وَحُسْنُ صَنِيعِكَ

مرا گرفتار کم و کاستی در اندامم نکردی، و کرامت و بزرگواری تو، نسبت به من و بهترین

عِنْدِي، وَفَضْلُ اِنْعَامِكَ عَلَيَّ، اَنْ وَسَّعْتَ عَلَيَّ فِي الدُّنْيَا،

رفتار تو با من و فزون‌ترین بخشش‌هایت به من، مانع نشد که در دنیا مرا توانگر گردانی و

وَفَضَّلْتَنِي عَلَيَّ كَثِيرًا مِنْ اَهْلِهَا، فَجَعَلْتَ لِي سَمْعًا يَسْمَعُ

مرا بر بسیاری از اهل دنیا برتری دهی، پس گوش به من دادی تا آیات تو را بشنوم، و قلبی

اَيَاتِكَ، وَفُوَادًا يَعْرِفُ عَظَمَتَكَ، وَاَنَا بِفَضْلِكَ حَامِدٌ، وَبِجُهْدِ

عطا کردی تا بتوانم به کمک آن عظمتت را بشناسم؛ و من به ستایش فضل تو می‌پردازم؛ و

يَقِينِي لَكَ شَاكِرٌ، وَبِحَقِّكَ شَاهِدٌ، فَاِنَّكَ حَيٌّ قَبْلَ كُلِّ

در نهایت یقین و باور، به سپاس‌گزاری از مشغول و گواه حقیقت تو هستم. راستی که تو

حَيٍّ، وَحَيٌّ بَعْدَ كُلِّ حَيٍّ، وَحَيٌّ لَمْ تَرِثِ الْحَيَاةَ مِنْ

زنده پیش از هر زنده، و زنده پس از هر زنده‌ای هستی، و زنده‌ای هستی که زنده بودن را از

حَيٍّ وَلَمْ تَقْطَعْ خَيْرَكَ عَنِّي طَرْفَةَ عَيْنٍ فِي كُلِّ وَقْتٍ،

زنده‌ای دیگر به ارث نبرده‌ای؛ و خیر و خوبی‌هایت را برای یک چشم برهم زدن در هیچ

وَلَمْ تُنْزِلْ بِي عُقُوبَاتِ النِّقَمِ، وَلَمْ تُغَيِّرْ عَلَيَّ دَقَائِقَ

لحظه‌ای از من قطع نکرده‌ای؛ و کیفر انتقامت را بر من فرو نفرستادی؛ و حراست‌ها و

الْعَصَمِ، فَلَوْ لَمْ اَذْكُرْ مِنْ اِحْسَانِكَ اِلَّا عَفْوَكَ، وَاِجَابَةَ

نگهبانی‌های دقیقت را از من دگرگون ننموده‌ای. اگر از احسانت جز عفو بخشش تو و پاسخ

دُعَائِي حِينَ رَفَعْتَ رَأْسِي بِتَحْمِيدِكَ وَتَمْجِيدِكَ، وَفِي

مثبت تو را نسبت به دعای من - در هنگام بلند کردن سرم برای ستایش و بزرگ داشتن تو

قِسْمَةَ الْاَرْزَاقِ حِينَ قَدَّرْتَ، فَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ مَا حَفَظْتَهُ

- یاد نکنم؛ و اگر جز تقسیم روزی در هنگام تقدیر برایم نبود؛ لازم می‌دانستم تا ستایش به

عِلْمُكَ، وَعَدَدَ مَا أَحَاطَتْ بِهِ قُدْرَتُكَ، وَعَدَدَ مَا وَسِعَتْهُ

اندازه و تعداد آنچه دانش تو در حفظ دارد، و به اندازه و تعداد آنچه در حیطه قدرت توست.

رَحْمَتِكَ. اللَّهُمَّ فَتَمِّمْ إِحْسَانَكَ فِي مَا بَقِيَ، كَمَا أَحْسَنْتَ

و به عدد آنچه در دامنه رحمت تو قرار دارد؛ نثار تو کنم. بارالها! احسان و نیکی‌ات را در

فِي مَا مَضَى، فَإِنِّي أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِتَوْحِيدِكَ وَ تَمْجِيدِكَ،

باقی مانده عمرم بر من کامل گردان چنان که در گذشته نیز چنین کردی؛ چرا که من به

و تَحْمِيدِكَ وَ تَهْلِيلِكَ، وَ تَكْبِيرِكَ، وَ تَعْظِيمِكَ، وَ بِنُورِكَ

واسطه یگانه دانستن تو و ثنا گفتن تو، و ستایش و «لا اله الا الله» گفتن، و تکبیر و

و رَأْفَتِكَ، وَ رَحْمَتِكَ وَ عُلُوِّكَ، وَ جَمَالِكَ وَ جَلَالِكَ، وَ بِهَا أَتُكَلِّمُكَ

بزرگداشت تو؛ و به واسطه نور و مهربانی، و رحمت و والایی، و زیبایی و بزرگی و شکوه، و

وَ سُلْطَانِكَ، وَ قُدْرَتِكَ وَ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ، أَلَا

پادشاهی، و قدرتت به تو متوسل می‌شوم و به واسطه محمد و آل پاک او از تو می‌خواهم

تَحْرِمَنِي رِفْدَكَ وَ فَوَائِدَكَ، فَإِنَّهُ لَا يَعْتَرِيكَ لَكْرَةٌ مَا

که مرا از عطا و بخشش و سودبخشی‌هایت محروم مساز؛ چون، تو را به خاطر بخشش

يَتَدَفَّقُ بِهِ عَوَائِقُ الْبُخْلِ، وَلَا يَنْقُصُ جُودَكَ تَقْصِيرٌ فِي

فراوانست بازدارندگی بخل فرامی‌گیرد، و کوتاهی در سپاسگزاری نعمت تو، باعث کم و

شُكْرِ نِعْمَتِكَ، وَلَا تُفْنِي خَزَائِنَ مَوَاهِبِكَ النِّعَمِ، وَلَا تَخَافُ

کاستی در جود و سخاوت تو نمی‌شود، و نعمت بخشیدن‌ها باعث از بین رفتن گنجینه‌های

ضِيمٍ إِمْلَاقٍ فَتُكْدَى، وَلَا يَلْحَقُكَ خَوْفٌ عَدَمٍ فَيَنْقُصُ

بخشش تو نمی‌گردد؛ تو را ترس تنگدستی فرامی‌گیرد تا دست از بخشش برداری، و ترس

فَيْضُ فَضْلِكَ. اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي قَلْبًا خَاشِعًا، وَيَقِينًا صَادِقًا،

ناداری نیز به تو راه نمی یابد که باعث کاستی در ریشِ فضلِ گردد. بارخدا! به من قلبی

وَلِسَانًا ذَاكِرًا، وَلَا تَوَمُّنِي مَكْرَكَ، وَلَا تَكْشِفْ عَنِّي سِتْرَكَ،

باخشوع و فروتن، و یقین و باوری راستین و زبانی گویا به ذکر، ارزانی دار؛ مرا ایمن از

وَلَا تُتْسِنِي ذِكْرَكَ، وَلَا تُبَاعِدْنِي مِنْ جَوَارِكَ، وَلَا تَقْطَعْ عَنِّي

مکر خود مگردان، و پرده پوشی ات را از من بر مگیر؛ و یات را از یاد من مبر؛ و از جوار

مِنْ رَحْمَتِكَ، وَلَا تُؤَيِّسْنِي مِنْ رَوْحِكَ، وَكُنْ لِي أُنَيْسًا

رحمتِ دور مکن و از رحمتِ جدایم مساز؛ و از رحمت و مهربانیِ خویش ناامیدم مگردان؛

مِنْ كُلِّ وَحْشَةٍ، وَأَعْصِمْنِي مِنْ كُلِّ هَلَاكَةٍ، وَنَجِّنِي مِنْ

و همسوار در تمام وحشت ها، همدم من باش؛ و مرا از هر هلاکتی حفظ کن؛ و از هر بلا و

كُلِّ بَلَاءٍ، فَإِنَّكَ لَا تُخَلِّفُ الْمِعَادَ. اللَّهُمَّ ارْفَعْ عَنِّي

گرفتاری نجاتم بخش؛ زیرا، واقعیت آن است که تو خلاف وعده ات عمل نمی کنی. بارالها؛

وَلَا تَضَعْنِي، وَزِدْنِي وَلَا تَنْقُصْنِي، وَأَرْحَمْنِي وَلَا تُعَذِّبْنِي،

مرا سرفراز کن و سرفکننده مگردان؛ برایم افزون کن و کم مگردان؛ و به من رحم کن؛ و

وَأَنْصُرْنِي وَلَا تَخْذَلْنِي، وَآثِرْنِي وَلَا تُؤْثِرْ عَلَيَّ، وَصَلِّ

عذابم مکن؛ و یاریم کن و خوارم مگردان؛ و مرا ترجیح بده و دیگران را بر من

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ، وَسَلِّمْ

ترجیح مده؛ و بر محمد و آل پاک و پاکیزه اش درود بفرست و بسیار بسیار سلام

تَسْلِيمًا كَثِيرًا.

خود را نثارشان کن.

دعای حریق

که صبحگاهان خوانده می شود

این دعا از امام سجّاد(ع)، از پدرانش(ع)، از رسول خدا(ص)، از خدای تعالی نقل شده است و قسمتی که بر آن افزوده شده از مولایمان امام زمان(ع) است.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَصْبَحْتُ أَشْهَدُكَ وَكَفَى بِكَ شَهِيداً، وَأَشْهَدُ

بارالها! من صبح کرده‌ام در حالی که تو را گواه می‌گیرم و البته تو برای گواه بودن، بسنده

مَلَائِكَتِكَ وَحَمَلَةَ عَرْشِكَ وَسُكَّانَ سَبْعِ سَمَاوَاتِكَ

و کافی هستی - و فرشتگان و حاملان عرش و ساکنان آسمان‌های هفت‌گانه و زمین‌هایت؛

وَأَرْضِيكَ وَأَنْبِيَاءَكَ وَرُسُلَكَ وَوَرَثَةَ أَنْبِيَاءِكَ وَرُسُلِكَ

و پیامبران و رسولان و وارثان انبیا و فرستادگانت، و بندگان شایسته‌ات، و تمام مخلوقات را

وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكَ وَجَمِيعَ خَلْقِكَ، فَاشْهَدْ لِي

نیز گواه می‌گیرم؛ پس تو گواه و شاهد من باش - و گواهی تو، بسنده و کافی است - که من

وَكَفَى بِكَ شَهِيداً إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

با باوری راستین گواهی می‌دهم که همانا تو خدایی هستی که جز تو خدایی نیست و تنها

الْمَعْبُودُ وَحَدِّكَ لِشَرِيكَ لَكَ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ

معبود حقیقی و شایسته پرستش تویی؛ یگانه‌ای؛ شریک نداری؛ و محمد - که بر او و آل

عَلَيْهِ وَاللَّهُ عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ، وَأَنَّ كُلَّ مَعْبُودٍ مِمَّا دُونَ

او درود الهی نثار باد - بنده و فرستاده توست؛ هر پرستش شونده‌ای که از زیر عرش تو تا

عَرْشِكَ إِلَى قَرَارِ أَرْضِكَ السَّابِعَةِ السُّفْلَى بَاطِلٌ مُضْمَحِلٌ

طبقه هفتم پائینی زمین باشد، باطل و نابود است جز ذات بزرگوار تو؛ زیرا، آن عزت‌مندتر،

مَا خَلَا وَجْهَكَ الْكَرِيمَ، فَإِنَّهُ أَعَزُّ وَأَكْرَمُ وَأَجَلُّ وَأَعْظَمُ

کریم‌تر، شکوه‌مندتر و عظیم‌تر از آن است که توصیف کنندگان بتوانند کنه و نهایت شکوهش

مَنْ أَنْ يَصِفَ الْوَاصِفُونَ كُنْهَ جَلَالِهِ أَوْ تَهْتَدِيَ الْقُلُوبُ

را توصیف کنند، یا دل‌ها و قلب‌ها بتوانند به حقیقت عظمت او راه یابند. ای کسی که ارزش

إِلَى كُنْهٍ عَظَمَتِهِ، يَا مَنْ فَاقَ مَدْحَ الْمَادِحِينَ فَخْرُ مَدْحِهِ،

و سربلندی مدح و ستایش او برتر از مدح و ستایش ستایشگران است، و ستایش‌های شایسته

وَعَدَا وَصَفَ الْوَاصِفِينَ مَا ثُرُ حَمْدِهِ، وَجَلَّ عَنْ مَقَالَةِ

او از وصف توصیف کنندگان گذشته است، و بزرگداشت شأن او از گفتار گویندگان بالاتر و

النَّاطِقِينَ تَعْظِيمُ شَأْنِهِ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

شکوه‌مندتر است؛ بر محمد و آل محمد درود فرست و آن گونه که شایسته و بایسته مقام

وَأَفْعَلُ بِنَا مَا أَنْتَ أَهْلُهُ، يَا أَهْلَ التَّقْوَى وَأَهْلَ الْمَغْفِرَةِ

توست با ما رفتار کن، ای کسی که شایستگی مقامش تقواست و مغفرت شیوه رفتار او می‌باشد.

سه مرتبه سپس یازده مرتبه این بخش خوانده شود: لَا إِلَهَ إِلَّا

جز خداوند

اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ، أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ

معبودی نیست؛ یگانه و بی شریک است؛ خداوند منزّه و پاک است و مشغول حمد و ستایش او هستیم؛ از

وَأَتُوبُ إِلَيْهِ، مَا شَاءَ اللَّهُ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، هُوَ الْأَوَّلُ

او طلب بخشش می‌کنیم و به سوی او باز می‌گردیم؛ هر چه او بخواهد می‌شود؛ و هر توان و حرکتی تنها به

وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي

سبب خداوند است. او اول و آخر و ظاهر و باطن است، فرمان‌روایی تنها از آن اوست و ستایش تنها برای

وَيُمِيتُ، وَيُمِيتُ وَيُحْيِي، وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ، بِيَدِهِ

اوست، او زنده می‌کند و می‌میراند، و می‌میراند و زنده می‌کند، و او زنده‌ای است که هرگز نمی‌میرد،

الْخَيْرُ، وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. سپس یازده مرتبه

همه خیرات به دست اوست و او بر هر چیزی تواناست.

می‌گویی: سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ

پاک و منزّه است خداوند و حمد و ستایش مخصوص خداست و

أَكْبَرُ، أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ، مَا شَاءَ اللَّهُ لَا حَوْلَ

معبودی جز خدا نیست. و خدا بزرگ‌تر از آن است که وصف شود، از خدا طلب

وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْحَلِيمِ الْكَرِيمِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ الرَّحْمَنِ

آمزش نموده و به سوی او باز می‌گردیم، آنچه او بخواهد می‌شود، هر توان و حرکتی

الرَّحِيمِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْحَقِّ الْمُبِينِ، عَدَدَ خَلْقِهِ وَزَنَةَ

تنها به سبب خداوند است، که بر دبار بزرگوار، بلندمرتبه، بزرگ، بخشنده، مهربان،

عَرْشِهِ وَمَلَأَ سَمَاوَاتِهِ وَأَرْضِيهِ، وَعَدَدَ مَا جَرَىٰ بِهِ قَلَمُهُ

پادشاه، در نهایت پاکی، و حق آشکار است. این ثناگویی را به تعداد مخلوقاتش و به

وَأَحْصَاهُ كِتَابُهُ وَمَدَادُ كَلِمَاتِهِ وَرِضَا نَفْسِهِ. سپس بگو:

وزن عرش و به اندازهٔ یر شدن آسمان‌ها و زمین‌هایش، و به تعداد آنچه قلمش به آن

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ الْمُبَارَكِينَ،

جاری گشته، و کتابش در بر گرفته، و به قدر کلمات و به اندازهٔ رضایت خودش،

وَصَلِّ عَلَى جِبْرِئِيلَ وَ مِيكَائِيلَ وَ إِسْرَافِيلَ، وَحَمَلَةَ

انجام می‌دهم. بارالها؛ بر محمد و اهل بیت پربرکتش درود بفرست، و بر جبرئیل و

عَرْشِكَ أَجْمَعِينَ، وَالْمَلَائِكَةَ الْمُقَرَّبِينَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِمْ

میکائیل و اسرافیل و تمامی حاملان عرش و فرستگان مقربیت درود بفرست. بارالها؛

حَتَّى تُبَلِّغَهُمُ الرِّضَا، وَتَزِيدَهُمْ بَعْدَ الرِّضَا مِمَّا أَنْتَ أَهْلُهُ،

آن قدر بر ایشان درود بفرست که به رضایت‌شان برسانی، و پس از رضایت نیز آنچه

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ،

شایسته و بایستهٔ مقام دوست به ایشان افزون کنی؛ ای مهربان‌ترین مهربانان؛ بارالها؛

وَصَلِّ عَلَى مَلِكِ الْمَوْتِ وَأَعْوَانِهِ، وَ صَلِّ عَلَى رِضْوَانَ

بر محمد و آل محمد درود بفرست؛ و بر فرشتهٔ مرگ و یارانش درود بفرست، و بر

وَخَزَنَةَ الْجَنَانِ، وَ صَلِّ عَلَى مَالِكٍ وَخَزَنَةِ النَّيْرَانِ. اللَّهُمَّ

جناب رضوان و خزانه‌داران بهشت درود بفرست؛ و بر جناب مالک و دیگر خزانه‌داران

صَلِّ عَلَيْهِمْ حَتَّى تُبَلِّغَهُمُ الرِّضَا، وَتَزِيدَهُمْ بَعْدَ الرِّضَا

جهنم نیز درود بفرست. بارالها؛ آن قدر بر ایشان درود بفرست که به مقام رضا و

مِمَّا أَنْتَ أَهْلُهُ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

خشنودی تو برسند و پس از رضایت نیز آن گونه که شایسته و بایستهٔ مقام دوست

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَصَلِّ عَلَىٰ مَلِكِ الْمَوْتِ وَأَعْوَانِهِ،

بر ایشان افزونی بخش؛ ای مهربان‌ترین مهربانان؛ بارالها؛ بر فرشتگان بزرگوار نویسند:

وَصَلِّ عَلَىٰ رِضْوَانَ وَخَزَنَةِ النَّيِّرَانِ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِمْ

بر سفیران بزرگوار و نیکوکار؛ و بر نگهبانان بنی آدم درود بفرست؛ و بر فرشتگان هوا

حَتَّىٰ تَبْلُغَهُمُ الرِّضَا، وَتَزِيدَهُمْ بَعْدَ الرِّضَا مِمَّا أَنْتَ أَهْلُهُ،

و آسمان‌های بالا؛ بر فرشتگان زمین‌های پایین و بر فرشتگان شب و روز، و زمین و

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ الْكِرَامِ الْكَاتِبِينَ،

کرانه‌ها، دریاها و نهرها، خشکی‌ها و دشت‌ها و بیابان‌های بی‌آب و علف؛ درود

وَالسَّفَرَةِ الْكِرَامِ الْبَرَّةِ، وَالْحَفَظَةِ لِبَنِي آدَمَ، وَصَلِّ عَلَىٰ

بفرست، و بر فرشتگانی که ایشان را به وسیله تسبیح‌گویی و تقدیس‌گویی و

مَلَائِكَةِ الْهَوَاءِ وَالسَّمَاوَاتِ الْعُلَىٰ، وَمَلَائِكَةِ الْأَرْضِينَ

پرستش از خوردن و آشامیدن بی‌نیاز کردی درود بفرست. بارالها؛ آن قدر بر ایشان

السُّفْلَىٰ، وَمَلَائِكَةِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، وَالْأَرْضِ وَالْأَقْطَارِ،

درود بفرست که ایشان را به مقام رضا برسانی، و پس از رضایت نیز برای ایشان

وَالْبَحَارِ وَالْأَنْهَارِ، وَالْبَرَارِ وَالْفَلَوَاتِ وَالْقِفَارِ، وَصَلِّ

افزون کنی آن گونه که شایسته و بایسته مقام توست؛ ای مهربان‌ترین مهربانان

عَلَىٰ مَلَائِكَتِكَ الَّذِينَ أَغْنَيْتَهُمْ عَنِ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ

بارالها؛ بر محمد و آل محمد درود بفرست؛ و بر پدرمان حضرت آدم و مادرمان حواء،

بِتَسْبِيحِكَ وَتَقْدِيرِكَ وَعِبَادَتِكَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِمْ حَتَّىٰ

و آن دسته از فرزندان‌شان که پیامبر، صدیق، شهید و صالح و شایسته بودند؛ درود

تُبَلِّغُهُمُ الرِّضَا، وَتَزِيدَهُمْ بَعْدَ الرِّضَا مِمَّا أَنْتَ أَهْلُهُ يَا

بفرست بارالها؛ بر آنان درود بفرست آن چنان که به مقام رضا دست یابند و بس از

أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

رضایت نیز آنچه شایسته و بایسته تر است بر ایشان افزون کن؛ ای مهربان ترین

وَصَلِّ عَلَى آبِنَا أَدَمَ، وَأُمَّنَا حَوَّاءَ وَمَا وَلَدَا مِنَ النَّبِيِّينَ

مهربانان. بارالها؛ بر محمد و اهل بیت یاک او؛ بر یاران نجیبش، و همسران پاک او، و

وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءَ وَالصَّالِحِينَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِمْ

بر نسل و فرزندان محمد، و بر هر پیامبری که بشارت به آمدن او داد، و بر هر

حَتَّى تُبَلِّغَهُمُ الرِّضَا، وَتَزِيدَهُمْ بَعْدَ الرِّضَا مِمَّا أَنْتَ

پیامبری که جزو اجداد محمد بود، و بر هر کسی که درود فرستادن تو بر او باعث

أَهْلُهُ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ، وَ

رضایت تو و باعث رضایت پیامبرت حضرت محمد - که درود خدا بر او و آل او باد -

أَهْلَ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ، وَعَلَى أَصْحَابِهِ الْمُتَّجِبِينَ، وَعَلَى

است، درود بفرست. بارالها؛ بر آنان درود بفرست آنچنان که به مقام رضا برسانی و

أَزْوَاجِهِ الْمُطَهَّرَاتِ، وَعَلَى ذُرِّيَّةِ مُحَمَّدٍ، وَعَلَى كُلِّ نَبِيٍّ

بس از رضایت نیز آنچنان که شایسته و بایسته تر است بر ایشان فزونی بخش؛ ای

بَشَرٍ بِمُحَمَّدٍ، وَعَلَى كُلِّ نَبِيٍّ وَوَلَدٍ مُحَمَّدًا، وَعَلَى كُلِّ مَنْ

مهربان ترین مهربانان. بارالها؛ بر محمد و آل محمد درود بفرست؛ و بر محمد و آل

فِي صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ رَضِيَ لَكَ وَرَضِيَ لِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى

محمد برکت بفرست؛ و رحمت خویش را بر محمد و آل محمد نازل فرما؛ بر تر از

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَالِهِ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِمْ حَتّٰى تُبَلِّغَهُمُ الرِّضَا، وَ

آنچه درود و برکت و رحمت خویش را بر ابراهیم و آل ابراهیم مقرر فرمودی؛ همانا،

تَزِيدَهُمْ بَعْدَ الرِّضَا مِمَّا اَنْتَ اَهْلُهُ، يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

تو ستوده و شکوهمند هستی. بارالها؛ وسیله را به محمد - که درود بر او و آل او باد

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَبَارِكْ عَلٰى مُحَمَّدٍ

- عطا فرما، و فضل و فضیلت و درجه و الا به او ببخش، آن قدر به او عنایت کن که

وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَارْحَمْ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ، كَاَفْضَلِ مَا

خشنودیش فراهم شود، و پس از رضایت او هر چه شایسته و بایسته مقام توست بر

صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلٰى اِبْرَاهِيمَ وَآلِ اِبْرَاهِيمَ،

او افزون کن؛ ای مهربان‌ترین مهربانان. بارالها؛ بر محمد و آل محمد درود بفرست،

اِنَّكَ حَمِيدٌ مَّجِيدٌ. اَللّٰهُمَّ اَعْطِ مُحَمَّدًا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ

چنان که به ما دستور فرمودی بر او درود بفرستیم. بارالها؛ بر محمد و آل محمد

اِلَهَ الْوَسِيْلَةِ وَالْفَضْلِ، وَالْفَضِيْلَةَ وَالذَّرَجَةَ الرَّفِيْعَةَ، وَ

درود بفرست، آن گونه که برای ما سزاوار است که بر او درود بفرستیم. بارالها؛ بر

اَعْطِهِ حَتّٰى يَرْضٰى، وَزِدْهُ بَعْدَ الرِّضَا مِمَّا اَنْتَ اَهْلُهُ، يَا

محمد و آل محمد درود فرست به عدد کسانی که بر او درود فرستاده‌اند. بارالها؛ نیز

اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

بر محمد و آل محمد درود بفرست به تعداد کسانی که بر محمد و آل محمد درود

كَمَا اَمَرْتَنَا اَنْ نُصَلِّيَ عَلَيْهِ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ

نفرستاده‌اند. بارالها؛ به عدد هر حرف در درودهایی که بر او فرستاده شده بر محمد و

مُحَمَّدٌ، كَمَا يَنْبَغِي لَنَا أَنْ نُصَلِّيَ عَلَيْهِ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

آلِ مُحَمَّدٍ دُرُودِ بَغْرَسْتِ. بَارِئِهَا؛ بِتَعْدَادِ تَمَامِ كِسَانِي كَهْ بِرِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ بَعْدَ مَنْ صَلَّى عَلَيْهِ. اللَّهُمَّ صَلِّ

صَلَوَاتِ فَرَسْتَادَنْدِ وَبِهْ تَعْدَادِ تَمَامِ كِسَانِي كَهْ بِرِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتِ

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ بَعْدَ مَنْ لَمْ يُصَلِّ عَلَيْهِ. اللَّهُمَّ

نَفَرَسْتَادَهَانْدِ، بِرِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ دُرُودِ بَغْرَسْتِ. بَارِئِهَا؛ بِتَعْدَادِ تَمَامِ مَوِيَّهَا،

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ بَعْدَ كُلِّ حَرْفٍ فِي صَلَاةِ

كَلِمَهَا، لِحِظَهَا، نَفْسِهَا، وَبِزِغِيهَا، اِيسْتِهَا وَجَنَبِشِهَا تَمَامِ كِسَانِي كَهْ بِرِ مُحَمَّدٍ

صَلَّيْتُ عَلَيْهِ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ بَعْدَ

صَلَوَاتِ فَرَسْتَادَهَانْدِ وَبِزِغِ تَمَامِ كِسَانِي كَهْ صَلَوَاتِ نَفَرَسْتَادَهَانْدِ؛ بِرِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

مَنْ صَلَّى عَلَيْهِ وَمَنْ لَمْ يُصَلِّ عَلَيْهِ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

دُرُودِ بَغْرَسْتِ. نِيزِ بِهْ اَنْدَازُهُ تَمَامِ سَاعَتِهَا وَدَقِيقَهَايِ عَمْرِشَانِ، وَ اِيسْتِهَا وَ

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ بَعْدَ كُلِّ شَعْرَةٍ وَلَفْظَةٍ وَلِحْظَةٍ

حَرَكَتِهَايِشَانِ، وَ حَقِيقَتِهَا وَ وَعَدَهَايِشَانِ، وَ وَبِزِغِيهَا وَ رُوزِهَايِشَانِ وَ مَاهَا وَ

وَنَفْسٍ وَصِفَةٍ وَسُكُونٍ وَحَرَكَةٍ مِمَّنْ صَلَّى عَلَيْهِ، وَمِمَّنْ

سَالِهَايِشَانِ وَ مَوِيَّهَا وَ بَوَسْتِهَايِ بَدَنِشَانِ؛ وَ بِهْ عَدَدِ وَزَنِ ذَرَاتِ اَنْجِدِ عَمَلِ كَرْدَهَانْدِ

لَمْ يُصَلِّ عَلَيْهِ، وَ بَعْدَ سَاعَاتِهِمْ وَ دَقَائِقِهِمْ، وَسُكُونِهِمْ

يَا عَمَلِ مِي كَنْدِ يَا بِهْ اِيشَانِ رَسِيدَهْ يَا دِيدَهَانْدِ يَا گَمَانِ كَرْدَهَانْدِ يَا بِاِ فِطَانَتِ وَ زِيرِكِي

وَ حَرَكَاتِهِمْ، وَ حَقَائِقِهِمْ وَ مِيقَاتِهِمْ، وَ صِفَاتِهِمْ وَ أَيَّامِهِمْ،

اَگَاهْ شُدَهَانْدِ، يَا اَزِ اِيشَانِ سَرِ زِدَهْ اِسْتِ يَا اَزِ اِيشَانِ تَا رُوزِ قِيَامَتِ سَرِ خَوَاهَدِ زِدَهْ؛ بَلَكِهْ

وَشُهُورَهُمْ وَسَنِيهِمْ، وَ أَشْعَارَهُمْ وَ أَبْشَارَهُمْ، وَ بَعْدَ

چندین برابر آنها با روز قیامت؛ (به تعداد و اندازه تمام چیزهایی که گفته شد) بر

زَنَةَ ذَرِّ مَا عَمَلُوا، أَوْ يَعْمَلُونَ أَوْ بَلَغَهُمْ أَوْ رَأَوْا أَوْ ظَنُّوا

محمد و آل او درود بفرست؛ ای مهربان ترین مهربانان بارالها؛ بر محمد و آل محمد

أَوْ فَطَنُوا، أَوْ كَانَ مِنْهُمْ، أَوْ يَكُونُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَ

درود بفرست و به تعداد تمام چیزهایی که آفریدهای و آنچه که تا روز قیامت خواهی

كَأَضْعَافِ ذَلِكَ أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، يَا

آفرید؛ انجنان درودی که موجب رضایت و خشنودی آن بزرگوار شود. بارالها؛

أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

ستایش و ثناگویی و سپاسگزاری و منت و برتری، و احسان و نیکی و خوبی و نعمت،

بَعْدَ مَا خَلَقْتَ، وَ مَا أَنْتَ خَالِقُهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، صَلَوةٌ

و عظمت و قدرت و شوکت، و عالم ظاهر و عالم باطن، و جبرگی محض و سلطنت و

تُرْضِيهِ. اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ وَالثَّنَاءُ وَ الشُّكْرُ، وَ الْمَنْ

افتخار و ریاست و اقبایی، و منت نهادن، و بزرگواری و شکوه و کرامت کردن، و

وَ الْفَضْلُ، وَ الطَّوْلُ وَ الْخَيْرُ وَ الْحُسْنَى وَ النُّعْمَةُ، وَ الْعِظَمَةُ

زیبایی و کمال، و خیر و یکتا دانستن و بزرگ شمردن، و ستایش کردن و تهلیل

وَ الْجَبَرُوتُ، وَ الْمَلِكُ وَ الْمَلَكُوتُ، وَ الْقَهْرُ وَ السُّلْطَانُ،

گفتن و تکبیرگویی و مقدس دانستن، و رحمت و بخشش، و کبریایی و بزرگ مرتبه‌ای

وَ الْفَخْرُ وَ السُّودْدُ، وَ الْإِمْتِنَانُ وَ الْكَرَمُ، وَ الْجَلالُ وَ الْإِكْرَامُ،

اختصاص به تو دارد. بارالها؛ خالص ترین، پاک ترین و پاکیزه ترین مدح و ثنای ارزنده،

وَالْجَمَالَ وَالْكَمَالَ، وَالْخَيْرُ وَالْتَّوْحِيدُ وَالْتَّمَجِيدُ،

گفتار نیک و زیبایی که باعث رضایت تو از گوینده‌اش شود و تو نیز گوینده‌اش را

وَالْتَّحْمِيدُ وَالتَّهْلِيلُ وَالتَّكْبِيرُ وَالتَّقْدِيسُ، وَالرَّحْمَةُ

راضی کنی و آن گفتار نیز موجب رضایت تو باشد؛ اختصاص به تو دارد. و این باعث

وَالْمَغْفِرَةُ وَالْكِبْرِيَاءُ وَالْعِظْمَةُ. وَلَكَ مَا زَكِي وَطَابَ

شود ستایش من به ستایش اولین ستایشگران تو متصل گردد. و ثنا گویم به

وَطَهَّرَ مِنَ الثَّنَاءِ الطَّيِّبِ، وَالْمَدِيحِ الْفَاخِرِ، وَالْقَوْلُ

ثناگویی نخستین ثناگو بر پروردگار جهان اتصال یابد، حمد و ثنایم نیز به یکدیگر

الْحَسَنَ الْجَمِيلَ الَّذِي تَرْضَى بِهِ عَنْ قَائِلِهِ، وَتَرْضَى بِهِ

وصل شوند؛ تهلیل و «لا اله الا الله» گفتنم به تهلیل اولین تهلیل گر اتصال یابد. و

قَائِلُهُ وَهُوَ رَضِيَ لَكَ، يَتَّصِلُ حَمْدِي بِحَمْدِ أَوْلِ

تکبیرگویی و بزرگداشت من به تکبیرگویی اولین تکبیرگویان، و گفتار نیکو و زیبای

الْحَامِدِينَ، وَثَنَائِي بِنَاءِ أَوْلِ الْمُثْنِينَ عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ

من به گفتار اولین خوش گفتار زیباگوی ثناگوی پروردگار جهان اتصال یابد و هر

مُتَّصِلًا ذَلِكَ بِذَلِكَ، وَتَهْلِيلِي بِتَهْلِيلِ أَوْلِ الْمُهْلِلِينَ، وَ

یک نیز به دیگری وصل شوند از ابتدای روزگار تا آخرش، به تعداد و هم‌سنگ تمام

تَكْبِيرِي بِتَكْبِيرِ أَوْلِ الْمُكْبِّرِينَ، وَقَوْلِي الْحَسَنَ الْجَمِيلَ

زده‌های موجود در آسمان‌ها و زمین‌ها و سنگریزه‌ها و تپه‌ها و کوه‌ها؛ و به تعداد

بِقَوْلِ أَوْلِ الْقَائِلِينَ الْمُجْمَلِينَ الْمُثْنِينَ عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ،

جرعه‌های آب دریاها، و به تعداد دانه‌های باران، و برگ درختان، و تعداد ستارگان، و

مُتَّصِلًا ذَلِكُ بِذَلِكَ، مِنْ أَوَّلِ الدَّهْرِ إِلَى آخِرِهِ. وَبَعْدَ

تعداد ذرات خاک و سنگریزه‌ها و دانه‌ها و هسته‌ها و کلبه‌ها؛ و هم‌سنگ تمام آنچه

زَنَةَ ذَرِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ، وَالرَّمَالِ وَالتَّلَالِ وَالْجِبَالِ،

گفته شد، و هم‌سنگ ذره‌های آسمان‌ها و زمین‌ها، و آنچه در آن‌ها و بین آنهاست، و

وَعَدَدِ جُرْعِ مَاءِ الْبَحَارِ، وَعَدَدِ قَطْرِ الْأَمْطَارِ، وَوَرَقِ

در زیر آنها قرار دارد؛ و باز آنچه مابین آنها، و بالای آنها قرار دارد تا روز قیامت، از

الْأَشْجَارِ، وَعَدَدِ النُّجُومِ، وَعَدَدِ الثَّرَى وَالْحَصَى وَالنَّوَى

جایگاه عرش الهی تا پایین‌ترین جای زمین هفتم پائینیات؛ و به تعداد حروف

وَالْمَدْرِ، وَعَدَدِ زَنَةِ ذَلِكَ كُلِّهِ، وَعَدَدِ زَنَةِ ذَرِّ السَّمَاوَاتِ

لفظ‌هایی که اهل اینجاها استفاده می‌کنند؛ و به تعداد زمان‌ها و دقیقه‌ها و

وَالْأَرْضِينَ، وَمَا فِيهِنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ وَمَا تَحْتَهُنَّ، وَمَا بَيْنَ

علامت‌های شان، ساعت‌ها و روزی‌های شان، ماه‌ها و سال‌های شان، ایست‌ها و

ذَلِكَ وَمَا فَوْقَهُنَّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، مِنْ لَدُنِ الْعَرْشِ إِلَى

حرکت‌های شان، موها و پوست‌های بدنشان؛ تو را می‌ستایم. نیز به تعداد و هم‌سنگ

قَرَارِ أَرْضِكَ السَّابِعَةِ السُّفْلَى. وَبَعْدَ حُرُوفِ الْفَاطِ

هر ذره عملی که انجام داده یا می‌دهند از آن خبردار شده‌اند یا دیده‌اند یا گمان

أَهْلِهِنَّ، وَعَدَدِ أَرْزَامِهِمْ وَدَقَائِقِهِمْ وَشَعَائِرِهِمْ وَسَاعَاتِهِمْ

کرده‌اند یا با فطانت و زیرکی آگاهی یافته‌اند یا از ایشان بوده است یا تا روز قیامت

وَ أَيَّامِهِمْ، وَ شَهْرِهِمْ وَ سَنِيهِمْ، وَ سُكُونِهِمْ وَ حَرَكَاتِهِمْ،

از ایشان سر خواهد زد؛ و عدد ذرات آن بلکه چندین برابر آنچه گفته شد و نیز

وَأَشْعَارِهِمْ وَأَبْشَارِهِمْ. وَعَدَدَ زَنَةِ ذَرٍّ مَا عَمَلُوا أَوْ

چندین باربر این‌ها، به گونه‌ای که جز تو کسی را یارای دانستن و شمارش آنها

يَعْمَلُونَ أَوْ بَلَغَهُمْ أَوْ رَأَوْا أَوْ ظَنُّوا أَوْ فَطَنُوا أَوْ كَانَ مِنْهُمْ

نباشد - ای صاحب شکوه و کرامت؛ - ستایشت می‌کنم. البته تو شایسته اینها

أَوْ يَكُونُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَعَدَدَ زَنَةِ ذَرٍّ ذَلِكَ وَأَضْعَافُ

هستی، و بایسته مقام تو و سزاوار آستان تو می‌باشد؛ این ستایش‌ها از من و از تمام

ذَلِكَ، وَكَأَضْعَافِ ذَلِكَ أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً لَا يَعْلَمُهَا وَلَا

آفریدگانت نثار تو باد؛ ای آفریننده و پدیدآور آسمان‌ها و زمین؛ بارخدا؛ تو

يُحْصِيهَا غَيْرُكَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، وَ أَهْلُ ذَلِكَ أَنْتَ،

پروردگاری نیستی که ما تو را به تازگی خوانده باشیم؛ و معبودی نیز همراه تو

وَ مُسْتَحَقُّهُ وَ مُسْتَوْجِبُهُ مِنِّي وَمِنْ جَمِيعِ خَلْقِكَ يَا بَدِيعَ

نیست که در پروردگاریت با تو شرکت داشته باشد؛ و خدایی نیز با تو نیست که

السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ. اللَّهُمَّ إِنَّكَ لَسْتَ بِرَبِّ اسْتَحْدَثْنَاكَ،

برای آفریدن ما یاریت کرده باشد. تو پروردگار ما هستی همان‌گونه که خودت

وَلَا مَعَكَ إِلَهٌ فَيُشْرَكَكَ فِي رُبُوبِيَّتِكَ، وَلَا مَعَكَ إِلَهٌ

می‌گویی، و بالاتر از آنچه گویندگان می‌گویند؛ از تو می‌خواهم بر محمد و آل محمد

أَعَانِكَ عَلَى خَلْقِنَا، أَنْتَ رَبُّنَا كَمَا تَقُولُ وَفَوْقَ مَا يَقُولُ

درود بفرستی، و به محمد - که درود بر او و آل او باد - فزون‌تر از آنچه که از تو

الْقَائِلُونَ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

درخواست می‌کند، و برتر از آنچه که مورد درخواست قرار می‌گیری، و برتر از آنچه

وَأَنْ تُعْطَى مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَفْضَلَ مَا سَأَلَكَ،

تا روز قیامت از تو برای او خواسته می شود عطا فرمایی. می سپارم اهل بیت پیغمبر

وَأَفْضَلَ مَا سُئِلْتَ، وَأَفْضَلَ مَا أَنْتَ مَسْئُولٌ لَهُ إِلَى يَوْمِ

اکرم - که درودت بر او و ایشان باد - و خودم، و دینم، و نسلم، و دارایی و فرزندم و

الْقِيَامَةِ. أَعِذُ أَهْلَ بَيْتِ النَّبِيِّ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

اهل من، و خویشانم و خاندانم و تمام کسانی که با من نسبتی دارند در اسلام وارد

وَنَفْسِي وَدِينِي وَذُرِّيَّتِي وَمَالِي وَوَلَدِي وَأَهْلِي

شده یا وارد می شوند تا روز قیامت، و عیالات من، و مخصوصان من، و تمام کسانی

وَقَرَابَاتِي وَأَهْلَ بَيْتِي وَكُلَّ ذِي رَحْمٍ لِي دَخَلَ فِي

که واگذار نموده اند به من دعا کردن را یا به من نیکی و بخششی کرده اند، یا از

الْإِسْلَامِ، أَوْ يَدْخُلُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَحُزَانَتِي

غیبت من جلوگیری کرده، یا در مورد من زبان به نیکی گشوده، یا از او کمک

وَخَاصَّتِي، وَمَنْ قَلَدَنِي دُعَاءً أَوْ أَسَدِي إِلَى يَدٍ أَوْ رَدَّ

خواسته ام یا کاری برایم کرده است؛ و نیز همسایگان و برادران و خواهران مؤمن

عَنْيَ غَيْبَةً، أَوْ قَالَ فِي خَيْرٍ، أَوْ اتَّخَذْتُ عِنْدَهُ يَدًا أَوْ

خود را، به خدا و به نام های کامل، عمومی، فراگیر، کامل، پاک، فزون بخش، بابرکت،

صَنِيعَةً، وَجِيرَانِي وَإِخْوَانِي مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ،

بلندمرتبه، خالص و پاکیزه، شرافتمند، بازدارنده، بزرگوارانه، عظیم، پنهان و ذخیره

بِاللَّهِ وَبِأَسْمَائِهِ التَّامَّةِ الْعَامَّةِ الشَّامِلَةِ الْكَامِلَةِ الطَّاهِرَةِ

شده الهی - نام هایی که هیچ شخصی نیک و بدی از آنها درنگذرد - و به ام کتاب

الْفَاضِلَةُ الْمُبَارَكَةُ الْمُتَعَالِيَةُ الزَّكَايَةُ الشَّرِيفَةُ الْمَنِيْعَةُ

(سوره حمد که ابتدای قرآن است) و به انتهای آن، و آنچه بین این دو بخش از

الْكَرِيْمَةُ الْعَظِيْمَةُ الْمَخْرُوْنَةُ الْمَكْنُوْنَةُ الَّتِي لَا يُجَاوِزُهُنَّ

سوردهای شریفه و آیات محکمه و شفا و رحمت و تعویذ و برکت وجود دارد، و به

بِرٍّ وَلَا فَاجِرٍ، وَبِأَمِّ الْكِتَابِ وَخَاتَمَتِهِ، وَمَا بَيْنَهُمَا مِنْ

تورات و انجیل و زبور و فرقان (قرآن) و صحیفه‌های ابراهیم و موسی، و به تمام

سُوْرَةٍ شَرِيْفَةٍ، وَآيَةٍ مُحْكَمَةٍ، وَشِفَاءٍ وَرَحْمَةٍ، وَعَوْدَةٍ

کتاب‌هایی که خداوند تعالی فرو فرستاده است، و به تمام رسولانی که خداوند

وَبِرَكَّةٍ، وَبِالتَّوْرِيَةِ وَالْإِنْجِيْلِ وَالزَّبُوْرِ وَالْفُرْقَانِ وَصُحُفِ

فرستاده است، و به تمام براهین و دلیل‌های آشکاری که خداوند اقامه کرده است، و

إِبْرَاهِيْمَ وَمُوسَى، وَبِكُلِّ حُجَّةٍ أَقَامَهَا اللهُ، وَبِكُلِّ كِتَابِ

به تمام دلایل قاطع و روشنی که خداوند آشکار کرده است، و به تمام روشنی‌هایی

أَنْزَلَهُ اللهُ، وَبِكُلِّ رَسُوْلِ أَرْسَلَهُ اللهُ، وَبِكُلِّ بُرْهَانٍ أَظْهَرَهُ

که خداوند روشن گردانیده است، و به تمام نعمت‌ها و عظمت الهی، پناه می‌برم و

اللهِ، وَبِكُلِّ نُورٍ أَنْارَهُ اللهُ، وَبِكُلِّ آيَةٍ أَعْظَمَتَهَا اللهُ وَعَظَمَتَهُ أَعِيذُ

پناه می‌جویم (از خداوند) نسبت به هر چیزی که شر و بدی دارد، و از بدی و شر

وَأَسْتَعِيْذُ مِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ، وَمِنْ شَرِّ مَا أَخَافُ وَ

تمام چیزهایی که می‌ترسم و از آن حذر می‌کنم، و از شر تمام چیزهایی که

أَحْذَرُ، وَمِنْ شَرِّ مَا رَبِّيْ مِنْهُ أَكْبَرُ، وَمِنْ شَرِّ فَسَقِهِ

پروردگرم از آنها بزرگ‌تر است، و از شر فاسقان و گناه‌کاران عرب و عجم، و از شر

الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ، وَمِنْ شَرِّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ

فاسقان جنی و انسی، و از شرّ شیاطین و پادشاهان، و ابلیس (شیطان بزرگ) و

وَالشَّيَاطِينِ وَالسَّلَاطِينِ، وَإِبْلِيسَ وَجُنُودَهُ وَأَشْيَاعَهُ

لشکرش و پیروان و دنباله‌روان او، و از شرّ تمام چیزهایی که در روشنی یا تاریکی

وَأَتْبَاعَهُ، وَمِنْ شَرِّ مَا فِي النُّورِ وَالظُّلْمَةِ، وَمِنْ شَرِّ مَا

قرار دارند، و از شرّ پیشامدهایی که دامنگیر (انسان) می‌شود یا هجوم می‌آورد یا

دَهَمَ أَوْ هَجَمَ أَوْ أَلَمَ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ غَمٍّ وَهَمٍّ وَآفَةٍ وَنَدَمٍ

باعث درد و الم می‌شود، و از شرّ هر حزن و اندوه و گزند و پشیمانی و مصیبت و

وَنَازِلَةٍ وَسَقَمٍ، وَمِنْ شَرِّ مَا يَحْدُثُ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ

مریضی. نیز، از شرّ چیزهایی که در روز و شب پدید می‌آیند و مقدر می‌گردند، و از

وَتَأْتِي بِهِ الْأَقْدَارُ، وَمِنْ شَرِّ مَا فِي النَّارِ، وَمِنْ شَرِّ مَا

شرّ تمام چیزهایی که در آتش‌اند، و از شرّ تمام چیزهایی که در زمین‌ها و کرانه‌ها و

فِي الْأَرْضِينَ وَالْأَقْطَارِ وَالْفَلَوَاتِ وَالْقِفَارِ وَالْبَحَارِ

خشکی‌ها و بیابان‌ها و زمین‌های بی‌آب و علف و دریاها و رودها هستند، و از شرّ

وَالْأَنْهَارِ، وَمِنْ شَرِّ الْفُسَّاقِ وَالْفَجَّارِ وَالْكَهَّانِ وَالسُّحَّارِ

تمام فاسقان و بدکاران و کاهنان و جادوگران و حسودان و ترس ایجادکنندگان و

وَالْحُسَّادِ وَالذَّعَّارِ وَالْأَشْرَارِ، وَمِنْ شَرِّ مَا يَلْبِغُ فِي

شروان؛ و از شرّ تمام چیزهایی که در زمین فرو می‌روند، و از شرّ چیزهایی که از

الْأَرْضِ، وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا، وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ، وَمَا

زمین درمی‌آیند و آنچه از آسمان فرو می‌آید، و آنچه به سمت آسمان بالا می‌رود، و

يَعْرِجُ إِلَيْهَا، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ

از شرّ و بدی هر چه شرّ و بدی دارد، و از شرّ تمام جنبندگان که پروردگارم زمام او

رَبِّي اخذ بناصيتها، إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ، فَإِنْ

را به دست دارد پناه می آورم؛ به راستی پروردگارم بر صراط مستقیم استوار دارد؛

تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ، لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ، وَ

پس اگر رو گردانند بگو: خدا مرا بس است، جز او معبودی نیست، تنها بر او توکل

هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ. وَأَعُوذُ بِكَ اللَّهُمَّ مِنَ الْهَمِّ وَالْغَمِّ

دارم، و او پروردگار عرش باعظمت است. خدایا! به تو پناه می برم از اندوه و غم و

وَالْحُزْنِ، وَالْعَجْزِ وَالْكَسَلِ، وَالْجُبْنِ وَالْبُخْلِ، وَمِنْ ضَلَعِ

غصه و ناتوانی و کسالت و ترس و بخل و گرفتاری قرض و چیرگی بزرگان؛ نیز از

الدَّيْنِ وَغَلْبَةِ الرِّجَالِ، وَمِنْ عَمَلٍ لَا يَنْفَعُ، وَمِنْ عَيْنِ

عملی که سودمند نیفتد، و چشمی که نگرید و اشک نریزد، و قلبی که خاشع نگردد،

لَا تَدْمَعُ، وَمِنْ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ، وَمِنْ دُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ، وَمِنْ

و دعایی که شنیده نشود، و نصیحتی که مؤثر نیفتد، و یارانی که بازگردانده نشوند؛

نصيحة لا تنجع، ومن صحابة لا تردع، ومن إجماع

و پناه می برم از تجمع برزشتی و ناپسندی، و دوستی نمودن زیان بار، و داد و ستد

على نكر وتودد على خسر أو تؤاخذ على خبث،

ناپاک؛ نیز از تمام چیزهایی که فرشتگان مقرب و پیامبران مرسل و امامان پاک، و

ومما استعاذ منه ملائكتك المقربون والأنبياء

شهیدان و صالحان و بندگان پرهیزگارت از آنها به تو پناه برداند به تو پناه می برم.

الْمُرْسَلُونَ، وَالْأئِمَّةُ الْمُطَهَّرُونَ، وَالشُّهَدَاءُ وَالصَّالِحُونَ،

خدایا؛ از تو درخواست می‌کنم بر محمد و آل محمد درود فرستی، و خیر و

وَعِبَادُكَ الْمُتَّقُونَ. وَ أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

خوبی‌هایی را که ایشان از تو خواسته‌اند به من نیز عطا فرمایی، و مرا از شر چیزهایی

وَأَلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُعْطِيَنِي مِنَ الْخَيْرِ مَا سَأَلُوا، وَأَنْ

که آنها به تو پناه برده‌اند پناه دهی؛ خدایا؛ و از تو درخواست می‌کنم تمام خیرها را

تُعِينَنِي مِنْ شَرِّ مَا اسْتَعَاذُوا، وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ مِنَ الْخَيْرِ

به من برسانی، شتابان و مدت‌دارش را؛ آنچه را می‌دانم و آنچه را نمی‌دانم، پروردگارا؛

كُلِّهِ عَاجِلُهُ وَآجِلُهُ مَا عَلِمْتُ مِنْهُ وَمَا لَمْ أَعْلَمْ، وَأَعُوذُ

از وسوسه‌های شیطان‌ها به تو پناه می‌برم؛ و ای پروردگار از اینکه مرا حاضر سازند

بِكَ رَبِّ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ، وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَنْ

به تو پناه می‌آورم. از نام خدا کمک می‌گیرم بر اهل بیت پیامبرم، که درود خدا بر

يَحْضُرُونَ. بِسْمِ اللَّهِ عَلَى أَهْلِ بَيْتِ النَّبِيِّ مُحَمَّدٍ صَلَّى

او بر آل او باد. از نام خدا کمک می‌گیرم بر خودم و دینم. از نام خدا کمک می‌گیرم

اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، بِسْمِ اللَّهِ عَلَى نَفْسِي وَدِينِي، بِسْمِ اللَّهِ

بر خانواده و دارایی‌ام؛ از نام خدا کمک می‌گیرم بر تمام چیزهایی که پروردگارم به

عَلَى أَهْلِي وَمَالِي، بِسْمِ اللَّهِ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ أَعْطَانِي

من عطا فرموده است. از نام خدا کمک می‌گیرم بر دوستان و فرزندانم و خویشاوندانم.

رَبِّي، بِسْمِ اللَّهِ عَلَى أَحِبَّتِي وَوَلَدِي وَقَرَابَاتِي، بِسْمِ اللَّهِ

از نام خدا کمک می‌گیرم بر همسایگان و برادرانم، و کسانی که سفارش به دعا

عَلَى جِيرَانِي وَإِخْوَانِي، وَمَنْ قَلَدَنِي دُعَاءً، أَوْ اتَّخَذَ

کرده‌اند یا از من کمک گرفته‌اند و تمام زنان و مردان مؤمنی که نسبت به من کار

عِنْدِي يَدًا، أَوْ ابْتَدَأَ إِلَيَّ بِرًّا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ،

خوبی را بدون سابقه آغاز کرده‌اند؛ از نام خدا کمک می‌گیرم بر آنچه پروردگارم

بِسْمِ اللَّهِ عَلَى مَا رَزَقَنِي رَبِّي وَيَرْزُقُنِي، بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي

نصیبم فرموده است یا در آینده نصیبم خواهد کرد، از نام خدایی کمک می‌گیرم که

لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَهُوَ

با نامش هیچ چیزی در زمین و آسمان نمی‌تواند ضرر و زیانی برساند؛ و او شنوای

السَّمِيعُ الْعَلِيمُ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

داناست. بارالها! بر محمد و آل محمد درود فرست؛ و آنچه بندگان مؤمنان از تو

وَصَلِّني بِجَمِيعِ مَا سَأَلَكْ عِبَادُكَ الْمُؤْمِنُونَ، أَنْ تَصَلِّهُمْ

درخواست کرده‌اند تا از خیرات به ایشان هدیه دهی، به من نیز احسان کنی؛ و از

بِهِ مِنَ الْخَيْرِ، وَأَصْرِفْ عَنِّي جَمِيعَ مَا سَأَلَكْ عِبَادُكَ

تمام آنچه بندگان مؤمنان از تو درخواست کرده‌اند که بلاها و پستی‌ها را از آنها

الْمُؤْمِنُونَ، أَنْ تَصْرِفَهُ عَنْهُمْ مِنَ السُّوءِ وَالرَّادِي، وَزِدْنِي

بازگردانی از من نیز بازگردان و دور کن، و به واسطه فضل و آنگونه که شایسته و

مِنْ فَضْلِكَ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَوَلِيِّهُ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

بایسته مقام توست و تو سرپرستی‌اش را بر عهده داری، بر من بیفزای ای مهربان‌ترین

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ، وَعَجِّلِ اللَّهُمَّ

مهربانان. بارالها! بر محمد و اهل بیت پاکیزه‌اش درود فرست، و در فرج و راحتی

فَرَجَهُمْ وَفَرَجِي وَفَرَجٍ عَنِ كُلِّ مَهْمُومٍ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

ایشان و من شتاب کنی؛ و در کار هر اندوهگینی از مردان و زنان با ایمان فرج و

وَالْمُؤْمِنَاتِ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَارْزُقْنِي

گشایش عنایت کن. بارالها؛ بر محمد و آل محمد درود فرست؛ و یاری ایشان را

نَصْرَهُمْ، وَأَشْهَدْنِي أَيَّامَهُمْ، وَأَجْمَعُ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ فِي

نصیب کن، و مرا شاهد روزگار حکومتشان فرما، و من و ایشان را در دنیا و آخرت

الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَأَجْعَلْ مِنْكَ عَلَيْهِمْ وَاقِيَةً حَتَّى

گرد هم آور؛ و از جانب خودت نگهبانی برای شان قرار ده تا جز خیر و خوبی به

لَا يُخْلَصَ إِلَيْهِمْ إِلَّا بِسَبِيلِ خَيْرٍ، وَعَلَى مَعَهُمْ، وَعَلَى

ایشان نرسد، و برای من و شیعیان و دوست‌داران شان و موالیان شان و تمام مردان و

شِيعَتِهِمْ وَمُحِبِّيهِمْ، وَعَلَى أَوْلِيَاءِهِمْ، وَعَلَى جَمِيعِ

زنان باایمان نیز چنین نگهبانی مقرر فرما؛ همانا تو بر هر چیزی توانایی داری. به نام

الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، فَإِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. بِسْمِ

خدا، به کمک خدا، از جانب خدا، به سوی خدا؛ و پیروزمندی جز خدا نیست؛ هر چه

اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَمَنْ اللَّهُ وَإِلَى اللَّهِ، وَلَا غَالِبَ إِلَّا اللَّهُ، مَا شَاءَ

خدا بخواهد همان می‌شود؛ نیرویی جز به واسطه خداوند نیست؛ خدا مرا بس است؛

اللَّهُ، لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، حَسْبِيَ اللَّهُ، تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ،

بر خدا توکل دارم؛ کارم (سرپرستی‌ام) را به خدا واگذار می‌کنم؛ به خدا پناهنده

وَأَفْوُضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ، وَالتَّجِيُّ إِلَى اللَّهِ وَبِاللَّهِ أَحَاوِلُ

می‌شوم، و به کمک خداوند، طلب نیرو و چیرگی و بسیاری و افتخار و عزت‌مندی و

وَأَصَاوِلُ وَأَكَاثِرُ وَأَفَاخِرُ وَأَعْتَرُ وَأَعْتَصِمُ، عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ

نگهبانی می‌کنم؛ تنها بر او توکل دارم و بازگشتم نیز تنها به سوی اوست؛ جز

وَالِيهِ مَتَابُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَيُّ الْقَيُّومُ، عَدَدَ الثَّرَىٰ

خداوند زنده پاینده، معبودی نیست؛ به تعداد ذرات خاک و ستارگان و فرشتگان

وَالنُّجُومِ، وَالْمَلَائِكَةِ الصُّفُوفِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لَا

صف کشیده؛ جز خداوند معبودی نیست، یکی است و شریکی ندارد بلندمرتبه و

شَرِيكَ لَهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ سُبْحَانَكَ إِنِّي

عظیمم است؛ جز خداوند معبودی نیست؛ خدایا؛ تو منزهی؛ واقعیت آن است که، من

كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ. ۱

از ستمکاران بوده‌ام.

امام عصر (ع) این عبارات را به دعای حریق افزوده‌اند که توسط

محمد بن صلت قمی (ره) رسیده است:

اللَّهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظِيمِ، وَرَبَّ الْكُرْسِيِّ الرَّفِيعِ، وَرَبَّ

بارالها؛ ای پروردگار نور و روشنی با عظمت؛ و پروردگار کرسی و جایگاه والا و

الْبَحْرِ الْمَسْجُورِ، وَمُنْزِلَ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ، وَرَبَّ الظِّلِّ

بلندمرتبه؛ و پروردگار دریای بی‌پایان؛ و ای فروفرستنده تورات و انجیل؛ و پروردگار

وَالْحَرُورِ، وَمُنْزِلَ الزَّبُورِ وَالْقُرْآنِ الْعَظِيمِ، وَرَبَّ الْمَلَائِكَةِ

سایه و آفتاب؛ و فرستنده زبور و قرآن با عظمت، و پروردگار فرشتگان مقرب و

۱. البلد الأمين، ص ۹۱؛ مصباح المتهجد، ص ۲۲۰ (با تفاوتی اندک).

المُقَرَّبِينَ وَالْأَنْبِيَاءَ وَالْمُرْسَلِينَ، أَنْتَ إِلَهُ مَنْ فِي السَّمَاءِ،

پیامبران مرسل؛ تو، معبود اهل آسمان و معبود اهل زمین هستی. جز تو معبودی

وَالِلَّهِ مَنْ فِي الْأَرْضِ، لَا إِلَهَ فِيهِمَا غَيْرُكَ، وَأَنْتَ جَبَّارٌ

در زمین و آسمان نیست؛ تو مسلط بر ساکنان آسمان و زمین هستی؛ جز تو جبار و

مَنْ فِي السَّمَاءِ، وَجَبَّارٌ مَنْ فِي الْأَرْضِ، لَا جَبَّارَ فِيهِمَا

مسلطی در آن دو وجود ندارد؛ تو آفریننده هر چه در آسمان و زمین است می باشی،

غَيْرُكَ، وَأَنْتَ خَالِقُ مَنْ فِي السَّمَاءِ، وَخَالِقُ مَنْ فِي

جز تو آفریننده ای در آسمان و زمین نیست؛ تو حکم کننده ساکنان آسمان و زمین

الْأَرْضِ، لَا خَالِقَ فِيهِمَا غَيْرُكَ، وَأَنْتَ حَكَمُ مَنْ فِي

هستی و جز تو حکم کننده و داوری در این دو وجود ندارد. بارالها؛ به واسطه ذات

السَّمَاءِ، وَحَكَمُ مَنْ فِي الْأَرْضِ، لَا حَكَمَ فِيهِمَا غَيْرُكَ.

بزرگوارت از تو درخواست می کنم؛ به واسطه نور روشنی بخشیت، و فرمانروایی

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ، وَبِنُورِ وَجْهِكَ الْمُنِيرِ،

دیرینهات؛ ای زنده؛ ای پایدار؛ به واسطه آن نامت از تو درخواست می کنم که

وَمُلْكِكَ الْقَدِيمِ، يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ، أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي

آسمانها و زمینها بدان روشنی یافتند؛ و با آن اسمی از تو درخواست می کنم که

أَشْرَقَتْ بِهِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُونَ، وَبِاسْمِكَ الَّذِي يَصْلُحُ

مخلوقات پیشین و آیندگان با آن صالح و شایسته می گردند و اصلاح می شوند؛ ای

بِهِ الْأَوَّلُونَ وَالْآخِرُونَ، يَا حَيًّا قَبْلَ كُلِّ حَيٍّ وَيَا حَيًّا بَعْدَ

زنده پیش از هر زنده؛ ای زنده پس از هر زنده؛ ای زنده، آنگاه که زنده ای وجود

كُلُّ حَيٍّ، وَيَا حَيًّا حِينَ لَا حَيٍّ، يَا مُحْيِيَ الْمَوْتِي وَيَا

نداشت؛ ای زنده کننده مردگان؛ ای زنده که جز تو معبودی وجود ندارد؛ ای زنده؛

حَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ. أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ

ای پایدار؛ از تو درخواست می‌کنم بر محمد و آل محمد درود بفرستی، و از آنجا

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَرْزُقْنِي مِنْ حَيْثُ أَحْتَسِبُ

که گمان آن را داشتیم و از آنجا که فکرش را هم نمی‌کنم، روزی و نصیبت فراوان

وَمِنْ حَيْثُ لَا أَحْتَسِبُ رِزْقًا وَاسِعًا حَلَالًا طَيِّبًا، وَأَنْ

حلال و پاکیزه‌ای به من برسانی، و تمام اندوه‌ها و مشکلات و گرفتاری‌ها را از من

تُفَرِّجَ عَنِّي كُلَّ غَمٍّ وَهَمٍّ، وَأَنْ تُعْطِنِي مَا أَرْجُوهُ وَأُؤَمِّلُهُ،

برطرف فرمایی، و آنچه امید و آرزویش را دارم به من عطا کنی؛ به راستی تو بر

إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. ۱

هر چیزی توانایی

دعای الحاح از امام صادق (ع)

به نقل از حضرت بقیة الله (ع)

«ابونعیم انصاری» می‌گوید: در «مکه»، کنار «رکن مستجار»

بودم و گروهی از طایفه مقصره نیز حضور داشتند. «محمودی» و

۱. البلد الأمين، ص ۹۷، مصباح المتهجد، ص ۲۲۷.

«علان کلینی» و «ابوهیثم دیناری» و «ابوجعفر احول همدانی» در میان آنان بودند و در مجموع حدود سی نفر بودند و جز «محمد بن قاسم علوی عقیقی»، شیعهٔ مخلصی در بینشان نمی‌شناختم.

روز ششم ذی حجهٔ سال ۲۹۳ هجری بود که در آنجا بودیم، ناگهان جوانی که مشغول طواف بود و با دو پارچه احرام بسته بود و کفش‌هایش را در دست داشت، به طرف ما آمد که هیبت و شکوهش ما را گرفت و بی‌اختیار از جا برخاستیم؛ همهٔ ما بدون استثنا از جا برخاستیم؛ بر او سلام کردیم؛ آنگاه نشست و به طرف راست و چپ نگریست و فرمود:

ایا می‌دانید، امام صادق (ع) در دعای الحاح (اصرار) چه می‌گفت؟

گفتیم: چه می‌گفت؟

فرمود: ایشان چنین می‌گفتند:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي بِهِ تَقُومُ السَّمَاوَاتُ، وَبِهِ

بارالها؛ همانا من از تو درخواست می‌کنم به آن نام مقدّست که آسمان با آن برپاست

تَقُومُ الْأَرْضُ، وَبِهِ تَفَرِّقُ بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ، وَبِهِ تَجْمَعُ

و زمین با آن برپاست، و حق و باطل را به سبب آن از هم جدا می‌کنی، و پراکنده‌ها را

بَيْنَ الْمُتَفَرِّقِ، وَبِهِ تَفَرَّقُ بَيْنَ الْمُجْتَمِعِ، وَبِهِ أَحْصَيْتَ عَدَدَ

با آن گرد می آوری، و با آن بین گرد آمده‌ها جدایی می افکنی، و تعداد سنگریزه‌ها را به

الرَّمَالِ، وَزَنَةَ الْجِبَالِ، وَكَيْلَ الْبَحَارِ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ

شماره در می آوری؛ و وزن کوه‌ها و پیمانه دریاها را می دانی؛ می خواهم بر محمد و آل

وَأَلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَجْعَلَ لِي مِنْ أَمْرِي فَرْجًا وَمَخْرَجًا.^۱

محمد درود فرستی، و در کار من گشایش و گریزگاهی قرار دهی.

۵

دعای حضرت امیرالمؤمنین (ع) پس از نماز واجب

به نقل از حضرت بقیة الله (ع)

«ابونعیم انصاری» می گوید: سپس آن جوان برخاست و به طواف کنندگان پیوست؛ ما به خاطر برخاستن ایشان برخاستیم و فراموش کردیم نامش را بپرسیم.

فردای آن روز نیز در همان وقت، از طواف به سمت ما آمد؛ ما همانند روز گذشته، بدون اختیار برخاستیم. وی در آن میان نشست و به راست و چپ نگرست و فرمود:

۱. کمال الدین، ص ۴۷۰؛ بحار الأنوار، ج ۹۵، ص ۱۵۷؛ الصحیفة الصادقیة، ص ۳۶۳؛ دلائل الإمامة، ص ۵۴۳.

آیا می‌دانید امیرالمؤمنین (ع) پس از نمازهای واجب چه می‌گفت؟
گفتیم: چه می‌گفت؟ فرمود: می‌گفت:

اللَّهُمَّ إِلَيْكَ رُفِعَتِ الْأَصْوَاتُ، [وَدُعِيَتِ الدَّعَوَاتُ]، وَلَكَ

بارالها! صداها، تنها به سوی تو بالا برده می‌شود [و دعاها خوانده می‌شود] و روی‌ها تنها برای تو

عنت الوجوه، وَلَكَ خَضَعَتِ الرَّقَابُ، وَإِلَيْكَ التَّحَاكُمُ فِي

خوار و فروتن شد، و گردن‌ها تنها در برابر تو خمیده می‌شوند، و حکومت و داوری در کارها تنها

الأعمال، يَا خَيْرَ مَسْئُولٍ وَخَيْرَ مَنْ أُعْطِيَ، يَا صَادِقُ

به سوی تو است. ای بهترین درخواست‌شونده و بهترین کسی که چیزی عطا می‌کند؛ ای راستگو؛

يَا بَارِئُ، يَا مَنْ لَا يُخْلَفُ الْمِيعَادَ، يَا مَنْ أَمَرَ بِالْدُّعَاءِ

ای ایجادکننده؛ ای کسی که برخلاف وعده عمل نمی‌کند؛ ای کسی که دستور به دعا کردن داد،

وَتَكْفَلُ بِالْإِجَابَةِ. يَا مَنْ قَالَ «أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ»^۱

و خودش نیز بر آوردن دعا را به عهده گرفت؛ ای کسی که گفت: «مرا بخوانید؛ پاسخ مثبت به شما

يَا مَنْ قَالَ «وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ

می‌دهم»، ای کسی که فرمود: و هنگامی که بندگانم در مورد من از تو پرسیدند (بگو): همانا من

دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ

نزدیک هستم، دعای دعاکننده را هنگامی که مرا بخواند پاسخ می‌دهم؛ پس، از من درخواست اجابت

يُرْشِدُونَ»^۲ يَا مَنْ قَالَ «يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَيَّ

کنند، و به من ایمان آورند؛ شاید به راه نیک و درست در آیند». ای کسی که گفت: «ای بندگان من

۱. سوره غافر، آیه ۶۰.

۲. سوره بقره، آیه ۱۸۶.

أَنْفُسَهُمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ

که در مورد خویشتن زیاده‌روی کردند؛ از رحمت الهی نومید مشوید؛ (زیرا) واقعیت آن است که

جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ» ۱. ۲

خداوند تمام گناهان را می‌بخشد؛ همانا، او بخشنده مهربان است.»

۶

دعای حضرت امیرالمؤمنین (ع) در سجده شکر

به نقل از حضرت بقیسه‌الله (ع)

(در ادامه روایت پیشین آمده است): آنگاه پس از این دعا به

سمت راست و چپ نگرست و فرمود:

آیا می‌دانید امیرالمؤمنین (ع) در سجده شکر چه می‌گفت؟

گفتیم: چه می‌گفت؟

فرمود: می‌گفت:

يَا مَنْ لَا يَزِيدُهُ الْإِحْاحُ الْمُلْحِحِينَ إِلَّا جُودًا وَكَرَمًا، يَا مَنْ

ای کسی که اصرار اصرارکنندگان، تنها سخاوت‌مندی و کرامت او را افزون می‌کند؛ ای کسی که گنجینه‌های

لَهُ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، يَا مَنْ لَهُ خَزَائِنُ مَا دَقَّ

آسمان‌ها و زمین برای اوست؛ ای کسی که گنجینه‌ها و ذخیره‌گاه‌های هر چیز کوچک و بزرگ برای اوست؛

۱. سوره زمر، آیه ۵۳.

۲. کمال‌الدین، ص ۴۷۰.

وَجَلَّ، لَا تَمْنَعُكَ إِسَاءَتِي مِنْ إِحْسَانِكَ إِلَيَّ. إِنِّي أَسْأَلُكَ

(به خوبی می دانم که) بدرفتاری من، از احسان و نیکی تو به سوی من جلوگیری نمی کند. در واقع، من از تو

أَنْ تَفْعَلَ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ، وَأَنْتَ أَهْلُ الْجُودِ وَالْكَرَمِ

درخواست می کنم انچنان که شایسته و بایسته مقام توست با من رفتار کنی؛ این نیز روشن است که شایسته

وَالْعَفْوِ يَا رَبَّاهُ يَا اللَّهَ، إِفْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ، فَأَنْتَ

و بایسته مقام تو؛ سخاوت‌مندی و کرامت و عفو و بخشش است؛ پروردگارا! خدایا! آن گونه که شایسته مقام

قَادِرٌ عَلَى الْعُقُوبَةِ وَقَدْ اسْتَحَقَّقْتُهَا، لَا حُجَّةَ لِي، وَلَا

توست با من رفتار کن؛ تو می توانی مجازات کنی و من به راستی سزاوار عقوبتم هیچ حجت و دلیلی نیز ندارم

عُذْرَ لِي عِنْدَكَ، أَبُوءُ إِلَيْكَ بِذُنُوبِي كُلِّهَا، وَأَعْتَرَفُ بِهَا كَيْ

(که دفاع از خود کنم)؛ و هیچ عذر و بیانه‌ای نیز نزد تو نمی توانم بیاورم تمام گناهانم را در پیشگاهت آورده

تَعْفُو عَنِّي، وَأَنْتَ أَعْلَمُ بِهَا مِنِّي، بُوْتُ إِلَيْكَ بِكُلِّ ذَنْبٍ

به همه آنجا اعتراف می کنم به خاطر اینکه مرا عفو کنی؛ این در حالی است که تو از من بهتر می دانی چه

أَذْنَبْتُهُ، وَبِكُلِّ خَطِيئَةٍ أَخْطَأْتُهَا، وَبِكُلِّ سَيِّئَةٍ عَمَلْتُهَا، يَا

گناهانی کردم. تک تک گناهان، تک تک اشتباهات و تک تک بدرفتاری‌هایم را انجام داده‌ام، به آن اعتراف و

رَبِّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْ وَتَجَاوَزْ عَمَّا تَعْلَمُ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعَزُّ

اقرار می کنم؛ ای پروردگارا! مرا بخشش؛ رحم کن؛ بگذر از تمام چیزهایی که می دانی؛ در واقع این تویی که

الْأَكْرَمُ. ۱

عزت‌مندترین و باکرامت‌ترین هستی.

دعای سجده امام سجاد(ع) در مسجدالحرام

به نقل از حضرت بقیه الله ارواحنا فداء

(در ادامه حدیث پیشین) «ابونعیم انصاری» می‌افزاید: آن شخص برخاست و به طواف مشغول شد و ما دوباره به احترام ایشان برخاستیم. فردای آن روز و در همان وقت، دوباره تشریف آورد و ما برای استقبال از ایشان - همانند روزهای گذشته - برخاستیم و احترام کردیم؛ در میانه مجلس نشست و به راست و چپ نگاه کرد و فرمود: حضرت امام علی بن الحسین سید العابدین(ع) در سجده‌اش در این مکان - آنگاه به سوی سنگی که در طرف ناودان بود اشاره فرمود - می‌گفت:

عَبِيدُكَ بِفِنَائِكَ، [فَقِيرُكَ بِفِنَائِكَ]، مُسْكِينُكَ بِبَابِكَ،

بنده کوچکت به درگاهت آمده است؛ [نیازمندت به درگاهت آمده است]؛ بیچاره‌ات بر درت

أَسْأَلُكَ مَا لَا يَقْدِرُ عَلَيْهِ سِوَاكَ.

است؛ از تو درخواست می‌کنم آنچه را که جز تو، توان (انجام) آن را نداشته باشد.

دعای عبرات^۱

ما، در اینجا «دعای عبرات» را از کتاب «بلد الامین» مرحوم «کفعمی (ره)» نقل می‌کنیم، ایشان فرموده است:

این، دعایی بزرگ و باارزش است که از امام قائم (ع) روایت شده است و در امور مهم و مشکلات بزرگ خوانده می‌شود؛ این دعا را «دعای عبرات» نامیده‌اند. (و دعا این است):

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا رَاحِمَ الْعِبْرَاتِ، وَيَا كَاشِفَ

بارها! از تو درخواست می‌کنم ای رحم‌کننده بر قطرات اشک‌ها و ای برطرف‌کننده سوز دل‌ها!

الزَّفَرَاتِ، أَنْتَ الَّذِي تَقْشَعُ سَحَابَ الْمَحَنِ، وَقَدْ

تو کسی هستی که ابرهای محنت و اندوه را پراکنده می‌کنی در حالی که بسیار سنگین و پربار

أَمْسَتْ ثِقَالًا، وَتَجْلُو ضَبَابَ الْفِتَنِ، وَقَدْ سَحَبْتَ

شده‌اند؛ و ابرهای فتنه را در حالی که دامن بر زمین کشیده‌اند برطرف می‌کنی، و کشته آنها را

۱. از علامه حلی (ره) نقل کردیم که دعای عبرات مربوط به مولایمان حضرت امام صادق (ع) است و امام عصر (ع) به سید رضی الدین آوی (ره) دستور قرائت آن را داد. البته برخی از بزرگان گمان کرده‌اند که این دعا را از ابتدا، حضرت مهدی (ع) فرموده‌اند.

أَذْيَالًا، وَتَجْعَلُ زَرْعَهَا هَشِيمًا، وَبُنْيَانَهَا هَدِيمًا،

خشک و شکننده قرار می‌دهی، و پایه‌اش را نابود و منهدم می‌گردانی، و استخوان‌هایش را پوسیده

وَعِظَامَهَا رَمِيمًا، وَتَرُدُّ الْمَغْلُوبَ غَالِبًا، وَالْمَطْلُوبَ

می‌کنی، و شکست‌خورده را پیروز می‌گردانی، و طلب‌شده را طلب‌کننده می‌گردانی؛ و کسی را که

طَالِبًا، وَالْمَقْهُورَ قَاهِرًا، وَالْمَقْدُورَ عَلَيْهِ قَادِرًا. فَكَمْ

بر او چیره شده‌اند چیره‌شونده می‌گردانی، و کسی را که بر او توانایی و قدرت داشته‌اند، قدرتمند

مَنْ عَبْدٍ نَادَاكَ رَبِّ إِنْ مَغْلُوبٌ فَانْتَصِرْ، فَفَتَحَتْ لَهُ

می‌کنی. چه بسیار بنده‌ای که تو را نداده و عرض کرده: پروردگارا! واقعیت آن است که من شکست

مَنْ نَصْرِكَ أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مِنْهُمْ، وَفَجَّرَتْ لَهُ

خورده‌ام؛ پس، مرا یاری کن. و تو برای یاری کردنش درهای آسمان را با آبی ریزان باز کردی؛ و

مِنْ عَوْنِكَ عُيُونًا، فَالْتَقَى الْمَاءُ عَلَى أَمْرٍ قَدْ قُدِرَ،

چشمه‌هایی از مددکاری خود برای او گشود، پس آب بر امری که مقدر شده و اندازه‌گیری شده

وَحَمَلَتْهُ مِنْ كِفَايَتِكَ عَلَى ذَاتِ الْوَاحِ وَدُسُرٍ، رَبِّ

پیوست؛ و او را از کفایت خودت بر چیزی که دارای تخته‌ها و میخ‌هاست (کشتی) سوار کردی.

إِنِّي مَغْلُوبٌ فَانْتَصِرْ سه مرتبه تکرار شود.

پروردگارا! من شکست‌خورده‌ام؛ پس یاری کن.

رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَافْتَحْ لِي مِنْ

پروردگارا! بر محمد و آل محمد درود بفرست، و در یاری من درهای آسمان را با

نَصْرِكَ أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مِنْهُمْ، وَفَجَّرْ لِي مِنْ

آبی ریزان بگشا و چشمه‌هایی از مددکاری خود برای من بگشا تا ملاقات کند مایه

عَوْنِكَ عِيُونًا لِيَلْتَقِيَ مَاءُ فَرْجِي عَلَىٰ أَمْرٍ قَدْ قُدِرَ،

فرج و گشایش بر امری که تقدیر شده، مرا نیز از کفایت خودت بر چیزی که دارای

وَاحْمِلْنِي يَا رَبِّ مِنْ كَفَايَتِكَ عَلَىٰ ذَاتِ الْوَاحِ وَدُسْرٍ.

تخته‌ها و میخ‌ها است (کشتی) سوار کن. ای کسی که وقتی بنده در سبب وارد شود

يَا مَنْ إِذَا وَلَجَ الْعَبْدُ فِي لَيْلٍ مِنْ حَيْرَتِهِ يَهِيمُ، وَلَمْ

که از تحیر سرگردان گردد، و هیچ فریادرسی از دوست و خویشاوند برای

يَجِدُ لَهُ صَرِيخًا يَصْرُخُهُ مِنْ وَلِيِّ وَلَا حَمِيمٍ وَجَدًا يَا

فریادرسی اش نیابد؛ ای پروردگار؛ کمک تو را فریادرس خود می‌یابد و یار و

رَبِّ مِنْ مَعُونَتِكَ صَرِيخًا مُغِيثًا، وَوَلِيًّا يَطْلُبُهُ حَثِيثًا،

سرپرستی که شتابان او را طلب می‌کند تا او را از گرفتاری و رنجش نجات بخشد و

يُنْجِيهِ مِنْ ضَيْقِ أَمْرِهِ وَحَرَجِهِ، وَيُظْهِرُ لَهُ أَعْلَامَ

نشانه‌های گشایش و راحتی را برایش آشکار کند. بارالها؛ ای کسی که توانش

فَرْجِهِ. اللَّهُمَّ فَيَا مَنْ قُدْرَتُهُ قَاهِرَةٌ، وَآيَاتُهُ بَاهِرَةٌ،

نیرومند و پیروز، و نشانه‌هایش آشکار و روشن است، و انتقامش تمام جباران و

وَتَقْمَاتُهُ قَاصِمَةٌ لِكُلِّ جَبَّارٍ، دَامِغَةٌ لِكُلِّ كَفُورٍ خَتَّارٍ،

سرکشان را هلاک می‌کند، و هر کافر مکار و حيله‌گر را از بین می‌برد؛

صَلِّ يَا رَبِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْظِرْ إِلَيَّ يَا

بر محمد و آل محمد درود بفرست، و - ای پروردگار؛ - به من نگاه کن

رَبِّ نَظْرَةً مِنْ نَظْرَاتِكَ رَحِيمَةً، تَجْلِي بِهَا عَنِّي ظُلْمَةٌ

نگاهی از نگاه‌های پر محبت و مهترت تا برطرف شود تاریکی پایدار و

عَاكِفَةٌ مُقِيمَةٌ مِنْ عَاهَةِ جَفَّتْ مِنْهَا الضُّرُوعُ، وَتَلَفَتْ

دیرینه‌ای را که مرا گرفتار کرده است؛ از قبیل آفتی که از آن سینه‌ها بخشکد، و

مِنْهَا الزُّرُوعُ، وَأَنْهَمَلَتْ مِنْ أَجْلِهَا الدَّمُوعُ، وَأَشْتَمَلِ

کشت و زرع‌ها تباد گردد، و خاطر آن اشک‌ها سرازیر گردد، و ناامیدی بر قلب‌ها احاطه

لَهَا عَلَى الْقُلُوبِ الْيَأْسُ، وَخَرَّتْ بِسَبَبِهَا الْأَنْفَاسُ.

کند، و به سبب آن نفس‌ها بند آید. بارخدایا؛ درخت‌هایی را که با دست خدای مهربان

إِلَهِي فَحَفْظًا حَفْظًا لِفِرَائِسَ غَرْسُهَا بِيَدِ الرَّحْمَانِ،

نشانده شده، و با آب زندگی بخش آبیاری شده، و با ورود به بهشت نجات می‌یابد،

وَشُرْبُهَا مِنْ مَاءِ الْحَيَوَانِ، وَنَجَاتُهَا بِدُخُولِ الْجَنَانِ،

حفظ کن و نگه‌دار که به دست شیطان بریده نشود و با تبر او تکه تکه نشود. بار

أَنْ تَكُونَ بِيَدِ الشَّيْطَانِ تُحَزُّ، وَبِفَاسِهِ تُقَطَّعُ وَتُجَزُّ.

خدایا؛ چه کسی سزاوارتر از توست برای اینکه از حریم خود دفاع کند؟ و چه کسی

إِلَهِي فَمَنْ أَوْلَى مِنْكَ بِأَنْ يَكُونَ عَنْ حَرِيمِكَ دَافِعًا،

شایسته‌تر از توست برای اینکه حراست و نگهبانی از نزدیکان خود را بر عهده گیرد؟

وَمَنْ أَجْدَرُ مِنْكَ بِأَنْ يَكُونَ عَنْ حِمَاكَ حَارِسًا وَ

خدای من؛ کار مشکل شده است، پس آسانش گردان؛ و کارها سخت و خشن شده‌اند،

مَانِعًا. إِلَهِي إِنَّ الْأَمْرَ قَدْ هَالَ فَهَوِّنْهُ، وَخَشِّنْ فَالْتَهُ،

پس آنها را به نرمی و ملایمت بگردان؛ دل‌ها، سست و لرزان شده است، آنها را آرام

وَإِنَّ الْقُلُوبَ كَاعَتْ فَطَمِّنْهَا، وَالنُّفُوسَ ارْتَاعَتْ

گردان؛ و نفس‌ها (جان‌ها) دچار ترس و دلهره شده‌اند، پس آنها را به آرامش و سکون

فَسَكَّنَهَا. إِلَهِي إِلَهِي تَدَارِكُ أَقْدَامًا زَلَّتْ، وَ أَفْكَارًا فِي

برسان. خدایا؛ خدایا؛ قدم‌های لغزان را دریاب؛ اندیشه‌های گم شده در سرگردانی‌ها را

مَهَامَةً الْحَيْرَةَ ضَلَّتْ، بَانَ رَأَتْ جَبْرَكَ عَلَى كَسِيرِهَا،

دریاب که ببینند شکست‌شان را جبران کرده‌ای، و اسیران‌شان را آزاد کرده‌ای، و

وَإِطْلَاقَكَ لِأَسِيرِهَا، وَإِجَارَتَكَ لِمُسْتَجِيرِهَا أَجْحَفَ

پناه‌جویان‌شان را پناه ده، که بیچارگی بیش از توان و طاقت به خسارت دیده ضرر وارد

الضَّرُّ بِالْمَضْرُورِ، وَلَبَّيْ دَاعِيهِ بِالْوَيْلِ وَالثُّبُورِ. فَهَلْ

کرده، و فراخوان خود را با وای و ناله پاسخ داده. ای مولای من؛ آیا از عدل تو نیکو

يَحْسُنُ مِنْ عَدْلِكَ يَا مَوْلَايَ أَنْ تَدَعَهُ فَرِيْسَةَ الْبَلَاءِ

است کسی را که به تو امیدوار است طعمهٔ بلا گردانی؟! یا از فضل تو زیباست کسی را

وَهُوَ لَكَ رَاجٍ، أَمْ هَلْ يَجْمَلُ مِنْ فَضْلِكَ أَنْ يَخُوضَ

که به تو پناهنده شده است در گرداب غم و غصه فرو رود؟! ای مولای من؛ اگر چه من

لُجَّةَ الْغَمِّاءِ وَهُوَ إِلَيْكَ لَاجٍ. مَوْلَايَ لئن كُنْتُ لَا أَشُقُّ

برای رعایت پرهیزگاری و تقوا بر خود سخت نگرفته‌ام، و آنچنان که موجب رضایت تو

عَلَى نَفْسِي فِي التَّقْيِ، وَلَا أَبْلُغُ فِي حَمْلِ أَعْبَاءِ

شود به فرمان برداریت نیرداخته‌ام، و در زمرهٔ گروهی درنیامده‌ام که دنیا را رها کرده‌اند

الطَّاعَةِ مَبْلَغِ الرِّضَى، وَلَا أَنْتَظِمُ فِي سِلْكِ قَوْمِ رَفَضُوا

و در نتیجه شکم‌های‌شان از گرسنگی تو رفته است و از تشنگی لب‌هایشان خشک

الدُّنْيَا فَهَمْ حُمَصُ الْبُطُونِ مِنَ الطَّوِيِّ، ذُبُلِ الشِّفَاهِ مِنَ

شده است و چشمان‌شان از گریه رنجور شده است؛ (بلکه) در عمل و رفتارهای دینی

الظَّمَاءِ، وَعُمَشُ الْعُيُونِ مِنَ الْبُكَاءِ، بَلْ أَتَيْتُكَ بِضَعْفٍ

ضعیف بودام، و بستم از بار گناهان و لغزش‌ها سنگین شده، و روانم را به راحتی و

مِنَ الْعَمَلِ، وَظَهَرَ ثَقِيلٌ بِالْخَطَايَا وَالزَّلَلِ، وَنَفْسٍ

خوشی عادت داده‌ام، و تسلیم انگیزه‌های شهوت هستم، با این وجود، ای پروردگار من؛

لِلرَّاحَةِ مُعْتَادَةً، وَلِدَوَاعِيَ الشَّهْوَةِ مُنْقَادَةً. أَمَا يَكْفِينِي

آیا از جهت وسیله و واسطه و سبب که به سوی تو راه پیدا کنم کافی نیست که من،

يَا رَبِّ وَسِيْلَةً إِلَيْكَ، وَذَرِيْعَةً لَدَيْكَ، أَنِّي لِأَوْلِيَاءِ

ارادتمند اولیا و سرپرستان دینت هستم، و در دوستی‌شان سعی فراوان می‌کنم، و

دِينِكَ مُوَالٍ، وَفِي مَحَبَّتِهِمْ مُغَالٍ، وَلَجَلْبَابِ الْبَلَاءِ

لباس بلا را در مورد ایشان بر تن می‌کنم. و کتاب تحمل سختی را به سبب آنان

فِيهِمْ لَا بَسَّ، وَ لِكِتَابِ تَحْمُلِ الْعَنَاءِ بِهِمْ دَارِسٌ. أَمَا

فراگیرنده‌ام. آیا برایم بس نیست که به خاطر آن بزرگواران مظلوم واقع شده‌ام، و

يَكْفِينِي أَنْ أَرْوَحَ فِيهِمْ مَظْلُومًا، وَأَعْدُوَ مَكْظُومًا،

سکوت کرده‌ام و خشم خود را بازداشته‌ام، و پیوسته گرفتار اندوه هستم؟ و از شدت

وَأَقْضِي بَعْدَ هُمُومٍ هُمُومًا، وَبَعْدَ وَجُومٍ وَجُومًا، أَمَا

ترس پیوسته گرفتار خاموشی‌ام؟ ای مولای من؛ آیا این باعث نمی‌شود که برای من

عِنْدَكَ يَا مَوْلَايَ بِهَذِهِ حُرْمَةٌ لَا تُضَيِّعُ، وَذِمَّةٌ بَادِنَاهَا

حرمتی باشد که ضایع نشود و تباد نگردد، و باعث حقی شود که هر چند

تُقْتَنَعُ، فَلِمَ لَا تَمْنَعُنِي يَا رَبِّ وَهَا أَنَا ذَا غَرِيقٍ،

کم باشد ولی نجات‌بخش است؟ ای پروردگار من؛ می‌بینی که من غرق شده‌ام

وَتَدْعُنِي هَكَذَا وَأَنَا بِنَارِ عَدُوِّكَ حَرِيقٌ. مَوْلَايَ

بس چرا از غرق شدن نگاهم نمی‌داری؟ می‌بینی که با آتشی که دشمنانت افروخته است آتش

أَتَجْعَلُ أَوْلِيَاءَكَ لِأَعْدَاءِكَ طِرَائِدًا، وَلِمَكْرِهِمْ مَصَائِدًا،

گرفته‌ام. (بس چرا مرا این‌گونه رها می‌کنی؟) مولا ای من؛ آیا دوستانت را جلوی دشمنانت می‌اندازی؟

وَتُقَلِّدُهُمْ مِنْ خَسْفِهِمْ قَلَائِدًا، وَأَنْتَ مَالِكٌ نَفْسِهِمْ، أَنْ

و آنها را گرفتار مکر و حيله‌شان قرار می‌دهی؟ و از خواری و فرومایگی آنان، حلقه‌ای بر گردن ایشان

لَوْ قَبَضْتُهَا جَمَدُوا، وَفِي قَبْضَتِكَ مَوَادُّ أَنْفُسِهِمْ، أَنْ لَوْ

می‌افکنی؟ در حالی که صاحب اختیار جان همه‌شان تویی، به گونه‌ای که اگر جانشان را بگیری

قَطَعْتَهَا خَمَدُوا، فَمَا يَمْنَعُكَ يَا رَبُّ أَنْ تَكْفُ بِأَسْهُمِ

جماد و بی‌جان می‌گردند؛ از طرفی مایه نفس کشیدن‌شان در دست توست، و اگر آن را قطع کنی

وَتَنْزِعَ عَنْهُمْ مِنْ حِفْظِكَ لِبَاسَهُمْ، وَتُعَرِّيَهُمْ مِنْ سَلَامَةِ

می‌میرند؛ پس - پروردگار من؛ - چه چیزی مانع جلوگیری تو از بدرفتاری آنهاست، تا لباس نگرهبانی

بِهَا فِي أَرْضِكَ يَسْرَحُونَ، وَفِي مَيْدَانِ الْبَغْيِ عَلَيَّ

خودت را از تنشان بیرون کنی، و سلامتی را که به واسطه آن در زمین تو می‌گردند از آنها بگیری؛

عِبَادِكَ يَمْرَحُونَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

همان سلامتی که به واسطه آن در میدان تجاوز و ستم بر بندگانت با تکبر و خودپسندی راه

وَأَذْرِكُنِي وَلَمَّا يُدْرِكُنِي الْغَرَقُ، وَتَدَارِكُنِي وَلَمَّا غِيبَ

می‌روند؟! بارالها! بر محمد و آل محمد درود فرست، و مرا دریا بیا تا غرق نشدم؛ پیش از آنکه

شَمْسِي الشَّفَقُ، إِلَهِي كَمْ مِنْ خَائِفٍ إِلْتَجَىٰ إِلَىٰ

خورشید عمرم غروب شود و غروب زندگانیم فرا رسد مرا تدارک کن. خدای من؛ چه

سُلْطَانٍ فَآبَ عَنْهُ مَحْفُوظًا بِأَمْنٍ وَأَمَانٍ، أَفَأَقْصُدُ يَا

بسیار ترسان‌هایی که به پادشاهیم بناه برده‌اند و با امانت و ایمنی از پیش آن پادشاه

رَبِّ أَعْظَمَ مِنْ سُلْطَانِكَ سُلْطَانًا، أَمْ أَوْسَعَ مِنْ

بزرگ‌تند؛ پروردگار من؛ آیا با عظمت‌تر از سلطنت و قدرت تو سلطانی هست که به طرف

إِحْسَانِكَ إِحْسَانًا، أَمْ أَكْبَرَ مِنْ اقْتِدَارِكَ اقْتِدَارًا، أَمْ

او بروم؟ آیا از احسان تو احسانی فراگیرتر هست؟ آیا از اقتدار تو اقتداری بزرگ‌تر هست؟

أَكْرَمَ مِنْ انْتِصَارِكَ انْتِصَارًا، مَا عُذْرِي يَا إِلَهِي إِذَا

آیا از یاری رساندن تو یاری رساندنی گرامی‌تر هست؟ خدای من؛ اگر تو کسی را که

حَرَمْتَ مِنْ حُسْنِ الْكِرَامَةِ نَأْتِيكَ، وَأَنْتَ الَّذِي

نزدت آمده است از رفتار بزرگوارانه و نیکویت محروم گردانی دیگر من چه عذری دارم؟

لَا تُخَيِّبُ الْمَلِكَ، وَلَا تُرَدُّ سَأَلُكَ. إِلَهِي إِلَهِي أَيْنَ أَيْنَ

البته تو هیچ‌گاه آرزومندت را ناامید و درخواست‌کننده‌ات را رد نمی‌کنی. خدای من؛

كِفَايَتِكَ الَّتِي هِيَ نُصْرَةُ الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الْأَنْامِ، وَأَيْنَ

خدای من؛ کجاست، کجاست کفایت و بسندگی تو که یاری‌گر مردم مستضعف است؟

أَيْنَ عِنَايَتِكَ الَّتِي هِيَ جُنَّةُ الْمُسْتَهْدَفِينَ بِجَوْرِ الْأَيَّامِ،

کجاست، کجاست عنایت و توجه تو که سپری نگهبان برای کسانی است که هدف جور و

إِلَى إِلَهِي بِهَا يَا رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ، إِنِّي

ستم‌روزگار قرار می‌گیرند؟ آن را به من بده، آن را به من بده، ای پروردگار من؛ از گروه

مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ. مَوْلَايَ تَرَى

ستم‌پیشگان نجاتم بخش؛ واقعیت آن است که من بیچاره‌ام، و این در حالی است که تو

تَحْيُرِي فِي أَمْرِي، وَتَقْلِبِي فِي ضُرِّي، وَأَنْطَوَايَ عَلَيَّ

مهربان‌ترین مهربانان هستی. مولای من؛ سرگردانی مرا در کارهایم می‌بینی، و دست و پا

حُرْقَةَ قَلْبِي، وَحَرَارَةَ صَدْرِي، فَصَلِّ يَا رَبُّ عَلَيَّ

زدن در گرفتاری و بیچارگی‌ام را می‌نگری، و قلب سوخته و آتش گرفته، و گداختگی

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَجُدِّ لِي يَا رَبُّ بِمَا أَنْتَ أَهْلُهُ

سینه مرا شاهد هستی؛ پس، بر محمد و آل محمد درود بفرست، و - ای پروردگار! -

فَرَجًا وَمَخْرَجًا، وَيَسِّرْ لِي يَا رَبُّ نَحْوَ الْبُشْرَى مِنْهَا،

آن‌گونه که تو شایسته آن هستی برایم گشایشی و گریزگاهی مرحمت کن، و - ای

وَاجْعَلْ يَا رَبُّ مَنْ يَنْصُبُ لِي الْحَبَالَةَ لِيَصْرَعَنِي بِهَا

پروردگار من! - راهی روشن به شادمانی فرارویم بگشای و رسیدن به آن را برایم آسان

صَرِيحَ مَأْمُورٍ، وَمَنْ يَخْفِرُ لِي الْبُئْرَ لِيُوقِعَنِي فِيهَا وَاقِعًا

کن، ای پروردگار! هر کسی برایم دامی می‌افکند تا با حيله‌اش مرا در آن بیندازد، خودش

فِيمَا حَفَرَ، وَاصْرِفِ اللَّهُمَّ عَنِّي مِنْ شَرِّهِ وَمَكْرِهِ

را گرفتار دام و حيله‌اش گردان؛ هر کس برایم چاهی می‌کند تا مرا در آن بیندازد، خود را

وَفَسَادَهُ وَضُرَّهُ، مَا تَصْرِفُهُ عَنِ الْقَوْمِ الْمُتَّقِينَ، وَعَمَّنْ

در آن چاه بیندازد، خدایا! شر و مکر و حيله و تباهی و ضرر و زیانش را از من برطرف کن،

قَادَ نَفْسَهُ لِدِينِ الدِّيَانِ، وَمُنَادٍ يُنَادِي لِلْإِيمَانِ. إِلَهِي

آنچنان که از پرهیزگاران برطرف می‌کنی؛ و از کسانی که خویشان را تسلیم محض دین و

عَبْدُكَ عَبْدُكَ أَجِبْ دَعْوَتَهُ، ضَعِيفُكَ ضَعِيفُكَ فَرَجٌ

تسلیم منادی ایمان کرده است، برطرف می‌کنی. خدای من؛ بنده‌ات؛ بنده‌ات؛ خواهشش

غُمَّتَهُ، فَقَدْ انْقَطَعَ بِهِ كُلُّ حَبْلٍ إِلَّا حَبْلَكَ، وَتَقَلَّبَ عَنْهُ

را پاسخ بده، ضعیفت، ناتوانت؛ اندوهش را برطرف کن. هر دستاویزی جز رشته اتصال تو

كُلِّ ظِلٍّ إِلَّا ظِلَّكَ. مَوْلَايَ دَعْوَتِي هَذِهِ إِنْ رَدَدْتَهَا

را از دست داده است، و جز سایه رحمت تو هر سایه‌ای از سرش رفته است. مولای من؛

أَيْنَ تُضَادِفُ مَوْضِعَ الإِجَابَةِ، وَمَخِيلَتِي هَذِهِ إِنْ

اگر این خواهش و دعایم را رد کنی، پس در کجا به هدف اجابت برسد؟ این خوش گمانی

كَذَّبْتَهَا أَيْنَ تُتَلَقَّى مَوْضِعَ الإِعَانَةِ، فَلَا تُرَدُّ عَنْ بَابِكَ

مرا اگر راست مگردانی در کجا به جایگاه کمک خواهد رسید؟ پس کسی که جز درگاه تو

مَنْ لَا يَعْلَمُ غَيْرَهُ بَابًا، وَلَا تَمْنَعُ دُونَ جَنَابِكَ مَنْ لَا

دری را بلد نیست، هیچ گاه از درگاهت بر مگردان؛ و کسی که جز آستان حضرت تو سراغ

يَعْلَمُ سِوَاهُ جَنَابًا. سَبِّسْ بِهِ سَجْدَةً بَرُّوْا وَ بَكُّوْا: إِلَهِي إِنْ

ندارد، از آستان سخاوت مندت محروم نفرما. معبود من؛

وَجْهًا إِلَيْكَ فِي رَغْبَتِهِ تَوَجَّهَ خَلِيقٌ بِأَنْ تُجِيبَهُ، وَإِنْ

اعتقاد بر این است، رویی که با اشتیاق به سوی تو آمده است سزاوار پاسخ مثبت توست؛

جَبِينَا لَكَ بِابْتِهَالِهِ سَجَدَ حَقِيقٌ أَنْ يُبْلَغَ مَا قَصَدَ، وَإِنْ

و آن پیشانی که با نهایت تضرع و زاری در برابرت سجده کرده شایسته است به نیت و

خَدًّا لَدَيْكَ بِمَسْئَلَتِهِ تَعَفَّرَ جَدِيرٌ أَنْ يُفُوزَ بِمُرَادِهِ

مقصودش برسد؛ و گونه‌ای که به خاطر درخواستش، در پیشگاه تو خود را به خاک

وَيَظْفَرُ، وَهَا أَنَا ذَا يَا إِلَهِي قَدْ تَرَى تَعْفِيرَ خَدِّي

مالیده، لایق آن است که با دستیابی به آنچه اراده کرده کامیاب و پیروز شود؛ ای خدای

وَاجْتِهَادِي فِي مَسْئَلَتِكَ وَجِدِّي، فَتَلَقَّ يَا رَبِّ

من؛ این منم که می بینی گونه‌ام را بر خاک نهاده‌ام و تلاش و کوشش‌م را برای درخواست

رَغْبَاتِي بِرَحْمَتِكَ قَبُولًا، وَسَهْلًا إِلَى طَلِبَاتِي بِرَأْفَتِكَ

از تو، به کار بردم. ای پروردگار من؛ به خاطر رحمت و مهربانیت آنچه را مشتاق هستم

وَصُورًا، وَذَلَّلَ قُطُوفَ ثَمَرَةِ إِجَابَتِكَ لِي تَذَلِيلًا. إِلَهِي

بپذیر، و مرا با رأفت و مهربانی ویزدات، به آسانی به آنچه خواستم برسان؛ و چیدن میوه

فَإِذَا قَامَ ذُو حَاجَةٍ بِحَاجَتِهِ شَفِيعًا، فَوَجَدَتْهُ مُمْتَنِعًا

اجابت را برایم فراهم گردان. معبود من؛ هنگامی که حاجت‌خواهی برای حاجت و

النَّجَاحِ سَهْلَ الْقِيَادِ مُطِيعًا، فَإِنِّي أَسْتَشْفَعُ إِلَيْكَ

خواست‌های شفاعتی معرفی می‌کند، پس می‌یابی که رستگاریش ممتنع است کسی که به

بِكِرَامَتِكَ، وَالصَّفْوَةِ مِنْ أُنَامِكَ الَّذِينَ أَنْشَأَتْ لَهُمْ مَا

آسانی منقاد و مطیع می‌گردد، من نیز کرامت و بزرگواریت را، و برگزیدگان از بین مردم

تُظَلُّ وَتُثَقِّلُ، وَبَرَاتٍ مَا يَدُقُّ وَيَجِلُّ. أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِأَوَّلِ

را شفیع می‌گردانم؛ همان‌هایی که هر آنچه سایه می‌افکند و هر چیز کوچک و بزرگ را

مَنْ تَوَجَّهَتْهُ تَاجَ الْجَلَالَةِ، وَأَحْلَلَتْهُ مِنَ الْفِطْرَةِ

برای‌شان خلق کرده‌ای. به تو تقرب می‌جویم به واسطهٔ اوّل شخصیتی که تاج شکوه‌مندی

الرُّوحَانِيَّةِ مَحَلَّ السُّلَالَةِ، حُجَّتِكَ فِي خَلْقِكَ، وَأَمِينِكَ

را بر سرش نهاده‌ای، و فطرت و سرشت روحانیت را برایش قرار دادی؛ یعنی حجت و دلیل

عَلَى عِبَادِكَ، مُحَمَّدٌ رَسُولُكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ،

اشکار تو در آفریدگان، و امین تو بر بندگان، حضرت محمد، فرستاده‌ات را - که درود

وَبِمَنْ جَعَلْتَهُ نُورَهُ مُغْرَبًا، وَعَنْ مَكْنُونِ سِرِّهِ مُغْرَبًا،

خدا بر او و آل او باد - شفیع گردانیدم. هم چنین شفیع خود را کسی قرار دادم که برای

سَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ وَ إِمَامِ الْأَتْقِيَاءِ، يَعْسُوبِ الدِّينِ،

نور پیامبر (ص) بگناه است؛ و کسی که راز پوشیده آن حضرت را به گونه‌ای فصیح بیان

وَقَائِدِ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ، وَأَبِي الْأَيْمَةِ الرَّاشِدِينَ عَلِيٍّ

کرد؛ یعنی، سالار و سرور جانشینان، و پیشوای پرهیزکاران، پادشاه دین، و زمامدار

أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ. وَأَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِخَيْرَةِ

روسفیدان، و بدر امامان رشید درست کار، حضرت علی امیر مؤمنان - که بر او درود و

الْأَخْيَارِ، وَأُمِّ الْأَنْوَارِ، الْإِنْسِيَّةِ الْحَوْرَاءِ، الْبَتُولِ

سلام باد - نیز به تو تقرب می جویم به واسطه شفیع قرار دادن بهترین نیکان به اصل و

الْعَذْرَاءِ، فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، وَبُقَرَّتِي عَيْنِ الرَّسُولِ،

اساس نورها، حوریه انسان نما، بتول پاک پاک، حضرت فاطمه زهرا (س). همچنین با

وَتَمَرَّتِي فُوَادِ الْبَتُولِ، السَّيِّدِينَ الْإِمَامِينَ أَبِي مُحَمَّدٍ

شفیع قرار دادن دو نور دیده رسول، دو میوه قلب حضرت زهرا (س) بتول، یعنی دو آقا و دو

الْحَسَنِ وَأَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ، وَبِالسَّجَادِ زَيْنِ الْعِبَادِ،

امام حضرت ابومحمد حسن و حضرت ابوعبدالله امام حسین (ع)، و نیز با شفیع قرار دادن

ذِي الثَّنَاتِ، رَاهِبِ الْعَرَبِ، عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ.

حضرت سجاد (ع)، زینت عبادت کنندگان، صاحب بینهما (در سجده گاهها)، راهب در میان

وَبِالْإِمَامِ الْعَالِمِ، وَالسَّيِّدِ الْحَاكِمِ، النُّجْمِ الزَّاهِرِ، وَالْقَمَرِ

قوم عرب، یعنی علی بن الحسین (ع) و نیز با امام و پیشوای دانشمند، آقای حکم کننده،

الْبَاهِرِ مَوْلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ، وَبِالْإِمَامِ

ستاره درخشنده، ماز روشن و زیباروی، مولای من حضرت محمد بن علی امام باقر (ع)؛ و

الصَّادِقِ، مُبَيِّنِ الْمَشْكَلاتِ، مُظْهِرِ الْحَقَائِقِ، الْمُفْهِمِ

نیز با امام راستگو که بیان کننده مسائل مشکل، آشکار کننده حقیقتها، کسی که با

بِحُجَّتِهِ كُلِّ نَاطِقٍ، مُخْرِسِ أَسْنَةِ أَهْلِ الْجِدَالِ،

حجت و دلیلش هر گویندهای را ساکت و خاموش می کند، و زبان کسانی را که به جدال

مَسَاكِنِ الشَّقَاشِقِ مَوْلَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ،

و ستیزه برمی خواستند لال می کرد، کسی که بهترین جایگاهها را داشت یعنی حضرت

وَ بِالْإِمَامِ التَّقِيِّ وَالْمُخْلِصِ الصَّفِيِّ، وَالنُّورِ الْأَحْمَدِيِّ،

امام جعفر بن محمد صادق (ع)، همچنین یا شفیع قرار دادن امام پرهیزگار باخلاص

النُّورِ الْأَنْوَرِ، وَالضِّيَاءِ الْأَزْهَرِ مَوْلَى مُوسَى بْنِ

برگزیده، نور احمدی، روشنی روشنیها، پرتو درخشنده، مولایم حضرت موسی بن

جَعْفَرِ، وَ بِالْإِمَامِ الْمُرْتَضَى، وَالسَّيْفِ الْمُنتَضَى،

جعفر (ع)؛ نیز به واسطه امام برگزیده شده، شمشیر کشیده از نیام، کسی که به حکم و

وَالرَّاضِي بِالْقَضَا مَوْلَى عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرَّضَا،

قاضای الهی راضی است یعنی مولایم حضرت علی بن موسی الرضا (ع) و نیز به واسطه امام

وَ بِالْإِمَامِ الْأَمْجَدِ، وَالْبَابِ الْأَقْصَدِ، وَالطَّرِيقِ الْأَرْشَدِ،

بزرگ، بهترین باب الهی که مورد توجه و قصد و هدف است، بهترین راه به سوی رشد و

وَالْعَالِمِ الْمُؤَيَّدِ، يَنْبُوعِ الْحَكَمِ، وَمَصْبَاحِ الظُّلْمِ، سَيِّدِ

کمال و هدایت، دانشمند مورد تأیید، سرچشمه حکمتها، چراغ تاریکیها، آقا و سرور

العَرَبِ وَالْعَجَمِ، الْهَادِي إِلَى الرَّشَادِ، وَالْمُوفِّقُ بِالتَّائِيدِ

عرب و عجم، هدایت کننده به سوی راه درست، و کسی که با تائید و موفقیت و راستی و

وَالسُّدَادِ مَوْلَايَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْجَوَادِ، وَبِالإِمَامِ

درستی و استواری زندگی کرد یعنی مولایم حضرت محمد بن علی الجواد(ع)، نیز با

مِنْحَةِ الْجَبَّارِ، وَوَالِدِ الأُمَّةِ الأَطْهَارِ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ

شفیع قرار دادن امام بزرگوار، هدیه الهی، پدر امامان پاک، حضرت علی بن محمد که در

المَوْلُودِ بِالْعَسْكَرِ، الَّذِي حَذَرَ بِمَوَاعِظِهِ وَانذَرَ،

لشکرگاه دشمن به دنیا آمد، و با بند و اندرزهای خود بیم داد و ترسانید؛ نیز به واسطه

وَبِالإِمَامِ المُنَزَّهِ عَنِ المَآثِمِ، المُطَهَّرِ مِنَ المَظَالِمِ، الحَبْرِ

امام منزّه و پاک از بدیها، به دور از ستمها، دانشمند کامل، بهار دل مردمان، ماه

العَالِمِ، رَبِيعِ الأَنْامِ، وَبَدْرِ الظُّلَامِ، التَّقِيِّ النَّقِيِّ الطَّاهِرِ

روشنی بخش تاریکیها، پرهیزگار پاکیزه پاک خالص، مولایم حضرت امام ابومحمد حسن

الزَّكِيِّ، مَوْلَايَ أَبِي مُحَمَّدِ الحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ العَسْكَرِيِّ،

بن علی عسکری؛ به سوی تو نزدیک می شوم و تقرب می جویم. همچنین به واسطه کسی

وَأَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِالحَفِيظِ العَلِيمِ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلِيًّا

که او را نگهبان و دانای گنجینهها و پنهانیهای زمین خود قرار دادی، و او را پدری

خَزَائِنِ الأَرْضِ وَالْأَبِ الرَّحِيمِ الَّذِي مَلَكَتْهُ أَرْمَةٌ

مهربان قرار دادی و زمام هر گشایش و بستگی را در اختیارش گذاشتی؛ صاحب پیشوایی

البَسْطِ وَالْقَبْضِ، صَاحِبِ النَّقِيَّةِ المَيْمُونَةِ، وَقَاصِفِ

و ریاست مبارک، برکننده درخت لعنت شده (بنی امیه)، سخن گوی در گهواره با مردمان،

الشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ، مُكَلِّمِ النَّاسِ فِي الْمَهْدِ، وَالِدَالِ

راحمنا به راه روشن کمال و درستی، پنهان از دیدگان، کسی که همیشه در شهرها حضور

عَلَى مِنْهَا جِ الرَّشْدِ، الْغَائِبِ عَنِ الْأَبْصَارِ، الْحَاضِرِ فِي

دایه ولی از چشم مردم پنهان می باشد؛ لیکن در اندیشه ها حضور دارد، باقی مانده

الْأَمْصَارِ، الْغَائِبِ عَنِ الْعُيُونِ، الْحَاضِرِ فِي الْأَفْكَارِ،

نیکوکاران، ارث برنده ذوالفقار، که در خانه خدا - که صاحب پرده ها است - ظهور می فرماید،

بَقِيَّةِ الْأَخْيَارِ، الْوَارِثِ لَذِي الْفُقَارِ، الَّذِي يَظْهَرُ فِي

دانشمند پاک و پاکیزه، حضرت محمد فرزند حسن، که بر تمام آن بزرگواران برترین

بَيْتِ اللَّهِ ذِي الْأَسْتَارِ، الْعَالِمِ الْمُطَهَّرِ، مُحَمَّدِ بْنِ

و بافضیلت ترین برکت ها و تحیت ها و کامل ترین درودها نثار باد، بار خدایا؛ این عزیزان پناه گاه

الْحَسَنِ عَلَيْهِمْ أَفْضَلُ التَّحِيَّاتِ وَأَعْظَمُ الْبَرَكَاتِ، وَأَتَمُّ

و وسیله من برای عرضه درخواست هایم در محضر تو هستند؛ پس درودی نثارشان کن که

الصَّلَوَاتِ. اللَّهُمَّ فَهَوْلَاءِ مَعَاقِلِي إِلَيْكَ فِي طَلِبَاتِي

مقدارهایش را جز تو نداند، و هر چه مردم با همت های بسیار بالا تلاش کنند نتوانند به

وَوَسَائِلِي، فَصَلْ عَلَيْهِمْ صَلَوةً لَا يَعْرِفُ سِوَاكَ

کوچک ترین مقدار درودهایت برسند. از طرفی نیز به واسطه ایشان نیکترین گمان هایم را

مَقَادِيرَهُ، وَلَا يَبْلُغُ كَثِيرُهُمْ الْخَلَائِقِ صَغِيرَهَا، وَكُنْ

برآورده، و آرزوهایم را محقق گردان. خدای من؛ رکن و پایه و جایگاهی محکم تر از تو

لِي بِهِمْ عِنْدَ أَحْسَنِ ظَنِّي، وَحَقِّقْ لِي بِمَقَادِيرِكَ تَهَيِّئَةً

ندارم، پس به این پایگاه و جایگاه محکم پناهنده می شوم؛ گفتاری نیک تر و استوارتر از

التَّمَنَّى. إِلَهِي لَا رُكْنَ لِي أَشَدُّ مِنْكَ، فَأَوِي إِلَى رُكْنِ

خواندن تو ندارم. پس با بهترین گفتار از تو کمک می‌جویم؛ و شفیع و واسطه‌ای آبرومندتر

شدید، وَلَا قَوْلَ لِي أَسَدُّ مِنْ دُعَائِكَ، فَأَسْتَظْهِرُكَ بِقَوْلِ

از این بزرگواران (محمد و آل محمد ص) ندارم، پس با واسطه‌ای دوست داشتنی نزدت

سَدِيدٍ، وَلَا شَفِيعَ لِي إِلَيْكَ أَوْجَهُ مِنْ هَؤُلَاءِ فَاتِيكَ

می‌آیم؛ حال به سوی تو پناه آورده‌ام، و برای برآوردن خواسته‌هایم به تو اعتماد کرده‌ام، و

بِشَفِيعٍ وَدِيدٍ، وَقَدْ أَوَيْتُ إِلَيْكَ، وَعَوَّلْتُ فِي قَضَاءِ

همان‌گونه که دستور داده‌ای تو را خواندم؛ پس دعایم را نیز طبق وعده‌ات پاسخ مثبت بده.

حَوَائِجِي عَلَيْكَ، وَدَعَوْتُكَ كَمَا أَمَرْتِ، فَاسْتَجِبْ لِي

ای پروردگار من؛ آیا با این شرایط، جز پاسخ‌گویی به خواسته من و جز رحم کردن به گریه

كَمَا وَعَدْتِ، فَهَلْ بَقِيَ يَا رَبِّ غَيْرَ أَنْ تُجِيبَ وَتَرْحَمَ

و ناله‌های جانسوز من، کار دیگری باقی مانده است؟! ای کسی که جز او معبود پرستش

مِنِّي الْبُكَاءَ وَالنَّحِيبَ. يَا مَنْ لَا إِلَهَ سِوَاهُ، يَا مَنْ يُجِيبُ

شونددای نیست؛ ای کسی که پاسخ شخص درمانده که او را می‌خواند، می‌دهد؛ ای کسی

الْمُضْطَّرَّ إِذَا دَعَا، يَا كَاشِفَ ضُرِّ أَيُّوبَ، يَا رَاحِمَ عَبْرَةَ

که بیماری و گرفتاری حضرت ایوب را برطرف فرمود؛ ای کسی که به اشک‌های چشم

يَعْقُوبَ، إِغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي، وَأَنْصُرْنِي عَلَى الْقَوْمِ

یعقوب پیامبر رحم کرد؛ مرا ببخش و به من رحم کن، و مرا بر گروه کافران یاری ده؛ و

الْكَافِرِينَ، وَأَفْتَحْ لِي وَأَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ، وَالطَّفُّ بِي

برایم پیروزی عنایت فرما که تو بهترین پیروزکنندگان هستی. ای پروردگار من؛ به من

يَا رَبِّ وَبِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، يَا ذَا الْقُوَّةِ

لَطِيفٍ وَرَحِيمٍ كُنْ، وَبِهِ تَمَامُ مَرَدَانِ وَزَنَانِ مُؤْمِنِ نِيز لَطِيفِ فَرَمَا. اِي صَاحِبِ نِيْرُوِي مُحْكَمِ

الْمَتِينِ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ

بِارْحَمَتِ وَ مِهْرْبَانِيْسْتِ اِي مِهْرْبَانِ تَرِيْنِ مِهْرْبَانَانِ؛ وَ تَمَامِ سَسْتَايِشِ هَا اِخْتِصَاصِ بِيْ خَدَاوَنْدِ -

الْعَالَمِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَاللَّهِ

بِيْرُوْدْگَارِ جِهَانِيَانِ - دَارِد. وَ دِرُوْدِ خَدَاوَنْدِ بِيْ سِرُوْرِ وَ سَيِّدِ مَا حَضْرَتِ مُحَمَّدِ (ص) بِيَامْبِرِ خَدَا

الطاهرين.

و خاندان پاکش نثار باد.

بخش دهم

زیارات

استحباب زیارت حضرت بقیة الله (ع) در هر زمان و مکان
 «علامة مجلسی (ره)» می فرماید: زیارت حضرت بقیة الله (ع)
 همیشه و در همه جا مستحب است و در سرداب مقدس (سامراء) و
 نزد قبرهای اجداد پاکش (ع)، از فضیلت و ارزش بیشتری برخوردار
 است.

نیز در زمان‌های شریف به خصوص شب میلادش یعنی نیمه
 شعبان (بنا بر صحیح‌ترین روایات) و شب قدر (که فرشتگان و روح
 در آن شب نزد آن حضرت می آیند) مناسبت بیشتری دارد.^۱
 در اینجا روایتی را که این مطلب از آن استفاده می شود، نقل
 می کنیم:

«سلیمان بن عیسی» از پدرش روایت می کند که گفت:

۱. بحار الأنوار، ج ۱۰۲، ص ۱۱۹.

به امام صادق (ع) عرض کردم: هنگامی که نتوانم به زیارت شما
بیایم و نزدتان حاضر شوم، چگونه شما را زیارت کنم؟
حضرت فرمود:

ای عیسی، هنگامی که نتوانستی نزدم بیایی، در روز جمعه غسل
کن یا وضو بگیر و بر پشت بام خانه‌ات برو و دو رکعت نماز بخوان
و به طرف من توجه کن (و زیارت بخوان)؛ زیرا هر کس در زمان
زندگانیم مرا زیارت کند، گویا پس از رحلتم مرا زیارت کرده است و
هر کس پس از وفاتم مرا زیارت کند گویا در زمان زندگانیم زیارتم
نموده است.

بیان و توضیح مطلب: این خبر دلالت دارد بر اینکه زیارت امام
زنده نیز به این شکل جایز است. لذا، این سند و دلیلی می‌باشد بر
اینکه در هر مکانی هر کس خواست امام قائم (ع) را زیارت کند، رو
به سوی سرداب مقدس کند و آن حضرت را زیارت نماید.^۱

شیخ بزرگوار جناب «کفعمی» می‌فرماید: مستحب است در هر
مکان و زمانی، امام مهدی (ع) زیارت شود و برای تعجیل و سرعت

۱. بحار الأنوار، ج ۱۰۱، ص ۳۶۶.

تشکر می‌کنیم.^۱

بنابراین، اکنون که شیعیان در دوران غیبت امام زمان (ع) در هجران آن بزرگوار به سر می‌برند و در عصر حضور و ظهور حضرتش نیستند و نمی‌توانند همیشه در مکان‌های مقدّسی که مربوط به آن بزرگوار است مانند سرداب مقدّس، مسجد کوفه، مسجد سهله و مسجد جمکران و... شرفیاب شوند؛ می‌توانند این کمبود و خسارت را با اهدای ثواب زیارت اماکن مقدّسه دیگر به آن حضرت جبران کنند و همچنین با خواندن زیارت‌های آن بزرگوار در حرم و زیارتگاهی که هستند به تقرب خود، نزد خداوند مهربان بیفزایند و عنایات آن حضرت را به سوی خود جلب نمایند.

تاکنون افراد بسیاری از دوستان خاندان وحی در سرداب مقدّس و همچنین اماکن مقدّسه دیگر، مورد عنایت امام زمان (ع) قرار گرفته‌اند که در کتاب‌های متعدّد ذکر شده و نمونه‌هایی از آنها را در این کتاب نقل کرده‌ایم.

۱. مفتاح الجنّات، ج ۱، ص ۵۳۱.

زیارت آل یس

شیخ بزرگوار جناب «طبرسی (ره)» در کتاب «الإحتجاج» می گوید:
از ناحیه مقدسه حضرت مهدی (ع) پس از پاسخ به سؤالات جناب
«محمد حمیری» صادر گردید.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشاینده مهربان

لَا لِأَمْرِهِ تَعْقُلُونَ وَلَا مِنْ أَوْلِيَائِهِ تَقْبَلُونَ، حِكْمَةٌ بِالْغَةِ

اینان در امر خداوند تعقل (فکر) نمی کنند و از اولیای او هم نمی پذیرند. حکمتی

فَمَا تُغْنِي النُّذْرُ السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ.

رساست. سلام بر ما و بر بندگان صالح خداوند باد. هر گاه خواستید به سوی خداوند

إِذَا أَرَدْتُمْ التَّوَجُّهَ بِنَا إِلَى اللَّهِ تَعَالَى وَ إِلَيْنَا فَقُولُوا كَمَا

تبارک و تعالی به وسیله ما توجه کنید و به سوی خود ما روی آورید، پس بگویید

قال الله تعالى:

چنانچه خداوند بزرگ فرموده است:

هر گاه خواستید به واسطه ما، به خداوند تعالی و نیز به سوی ما توجه

کرده و روی آورید، همان گونه که خدای تعالی فرموده است، بگویید:

«سَلَامٌ عَلٰی آلِ یَسَ»! السَّلَامُ عَلَیْكَ یَا دَاعِیَ اللّٰهِ وَ

سلام بر آل یاسین، سلام بر تو ای دعوت کننده به خدا و

رَبَّانِیَّ آیَاتِهِ. السَّلَامُ عَلَیْكَ یَا بَابَ اللّٰهِ وَ دِیَانَ دِیْنِهِ.

عارف به آیاتش، سلام بر تو ای واسطه خدا و سرپرست دین او

السَّلَامُ عَلَیْكَ یَا خَلِیْفَةَ اللّٰهِ وَ نَاصِرَ حَقِّهِ. السَّلَامُ عَلَیْكَ

سلام بر تو ای خلیفه خدا و یاور حق او سلام بر تو

یَا حُجَّةَ اللّٰهِ وَ دَلِیْلَ ارَادَتِهِ. السَّلَامُ عَلَیْكَ یَا تَالِیَ كِتَابِ

ای حجت خدا و راهنمای اراده اش، سلام بر تو ای تلاوت کننده کتاب خدا و تفسیر

اللّٰهِ وَ تَرْجُمَانَهُ. السَّلَامُ عَلَیْكَ فِیْ اَنَاءِ لَیْلِكَ وَ اطْرَافِ

کننده ایات او، سلام بر تو در تمام انات و دقایق شب و سرتاسر روز، سلام بر تو ای به

نَهَارِكَ. السَّلَامُ عَلَیْكَ یَا بَقِیَّةَ اللّٰهِ فِیْ اَرْضِهِ. السَّلَامُ عَلَیْكَ

جای مانده از طرف خدا در روی زمین، سلام بر تو ای پیمان محکم خدا که از مردم

یَا مِثَاقَ اللّٰهِ الَّذِیْ اَخَذَهُ وَ وَكَّدَهُ. السَّلَامُ عَلَیْكَ یَا وَعْدَ

گرفت و سخت محکمش کرد، سلام بر تو ای وعده خدا که تضمینش کرده، سلام بر تو

اللّٰهِ الَّذِیْ ضَمَّنَهُ. السَّلَامُ عَلَیْكَ اَیُّهَا الْعَلْمُ الْمَنْصُوبُ

ای پرچم برافراشته و دانش ریزان و فریادرس خلق و رحمت وسیع حق، و ان وعده ای که

وَالْعَلْمُ الْمَنْصُوبُ وَالغَوْثُ وَالرَّحْمَةُ الْوَاسِعَةُ وَعْدًا غَیْرَ

دروغ نشود، سلام بر تو هنگامی که به پا می ایستی، سلام بر تو هنگامی که می نشینی

مَكْذُوبٌ. السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقُومُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ

سلام بر تو هنگامی که (فرامین حق را) می خوانی و تفسیر می کنی، سلام بر تو هنگامی

تَقْعُدُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقْرَأُ وَتُبَيِّنُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ

که نماز می خوانی و قنوت کنی، سلام بر تو هنگامی که رکوع و سجده به جای آوری.

حِينَ تُصَلِّي وَتَقْنَتُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَرْكَعُ وَتَسْجُدُ.

سلام بر تو هنگامی که «لا اله الا الله» و «الله اكبر» گویی، سلام بر تو هنگامی که خدا

السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَهَلُّ وَتُكَبِّرُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ

راستایش کنی و از او امرزش خواهی، سلام بر تو هنگامی که بامداد کنی و شام کنی،

تَحْمَدُ وَتَسْتَغْفِرُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُصْبِحُ وَتُمْسِي.

سلام بر تو در شب هنگامی که تاریکش فرا گیرد و در روز هنگامی که پرده برگیرد،

السَّلَامُ عَلَيْكَ فِي اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى وَالنَّهَارَ إِذَا تَجَلَّى.

سلام بر تو ای امام امین سلام بر تو ای مقدم (بر همه خلق و)

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْمَأْمُونُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا

مورد ارزوی (انسان)، سلام بر تو به همه سلامها گواه گیرم تو را

الْمُقَدَّمُ الْمَأْمُولُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ بِجَوَامِعِ السَّلَامِ. أَشْهَدُكَ

ای مولا و سرور من که من گواهی دهم به اینکه معبودی نیست جز خدای یگانه که شریک

يَا مَوْلَايَ أَنِّي أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ

ندارد و نیز (گواهی دهم که) محمد بنده و رسول او است و محبوبی نیست جز او و خاندانش

وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، لَا حَبِيبَ إِلَّا هُوَ وَأَهْلُهُ وَ

و گواه گیرم تو را ای مولا من که علی امیر مؤمنان حجت خدا است و

أَشْهَدُكَ يَا مَوْلَايَ أَنَّ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ حُجَّتُهُ وَالْحَسَنَ

حَسَنَ حُجَّتِ أَوْ اسْتَ وَ حَسِينَ حُجَّتِ أَوْ اسْتَ وَ عَلِيَّ بْنَ الْحَسَنِ حُجَّتِ أَوْ

حُجَّتُهُ وَالْحُسَيْنَ حُجَّتُهُ وَ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ حُجَّتُهُ وَ

اسْتَ وَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتِ أَوْ اسْتَ وَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ حُجَّتِ أَوْ اسْتَ وَ

مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتُهُ وَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ حُجَّتُهُ وَ مُوسَى

مُوسَى بْنَ جَعْفَرَ حُجَّتِ أَوْ اسْتَ وَ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى حُجَّتِ أَوْ اسْتَ وَ مُحَمَّدَ

بْنَ جَعْفَرَ حُجَّتُهُ وَ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى حُجَّتُهُ، وَ مُحَمَّدَ بْنَ

بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتِ أَوْ اسْتَ وَ عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ حُجَّتِ أَوْ اسْتَ وَ حَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ

عَلِيٍّ حُجَّتُهُ وَ عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ حُجَّتُهُ وَالْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ

حُجَّتِ أَوْ اسْتَ وَ گواهی دهم که تو حجت خدایی، شمایید اول و آخر و مسلما

حُجَّتُهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ حُجَّةُ اللَّهِ. أَنْتُمْ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَ أَنَّ

بازگشت شما حق است که شکی در آن نیست، روزی که سود ندهد کسی را ایمانش

رَجَعْتَكُمْ حَقٌّ لَا رَيْبَ فِيهَا يَوْمَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا

که پیش از آن ایمان نیاورده یا در (مدت) ایمان خویش کار خیری انجام نداده

لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا. وَ

و همانا مرگ حق است و ناگر و نکیر (دو فرشته سؤال قبر) حق است و گواهی دهم که

أَنَّ الْمَوْتَ حَقٌّ، وَ أَنَّ نَاكِرًا وَ نَكِيرًا حَقٌّ، وَ أَشْهَدُ أَنَّ

زنده شدن پس از مرگ حق است و برانگیخته شدن حق است و صراط حق است و مرصاد

النَّشْرَ حَقٌّ، وَ الْبَعْثَ حَقٌّ، وَ أَنَّ الصِّرَاطَ حَقٌّ، وَ الْمَرْصَادَ

(کمینگاه) حق است و میزان حق است و حشر (در قیامت) حق است و حساب حق است

حَقُّ، وَالْمِيزَانَ حَقًّا، وَالْحَشَرَ حَقًّا، وَالْحِسَابَ حَقًّا، وَ

و بهشت و دوزخ حق است و وعده و تهدید درباره آن دو حق است ای مولای من

الْجَنَّةَ وَالنَّارَ حَقًّا، وَالْوَعْدَ وَالْوَعِيدَ بِهِمَا حَقًّا. يَا مَوْلَايَ

بدبخت است کسی که مخالفت شما را کرد و سعادت‌مند است کسی که پیرویتان

شَقِيٍّ مَنْ خَالَفَكُمْ وَ سَعِدَ مَنْ أَطَاعَكُمْ، فَاشْهَدْ عَلَيَّ مَا

کرد پس گواهی ده بر آنچه تو را بر آن گواه گرفتم و من دوست توام و بیزارم از

أَشْهَدُكَ عَلَيْهِ وَ أَنَا وَلِيُّ لَكَ بَرِيءٌ مِنْ عَدُوِّكَ، فَالْحَقُّ

دشمنت حق است که شما پسند کردید و باطل همانست که شما بدان خشم کردید

مَا رَضِيْتُمُوهُ وَالْبَاطِلُ مَا سَخَطْتُمُوهُ وَ الْمَعْرُوفُ مَا أَمَرْتُمْ

و معروف (و کار نیک) همان بود که شما بدان دستور دادید و منکر (و کار زشت)

بِهِ وَ الْمُنْكَرُ مَا نَهَيْتُمْ عَنْهُ، فَنَفْسِي مُؤْمِنَةٌ بِاللَّهِ وَ حُدَّهُ لَا

همان بود که شما از آن جلوگیری و نهی کردید، من ایمان دارم به خدای یگانه‌ای که

شَرِيكَ لَهُ وَ بَرَسُوْلُهُ وَ بِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ بِكُمْ يَا مَوْلَايَ

شریک ندارد و به رسول او و به امیر مؤمنان و به شما - ای مولای من - از اول تا

أَوَّلِكُمْ وَ آخِرِكُمْ، وَ نُصْرَتِي مُعَدَّةٌ لَكُمْ وَ مَوَدَّتِي خَالِصَةٌ

آخرتان و بعد از آن این و یاریم برای شما آماده است و دوستیم خالص و پاک برای

لَكُمْ، آمِينَ، آمِينَ.

شماست آمین آمین

دعای بعد از زیارت:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدَ نَبِيِّ رَحْمَتِكَ وَ

خدایا از تو خواهم که درود فرستی بر محمد پیامبر رحمت و کلمه نورت و

كَلِمَةَ نُورِكَ، وَأَنْ تَمْلَأَ قَلْبِي نُورَ الْيَقِينِ وَ صَدْرِي نُورَ

دیگر آنکه پر کنی دل مرا با نور یقین و سینه‌ام را با نور ایمان و اندیشه‌ام را

الْإِيمَانِ وَ فِكْرِي نُورَ النِّيَّاتِ وَ عَزْمِي نُورَ الْعِلْمِ وَ قُوَّتِي

با نور تصمیم‌ها و اراده‌ام را با نور علم و نیرویم را با نور عمل و زبانم را با نور

نُورَ الْعَمَلِ وَ لِسَانِي نُورَ الصِّدْقِ وَ دِينِي نُورَ البَصَائِرِ

راستگویی و دین و مذهبم را با نور بینایی‌هایی از نزد خودت و چشمم را با

مِنْ عِنْدِكَ وَ بَصْرِي نُورَ الضِّيَاءِ وَ سَمْعِي نُورَ الْحِكْمَةِ

نور روشنائی و گوشم را با نور فرزادگی و حکمت و دوستیم را با نور موالات

وَ مَوَدَّتِي نُورَ المُوَالَاةِ لِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ حَتَّى

محمد و آلش علیهم السلام تا تو را دیدار کنم و من به عهد و پیمان تو وفا

الْقَاكُ وَ قَدْ وَفَيْتُ بِعَهْدِكَ وَ مِيثَاقِكَ فَتَغَشِّنِي رَحْمَتَكَ يَا

کردم پس رحمت خود را بر من بپوشان ای سرپرست و ای ستوده خدایا

وَلِيُّ يَا حَمِيدُ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدَ حُجَّتِكَ فِي أَرْضِكَ

درود فرست بر محمد حجت تو در روی زمینت و جانشین تو در شهرهایت و

وَ خَلِيفَتِكَ فِي بِلَادِكَ وَ الدَّاعِي إِلَى سَبِيلِكَ وَ الْقَائِمَ

دعوت کننده به سوی راهت و قیام کننده به عدل و دادت و انقلاب کننده به

بِقِسْطِكَ وَ الثَّائِرَ بِأَمْرِكَ، وَ لِيِّ الْمُؤْمِنِينَ وَ بَوَارِ الكَافِرِينَ

دستور تو، دوست مؤمنان و نابودی کافران و برطرف کننده تاریکی و روشن

و مُجَلِّى الظُّلْمَةِ وَ مُنِيرِ الْحَقِّ وَ النَّاطِقِ بِالْحِكْمَةِ وَ

کننده حق و گویای به حکمت و راستی و آن کلمه (دستور و فرمان) کاملت

الصُّدُقِ وَ كَلِمَتِكَ التَّامَّةِ فِى اَرْضِكَ الْمُرْتَقِبِ الْخَائِفِ وَ

در روی زمین که در حال انتظار و هراس به سر برد و آن سرپرست خیرخواه

الْوَلِيِّ النَّاصِحِ سَفِينَةِ النَّجَاةِ وَ عِلْمِ الْهُدَى وَ نُورِ ابْصَارِ

و کشتی نجات و پرچم هدایت و روشنی دیدگان مردم و بهترین کسی که

الْوَرَى، وَ خَيْرِ مَنْ تَقَمَّصَ وَ ارْتَدَى، وَ مُجَلِّى الْعَمَى

جامه و ردا، به بر کرد و زداینده گمراهی آن کس که پر کند زمین را از عدل

الَّذِى يَمْلَأُ الْاَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَ

و داد چنانچه پر شده باشد از ستم و بیدادگری که به راستی تو بر هر چیز

جَوْرًا، اِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى وَّلِيِّكَ

توانایی خدایا درود فرست بر بنده مقرب در گاهت و فرزند بندگان مقربت

وَ اِبْنِ اَوْلِيَّاكَ الَّذِيْنَ فَرَضْتَ طَاعَتَهُمْ وَ اَوْجَبْتَ حَقَّهُمْ

آنان که فرض کردی فرمانبرداریشان را و واجب گرداندی حقشان را و دور

وَ اَذْهَبْتَ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَ طَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيرًا. اَللّٰهُمَّ اَنْصُرْهُ

کردی از ایشان پلیدی را و به خوبی پاکیزه‌شان کردی خدایا یاریش کن و به

وَ اَنْتَصِرْ بِهٖ لِدِيْنِكَ وَ اَنْصُرْ بِهٖ اَوْلِيَّاكَ وَ اَوْلِيَاءَهُ وَ شِيْعَتَهُ

دست او دینت را یاری کن و یاری کن به وسیله او دوستان خودت و دوستان

وَ اَنْصَارَهُ وَ اجْعَلْنَا مِنْهُمْ. اَللّٰهُمَّ اَعِذْهُ مِنْ شَرِّ كُلِّ بَاغٍ وَ

او و شیعیان و یاورانش را و ما را نیز از آنان قرار ده خدایا نگاهش دار از شر هر متجاوز و

طَاغَ وَمِنْ شَرِّ جَمِيعِ خَلْقِكَ وَأَحْفَظُهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ

سرکشی و از شر همه مخلوقات خودت و محافظتت کن از پیش رویش و از پشت سرش و از سمت

مِنْ خَلْفِهِ وَ عَنِ يَمِينِهِ وَ عَنِ شِمَالِهِ وَأَحْرُسُهُ وَأَمْنَعُهُ مِنْ

راستش و از طرف چپش و پاسداریش کن و نگامش دار از اینکه گزند و آسیبی بدو رسد و (شوکت

أَنْ يُوَصَلَ إِلَيْهِ بِسُوءٍ وَ أَحْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَ آلَ رَسُولِكَ،

و عزت) رسول و آل رسالت را در (وجود) او حفظ فرما و آشکار (یا پیروز) گردان به دست او عدل و

وَ أَظْهِرْ بِهِ الْعَدْلَ وَ أَيْدُهُ بِالنَّصْرِ وَ أَنْصُرْ نَاصِرِيهِ وَ اخْذِلْ

داد را و به یاریت کمکش کن و یاورش را نیز یاری کن و هر که دست از یاریش بردارد خوار گردان

خَاذِلِيهِ وَ اقْصِمْ قَاصِمِيهِ وَ اقْصِمْ بِهِ جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ وَ اقْتُلْ

و در هم شکن شکننده‌اش را و بشکن به دست او قدرت و شوکت کافران را و آنان را به دست

بِهِ الْكُفَّارَ وَ الْمُنَافِقِينَ وَ جَمِيعَ الْمُلْحِدِينَ حَيْثُ كَانُوا

آن حضرت به خاک هلاک افکن و همچنین منافقان و همه بی‌دینان سستیزه‌جو را در هر

مِنْ مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا، بَرِّهَا وَ بَحْرَهَا، وَ أَمْلَأْ

جا هستند از خاورهای زمین و باخترهای آنچه در خشکی و چه در دریا، و برکن به وسیله

بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ أَظْهِرْ بِهِ دِينَ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

او زمین را از عدل و داد و آشکار (یا پیروز) کن به وسیله‌اش دین پیامبرت (ص)

وَ آلِهِ وَ اجْعَلْنِي اللَّهُمَّ مِنْ أَنْصَارِهِ وَ أَعْوَانِهِ وَ اتَّبَاعِهِ وَ

را و قرار ده خدایا مرا نیز از یاران و کمک کاران و پیروان و شیعیانش قرار

شِيعَتِهِ وَ أَرْنِي فِي آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مَا يَأْمُلُونَ

بده؛ و در مورد آل محمد (ص) آنچه را ایشان آرزو دارند به من نمایان و درباره

وَفِي عَدُوِّهِمْ مَا يَحْذَرُونَ. اَللهُ الْحَقُّ اَمِيْنُ، يَا ذَا الْجَلَالِ

دشمنانشان نیز آنچه می ترسند و از آن حذر دارند به من نمایان. ای معبود حقیقی بپذیر

وَ الْاَكْرَامِ، يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ. ۱

ای صاحب شکوه و بزرگواری، ای مهربانترین مهربانان.

۴

زیارت مولانا صاحب الزمان در روز جمعه

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللهِ فِي اَرْضِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

سلام بر تو ای حجت خدا در زمینش؛ سلام بر تو ای چشم خدا در میان

عَيْنِ اللهِ فِي خَلْقِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللهِ الَّذِي يَهْتَدِي

آفریدگانش؛ سلام بر تو ای نور خدا، که هدایت جویان با آن هدایت می یابند و

بِهِ الْمُهْتَدُونَ، وَ يُفَرِّجُ بِهِ عَنِ الْمُؤْمِنِيْنَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

به وسیله آن بر مؤمنان گشایش و راحتی داده می شود؛ سلام بر تو ای پاک شده

اَيُّهَا الْمُهَذَّبُ الْخَائِفُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا الْوَلِيُّ النَّاصِحُ،

بی آایش و ترسان. سلام بر تو ای سرپرست خیرخواه؛ سلام بر تو ای کشتی

۱. الإحتجاج، ج ۲، ص ۳۱۶؛ بحار الأنوار، ج ۹۴، ص ۲؛ معادن الحكمة، ج ۲،

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَفِينَةَ النَّجَاةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَيْنَ

نجات؛ سلام بر تو ای چشمه حیات و زندگانی؛ سلام بر تو؛ درود پیوسته خدا بر تو

الْحَيَاةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَ عَلَى آلِ بَيْتِكَ

بر خاندان پاکیزه و پاک توست؛ سلام بر تو، خداوند هر چه زودتر به تو ارزانی دارد

الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ عَجَّلَ اللَّهُ لَكَ مَا وَعَدَكَ

آنچه را به تو وعده داده که یاریت کند و حکومت تو را آشکار گرداند. سلام بر تو

مِنَ النَّصْرِ وَ ظُهُورِ الْأَمْرِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ، أَنَا

ای مولای من؛ من ارادتمند تو هستم؛ با آغاز و پایانت آشنایم؛ به واسطه تو و آل

مَوْلَاكَ، عَارِفٌ بِأَوْلَاكَ وَ أَخْرَاكَ، أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى

تو به سوی خدا نزدیک می شوم و منتظر ظهور تو و آشکار شدن حق و حقیقت به

بِكَ وَ بِآلِ بَيْتِكَ، وَ أَنْتَظِرُ ظُهُورَكَ وَ ظُهُورَ الْحَقِّ عَلَى

دست تو هستم. از خدا درخواست می کنم که بر محمد و آل محمد درود بفرستد،

يَدَيْكَ. وَ أَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ،

و مرا از منتظران تو قرار دهد و جزو پیروان و یاران تو بر ضد دشمنانت قرار دهد و

وَ أَنْ يَجْعَلَني مِنَ الْمُنتَظِرِينَ لَكَ، وَ التَّابِعِينَ وَ النَّاصِرِينَ

مرا در زمره کسانی که در پیش روی تو و جزو دوستان تو طالب شهادت می باشند

لَكَ عَلَى أَعْدَائِكَ، وَ الْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْكَ فِي جُمْلَةِ

قرار دهد. ای مولای من، ای صاحب الزمان، درود خداوند بر تو و بر آل تو نثار

أَوْلِيَائِكَ. يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ، صَلَوَاتُ اللَّهِ

باد. امروز، جمعه است؛ همان روزی که انتظار می رود ظهورت در چنین روزی به

عَلَيْكَ وَعَلَى آلِ بَيْتِكَ، هَذَا يَوْمُ الْجُمُعَةِ، وَهُوَ يَوْمُكَ

وَقَوْعِ بَيْبُونَدَدِ وَبِهِ دَسْتِ تُو مُؤْمِنَانِ اَزِ گِرَفْتَارِي نَجَاتِ يَابَنْدِ وَ شَمَشِيرِ بِا كِفَايْتِ تُو

الْمُتَوَقَّعُ فِيهِ ظُهُورُكَ، وَ الْفَرَجُ فِيهِ لِلْمُؤْمِنِينَ عَلَى يَدَيْكَ،

كَافِرَانِ رَا بَكْشِدِ. وَ مِنْ اِي مَوْلَايِ مِنْ دَرِ اِيْنِ رُوزِ مِيْهْمَانِ وَ پِنَاهَنْدُو تُو هِسْتَمِ؛ وَ تُو

وَ قَتْلُ الْكَافِرِينَ بِسَيْفِكَ. وَ اَنَا يَا مَوْلَايِ فِيهِ ضَيْفُكَ

اِي مَوْلَا وَ سِرُورَمِ؛ بَزْرِگُوَارِ وَ اَزِ فِرْزَنْدَانِ بَزْرِگُوَارَانِ هِسْتِي وَ دَسْتُوْرِ اِلْهِي بِيْه تُو اَنْ

وَ جَارُكَ، وَ اَنْتَ يَا مَوْلَايِ كَرِيْمٌ مِنْ اَوْلَادِ الْكِرَامِ، وَ

اِسْهْتِ كِه مِيْهْمَانِ رَا بِيْذِيْرِي وَ پِنَاهِ دَادَنْ رَا اِنْجَامِ دِهِي؛ پَسِ، مِرَا مِيْهْمَانِ نَمَا وَ پِنَاهِ

مَاْمُوْرٌ بِالضِّيَافَةِ وَ الْاِجَارَةِ، فَاَضِفْنِي وَ اَجْرْنِي، صَلَوَاتُ

بِدِ. دِرُوْدِ دَائِمِ خِدَاوَنْدِيْرِ تُو وَ اَهْلِ بَيْتِ پَاكْتِ بَادِ.

اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ الطَّاهِرِينَ.

نزىلكك حيث ما اتجهت ركابى

هر جا مركبم روى نمايد بر خوان احسان تو فرود آيم،

وضيفك حيث كنت من البلادِ

و در هر شهري كه باشم مهمان تو هستم.

زیارت حضرت بقیة الله (ع) که در مشکلات و سختی ها

خوانده می شود

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الْحُجَّةَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

سلام بر تو ای محمد بن حسن، ای حجت (خدا)؛ سلام بر تو

يَا صَاحِبَ الْأَمْرِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ التَّدْبِيرِ،

ای صاحب امر و فرمان؛ سلام بر تو ای صاحب تدبیر و چاره اندیشی؛

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَانَا يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

سلام بر تو ای مولای ما؛ ای صاحب الزمان؛ سلام بر تو

أَيُّهَا الْإِمَامُ الْمُنتَظَرُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْقَائِمُ. السَّلَامُ

ای امام مورد انتظار؛ سلام بر تو ای قیام کننده. سلام بر تو

عَلَيْكَ أَيُّهَا الْخَلْفُ الصَّالِحُ لِلْأئِمَّةِ الْمَعْصُومِينَ الْمُطَهَّرِينَ،

ای جانشین شایسته امامان معصوم و پاک؛

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِمَامَ الْمُسْلِمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ

سلام بر تو ای پیشوای مسلمانان؛ سلام بر تو ای ولی

اللَّهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

خدا؛ سلام بر تو ای جانشینِ راستینِ رسولِ خدا - که درود بر او و آل او باد

وَآلِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فِلْذَةَ كَبَدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ

سلام بر تو ای جگرگوشهٔ پیامبرِ خدا - که درود بر او و آل او باد -

عَلَيْهِ وَآلِهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

سلام بر تو ای حجّتِ خدا؛ سلام بر تو ای پارهٔ تن

بِضْعَةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

رسولِ خدا - که درود بر او و آل او باد - . سلام بر تو ای راهی که به

جَادَّةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا غَوْثَ الْمُسْتَغِيثِينَ، السَّلَامُ

خدا می‌رسد؛ سلام بر تو ای فریادرسِ فریادکنندگان؛ سلام بر تو

عَلَيْكَ يَا غَوْثَ الْمَلْهُوفِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَوْنَ

ای فریادرسِ دلسوختگان؛ سلام بر تو ای یاورِ ستمدیدگان؛

الْمَظْلُومِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قُطْبَ الْعَالَمِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ

سلام بر تو ای محورِ جهان هستی. سلام بر تو ای امام و پیشروای حضرت

يَا إِمَامَ الْمَسِيحِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَدِيلَ الْخَيْرِ، أَدْرِكْنِي،

(عیسی) مسیح؛ سلام بر تو ای هم‌سنگِ خوبی‌ها؛ مرا دریاب، مرا دریاب،

أَدْرِكْنِي، أَدْرِكْنِي، أَعْنِي وَلَا تُعْنِ عَلَيَّ، وَانصُرْنِي وَلَا

مرا دریاب؛ کمکم کن و بر علیه من کمک مکن؛ یاریم رسان و مخالفانم را یاری مکن؛ همراهم

تَنْصُرْ عَلَيَّ، كُنْ مَعِيَ وَلَا تُفَارِقْنِي، تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ

باش و از من جدا مشو. بر خدا توکل کرده در حالی که او را سپاسگزاری می‌کنم و نماز می‌خوانم؛

شَاكِرًا وَ مُصَلِّيًا وَ هُوَ حَسْبِي وَ نَعْمَ الْوَكِيلُ، وَ صَلَّى اللهُ

او مرا بس است و وکیل خوبی است؛ و درود بیوسته خداوند بر آقای ما

عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ.

حضرت محمد و آل او، نثار باد.

۶

زیارت حضرت امیرالمؤمنین (ع) در روز یکشنبه

زیارت حضرت امیرالمؤمنین (ع)، بنا بر روایت شخصی که در حال بیداری - نه خواب - امام زمان (ع) را زیارت کرد و مشاهده نمود که در روز یکشنبه - که متعلق به امیرمؤمنان، علی (ع) است - این گونه آن حضرت را زیارت نمود:

السَّلَامُ عَلَى الشَّجَرَةِ النَّبَوِيَّةِ وَالِدَوَّحَةِ الْهَاشِمِيَّةِ الْمُضِيئَةِ

سلام بر شجره مبارکه نبوت، و سایبان بزرگ فروزنده هاشمی، که میوه اش نبوت و شاخ

المُثْمَرَةِ بِالنُّبُوَّةِ الْمُونَعَةِ بِالْإِمَامَةِ وَ عَلَى ضَجِيعِكَ آدَمَ وَ

و برگش امامت است. سلام بر دو نفری که پهلوی تو یعنی آدم و نوح آرمیده اند. سلام بر

نُوحٍ. السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ.

تو و اهل بیت پاک پاکیزه ات؛ سلام بر تو و فرشتگانی که گرداگرد تو و دربرگیرنده قبر

السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ عَلَى الْمَلَائِكَةِ الْمُحَدِّقِينَ بِكَ وَالْحَافِينَ

تو هستند. ای مولای من؛ ای فرمانروای مؤمنان؛ امروز، یکشنبه است؛ و آن، روز تو و به

بِقَبْرِكَ. يَا مَوْلَايَ يَا امِيرَ الْمُؤْمِنِينَ هَذَا يَوْمُ الْاِحْدِ وَ هُوَ

نام توست؛ من نیز مهمان و پناهنده تو در این روز هستم؛ پس مرا به مهمانی بپذیر - ای

يَوْمُكَ وَ بِاسْمِكَ وَ اَنَا ضَيْفُكَ فِيهِ وَ جَارُكَ فَاضْفِنِي يَا

مولای من - و پناهم ده؛ زیرا، تو بزرگواری هستی که مهمانی کردن و پذیرایی را دوست

مَوْلَايَ وَ اجْرُنِي فَاِنَّكَ كَرِيمٌ تُحِبُّ الضِّيَافَةَ وَ مَأْمُورٌ

می‌داری، و از جانب خداوند دستور پناه دادن مردم را داری. بنابراین، امروز آنچه من

بِالاجَارَةِ فَاَفْعَلُ مَا رَغِبْتُ إِلَيْكَ فِيهِ وَ رَجَوْتُهُ مِنْكَ

بدان اشتیاق دارم و امید دارم که تو انجام دهی برایم انجام بده؛ به خاطر جایگاه خودت

بِمَنْزِلَتِكَ وَ آلِ بَيْتِكَ عِنْدَ اللَّهِ وَ مَنْزِلَتِهِ عِنْدَكُمْ وَ بِحَقِّ ابْنِ

و خاندانت نزد خداوند، و جایگاه و ارزشی که خداوند نزد شما دارد، و نیز به حق پسر

عَمَّكَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكُمْ أَجْمَعِينَ ۱

عمویت رسول خدا؛ درود پیوسته الهی نثار او و همه شما باد.

زیارت ناحیه مقدسه

«علامه مجلسی (ره)» در «بحار الأنوار» می گوید: «شیخ مفید (ره)»

روایت کرده است:

هرگاه خواستی امام حسین (ع) را در روز عاشورا زیارت کنی، نزد

آن حضرت بایست و بگو:

السَّلَامُ عَلَىٰ أَدَمَ صَفْوَةَ اللَّهِ مِنْ خَلْقَتِهِ، السَّلَامُ عَلَىٰ شَيْثِ

سلام بر آدم، برگزیده خداوند از بین آفریدگانش، سلام بر حضرت شیث،

وَلِيِّ اللَّهِ وَخَيْرَتِهِ، السَّلَامُ عَلَىٰ إِدْرِيسَ الْقَائِمِ لِلَّهِ

ولی خدا و انتخاب شده او، سلام بر جناب ادريس، برپادارنده حجت الهی؛

بِحُجَّتِهِ، السَّلَامُ عَلَىٰ نُوحٍ الْمُجَابِ فِي دَعْوَتِهِ، السَّلَامُ

سلام بر نوح، پاسخ داده شده در دعایش؛ سلام بر هود که از طرف خداوند

عَلَىٰ هُودَ الْمَمْدُودِ مِنَ اللَّهِ بِمَعُونَتِهِ، السَّلَامُ عَلَىٰ صَالِحِ

کمک‌های بسیار به او شد؛ سلام بر صالح که خداوند به او تپاج کرامت و

الَّذِي تَوَجَّهَ اللَّهُ بِكِرَامَتِهِ، السَّلَامُ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ الَّذِي حَبَاهُ

بزرگواری بخشیده؛ سلام بر ابراهیم که خداوند مقام خلت و دوستی ویژه

الله بخُلَّتْهُ، السَّلَامُ عَلَى إِسْمَاعِيلَ الَّذِي فَدَاهُ اللهُ بِذَبْحِ

خود را به او بخشید؛ سلام بر اسماعیل که خداوند قربانی بزرگی از بهشت

عَظِيمٍ مِنْ جَنَّتِهِ، السَّلَامُ عَلَى إِسْحَاقَ الَّذِي جَعَلَ اللهُ

را فدیةً او قرار داد (و او را آزاد نمود)؛ سلام بر اسحاق که خداوند پیامبری

النُّبُوَّةَ فِي ذُرِّيَّتِهِ، السَّلَامُ عَلَى يَعْقُوبَ الَّذِي رَدَّ اللهُ عَلَيْهِ

و نبوت را در نسل او قرار داد؛ سلام بر یعقوب که خداوند با رحمتش نور

بَصَرَهُ بِرَحْمَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى يُوسُفَ الَّذِي نَجَّاهُ اللهُ مِنْ

چشمانش را به وی باز گردانید؛ سلام بر یوسف که خداوند به عظمتش او را

الْجُبِّ بِعَظَمَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى مُوسَى الَّذِي فَلَقَ اللهُ الْبَحْرَ لَهُ

از چاه نجات بخشید؛ سلام بر موسی که خداوند دریا را با نیروی خودش

بِقُدْرَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى هَارُونَ الَّذِي خَصَّهُ اللهُ بِنُبُوَّتِهِ،

برای او شکافت؛ سلام بر هارون که خداوند او را به پیامبری خود مخصوص

السَّلَامُ عَلَى شُعَيْبَ الَّذِي نَصَرَهُ اللهُ عَلَى أُمَّتِهِ، السَّلَامُ

گردانید؛ سلام بر شعیب که خدا او را بر امتش پیروز کرد؛ سلام بر داود که

عَلَى دَاوُدَ الَّذِي تَابَ اللهُ عَلَيْهِ مِنْ خَطِيئَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى

خداوند توبه او را از خطا و اشتباهش پذیرفت؛ سلام بر سلیمان

سُلَيْمَانَ الَّذِي ذَلَّتْ لَهُ الْجِنُّ بِعِزَّتِهِ، السَّلَامُ عَلَى أَيُّوبَ

که جنیان به واسطه عزتش، در مقابلش فروتن شدند؛ سلام بر ایوب که

الَّذِي شَفَاهُ اللهُ مِنْ عِلَّتِهِ، السَّلَامُ عَلَى يُونُسَ الَّذِي أَنْجَزَ

خدا از بیماری و گرفتاری بهبودش بخشید؛ سلام بر یونس که خداوند

اللَّهُ لَهُ مَضْمُونٌ عَدَّتَهُ، السَّلَامُ عَلَى عَزِيرِ الَّذِي أَحْيَاهُ

و عهدش را برای او وفا کرد؛ سلام بر عزیر که خداوند او را پس از مردن

اللَّهُ بَعْدَ مَيِّتَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى زَكَرِيَّا الصَّابِرِ فِي مِحْنَتِهِ،

دوباره زنده کرد؛ سلام بر زکریا که در محنت و اندوهش شکیبایی ورزید؛

السَّلَامُ عَلَى يَحْيَى الَّذِي أَرْزَلَهُ اللَّهُ بِشَهَادَتِهِ السَّلَامُ عَلَى

سلام بر یحیی که خداوند با مقام شهادتش او را منزلت داد؛ سلام بر عیسی

عِيسَى رُوحَ اللَّهِ وَ كَلِمَةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللَّهِ وَ

که روح خدا و کلمه الهی بود؛ سلام بر حضرت محمد که محبوب و برگزیده

صَفْوَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ

پروردگار است؛ سلام بر امیر مؤمنان حضرت علی فرزند ابوطالب که برادری

الْمَخْصُوصِ بِأَخُوَّتِهِ، السَّلَامُ عَلَى فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ ابْنَتِهِ،

پیامبر ویژه او شد؛ سلام بر حضرت فاطمه زهرا، دختر رسول خدا؛

السَّلَامُ عَلَى أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ وَصِيِّ أَبِيهِ وَ خَلِيفَتِهِ،

سلام بر امام حسین که وصی پدرش و جانشین او بود؛ سلام بر امام حسین

السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ الَّذِي سَمَحَتْ نَفْسُهُ بِمُهْجَتِهِ، السَّلَامُ

که نفسش را با ریختن خون خود (در راه خدا)؛ بزرگواری نمود سلام بر

عَلَى مَنْ أَطَاعَ اللَّهَ فِي سِرِّهِ وَ عِلَانِيَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى

کسی که خدا را در پنهان و آشکارا فرمانبرداری کرد؛ سلام بر کسی که

مَنْ جَعَلَ اللَّهُ الشِّفَاءَ فِي تَرْبَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى مَنْ اجَابَهُ

خداوند شفا را در خاک قبرش قرار داد؛ سلام بر کسی که اجابت و

تَحْتَ قُبَّتِهِ، السَّلَامُ عَلَى مَنْ الْأُئِمَّةُ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ،

پاسخ گویی خداوند به دعاها در زیر گنبد شریفش حتمی است؛ سلام بر

السَّلَامُ عَلَى ابْنِ خَاتَمِ الْأَنْبِيَاءِ، السَّلَامُ عَلَى ابْنِ سَيِّدِ

کسی که امامان و پیشوایان اسلام از نسل او هستند. سلام بر فرزند آخرین

الْأَوْصِيَاءِ، السَّلَامُ عَلَى ابْنِ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، السَّلَامُ عَلَى

پیامبران، سلام بر فرزند سرور جانشینان، سلام بر فرزند حضرت فاطمه

ابْنِ خَدِيجَةَ الْكُبْرَى، السَّلَامُ عَلَى ابْنِ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى،

زهرا، سلام بر فرزند خدیجه کبری، سلام بر فرزند سدره المنتهی (بالاترین

السَّلَامُ عَلَى ابْنِ جَنَّةِ الْمَأْوَى، السَّلَامُ عَلَى ابْنِ زَمْزَمَ

مکان در بهشت)، سلام بر فرزند بهشتی که جایگاه آسایش است، سلام بر

وَالصَّفَا، السَّلَامُ عَلَى الْمُرْمَلِ بِالْدمَاءِ، السَّلَامُ عَلَى

فرزند زمزم و صفا. سلام بر کسی که در خونش غلتید، سلام

الْمَهْتُوكِ الْخَبَاءِ، السَّلَامُ عَلَى خَامِسِ أَصْحَابِ أَهْلِ

بر کسی که خیمه گاهش هتک حرمت شد، سلام بر پنجمین

الْكَسَاءِ، السَّلَامُ عَلَى غَرِيبِ الْغُرَبَاءِ، السَّلَامُ عَلَى شَهِيدِ

نفر از اصحاب کسا؛ سلام بر غریب غریبان، سلام بر شهید شهیدان،

الشُّهَدَاءِ، السَّلَامُ عَلَى قَتِيلِ الْأَدْعِيَاءِ، السَّلَامُ عَلَى سَاكِنِ

سلام بر کشته شده به دست حرام زادگان؛ سلام بر ساکن کربلا؛

كَرْبَلَاءَ، السَّلَامُ عَلَى مَنْ بَكَتُهُ مَلَائِكَةُ السَّمَاءِ، السَّلَامُ

سلام بر کسی که فرشتگان آسمان بر او گریستند؛ سلام بر کسی که

عَلَى مَنْ ذُرِّيَّتُهُ الْأَزْكَيَاءُ، السَّلَامُ عَلَى يَعْسُوبِ الدِّينِ،

فرزندانش پاک‌ترین و ناب‌ترین انسان‌ها بودند. سلام بر پادشاه و پیشوای

السَّلَامُ عَلَى مَنَازِلِ الْبَرَاهِينِ، السَّلَامُ عَلَى الْأُئِمَّةِ السَّادَاتِ،

دین؛ سلام بر منزلگاه‌های دلایل روشن الهی، سلام بر امامان والا و

السَّلَامُ عَلَى الْجُيُوبِ الْمُضْرَجَاتِ، السَّلَامُ عَلَى الشُّفَاهِ

شرافتمند؛ سلام بر گریبان‌های خون‌آلود؛ سلام بر لب‌های خشکیده،

الذَّابِلَاتِ، السَّلَامُ عَلَى النُّفُوسِ الْمُضْطَلَمَاتِ، السَّلَامُ عَلَى

سلام بر جان‌های بلا دیده؛ سلام بر روح‌های از بدن

الْأَرْوَاحِ الْمُخْتَلَسَاتِ، السَّلَامُ عَلَى الْأَجْسَادِ الْعَارِيَاتِ،

رها شده، سلام بر پیکرهای عریان شده، سلام بر جسم‌های

السَّلَامُ عَلَى الْجُسُومِ الشَّاحِبَاتِ، السَّلَامُ عَلَى الدَّمَاءِ

رنگ پریده، سلام بر خون‌های جاری شده، سلام بر عضوهای قطعه

السَّائِلَاتِ، السَّلَامُ عَلَى الْأَعْضَاءِ الْمُقَطَّعَاتِ، السَّلَامُ عَلَى

قطعه شده، سلام بر سرهای به نیزه رفته، سلام بر زنانی که نمودار

الرُّؤُوسِ الْمُشَالَاتِ، السَّلَامُ عَلَى النَّسْوَةِ الْبَارِزَاتِ، السَّلَامُ

گشته (از خیمه بیرون آمده)، سلام بر حجت پروردگار جهانیان؛

عَلَى حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ عَلَى آبَائِكَ

سلام بر تو (ای حسین) و بر پدران پاکت؛ سلام بر تو و بر فرزندان

الطَّاهِرِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ عَلَى أَبْنَائِكَ الْمُسْتَشْهِدِينَ،

شهادت‌طلب، سلام بر تو و بر نسل یاری‌کننده‌ات، سلام بر تو

السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ عَلَى ذُرِّيَّتِكَ النَّاصِرِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ

و بر فرشتگان کنار آرامگاهت، سلام بر کشته ستمدیده، سلام

عَلَى الْمَلَائِكَةِ الْمُضَاجِعِينَ، السَّلَامُ عَلَى الْقَتِيلِ الْمَظْلُومِ،

بر برادر مسمومش (امام حسن)، سلام بر علی بزرگ (علی اکبر)، سلام بر

السَّلَامُ عَلَى أَخِيهِ الْمَسْمُومِ، السَّلَامُ عَلَى عَلِيٍّ الْكَبِيرِ،

آن شیرخوار کوچک؛ سلام بر بدنهایی که (جامه‌های آنان) به تاراج رفته؛

السَّلَامُ عَلَى الرَّضِيعِ الصَّغِيرِ، السَّلَامُ عَلَى الْأَبْدَانِ

سلام بر خاندان نزدیک به پیامبر، سلام بر روی زمین افتادگان در بیابان‌ها؛

السَّلَامُ عَلَى الْعَتَرَةِ الْقَرِيبَةِ (الْغَرِيبَةِ)، السَّلَامُ عَلَى

سلام بر دور شدگان از سرزمین خویش، سلام بر به خاک سپرده شدگان

الْمُجَدَّلِينَ فِي الْفَلَوَاتِ، السَّلَامُ عَلَى النَّازِحِينَ عَنِ

بی کفن؛ سلام بر سرهای جدا شده از بدن‌ها؛ سلام بر کسی که مصائبش

الْأَوْطَانَ، السَّلَامُ عَلَى الْمَدْفُونِينَ بِأَكْفَانِ، السَّلَامُ عَلَى

را به حساب خدا گذارد و شکبیا بود؛ سلام بر ستمدیده بی‌یاور؛ سلام بر

الرُّؤُوسِ الْمَفْرَقَةِ عَنِ الْأَبْدَانِ، السَّلَامُ عَلَى الْمُحْتَسِبِ

کسی که در خاک پاک سکونت گزید، سلام بر صاحب گنبدی بلندمرتبه،

الصَّابِرِ، السَّلَامُ عَلَى الْمَظْلُومِ بِأَنَّ نَاصِرِ، السَّلَامُ عَلَى

سلام بر کسی که خدای بزرگ، او را پاک نمود، سلام بر کسی که جبرئیل

سَاكِنِ التُّرْبَةِ الزَّكَايَةِ، السَّلَامُ عَلَى صَاحِبِ الْقُبَّةِ السَّامِيَةِ،

به او افتخار می‌کرد، سلام بر کسی که در گهواره میکائیل برایش لایلی

السَّلَامُ عَلَى مَنْ طَهَّرَهُ الْجَلِيلُ، السَّلَامُ عَلَى مَنْ افْتَخَرَ بِهِ

می گفت؛ سلام بر آنکه پیمانش را شکستند؛ سلام بر کسی که حرمتش را

جَبْرَائِيلُ، السَّلَامُ عَلَى مَنْ نَاغَاهُ فِي الْمَهْدِ مِيكَائِيلُ،

هتک نمودند؛ سلام بر کسی که خورش را به ناحق و با ستمکاری ریختند،

السَّلَامُ عَلَى مَنْ نَكَّتْ ذِمَّتَهُ، السَّلَامُ عَلَى مَنْ هُتِكَتْ

سلام بر کسی که با خون جراحاتش شستشو داده شد، سلام بر کسی که از

حُرْمَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى مَنْ أَرِيقَ بِالظُّلْمِ دَمَهُ، السَّلَامُ عَلَى

کاسه‌های نیزه‌ها جرعه نوشید، سلام بر کسی که بر وی ستم کرده و ریختن

الْمُغْسَلِ بِدَمِ الْجِرَاحِ، السَّلَامُ عَلَى الْمَجْرَعِ بِكَاسَاتِ

خونش را حلال شمردند؛ سلام بر او که جلوی روی همه مردم سرش را از

الرِّمَاحِ السَّلَامُ عَلَى الْمُضَامِ الْمُسْتَبَاحِ، السَّلَامُ عَلَى

تن جدا کردند - و کسی چیزی نگفت - سلام بر آن آقای بزرگ‌زاده‌ای که

الْمَنْحُورِ فِي الْوَرَى، السَّلَامُ عَلَى مَنْ دَفَنَهُ أَهْلُ الْقُرَى،

روستانشینان (بنی اسد) دفن کردند؛ سلام بر آنکه رگ گردن مبارکش

السَّلَامُ عَلَى الْمَقْطُوعِ الْوَتِينِ، السَّلَامُ عَلَى الْمُحَامِي بِلَا

بریده شد، سلام بر آن حمایتگر بی‌یاور، سلام بر محاسن با خون خضاب

مُعِينِ، السَّلَامُ عَلَى الشُّيْبِ الْخَضِيبِ، السَّلَامُ عَلَى الْخَدِّ

شده، سلام بر آن گونه و رخسار خاک‌آلوده، سلام بر آن بدنی که لباس‌هایش

التَّرِيبِ، السَّلَامُ عَلَى الْبَدَنِ السَّلِيبِ، السَّلَامُ عَلَى الثُّغْرِ

به تاراج رفته، سلام بر آن دندان مبارکی که با چوب (خیزران) کوبیده شد،

المَقْرُوعُ بِالْقَضِيبِ، السَّلَامُ عَلَى الرَّأْسِ الْمَرْفُوعِ، السَّلَامُ

سلام بر آن سری که بر بالای نیزه رفت، سلام بر بدن‌هایی که بدون پوشش

عَلَى الْأَجْسَامِ الْعَارِيَةِ فِي الْفَلَوَاتِ، تَنْهَشُهَا الذَّنَابُ

در بیابان‌ها افتاده بودند، گرگ‌های متجاوز آنها را دریدند و درندگان وحشی

الْعَادِيَاتُ، وَ تَخْتَلِفُ إِلَيْهَا السَّبَاعُ الضَّارِيَاتُ، السَّلَامُ

پیرامونشان رفت و آمد می‌کردند. سلام بر توای مولای من؛ و بر فرشتگانی

عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ وَ عَلَى الْمَلَائِكَةِ الْمُرْفُوفِينَ حَوْلَ قَبْتِكَ،

که گرداگرد گنبد شریف بال گشوده‌اند؛ خاک پاک قبرت را در بر گرفته‌اند؛

الْحَافِينَ بِتُرْبَتِكَ، الطَّائِفِينَ بِعَرَضَتِكَ، الْوَارِدِينَ لَزِيَارَتِكَ،

به طواف حرمت مشغول‌اند، و برای زیارتت وارد می‌شوند. سلام بر تو؛

السَّلَامُ عَلَيْكَ فَإِنِّي قَصَدْتُ إِلَيْكَ، وَ رَجَوْتُ الْفَوْزَ لَدَيْكَ،

من به قصد زیارت تو آمده‌ام و امیدوارم نزد تو رستگار شوم. سلام بر تو؛

السَّلَامُ عَلَيْكَ سَلَامَ الْعَارِفِ بِحُرْمَتِكَ، الْمُخْلِصِ فِي

سلام کسی که عارف و آشنا به حرمت تو، و اخلاص دارنده در ولایت تو،

وَلَايَتِكَ، الْمُتَقَرِّبِ إِلَى اللَّهِ بِمَحَبَّتِكَ، الْبَرِيِّ مِنْ

تَقَرِّبِ جَوِينِدِهِ بِهٖ سَوِي خَدَا بِمَحَبَّتِ تَو، وَ بِيْزَارِي جَوِينِدِهِ اَز دَشْمَنَانَتِ

أَعْدَائِكَ، سَلَامٌ مَنْ قَلْبُهُ بِمُصَابِكِ مَقْرُوحٌ، وَ دَمْعُهُ عِنْدَ

می‌باشد، سلام کسی که دلش از مصیبت تو جریحه‌دار، و اشکش با

ذَكَرِكَ مَسْفُوحٌ، سَلَامَ الْمَفْجُوعِ الْحَزِينِ، الْوَالِهِ الْمُسْتَكِينِ،

یاد تو ریزان است؛ سلام دردمندی اندوهگین و سرگشته‌ای بیچاره؛

سَلَامٌ مَنْ لَوْ كَانَ مَعَكَ بِالطُّفُوفِ، لَوْ قَاكَ بِنَفْسِهِ حَدًّا

سلام کسی که اگر در آن صحرای کربلا همراهت بود به طور حتم تو را با

السُّيُوفِ، وَ بَدَلَ حُشَاشَتِهِ دُونَكَ لِلْحُتُوفِ، وَ جَاهَدَ بَيْنَ

جان خود در برابر تیزی شمشیرها نگهداری می کرد، و نیمه جانی را که در

يَدَيْكَ، وَ نَصَرَكَ عَلَى مَنْ بَغَى عَلَيْكَ، وَ فَدَاكَ بِرُوحِهِ وَ

پیکرش باقی مانده برای تو در معرض مرگ قرار می داد؛ و در پیشگاه

جَسَدِهِ وَ مَالِهِ وَ وُلْدِهِ، وَ رُوحَهُ لِرُوحِكَ فِدَاءً، وَ أَهْلَهُ

تو به نبرد می پرداخت، و در مقابل ستمکاران بر تو، یاریت می کرد؛ و

لَا هَلْكَ وَ قَاءً، فَلَمَّا أُخْرِتَنِي الدُّهُورُ، وَ عَاقَنِي عَنْ نَصْرِكَ

روح و جسم و دارایی و فرزندان خود را فدایت می ساخت، و روحش را

الْمَقْدُورُ، وَ لَمْ أَكُنْ لِمَنْ حَارَبَكَ مُحَارِبًا، وَ لِمَنْ نَصَبَ لَكَ

فدای روح شریفت می کرد و خانواده اش را به حفظ و نگهداری خانواده ات

الْعَدَاوَةَ مُنَاصِبًا، فَلَا تُدْبِنُكَ صَبَاحًا وَ مَسَاءً، وَ لَا بُكَيْنًا لَكَ

می گماشت. پس اگر روزگار مرا از زمان تو دور داشته، و مقدرات مرا

بَدَلَ الدَّمُوعِ دَمًا، حَسْرَةً عَلَيْكَ، وَ تَأْسُفًا عَلَى مَا دَهَاكَ وَ

از یاریت بازداشت، و نبودم که با جنگجویانی که به جنگ تو آمدند

تَلْهُفًا، حَتَّى أَمُوتَ بِلَوْعَةِ الْمُصَابِ، وَ غُصَّةِ الْاِكْتِيَابِ،

بجنگم، و با دشمنانت بستیزم؛ لیکن هر صبح و شام بر تو ناله و زاری

أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَ آتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَ أَمَرْتَ

و شیون می کنم، و به جای اشک، برایت خون می گریم؛ از حسرتی که بر

بِالْمَعْرُوفِ، وَ نَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ الْعُدْوَانِ، وَ أَطَعْتَ اللَّهَ وَ

تو می خوردم و تأسف می که بر رنج تو دارم و در سوز و گداز می مانم تا

مَا عَصَيْتَهُ، وَ تَمَسَّكَتَ بِهِ وَ بَحَبَلَهُ فَأَرْضَيْتَهُ، وَ خَشَيْتَهُ وَ

زمانی که از این مصیبت و غصه و اندوه بمیرم. گواهی می دهم که تو نماز

رَاقِبْتَهُ وَ اسْتَجَبْتَهُ، وَ سَنَّتَ السُّنَنَ، وَ أَطْفَأْتَ الْفِتْنَ، وَ

را برپا داشتی، و زکات را پرداختی، و به امر به معروف و نیکی فرمان دادی،

دَعَوْتَ إِلَى الرَّشَادِ، وَ أَوْضَحْتَ سُبُلَ السَّدَادِ، وَ جَاهَدْتَ

و از بدی ها و ستمکاری ها بازداشتی، و از خدا فرمان بردی و نافرمانی

فِي اللَّهِ حَقَّ الْجِهَادِ، وَ كُنْتَ لِلَّهِ طَائِعًا، وَ لَجَدَّكَ مُحَمَّدٌ

نکردی، و به خدا و ریسمان او جنگ زدی تا آنکه او را از خود راضی

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله تَابِعًا، وَ لِقَوْلِ أَبِيكَ سَامِعًا، وَ إِلَى

و خشنود کردی در حالی که از او ترس داشتی؛ و مراقب و مواظب او بودی

وَ صِيَّةَ أَخِيكَ مُسَارِعًا، وَ لِعِمَادِ الدِّينِ رَافِعًا، وَ لِلطُّغْيَانِ

و او را پاسخ دادی، و به سنت ها و مستحبات عمل کردی و فتنه ها

قَامِعًا، وَ لِلطُّغَاةِ مُقَارِعًا، وَ لِلأُمَّةِ نَاصِحًا، وَ فِي غَمَرَاتِ

را خاموش نمودی، و به سوی رشد و تکامل فراخواندی، و راه های استوار

الْمَوْتِ سَابِحًا، وَ لِلْفُسَّاقِ مُكَافِحًا، وَ بِحُجَجِ اللَّهِ قَائِمًا، وَ

را آشکار ساختی، و آن گونه که حق جهاد و تلاش بود انجام دادی. و تو

لِلْإِسْلَامِ وَ الْمُسْلِمِينَ رَاحِمًا، وَ لِلْحَقِّ نَاصِرًا، وَ عِنْدَ الْبَلَاءِ

فرمان برداری نیک برای خداوند بودی، و از جدت حضرت محمد - که درود

صَابِرًا، وَلِلدِّينِ كَالثَّاءِ، وَعَنْ حَوْزَتِهِ مُرَامِيًا. تَحُوطُ الْهُدَى

خدا بر او و آل او باد- پیروی می کردی، و به گفتار پدرت گوش فرا می دادی،

وَتَنْصُرُهُ، وَتَبْسُطُ الْعَدْلَ وَتَنْشُرُهُ، وَتَنْصُرُ الدِّينَ وَتُظْهِرُهُ،

و برای انجام وصیت برادرت شتاب می نمودی، و ستون های دین را بالا

وَتَكْفُ الْعَابِثَ وَتَرْجُرُهُ، وَتَأْخُذُ لِلدِّنِّ مِنَ الشَّرِيفِ،

بردی، و سرکشی را در هم کوبیدی، و طغیان گران را نابود کردی، و برای

وَتُسَاوِي فِي الْحُكْمِ بَيْنَ الْقَوِيِّ وَالضَّعِيفِ. كُنْتَ رَبِيعَ

امت اسلام خیرخواهی می کردی، و در گرداب مرگ شناور بودی، و فاسقان

الْأَيْتَامِ، وَعِصْمَةَ الْأَنَامِ، وَعِزَّ الْإِسْلَامِ، وَمَعْدِنَ الْأَحْكَامِ،

را به مبارزه می طلبیدی، و حجت های الهی را برپا داشتی، و برای اسلام و

وَحَلِيفَ الْإِنْعَامِ، سَالِكًا طَرِيقَ جَدِّكَ وَأَبِيكَ، مُشْبِهًا فِي

مسلمانان مهربان و رحم کننده، و یار حق بودی، و در بلاها و گرفتاری ها

الْوَصِيَّةِ لِإِخِيكَ. وَفِي الذَّمِّ، رَضِيَ الشُّعْبِيُّ، ظَاهِرَ الْكِرَامِ،

شکیبا، و برای دین نگهبان، و از چوזה و حریم دینی دفاع کننده بودی.

مُتَهَجِّدًا فِي الظُّلْمِ، قَوِيْمَ الطَّرِيقِ، كَرِيْمَ الْخَلَائِقِ، عَظِيْمَ

نگهبان هدایت و یاری کننده آن و گستراننده عدل و نشردهنده آن، و یاری

السَّوَابِقِ، شَرِيفَ النَّسَبِ، مُنِيفَ الْحَسَبِ، رَفِيعَ الرُّتَبِ،

کننده دین و آشکارکننده آن هستی، و بازیچه شمارنده دین را از کارش

كَثِيرَ الْمَنَاقِبِ، مَحْمُودَ الضَّرَائِبِ، جَزِيلَ الْمَوَاهِبِ. حَلِيمٌ

بازداشته و او را منع نمودی؛ و حق زبردستان را از ثروتمندان و اشراف

رَشِيدٌ مُنِيبٌ، جَوَادٌ عَلِيمٌ شَدِيدٌ، إِمَامٌ شَهِيدٌ، أَوَاهُ مُنِيبٌ،

می گرفتگی، و بین قوی و ضعیف به مساوات حکم می کردی. تو بهار یتیمان

حَبِيبٌ مَهِيْبٌ. كُنْتَ لِلرَّسُوْلِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَوَلَدِهِ،

و پناهگاه مردم، و عزت و سربلندی اسلام و معدن احکام و هم پیمان

وَلِلْقُرْآنِ سَنَدًا، وَوَلِلْأُمَّةِ عَضُدًا، وَفِي الطَّاعَةِ مُجْتَهِدًا، حَافِظًا

بخشش و احسان بودی. پیونده راه جد و پدرت بودی، و همانند برادرت در

لِلْعَهْدِ وَالْمِيثَاقِ، نَاكِبًا عَنِ سُبُلِ الْفُسْأَقِ، [وَ] بِأَذْلَا

وصیت پدرت بودی. وفاکننده به عهدها و پیمانها، دارای خصلت‌ها و

لِلْمَجْهُودِ، طَوِيلَ الرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ، زَاهِدًا فِي الدُّنْيَا زُهْدًا

خوی‌های نیکو، آشکارکننده بزرگواری‌ها، کوشش کننده در عبادت به هنگام

الرَّاحِلِ عَنْهَا، نَاطِرًا إِلَيْهَا بَعَيْنِ الْمُسْتَوْحِشِينَ مِنْهَا، أَمَّا لِكِ

تاریکی (شب‌زنده‌دار)، دارنده روش‌های استوارماندی، و لشکریان بدکار در

عَنْهَا مَكْفُوفَةٌ، وَهَمَّتْكَ عَنْ زِينَتِهَا مَصْرُوفَةٌ، وَالْحَاطِظُ

درهم کوبیدی، و در گرد و غبار برخاسته در میدان جهاد با ذوالفقار آن گونه

عَنْ بِهَجَّتِهَا مَطْرُوفَةٌ، وَرَغِبْتُكَ فِي الْآخِرَةِ مَعْرُوفَةٌ، حَتَّى

وارد شدی که گویا تو همان برگزیده خدا هستی. پس، هنگامی که تو را

إِذَا الْجَوْرُ مَدَّ بَاعَهُ، وَأَسْفَرَ الظُّلْمُ قِنَاعَهُ، وَدَعَا الْغِيُّ أَتْبَاعَهُ،

ثابت قدم و دلیر دیدند، در حالی که هیچ گونه ترس و هراسی در تو نبود

وَأَنْتَ فِي حَرَمِ جَدِّكَ قَاطِنٌ، وَلِلظَّالِمِينَ مُبَايِنٌ، جَلِيسٌ

برای تو دام‌های مکرشان را نصب کردند، و با مکر و شرشان به جنگ با تو

الْبَيْتِ وَالْمَحْرَابِ، مُعْتَزِلٌ عَنِ اللَّذَاتِ وَالشَّهَوَاتِ، تُتَكْرَرُ

پرداختند؛ و آن شخص ملعون به لشکریانش دستور داد، پس تو را از آب و

الْمُنْكَرَ بِقَلْبِكَ وَلِسَانِكَ، عَلَى حَسَبِ طَاقَتِكَ وَ إِمْكَانِكَ،

وارد شدن به آن بازداشتند، و به مبارزه با تو پرداخته و در این امر شتافتند،

ثُمَّ اقْتَضَاكَ الْعِلْمُ لِلْإِنْكَارِ، وَلَزِمَكَ أَنْ تُجَاهِدَ الْفُجَّارَ،

و تیرها و سنگ‌ها را به تو پرتاب کردند، و دست‌های ویرانگر خود را به

فَسَّرَتْ فِي أَوْلَادِكَ وَأَهْلِيكَ، وَ شَيْعَتِكَ وَ مَوَالِيكَ وَ

سوی تو گشودند، و حق تو را مراعات نکردند، و در کشتن عزیزان تو و

صَدَعَتْ بِالْحَقِّ وَ الْبَيِّنَةِ، وَ دَعَوَتْ إِلَى اللَّهِ بِالْحِكْمَةِ وَ

غارت زاد و توشه تو هیچ ترسی از جزای گناه خویش به خود ندادند؛ و

الْمَوْعِظَةَ الْحَسَنَةَ، وَ أَمَرَتْ بِإِقَامَةِ الْحُدُودِ، وَ الطَّاعَةَ

تو در میان گرد و غبار میان به پیش می‌تاختی، و آزار و اذیت‌ها را تحمل

لِلْمَعْبُودِ، وَ نَهَيْتَ عَنِ الْخَبَائِثِ وَ الطُّغْيَانِ، وَ وَاجَهُوكَ

می‌کردی، که به راستی فرشتگان آسمان از صبر تو در شگفت آمدند؛ پس

بِالظُّلْمِ وَ الْعُدْوَانِ، فَجَاهَدْتَهُمْ بَعْدَ الْإِعْزَازِ لَهُمْ، وَ تَأْكِيدِ

آنان (دشمنان) از هر سو، اطراف تو را گرفتند؛ و زخم‌های عمیقی بر تو

الْحُجَّةَ عَلَيْهِمْ، فَانْكثُوا ذِمَامَكَ وَ بَيْعَتَكَ، وَ أَسْخَطُوا رَبَّكَ وَ

وارد کردند و میان تو و بین راحتی و نجات فاصله انداختند (یعنی نگذاشتند

جَدِّكَ، وَ بَدَّوْكَ بِالْحَرْبِ، فَثَبَّتَ لِلطُّغْنِ وَالضَّرْبِ، وَ

کار به شبانگاه برسد)، و تو را هیچ یآوری نمانده بود، و تو کار را به حساب

طَحَنَتَ جُنُودَ الْفُجَّارِ، وَاقْتَحَمَتَ قَسَطَلَ الْغُبَارِ، مُجَالِدًا

خدا واگذار کرده و صبر نمودی، و از زنان و اولادت دفاع می کردی. تا آنکه

بَدَى الْفَقَارِ، كَأَنَّكَ عَلَى الْمُخْتَارِ، فَلَمَّا رَأَوْكَ ثَابَتَ الْجَاشِ،

تو را از اسب سرنگون ساختند، و با بدنی مجروح بر زمین افتادی؛ اسبها با

غَيْرِ خَائِفٍ وَ لَا خَاشِ، نَصَبُوا لَكَ غَوَائِلَ مَكْرِهِمْ، وَ

سم‌هایشان تو را لگدکوب کردند و طغیان‌گران تو را با شمشیرهایشان

قَاتَلُوكَ بِكَيْدِهِمْ وَ شَرِّهِمْ، وَ أَمَرَ اللَّعِينُ جُنُودَهُ، فَمَنَعُوكَ

ضربه می زدند. عرق مرگ بر پیشانی‌ت نشست. و راست و چپ بدن مبارکت

الْمَاءَ وَ وُرُودَهُ، وَ نَاجَزُوكَ الْقِتَالَ، وَ عَاجَلُوكَ النَّزَالَ، وَ

را با جمع کردن و گشودن جابه‌جا می کردی. و با گوشه چشم به خیام و

رَشَقُوكَ بِالسَّهَامِ وَ النَّبَالِ، وَ بَسَطُوا إِلَيْكَ أَكْفَ الْأَصْطَلَامِ،

حرمت نگاه می کردی، و مصیبتی که بر تو وارد می شد تو را از فرزندان و

وَ لَمْ يَرْعَوْا لَكَ ذِمَامًا، وَ لَارَاقِبُوا فِيكَ أَثَامًا، فِي قَتْلِهِمْ

اهل بیعت به خود مشغول ساخته بود، و اسب تو شیون کنان و گریه کنان با

أَوْلِيَاءِكَ، وَ نَهَبَهُمْ رِحَالِكَ، وَ أَنْتَ مُقَدَّمٌ فِي الْهَبَوَاتِ، وَ

سرعت به سوی حرمت آمد، هنگامی که زنان اسب‌ت را شرمسار دیدند و به

مُحْتَمِلٍ لِلأَذْيَاتِ، قَدْ عَجِبَتْ مِنْ صَبْرِكَ مَلَائِكَةُ

زین و ازگوشش نظر افکندند، از خیمه‌ها بیرون آمدند، موهایشان را بر

السَّمَاوَاتِ، فَأَحْدَقُوا بِكَ مِنْ كُلِّ الْجِهَاتِ، وَ أَثْخَنُوكَ

چهره‌های پریشان کرده، بر چهره‌های بدون نقاب‌شان سیلی می زدند، و با

بِالْجِرَاحِ، وَحَالُوا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الرُّوَّاحِ، وَ لَمْ يَبْقَ لَكَ نَاصِرٌ،

صدای بلند ناله می زدند و تو را می خواندند، و آنان بعد از عزت ذلیل شده

وَ أَنْتَ مُحْتَسِبٌ صَابِرٌ، تَذُبُّ عَنْ نِسْوَتِكَ وَ أَوْلَادِكَ، حَتَّى

بودند، و به سوی قتلگاه تو شتافتند. در حالی که شمر (لعنه الله علیه) بر

نَكْسُوكَ عَنْ جَوَادِكَ، فَهَوَيْتَ إِلَى الْأَرْضِ جَرِيحًا، تَطْوُوكَ

روی سینهات نشسته بود و شمشیرش را بر گودی زیر گلوی تو فرو برده و

الْخِيُولَ بِحَوَافِرِهَا، وَ تَعْلُوكَ الطَّغَاةُ بِبَوَاتِرِهَا، قَدْ رَشَحَ

محاسنت را به دست گرفته بود، سرت را با شمشیر تیز خود می برید؛ در آن

لِلْمَوْتِ جَبِينُكَ، وَ اخْتَلَفَتْ بِالْانْتِقَاضِ وَ الْانْبِسَاطِ شِمَالُكَ

حالت حواسست از حرکت ایستاد و نفس هایت پنهان شد، و سرت بر بالای

وَ يَمِينُكَ، تُدِيرُ طَرْفًا خَفِيًّا إِلَى رَحْلِكَ وَ بَيْتِكَ، وَ قَدْ

نیزه بلند شد، و اهل بیت تو مانند بندگان و بردگان اسیر شدند، و در غل و

شُغِلْتَ بِنَفْسِكَ عَنْ وُلْدِكَ وَ أَهَالِيكَ، وَ أُسْرِعَ فَرَسُكَ

زنجیر به بند کشیده شدند. در فراز جهاز شتران، چهردهایشان را گرمای

شَارِدًا، إِلَى خِيَامِكَ قَاصِدًا، مُحْمَحِمًا بَاكِيًا، فَلَمَّا رَأَى

شدید می سوزاند، و در بیابانها و دشتها پیش برده می شدند؛ و

النِّسَاءُ جَوَادِكَ مَخْزِيًّا، وَ نَظَرْنَ سَرَجَكَ عَلَيْهِ مَلُويًّا،

دستهایشان به گردنهایشان آویخته و بسته بود، و آنها را در بازارها

بَرَزْنَ مِنَ الْخُدُورِ، نَاشِرَاتِ الشُّعُورِ عَلَى الْخُدُودِ، لَا طِمَامَاتِ

می چرخاندند. پس، وای بر آن گناه کاران فاسق که به راستی با کشتن تو

الْوُجُوهِ سَافِرَاتٍ، وَ بِالْعَوِيلِ دَاعِيَاتٍ، وَ بَعْدَ الْعَزِّ مُذَلَّلَاتٍ،

اسلام را کشتند، و نماز و روزه را رها کردند، و سنت‌ها و احکام را شکستند،

وَ إِلَى مَضْرَعِكَ مُبَادِرَاتٍ، وَ الشَّمْرُ جَالِسٌ عَلَى صَدْرِكَ،

و ستون‌های دین و ایمان را منهدم کردند، و آیات الهی قرآن را تحریف

وَ مَوْلِعٌ سَيْفُهُ عَلَى نَحْرِكَ، قَابِضٌ عَلَى شَيْبَتِكَ بِيَدِهِ،

نمودند، و در دشمنی و ظلم و ستم پیش تاختند. آنگاه که تو را شهید

ذَابِحٌ لَكَ بِمُهْنَدِهِ، قَدْ سَكَنْتَ حَوَاسُكَ، وَ خَفَيْتَ أَنْفَاسُكَ،

کردند به راستی رسول خدا - که درود خدا بر او و آل او باد - خون خود تو

وَ رُفِعَ عَلَى الْقَنَاةِ رَأْسُكَ، وَ سُبِيَ أَهْلُكَ كَالْعَبِيدِ، وَ

شد، و بار دیگر کتاب خدا متروک و دور افتاده شد؛ و حق، مورد خیانت قرار

صَفُّوْا فِي الْحَدِيدِ، فَوْقَ أَقْتَابِ الْمَطِيَّاتِ، تَلْفَحُ وَجُوهُهُمْ

گرفت. چون تو شکست خوردی؛ و با نبود تو، بانگ «الله اکبر» و «لا إله الا

حُرُّ الْهَاجِرَاتِ، يُسَاقُونَ فِي الْبَرَارِيِّ وَالْفُلُواتِ، أَيْدِيَهُمْ

الله» و حرام و حلال خدا و تنزیل و تأویل قرآن، ناپدید شد؛ و بعد از تو،

مَغْلُولَةٌ إِلَى الْأَعْنَاقِ، يُطَافُ بِهِمْ فِي الْأَسْوَاقِ، فَالْوَيْلُ

تغییر و دگرگونی (در احکام دینی) و بی‌دینی، و کنار گذاشتن سنت‌ها و

لِلْعَصَاةِ الْفُسَّاقِ، لَقَدْ قَتَلُوا بِقَتْلِكَ الْإِسْلَامَ، وَ عَطَلُوا الصَّلَاةَ

هواهای نفسانی، و گمراهی‌ها و فتنه‌ها و باطل‌ها و پدیدار گشت. پس،

وَ الصِّيَامَ، وَ نَقَضُوا السُّنْنَ وَ الْأَحْكَامَ، وَ هَدَمُوا قَوَاعِدَ

خبردهنده شهادت تو نزد قبر جد تو رسول خدا - درود خدا بر او و آل او

الْإِيمَانِ، وَحَرَّفُوا آيَاتِ الْقُرْآنِ، وَهَمَلُوا فِي الْبَغْيِ

باد - ایستاد، و با اشک ریزان خبر شهادت تو را به پیامبر داد؛ در حالی که

وَالْعُدْوَانِ، لَقَدْ أَصْبَحَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

می گفت: ای رسول خدا؛ نوه و جوانمرد تو کشته شد، و حرمت اهل بیت تو

مَوْتُورًا، وَعَادَ كِتَابُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مَهْجُورًا، وَغَوَدَ الْحَقُّ

شکسته و مباح شمرده شد؛ و فرزندان و ذریه تو را بعد تو اسیر کردند، و

إِذْ قَهَرْتَ مَقْهُورًا، وَفُقِدَ بِفَقْدِكَ التَّكْبِيرُ وَالتَّهْلِيلُ، وَالتَّحْرِيمُ

خانواده و اطرافیان در گرفتاری افتادند. پس پیامبر آشفته گردید، و قلب

والتَّحْلِيلُ، وَالتَّنْزِيلُ وَالتَّأْوِيلُ، وَظَهَرَ بِعَدِّكَ التَّغْيِيرُ

وحشت زده اش گریست؛ و به خاطر تو فرشتگان و پیامبران بر او تسلیت

والتَّبْدِيلُ، وَالْإِلْحَادُ وَالتَّعْطِيلُ، وَالْأَهْوَاءُ وَالأَضَالِيلُ، وَ

گفتند؛ و به خاطر تو مادرت زهرا سوگوار و مصیبت زده شد؛ و لشکریان

الْفِتْنُ وَالأَبَاطِيلُ، فَقَامَ نَاعِيكَ عِنْدَ قَبْرِ جَدِّكَ الرَّسُولِ

فرشتگان مقرب الهی برای تسلیت گفتن به پدرت امیر مؤمنان آمد و شد

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَنَعَاكَ إِلَيْهِ بِالدَّمْعِ الْهَطُولِ، قَائِلًا يَا

کردند، و در اعلیٰ علیین برای تو ماتم برپا شد، و به خاطر تو حورالعین

رَسُولَ اللَّهِ قَتَلَ سَبْطَكَ وَفَتَاكَ، وَاسْتَبِيحَ أَهْلَكَ وَحَمَاكَ،

سیلی بر صورت خود زدند، و آسمان و ساکنان آن، و بهشت و خزانه داران

وَ سُبَيْتِ بَعْدَكَ ذَرَارِيكَ، وَوَقَعَ الْمَحْذُورُ بِعَتْرَتِكَ وَذَوِيكَ،

آن، و کوهها و دامنه هایشان، و دریاها و ماهیانش، و بهشت و پسران آن، و

فَانزَعَجَ الرَّسُولُ، وَبَكَى قَلْبُهُ الْمَهُولُ، وَعَزَّاهُ بِكَ الْمَلَائِكَةُ

خانه خدا، و مقام، و مشعر الحرام و خارج خانه خدا و اطراف آن، همه گریه

وَ الْأَنْبِيَاءُ، وَفُجِعَتْ بِكَ أُمَّكَ الزَّهْرَاءُ، وَ اخْتَلَفَتْ جُنُودُ

کردند. خدایا! پس به خاطر حرمت و احترام این مکان شریف، بر محمد و

الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبِينَ، تُعْزَى أَبَاكَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، وَ أَقِيمَتْ

آل محمد درود فرست؛ و مراد زمره آنان محشور فرما، و مرا به شفاعت

لَكَ الْمَاءُ فِي أَعْلَى عَلِيَّيْنِ، وَ لَطَمَتْ عَلَيْكَ الْحُورُ الْعَيْنُ،

آنان داخل بهشت نما. خدایا! به تو توسل پیدا می کنیم؛ ای سریع ترین

وَ بَكَتِ السَّمَاءُ وَ سُكَّانُهَا، وَ الْجَنَانُ وَ خَزَائِنُهَا، وَ الْهَضَابُ

حساب گران؛ و ای کریم ترین کریمان؛ و ای با اقتدارترین حاکمان؛ و به

وَ أَقْطَارُهَا، وَ الْبِحَارُ وَ حَيْثَانُهَا، وَ الْجِنَانُ وَ وَلْدَانُهَا، وَ

محمد خاتم پیامبران، فرستاده تو بر همه جهانیان؛ و به برادر و پسر عمویش

الْبَيْتُ وَ الْمَقَامُ، وَ الْمَشْعَرُ الْحَرَامُ، وَ الْحِلُّ وَ الْأَحْرَامُ،

که از شرک و بت پرستی جدا شده و درویش نباشیده از دانش بود، آن عالم

اللَّهُمَّ فَبِحُرْمَةِ هَذَا الْمَكَانِ الْمُنِيفِ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ

و دانشمند و الامقام یعنی حضرت علی امیر مؤمنان؛ و به فاطمه سرور زنان

مُحَمَّدٍ، وَ أَحْشُرْنِي فِي زُمْرَتِهِمْ، وَ ادْخِلْنِي الْجَنَّةَ بِشَفَاعَتِهِمْ،

جهانیان، و به حسن، که پاکیزه و پیرناه پرهیزکاران است؛ و به ابی عبدالله

اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ يَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ، وَ يَا أَكْرَمَ

الحسین، گرامی ترین شهادت جوین و به فرزندان شهیدش و به خاندان

الْأَكْرَمِينَ، وَ يَا أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ، بِمُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ،

مظلومش؛ و به علی بن الحسین زینت عبادت کنندگان؛ و به محمد بن

رَسُولِكَ إِلَى الْعَالَمِينَ أَجْمَعِينَ، وَ بِأَخِيهِ وَابْنِ عَمِّهِ الْأَنْزَعِ

علی، قبله گاه توبه کنندگان؛ و به جعفر بن محمد، راستگوترین راستگویان؛

الْبَاطِنِ، الْعَالِمِ الْمَكِينِ، عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَ بِفَاطِمَةَ

و به موسی بن جعفر، آشکار کننده حجت‌ها؛ و به علی بن موسی یاری کننده

سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، وَ بِالْحَسَنِ الزَّكِيِّ عَصْمَةَ الْمُتَّقِينَ،

دین؛ و به محمد بن علی، اسوه هدایت کنندگان؛ و به علی بن محمد،

وَ بِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ أَكْرَمِ الْمُسْتَشْهِدِينَ، وَ بِأَوْلَادِهِ

زاهدترین زاهدان؛ و به حسن بن علی و کثرت جانشیان، و حجت بر همه خلق

الْمَقْتُولِينَ، وَ بِعُتْرَتِهِ الْمَظْلُومِينَ، وَ بِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ زَيْنِ

خدا؛ اینکه درود فرستی بر محمد و آل محمد آن راستگویان نیکوکاران، آل

الْعَابِدِينَ، وَ بِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ قِبْلَةَ الْأَوَّابِينَ، وَ جَعْفَرِ بْنِ

طه و یسر؛ و اینکه مرا در قیامت از جمله امان یافتگان و آسودگان و

مُحَمَّدِ أَصْدَقِ الصَّادِقِينَ، وَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ مُظْهِرِ

رستگاران و شادمانان و بشارت یافتگان قرار دهی. خدایا؛ مرا از جمله

الْبَرَاهِينِ، وَ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى نَاصِرِ الدِّينِ، وَ مُحَمَّدِ بْنِ

مسلمانان قرار ده، و مرا به صالحان ببیوند، و برای من در میان آیندگان

عَلِيٍّ قُدْوَةَ الْمُهْتَدِينَ، وَ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ أَزْهَدِ الزَّاهِدِينَ،

سخن راست قرار ده، و مرا بر ستمگران پیروز فرما، و مرا از مکر حسودها

وَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَارِثِ الْمُسْتَخْلَفِينَ، وَالْحُجَّةَ عَلِيَّ

کفایت کن، و از من به حیلۀ مکاران را باز گردان، و دست ستمکاران را از

الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِينَ

مِن كُوتاه کن، و مرا با سروران فرخنده در اعلا علیین؛ با آنان که بر آنها

الْأَبْرِيِّينَ، آلِ طِهٍ وَ يَسٍ، وَ أَنْ تَجْعَلَنِي فِي الْقِيَامَةِ مِنْ

نعمت ارزانی داشتی - از پیامبران و راستگویان و شهدا و صالحان جمع

الْآمِنِينَ الْمُطْمَئِنِّينَ، الْفَائِزِينَ الْفَرِحِينَ الْمُسْتَبْشِرِينَ، اللَّهُمَّ

نما؛ به رحمتت ای مهربان ترین مهربانان. خدایا؛ تو را سوگند می دهم به

اَكْتُبْنِي فِي الْمُسْلِمِينَ، وَ الْحَقْنِي بِالصَّالِحِينَ، وَ اجْعَلْ لِي

حق پیامبرت که معصوم از گناه است و به آن حکم حتمیت، و نهی

لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ، وَ انصُرْنِي عَلَيَّ الْبَاغِينَ، وَ اكْفِنِي

پوشیدات؛ و به این قبر شریف که به زیارت آن آمد و شد می شد، و امام

كَيْدِ الْحَاسِدِينَ، وَ اصْرِفْ عَنِّي مَكْرَ الْمَاكِرِينَ، وَ اقْبِضْ

معصومی که در سایه آن آرمیده است، که مظلومانه کشته شده؛ اینکه آنچه

عَنِّي أَيْدِيَ الظَّالِمِينَ، وَ اجْمَعْ بَيْنِي وَ بَيْنَ السَّادَةِ الْمِيَامِينَ

از غم دارم بر طرف سازی، و از من شر قضا و قدر حتمی را باز گردانی، و از

فِي أَعْلَى عَلِيَّيْنِ، مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ

آتش گرم و سوزان جهنم مرا پناه دهی. خدایا؛ مرا به نعمت خودت بزرگی

وَ الصِّدِّيقِينَ وَ الشُّهَدَاءَ، وَ الصَّالِحِينَ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ

بخش، و مرا به قسمتت راضی نما، و مرا غرق جود و کرمت فرما، و مرا از

الرَّاحِمِينَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَقْسِمُ عَلَيْكَ بِنَبِيِّكَ الْمَعْصُومِ، وَ

مکر و مجازات خود دور نما. خدایا! مرا از لغزش‌ها محفوظ بدار، و مرا در

بِحُكْمِكَ الْمَخْتُومِ، وَنَهْيِكَ الْمَكْتُومِ، وَبِهَذَا الْقَبْرِ الْمَلْمُومِ،

قول و عمل استوار گردان، و وسعت و فراخی در دوران عمرم برابم قرار بده،

الْمُوسَدِّ فِي كَنَفِهِ الْإِمَامُ الْمَعْصُومُ، الْمَقْتُولُ الْمَظْلُومُ، أَنْ

و از دردها و مریضی‌ها مرا عافیت بخش، و به حق اولیایم، و به بخشش و

تَكْشِفَ مَا بِي مِنَ الْغُومِ، وَتَصْرِفَ عَنِّي شَرَّ الْقَدَرِ

کرمت، مرا به بهترین آرزوهایم برسان. خدایا! بر محمد و آل محمد درود

الْمَخْتُومِ، وَتُجِيرَنِي مِنَ النَّارِ ذَاتِ السَّمُومِ، اللَّهُمَّ جَلِّلْنِي

فرست، و توبه مرا قبول فرما؛ و بر گریه‌ام رحم نما، و از لغزشم درگذر، و

بِنِعْمَتِكَ، وَرَضْنِي بِقَسْمِكَ، وَتَعَمَّدْنِي بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ،

اندوهم را برطرف کن، و گناهان مرا ببخش، و نسل مرا از صالحان قرار ده.

وَ بَاعِدْنِي مِنْ مَكْرِكَ وَنِقْمَتِكَ، اللَّهُمَّ اعْصِمْنِي مِنَ الزَّلَلِ،

خدایا! برای من وامگذار در این حرم شریف و بارگاہ با کرامت هیچ گناهی

وَ سَدِّدْنِي فِي الْقَوْلِ وَالْعَمَلِ، وَأَفْسَحْ لِي فِي مُدَّةِ الْأَجَلِ،

را مگر آنکه آن را بیخشی و هیچ عیبی را مگر آنکه بپوشانی، و هیچ غمی را

وَ أَعْفِنِي مِنَ الْأَوْجَاعِ وَالْعَلَلِ، وَبَلِّغْنِي بِمَوَالِيٍّ وَبِفَضْلِكَ

مگر آنکه برطرف کنی؛ و هیچ رزقی و روزی را مگر آنکه گسترده گردانی، و

أَفْضَلَ الْأَمَلِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَقْبَلْ

هیچ منزلت و مقامی را مگر آنکه آن را آباد کنی، و هیچ فسادی را مگر

تَوْبَتِي، وَارْحَمْ عِبْرَتِي، وَأَقْلِنِي عَثْرَتِي، وَنَفْسُ كُرْبَتِي،

آنکه آن را اصلاح فرمایی؛ و هیچ آرزویی را مگر آنکه مرا به آن رسانی، و

وَاعْفِرْ لِي خَطِيئَتِي، وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي، اللَّهُمَّ لَا تَدْعُ

هیچ دعایی را مگر آنکه آن را اجابت فرمایی، و هیچ تنگی و فشاری را مگر

لِي فِي هَذَا الْمَشْهَدِ الْمُعْظَمِ، وَالْمَحَلِّ الْمُكْرَمِ ذَنْبًا إِلَّا

آن را گشایش دهی، و هیچ تفرق و پراکندگی را مگر آنکه آن را به اجتماع

غَفْرَتِهِ، وَلَا عَيْبًا إِلَّا سَتَرْتَهُ، وَلَا غَمًّا إِلَّا كَشَفْتَهُ، وَلَا رِزْقًا

مبذل گردانی، و هیچ کاری را مگر آنکه آن را تمام کنی، و به پایان رسانی،

إِلَّا بَسَطْتَهُ، وَلَا جَاهًا إِلَّا عَمَرْتَهُ، وَلَا فِسَادًا إِلَّا أَصْلَحْتَهُ،

و هیچ مالی را مگر آنکه آن را زیادش کنی، و هیچ اخلاقی را مگر آنکه آن

وَلَا أَمَلًا إِلَّا بَلَّغْتَهُ، وَلَا دُعَاءً إِلَّا أَجَبْتَهُ، وَلَا مَضِيقًا إِلَّا

را نیکو فرمایی، و هیچ اتفاقی را مگر آنکه جایگزین برایش قرار دهی، و هیچ

فَرَجْتَهُ، وَلَا شَمْلًا إِلَّا جَمَعْتَهُ، وَلَا أَمْرًا إِلَّا أَتَمَمْتَهُ، وَ

دگرگونی حالی را مگر آنکه آن را خوب و آباد نمایی؛ و هیچ حسودی را مگر

لَا مَالًا إِلَّا كَثَّرْتَهُ، وَلَا خُلُقًا إِلَّا حَسَّنْتَهُ، وَلَا إِتْفَاقًا إِلَّا

آنکه آن را ریشه کن نمایی، و هیچ دشمنی را مگر آنکه آن را از میان ببری،

أَخْلَفْتَهُ، وَلَا حَالًا إِلَّا عَمَرْتَهُ، وَلَا حُسُودًا إِلَّا قَمَعْتَهُ، وَ

و هیچ شر و بدی را مگر آنکه کفایت کنی، و هیچ مرضی را مگر آنکه آن را

لَا عَدُوًّا إِلَّا أَرْدَيْتَهُ، وَلَا شَرًّا إِلَّا كَفَيْتَهُ، وَلَا مَرَضًا إِلَّا

شفا دهی، و هیچ دوری را مگر آنکه آن را نزدیک فرمایی، و هیچ پراکندگی

شَفِيئَتُهُ، وَ لَا بَعِيداً إِلَّا أَدْنَيْتَهُ، وَ لَا شَعْتاً إِلَّا لَمَمْتَهُ، وَ لَا

را مگر آنکه آن را سامان دهی، و هیچ درخواستی را مگر آنکه آن را عطا

سُؤَالاً إِلَّا أَعْطَيْتَهُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ الْعَاجِلَةِ، وَ

نمایی. خدایا! از تو می‌خواهم خیر و خوبی حاضر و ثواب و پاداش آینده را.

ثَوَابَ الْآجِلَةِ، اللَّهُمَّ أَغْنِنِي بِحَلَالِكَ عَنِ الْحَرَامِ، وَ بِفَضْلِكَ

خدایا! مرا به واسطه حلالیت از حرام بی‌نیاز فرما، و با فضل و کرمیت از تمام

عَنْ جَمِيعِ الْأَنَامِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ عِلْماً نَافِعاً، وَ قَلْباً

مردم بی‌نیاز ساز. خدایا! از تو می‌خواهم علمی که سودمند باشد، و قلبی که

خَاشِعاً، وَ يَقِيناً شَافِئاً، وَ عَمَلاً زَاكِياً، وَ صَبْراً جَمِیلاً، وَ

خاشع باشد، و یقینی را که قاطع باشد، و عملی که پاک باشد، و صبری را

أَجْراً جَزِیلاً، اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي شُكْرَ نِعْمَتِكَ عَلَيَّ، وَ زِدْ فِي

که زیبا باشد، و اجری را که زیاد باشد. خدایا! شکر و سپاس نعمت را که

إِحْسَانِكَ وَ كَرَمِكَ إِلَيَّ، وَ اجْعَلْ قَوْلِي فِي النَّاسِ مَسْمُوعاً،

بر گردن من است روزیم فرما، و احسان و کرمیت را بر من زیاد نما، و سختم

وَ عَمَلِي عِنْدَكَ مَرْفُوعاً، وَ أَثْرِي فِي الْخَيْرَاتِ مَتْبُوعاً، وَ

را در میان مردم پذیرفته شده قرار ده، و عملم را در نزد خودت بالا ببر و

عَدُوِّي مَقْمُوعاً، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

بپذیر، و اثر مرا در خیرات مورد پیروی دیگران قرار بده، و دشمنم را ریشه

الْأَخْيَارِ، فِي آنَاءِ اللَّيْلِ وَ أَطْرَافِ النَّهَارِ، وَ اكْفِنِي شَرَّ

کن نما. خدایا! درود فرست بر محمد و آل محمد، که نیکوکاران (در میان

الأشرار، وَطَهَّرَنِي مِنَ الذُّنُوبِ وَالْأَوْزَارِ، وَاجْرِنِي

بندگان) هستند، در تمامی لحظات شب و روز؛ و از من دور نما شر اشخاص

مِنَ النَّارِ، وَاحْلِنِي دَارَ الْقَرَارِ، وَاغْفِرْ لِي وَ لِجَمِيعِ

شور و بدکاران را، و مرا از گناهان و بار گران آن پاک فرما، و از آتش جهنم

إِخْوَانِي فِيكَ وَ أَخَوَاتِي الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ، بِرَحْمَتِكَ

پناهم ده. و در خانه بهشت وارد کن، و مرا و تمامی برادران و خواهران مؤمنی

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

که در راه تو آنها را یافته‌ام و به رحمتت بیامرز، ای مهربان‌ترین مهربانان؛

سپس رو به قبله کن و دو رکعت نماز به جای آور؛ در رکعت

اول بعد از حمد، سوره «انبیا»، و در رکعت دوم بعد از حمد، سوره

«حشر» را بخوان، و در قنوت بگو:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ،

هیچ معبودی جز خدای بردبار و کریم نیست؛ هیچ معبودی جز خدای بلندمرتبه و

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَالْأَرْضِينَ السَّبْعِ، وَ

بزرگ نیست، هیچ معبودی نیست جز خدایی که پروردگار آسمان‌های هفت‌گانه و

مَا فِيهِنَّ وَ مَا بَيْنَهُنَّ، خِلَافًا لِأَعْدَائِهِ، وَ تَكْذِيبًا لِمَنْ عَدَلَ

زمین‌های هفت‌گانه و آنچه در آنها و میان آنهاست؛ برخلاف دشمنانش، و تکذیب

بِهِ، وَ إِقْرَارًا لِلرُّبُوبِيَّتِهِ، وَ خُضُوعًا لِعِزَّتِهِ، الْأَوَّلُ بغيرِ أَوَّلٍ،

کسانی که از او روی برتافته‌اند، و اقرار به ربوبیت او، و خضوع در برابر عزت او، او اول

وَالْآخِرُ إِلَىٰ غَيْرِ آخِرٍ، الظَّاهِرُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ بِقُدْرَتِهِ،

و ابتدایی است که آغاز ندارد، و آخری است که هیچ انتهایی ندارد و او، غلبه دارد بر

الْبَاطِنُ دُونَ كُلِّ شَيْءٍ بِعِلْمِهِ وَ لَطْفِهِ، لَا تَقْفُ الْعُقُولُ

هر چیز به سبب قدرتش، و با دانش و دقتش از درون هر چیز آگاه است. عقل‌ها بر

عَلَىٰ كُنْهِ عَظَمَتِهِ، وَ لَا تُدْرِكُ الْأَوْهَامُ حَقِيقَةَ مَا هَيْتِهِ، وَ

کنه و عظمت او راه ندارند. و اوهام حقیقت ذات او را درک نمی‌کنند، و جان‌ها کیفیت

لَا تَتَّصِرُ الْأَنْفُسُ مَعَانِيَ كَيْفِيَّتِهِ، مُطَّلِعًا عَلَىٰ الضَّمَائِرِ،

و چگونگی او را نمی‌توانند تصور کنند، بر امور پنهانی آگاه و بر پنهانی‌ها آشنا است؛

عَارِفًا بِالسَّرَائِرِ، يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَ مَا تُخْفِي الصُّدُورُ،

خیانت چشم‌ها و آنچه را در سینه‌ها پنهان است، می‌داند. خدایا! تو را گواهی می‌گیرم بر

اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ عَلَىٰ تَصْدِيقِي رَسُولِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

تصدیق من نسبت به پیامبرت - که درود خدا بر او و آل او باد - و ایمانم به او؛ و آگاهیم

وَ آلِهِ وَ إِيْمَانِي بِهِ، وَ عِلْمِي بِمَنْزِلَتِهِ، وَ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّهُ

نسبت به مقام و منزلتش؛ و شهادت می‌دهم که همانا او پیامبری است که حکمت به

النَّبِيُّ الَّذِي نَطَقَتِ الْحِكْمَةُ بِفَضْلِهِ، وَ بَشَّرَتِ الْأَنْبِيَاءُ بِهِ،

فضل و دانش او گویا گشت، و پیامبران به آمدن او بشارت دادند. و دعوت به اقرار به

وَ دَعَتْ إِلَىٰ الْأَقْرَارِ بِمَا جَاءَ بِهِ، وَ حَثَّتْ عَلَىٰ تَصْدِيقِهِ،

آنچه آورده است، کردند و تشویق و تصدیقش نمودند؛ همان‌گونه که خداوند فرمود:

بِقَوْلِهِ تَعَالَىٰ: «الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ

«کسی است که نامش را در تورات و انجیل نوشته شده می‌یابند، او آنها را به کارهای

وَ الْأَنْجِيلَ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهِيهِمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ

نیکی امر می کند و از کارهای زشت باز می دارد و پاکها را برای آنها حلال می کند، و

يُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَ يُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَ يَضَعُ

الْوَدْعَىٰ هَا وَ بَلِيدِي هَا رَا بَرَايِ اَنهَا حَرَامٌ مِي نَمَايِد؛ وَ بَرَمِي دَارِد اَز دُوش ايشان سَنگِينِي

عَنْهُمْ اِضْرَهُمْ وَ الْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ»، فَصَلِّ عَلَيَّ

وَ بَارِ گِرَانِ وَ غَلِّ وَ زَنْجِيرِي رَا كِه بَر گَرْدَن دَارَنَد. پَس، دَرُودِ فَرَسْتِ بَرِ مُحَمَّدِ رَسُولِ

مُحَمَّدٍ رَسُولِكَ اِلَى الثَّقَلَيْنِ، وَ سَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ الْمُصْطَفَيْنِ،

وَ فَرَسْتَا دِهَاتِ بِه سَوِي جَنِّ وَ اَنَسِ وَ سَيِّدِ وَ سَرُورِ اَنْبِيَايِ بَر گَزِيْدِهَاتِ؛ وَ دَرُودِ فَرَسْتِ

وَ عَلَيَّ اَخِيهِ وَ ابْنِ عَمَّتِهِ، الَّذِينَ لَمْ يُشْرِكَا بِكَ طَرْفَةَ

بَر بَرَادَرِشِ وَ پَسَرَعَمُوِيَشِ، اَن دُو كِه حَتِّي بَرَايِ يَكِ لِحْظَلِه وَ يَكِ چَشْمِ بِه هَم زَدَن

عَيْنِ اَبْدَاءٍ وَ عَلَيَّ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، وَ

بَرَايِ تُو شَرِكِ نُوْر زِيْدَنَد؛ وَ بَرِ فَاطِمَةُ زَهْرَا، سَيِّدِه وَ سَرُورِ زَن هَايِ جِهَانِيَانِ؛ وَ بَرِ دُو

عَلَيَّ سَيِّدِي شَبَابِ اَهْلِ الْجَنَّةِ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ، صَلَاةٌ

سَرُورِ جَوَانَانِ اَهْلِ بِيَهْسْتِ، حَسَنِ وَ حَسِيْنِ، دَرُودِي كِه جَاوَدَانِي وَ دَايْمِي بَاشَد؛ بِه

خَالِدَةَ الدَّوَامِ، عَدَدَ قَطْرِ الرَّهَامِ، وَ زَنَةَ الْجِبَالِ وَ الْاَكَامِ،

تَعْدَادِ قَطْرَه هَايِ بَارَانِ، وَ بِه سَنگِينِي كُوَه هَا وَ تَبَه هَا تا وَ قْتِي كِه سَلَامِ بَرِ گِ (وَ نَتِيْجَه)

مَا اَوْزَقَ السَّلَامُ، وَ اخْتَلَفَ الضِّيَاءُ وَ الظَّلَامُ، وَ عَلَيَّ اِلَه

مِي دِهَد؛ وَ تا وَ قْتِي كِه نُوْر وَ ظَلَمْتِ (شَبِ وَ رُوْزِ) دَرِ رَفْتِ وَ اَمَدَنَد؛ وَ سَلَامِ بَرِ اَلِ يَكِ

الطَّاهِرِينَ، الْأُمَّةَ الْمُهْتَدِينَ، الذَّاكِرِينَ عَنِ الدِّينِ، عَلَيَّ

اَو، اِمَامَانِ هِدَايَتِ شُدِه - اَن مَدَا فَعَانِ دِيْنِ - يَعْني عَلِيٌّ وَ مُحَمَّدٌ وَ جَعْفَرٌ وَ مُوسَىٰ وَ عَلِيٌّ

و مُحَمَّدٍ وَ جَعْفَرَ وَ مُوسَى وَ عَلِيٍّ وَ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ

و محمد و علی و حسن و حجت؛ که به پا دارندگان عدالت و قسطاند، و از نسل سبط

وَالْحَسَنَ وَ الْحُجَّةَ الْقَوَّامَ بِالْقِسْطِ، وَ سُلَالََةَ السَّبْطِ، اَللّٰهُمَّ

بیامبرند. خدایا؛ از تو می‌خواهم به حق این امام گشایش نزدیک، و صبر و جمیل، و

اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِحَقِّ هَذَا الْاِمَامِ فَرَجًا قَرِیْبًا، وَ صَبْرًا جَمِیْلًا،

یاری با عزت، و بی‌نیازی از خلق، و پایداری در هدایت، و توفیق بر آنچه آن را دوست

وَ نَصْرًا عَزِیْزًا، وَ غِنًیَّ عَنِ الْخَلْقِ، وَ ثَبَاتًا فِی الْهُدٰی، وَ

داری، و می‌پسندی؛ و رزق و روزی گسترده، حلال، پاک، و گوارا، قطع نشدنی،

التَّوْفِیْقَ لِمَا تُحِبُّ وَ تَرْضٰی، وَ رِزْقًا وَّاسِعًا حَلَالًا طَیْبًا،

خوش گوارا، فراوان، زیاد شده، و پیوسته ریزان بدون زحمت و سختی، و بی‌هیچ منتهی

مَرِیْنًا دَارًا سَائِغًا، فَاضِلًا مُفْضَلًا صَبَابًا، مِنْ غَیْرِ كَدٍّ وَ

از کسی، و مصون از هر بلا و بیماری و مریضی، و شکرگزاری بر سلامت و عافیت و

لَا نَكْدَ، وَ لَا مَنَّةَ مِنْ اَحَدٍ، وَ عَافِیَةَ مِنْ كُلِّ بَلَاءٍ وَ سَقَمٍ

نعمت را به من عنایت کنی. و هنگامی که مرگ فرا رسد جان ما را در بهترین حال،

وَ مَرَضٍ، وَ الشُّكْرَ عَلٰی الْعَافِیَةِ وَ النُّعْمَاءِ، وَ اِذَا جَاءَ

از نظر اطاعت و فرمانبرداری بگیر؛ در حالتی که رعایت کننده و اجراکننده فرامین تو

الْمَوْتُ فَاَقْبِضْنَا عَلٰی اَحْسَنِ مَا یَكُوْنُ لَكَ طَاعَةً، عَلٰی

باشیم؛ تا اینکه ما را به بهشت بر نعمت برسانی؛ به رحمت، ای مهربان‌ترین مهربانان.

مَا اَمَرْتَنَا مُحَافِظِیْنَ حَتّٰی تُؤَدِّیْنَا اِلٰی جَنَّاتِ النَّعِیْمِ،

خدایا؛ بر محمد و آل محمد درود فرست، و مرا از دنیا و حشت زده و با آخرت مانوس

بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ

مُحَمَّدَانِ، جَرَا كَهْ بَه هِرَاسِ اَز دُنْيَا نَمِي اِرزْد مِگر هِرَاسِ اَز تُو؛ وَ بَا اُخْرَتِ مَانُوسِ نَمِي سَازَد

اَلْمُحَمَّدِ، وَ اَوْحِشْنِي مِنَ الدُّنْيَا وَ اَنْسِنِي

مِگر اَميد بَه تُو، خُدَايَا؛ حَجَّتْ وَ بَرَهَانِ بَه نَفْعِ تُو سَت، نَه بَه ضَررِ تُو؛ وَ شَكُودَهَا بَدِ سَوِي

بِالْآخِرَةِ، فَإِنَّهُ لَا يُوحِشُ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا خَوْفُكَ، وَ

تُو سَت، نَه شَكُودِ اَز تُو بَاشَد؛ بَسِ، دِرُودِ فَرَسْتِ بَرِ مُحَمَّدِ وَ اَلِ اَوْ؛ وَ مَرَا بَرِ نَفْسِ سَتَمِگر

لَا يُؤْنِسُ بِالْآخِرَةِ إِلَّا رَجَاؤُكَ، اللَّهُمَّ لَكَ الْحُجَّةُ لَاعْلِيكَ،

وَ سِرْ كَشِمِ، وَ بَرِ شَهْوَتِ چِيرِدِ شُونْدَدَامِ يَارِي نَمَا؛ وَ بَا عَافِيَتِ كَارَمِ رَا بَه بَايَانِ بَرِ سَانِ

وَ إِلَيْكَ الْمُشْتَكَى لِامْنِكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ

خُدَايَا؛ هِمَانَا طَلِبِ اَمْرِزْشِمِ اَز تُو، دَرِ حَالِي كَه بَرِ اُنْجَهِ اَز مَنِ نَهِي فَرْمُودِي بَافْشَارِي

أَعْنِي عَلَى نَفْسِي الظَّالِمَةَ العَاصِيَةَ، وَ شَهْوَتِي الغَالِبَةَ،

مِي كَنِمِ، اَز كَمِي حَيَا وَ شَرَمِ مَنِ اَسْتِ، وَ تَرَكِ كَرْدَنِ مَنِ اسْتِغْفَارِ رَا، يَا عِلْمِ مَنِ بَه

وَ اُخْتَمِ لِي بِالعَافِيَةِ، اللَّهُمَّ إِنَّ اسْتِغْفَارِي إِيَّاكَ وَ أَنَا مُصْرٌّ

گَسْتَرَشِ بَرِ دَبَارِي تُو، اَز بَيْنِ بَرِنْدَهٗ حَقِّ اَمِيدُوَارِي اَسْتِ. بَارِ اَلِهَا؛ هِمَانَا گَنَاهَانِمِ مَرَا اَز

عَلَى مَا نَهَيْتَ قَلَّةُ حَيَاءٍ، وَ تَرَكِي الاسْتِغْفَارَ مَعَ عِلْمِي

اَمِيدُوَارِ بُوْدَنِ بَه تُو نَا اَميدِ سَاخْتَه، وَ عِلْمِ مَنِ بَرِ زِيَادِي رَحْمَتِ مَرَا اَز هِرَاسِ اَز تُو بَازِ

بِسَعَةِ حِلْمِكَ تَضْيِيعُ لِحَقِّ الرَّجَاءِ، اللَّهُمَّ إِنَّ ذُنُوبِي

مِي دَارَدِ؛ بَسِ دِرُودِ فَرَسْتِ بَرِ مُحَمَّدِ وَ اَلِ مُحَمَّدِ، وَ اَميدِ مَرَا بَرِ خُودَتِ صَادِقِ وَ بَه جَا

تُؤَيِّسُنِي أَنْ اُرْجُوكَ، وَ إِنَّ عِلْمِي بِسَعَةِ رَحْمَتِكَ يَمْنَعُنِي

وَ بَه مَورِدِ قَرَارِ بَدَه، وَ تَرَسْمِ رَا اَز تُو بِي مَورِدِ وَ بِي جَا فَرَمَا، وَ بَرَايِ مَنِ اَنگُونَه كَه بَه تُو

أَنْ أَخْشَاكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَصَدِّقْ

خوش گمان هستم باشی؛ ای کریم‌ترین کریم‌ها؛ خدایا؛ بر محمد و آل محمد درود

رَجَائِي لَكَ، وَكَذَبْ خَوْفِي مِنْكَ، وَكُنْ لِي عِنْدَ أَحْسَنِ

فرست، و مرا با بازداشتن از گناه تأیید کن، و زبانم را به حکمت گویا نما، و مرا از

ظَنِّي بِكَ يَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ

کسانی قرار ده که بر گذشته ضایع شده خود بشیمان‌اند؛ و نسبت به بهره امروزشان

أَلِ مُحَمَّدٍ وَ أَيْدِي بِالْعِصْمَةِ، وَ أَنْطِقْ لِسَانِي بِالْحِكْمَةِ، وَ

مغبون نگشته‌اند؛ و اهتمامی به روزی فردا ندارند. بارالها؛ دارا کسی است که به واسطه

أَجْعَلْنِي مِمَّنْ يَنْدُمُ عَلَى مَا ضَيَّعَهُ فِي أَمْسِهِ، وَ لَا يَغْبِنُ

تو بی‌نیازی بجوید و خود را نیازمند تو بداند؛ و نیازمند و فقیر، کسی است که به جای

حَظَّهُ فِي يَوْمِهِ، وَ لَا يَهُمُّ لِرِزْقِ غَدِهِ، اللَّهُمَّ إِنَّ الْغَنِيَّ مَنْ

تواز خلق و آفریدگانت بی‌نیازی بجوید؛ پس، بر محمد و آل محمد درود بفرست، و

اسْتَعْنَى بِكَ وَ افْتَقَرَ إِلَيْكَ، وَ الْفَقِيرَ مَنْ اسْتَعْنَى بِخَلْقِكَ

مرا به وسیله خودت از آفریدگانت بی‌نیاز گردان، و مرا از کسانی قرار ده که دستش

عَنْكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَغْنِنِي عَنْ

را جز به سوی تو دراز نکند. بار خدایا؛ به راستی، بدبخت و بد عاقبت کسی است که

خَلْقِكَ بِكَ، وَ أَجْعَلْنِي مِمَّنْ لَا يَبْسُطُ كَفًّا إِلَّا إِلَيْكَ، اللَّهُمَّ

ناامید باشد از درگاه تو در حالی که پیش رویش توبه و پشت سرش رحمت باشد، و

إِنَّ الشَّقِيَّ مَنْ قَنَطَ وَ أَمَامَهُ التَّوْبَةُ وَ وَرَاءَهُ الرَّحْمَةُ،

گرچه من دارای ضعف و سستی در عمل به دستورات هستم، لیکن نسبت به رحمت

وَإِنْ كُنْتُ ضَعِيفَ الْعَمَلِ فَإِنِّي فِي رَحْمَتِكَ قَوِيٌّ الْأَمَلِ،

تو ارزو و امیدم قوی است؛ پس ضعف رفتارم را به خاطرت قوت ارزو و امیدم بر من

فَهَبْ لِي ضَعْفَ عَمَلِي لِقُوَّةِ أَمَلِي، اللَّهُمَّ إِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ

بیخشی، خدایا؛ اگر در بین بندگانت سنگدل تر از من و گناهکارتر از من سراغ نداشته

أَنَّ مَا فِي عِبَادِكَ مَنْ هُوَ أَقْسَى قَلْبًا مِنِّي وَأَعْظَمُ مِنِّي

باشی؛ من هم به خوبی می دانم که مولا و سروری بخشنده تر، و دارای رحمت و عفو

ذَنْبًا، فَإِنِّي أَعْلَمُ أَنَّهُ لَا مَوْلَىٰ أَعْظَمُ مِنْكَ طَوْلًا، وَأَوْسَعُ

و بخشش فراگیرتر از تو وجود ندارد؛ پس، ای کسی که در رحمتش بی نظیر است.

رَحْمَةً وَعَفْوًا، فَيَأْمَنُ هُوَ أَوْحَدٌ فِي رَحْمَتِهِ، إِغْفِرْ لِمَنْ

بیمرز؛ کسی را که در گناهش تنها و یکه تاز نیست. بارالها؛ تو به ما دستور دادی ولی

لَيْسَ بِأَوْحَدٍ فِي خَطِيئَتِهِ، اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَمْرَتَنَا فَعَصَيْنَا، وَ

نافرمانی کردیم؛ و ما را بازداشتی ولی اجتناب نکردیم؛ و یادآوری کردی، و ما خود را

نَهَيْتَ فَمَا أَنْتَهَيْنَا، وَذَكَرْتَ فِتْنَانَا، وَبَصَّرْتَ فَتَعَامَيْنَا،

به فراموشی زدیم؛ و ما را بینا کردی، ولی ما خود را به کوری زدیم؛ و ما را بر حذر

وَ حَذَّرْتَ فَتَعَدَّيْنَا، وَ مَا كَانَ ذَلِكَ جَزَاءً إِحْسَانِكَ إِلَيْنَا،

داشتی، و ما تجاوز کردیم؛ و به خوبی می دانم که این کارها پاداش احسان و نیکی

وَ أَنْتَ أَعْلَمُ بِمَا أَعْلَنَّا وَ أَخْفَيْنَا، وَ أَخْبَرْنَا بِمَا نَأْتِي وَ

تو نسبت به ما نمی باشی؛ و تو بهتر از ما، از کرده های پنهان و آشکارمان آگاهی؛ و

مَا أَتَيْنَا، فَصَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ لَا تُؤَاخِذْنَا

آنچه را انجام خواهیم داد و در گذشته انجام داده ایم بهتر می دانی؛ پس، بر محمد و

بِمَا أَخْطَأْنَا وَنَسِينَا، وَهَبْ لَنَا حُقُوقَكَ لَدَيْنَا، وَآتِنَا

آل محمد درود بفرست و ما را مؤاخذه مکن به جهت گناهان و اشتباهات و فراموشی

إِحْسَانِكَ إِلَيْنَا، وَ أَسْبِلْ رَحْمَتَكَ عَلَيْنَا، اللَّهُمَّ إِنَّا نَتَوَسَّلُ

کاری هایمان و هر حقی که بر عهده ما داری ببخش؛ و احسان و نیکی هایت را بر

إِلَيْكَ بِهَذَا الصَّادِقِ الْإِمَامِ، وَنَسْأَلُكَ بِالْحَقِّ الَّذِي جَعَلْتَهُ

ما کامل و تمام گردان؛ و رحمت را بر ما سرازیر کن. بارالها؛ ما، به واسطه این امام

لَهُ وَ لَجَدَّهُ رَسُولِكَ وَ لِأَبَوَيْهِ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ، أَهْلَ بَيْتِ

صدیق و راستگوی راستین، به تو توسل می جوئیم و از تو درخواست می کنیم به خاطر

الرَّحْمَةِ، إِدْرَارَ الرِّزْقِ الَّذِي بِهِ قِوَامُ حَيَاتِنَا، وَ صَلاَحِ

حقی که مخصوص او قرار دادی و مخصوص جدش رسول خودت و مخصوص پدرش

أَحْوَالِ عِيَالِنَا، فَإِنَّكَ الْكَرِيمُ الَّذِي تُعْطِي مِنْ سَعَةِ، وَ

علی و مادرش فاطمه، آن اهل بیت رحمت قرار دادی؛ رزق و روزی ما را که بابر جایی

تَمْنَعُ مِنْ قُدْرَةٍ، وَ نَحْنُ نَسْأَلُكَ مِنَ الرِّزْقِ مَا يَكُونُ

زندگی مان و اصلاح امور خانواده مان به آن بستگی دارد، افزون گردان؛ زیرا تو کریم و

صَلاَحًا لِلدُّنْيَا، وَ بِلَاغًا لِلاخِرَةِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

بزرگواری هستی که با توانگری می بخشی، و از روی قدرت باز می داری؛ و ما از رزق و

وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اغْفِرْ لَنَا وَ لِوَالِدَيْنَا، وَ لِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ

روزی، مقداری می خواهیم که موجب صلاح دنیا و وسیله سعادت آخرت ما شود. بار

وَ الْمُؤْمِنَاتِ، وَ الْمُسْلِمِينَ وَ الْمُسْلِمَاتِ، الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ

خدایا! بر محمد و آل محمد درود بفرست و ما و پدر و مادر ما، و تمام زنان و مردان

وَالْأَمْوَاتِ، وَآتَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً

مؤمن و مسلمان را که زنده و یا مرده‌اند بیامرز؛ و در دنیا و آخرت، به ما خیر و نیکی

وَقَنَا عَذَابَ النَّارِ.

عطا فرما، و از جهنم نگاه دار.

پس از تمام شدن قنوت، رکوع و سجود و تشهد و سلام نماز را انجام ده، پس چون تسبیح حضرت فاطمه زهرا(س) را خواندی، دو طرف صورت را بر خاک بگذار و چهل مرتبه این تسبیحات را بگو:

سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ

پاک و منزّه است و ستایش مخصوص خداست و معبودی جز خدای نیست و از همه بزرگ‌تر است

پس از تمام شدن تسبیحات، دعا کن و از خدا بخواه که تو را از گناهان نگهدارد و از عذاب خود نجات دهد و ببخشد و توفیق عمل نیک کرامت فرماید و اعمال تو را قبول نماید. سپس خود را به ضریح بچسبان و ببوس و بگو:

زَادَ اللَّهُ فِي شَرَفِكُمْ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَ

خداوند در عزت و شرف شما (اهل بیت) بیفزاید، و درود و رحمت و برکات خداوند

بَرَكَاتُهُ.

بر شما باد

زیارت رجبیه از ناحیه مقدسه امام زمان

جناب «ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی» (سومین نایب خاص امام عصر(ع)) می‌فرماید: اگر کسی این زیارت را در یکی از حرم‌ها و زیارتگاه‌های اهل بیت پیامبر(ص) بخواند، حتماً با برآورده شدن حاجتش از آنجا باز خواهد گشت و دعای او در مورد دین و دنیا به اجابت خواهد رسید. اگر قصد این زیارت را داشتی، بر درگاه حرم مطهر امام(ع) بایست و بگو:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَشْهَدَنَا مَشْهَدَ أَوْلِيَائِهِ فِي رَجَبٍ وَ أَوْجَبَ

حمد و ستایش خدایی را سزد که در ماه مبارک رجب ما را به زیارت اولیای خود مشرف کرد و آنچه

عَلَيْنَا مِنْ حَقِّهِمْ مَا قَدْ وَجَبَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ

از اطاعت و ترک مخالفت آنان بر ما لازم بود، واجب فرمود و درود بر پیامبر بزرگ حضرت محمد و

الْمُنْتَجَبِ وَ عَلَى أَوْصِيَائِهِ الْحُجُبِ. اللَّهُمَّ فَكَمَا أَشْهَدْتَنَا

خاندان او باد که همه برگزیده اویند. خدایا! همان گونه که ما را به زیارت آنان موفق فرمودی و عده‌هایی

مَشْهَدَهُمْ فَأَنْجِزْ لَنَا مَوْعِدَهُمْ وَ أَوْرِدْنَا مَوْرِدَهُمْ غَيْرَ

مربوط به آنها را محقق ساز و ما را در جایگاه آنان که پیمشت باشد، مستقر فرموده و در آن خانه ابدی

مُحَلِّينَ عَنْ وَرْدٍ فِي دَارِ الْمُقَامَةِ وَالْخُلْدِ وَالسَّلَامِ عَلَيْكُمْ

منزل دهد. ای اولیای من! سلام بر شما، من بارگه شما را قصد نموده، شما را وسیله حاجت خودم

أَنِّي قَصَدْتُكُمْ وَأَعْتَمَدْتُكُمْ بِمَسْئَلَتِي وَحَاجَتِي وَهِيَ فَكَاكٌ

و نیازم که رهایی من از جهنم و ماندگاری من در بهشت در نزد شما، همراه

رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَالْمَقَرُّ مَعَكُمْ فِي دَارِ الْقَرَارِ مَعَ شِيعَتِكُمْ

با شیعیان نیکوکار شماست، به شما اعتماد نموده‌ام. سلام بر شما به خاطر

الْأَبْرَارِ وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ أَنَا

آنکه شکیبایی ورزیدید و صبر نمودید؛ پس چه خوب است عاقبت این

سَائِلِكُمْ وَ أَمَلِكُمْ فِيمَا إِلَيْكُمْ التَّفْوِيضُ وَ عَلَيْكُمْ التَّعْوِيضُ

خانه (در آخرت)، من خواستار و آرزومند شما در مورد آنچه به شما واگذار شده هستم و آنچه عوض

فَبِكُمْ يُجْبَرُ الْمَهِيضُ وَ يُشْفَى الْمَرِيضُ وَ مَا تَزْدَادُ الْأَرْحَامُ

کردن آن به عهده شماست؛ زیرا تنها به وسیله شما شکسته جبران می‌شود و بیمار بهبود می‌یابد

وَ مَا تَغِيضُ أَنِّي بِسِرِّكُمْ مُؤْمِنٌ وَ لِقَوْلِكُمْ مُسَلِّمٌ وَ عَلَى اللَّهِ

و به وسیله شما کمی و فزونی در ارحام انجام می‌پذیرد. من به طور واقعی به سر شما ایمان دارم

بِكُمْ مُقْسِمٌ فِي رَجْعِي بِحَوَائِجِي وَ قَضَائِهَا وَ امْضَائِهَا وَ

و تسلیم گفتارتان هستم و خدا را به شما سوگند می‌دهم که تنها با پاسخ مثبت به خواسته‌هایم

أَنْجَاحِهَا وَ إِبْرَاحِهَا وَ بِشُؤُونِي لَدَيْكُمْ وَ صَلَاحِهَا وَالسَّلَامُ

مرا بر گرداند و آنها را برآورده و امضا شده و حتمی و انجام شده نماید و همه کارهایم نزد

عَلَيْكُمْ سَلَامٌ مُودِعٌ وَ لَكُمْ حَوَائِجُهُ مُودِعٌ يَسْئَلُ اللَّهُ إِلَيْكُمْ

شما را اصلاح فرماید. و سلام بر شما، سلام کسی که دارد خداحافظی می‌کند و خواسته‌هایش

الْمَرْجِعَ وَ سَعِيهِ الْيَكْمُ غَيْرُ مُنْقَطِعٍ وَ أَنْ يَرْجِعَنِي مِنْ

را نزد شما سپرده تا بر آورده شود. از خدا می خواهد که دوباره نزد شما بیاید و رفت و آمد او به این

حَضْرَتِكُمْ خَيْرٌ مَرْجِعٍ إِلَى جَنَابِ مُرْعٍ وَ خَفْضِ [عَيْشِ]

پیوسته باشد. و مرا برگرداند از حضورتان به بهترین بازگشت به سوی آستانه‌های

مُوسَى وَ دَعَا وَ مَهَلٍ إِلَى حِينِ الْأَجَلِ وَ خَيْرِ مَصِيرٍ وَ

خرم و سپر سبز و با آسایش و پر وسعت، با راحتی و آسانی تا هنگام مرگ، و

مَحَلٍ فِي النَّعِيمِ الْأَزَلِ وَالْعَيْشِ الْمُقْتَبِلِ وَ دَوَامِ الْأَكْلِ وَ

بهترین سرانجام و جایگاه در بهشت همیشگی بر زندگی خوشی نو و پسندیده و

شُرْبِ الرَّحِيقِ وَالسَّلْسَلِ وَ عِلِّ وَ نَهْلٍ لَا سَامَ مِنْهُ وَ لَا

خوراک همیشگی و آشامیدنی ناب و خالص و گوارای دائم و با خوردنی دوباره و سیراب

مَلَلٍ وَ رَحْمَةِ اللَّهِ وَ بَرَكَاتِهِ وَ تَحْيَاةِهِ عَلَيْكُمْ حَتَّى الْعُودِ

گشتن بدون اینکه هیچ خستگی و ملال و دل‌تنگی در آنها باشد. و رحمت، برکات و

إِلَى حَضْرَتِكُمْ وَ الْفَوْزِ فِي كَرَّتِكُمْ وَالْحَشْرِ فِي زُمْرَتِكُمْ،

تحیت‌ها و احترامات خداوندی، تا بازگشتن به حضور شما و کامیابی در رجعت شما و

وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ وَ صَلَوَاتُهُ وَ

محشور شدن در زمره شما، بر شما نثار باد و سلام و رحمت و برکات الهی بر شما باد و دروهای

تَحْيَاةُهُ وَ هُوَ حَسْبُنَا وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ.^۱

ویژه خداوندی نثارتان باد و او برای ما بس و چه پشتیبان نیکویی است.

۱. مصباح المتهجد، ص ۸۲۱، مصباح الزائر، ص ۴۳۹، المزار الکبیر، ص ۲۰۳،

إقبال الأعمال، ص ۱۲۴.

زیارت حضرت صاحب الامر (ع)
در حرم مطهر حضرت امام رضا (ع)

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ

سَلام بر تو ای صاحب عصر و زمان؛ سلام بر تو ای جانشین

الرَّحْمَانِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَرِيكَ الْقُرْآنِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

خدای رحمان؛ سلام بر تو ای شریک و هم‌سنگ قرآن؛ سلام بر

يَا قَاطِعَ الْبُرْهَانِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِمَامَ الْإِنْسِ وَالْجَانِّ،

تو ای دارای دلیل و برهان قاطع؛ سلام بر تو ای امام آدمیان و

السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ عَلَى آبَائِكَ الطَّيِّبِينَ، وَ أَجْدَادِكَ الطَّاهِرِينَ

جنتیان؛ سلام بر تو و بر اجداد پاک و پدران پاکیزه‌ات که معصوم

الْمَعْصُومِينَ وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ. ۱

بودند؛ و رحمت و برکت‌های الهی نثارتان باد.

۱. ضیاء الصالحین، ص ۲۴۳؛ ملحقات التحفة الطوسیة، ص ۱۴۰.

اذن ورود به حرم‌های ائمه (ع) و سرداب مقدس^۱

«علامه مجلسی (ره)» می‌فرماید: در یک نسخه کهن که مربوط

به علمای شیعه است، این عبارتها را یافتیم: طلب اذن برای ورود به

سرداب مقدس و نیز حرم امامان (ع):

اللَّهُمَّ إِنَّ هَذِهِ بُقْعَةٌ طَهَّرْتَهَا، وَ عُقُودٌ شَرَّفْتَهَا، وَ مَعَالِمٌ

بارالها! این مکان جایی است که آن را پاکیزه و مطهر گردانیدی، و صحن و سرایی است که شرافتمند

زکیتها، حَيْثُ أَظْهَرْتَ فِيهَا أَدْلَةَ التَّوْحِيدِ، وَ أَشْبَاحَ

کردی و نشانه‌هایی است که خالص و ناب قرار داده‌ای؛ زیرا ادلیل‌های یگانه پرستی و نمایشگران عرش

العَرْشِ الْمَجِيدِ، الَّذِينَ اصْطَفَيْتَهُمْ مُلُوكًا لِحِفْظِ النُّظَامِ،

شکوه‌مندت را در آنها گذاشتی. همان‌هایی که به عنوان پادشاهان برگزیدی تا نظام هستی را نگهبان باشند

وَ اخْتَرْتَهُمْ رُؤَسَاءَ لِجَمِيعِ الْأَنَامِ، وَ بَعَثْتَهُمْ لِقِيَامِ الْقِسْطِ

و به عنوان سرآمد و رئیس تمام مردم انتخاب کردی و برگزیدی، و برای برپایی

فِي ابْتِدَاءِ الْوُجُودِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، ثُمَّ مَنَنْتَ عَلَيْهِمْ

عدالت از ابتدای هستی تا روز قیامت برانگیختی. پس از آن نیز بر آنان منت نهادی

۱. چون این دعا، اذن دخول برای زیارت حرم‌های ائمه اطهار (ع) و سرداب مقدس است در بخش «زیارت‌ها» ذکر کردیم.

بِاسْتِنَابَةِ أَنْبِيَائِكَ لِحِفْظِ شَرَائِعِكَ وَأَحْكَامِكَ، فَأَكْمَلْتَ

تا پیامبران را جهت حفظ و نگهداری شرایع و احکام دینت به عنوان نایبان ایشان بفرستی. پس با این

بِاسْتِخْلَافِهِمْ رَسُولَةَ الْمُنْذِرِينَ، كَمَا أُوجِبْتَ رِيَاسَتَهُمْ فِي

جانشینی نیز رسالت بپیام دهندگان را تکمیل کردی؛ چنان که فطرت و سرشت تمام مکلفان ریاست این

فَطَرِ الْمُكَلَّفِينَ. فَسُبْحَانَكَ مَنْ إِلَهٍ مَا أَرَأْفَكَ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا

بزرگواران را بر خود واجب می‌داند. تو منزهی؛ چه خدای مهربان و رؤوفی هستی؛ جز تو معبودی نیست؛

أَنْتَ مِنْ مَلِكٍ مَا أَعْدَلُكَ، حَيْثُ طَابَقَ صُنْعُكَ مَا فَطَرْتَ

چه پادشاه عادل و دادگری هستی؛ چنان که ساختار آفریدگانت با آنچه خردها را بر آن سرشته‌ای

عَلَيْهِ الْعُقُولُ، وَوَافَقَ حُكْمُكَ مَا قَرَّرْتَهُ فِي الْمَعْقُولِ وَ

مطابقت دارد و حکمت و دستورات در آنچه با عقل و نقل ادراک شود موافق است. حمد و

الْمَنْقُولِ، فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى تَقْدِيرِكَ الْحَسَنَ الْجَمِيلِ، وَلَكَ

ستایش ویژه توست؛ به جهت تقدیر و سرنوشت زیبا و نیکوی تو، و سپاسگزاری مخصوص توست؛

الشُّكْرُ عَلَى قَضَائِكَ الْمُعْطَلِ بِأَكْمَلِ التَّعْلِيلِ، فَسُبْحَانَ

به جهت قضا و سرنوشت تو که به کامل‌ترین علل و اسباب ثابت گردیده. منزه است خدایی که در مورد

مَنْ لَا يُسْأَلُ عَنْ فِعْلِهِ، وَلَا يُنَازَعُ فِي أَمْرِهِ، وَسُبْحَانَ

انجام کارهایش کسی نمی‌تواند از او چیزی بپرسد و دستوراتش مورد چون و چرا قرار نمی‌گیرد. منزه

مَنْ كَتَبَ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ قَبْلَ ابْتِدَاءِ خَلْقِهِ. وَالْحَمْدُ لِلَّهِ

است کسی که مهربانی و رحمت را بر خویشتن پیش از شروع به آفرینش مخلوقات لازم فرموده است.

الَّذِي مَنْ عَلَيْنَا بِحُكَامٍ يَقُومُونَ مَقَامَهُ لَوْ كَانَ حَاضِرًا فِي

ستایش ویژه خدایی است که بر ما مکت نهاد و حاکمانی مقرر کرد که جای او می‌ایستند اگر خداوند

الْمَكَانِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الَّذِي شَرَّفْنَا بِأَوْصِيَاءَ يَحْفَظُونَ

در مکان حاضر بود؛ جز خدا معبودی نیست؛ خدایی که به ما شرافت بخشید به اوصیا و جانشینانی که

الشَّرَائِعِ فِي كُلِّ الْأَزْمَانِ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ الَّذِي أَظْهَرَهُمْ لَنَا

دین و آیین الهی را در هر زمان نگهبانی فرمایند. خدا بزرگتر از این است که توصیف گردد؛ همان که به

بِمُعْجَزَاتٍ يَعْجُزُ عَنْهَا الثَّقَلَانِ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا

فرستادگان و نمایندگانش معجزاتی داد که هیچ یک از جن و انس توان انجام آن معجزات را ندارند. هیچ

بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، الَّذِي أَجْرَانَا عَلَى عَوَائِدِهِ الْجَمِيلَةِ

جنبش و نیرویی جز از خداوند نیست؛ خدای بلند مرتبه و با عظمتی که لطف و مهربانی و احسان زیبایش

فِي الْأُمَّمِ السَّالِفِينَ. اللَّهُمَّ فَلَكَ الْحَمْدُ وَالشُّنَاءُ الْعَلِيُّ كَمَا

از امت‌های پیشین را برای ما نیز ادامه داده است. بارالها! تنها تو را می ستایم و به ثنا گوئی و مدح

وَجَبَ لَوْجْهِكَ الْبَقَاءُ السَّرْمَدِيُّ، وَكَمَا جَعَلْتَ نَبِيَّنَا خَيْرَ

والای تو می بردارم؛ زیرا، بقای همیشگی مخصوص ذات توست؛ و پیامبر ما را بهترین پیامبران

النَّبِيِّينَ، وَمُلُوكَنَا أَفْضَلَ الْمَخْلُوقِينَ، وَاخْتَرْتَهُمْ عَلَى عِلْمِ

و پادشاهان و امامان ما را با فضیلت‌ترین مخلوقات قرار دادی و با علم و آگاهی ایشان را بر همه

عَلَى الْعَالَمِينَ، وَفَقْنَا لِلسَّعْيِ إِلَى أَبْوَابِهِمُ الْعَامِرَةِ إِلَى يَوْمِ

جهانیان برگزیدی؛ ما را موفق گردان تا برای رسیدن به درگاهشان که آباد

الدِّينِ، وَاجْعَلْ أَرْوَاحَنَا تَحْنُ إِلَى مَوْطِي أَقْدَامِهِمْ، وَ

است تا قیامت، تلاش کنیم روح و روان ما را مشتاق و مایل قدمگاهشان کن

نُفُوسَنَا تَهْوِي النَّظَرَ إِلَى مَجَالِسِهِمْ وَعَرَصَاتِهِمْ، حَتَّى

جان ما را واله و شیدای نگاه کردن به مجلس‌ها و صحن و سرایشان گردان به گونه‌ای

كَانَنَا نَخَاطِبُهُمْ فِي حُضُورِ أَشْخَاصِهِمْ، فَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ

که گویا حضور عینی دارند و ما با آنان گفت و گو می کنیم پس خداوند بر این

مَنْ سَادَةِ غَائِبِينَ، وَمِنْ سُلَالَةِ طَاهِرِينَ، وَمِنْ أُمَّةٍ

آقایان و سروران پنهان از دیدگان، از نسل پاکان و امامان معصوم و دور از گناهان

مَعْصُومِينَ. اللَّهُمَّ فَادِّنْ لَنَا بِدُخُولِ هَذِهِ الْعَرَصَاتِ الَّتِي

درودی پیوسته نثار کند. بارالها! اجازه بفرمات تا وارد این صحن و سراها شویم که

اسْتَعْبَدْتَ بَزِيَارَتِهَا أَهْلَ الْأَرْضِينَ وَالسَّمَاوَاتِ، وَأَرْسِلْ

از ساکنان زمین ها و آسمان ها خواسته ای باز یارتش این تو را بپرستند و عبادتت را به جای آورند؛

دُمُوعَنَا بِخُشُوعِ الْمَهَابَةِ، وَذَلَّلْ جَوَارِحَنَا بِذَلِّ الْعُبُودِيَّةِ

اشک های ما را با خشوعی که از هیبت سرچشمه گرفته بریزان و اعضا و جوارح ما

وَفَرِّضِ الطَّاعَةَ، حَتَّى نَقَرَّ بِمَا يَجِبُ لَهُمْ مِنَ الْأَوْصَافِ،

را به فروتنی بندگی و وجوب فرمانبرداری رام گردان؛ تا بدین وسیله، به اوصافی

وَنَعْتَرِفْ بِأَنَّهُمْ شُفَعَاءُ الْخَلَائِقِ إِذَا نُصِبَتْ الْمَوَازِينُ فِي

که لازمه و جودی ایشان است اقرار کنیم و اعتراف نماییم که ایشان در روز شناخته شدن (قیامت) که میزان

يَوْمِ الْأَعْرَافِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَوَسَلَامٌ عَلَى عِبَادِهِ الَّذِينَ

سنجش اعمال برقرار می شوند، شفیعان تمام مخلوقات (لایق شفاعت) هستند. ستایش ویژه خداست؛ و

اصْطَفَى مُحَمَّدًا وَآلَهُ الطَّاهِرِينَ. ۱

سلام بر بندگان برگزیده خداوند، حضرت محمد و آل پاکش

پس از این دعا آستان را ببوس و در حال فروتنی و با گریه و اشک و آه وارد شو؛ زیرا فروتنی و گریه، علامت این است که آن بزرگواران به تو اجازه ورود داده‌اند.

۱۱

زیارت حضرت بقیة الله (ع) در سرداب مقدس

زیارت امام زمان، ارواحنا فداه در «سرداب مقدس» را باید پس از زیارت امام حسن عسکری (ع) و پدر بزرگوارش امام هادی (ع) انجام دهی. پس از آنکه از زیارت آن دو بزرگوار فارغ شدی و بهره کامل بردی، به سوی سرداب مقدس حرکت کن و بر کنار درب آن بایست و بگو:

إِلَهِي: إِنِّي قَدْ وَقَفْتُ عَلَى بَابِ بَيْتِ مَنْ بَيَّوتَ نَبِيَّكَ

بار الهی، همانا، من بر درگاه خانه‌ای از خانه‌های پیامبرت حضرت

مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَقَدْ مَنَعْتَ النَّاسَ مِنَ

محمد (ص) ایستاده‌ام و تو با تأکید مردم را از اینکه بدون اجازه وارد

الدُّخُولِ إِلَى بَيْتِهِ إِلَّا بِإِذْنِهِ، فَقُلْتُ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا

خانه‌هایش شوند، باز داشته‌ای و فرموده‌ای: «ای ایمان آورندگان، جز با اجازه،

لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ. «اللَّهُمَّ وَإِنِّي

وارد خانه‌های پیامبر نشوید». خداوند! به راستی که من به احترام پیامبرت در

أَعْتَقَدُ حَرَمَةَ نَبِيِّكَ فِي غَيْبَتِهِ، كَمَا أَعْتَقَدُ فِي حَضْرَتِهِ،

فقدانش عقیده دارم آن سان که در دوران حضورش اعتقاد داشتم، و به یقین

وَأَعْلَمُ أَنَّ رَسُولَكَ وَخُلَفَاءَكَ، أَحْيَاءٌ عِنْدَكَ يُرْزَقُونَ،

می‌دانم که پیامبر و جانشینانت زنده‌اند و در پیشگاه تو روزی داده می‌شوند،

يَرَوْنَ مَكَانِي وَ يَسْمَعُونَ كَلَامِي، وَ يَرُدُّونَ سَلَامِي عَلَيَّ،

مکان و جایگاه مرا می‌بینند و سختم را می‌شنوند و پاسخ سلامم را مرحمت

وَ أَنَّكَ حَجَبْتَ عَنِّي سَمْعِي كَلَامَهُمْ، وَ فَتَحْتَ بَابَ فَهْمِي

می‌نمایند، و این تویی که مرا از شنیدن کلام آنان بازداشتی و درب فهم مرا به

بَلَدِيذِ مُنَاجَاتِهِمْ. فَإِنِّي أَسْتَأْذِنُكَ يَا رَبِّ أَوْلَا، وَ أَسْتَأْذِنُ

لذت مناجات با آنان گشوده‌ای. بدین سان، من ابتدا از تو، آنگاه از رسالت، که

رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ ثَانِيَا، وَ أَسْتَأْذِنُ خَلِيفَتَكَ

صلوات و درود تو بر او و آل او باد، و پس از او از جانشین تو و امام عزیزی که

الإِمَامَ الْمَفْرُوضَ عَلَيَّ طَاعَتُهُ، فِي الدَّخُولِ فِي سَاعَتِي

فرمانبری از او بر من واجب هست؛ کسب اجازه می‌کنم تا در این ساعت وارد

هَذِهِ إِلَى بَيْتِهِ، وَ أَسْتَأْذِنُ مَلَائِكَتِكَ الْمُوَكَّلِينَ بِهَذِهِ الْقِطْعَةِ

خانه‌اش شوم. و از فرشتگانی که در این بقعه با برکت گمارده شده‌اند و فرمانبردار

المُبَارَكَةُ الْمُطِيعَةُ السَّامِعَةُ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الْمَلَائِكَةُ

و شنوا هستند نیز کسب اجازه می‌کنم. سلام بر شما، ای فرشتگان گمارده شده

المُوكَلُونَ بِهَذَا الْمَشْهَدِ الشَّرِيفِ الْمُبَارَكِ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ

در این زیارتگاه با برکت شرافتمند؛ و رحمت و برکات خدا نیز بر شما باد. با اجازه

بَرَكَاتِهِ، بِإِذْنِ اللَّهِ، وَ إِذْنِ رَسُولِهِ، وَ إِذْنِ خُلَفَائِهِ، وَ إِذْنِ

خدا، رسولش، جانشینانش؛ و با اجازه این امام عزیز، و با اجازه شما فرشتگان -

هَذَا الْإِمَامِ، وَ إِذْنِكُمْ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ أَجْمَعِينَ. أَدْخُلْ

که بر همه شما درود باد - وارد این خانه می‌شوم. در حالی که به سوی خداوند

إِلَى هَذَا الْبَيْتِ مُتَقَرِّبًا إِلَى اللَّهِ بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

تَقَرِّبِ مِي جَوِيمِ، بِه كَمَكِ خَدَاوَنَدِ بِه رَسُوْلِ خَدَا مُحَمَّدِ (ص) وَ آلِ بَاكِ اَوْ، حَالَا، اِي

الطَّاهِرِينَ، فَكُونُوا مَلَائِكَةَ اللَّهِ أَعْوَانِي، وَ كُونُوا أَنْصَارِي،

فرشتگان الهی؛ شما کمک رسان و یاوران من باشید تا بتوانم به درستی وارد این

حَتَّى أَدْخُلَ هَذَا الْبَيْتِ، وَ أَدْعُوا اللَّهَ بِفُنُونِ الدَّعَوَاتِ، وَ

بیت عظیم الشان گردم و به انواع دعاها خدا را بخوانم و اعتراف کنم به عبودیت و

أَعْتَرِفَ لِلَّهِ بِالْعُبُودِيَّةِ، وَ لِهَذَا الْإِمَامِ وَ آبَائِهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ

بندگی برای خداوند و اطاعت و فرمانبرداری برای این امام عزیز و پدران بزرگوارش

عَلَيْهِمْ بِالطَّاعَةِ.

که درود خدا بر ایشان باد.

آنگاه با پای راست وارد می‌شوی و به سمت سرداب مقدس پایین

می‌روی، در حالی که می‌گویی:

بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ، وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ

به نام خدا، با کمک خدا، در راه خدا و بر آیین رسول خدا - که درود خدا بر او و آل او

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ حْدَهُ لَا

باد - (وارد می‌شوم) و گواهی می‌دهم که جز خدای یگانه بی شریک، معبودی نیست و

شَرِيكَ لَهُ، وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ،

حضرت محمد(ص) بنده و فرستاده الهی است.

پس از آن، تکبیر (الله اکبر)، تحمید (الحمد لله)، تسبیح (سبحان

الله) و تهلیل (لا اله الا الله) می‌گویی تا وقتی که به محل اصلی

سرداب مقدس برسی. آنگاه رو به قبله بایست و بگو:

سَلَامُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ وَ تَحِيَّاتُهُ وَ صَلَوَاتُهُ عَلَى مَوْلَايَ

سلام خدا و برکت‌ها و احترامات ویژه و درودهای خداوند بر مولایم امام زمان؛

صَاحِبِ الزَّمَانِ، صَاحِبِ الضِّيَاءِ وَ النُّورِ، وَ الدِّينِ

او که دارنده نور و روشنایی، دین راستین به جای مانده از پدرانیش، رایت آشکار،

المَّائُورِ، وَ اللِّوَاءِ الْمَشْهُورِ، وَ الْكِتَابِ الْمَنْشُورِ، وَ

کتاب منتشر شده، صاحب تمام روزگاران و عصرها؛ یعنی فرزند و جانشین امام

صَاحِبِ الدُّهُورِ وَ العُصُورِ، وَ خَلْفِ الحَسَنِ، الإِمَامِ

حسن عسکری، امام و پیشوای مورد اطمینان، قیام کننده مورد اعتماد، یاری

المُّؤْتَمَنِ، وَ الْقَائِمِ الْمُعْتَمَدِ، وَ الْمَنْصُورِ الْمُؤَيَّدِ، وَ الْكَهْفِ

شونده مورد تأیید، پناهگاه و پشتیبان، پایه اصلی اسلام، تکیه گاه مردم، کلید

و الْعُضُدُ، عِمَادُ الْإِسْلَامِ، وَ رُكْنُ الْأَنْامِ، وَ مِفْتَاحُ الْكَلَامِ،

سخن، سرپرست احکام الهی، خورشید روشنی بخش تاریکی‌ها، ماد کامل تمام،

وَ وَليِّ الْأَحْكَامِ، وَ شَمْسُ الظَّلَامِ، وَ بَدْرُ التَّمَامِ، وَ

خرمسی و طراوت روزگاران، دارای شمشیر برنده و به هدف زننده، شکافنده

نُضْرَةَ الْأَيَّامِ، وَ صَاحِبُ الصَّمْصَامِ وَ فَلَاقِ الْهَامِّ وَ الْبَحْرِ

سرها، دریای پر آب، سالار و سرور دلیر و بخشنده، حجت و دلیل علیه دشمنان،

الْقَمِّقَامِ وَ السَّيِّدِ الْهُمَامِ، وَ حُجَّةِ الْخِصَامِ، وَ بَابِ الْمَقَامِ

و درگاه آستان الهی در روز قیام و برپایی و سلام بر آن کسی که گرفتاری‌ها

لِيَوْمِ الْقِيَامِ. وَالسَّلَامُ عَلَى مُفْرَجِ الْكُرْبَاتِ، وَ خَوَاضِ

را بر طرف می‌کند، و سختی‌های مرگبار را آسان می‌کند، حسرت‌ها را از بین

الْغَمَرَاتِ، وَ مُنْفَسِ الْحَسَرَاتِ، وَ بَقِيَّةِ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، وَ

می‌برد، و باقی مانده حجت‌های خدا در زمین است و صاحب فرض و دستور

صَاحِبِ فَرَضِهِ، وَ حُجَّتِهِ عَلَى خَلْقِهِ، وَ عَيْبَةِ عِلْمِهِ، وَ

اکید الهی است و حجت خدا بر خلقش است و جایگاه دانش الهی است و محل

مَوْضِعِ صَدَقِهِ، وَ الْمُنْتَهَى إِلَيْهِ مَوَارِيثُ الْأَنْبِيَاءِ، وَ لَدَيْهِ

استقرار راستگویی اوست و میراث پیامبران به او رسیده است و آثار اوصیا نیز

مَوْجُودٌ آثَارُ الْأَوْصِيَاءِ، وَ حُجَّةُ اللَّهِ، وَ ابْنُ رَسُولِهِ، وَ

نزد اوست و حجت خدا و فرزند رسول خدا و قائم مقام اوست و ولی و سرپرست

الْقِيَمِ مَقَامَهُ، وَ وَليِّ أَمْرِ اللَّهِ، وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ. اللَّهُمَّ

امر و فرمان الهی است و رحمت و برکات خداوند بر او باد. بار الهی! همان گونه

كَمَا اَنْتَجِبْتَهُ لِعِلْمِكَ، وَ اَصْطَفَيْتَهُ لِحُكْمِكَ، وَ خَصَّصْتَهُ

که او را برای دانشت برگزیدی، و برای حکمت و دستورت انتخاب کردی، و

بِمَعْرِفَتِكَ، وَ جَلَّلْتَهُ بِكَرَامَتِكَ، وَ غَشَّيْتَهُ بِرَحْمَتِكَ، وَ

مخصوص شناخت و بزرگوارت گردانیدی، و با کرامت خود شکوهمندش ساختی و او

رَبَّيْتَهُ بِنِعْمَتِكَ، وَ غَذَّيْتَهُ بِحِكْمَتِكَ، وَ اخْتَرْتَهُ لِنَفْسِكَ،

را با رحمت فراگرفتی، و با نعمت خویش پرورش دادی و با حکمت خود او را

وَ اجْتَبَيْتَهُ لِبِأْسِكَ، وَ ارْتَضَيْتَهُ لِقُدْسِكَ، وَ جَعَلْتَهُ هَادِيًا

تغذیه نمودی، و برای خویشتن اختیار و انتخاب کردی و برای خشم و قدرتت

لِمَنْ شِئْتَ مِنْ خَلْقِكَ، وَ دَيَّانَ الدِّينِ بَعْدَكَ، وَ فَضَّلَ

برگزیدی، و برای قدس و پاکیت او را پسندیدی، و هدایت گری برای بندگان و

الْقَضَايَا بَيْنَ عِبَادِكَ. وَ وَعَدْتَهُ أَنْ تَجْمَعَ بِهِ الْكَلِمَ، وَ

مخلوقاتی که خواستی قرارش دادی، و او را حاکم و فرمانروای حکومت عادلانه

تُفَرِّجَ بِهِ عَنِ الْأُمَّمِ، وَ تُنِيرَ بَعْدْلَهُ الظُّلْمَ، وَ تُطْفِئَ بِهِ

خویش قرار دادی، و برای پایان دادن به داوری‌ها بین مردم برگزیدی. و به او

نِيرَانَ الظُّلْمِ، وَ تَقْمَعَ بِهِ حَرَّ الْكُفْرِ وَ آثَارَهُ، وَ تُطَهِّرَ بِهِ

وعدده دادی و حدت کلمه به وسیله او ایجاد کنی و امت‌های مختلف را نجات

بِلَادِكَ، وَ تَشْفِي بِهِ صُدُورَ عِبَادِكَ، وَ تَجْمَعَ بِهِ الْمَمَالِكَ

بخشی و تاریکی‌ها را با عدالتش به روشنی بدل سازی و آتش ظلم را با او خاموش

كُلَّهَا، قَرِيبَهَا وَ بَعِيدَهَا، عَزِيزَهَا وَ ذَلِيلَهَا، شَرْقَهَا وَ غَرْبَهَا،

کنی، و گرمی بازار ناسپاسی و کفر و آثار آن را از بین ببری و سرزمین‌هایت

سَهْلَهَا وَ جَبَلَهَا، صَبَاها وَ دُبُورَهَا، شِمَالَهَا وَ جُنُوبَهَا،

را به کمک او پاکسازی کنی، سینه بندگانت را به وسیله او شفا بخشی، و تمام

بَرَّهَا وَ بَحْرَهَا، حُزُونَهَا وَ وُعُورَهَا، يَمَلَاها قِسْطًا وَ

مملکت‌ها را به وسیله او یکی کنی؛ نزدیک آن را و دور آن را، با عزت آن را

عَدْلًا، كَمَا مُلِّتْ ظَلْمًا وَ جَوْرًا، وَ تُمْكِنَ لَهُ فِيهَا، وَ

و زیر دست و ذلیل آن را، شرق آن را و غرب آن را، دشت آن را و کوه آن را،

تُتَجَزَبُ بِهِ وَ عَدَدَ الْمُؤْمِنِينَ، حَتَّى لَا يُشْرَكَ بِكَ شَيْئًا، وَ

چراگاه‌های آن را و بیابان‌های آن را، شمال آن را و جنوب آن را، خشکی آن را

حَتَّى لَا يَبْقَى حَقٌّ إِلَّا ظَهَرَ، وَلَا عَدْلٌ إِلَّا زَهَرَ، وَ حَتَّى

و دریای آن را، زمین‌های درشت و پراکنده آن را و رادهای سخت و دشوار آن را،

لَا يَسْتَخْفَى بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخَافَةَ أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ.

همه را پیر از عدل و داد می‌گرداند همان طور که پیر از ظلم و جور و ستم شده

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً تُظْهِرُ بِهَا حُجَّتَهُ، وَ تُوضِحُ بِهَا

باشد. نیز، وعده دادی که او را استقرار بخشی و قدرتمند گردانی، وعده مؤمنان

بِهَجَّتِهِ، وَ تَرْفَعُ بِهَا دَرَجَتَهُ، وَ تُؤَيِّدُ بِهَا سُلْطَانَهُ، وَ تُعْظِمُ

را محقق کنی، تا جایی که چیزی شریک تو گرفته نشود و حقی نماید جز آنکه

بِهَا بُرْهَانَهُ، وَ تُشَرِّفُ بِهَا مَكَانَهُ، وَ تُعَلِّي بِهَا بُنْيَانَهُ، وَ تُعْزِزُ

اشکار گردد، و عدلی نماید مگر آنکه درخشش نماید و چیزی از حق و حقیقت

بِهَا نَصْرَهُ، وَ تَرْفَعُ بِهَا قَدْرَهُ، وَ تُسَمِّي بِهَا ذِكْرَهُ، وَ تُظْهِرُ

را به دلیل ترس از هیچ یک از مخلوقات مجبور به پنهان کردن نشود. بار الهی؛

بِهَا كَلِمَتَهُ، وَ تَكْتُرُ بِهَا نُصْرَتَهُ، وَ تُعْزُّ بِهَا دَعْوَتَهُ، وَ تُزِيدُهُ

آن طور بر او درود بفرست که حجت و دلیلش را بدین وسیله ظاهر کنی، و تر

بِهَا إِكْرَامًا، وَ تَجْعَلُهُ لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا، وَ تُبَلِّغُهُ فِي هَذَا

و تازگی و شادمانی اش را آشکار گردانی و درجه اش را بالا ببری، و سلطنتش را

الْمَكَانِ مِثْلَ هَذَا الْأَوَانِ، وَ فِي كُلِّ مَكَانٍ مِّنَّا تَحِيَّةً وَ

تأیید و تقویت گردانی، و دلیل و برهانش را ارزشمند کنی، و جایگاهش را شریف

سَلَامًا، لَا يَبْلَى جَدِيدُهُ، [وَ لَا يَفْنَى عَدِيدُهُ]. السَّلَامُ

گردانی، و اساس و بنیان او را بلند مرتبه کنی، و یاری او را عزیز و نیرومند

عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَبِلَادِهِ، وَ حُجَّتَهُ عَلَى عِبَادِهِ،

بفرمایی، و ارزش او را بالا ببری، و یادش را نمودار کنی، و کلمه اش را آشکار

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلْفَ السَّلَفِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ

گردانی. همچنین درود تو باعث افزایش یاریش، عزتمندی دعوتش، افزایش

الشَّرَفِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ الْمَعْبُودِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

کرامتش، و پیشوا شدن او برای پرهیزکاران شود. در اینجا و این لحظه و در هر

يَا كَلِمَةَ الْمَحْمُودِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَمْسَ الشُّمُوسِ،

جای دیگری از ما به او سلام و احترامات ویژه ای را برسانی که جدید آن کهنه

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَهْدِيَّ الْأَرْضِ وَ عَيْنَ الْفَرَضِ، السَّلَامُ

نگردد و بهره آن از بین نرود. سلام بر تو ای باقی مانده حجت های الهی در زمین

عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ وَ الْعَالِي الشَّانِ،

و شهرهای آن و حجت خدای تعالی بر بندگانش؛ سلام بر تو ای جانشین راستین

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَاتَمَ الْأَوْصِيَاءِ وَابْنَ الْأَنْبِيَاءِ. السَّلَامُ

گذشتگان، سلام بر تو ای صاحب شرافت، سلام بر تو ای حجت خدای شایسته

عَلَيْكَ يَا مُعَزَّ الْأَوْلِيَاءِ وَ مُذِلَّ الْأَعْدَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

پرستش، سلام بر تو ای کلمه ستوده شده؛ سلام بر تو ای خورشید خورشیدها.

أَيُّهَا الْإِمَامُ الْفَرِيدُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْمُنْتَظَرُ وَ

سلام بر تو ای هدایت شده و هدایت کننده اهل زمین، سلام بر تو ای چشمه

الْحَقِّ الْمُسْتَهْرَبِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْوَلِيُّ الْمُجْتَبَى

دین، سلام بر تو ای مولای من و ای صاحب اختیار زمان، و ای دارای مقام و

وَ الْحَقِّ الْمُسْتَهْتَبِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْمُرْتَجَى

شان والا، سلام بر تو ای پایان بخش اوصیا و جانشینان الهی، ای فرزند پیامبران؛

لِإِزَالَةِ الْجَوْرِ وَ الْعُدْوَانِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْمُبِيدُ

سلام بر تو ای عزت بخش دوستان و ذلیل کننده دشمنان؛ سلام بر تو ای امام

لِأَهْلِ الْفُسُوقِ وَ الطُّغْيَانِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْهَادِمُ

تنها، سلام بر تو ای پیشوای مورد انتظار همگان، ای حقیقت مشهور و معروف و

لِبُنْيَانِ الشُّرْكِ وَ النِّفَاقِ، وَ الْحَاصِدِ فُرُوعِ الْغِيِّ وَ الشَّقَاقِ.

اشکار در بین همگان. سلام بر تو ای ولی و سرپرستی که با دقت انتخاب شده

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُدَّخِرُ لِتَجْدِيدِ الْفَرَائِضِ وَ السُّنَنِ،

است، ای حقیقتی که همه، خواهش دیدارش را دارند، سلام بر تو ای پیشوایی

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا طَامِسَ آثَارِ الزَّيْغِ وَ الْأَهْوَاءِ، وَ قَاطِعَ

که برای از بین بردن ستم و تجاوز و دشمنی امیدوارش هستیم؛ سلام بر تو ای

حَبَائِلُ الْكُذْبِ وَ الْفِتَنِ وَ الْإِفْتِرَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا

امام نابودگر فاسقان و سرکشان؛ سلام بر تو ای امام ویران کننده اساس شرک و

الْمُؤَمَّلُ لِإِحْيَاءِ الدَّوْلَةِ الشَّرِيفَةِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا جَامِعَ

دورویی؛ ای درو کننده شاخه‌های گمراهی و بدبختی. سلام بر تو ای ذخیره شده

الْكَلِمَةِ عَلَى التَّقْوَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ اللَّهِ، السَّلَامُ

برای نوسازی واجبات و مستحبات؛ سلام بر تو ای از بین برنده نشانه‌های انحراف

عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحْيِيَ مَعَالِمِ الدِّينِ وَ

و هواپرستی؛ و قطع کننده رشته‌های دروغ و فتنه و تهمت؛ سلام بر تو ای کسی

أَهْلِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قَاصِمَ شَوْكَةِ الْمُعْتَدِينَ. السَّلَامُ

که برای احیای دولت شریف اسلامی مورد آرزو است. سلام بر تو ای ایجاد کننده

عَلَيْكَ يَا وَجْهَ اللَّهِ الَّذِي لَا يَهْلِكُ وَ لَا يَبِي إِلَى يَوْمِ

وحدت بر اساس تقوا و پرهیزکاری؛ سلام بر تو ای باب و درگاه الهی؛ سلام بر

الدِّينِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا السَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ الْأَرْضِ

تو ای خون خدا؛ سلام بر تو ای زنده کننده نشانه‌های اصلی دین و زنده کننده

وَ السَّمَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ الْفَتْحِ وَ نَاشِرَ رَايَةِ

دین داران؛ سلام بر تو ای در هم شکننده شکوه ظاهری کجاوزکاران. سلام بر

الْهُدَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُؤَلِّفَ شَمْلِ الصَّلَاحِ وَ الرِّضَا.

تو ای وجه خدا که نه نابودی دارد و نه کهنه می‌شود؛ تا روز قیامت؛ سلام بر تو

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا طَالِبَ ثَارِ الْأَنْبِيَاءِ وَ أَبْنَاءِ الْأَنْبِيَاءِ، وَ

ای سبب اتصال و ارتباط بین زمین (ناسوتیان) و آسمان (عرشیان)؛ سلام بر تو

الثَّائِرَ بَدَمِ الْمَقْتُولِ بِكَرْبَلَاءَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمَنْصُورُ

ای دارنده پیروزی و برافرازنده پرچم و نشانه هدایت؛ سلام بر تو ای گردآورنده

عَلَى مَنْ اعْتَدَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُنْتَظَرُ الْمُجَابُ

براکندگی شایستگی و خشنودی. سلام بر تو ای کسی که خون پیامبران و

إِذَا دَعَى. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ الْخَلَائِفِ، الْبَرُّ التَّقِيُّ،

پسرانشان را طلب می کنی و به خونخواهی امام حسین (ع) که در کربلا کشته

الْبَاقِي لِإِزَالَةِ الْجَوْرِ وَالْعُدْوَانِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ

شده، به قیام برمی خیزی؛ سلام بر تو ای کسی که در مقابله با کسانی که تجاوز

مُحَمَّدِ الْمُصْطَفَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى،

کرده اند، یاری می شوی؛ سلام بر تو ای کسی که مورد انتظار هستی و هنگامی

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ

که دعا کنی پاسخ داده می شوی، سلام بر تو ای باقی مانده جانشینان الهی، ای

خَدِيجَةَ الْكُبْرَى، وَ ابْنَ السَّادَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَ الْقَادَةَ الْمُتَّقِينَ.

نیکمرد پرهیزکار که برای از بین بردن ستم و تجاوزگری، باقی مانده ای. سلام

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ النَّجْبَاءِ الْأَكْرَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ

بر تو ای فرزند محمد مصطفی، سلام بر تو ای فرزند علی مرتضی، سلام بر تو

الْأَصْفِيَاءِ الْمُهَذَّبِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْهُدَاةِ الْمُهْدِيِّينَ،

ای فرزند فاطمه زهرا، سلام بر تو ای فرزند خدیجه بزرگترین زن زمانه اش، و

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ خَيْرَةِ الْخَيْرِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ سَادَةِ

فرزند سرورانی که مقرب درگاه ربوبی اند، و فرزند فرمانروایان پرهیزکار؛ سلام

البشر. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْغَطَارِقَةِ الْأَكْرَمِينَ، وَ الْأَطَائِبِ

بر تو ای فرزند نجیبان بزرگوار، سلام بر تو ای فرزند برگزیدگان پاک، سلام

الْمُطَهَّرِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْبَرَّةِ الْمُتَجَبِّينَ، وَ

بر تو ای فرزند هدایتگران هدایت شده، سلام بر تو ای فرزند خوبترین خوبان،

الْخَضَارِمَةَ الْأَنْجَبِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْحُجَجِ الْمُنِيرَةِ،

سلام بر تو ای فرزند سروران بشریت. سلام بر تو ای فرزند سروران بزرگواران، و

وَ السُّرُجِ الْمُضِيئَةِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الشُّهُبِ الثَّاقِبَةِ،

خوبان پاکیزگان، سلام بر تو ای فرزند نیکان انتخاب شده، و بسیار عطا کنندگان

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ قَوَاعِدِ الْعِلْمِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ

بزرگواران و بخشندگان. سلام بر تو ای فرزند حجت‌های پرتوبخش، و چراغ‌های

مَعَادِنِ الْحِلْمِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْكَوَاكِبِ الزَّاهِرَةِ، وَ

تابان. سلام بر تو ای فرزند ستارگان درخشان، سلام بر تو ای فرزند پایه‌ها و

النُّجُومِ الْبَاهِرَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الشُّمُوسِ الطَّالِعَةِ،

ارکان دانش حقیقی، سلام بر تو ای فرزند معدن‌های حلم و بردباری، سلام بر تو

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْأَقْمَارِ السَّاطِعَةِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ

ای فرزند کوكب‌های درخشنده و ستارگان زیبا و نورانی، سلام بر تو ای فرزند

السُّبُلِ الْوَاضِحَةِ، وَ الْأَعْلَامِ اللَّائِحَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ

خورشیدهای آشکار شده تابان، سلام بر تو ای فرزند ماده‌های تابنده. سلام بر

السُّنَنِ الْمَشْهُورَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْمَعَالِمِ الْمَأْثُورَةِ،

تو ای فرزند راده‌های آشکار، و نشانه‌های هویدا، سلام بر تو ای فرزند سنت‌های

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الشَّوَاهِدِ الْمَشْهُودَةِ، وَ الْمُعْجَزَاتِ

مشهور و زبانزد، سلام بر تو ای فرزند نشانه‌های به جای مانده از گذشتگان، سلام

الْمَوْجُودَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الصَّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ، وَ النَّبَاِ

بر تو ای فرزند شاهدان گواهی شده، و معجزاتی که هنوز موجودند، سلام بر تو

العَظِيمِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْآيَاتِ الْبَيِّنَاتِ، وَ الدَّلَائِلِ

ای فرزند راه راست، و خیر بزرگ. سلام بر تو ای فرزند نشانه‌ها و آیه‌های روشن

الظَّاهِرَاتِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْبَرَاهِينِ الْوَاضِحَاتِ،

و دلیل‌های آشکار و هویدا؛ سلام بر تو ای فرزند برهان‌های نمایان، سلام بر تو

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْحُجَجِ الْبَالِغَاتِ، وَ النِّعَمِ السَّابِغَاتِ.

ای فرزند حجت‌ها و دلیل‌های رسا و نعمت‌های فراوان و فراگیر. سلام بر تو ای

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ طِهٍ وَ الْمُحْكَمَاتِ، وَ يَسٍ وَ الذَّارِيَاتِ،

فرزند طه و آیات محکم الهی و یاسین و ذاریات و طور و عادیات، سلام بر تو ای

وَ الطُّورِ وَ الْعَادِيَاتِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ مَنْ دَنَى فِتْدَلَى

فرزند کسی که آنقدر نزدیک شد که نزدیکیش با خداوند همچون دو طرف کمان

فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى، وَ اقْتَرَبَ مِنَ الْعَلِيِّ الْأَعْلَى.

یا کمتر از آن بود، و به خداوند بلند مرتبه و الا مقام (از جهت معنوی) نزدیک شد؛

لَيْتَ شِعْرِي أَئِنِ اسْتَقَرَّتْ بِكَ النَّوَى، أَوْ أَنْتَ بَوَادِي

ای کاش می‌دانستم در کجا استقرار یافته‌ای، آیا در وادی طوا هستی؟! چقدر

طوى، عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ أَرَى الْخَلْقَ وَ لَا تُرَى، وَ لَا يُسْمَعُ

برایم سخت و تحملش دشوار است که مردم را ببینم ولی تو - محبوبم - را نبینم؛

لَكَ حَسِيْسٌ وَ لَا نَجْوَى، عَزِيْزٌ عَلَيَّ اَنْ يُرَى الْخَلْقُ وَ

و حتی هیچ صدای پنهان و صحبت آرامی نیز از تو نشنوم؛ برای من سنگین است که

لا تُرَى، عَزِيْزٌ عَلَيَّ اَنْ تُحِيْطَ بِكَ الْاَعْدَاءُ. بِنَفْسِي اَنْتَ

مردم و مخلوقات دیده شوند ولی تو دیده نشوی؛ برای من سنگین است که دشمنان تو

مِنْ مُغِيْبٍ مَا غَابَ عَنَّا بِنَفْسِي اَنْتَ مِنْ نَازِحٍ مَا نَزَحَ عَنَّا

را احاطه کرده باشند. جانم فدایت ای پنهان شده‌ای که در واقع از ما پنهان نیستی جانم

وَ نَحْنُ نَقُوْلُ، الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ، وَ صَلَّى اللهُ عَلَيَّ

فدایت، ای دوری که در واقع از ما جدا نیستی؛ و ما می‌گوییم: ستایش به خدا، پروردگار

مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ أَجْمَعِيْنَ.

هستی، اختصاص دارد؛ و خدا درودی پیوسته بر محمد و تمام خاندانش نثار فرماید.

آنگاه دو دست خود را به سوی آسمان بلند نموده و می‌گویی:

اَللّٰهُمَّ اَنْتَ كَاشِفُ الْكُرْبِ وَ الْبَلْوَى وَ اِلَيْكَ نَشْكُوْ غِيْبَةَ

بار الهی! تو بر طرف کننده‌اندوه و بلا و مصیبت‌ها هستی؛ از پنهانی و غیبت امامان به تو شکایت

اِمَامِنَا، وَ اِبْنِ بِنْتِ نَبِيِّنَا. اَللّٰهُمَّ فَاْمَلْاْ بِهٖ الْاَرْضَ عَدْلًا

می‌کنیم؛ همو که فرزند دختر پیغمبرمان است. بار الهی! (از تو می‌خواهیم که) زمین را همان گونه که

وَ قِسْطًا، كَمَا مُلِئْتَ ظُلْمًا وَ جَوْرًا. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ

بر از ستم‌های آشکار و پنهان است، بر از عدل و داد کنی و این کار را به وسیله او به انجام برسانی.

مُحَمَّدٍ وَ اَهْلِ بَيْتِهِ، وَ اَرْنَا سَيِّدَنَا وَ صَاحِبَنَا وَ اِمَامَنَا وَ

بار الهی! بر محمد و اهل بیت او درودی پیوسته نثار کن؛ و آقای ما، صاحب اختیار ما، پیشوای خوب

مَوْلَانَا صَاحِبَ الزَّمَانِ، وَ مَلْجَأَ أَهْلِ عَصْرِنَا، وَ مَنْجَا

ما، مولای ما، صاحب زمان، پناه مردم و موجودات روزگار ما، نجات بخش مخلوقات زمانه ما را به ما

أَهْلِ دَهْرِنَا، ظَاهِرَ الْمَقَالَةِ، وَاضِحَ الدَّلَالَةِ، هَادِيًا مِنْ

بنمایان، با گفتاری آشکار و دلایلی روشن، و هدایت‌گری از گمراهی‌ها، و نجات‌بخشی از نادانی‌ها، و

الضَّلَالَةِ، مُنْقِذًا مِنَ الْجَهَالَةِ. وَ أَظْهَرَ مَعَالِمَهُ، وَ ثَبَّتْ

دستورات و نشانه‌هایش را آشکار ساز، پایه‌هایش را محکم گردان، یاریش را با عزت و نیرومند گردان،

قَوَاعِدَهُ، وَ أَعَزَّ نَصْرَهُ، وَ أَطْلَعَ عُمُرَهُ، وَ أَبْسَطَ جَاهَهُ، وَ

دوران زندگیش را طولانی فرما، اعتبار و مقامش را گسترش بده، امر و لایتش را زنده کن، روشنی

أَحْيَ أَمْرَهُ، وَ أَظْهَرَ نُورَهُ، وَ قَرَّبَ بُعْدَهُ، وَ أَنْجَزَ وَعْدَهُ، وَ

و نورش را ظاهر کن، دوریش را نزدیک فرما، وعده‌اش را جامه عمل بپوشان و به عهد و پیمان او وفا

أَوْفَ عَهْدَهُ، وَ زَيَّنَ الْأَرْضَ بِطَوْلِ بَقَائِهِ، وَ دَوَّامَ مُلْكِهِ، وَ

کن، و زمین را به واسطه حضور و باقی ماندن طولانی‌اش و پایداری حکومت و دولتش، و بلندی و

عُلُوَّ ارْتِقَائِهِ وَ ارْتِفَاعِهِ. وَ أَنْرَ مَشَاهِدَهُ، وَ ثَبَّتْ قَوَاعِدَهُ،

بلندمرتبی‌اش از مزین فرما، مکان‌های حضورش را نور باران کن، پایه‌های حکومتش را محکم و پایدار

وَ عَظَّمَ بُرْهَانَهُ، وَ أَمَدَ سُلْطَانَتِهِ، وَ أَعْلَى مَكَانَهُ، وَ قَوَّ

فرما، دلیل و برهان او را مورد تعظیم قرار بده، سلطنتش را امتداد بده، جایگاهش را رفیع و والا کن،

أَرْكَانَهُ، وَ أَرْنَا وَجْهَهُ، وَ أَوْضَحَ بَهْجَتَهُ، وَ أَرْفَعَ دَرَجَتَهُ،

ارکان حکومتش را قوی کن، روی مبارکش را به ما بنمایان، تر و تازگی و سلامتی‌اش را آشکار ساز،

وَ أَظْهَرَ كَلِمَتَهُ، وَ أَعَزَّ دَعْوَتَهُ، وَ أَعْطَاهُ سُؤْلَهُ، وَ بَلَّغَهُ يَا

درجه و رتبه‌اش را بالا ببر، کلمه او را آشکار کن، فراخوانی او را عزت‌مند گردان، خواسته‌هایش را به

رَبِّ مَأْمُولُهُ، وَ شَرَّفَ مَقَامَهُ، وَ عَظَّمَ إِكْرَامَهُ. وَ أَعَزَّهُ بِه

او عطا کن، ای پروردگار من؛ به آرزوهایش به طور کامل برسان، مقام و منزلتش را شرافتمند کن، و

الْمُؤْمِنِينَ، وَ أَحْيَى بِه سُنَنَ الْمُرْسَلِينَ، وَ إِذْلَ بِه الْمُنَافِقِينَ،

گرامی داشت او را عزیز گردان. مؤمنان را به وسیله او عزت مند کن، سنت‌های رسولان را به وسیله او

وَ أَهْلَكَ بِه الْجَبَّارِينَ، وَ أَكْفَه بَغْيَ الْحَاسِدِينَ، وَ أَعَدَّهُ

زنده کن، منافقان را به وسیله او خوار ساز، و زورگویان را به وسیله او هلاک کن، و او را از رستم حسودان

مِنْ شَرِّ الْكَائِدِينَ، وَ أَزْجُرْ عَنْهُ إِرَادَةَ الظَّالِمِينَ. وَ أَيَّدَهُ

کفایت کن و او را از شر حيله گران پناه بده، اراده و تصمیم ستمکاران را از او دور کن. با سپاهیان از

بِجُنُودٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ، وَ سَلَطَهُ عَلَى أَعْدَاءِ دِينِكَ

فروستگانی که علامت دارند یاریش کن، و بر تمامی دشمنان دینت او را چیره و مسلط فرما. هر کسی

أَجْمَعِينَ، وَ أَقْصَمَ بِه كُلَّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ، وَ أَخْمَدُ بِسَيْفِهِ كُلَّ

را که زورگوی عناد پیشه است به واسطه آن حضرت نابود کن، هر آتش افروخته‌ای را با شمشیر او

نَارٍ وَ قَيْدٍ، وَ أَنْفَذَ حُكْمَهُ فِي كُلِّ مَكَانٍ، وَ أَقَمَ بِسُلْطَانِهِ

خاموش کن، دستورش را در تمام جاها نافذ گردان و عملی کن؛ با پادشاهی او هر سلطنتی را ایجاد

كُلِّ سُلْطَانٍ، وَ أَقْمَعَ بِه عَبَدَةَ الْأَوْثَانِ. وَ شَرَّفَ بِه أَهْلَ

کن، بت پرستان را به واسطه او نابود کن. و اهل قرآن و ایمان را با او شریف گردان، و او را بر تمام دین‌ها

الْقُرْآنَ وَ الْإِيمَانَ، وَ أَظْهَرَهُ عَلَى كُلِّ الْأَدْيَانِ، وَ أَكْبَتُ

چیره گردان و نمودار کن، و تمام دشمنانش را بیچاره و رسوا کن، و هر که او را هدف بگیرد و قصد

مَنْ عَادَاهُ، وَ أَذْلَ مَنْ نَاوَاهُ، وَ اسْتَأْصَلَ مَنْ جَحَدَ حَقَّهُ،

سوء کند خوار گردان، و هر کس حق او را انکار کرد مستأصل و درمانده گردان و هر کس را که منکر

وَ أَنْكَرَ صَدَقَهُ، وَ إِسْتَهَانَ بِأَمْرِهِ، وَ أَرَادَ إِخْمَادَ ذِكْرِهِ،

صداقت او شد یا دستورش را ضعیف و کوچک به حساب آورد، و در فکر از بین بردن یادش باشد و در

وَ سَعَى فِي إِطْفَاءِ نُورِهِ. اللَّهُمَّ نَوِّرْ نُورَهُ كُلَّ ظُلْمَةٍ،

جهت خاموشی نورش تلاش کند و امانده و بدبخت گردان بر بار الهی؛ با نور و روشنی او هر تاریکی را به

وَ اكْشِفْ بِهِ كُلَّ غُمَّةٍ، وَ قَدِّمْ أَمَامَهُ الرَّعْبَ، وَ ثَبِّتْ بِهِ

روشنی بدل کن، و هر غم و اندوهی را بر طرف گردان، و پیشاپیش او، رعب و وحشت را بفرست، دل

الْقَلْبَ، وَ أَقِمْ بِهِ نُصْرَةَ الْحَرْبِ، وَ اجْعَلْهُ الْقَائِمَ الْمُؤَمَّلَ، وَ

و قلب مؤمنان را به وسیله او محکم و پایدار گردان؛ و پیروزی در جنگ را به او برپا دار، و او را همان

الْوَصِيَّ الْمَفْضَلِ، وَ الْإِمَامَ الْمُنْتَظَرَ، وَ الْعَدْلَ الْمُخْتَبَرَ. وَ

قیام کننده‌ای که همه آرزویش را دارند، و برترین وصی و جانشینان و به عنوان پیشوای مورد انتظار

املاً بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا، كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا،

و عدالتمند امتحان پس داده، قرارش بده. و به وسیله او زمین را - که پر از سستم‌های آشکار و پنهان

وَ أَعْنَهُ عَلَى مَا وَلِيَّتُهُ وَ اسْتَخْلَفْتَهُ وَ اسْتَرْعَيْتَهُ، حَتَّى

است - پر از عدل و داد گردان؛ و در مورد انجام چیزهایی که سرپرستی و جانشینی و رعایتش را به او

يَجْرِي حُكْمُهُ عَلَى كُلِّ حُكْمٍ، وَ يَهْدِي بِحَقِّهِ كُلَّ ضَلَالَةٍ.

و اگذار نموده‌ای یاری کن تا به انجام برساند، و در نتیجه حکم و حکومت او بر هر دستوری فایز آید، و

وَ اَحْرُسُهُ اللَّهُمَّ بِعَيْنِكَ الَّتِي لَا تَنَامُ، وَ اَكْنُفُهُ بِرُكْنِكَ الَّذِي

با حقیقتش هر گمراهی را هدایت فرماید. بار الهی؛ با آن دیده همیشه بیدارت که خواب برایش مفهوم

لَا يُرَامُ، وَ أَعِزَّهُ بِعِزِّكَ الَّذِي لَا يُضَامُ، وَ اجْعَلْنِي يَا

و معنا ندارد، او را حراست و نگهبانی کن؛ او را در کنف رکن رکن و محکم خود که شکسته نمی‌شود

إِلَهِي مِنْ عَدَدِهِ وَ مَدَدِهِ، وَ أَنْصَارِهِ وَ أَعْوَانِهِ وَ أَرْكَانِهِ

در آور؛ با عزت پایداری که چیزی بر آن چیره نشود، او را عزت مند کن. مرا نیز - ای خدای من؛ - از

وَ أَشْيَاعِهِ وَ أَتْبَاعِهِ، وَ إِذْقَنِي طَعْمَ فَرْحَتِهِ، وَ الْبَسْنِي

جمله لشکریان و در شمار یاران او و جزو انصار و کمک رسانان جبهه اش و سرداران سپاهش و شیعیان

ثَوْبَ بَهْجَتِهِ، وَ أَحْضِرْنِي مَعَهُ لَبِيعَتِهِ، وَ تَأْكِيدِ عَقْدِهِ بَيْنَ

و دنباله روان او قرار بده. و طعم شادی و سرور او را به من بچشان، و لباس طراوت بهجتش را به من

الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ عِنْدَ بَيْتِكَ الْحَرَامِ. وَ وَفِّقْنِي يَا رَبِّ لِلْقِيَامِ

بیوشان، و مرا به حضورش برسان، تا در بین رکن و مقام و در کنار خانه محترمت نزد او باشم و با او

بِطَاعَتِهِ، وَ الْمَثْوَى فِي خِدْمَتِهِ، وَ الْمَكْتَبِ فِي دَوْلَتِهِ، وَ

بیعت کنم و پیمانی را که با او بستم بر آن تأکید ورزم. بار پروردگارا! مرا توفیق بده برای انجام فرمان

اجْتِنَابِ مَعْصِيَتِهِ، فَإِنْ تَوَفَّقْتَنِي اللَّهُمَّ قَبْلَ ذَلِكَ، فَاجْعَلْنِي

او، و منزل گرفتن در خدمت او، و درنگ کردن و ماندن در دولت او، و دوری گزیدن از نافرمانی او.

يَا رَبِّ فِي مَنْ يَكْرُهُ فِي رَجْعَتِهِ، وَ يَمْلِكُ فِي دَوْلَتِهِ، وَ

خدایا! اگر پیش از تشکیل حکومت او مرا میراندی، از کسانی قرار ده - ای پروردگار من؛ - که در زمان

يَتِمَكُنُ فِي أَيَّامِهِ، وَ يَسْتَظِلُّ تَحْتَ أَعْلَامِهِ، وَ يُحْشَرُ

بازگشت او باز می گردند، و در دولت او فرمانروا می شوند، و در ایام حکومت او قدرتمند می شوند، و در

فِي زُمْرَتِهِ، وَ تَقَرُّ عَيْنُهُ بِرُؤْيَتِهِ، بِفَضْلِكَ وَ إِحْسَانِكَ، وَ

زیر پرچم های او در می آیند، و در زمره او محشور می شوند، و چشمشان به دیدارش روشن می شود.

كَرَمِكَ وَ اِمْتِنَانِكَ، إِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ، وَ الْمَنَّ الْقَدِيمِ،

این همه را با فضل و احسان و کرامت و منت بخشی خودت انجام بده. راستی، تو دارای فضل با عظمت،

وَ الْإِحْسَانَ الْكَرِيمَ.

مَنْت دیرینه، و نیکویی و احسان بزرگوارانه هستی.

سپس دوازده رکعت نماز (شش نماز دو رکعتی)، در همان جایی که هستی به جامی آوری و در آن هر سوره‌ای که خواسته باشی قرائت نموده و ثوابش را به آن حضرت (ع) هدیه می‌کنی و پس از سلام هر دو رکعت نماز، تسبیح حضرت فاطمه زهرا (س) را انجام داده، سپس می‌گویی:

اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ وَ مِنْكَ السَّلَامُ، وَ إِلَيْكَ يَعُودُ السَّلَامُ،

بار الٰه! تو، سلام هستی، و سلام و سلامتی، تنها از توست، و سلام به سوی تو برمی‌گردد؛

حِينَا رَبَّنَا مِنْكَ بِالسَّلَامِ. اللَّهُمَّ إِنَّ هَذِهِ الرَّكَعَاتُ هَدِيَّةٌ

پروردگار ما! سلامی از خودت، به ما هدیه کن. بار الٰه! این چند رکعت نماز، هدیه‌ای از

مَنْي إِلَى وَ لِيَّكَ وَ ابْنِ وَ لِيَّكَ وَ ابْنِ أَوْلِيَائِكَ، الْإِمَامِ بِنِ

جانب من به ولی و دوست تو و فرزند ولایت و فرزند اولیای راستینت است؛ همان پیشوایی

الْإِمَّةِ، الْخَلْفِ الصَّالِحِ، الْحُجَّةِ صَاحِبِ الزَّمَانِ، فَصَلِّ

که فرزند پیشوایان دین است، جاکشین شایسته، حضرت حجت و صاحب زمانه می‌باشد.

عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ بَلِّغْهُ إِيَّاهَا، وَ أَعْطِنِي أَفْضَلَ

پس، بر محمد و آل محمد درود بفرست؛ و این نمازها را به آن حضرت برسان؛ و به من

أَمَلِي وَ رَجَائِي فِيكَ وَ فِي رَسُولِكَ، صَلِّوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ

نیز برترین آرزو و امیدم به تو و رسالت و امام زمان؛ را عطا کن؛ درودهای بی‌کران تو بر

عَلَى آلِهِ أَجْمَعِينَ وَ فِيهِ.^۱

حضرت رسول و تمام آل او نثار باد.

سید بزرگوار جناب «سید بن طاووس» می فرماید: پس از نماز، دعای مشهوری را که در زمان غیبت حضرت قائم (ع) خوانده می شود، بخوان.

۱۲

زیارت دوم حضرت صاحب الزمان (ع)

این زیارت، به «زیارت ندبه» معروف است، که از ناحیه مقدسه صادر شده و به دست مبارک «ابوجعفر محمد بن عبدالله حمیری» رسیده است. و امر فرموده اند که این زیارت در «سرداب مقدس» خوانده شود.^۲

۱. مصباح الزائر، ص ۴۱۸.

۲. مصباح الزائر، ص ۴۳۰.

زیارت سوم حضرت صاحب الزمان (ع)

زیارت دیگری که مولای ما حضرت بقیه الله در این مکان مقدس با آن زیارت می شود؛ چنین است: دو رکعت نماز خوانده و پس از آن می گویی: **سَلَامُ اللَّهِ الْكَامِلُ التَّامُّ...**^۱

زیارت دیگر حضرت بقیه الله (ع) در سرداب مقدس

سید بن طاووس (ره) می فرماید: پیشتر، کیفیت اذن ورود را در ابتدای زیارت آن حضرت (ع) بیان کردیم؛ بدین سان، نیازی نیست که همراه با هر یک از زیارت های حضرتش دوباره تکرار شود. پس از اذن ورود هنگامی که به سرداب مقدس واردی شدی، بگو

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ خَلِيفَةَ رَسُولِهِ

سلام بر تو ای جانشین خداوند در روی زمینش؛ و جانشین رسول خدا و پدرانش امامان

وَ آبَاءِ الْأُمَّةِ الْمَعْصُومِينَ الْمَهْدِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

معصوم و هدایت شده؛ سلام بر تو ای حفظ کننده اسرار و رازهای پروردگار جهانیان؛ سلام

حَافِظِ أَسْرَارِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ

بر تو ای ارث برنده دانش رسولان الهی؛ سلام بر تو ای باقی مانده حجت های انتخاب شده

عِلْمِ الْمُرْسَلِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ مِنَ الصَّفْوَةِ

و برگزیده الهی؛ سلام بر تو ای فرزند نورهای تابان. سلام بر تو ای فرزند اشباح زیبا رویان،

الْمُتَجَبِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْأَنْوَارِ الزَّاهِرَةِ. السَّلَامُ

سلام بر تو ای فرزند چهره های نورانی پاک، سلام بر تو ای ارث برنده گنج های دانش

عَلَيْكَ يَا بَنَ الْأَشْبَاحِ الْبَاهِرَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الصُّورِ

خداوندی؛ سلام بر تو ای نگهبان رازهای پنهان ربانی، سلام بر تو ای کسی که روشنی های

النَّيِّرَةِ الطَّاهِرَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ كَنْزِ الْعُلُومِ الْإِلَهِيَّةِ،

شکوه مند در برابر او ابراز فروتنی کرده اند. سلام بر تو ای درب ورودی به درگاه الهی

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَافِظَ مَكْنُونِ الْأَسْرَارِ الرَّبَّانِيَّةِ، السَّلَامُ

که جز آن راهی برای رفتن نزد خدا نیست؛ سلام بر تو ای راه الهی که هر که جز آن را

عَلَيْكَ يَا مَنْ خَضَعَتْ لَهُ الْأَنْوَارُ الْمَجْدِيَّةُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ

بیماید نابود و هلاک می شود؛ سلام بر تو ای حجاب دیرینه و پایدار الهی؛ سلام بر تو ای

يَا بَابَ اللَّهِ الَّذِي لَا يُؤْتَى إِلَّا مِنْهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

فرزند درخت طوبا و سدره المنتهی (برترین و بالاترین مکان در بهشت)؛ سلام بر تو ای

سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِي مَنْ سَلَكَ غَيْرَهُ هَلَكَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ، يَا

نور خدا که هرگز خاموش نمی شود. سلام بر تو ای حجت خدا که پنهان نمی شود؛ سلام

حِجَابَ اللَّهِ الْأَزَلِيِّ الْقَدِيمِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ شَجَرَةَ

بر تو ای زبان گویای الهی که مقصود او را بیان می کند؛ سلام بر تو ای رومی الهی که در

طوبی وَ سِدْرَةَ الْمُنْتَهَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ الَّذِي

بین بشت های بندگانش جا بجا شده؛ سلام کسی که تو را شناخته است، آنچنان که تو

لَا يُطْفَأُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ الَّتِي لَا تُخْفَى،

خواستی شناخته شوی و خودت را برای او معرفی فرمودی. سلام کسی که برخی از صفات

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا لِسَانَ اللَّهِ الْمُعَبَّرِ عَنْهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

و ویژگی هایی را که تو شایسته آن بزبان بالاتر از آن هستی توصیف نموده است. گواهی

وَجْهَ اللَّهِ الْمُتَقَلَّبُ بَيْنَ أَظْهَرِ عِبَادِهِ، سَلَامٌ مَنِ عَرَفَكَ بِمَا

می دهم که تو حجت بر گذشتگان و باقی ماندگان هستی؛ حزب و گروه تو جیره شونده و

تَعَرَّفَتْ بِهِ إِلَيْهِ، وَ نَعْتِكَ بِبَعْضِ نَعُوتِكَ الَّتِي أَنْتَ أَهْلِهَا

بیروزند؛ دوستان تو کامیابند، دشمنان تو زیان کارند؛ تو دارای تمام دانش ها، و گشاینده

وَفَوْقَهَا. أَشْهَدُ أَنَّكَ الْحُجَّةُ عَلَى مَنْ مَضَى وَ مَنْ بَقِيَ

و شگافنده هر بسته ای هستی؛ آنچنان بیشی گیرنده ای که کسی به او نمی رسد؛ تو را ای

وَ أَنَّ حَزْبِكَ هُمُ الْغَالِبُونَ، وَ أَوْلِيَاءُكَ هُمُ الْفَائِزُونَ، وَ

مولا ی من - به عنوان پیشوا و هدایتگرم پسندیدم، و کسی را جایگزین تو نمی کنم، و

أَعْدَائِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ، وَ أَنَّكَ حَائِزُ كُلِّ عِلْمٍ، وَ فَاتِحُ

چیز تو سر پرستی بر نمی گیریم؛ و می دانم که تو حقیقت یابدار و ثابت هستی؛ به گونه ای

كُلِّ رَتْقٍ، وَ سَابِقٌ لَا يُلْحَقُ، رَضِيتُ بِكَ يَا مَوْلَايَ إِمَامَا

که طول کشیدن دوران غیبت و پنهان بودن تو باعث بدگویی و شک و تردید من نشود

و هَادِيَا، لَا أَبْتَغِي بَدَلًا، وَلَا أَتَّخِذُ مِنْ دُونِكَ وَلِيًّا، وَ

و به دراز کشیدن مدت پنهان بودن تو باعث تحیر و سرگردانی من نشود. وعده‌ای که

أَنْكَ الْحَقُّ الثَّابِتُ، الَّذِي لَا أَغْتَابُ وَلَا أَرْتَابُ لِأَمَدِ

خدا در موردت داده است، حقیقت دارد، و این که گفته است به وسیله تو دینش را یاری
الْغَيْبَةِ، وَلَا أَتَحِيرُ لِطَوْلِ الْمُدَّةِ. وَعَدُّ اللَّهِ حَقًّا، وَنُصْرَتُهُ

می کند راست است؛ خوشایه حال کسی که با ولایت تو سعادت مند گشته، و وای بر کسی

لِدِينِهِ بِكَ صَدَقٌ، طُوبَى لِمَنْ سَعِدَ بِوِلَايَتِكَ، وَوَيْلٌ لِمَنْ

که با انکار تو بدبخت شود. تو همان شفاعت کننده اطاعت شونده‌ای هستی که شفاعتش

شَقِيَ بِجُحُودِكَ، وَأَنْتَ الشَّافِعُ الْمُطَاعُ الَّذِي لَا يُدَافِعُ،

رد نمی شود، خدای سبحان تو را برای یاری دین، عزت بخشیدن به اهل ایمان، و انتقام

ذَخَرَكَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ لِنُصْرَةِ الدِّينِ، وَإِعْزَازِ الْمُؤْمِنِينَ، وَ

گرفتن از منکرین ذخیره کرده است. پذیرش اعمال مردم توسط خداوند، متوقف بر ولایت

الْإِنْتِقَامِ مِنَ الْجَاهِلِينَ. الْأَعْمَالُ مَوْقُوفَةٌ عَلَيَّ وَوِلَايَتِكَ،

تو اسبیت و هر گفتاری تنها به واسطه پذیرش امامت و پیشوایی تو اعتبار دارد؛ هر کس

وَ الْأَقْوَالُ مُعْتَبَرَةٌ بِإِمَامَتِكَ، مَنْ جَاءَ بِوِلَايَتِكَ وَاعْتَرَفَ

ولایت تو را داشته باشد و به پیشوایی و امامت تو اعتراف کند اعمالش پذیرفته و گفتارش

بِإِمَامَتِكَ قَبْلَتْ أَعْمَالَهُ، وَصُدِّقَتْ أَقْوَالُهُ، تَضَاعَفَ لَهُ

تصدیق، و نیکی‌هایش چند برابر، و گناهانش محو و نابود می گردد و هر کس نسبت به

الْحَسَنَاتِ، وَتُمْحَى عَنْهُ السَّيِّئَاتُ، وَمَنْ زَلَّ عَنْ مَعْرِفَتِكَ،

شناخت تو لغزش پیدا کند و منحرف گردد و کسی دیگر را جایگزین تو گرداند خداوند

وَاسْتَبَدَلَ بِكَ غَيْرَكَ، أَكْبَهُ اللَّهُ عَلَى مَنْخَرِيهِ فِي النَّارِ، وَ

او را به رو در آتش افکند، و بد هیچ وجه عملی از او را نپذیرد و روز قیامت برای او وزن
 لَمْ يَقْبَلْ لَهُ عَمَلًا، وَلَمْ يُقَمِّ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزَنًا. أَشْهَدُ

و قیمتی قرار ندهد. مولای من: گواهی می‌دهم که ظاهر گفتارم همانند باطن و درونش
 يَا مَوْلَايَ أَنَّ مَقَالِي ظَاهِرَهُ كِبَاطِنِهِ، وَ سِرَّهُ كَعَلَانِيَتِهِ، وَ

است، و پنهانیش همانند آشکاری آن می‌باشد و تو خودت به خوبی از این جریان آگاه و
 أَنْتَ الشَّاهِدُ عَلَيَّ بِذَلِكَ، وَ هُوَ عَهْدِي إِلَيْكَ، وَ مِيثَاقِي

گواه هستی و آن عهد من با تو و پیمان بسته شده من نزد تو است؛ زیرا، تو باعث سامان
 الْمَعْهُودُ لَدَيْكَ، إِذْ أَنْتَ نِظَامُ الدِّينِ، وَ عِزُّ الْمُوَحِّدِينَ، وَ

بخشیدن به آیین الهی هستی، و عزت بخش موحدان، و امیر و فرمانروای پرهیزکاران
 يَعْسُوبُ الْمُتَّقِينَ، وَ بِذَلِكَ أَمَرَنِي فَيْكَ رَبُّ الْعَالَمِينَ. فَلَوْ

هستی و پروردگار جهانیان در مورد تو این گونه به من فرمان داده است. پس اگر روزگاران
 تَطَاوَلَتِ الدُّهُورُ، وَ تَمَادَتِ الْأَعْصَارُ، لَمْ أَزِدْ بِكَ إِلَّا

به طول انجامد، و زمان‌ها به درازا کشیده شود؛ جز بر یقین من در موردت افزوده نخواهد
 يَقِينًا، وَ لَكَ إِلَّا حُبًّا، وَ عَلَيْكَ إِلَّا اعْتِمَادًا، وَ لَظْهُورَكَ

شد و تنها باعث فزونی محبت و دوستی من به تو و اعتمادم بر تو می‌گردد و آمادگی
 إِلَّا مُرَابَطَةً، بِنَفْسِي وَ مَالِي وَ جَمِيعِ مَا أَنْعَمَ بِهِ عَلَيَّ

بیشتر برای ظهورت به واسطه مرز داری و جلوگیری از نفوذ دشمن و دفاع و دفع دشمنانت
 رَبِّي. فَإِنْ أَدْرَكْتُ أَيَّامَكَ الزَّاهِرَةَ، وَ أَعْلَامَكَ الْقَاهِرَةَ،

با جان و مال و همه نعمت‌های پروردگارم خواهد گردید. اگر روزگار درخشان ظهورت و

فَعَبْدٌ مِنْ عِبِيدِكَ، مُعْتَرِفٌ بِأَمْرِكَ وَ نَهْيِكَ، أَرْجُو بِطَاعَتِكَ

نشانه‌های پیروزی را دریابیم؛ من نیز یکی از کوچک‌ترین خاکساران درگاهت خواهم بود

الشَّهَادَةَ بَيْنَ يَدَيْكَ، وَ بَوْلَايَتِكَ السَّعَادَةَ فِي مَا لَدَيْكَ. وَ

و امر و نهی تو را می‌پذیرم؛ با فرمان برداری تو، شهادت پیشاپیش تو را امیدوار هستم، و

إِنْ أَدْرَكْنِي الْمَوْتُ قَبْلَ ظُهُورِكَ، فَأَتَوْسَّلُ بِكَ إِلَى اللَّهِ

می‌خواهم با پذیرش ولایت تو، به دست تو سعادت‌مند شوم. و اگر پیش از ظهورت مرگ

سُبْحَانَهُ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَنْ يَجْعَلَ

به سراغ من آمد، به واسطه تو به خدای سبحان توسل می‌جویم تا بر محمد و آل محمد

لِي كَرَّةً فِي ظُهُورِكَ، وَ رَجْعَةً فِي أَيَّامِكَ، لِأَبْلُغَ مِنْ

درود فرستد، و مرا در زمان ظهورت باز گرداند، و در زمان دولت و حکومتت رجعت کنم، تا

طَاعَتِكَ مُرَادِي، وَ أَشْفِي مِنْ أَعْدَائِكَ فُوَادِي. يَا مَوْلَايَ

آنچنان که دلم می‌خواهد از دستورات فرمانبری کنم، و قلبم را با انتقام‌گیری از دشمنانت

وَقَفْتُ فِي زِيَارَتِي إِيَّاكَ مَوْقِفَ الْخَاطِئِينَ الْمُسْتَغْفِرِينَ

شفا بخشم. مولای من، در حال زیارت تو، در جایگاه خطاکاران آمرزش طلبان و پشیمانان

النَّادِمِينَ، أَقُولُ عَمِلْتُ سُوءًا، وَ ظَلَمْتُ نَفْسِي، وَ عَلَيَّ

قرار گرفته‌ام؛ و به صراحت می‌گویم که بد رفتاری کرده‌ام، و بر خود ستم نموده‌ام، و توکل

شَفَاعَتِكَ يَا مَوْلَايَ مُتَّكِلِي وَ مُعَوَّلِي، وَ أَنْتَ رُكْنِي

و تکیه‌ام - ای مولای من؛ - تنها بر شفاعت توست؛ چرا که رکن و تکیه‌گاه و مورد اطمینان

وَ ثِقَتِي، وَ وَسَيْلَتِي إِلَى رَبِّي، وَ حَسْبِي بِكَ وَ لِيًّا وَ مَوْلِي

من و واسطه من نزد خدا تو هستی؛ و تو برای سرپرستی و سروری و شفاعت من نزد

وَ شَفِيعًا. وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانِي لَوْلَايَتِكَ وَ مَا كُنْتُ

بروردگار کافی و بس هستی. ستایش ویژه خدایی است که مرا هدایت کرد تا ولایت تو را از

لأَهْتَدِي لَوْلَا أَنْ هَدَانِي اللَّهُ، حَمْدًا يَقْتَضِي ثَبَاتَ النُّعْمَةِ،

جان و دل پذیرا باشم، و به هیچ وجه راه را نمی یافتم اگر خدا مرا هدایت نمی کرد. ستایش

وَ شُكْرًا يُوجِبُ الْمَزِيدَ مِنْ فَضْلِهِ، وَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

می کنم ستایشی که باعث پایداری نعمت شود؛ و سپاسی که موجب افزایش فضل و احسان

مَوْلَايَ وَ عَلَى آبَائِكَ مَوَالِي الْأُمَّةِ الْمُهْتَدِينَ وَ رَحْمَةً

او گردد. سلام بر تو ای مولای عزیزم؛ و سلام بر پدرانت که سرپرستان و پیشوایانی هدایتگر

اللَّهُ وَ بَرَكَاتُهُ، وَ عَلَىٰ مِنْكُمْ السَّلَامُ.

بودند؛ رحمت و برکات الهی و سلام و درود من بر شما نثار باد.

سپس، نماز زیارت را که در زیارت اول بیان شد به جای آور و

پس از آن بگو:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ الْهَادِينَ الْمُهْتَدِينَ،

بار الهی! بر محمد و اهل بیت پاک، هدایتگر و هدایت یافته اش درود فرست؛

الْعُلَمَاءَ الصَّادِقِينَ، الْأَوْصِيَاءَ الْمَرْضِيِّينَ، دَعَائِمَ دِينِكَ،

همان هایی که دانشمندانی راستگو، و جانشینانی پسندیده بودند. پایه های دینت،

وَ أَرْكَانَ تَوْحِيدِكَ، وَ تَرَاجِمَةَ وَحْيِكَ، وَ حُجَجَكَ عَلَىٰ

ارکان و اساس یگانه پرستی تو، و بیان کنندگان وحیت، حجت های تو بر آفریدگانت،

خَلْقِكَ، وَ خُلَفَائِكَ فِي أَرْضِكَ. فَهُمْ الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ

و جانمشینانت در زمین هستند. ایشان کسانی هستند که برای خود اختیار کرده‌ای، و

لِنَفْسِكَ، وَ اصْطَفَيْتَهُمْ عَلَى عِبَادِكَ، وَ ارْتَضَيْتَهُمْ لِدِينِكَ،

بر بندگان خویش برگزیده‌ای، و برای دین خود پسندیده‌ای، و شناخت کاملت را به

وَ خَصَصْتَهُمْ بِمَعْرِفَتِكَ، وَ جَلَلْتَهُمْ بِكَرَامَتِكَ، وَ غَذَيْتَهُمْ

ایشان اختصاص دادی، با کرامت و بزرگواریت آنان را شکوهمند ساختی، و با حکمت

بِحِكْمَتِكَ، وَ غَشَّيْتَهُمْ بِرَحْمَتِكَ، وَ زَيَّنْتَهُمْ بِنِعْمَتِكَ، وَ

خویش تغذیه‌شان کردی، و غرق رحمت خویش ساختی، و با نعمت خود آراستی، و

الْبَسْتَهُمْ مِنْ نُورِكَ، وَ رَفَعْتَهُمْ فِي مَلَكُوتِكَ، وَ حَفَفْتَهُمْ

روشنی و نورت را برایشان پوشانیدی، و در ملکوت والای خود بالا بردی، و فرشتگانت

بِمَلَائِكَتِكَ، وَ شَرَّفْتَهُمْ بِنَبِيِّكَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ

را گرداگردشان قرار دادی، و به پیامبرت ایشان را شرافت بخشیدی. بارالها! بر محمد

عَلَيْهِمْ صَلَاةً زَاكِيَةً نَامِيَةً كَثِيرَةً، طَيِّبَةً دَائِمَةً لَا يُحِيطُ بِهَا

و بر ایشان درود بفرست درودی خالص، افزون شونده، و بسیار، پاک‌پاکیزه و دائمی،

إِلَّا أَنْتَ، وَلَا يَسَعُهَا إِلَّا عِلْمُكَ، وَلَا يُحْصِيهَا أَحَدٌ غَيْرُكَ.

که جز تو هیچ کس را یارای احاطه بر آن نباشد، و جز دانشت آن را در بر نگیرد، و

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وَ لِيكَ الْمُحْيِي السَّبِيلِ، الْقَائِمِ بِأَمْرِكَ،

جز تو هیچ کس تعدادش را به شماره در نیاورد. بارالها! بر ولایت درود فرست که زاد

الدَّاعِي إِلَيْكَ، الدَّلِيلَ عَلَيْكَ، وَ حُجَّتَكَ عَلَى خَلْقِكَ، وَ

تو را زنده می‌کند، به دستورت قیام می‌کند، به سوی تو فرامی‌خواند، دلیل بر توست،

خَلِيفَتِكَ فِي أَرْضِكَ، وَ شَاهِدِكَ عَلَى عِبَادِكَ. اللَّهُمَّ اعِزَّنِي

حجت تو بر بندگان، جانشینت در زمینت، و گواه تو بر بندگان می باشد. بارالها؛ یاری

نَصْرَهُ، وَ اَمْدُدْ فِي عُمُرِهِ، وَ زَيِّنِ الْأَرْضَ بِطَوْلِ بَقَائِهِ.

او را تقویت کن، عمرش را دراز کن، و با زندگانی طولانیش زمین را زینت بده. بارالها؛

اللَّهُمَّ اكْفِهِ بَغْيَ الْحَاسِدِينَ، وَ أَعِذْهُ مِنْ شَرِّ الْكَائِدِينَ، وَ

از شر و ستم حسودان او را کفایت کن، و از شر حيله گران او را پناه بده، تصمیم و

از جُرْعَتِهِ إِرَادَةَ الظَّالِمِينَ، وَ خَلِّصْهُ مِنْ أَيْدِي الْجَبَّارِينَ.

بسو، قصد ستمکاران را از او دور کن، و از دست زورگویان او را رهایی بخش. بارالها؛

اللَّهُمَّ أَعْطِهِ فِي نَفْسِهِ وَ ذُرِّيَّتِهِ، وَ شَيْعَتِهِ وَ رَعِيَّتِهِ، وَ

به او عطا فرما در مورد خودش، ذریه اش، شیعیان و پیروانش، رعیتش، نزدیکان و

خَاصَّتِهِ وَ عَامَّتِهِ وَ جَمِيعِ أَهْلِ الدُّنْيَا، مَا تُقَرُّ بِهِ عَيْنُهُ، وَ

اطرافیانش، افراد معمولی در خدمتش، و تمام اهل دنیا، آنچه که چشمش را به آن

تَسُرُّ بِهِ نَفْسُهُ، وَ بَلِّغْهُ أَفْضَلَ أَمَلِهِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ،

روشن نمایی و روانش را به آن شاد گردانی؛ و او را به برترین آرزوهایش در دنیا و

إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

آخرت برسان؛ راستی، تو بر هر چیز توانایی.

زیارت پنجم حضرت بقیة الله (عج)

در کتاب «مصباح الزائر» زیارت دیگری نیز نقل شده است:

السَّلَامُ عَلَى الْحَقِّ الْجَدِيدِ وَالْعَامِلِ الَّذِي لَا يَبِيدُ،

سلام بر حقیقت تازه، و عمل کننده‌ای که هرگز قدیمی نمی‌شود،

السَّلَامُ عَلَى مُحْيِي الْمُؤْمِنِينَ وَ مُبِيرِ الْكَافِرِينَ، السَّلَامُ

سلام بر زنده کننده مؤمنان، و هلاک کننده کافران؛ سلام بر هدایت‌گر

عَلَى مَهْدِيِّ الْأُمَّةِ وَ جَامِعِ الْكَلِمِ، السَّلَامُ عَلَى خَلْفِ

امت‌ها و گردآورنده کلمات، سلام بر جانشین گذشتگان، و صاحب

السَّلَفِ وَ صَاحِبِ الشَّرْفِ، السَّلَامُ عَلَى حُجَّةِ الْمَعْبُودِ

شرافت الهی؛ سلام بر حجت پروردگار و کلمه پسندیده و ستوده شده

وَ كَلِمَةِ الْمَحْمُودِ. السَّلَامُ عَلَى مُعَزِّ الْأَوْلِيَاءِ وَ مُذَلِّ

سپاه بر عزت بخش دوستان و خواره کننده دشمنان. سلام بر وارث

الْأَعْدَاءِ، السَّلَامُ عَلَى وَارثِ الْأَنْبِيَاءِ وَ خَاتَمِ الْأَوْصِيَاءِ،

پیامبران و آخرین جانشینان سلام بر قیام کننده مورد انتظار، و عدالت

السَّلَامُ عَلَى الْقَائِمِ الْمُنتَظَرِ وَ الْعَدْلِ الْمُشْتَهَرِ، السَّلَامُ

شهرت یافته، سلام بر کشمیر نمایان، و ماه تابان. سلام بر خورشید

۱. در مزار شهید(ره) چنین آمده است: وَالْعَالِمِ الَّذِي عِلْمُهُ لَا يَبِيدُ؛ «و دانشمندی

که دانشش کهنه نمی‌شود».

عَلَى السَّيْفِ الشَّاهِرِ وَالْقَمَرِ الزَّاهِرِ. السَّلَامُ عَلَى شَمْسِ

تاریکی‌ها و ماه کامل و تمام؛ سلام بر بهار انسان‌ها، و سرشت روزها،

الظَّلَامِ وَبَدْرِ التَّمَامِ، السَّلَامُ عَلَى رَيْبِعِ الْأَنَامِ وَفِطْرَةِ

سلام بر صاحب شمشیر بران، و شکافنده سرها، سلام بر دین به جای

الْأَيَّامِ، السَّلَامُ عَلَى صَاحِبِ الصَّنْصَامِ [وَ] فَلَاقِ الْهَامِ،

مانده و کتاب نگاشته شده. سلام بر باقی مانده حجت‌های خدا در سرزمین‌هایش

السَّلَامُ عَلَى الدِّينِ الْمَأْتُورِ وَالْكِتَابِ الْمَسْطُورِ. السَّلَامُ

و حجت خداوند بر بندگانش؛ کسی که میراث پیامبران به او رسیده، و

عَلَى بَقِيَّةِ اللَّهِ فِي بِلَادِهِ، وَحُجَّتِهِ عَلَى عِبَادِهِ، الْمُنْتَهَى

نشانه‌ها و آثار برگزیدگان نزد اوست، امین سر الهی است، و

إِلَيْهِ مَوَارِيثُ الْأَنْبِيَاءِ، وَلَدَيْهِ مَوْجُودٌ آثَارُ الْأَصْفِيَاءِ،

سرپرست امت‌هاست؛ همان مهدی که خداوند عزیز و بلند مرتبه به

الْمُؤْتَمَنِ عَلَى السُّرِّ، وَالْوَلِيِّ لِلْأُمَّمِ، الْمَهْدِيِّ الَّذِي

امت‌ها وعیده داده است که به سبب او وحدت کلمه ایجاد می‌کند، و

وَعَدَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِهِ الْأُمَّمَ أَنْ يَجْمَعَ بِهِ الْكَلِمَ، وَيَلْمَّ بِهِ

پراکندگی را به هم می‌آورد، و زمین را پراز عدل و داد می‌گرداند،

الشُّعْثَ، وَيَمْلَأُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا، وَيُمْكِنُ لَهُ،

و او را توانایی و قدرت می‌بخشد، و وعده‌هایی را که به مؤمنان داده

و يُنْجِزُ بِهِ وَعْدَ الْمُؤْمِنِينَ. أَشْهَدُ يَا مَوْلَايَ أَنَّكَ وَالْأُمَّةَ

محقق می‌گرداند. ای مولای من، گواهی می‌دهم که تو و امت‌ان

مَنْ آبَائِكَ أُمَّتِي وَ مَوَالِيَّ فِي الْحَيَاءِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ يَقُومُ

دیگر از پدرانت، پیشوایان من و سرپرستان حقیقی من در زندگی دنیا

الْأَشْهَادُ، أَسْأَلُكَ يَا مَوْلَايَ أَنْ تَسْأَلَ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى

و روز اقامه شهود (قیامت) هستید. از تو درخواست می‌کنم ای مولای

فِي صَلَاحِ شَأْنِي، وَ قَضَاءِ حَوَائِجِي، وَ غُفْرَانِ ذُنُوبِي،

من؛ تا از خداوند بلند مرتبه بخواهی که کارم را اصلاح کند و حاجت‌هایم

وَ الْأَخْذِ بِيَدِي فِي دِينِي وَ دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي، لِي وَ

را بر آورد و گناهانم را ببخشد و دستم را در مورد دینم و آخرتم بگیرد؛

لِإِخْوَانِي وَ إِخْوَتِي الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ كَافَّةً، إِنَّكَ

برای من و تمام برادران و خواهران مؤمنم، این کارها را انجام دهد. همانا تو

غَفُورٌ رَحِيمٌ. ۱

بخشنده مهربان هستی.

سپس نماز زیارت را که در زیارت اول بیان شد به جای آور و

پس از آن بگو:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ حُجَّتِكَ فِي أَرْضِكَ، وَ خَلِيفَتِكَ فِي

بار الهی! درود فرست بر حجت در روی زمینت و جانشینت در سرزمین‌هایت، فراخوان

بِلاَدِكَ، الدَّاعِيَ إِلَى سَبِيلِكَ، وَ الْقَائِمِ الصَّادِعِ بِالْحِكْمَةِ، وَ

مردم به طرف راهت، قیام کننده‌ای که آشکار کننده (دین تو) با حکمت و موعظه نیکو

المَوْعِظَةُ الْحَسَنَةُ وَالصُّدُقُ، وَكَلِمَتِكَ وَعَيْبَتِكَ وَعَيْنِكَ فِي

و راستگویی است. او که کلمه، محل راز، و چشم تو در زمینت است و چشم به راهی

أَرْضِكَ، الْمُتَرَقِّبُ الْخَائِفُ، الْوَلِيُّ النَّاصِحُ، سَفِينَةُ النَّجَاةِ،

ترسان است، و سرپرستی خیرخواه، کشتی نجات، و نشانه هدایت، و نور چشمان مردم،

وَ عِلْمُ الْهُدَى، وَ نُورُ أَبْصَارِ الْوَرَى، وَ خَيْرٌ مَنْ تَقَمَّصُ وَ

و بهترین کسی که لباس و عبا پوشیده، و خونخواه کسی که انتقامش گرفته نشده، و

ارْتَدَى، وَ الْوَثْرُ الْمَوْتُورُ وَ مُفْرَجُ الْكَرْبِ، وَ مُزِيلُ الْهَمِّ،

از بین برنده غم، و زداینده اندوه، و بر طرف کننده بلاست. صلوات خدا بر او و پدرانیش

وَ كَاشِفُ الْبَلْوَى. صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ عَلَى آبَائِهِ الْأُئِمَّةِ

که امامانی هدایت‌گر و فرمانروایانی فرخنده هستند، باد؛ تا آن زمان که ستارگان

الْهَادِينَ، وَ الْقَادَةَ الْمِيَامِينَ، مَا طَلَعَتْ كَوَاكِبُ الْأَسْحَارِ،

سحری طلوع می‌کنند، و درختان برگ می‌دهند، و میوه‌ها می‌رسند و قابل چیده شدن

وَ أَوْرَقَتِ الْأَشْجَارُ، وَ أُيْنَعَتِ الْأَثْمَارُ، وَ اخْتَلَفَ اللَّيْلُ وَ

می‌گردند، و شب و روز یکی پس از دیگری در رفت و آمدند، و پرندگان نغمه‌سرای و

النَّهَارُ، وَ غَرَّدَتِ الْأَطْيَارُ. اللَّهُمَّ انْفَعْنَا بِحُبِّهِ، وَ احْشُرْنَا فِي

آوازخوانی می‌کنند. بار الها! ما را به دوستی او بهره‌مند گردان، و ما را در زمرة او و زیر

زُمْرَتِهِ وَ تَحْتَ لَوَائِهِ. إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ. ۱

پرچمش محشور کن؛ ای خدای حق و ای پروردگار جهانیان، اجابت کن.

ذکر صلوات بر امام زمان (ع)

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ، وَ صَلِّ عَلَى وَلِيِّ

بار الیها؛ بر محمد و اهل بیتش درود بفرست؛ و بر ولی و وصی و وارث امام حسن عسکری درود

الْحَسَنِ وَ وَصِيَّةٍ وَ وَارِثِهِ، الْقَائِمِ بِأَمْرِكَ، وَ الْغَائِبِ فِي

بفرست؛ که برپا دارندد امر و فرمان تو است، و در بین مردم پنهان شده است و منتظر اجازه توست.

خَلْقِكَ، وَ الْمُنْتَظَرِ لِإِذْنِكَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ، وَ قَرِّبْ بُعْدَهُ،

بار الیها؛ بر او صلوات و درود بفرست، و دوریش را نزدیک کن، و وعدهاش را محقق گردان و بر عهد و

وَ أَنْجِزْ وَعْدَهُ، وَ أَوْفِ عَهْدَهُ، وَ اكْشِفْ عَنْ بَاسِهِ حِجَابَ

بیمانش وفا کن، و برده غیبت را از (چهره) ناراحت او برگیر، و با ظهور آن حضرت دفترهای امتحان

الْغَيْبَةِ، وَ أَظْهِرْ بظُهُورِهِ صَحَائِفَ الْمُحَنَّةِ، وَ قَدِّمُ أَمَامَهُ

و آزمایش را پدیدار کن، و پیشابیش او رعب و وحشت را بفرست، و دل مؤمنان را ثابت و محکم

الرُّعْبِ، وَ ثَبِّتْ بِهِ الْقُلُوبَ، وَ أَقِمْ بِهِ الْحَرْبَ، وَ أَيْدِيَهُ

گردان و جنگ را به وسیله او برپا کن، و او را با سپاه فرشتگان که نشان دارند تأیید گردان، و او را

بِجُنْدٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ، وَ سَلِّطْهُ عَلَى أَعْدَاءِ دِينِكَ

به تمام دشمنان دینت مسلط کن. و به او الهام کن که هیچ رکنی از آنان را باقی نگذارد مگر اینکه

أَجْمَعِينَ. وَ اللَّهُمَّ أَنْ لَا يَدَعَ مِنْهُمْ رُكْنًا إِلَّا هَدَّاهُ، وَ لَا

منهدم کند، و هیچ سری را مگر اینکه آن را دو نیم کند و هیچ نیرنگی را مگر اینکه باطل سازد و به

هَامًّا إِلَّا قَدَّهُ، وَلَا كَيْدًا إِلَّا رَدَّهُ، وَلَا فَاسِقًا إِلَّا حَدَّهُ،

خودشان برگرداند و هیچ فاسقی را مگر اینکه ادب کند، و هیچ فرعونی را مگر اینکه هلاک گرداند

وَلَا فِرْعَوْنَ إِلَّا أَهْلَكَهُ، وَلَا سِتْرًا إِلَّا هَتَكَهُ، وَلَا عِلْمًا

و هیچ برده‌ای را مگر اینکه بدرد، و هیچ پرچمی را مگر اینکه سرنگون کند و هیچ پادشاهی را مگر

إِلَّا نَكَسَهُ، وَلَا سُلْطَانًا إِلَّا كَبَسَهُ، وَلَا رُمْحًا إِلَّا قَصَفَهُ،

اینکه او را مورد هجوم و حمله ناگهانی خویش قرار دهد و هیچ نیزه‌ای را مگر اینکه بشکند و هیچ

وَلَا مُطْرِدًا إِلَّا خَرَقَهُ، وَلَا جُنْدًا إِلَّا فَرَّقَهُ، وَلَا مِنْبَرًا إِلَّا

خنجری را مگر اینکه بشکند و هیچ لشکری را مگر اینکه بپراکند سازد و هیچ منبری را مگر اینکه

أَحْرَقَهُ. وَلَا سَيْفًا إِلَّا كَسَرَهُ، وَلَا صَنْمًا إِلَّا رَضَّهُ، وَلَا

بسوزاند. و هیچ شمشیری را مگر اینکه بشکند، و هیچ بتی را مگر اینکه در هم بکوبد و خرد کند و

دَمًا إِلَّا أَرَاقَهُ، وَلَا جَوْرًا إِلَّا أَبَادَهُ، وَلَا حَصْنًا إِلَّا هَدَمَهُ،

هیچ خونی را مگر اینکه بریزد و هیچ ستمی را مگر اینکه از بین ببرد و هیچ دژی را مگر اینکه فرو

وَلَا بَابًا إِلَّا رَدَمَهُ، وَلَا قَصْرًا إِلَّا أَخْرَبَهُ، وَلَا مَسْكَنًا إِلَّا

بریزد. و هیچ دری را مگر اینکه ببندد و هیچ کاخی را مگر اینکه ویران سازد و هیچ منزلگاهی را مگر

فَتَشَهُ، وَلَا سَهْلًا إِلَّا وَطِئَهُ، وَلَا جَبَلًا إِلَّا صَعَدَهُ، وَلَا كَنْزًا

اینکه ویرسی کند و هیچ بیابانی را مگر اینکه زیر پا بگذارد و هیچ کوهی را مگر اینکه بالا رود و هیچ

إِلَّا أَخْرَجَهُ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ^۱.

گنجی را مگر اینکه بیرون آورد به واسطه رحمت، ای مهربان‌ترین مهربانان.

زیارت ششم حضرت بقیة الله (عج)

پس از زیارت امام هادی و امام حسن عسکری (ع)، به سوی «سرداب مقدس» آمده و همانند کسی که اجازه ورود می طلبد درب سرداب را بگیر، و با نام خداوند و با حالت آرامش و وقار و سنگینی، با ادب کامل پایین برو و دو رکعت نماز در آستانه سرداب مقدس به جای آور و بگو:

اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ

خدا بزرگ تر (از توصیف) است... معبودی جز خدا نیست و خدا بزرگ تر است و حمد

الْحَمْدُ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَعَرَّفَنَا أَوْلِيَاءَهُ وَأَعْدَاءَهُ،

خاص خدا است، ستایش خداوندی را که ما را به این راه هدایت فرمود و دوستان و

وَوَفَّقَنَا لَزِيَارَةِ أُمَّتِنَا، وَلَمْ يَجْعَلْنَا مِنَ الْمُعَانِدِينَ النَّاصِبِينَ،

دشمنانش را به ما معرفی کرد و ما را به زیارت امامان موفقمان داشت و قرارمان نداد

وَلَا مِنَ الْغُلَاةِ الْمُفَوِّضِينَ، وَلَا مِنَ الْمُرْتَابِينَ الْمُقْصِرِينَ،

از زمره دشمنان و ناصبان و نه از غالیانی (که در حق آنها غلو کردند و آنان) که معتقد

السَّلَامُ عَلَى وَلِيِّ اللَّهِ وَابْنِ أَوْلِيَاءِهِ، السَّلَامُ عَلَى الْمُدَّخِرِ

به تفویض (و واگذاردن کار به دست آنها) هستند و نه از کسانی که شک و تردید داشتند

لِكْرَامَةِ اللَّهِ وَبَوَارِ أَعْدَائِهِ، السَّلَامُ عَلَى النُّورِ الَّذِي أَرَادَ

و در حقشان کوتاهی کنند سلام بر بنده مقرب خدا و فرزند بندگان مقربش سلام بر آنکه

أَهْلَ الْكُفْرِ أَطْفَاءَهُ، فَابْسِ اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتَمَّ نُورُهُ بِكَرْهِهِمْ،

ذخیره شده تا اولیای خدا را گرامی کند و دشمنانش را نابود گرداند سلام بر آن نور تابانی

وَأَمَدَهُ بِالْحَيَاةِ حَتَّى يُظْهَرَ عَلَى يَدِهِ الْحَقُّ بِرَغْمِهِمْ، أَشْهَدُ

که اهل کفر آهنگ خاموش کردنش را کردند ولی خداوند نخواست جز آنکه نور خود را

أَنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكَ صَغِيرًا، وَاكْمَلَ لَكَ عُلُومَهُ كَبِيرًا، وَأَنَّكَ

آشکار و کامل گرداند گرچه آنان را ناخوش آید و او را به وسیله زندگی (طولانی) نگاه

حَتَّى لَا تَمُوتَ حَتَّى تُبْطَلَ الْجَبْتُ وَالطَّاغُوتُ، اللَّهُمَّ

داشت تا به رغم آنان حق را به دست او آشکار سازد گواهی دهم که به راستی خداوند

صَلِّ عَلَيْهِ وَعَلَى خُدَّامِهِ، وَأَعُوذُ بِكَ عَلَي غَيْبَتِهِ وَنَائِيهِ،

تو را در کوچکی برگزید و علوم خود را برای تو در بزرگی کامل کرد و تو زنده هستی و

وَأَسْتُرُهُ سِتْرًا عَزِيزًا، وَاجْعَلْ لَهُ مَعْقَلًا حَرِيزًا، وَأَشْدُدْ

نخواهی مرد تا از میان برداری جبت و طاغوت (معبودهای ساختگی و یاغیان) را خدایا

اللَّهُمَّ وَطَاةَكَ عَلَى مُعَانِدِيهِ وَأَحْرُسُ مَوَالِيَهُ وَزَائِرِيهِ،

درود فرست بر آن حضرت و بر خدمتکاران و کمک کارانش در دوران غیبت و دوریش

اللَّهُمَّ كَمَا جَعَلْتَ قَلْبِي بِذِكْرِهِ مَعْمُورًا، فَاجْعَلْ سِلَاحِي

و مستور دار در پرده عزت (و نیرومندی) و او را در پناهگاه محکمی قرارش ده و پایداری

بِنُصْرَتِهِ مَشْهُورًا، وَإِنْ حَالَ بَيْنِي وَبَيْنَ لِقَائِهِ الْمَوْتُ الَّذِي

کردن و سرکوبی خود را نسبت به دشمنانش سخت و شدید گردان و دوستان و زائرانش

جَعَلْتَهُ عَلَىٰ عِبَادِكَ حَتْمًا وَأَقْدَرْتَ بِهِ عَلَىٰ خَلِيقَتِكَ

را (از گزند روزگار حفظ کن خدایا چنانچه دل مرا به یاد آوری او آباد کردی اسلحه مرا نیز

رَغْمًا، فَأَبْعَثْنِي عِنْدَ خُرُوجِهِ ظَاهِرًا مِنْ حُفْرَتِي، مُؤْتَرًّا

در یاری او (آماده کن و) از نیام به در آر و اگر حائل شد میان من و میان دیدار آن حضرت

كَفْنِي، حَتَّىٰ أَجَاهِدَ بَيْنَ يَدَيْهِ فِي الصِّفِّ الَّذِي أَثْنَيْتَ

آن مرگی که مسلم کردی بر بندگانت و مقدر کردی آن را بر خلق خود تا بینیشان به

عَلَىٰ أَهْلِهِ فِي كِتَابِكَ، فَقُلْتُ «كَانَهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ»،

خاک مالیده و زبونشان کنی پس مرا هنگام ظهورش برانگیز تا سر برآرم از قبرم و همان

اللَّهُمَّ طَالَ الْأَنْتِظَارُ، وَشِمْتَنَا بَنَاءَ الْفُجَّارِ، وَصَعَبَ عَلَيْنَا

طور که کفن پوشیده‌ام پیکار کنم در پیش رویش در آن صفی که ستایش کردی اهل آن

الْأَنْتِظَارُ، اللَّهُمَّ ارْنَا وَجْهَهُ وَلِيَّكَ الْمَيْمُونُ فِي حَيَاتِنَا وَبَعْدَ

صف را در قرآن و فرمودی «گویای آنها بنایی استوارند» خدایا انتظار ما به درازا کشید و

الْمُنُونُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَدِينُ لَكَ بِالرَّجْعَةِ بَيْنَ يَدَيْ صَاحِبِ

مردمان فاجر بدکار ما را شماتت کنند و انتقام (از دشمن) بر ما دشوار گشت خدایانشان

هَذِهِ الْبُقْعَةِ، الْغَوْثُ الْغَوْثُ الْغَوْثُ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ،

ده به ما روی میمون بنده مقرب و نماینده‌ات را در حال زندگی و پس از مرگ خدایا

قَطَعْتُ فِي وَصْلَتِكَ الْخُلَانَ، وَهَجَرْتُ لَزِيَارَتِكَ الْأُوطَانَ،

من اعتقاد دارم به رجعت در پیش روی صاحب این بقعه، فریاد، فریاد، فریاد، ای صاحب

وَإخْفَيْتُ أَمْرِي عَنْ أَهْلِ الْبُلْدَانِ، لَتَكُونَ شَفِيعاً عِنْدَ

الزمان برای رسیدن به تو از دوستان صمیمی بریدم و برای زیارتت وطن را ترک کردم و

رَبِّكَ وَرَبِّي، وَإِلَىٰ آبَائِكَ مَوَالِيٍّ فِي حُسْنِ التَّوْفِيقِ،

هدف و مقصودم را از مردم شهرها (ی سر راه) پنهان داشتم تا تو شفیع من گردی در نزد

وَإِسْبَاغِ النِّعْمَةِ عَلَيَّ، وَسَوْقِ الْأِحْسَانِ إِلَيَّ، اللَّهُمَّ صَلِّ

پروردگار خود و پروردگار من و پیش یدرانت و سروران من در (خواستن) خوش توفیقی

عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَعَلَىٰ آلِ مُحَمَّدٍ أَصْحَابِ الْحَقِّ، وَقَادَةَ

برای من و فراوانی نعمت بر من و روان شدن احسان و بخشش به سوی من خدایا درود

الْخَلْقِ، وَأَسْتَجِبْ مِنِّي مَا دَعَوْتُكَ وَأَعْطِنِي مَا لَمْ أَنْطِقْ بِهِ

فرست بر محمد و آل محمد ملازمان حق و راهبران خلق و به اجابت رسان برایم آنچه دعا

فِي دُعَائِي مِنْ صَلَاحِ دِينِي وَدُنْيَايَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ،

کردم و عطا کن به من آنچه را بکه زبان نیاوردم در دعایم از آنچه به صلاح دین و دنیای

وَصَلَّىٰ اللَّهُ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ.

من است که به راستی تویی ستوده و بزرگوار و درود خدا بر محمد و آل پاکش باد

سپس به داخل جایگاه اصلی سرداب برو، و دو رکعت نماز به

جای آور و بگو:

اللَّهُمَّ عَبْدُكَ الزَّائِرُ فِي فَنَاءِ وَلِيِّكَ الْمَزُورِ الَّذِي فَرَضْتَ

خدایا بنده زائر تو در آستان بنده مقرب تو است که به زیارتش آیند آنکه واجب کردی

طَاعَتُهُ عَلَى الْعَبِيدِ وَالْأَحْرَارِ، وَأَنْقَذْتَ بِهِ أَوْلِيَاءَكَ مِنْ

فرمانبرداریش را بر هر بنده و آزاد و نجات دادی به وسیله‌اش دوستان خود را از عذاب

عَذَابِ النَّارِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا زِيَارَةً مَقْبُولَةً ذَاتَ دُعَاءٍ

دوزخ خدایا این زیارت را زیارتی پذیرفته قرار ده و زیارتی که در آن دعایی مستجاب

مُسْتَجَابٍ، مِنْ مُصَدِّقٍ بِوَلِيِّكَ غَيْرِ مُرْتَابٍ، اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ

باشد از فردی که تصدیق کرده ولی و نماینده تو را بدون هیچ گونه شک و تردیدی

آخِرَ الْعَهْدِ بِهِ وَلَا بَزِيَارَتِهِ، وَلَا تَقْطَعْ أَثْرِي مِنْ مَشْهَدِهِ،

خدایا قرارش مده آخرین بار آمدنم به آستان این بزرگوار و زیارتش و پای مرا از

وَزِيَارَةِ أَبِيهِ وَجَدِّهِ، اللَّهُمَّ اخْلُفْ عَلَيَّ نَفْقَتِي، وَأَنْفَعْنِي

زیارتگاه او و زیارت پدر و جدش مبر، خدایا آنچه در این راه خرج کردم عوض آن را به

بِمَا رَزَقْتَنِي فِي دُنْيَايَ وَآخِرَتِي لِي وَلَا أُخْوَانِي وَأَبْوِي

من بده و سود بخش کن و آنچه را روزی من کرده‌ای در دنیا و آخرتم و برای برادرانم

وَجَمِيعِ عِزَّتِي، اسْتَوْدِعْكَ اللَّهُ أَيُّهَا الْأَمَامُ الَّذِي يَفُوزُ

و پدر و مادرم و همه خاندانم تو را به خدا می سپارم ای امام بزرگوار که رستگار شوند

بِهِ الْمُؤْمِنُونَ، وَيَهْلِكُ عَلَى يَدَيْهِ الْكَافِرُونَ الْمُكَذِبُونَ يَا

به وسیله او مؤمنان و نابود گردند به دست او مردمان کافر و تکذیب کننده‌ای مولای

مَوْلَايَ يَا بَنَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ جِئْتُكَ زَائِرًا لَكَ وَلَا بِيكَ

من ای فرزند حسن بن علی به دربارت آمده‌ام برای زیارت تو و پدر و جدت و یقین

وَجَدِّكَ مُتَيْقِنًا الْفَوْزَ بِكُمْ، مُعْتَقِدًا إِمَامَتَكُمْ، اللَّهُمَّ اكْتُبْ

به رستگاری خویش به وسیله شما دارم و معتقد به امامت شما هستم خدایا ثبت کن

هذه الشَّهَادَةُ وَالزِّيَارَةُ لِي عِنْدَكَ فِي عَلِيِّينَ، وَبَلِّغْنِي

این گواهی و زیارت مرا نزد خودت در بلندترین جاها و برسانم بدانجا که رسیدند بدان

بلاغ الصَّالِحِينَ، وَأَنْفَعْنِي بِحُبِّهِمْ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ^۱

مردمان شایسته و از دوستی ایشان به من سود ده ای پروردگار جهانیان

۱۸

چگونگی سلام کردن بر امام زمان (ع)

امام باقر (ع) می‌فرماید: ... هر یک از شما شیعیان باقی ماندید و

مهدی (ع) را ملاقات کردید، در هنگامی که او را می‌بینید بگویید:

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبُوَّةِ وَمَعْدَنَ الْعِلْمِ وَمَوْضِعِ

سلام بر شما ای اهل بیت پیامبر و معدن دانش و جایگاه

الرِّسَالَةِ.^۲

رسالت الهی.

۱. مصباح الزائر، ص ۴۴۴.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۳۶؛ منتخب الأثر، ص ۵۱۷.

سلام بر آن حضرت به شیوه‌ای دیگر

روایت شده که سلام دادن بر امام قائم (ع) بدین گونه است:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ.

سلام و درود بر تو، ای باقی مانده حجت‌های الهی در روی زمینش.

زیارت امام هادی و امام عسکری (ع)

به این بخش، زیارت دو امام بزرگوار، حضرت هادی و عسکری (ع) و نیز زیارت مادر و عمه محترم امام قائم (ع) را ملحق می‌کنیم.

۱. هنگامی که خواستی به زیارتگاه آنان وارد شوی، غسل زیارت

می‌کنی و وقتی کنار مرقد پاکشان ایستادی بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكُمَا يَا وَلِيَّيَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمَا يَا نَجِيَّيَ

سلام بر شما دو امام بزرگوار که ولی خدا هستید، سلام بر شما که همراز خدا هستید، سلام بر

اللَّهُ، السَّلَامُ عَلَيْكُمَا يَا نُورَيَ اللَّهِ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ،

شما که نور خدا در تاریکی‌های زمین می‌باشید، سلام بر شما که امین خدا و مورد اعتماد

السَّلَامُ عَلَيْكُمَا يَا أَمِينِي اللَّهُ. أَتَيْتُكُمَا زَائِرًا لَكُمَا، عَارِفًا

او هستید، به قصد زیارت شما به حضورتان رسیده‌ام، در حالی که به حق شما معرفت و

بِحَقِّكُمَا، مُؤْمِنًا بِمَا آمَنْتُمَا بِهِ، كَافِرًا بِمَا كَفَرْتُمَا بِهِ، مُحَقِّقًا

شناخت دارم، به آنچه شما ایمان دارید مؤمنم و به آنچه شما انکار دارید من نیز انکار دارم،

لَمَّا حَقَّقْتُمَا، مُبْطِلًا لَمَّا أَبْطَلْتُمَا. أَسْأَلُ اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمَا

آنچه را شما حق و ثابت می‌دانید حق می‌دانم و آنچه را باطل بدانید من نیز باطل می‌دانم.

أَنْ يَجْعَلَ حَظِّي مِنْ زِيَارَتِكُمَا، الصَّلَاةَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ

از خداوند تبارک و تعالی که پروردگار من و شما است می‌خواهم که بهره مرا از زیارت شما

آلِهِ، وَأَنْ يَرْزُقَنِي شَفَاعَتِكُمَا، وَلَا يُفَرِّقَ بَيْنِي وَبَيْنَكُمَا،

این قرار دهد که بر محمد و آل محمد درود فرستد، و شفاعت شما را روزی من گرداند،

وَلَا يَسْلُبَنِي حُبَّكُمَا وَحُبَّ آبَائِكُمَا الصَّالِحِينَ، وَأَنْ لَا

میان من و شما جدایی نیفکند و دوستی شما و پدران صالح و شایسته شما را از من نگیرد،

يَجْعَلَهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِكُمَا، وَيَحْشُرَنِي مَعَكُمَا، وَ

و این زیارت را آخرین زیارت من و آخرین دیدار من قرار ندهد، مرا با شما محشور گرداند

يَجْمَعُ بَيْنَكُمَا فِي الْجَنَّةِ بِرَحْمَتِهِ.

و در بهشت مرا با شما و در جمع شما به رحمتش ساکن گرداند.

سپس خود را بر هر یک از این دو قبر منور بیفکن، آنها را در

برگیر، صورت بر آنها بگذار و بوسه بزن، آنگاه سر بردار و بگو:

اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي حُبَّهُمْ، وَتَوَفَّنِي عَلَى مِلَّتِهِمْ. اللَّهُمَّ الْعَن

خداوندا؛ دوستی آنان را روزی من گردان، مرا بر دین و ملت ایشان بمیران،

ظالِمِي آلِ مُحَمَّدٍ حَقَّهُمْ، وَانْتَقِمْ مِنْهُمْ. اللَّهُمَّ الْعَنِ الْأَوَّلِينَ

ستمگران در حق آل محمد را لعنت کن و از ایشان انتقام بگیر. خدایا! اولین

مِنْهُمْ وَالْآخِرِينَ، وَضَاعِفْ عَلَيْهِمُ الْعَذَابَ الْأَلِيمَ، إِنَّكَ

و آخرین، پیشینیان و آیندگان آنان را لعنت کن و عذاب دردناک خود را بر ایشان

عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَ وَلِيِّكَ وَابْنَ

دو چندان کن که تو بر هر چیز توانایی. بار الهی! در فرج ولایت و فرزند ولایت شتاب

وَلِيِّكَ، وَاجْعَلْ فَرَجَنَا مَعَ فَرَجِهِمْ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

فرما، و فرج ما را با فرج ایشان مقرون گردان، ای مهربان‌ترین مهربانان.

سپس چهار رکعت نماز و بعد از آن هر چه خواستی بالای سر

آن دو امام (ع) نماز بخوان، و برای خود و پدر و مادرت و برای همه

اهل ایمان به آنچه خواهی دعا کن و هنگامی که خواستی باز گردی

با ایشان وداع کن و بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكُمَا يَا وَلِيَّيَ اللَّهِ، أَسْتَوْدِعُكُمَا اللَّهَ وَ أَقْرَأُ

سلام بر شما دو امام عزیز که ولی خدا هستید، با شما خدا حافظی می‌کنم و بر شما درود

عَلَيْكُمَا السَّلَامَ، آمَنَّا بِاللَّهِ وَ بِالرَّسُولِ وَ بِمَا جِئْتُمَا بِهِ

می‌فرستیم، به خدا و رسول و آنچه شما آورده‌اید و مرا به آن راهنمایی نموده‌اید ایمان

وَدَلَّلْتُمَا عَلَيْهِ. اللَّهُمَّ اكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ.

دارم، خداوند نام ما را همراه گواهی دهندگان ثبت فرماید.

۲. زیارتی دیگر برای آن دو امام (ع): وقتی به سامراء وارد شدی، پیش از آنکه به حرم روی غسل کن و هنگامی که به حرم مطهر شرفیاب شدی، کنار آن دو مرقد پاک رو به قبله بایست و بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكُمَا يَا وَلِيَّيَ اللّٰهِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمَا يَا اٰمِنِي

سلام بر شما دو امام عزیز که ولی خدا هستید، سلام بر شما که امین خدا و امانتدار او

اللّٰهِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمَا يَا نُورِي اللّٰهِ فِي ظُلُمَاتِ الْاَرْضِ،

می باشید، سلام بر شما که نور خدا در تاریکی های زمین هستید، سلام بر شما از طرف

السَّلَامُ عَلَيْكُمَا مِنْ مُعْتَمِدٍ بَعْدَ اللّٰهِ سُبْحٰنَهُ عَلَيْكُمَا مِنْ

کسی که اعتمادش بعد از خدا بر شما است، از طرف بنده و زائر و ارادتمند شما، به قصد

عَبْدِكُمَا وَ زَائِرِكُمَا وَ وَلِيَّكُمَا. اَتَيْتُكُمَا زَائِرًا لَّكُمَا، عَارِفًا

زیارت شما به بارگاه پر نورتان آمده ام در حالی که به حق شما و حقیقت شما اعتراف

بِحَقِّكُمَا، مُؤْمِنًا بِمَا اٰمَنْتُمَا بِهِ، كَافِرًا كَفَرْتُمَا بِهِ، مُحَقِّقًا

دارم، به آنچه ایمان دارید مؤمنم و به آنچه انکار دارید، منکرم، آنچه را حق بدانید حق

لَمَّا حَقَّقْتُمَا، مُبْطِلًا لَمَّا اَبْطَلْتُمَا. فَاَسْأَلُ اللّٰهَ رَبِّي وَ رَبَّكُمَا

می دانم، و آنچه از نظر شما باطل باشد، باطل می دانم. پس از خداوند تبارک و تعالی

بِحَقِّكُمَا اَنْ يَجْعَلَ حَظِّي مِنْ زِيَارَتِكُمَا مَغْفِرَةً ذُنُوبِي، وَ

پروردگارم و پروردگار شما می خواهم که به حق شما بهره مرا از این زیارتم، آمرزش

اِعْطَائِي سُؤْلِي، وَ اَنْ يُصَلِّيَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ

گناهانم قرار دهد، و درخواست مرا عطا کند و بر محمد و آل محمد درود فرستد، و

يَرْزُقَنِي شَفَاعَتَكُمَا، وَلَا يُفَرِّقْ بَيْنِي وَبَيْنَكُمَا، وَيَجْمَعَنِي

شفاعت شما را روزی من گرداند و میان من و شما جدایی نیفکند، و در قرارگاه رحمتش

وَإِيَّاكُمْ فِي مُسْتَقَرٍّ مِنْ رَحْمَتِهِ.

یعنی بهشت مرا در جمع شما قرار دهد.

سپس دست‌ها را به دعا بالا ببر و بگو:

اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي حُبَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَتَوْفَنِي عَلَى

بار الها؛ دوستی محمد و آل محمد را به من روزی فرما، و مرا بر دین و ملت ایشان

مِلَّتِهِمْ. اللَّهُمَّ الْعَنْ ظَالِمِي آلِ مُحَمَّدٍ، وَانْتَقِمْ مِنْهُمْ. اللَّهُمَّ

بمیران. خداوندا؛ ظالمان و ستمگران به آل محمد را لعنت کن و از آنان انتقام بگیر.

وَ عَجِّلْ فَرَجَ وَلِيِّكَ وَابْنِ وَلِيِّكَ، وَاجْعَلْ فَرَجَنَا مَقْرُونًا

خداوندا؛ در فرج ولایت و فرزندی ولایت شتاب فرما، و فرج و گشایش کار ما را با فرج

بِفَرَجِهِمْ.

ایشان مقرون فرما.

سپس در هر مکانی که ایستاده‌ای، چهار رکعت نماز بخوان و

آنچه می‌توانی دعا کن.^۱

زیارت حضرت نرجس خاتون (ع)

سپس مادر امام قائم (ع) حضرت «نرجس خاتون (س)» را که قبر مطهرش پشت ضریح منور مولایمان امام عسکری (ع) است، زیارت کن و بگو:

السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الصَّادِقِ

سلام بر رسول خدا - درود خدا بر او و آل او باد - که راستگو و امین بوده است، سلام

الْأَمِينِ، السَّلَامُ عَلَى مَوْلَانَا أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ

بر مولایمان امیرالمؤمنین (ع)، سلام بر امامان پاک که حجت‌های برکت‌آفرین الهی

عَلَى الْأَئِمَّةِ الطَّاهِرِينَ، الْحُجَجِ الْمَيَامِينِ، السَّلَامُ عَلَى

هستند، سلام بر مادر امام، و کسی که اسرار خداوند بسیار دانا نزد او ودیعه نهاده شد،

وَالدَّةِ الْأَمَامِ، وَالْمُودَعَةَ أَسْرَارَ الْمَلِكِ الْعَلَامِ، وَالْحَامِلَةَ

و او دربردارنده بهترین مخلوقات و ارزشمندترین آنها بود. سلام بر تو ای دارای ایمان

لَأَشْرَفِ الْأَنَامِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الصَّدِيقَةُ الْمَرْضِيَّةُ،

کامل و مقام خشنودی خدا، سلام بر تو ای شبیه مادر موسی، و ای دختر یار مسیح (ع)،

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَبِيهَةَ أُمِّ مُوسَى وَابْنَةَ حَوَارِيِّ عِيسَى،

سلام بر تو ای بانقوای پاکیزه، سلام بر تو ای آنکه خدا از تو راضی و تو از خدا راضی

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا التَّقِيَّةُ النَّقِيَّةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا

هستی. سلام بر تو ای کسی که در انجیل توصیف شده‌ای و خطبه عقدت را روح

الرَّضِيَّةُ الْمَرْضِيَّةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمَنْعُوتَةُ فِي

الأمین (جبرائیل) خواند، و به این وصلت و پیوند حضرت محمد (ص) که سرور رسولان

الأنجيل، المخطوبة من روح الله الأمين، ومن رغب

و فرستاده‌شدگان است مایل بود، و اسرار پروردگار جهانیان به او سپرده شد، سلام

في وُصَلَتِهَا مُحَمَّدٌ سَيِّدُ الْمُرْسَلِينَ، وَالْمُسْتَوْدَعَةُ أَسْرَارَ

بر تو و پدران که از حواریون و یاران حضرت عیسی بودند، سلام بر تو و بر همسرت

رَبِّ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى آبَائِكَ الْحَوَارِيِّينَ،

و فرزندان، سلام بر تو و بر روح و جسم پاکت. گواهی می‌دهم که خوب سرپرستی و

السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى بَعْلِكَ وَوَلَدِكَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى

امانتداری نمودی، و در راه رضای خدا کوشش کردی و در راه او صبر و پیشه کردی

رُوحِكَ وَبَدَنِكَ الطَّاهِرِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ أَحْسَنْتَ الْكِفَالََةَ،

و بایسرداری نمودی، و سر الهی را حفظ و نگهداری کردی، و ولی خدا را حامله بودی

وَأَدَيْتِ الْأَمَانَةَ، وَاجْتَهَدْتِ فِي مَرْضَاةِ اللَّهِ، وَصَبَرْتِ فِي

و در نگهداری حجت خدا سعی تمام نمودی، و در پیوند با فرزندان رسول خدا (ص)

ذَاتِ اللَّهِ، وَحَفَظْتِ سِرَّ اللَّهِ، وَحَمَلْتِ وَلِيَّ اللَّهِ، وَبَالَغْتِ

راغب و مایل بودی، در حالی که به حق ایشان عارف بودی و به راستی گفتارشان

فِي حِفْظِ حُجَّةِ اللَّهِ، وَرَغَبْتِ فِي وَصْلَةِ أَبْنَاءِ رَسُولِ

ایمان داشتی، و به مقام و مرتبه آنان اعتراف داشتی و به امر ایشان آگاه بودی و نسبت

اللَّهُ، عَارِفَةٌ بِحَقِّهِمْ، مُؤْمِنَةٌ بِصِدْقِهِمْ، مُعْتَرِفَةٌ بِمَنْزَلَتِهِمْ،

به آنها مهربان و دلسوز بودی و خواسته آنان را بر خواسته خودت ترجیح می دادی.

مُسْتَبْصِرَةٌ بِأَمْرِهِمْ مُشْفِقَةٌ عَلَيْهِمْ، مُؤَثِّرَةٌ هَوَاهِمَهُمْ، وَأَشْهَدُ

و گواهی می دهم که تو نسبت به کاری که اقدام کردی و انجام دادی بینش صحیح

أَنَّكَ مَضَيْتِ عَلَى بَصِيرَةٍ مِنْ أَمْرِكَ، مُقْتَدِيَةٌ بِالصَّالِحِينَ،

داشتی و به شایستگان اقتدا نمودی در حالی که فرمانبردار، پسندیده، باتقوا، خالص و

رَاضِيَةٌ مَرْضِيَّةٌ، تَقِيَّةٌ نَقِيَّةٌ زَكِيَّةٌ، فَرَضِيَ اللَّهُ عَنْكَ وَأَرْضَاكَ،

پاکیزه بودی، خداوند از تو خوشنود و تو از خود خوشنود بودی، بهشت را منزل و جایگاه

وَجَعَلَ الْجَنَّةَ مَنْزِلَكَ وَمَأْوَاكَ، فَلَقَدْ أَوْلَاكَ مِنَ الْخَيْرَاتِ

همیشگی تو قرار داد و به راستی درباردهات احسان نمود چه احسان نیکویی، و از شرافت

مَا أَوْلَاكَ، وَأَعْطَاكَ مِنَ الشَّرَفِ مَا بِهِ أَغْنَاكَ، فَهَنَّاكَ اللَّهُ

و بزرگواری به تو آن قدر عطا کرد که بی نیازت نمود، پس آنچه را خداوند به تو از کرامت

بِمَا مَنَحَكَ مِنَ الْكِرَامَةِ وَأَمْرًاكَ.

و ارزشمندی بخشیده گوارایت باد.

پس بالا می کنی سر خود را و می گویی:

اللَّهُمَّ اِيَّاكَ اعْتَمَدْتُ، وَلِرِضَاكَ طَلَبْتُ، وَبِأَوْلِيَاءِكَ اَلَيْكَ

خداوندا! به تو اعتماد نمودم، و رضا و خوشنودی تو را جويا گشتم، و به واسطه اولیاییت به

تَوَسَّلْتُ، وَعَلَى غُفْرَانِكَ وَحِلْمِكَ اتَّكَلْتُ، وَبِكَ اعْتَصَمْتُ،

درگاه تو توسل جستم، و بر آمرزش و بردباریت تکیه کردم، و به لطف تو چنگ زدم (تا

وَبَقْبِرِ أُمَّ وَلِيِّكَ لُدْتُ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

محفوظ بمانم) و به مرقد پاک مادر ولایت پناهنده شدم، پس بر محمد و آل محمد درود

وَأَنْفَعْنِي بِزِيَارَتِهَا، وَثَبَّتْنِي عَلَيَّ مَحَبَّتِهَا، وَلَا تَحْرِمْنِي

فرست و مرا به زیارت این بزرگوار بهره‌مند فرما و بر محبت و دوستی او ثابت بدار، و از

شَفَاعَتِهَا وَشَفَاعَةَ وَلَدِهَا، وَأَرْزُقْنِي مُرَافَقَتَهَا وَأَحْشُرْنِي

شفاعتش و شفاعت فرزند عزیزش محروم مگردان، همراهی با او را روزی من گردان، و مرا

مَعَهَا وَمَعَ وَلَدِهَا، كَمَا وَقَّعْتَنِي لَزِيَارَةِ وَلَدِهَا وَزِيَارَتِهَا،

با آن حضرت و فرزند بزرگوارش محشور فرما همان‌گونه که به زیارت فرزندش و به زیارت

اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِالْأئِمَّةِ الطَّاهِرِينَ، وَأَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ

او موفق ساختی. خداوندا؛ به وسیله ائمه طاهرین (ع) به تو روی آوردم و به حجت‌های

بِالْحُجَجِ الْمِيَامِينَ مِنْ آلِ طه وَيَس، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ

فرخنده و بابرکت از آل طه و یس به درگاه تو توسل جستم که بر محمد و آل پاک او

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الطَّيِّبِينَ، وَأَنْ تَجْعَلَنِي مِنَ الْمُطْمَئِنِّينَ

درود فرستی، و مرا از اطمینان‌دارندگان و بهره‌مندان و شادمانان و بشارت‌داده‌شدگان

الْفَائِزِينَ الْفَرِحِينَ الْمُسْتَبْشِرِينَ، الَّذِينَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ

که بیمی بر آنها نیست و دچار غم و غصه نمی‌شوند قرار بده، و از کسانی که تلاش آنها

وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ، وَأَجْعَلَنِي مِمَّنْ قَبِلَتْ سَعْيُهُ، وَيَسَّرَتْ

را پذیرفتی، و امر آنان را آسان گردانی و بیچارگی و اندوهشان را برطرف کردی و ترس

أَمْرَهُ، وَكَشَفْتَ ضُرَّهُ، وَأَمَنْتَ خَوْفَهُ، اللَّهُمَّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ

آنها را به ایمنی تبدیل کردی قرار بده. خداوندا؛ به حق محمد و آل محمد بر محمد

وَأَلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَلَا تَجْعَلْهُ

و آل او درود فرست، و این زیارت را آخرین زیارت من نسبت به این بزرگوار قرار مده،

آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِي أَيَّاهَا، وَأَرْزُقْنِي الْعُودَ إِلَيْهَا أَبَدًا مَا

و تا مادامی که مرا در این جهان باقی داشته‌ای بازگشتن به سوی این بانوی بزرگوار

أَبْقَيْتَنِي، وَإِذَا تَوَفَّيْتَنِي فَأَحْشُرْنِي فِي زُمْرَتِهَا، وَأَدْخِلْنِي فِي

را روزی من گردان، و هنگامی که وفاتم فرا رسید مرا در زمره او محشور فرما، و مرا از

شَفَاعَةِ وَلَدِهَا وَشَفَاعَتِهَا، وَأَغْفِرْ لِي وَلِوَالِدِي وَلِلْمُؤْمِنِينَ

شفاعت او و فرزند عزیزش بهره‌مند گردان، و مرا و پدر و مادرم را و همه مردان و زنان

وَالْمُؤْمِنَاتِ، وَأَتَنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً،

مؤمن را بیامرز، و در دنیا به ما خیر و خوبی و در آخرت خیر و خوبی مرحمت فرما، و

وَقْنَا بِرَحْمَتِكَ عَذَابَ النَّارِ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا سَادَتِي

به رحمت گستردهات ما را از عذاب دوزخ حفظ کن، و سلام و درود و رحمت و برکات

وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. ۱

خداوند بر شما سروران من باد.

زیارت حضرت حکیمه خاتون (س)

السَّلَامُ عَلَى جَدِّكَ الْمُصْطَفَى، السَّلَامُ عَلَى أَبِيكَ الْمُرْتَضَى،

سلام بر جدت محمد مصطفی، سلام بر پدرت علی مرتضی، سلام

السَّلَامُ عَلَى الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، السَّلَامُ

بر (امام) حسن و (امام) حسین که بر هر دو سلام باد، سلام بر خدیجه

عَلَى خَدِيجَةَ الْكُبْرَى، السَّلَامُ عَلَى فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةَ

کبرا، سلام بر فاطمه زهرا سرور زنان عالمیان، سلام بر شخصیت‌های

نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَى النُّفُوسِ الْفَاخِرَةِ وَ شُفَعَائِي

ارزشمند و شفاعت کنندگان من در آخرت. سلام بر تو ای دختر ولی

فِي الْآخِرَةِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ وَلِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

خدا، سلام بر تو ای دختر حجت خدا، سلام بر تو ای خواهر ولی خدا،

يَا بِنْتَ حُجَّةِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُخْتَ وَلِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ

سلام بر تو ای عمه ولی خدا، سلام بر تو ای دختر امام محمدتقی

عَلَيْكَ يَا عَمَّةَ وَلِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ مُحَمَّدٍ التَّقِيِّ

حضرت جواد، سلام و رحمت و برکات خداوندی بر تو باد. گواهی

الْجَوَادِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ. أَشْهَدُ أَنَّكَ

می‌دهم که تو با بصیرت و آگاهی نسبت به کار خود روزگار گذرانیدی در حالی که

مَضِيَّتْ عَلٰی بَصِيْرَةٍ مِنْ اَمْرِكَ، رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً، وَ تَقِيَّةً

تو از خدا خشنود و خدا از تو خشنود بود، با تقوا، خالص و پاکیزه بودی،

تَقِيَّةً زَكِيَّةً، فَرَضِيَ اللهُ عَنْكَ وَ اَرْضَاكَ، وَ جَعَلَ الْجَنَّةَ

خداوند از تو خشنود بود و تو را از خود خشنود نمود و بهشت را منزل و

مَأْوَاكَ وَ مَنْزِلَكَ، وَ الصَّلَاةُ وَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ جَمِيْعًا وَ

مأوا و جایگاه همیشگی ات قرار داد، و درود و سلام و رحمت و برکات بی پایان

رَحْمَةً اللهُ وَ بَرَكَاتُهُ.۱

الهی بر همه شما باد.

بخش یازدهم

**ادعیه نقل شده از سوی نواب و
برخی از اصحاب امام عصر (عج)**

دعای سمات

«محمد بن علی» می گوید: در مجلس جناب «محمد بن عثمان بن سعید عمری (ره)» حضور داشتیم، ایشان بعد از کلماتی که ذکر کردند، فرمودند: «ابوعمر و محمد بن سعید» به من خبر داد و او از «محمد بن اسلم» و او از «محمد بن سنان» و ایشان از «مفضل بن عمر جعفی» و آن بزرگوار از امام صادق (ع) روایت کرد؛ البته در این روایت چنین آمده است که مستحب است این دعا در ساعت پایانی روز جمعه خوانده شود. «شیخ طوسی (ره)» نیز در هنگام بازگو کردن این دعا فرموده است: «دعای سمات»، از جناب «عمری (محمد بن عثمان) (ره)» روایت شده است و مستحب است در ساعت پایانی روز جمعه خوانده شود. اکنون متن دعا را طبق روایت «کفعمی (ره)» می آوریم:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ الْأَعَزِّ الْأَجَلِّ

بارالها! به واسطه آن نام بزرگ و بزرگ‌ترت از تو درخواست می‌کنم؛ همان نامی که

الْأَكْرَمَ، الَّذِي إِذَا دُعِيَ بِهِ عَلَى مَغَالِقِ أَبْوَابِ السَّمَاءِ

عزت مندتر و شکوه مندتر و گرامی است؛ همان اسمی که هرگاه بر قفل های آسمان

لِلْفَتْحِ بِالرَّحْمَةِ انْفَتَحَتْ، وَإِذَا دُعِيَ بِهِ عَلَى مَضَائِقِ

به آن اسم خواننده شوی اثر می کند و با رحمت تو درهای آسمان باز می شود؛ همان

أَبْوَابِ الْأَرْضِ لِلْفَرَجِ بِالرَّحْمَةِ انْفَرَجَتْ، وَإِذَا دُعِيَ بِهِ

نامی که اگر بر گرفتگی های درهای زمین برای گشایش به آن اسم خواننده شوی،

عَلَى الْعُسْرِ لِلْيُسْرِ تَيْسَّرَ، وَإِذَا دُعِيَ بِهِ عَلَى الْأَمْوَاتِ

اثر می کند و گشایش ایجاد می شود؛ و اگر برای آسان شدن سختی ها بدان خواننده

لِلنُّشُورِ انْتَشَرَتْ، وَإِذَا دُعِيَ بِهِ عَلَى كُشْفِ الْبِاسَاءِ

شوی، راحتی و آسانی دست می دهد و اگر برای برانگیخته شدن مردگان، یا آن

وَالضَّرَّاءِ انْكَشَفَتْ، وَبِجَلَالِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ، أَكْرَمَ

خواننده شوی، مردگان برانگیخته می شوند؛ و اگر برای برطرف شدن سختی و بلا

الْوُجُوهِ وَأَعَزُّ الْوُجُوهِ، الَّذِي عَنَتْ لَهُ الْوُجُوهُ، وَخَضَعَتْ

و رنج به آن اسم خواننده شوی، برطرف می شود. و خدایا؛ تو را به واسطه نور چهره

لَهُ الرِّقَابُ، وَخَشَعَتْ لَهُ الْأَصْوَاتُ، وَوَجَلَتْ لَهُ الْقُلُوبُ

بزرگوارانهات که با کرامت ترین رخسارها، و عزت مندترین آنهاست می خوانم؛ همان

مِنْ مَخَافَتِكَ، وَبِقُوَّتِكَ الَّتِي بِهَا تُمَسِّكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ

روی مبارکی که همه رودها و همه آبروداران در برابرش خوار و فروتنند، و گردن ها

عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِأَذْنِكَ، وَتُمْسِكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ

در مقابلش خم شده اند، و همه صداها در برابر او به لرزه افتاده اند، و دل ها از ترس تو

تُرُولا، وَبِمَشِيَّتِكَ الَّتِي دَانَ لَهَا الْعَالَمُونَ، وَبِكَلِمَتِكَ الَّتِي

در هراسند. و به واسطه قدرتت و نیرو و توانت از تو درخواست می‌کنم؛ نیرویی که

خَلَقْتَ بِهَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ، وَبِحِكْمَتِكَ الَّتِي صَنَعْتَ

با آن آسمان را از افتادن بر روی زمین نگه داشته‌ای - و این تنها با اذن تو خواهد

بِهَا الْعَجَائِبَ، وَخَلَقْتَ بِهَا الظُّلْمَةَ وَجَعَلْتَهَا لَيْلًا، وَجَعَلْتَ

شید - و آسمان‌ها و زمین را از نابودی نگه داشتی، و به واسطه مشیت و خواست تو

اللَّيْلَ سَكْنَا، وَخَلَقْتَ بِهَا النُّورَ وَجَعَلْتَهُ نَهَارًا، وَجَعَلْتَ

از تو درخواست می‌کنم؛ همان مشیتی که جهانیان در مقابلش پای بند هستند؛ و

النَّهَارَ نُشُورًا مُبْصِرًا، وَخَلَقْتَ بِهَا الشَّمْسَ وَجَعَلْتَ

نیز تو را می‌خوانم به واسطه کلمات که آسمان‌ها و زمین را به وسیله آن آفریدی؛

الشَّمْسَ ضِيَاءً، وَخَلَقْتَ بِهَا الْقَمَرَ وَجَعَلْتَ الْقَمَرَ نُورًا،

و به حکمتی که با آن چیزهای شگفت‌انگیز را ساختی، و تاریکی را آفریدی و آن

وَخَلَقْتَ بِهَا الْكَوَاكِبَ وَجَعَلْتَهَا نُجُومًا وَبُرُوجًا وَمَصَابِيحَ

را شب قرار دادی، و شب را مایه آرامش قرار دادی؛ و با آن روشنی را آفریده، و آن

وَزِينَةً وَرُجُومًا لِلشَّيَاطِينِ، وَجَعَلْتَ لَهَا مَشَارِقَ وَمَغَارِبَ،

را روز قرار دادی، و روز را هنگام جنب و جوش به همراه بینایی قرار دادی؛ و با آن

وَجَعَلْتَ لَهَا مَطَالِعَ وَمَجَارِيَ، وَجَعَلْتَ لَهَا فَلَكَامِ وَمَسَابِحَ،

خورشید را به وجود آورده و آن را روشنی بخش ساختی؛ و با آن ماه را آفریدی و آن

وَقَدَّرْتَهَا فِي السَّمَاءِ مَنَازِلَ فَأَحْسَنْتَ تَقْدِيرَهَا، وَصَوَّرْتَهَا

را روشنی شب قرار دادی؛ و با آن ستارگان را خلق کردی و آنها را اختران تابان و

فَأَحْسَنْتَ تَصْوِيرَهَا، وَأَحْصَيْتَهَا بِأَسْمَائِكَ أَحْصَاءً،

برج‌های آسمان و چراغ‌ها، و زینت‌بخش، و برای راندن شیطان‌ها قرار دادی. و برای آن

وَدَبَّرْتَهَا بِحِكْمَتِكَ تَدْبِيرًا، فَأَحْسَنْتَ تَدْبِيرَهَا، وَسَخَّرْتَهَا

مشرق‌ها و مغرب‌ها، و محل‌های طلوع و محل‌های جریان قرار دادی، و برای آن محور

بِسُلْطَانِ اللَّيْلِ وَسُلْطَانِ النَّهَارِ، وَالسَّاعَاتِ وَعَدَدِ السَّنِينَ

و مدار حرکت و محل گردش و شناوری قرار دادی. و در آسمان برای آنها جایگاه

وَالْحِسَابِ، وَجَعَلْتَ رُؤْيَتَهَا لِجَمِيعِ النَّاسِ مَرَأًى وَاحِدًا،

مقرر فرمودی و اندازه‌اش را نیکو قرار دادی، و صورت بخشیدی، و نیکو صورت‌نگاری

وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِمَجْدِكَ الَّذِي كَلَّمْتَ بِهِ عَبْدَكَ، وَرَسُولَكَ

کردی؛ و با نام‌هایت به شماره درآوردی، و با حکمتت تدبیر نمودی پس به خوبی

مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْمُقَدَّسِينَ، فَوْقَ

تدبیر فرمودی، و تحت سلطه شب و روز و ساعت‌ها و شماره سال‌ها و حساب آنها را

أَحْسَاسِ الْكَرُوبِيِّينَ فَوْقَ غَمَائِمِ النُّورِ، فَوْقَ تَابُوتِ

مسخر نمودی؛ و دیدن آنها را برای تمام مردم، یکسان کردی. بارالها! از تو به واسطه

الشَّهَادَةِ فِي عَمُودِ النَّارِ وَفِي طُورِ سَيْنَاءَ، وَفِي جَبَلِ

شکوهِت درخواست می‌کنم؛ همان که بدان وسیله با بنده و فرستاده‌ات حضرت موسی

حُورِيثَ فِي الْوَادِ الْمُقَدَّسِ، فِي الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ مِنْ

پسر عمران - پیلام بر او باد - سخن گفתי در میان قدسیان، بالاتر از آنچه کروبیان

جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ مِنَ الشَّجَرَةِ، وَفِي أَرْضِ مِصْرَ

قادر به درک آن باشند؛ بالاتر از ابرهای نور و روشنی، بالاتر از صندوق گواهی در

بِتَسْعِ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ، وَيَوْمَ فَرَقْتَ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ،

ستون آتش؛ و در طور و صحرای سینا، و در کوه حوریت، در سرزمین مقدس، و در

وَفِي الْمُنْبَجَسَاتِ الَّتِي صَنَعْتَ بِهَا الْعَجَائِبَ فِي بَحْرِ

بقعه‌ای مبارک در جانب راست کوه طور، از درخت مخصوص، و در سرزمین مصر، با

سُوفٍ، وَعَقَدْتَ مَاءَ الْبَحْرِ فِي قَلْبِ الْغَمْرِ كَالْحِجَارَةِ

نه آیه و نشانه آشکار، و (همچنین) در روزی که دریا را برای بنی اسرائیل شکافتی؛ و

وَجَاوَزْتَ بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ، وَتَمَّتْ كَلِمَتُكَ الْحُسْنَى

نیز در چشمه‌های جوشان که با آن شکفتی‌ها را به وجود آوردی در دریای سوف، و

عَلَيْهِمْ بِمَا صَبَرُوا، وَأَوْرَثْتَهُمْ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا

آب دریا را در زرفای اقیانوس همچون سنگ منجمد کردی؛ و بنی اسرائیل را از دریا

الَّتِي بَارَكْتَ فِيهَا لِلْعَالَمِينَ، وَأَغْرَقْتَ فِرْعَوْنَ وَجُنُودَهُ

گذراندی، و نعمت نیکویت را بر آنان تمام و کامل کردی، به دلیل اینکه شکیبایی

وَمَرَاكِبَهُ فِي الْيَمِّ، وَبِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ

ورزیدند. و شیرق و غرب جهان را که موجب برکت برای جهانیان قرار داده بودی

الْأَعْظَمِ الْأَعَزُّ الْأَجَلُ الْأَكْرَمِ، وَبِمَجْدِكَ الَّذِي تَجَلَّيْتَ بِهِ

به ایشان به ارت رساندی، و فرعون و سپاهش را با مرکب‌های سواری‌شان در دریا

لِمُوسَى كَلِمِكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي طُورِ سَيْنَاءَ، وَإِبْرَاهِيمَ

غرق کردی. (خدایا!) و با آن اسم بزرگ، بزرگ‌تر، بزرگ‌تر بزرگ‌تر از هر چیز، که

خَلِيلِكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ قَبْلِ فِي مَسْجِدِ الْخَيْفِ،

عزت‌مندتر، شکوه‌مندتر، گرمی‌تر از هر چیز است، از تو درخواست می‌کنم؛ و نیز به

وَلِإِسْحَاقَ صَفِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي بئرِ شَيْعٍ، وَلِيعْقُوبَ

واسطه شکوه و بزرگواریت که با آن برای موسی هم گفتارت - که سلام بر او باد - در

نَبِيِّكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي بَيْتِ اِيلَ، وَأَوْفَيْتَ لِإِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ

طور (صحرای) سینا تجلی کردی؛ و برای ابراهیم که دوست و یزادات بود، - سلام بر او

السَّلَامُ بِمِيثَاقِكَ، وَلِإِسْحَاقَ بِحَلْفِكَ وَلِيعْقُوبَ بِشَهَادَتِكَ،

باد - از پیش تر، در مسجد خیف تجلی فرمودی؛ و برای برگزیده ات اسحاق - سلام بر

وَلِلْمُؤْمِنِينَ بَوَعْدِكَ، وَلِلدَّاعِينَ بِأَسْمَائِكَ فَاجَبْتَ،

او باد - در جاه شیعی جلوه نمودی؛ و برای پیامبرت حضرت یعقوب - سلام بر او باد -

وَبِمَجْدِكَ الَّذِي ظَهَرَ لِمُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى

در خانه ایل متجلی گشتی؛ و وفا نمودی پیمانت را برای ابراهیم - سلام بر او باد - و

قُبَّةِ الرُّمَّانِ، وَبِآيَاتِكَ الَّتِي وَقَعْتَ عَلَى اَرْضِ مِصْرَ بِمَجْدِ

سوگندت را برای اسحاق - سلام بر او باد - و گواهی خود را برای یعقوب، و وعدهات را

العِزَّةِ وَالْغُلْبَةِ، بِآيَاتِ عَزِيزَةٍ، وَبِسُلْطَانِ الْقُوَّةِ وَبِعِزَّةِ

برای مؤمنان، و اجابت خود را برای دعاکنندگان با نام هایت، و نیز به واسطه شکوهت

الْقُدْرَةِ، وَبِشَأْنِ الْكَلِمَةِ التَّامَّةِ، وَبِكَلِمَاتِكَ الَّتِي تَفَضَّلْتَ

که برای موسی پسر عمران - سلام بر او باد - بر روی گنبد رمان (عبادتگاهش) ظهور

بِهَا عَلَى اَهْلِ السَّمَوَاتِ وَالْاَرْضِ، وَاهْلِ الدُّنْيَا وَاهْلِ

کرد؛ و به واسطه آیات و نشانه هایت که در سرزمین مصر با شکوه تمام و عزت مندی

الْآخِرَةِ، وَبِرَحْمَتِكَ الَّتِي مَنَنْتَ بِهَا عَلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ،

و برتری و چیرگی واقع شد؛ با آیاتی عزت مند، و قدرت و سلطه ای توان مند، و عزتی

وَبِاسْتِطَاعَتِكَ الَّتِي أَقَمْتَ بِهَا عَلَى الْعَالَمِينَ، وَبُنُورِكَ

توانا، و مقام کلمه کامل، و به واسطه کلمات که بر آسمانیان و زمینیان و اهل دنیا

الَّذِي قَدْ خَرَّمَنْ فَرَعَهُ طُورُ سَيْنَاءَ، وَبِعِلْمِكَ وَجَلَالِكَ

و آخرت تفضل فرمودی، و به واسطه رحمتی که بر تمام مخلوقات منت نهادی، و

وَكِبْرِيَاءِكَ وَعِزَّتِكَ وَجَبْرُوتِكَ الَّتِي لَمْ تَسْتَقِلْهَا الْأَرْضُ،

به واسطه تواناییات که با آن تمام جهانیان را برپا داشته‌ای، و به واسطه نوری که

وَأَنْخَفَضْتَ لَهَا السَّمَوَاتُ، وَأَنْزَجَرَلَهَا الْعُمُقُ الْأَكْبَرُ،

صحرای سینا از ترسش فرو ریخت، و به واسطه دانش و جلال و کبریایی و عزت‌مندی

وَرَكَدَتْ لَهَا الْبِحَارُ وَالْأَنْهَارُ، وَخَضَعَتْ لَهَا الْجِبَالُ،

و تسلطت که زمین توانش را نداشت، و آسمان‌ها برای آن فروتنی کرد، و زرفای بزرگ

وَسَاكَنْتُ لَهَا الْأَرْضُ بِمَنَّاكِبِهَا، وَأَسْتَسَلَمَتْ لَهَا الْخَلَائِقُ

راهنده شد، و دریاها و رودهای را کد ماندند، و کوه‌ها رام گردیدند، و زمین با کرانه‌هایش

كَلِّهَا، وَخَفَقَتْ لَهَا الرِّيَّاحُ فِي جَرِيَانِهَا، وَخَمَدَتْ لَهَا

آرام گرفت، و تمام آفریدگان تسلیم آن شدند، و جریان وزش بادها به هم ریخت،

النِّيرَانُ فِي أَوْطَانِهَا، وَبِسُلْطَانِكَ الَّذِي عُرِفَتْ لَكَ بِهِ الْغَلْبَةُ

و آتش‌ها در جایگاه‌هایشان خاموش گشتند؛ و نیز به واسطه سلطه و پادشاهیت که

دَهْرَ الدُّهُورِ، وَحُمَدَتْ بِهِ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِينَ،

غلبه و چیرگیت بر تمام روزگاران با آن شناخته می‌شود، و به وسیله آن در آسمان‌ها

وَبِكَلِمَتِكَ كَلِمَةَ الصِّدْقِ الَّتِي سَبَقَتْ لِأَيْنَا آدَمَ عَلَيْهِ

و زمین‌ها ستایش شدی؛ و نیز تو را به واسطه کلمات همان کلمه راستی که برای

السَّلَامُ وَذُرِّيَّتِهِ بِالرَّحْمَةِ، وَأَسْأَلُكَ بِكَلِمَتِكَ الَّتِي غَلَبَتْ

بدرمان آدم - که سلام بر او باد - و نسیلش با رحمت پیشی گرفت، و به واسطه

كُلِّ شَيْءٍ، وَبِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي تَجَلَّيْتَ بِهِ لِلْجَبَلِ فَجَعَلْتَهُ

کلمه‌ات که بر هر چیز پیروز شد و سلطه یافت؛ و به واسطه نور رخسارت که با آن

دَكَأَ وَخَرَّ مُوسَى صَعِقًا، وَبِمَجْدِكَ الَّذِي ظَهَرَ عَلَى طُورِ

بر کوه تجلی فرمودی و آن را از هم پاشیدی و موسی از این جریان بر زمین افتاد و

سَيْنَاءَ، فَكَلَّمْتَ بِهِ عَبْدَكَ وَرَسُولَكَ مُوسَى بْنَ عِمْرَانَ،

بیهوش شد؛ و نیز به واسطه شکوهت که بر صحرای سینا ظاهر شد و با آن بر بنده

وَبَطَّلَعْتَكَ فِي سَاعِيرٍ وَظُهُورِكَ فِي جَبَلِ فَارَانَ بِرَبَوَاتِ

و فرستاده‌ات موسی پسر عمران سخن گفتی؛ و به واسطه پرتوفاکنیت در ساعیر، و

الْمُقَدَّسِينَ، وَجُنُودِ الْمَلَائِكَةِ الصَّافِينَ، وَخُشُوعِ الْمَلَائِكَةِ

ظهور نورت در کوه فاران با نفس‌های مقدسان و سپاهیان صف‌کشیده فرشتگان، و

الْمُسَبِّحِينَ، وَبِرَكَاتِكَ الَّتِي بَارَكْتَ فِيهَا عَلَى إِبْرَاهِيمَ

فروتنی فرشتگان تسبیح‌گوی؛ نیز به واسطه برکاتت که برای ابراهیم دوست ویژه‌ات -

خَلِيلِكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي أُمَّةِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ،

که سلام بر او باد - در امت حضرت محمد - درود خدا بر او و آل او باد - برکت دادی؛

وَبَارَكْتَ لِإِسْحَاقَ صَفِيِّكَ فِي أُمَّةِ عِيسَى عَلَيْهِمَا السَّلَامُ،

و برای اسحاق - که برگزیده‌ات بود - در امت عیسی - که درود بر هر دو باد - برکت

وَبَارَكْتَ لِيَعْقُوبَ اسْرَائِيلِكَ فِي أُمَّةِ مُوسَى عَلَيْهِمَا السَّلَامُ،

دادی؛ و برای یعقوب یکتاپرستت در امت موسی - سلام بر هر دو باد - برکت دادی؛

وَبَارَكْتَ لِحَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي عِثْرَتِهِ

و برای دوست خودت محمد - که درود بر او و آل او باد - در میان عثرت و نسل او -

وَذُرِّيَّتِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَأُمَّتِهِ، اَللَّهُمَّ وَكَمَا غَبْنَا عَنْ ذَلِكَ

درود بر آنان باد - و امت او برکت دادی؛ از تو درخواست می کنم. بارالها؛ همان گونه که

وَلَمْ نَشْهَدْهُ وَأَمَّنَّا بِهِ وَلَمْ نَزِهِ صِدْقًا وَعَدْلًا، اِنْ تُصَلِّيْ

ما ان حضرت را ندیدیم و در آن زمان حضور نداشتیم، و با این وجود، به او به راستی

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُبَارِكَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ

و درستی ایمان آوردیم؛ از تو درخواست می کنم بر محمد و آل محمد درود پیوسته

مُحَمَّدٍ، وَتَرْحَمَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، كَأَفْضَلِ مَا

نثار کنی، و برکت و رحمت خود را بر محمد و آل محمد بفرستی، برتر از آنچه برای

صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرْحَمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ

ابراهیم و آل ابراهیم درود و برکت و رحمت نثار کردی؛ راستی، تو ستوده شکوهمند

حَمِيدٌ مَجِيدٌ، فَعَالٌ لِمَا تُرِيدُ، وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

هستی؛ هر چه خواهی بدون کم و کاست انجام می دهی؛ و تو بر هر چیز توانایی.

دعای روز عید فطر

که از جناب محمد بن عثمان (ره) روایت شده است

این دعا را سرورمان جناب «محمد بن عثمان» قرائت می فرموده، و

در دفترش موجود بوده است؛ که دعاهای ماه مبارک رمضان را نیز در آن یادداشت کرده بودند. این دعا پس از نماز صبح روز عید فطر خوانده می‌شود.

اللَّهُمَّ إِنِّي تَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ أَمَامِي، وَ عَلِيٍّ مِنْ

بار الها؛ به تو روی آوردم به واسطه حضرت محمد(ص) که پیش روی من است و حضرت

خلفی و عَنْ يَمِينِي، وَأَيْمَتِي عَنْ يَسَارِي، أَسْتَتِرُ بِهِمْ

علی(ع) پشت سر و از سمت راست و امامانم از سمت چپ گرداگرد خود این بزرگواران را

مِنْ عَذَابِكَ، وَ أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ زُلْفَى لَا أَجِدُ أَحَدًا أَقْرَبَ

آورده‌ام تا خود را به وسیله ایشان از عذابت بیوشانم و خود را از نظر مرتبه به تو نزدیک

إِلَيْكَ مِنْهُمْ، فَهُمْ أَيْمَتِي، فَأَمِنْ بِهِمْ خَوْفِي مِنْ عِقَابِكَ

گردانم، هیچ کسی را که از نظر رتبه و مقام از ایشان نزدیک‌تر به تو باشند سراغ ندارم.

وَ سَخَطِكَ، وَ أَدْخَلَنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ.

اینان، پیشوایان من‌اند؛ ترسم از کيفرت و خشمت را به واسطه ایشان تبدیل به آرامش

أَصْبَحْتُ بِاللَّهِ مُؤْمِنًا مُخْلِصًا عَلَى دِينِ مُحَمَّدٍ وَ سُنَّتِهِ، وَ

کن و به رحمتت مرا در زمره بندگان صالح و شایسته‌ات در آور. صبح کردم در حالی

عَلَى دِينِ عَلِيٍّ وَ سُنَّتِهِ، وَ عَلَى دِينِ الْأَوْصِيَاءِ وَ سُنَّتِهِمْ،

که ایمان و اخلاص نسبت به پروردگار دارم و بر دین و آیین حضرت محمد(ص) و نیز

أَمَنْتُ بِسِرِّهِمْ وَ عَلَانِيَتِهِمْ، وَ أَرْغَبُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى فِيمَا

دین و آیین حضرت علی(ع) و بر دین و آیین و روش جانشینیان ایشان پایدار و ثابتم؛

رَغِبَ فِيهِ إِلَيْهِ مُحَمَّدٌ وَعَلِيٌّ وَالْأَوْصِيَاءُ، وَاعُوذُ بِاللَّهِ

به امور پنهان و آشکارشان ایمان دارم، و به چیزهایی که حضرت محمد و علی (ع) و

مِنْ شَرِّ مَا اسْتَعَاذُوا مِنْهُ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، وَ

جانسینانشان نسبت به پروردگار مشتاق بودند، اشتیاق می‌ورزم. و از شر هر چه ایشان به

لَا عِزَّةَ وَلَا مَنَعَةَ وَلَا سُلْطَانَ إِلَّا لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ الْعَزِيزِ

خدا پناه بردند، من نیز پناه می‌برم؛ هیچ توانی و جنبشی جز به واسطه خداوند نیست؛

الْجَبَّارِ الْمُتَكَبِّرِ، تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ «فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بِالْغُ

هیچ نیرو و باز دارنده‌ای و قدرتی، جز برای خدای یگانه، چیره، عزتمند، جبار و متکبر

أَمْرِهِ». اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُكَ فَأَرِدُنِي، وَأَطْلُبُ مَا عِنْدَكَ

نیست. بر خدا توکل می‌کنم؛ «خدا به تنهایی (مرا بس است)؛ همانا خداوند دستورش

فَيْسِرُهُ لِي، وَأَقْضِ لِي حَوَائِجِي فَإِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ وَ

و خواستش را به طور کامل انجام می‌دهد». بار الهی؛ من قصد و اراده تو کرده‌ام پس تو

قَوْلِكَ الْحَقُّ «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى

نیز مرا اراده کن؛ آنچه نزد توست جست‌وجو می‌کنم، رسیدن به آن برایم آسان کن؛

لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ»،^۱ فَعَظُمَتْ حُرْمَتُهُ

حاجت‌هایم را بر آور؛ تو در کتابت فرموده‌ای - و گفتارت ثابت و راست است - که: «ماه

شَهْرُ رَمَضَانَ، بِمَا أُنزِلَتْ فِيهِ مِنَ الْقُرْآنِ، وَخَصَّصَتْهُ وَ

رمضان ماهی است که قرآن در آن فرود آمد، تا مردم را راهنمایی کند، و دلیل‌هایی

۱. سوره طلاق، آیه ۳.

۲. سوره بقره، آیه ۱۸۵.

عَظَمَتُهُ بِتَصْيِيرِكَ فِيهِ لَيْلَةَ الْقَدْرِ، فَقُلْتَ «لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ

اشکار برای هدایت و جدایی حق از باطل بیاورد». پس احترام ماه رمضان را بالا بردی؛

مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ * تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ

چون، قرآن را در آن فرو فرستادی، و با قرار دادن شب قدر در ماه رمضان، آن را ویژگی

مِنْ كُلِّ أَمْرٍ * سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ». ۱- اللَّهُمَّ وَ

و عظمت بخشیدی؛ پس گفتی: «شب قدر، از هزار شب بهتر است؛ فرشتگان، و روح

هَذِهِ أَيَّامُ شَهْرِ رَمَضَانَ قَدْ انْقَضَتْ، وَ لِيَالِيهِ قَدْ تَصَرَّمْتُ،

با اجازه خداوند، برای هر کاری در شب قدر فرود می آیند؛ شب قدر، سلام و سلامت

وَ قَدْ صِرْتُ مِنْهُ يَا إِلَهِي إِلَى مَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي، وَ

است تا طلوع فجر». بار الهی؛ روزهای ماه رمضان نیز سیری شدند و شبهایش نیز تمام

أَحْصَى لَعَدَدَهُ مِنْ عَدَدِي، فَأَسْأَلُكَ يَا إِلَهِي بِمَا سَأَلَكِ

شدند؛ خدای من؛ خودت بهتر می دانی که من چه کردم، و عدد آن را بهتر می دانی؛

بِهِ عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَعَلَى آلِ

پس، خدایا؛ از تو چیزهایی را درخواست می کنم که بندگان صالحت خواسته اند؛ که بر

مُحَمَّدٍ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ. وَأَنْ تَقْبَلَ مِنِّي كَلِمًا

محمد و بر آل محمد و اهل بیت محمد درود پیوسته نثار کنی. و آنچه را وسیله تقرب

تَقَرَّبْتُ بِكَ إِلَيْكَ، وَ تَتَفَضَّلَ عَلَيَّ بِتَضْعِيفِ عَمَلِي، وَ قَبُولِ

خود به درگاہت نمودم از من بپذیری، و با چند برابر نمودن پاداش اعمالم و پذیرش

تَقْرُبِي وَ قُرْبَاتِي، وَ اسْتِجَابَةَ دُعَائِي، وَ هَبْ لِي مِنْكَ

کارهایی را که به قصد قربت و رضای تو انجام دادم و اجابت دعایم بر من لطف و احسان

عَتَقَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، وَ مَنْ عَلَيَّ بِالْفَوْزِ بِالْجَنَّةِ وَ الْأَمْنِ

کنی و این بخشش را به من بنمایی که از آتش رهاییم بخشی و با برخورداری از بهشت

يَوْمَ الْخَوْفِ مِنْ كُلِّ فِرْعٍ، وَ مِنْ كُلِّ هَوْلٍ أَعَدَدْتَهُ لِيَوْمِ

و ایمنی از ترس‌های بزرگ قیامت بر من منت گذاری، و از تمام هول و هراس‌هایی که

الْقِيَامَةِ. أَعُوذُ بِحُرْمَةِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ، وَ بِحُرْمَةِ نَبِيِّكَ وَ

برای روز قیامت آماده کرده‌ای در امانم بداری. به حرمت وجه کریم و بزرگواریت و به

حُرْمَةِ الصَّالِحِينَ، أَنْ يَنْصَرَمَ هَذَا الْيَوْمِ، وَ لَكَ قَبْلِي تَبَعَةٌ

حرمت پیامبرت و به حرمت بندگان شایسته‌ات پناه می‌برم که امروز بگذرد و هنوز برای

تُرِيدُ أَنْ تُؤَاخِذَنِي بِهَا، أَوْ ذَنْبٌ تُرِيدُ أَنْ تُقَايَسَنِي بِهِ،

تو به عهده من جرمی باشد که بخواهی مرا به آن مؤاخذه کنی و گناهی باقی بماند که

وَ تُشْقِيَنِي وَ تَفْضَحَنِي بِهِ، أَوْ خَطِيئَةٌ تُرِيدُ أَنْ تُقَايَسَنِي

بخواهی به خاطر آن مرا عذاب کنی و بدبخت و رسوایم گردانی و اشتباهی باقی باشد که

بِهَا وَ تَقْتَصُّهَا مِنِّي لَمْ تَغْفِرْهَا لِي، وَ أَسْأَلُكَ بِحُرْمَةِ

به خاطر آن قصد قصاص و عذاب مرا داشته باشی و مرا نبخشیده باشی. به واسطه احترام

وَ جْهِكَ الْكَرِيمِ الْفَعَّالِ لِمَا يُرِيدُ، الَّذِي يَقُولُ لِلشَّيْءِ كُنْ

ذات بزرگواریت از تو درخواست می‌کنم؛ همان که هر چه بخواهد آن را انجام می‌دهد و

فَيَكُونُ، لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِلا إِلَهَ إِلَّا

اگر به چیزی بگویند: باش، می‌شود؛ جز او نیز خدایی نیست. بار الها؛ به واسطه اینکه -

أَنْتَ، إِنْ كُنْتَ رَضِيتَ عَنِّي فِي هَذَا الشَّهْرِ أَنْ تَزِيدَنِي

اعتقاد دارم - جز تو خدایی نیست از تو درخواست می‌کنم: اگر در این ماه از من راضی

فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمْرِي رِضًا. فَإِنْ كُنْتَ لَمْ تَرْضَ عَنِّي

شده‌ای، رضایت و خشنودیت را در باقی مانده عمرم نیز افزون فرمایی و اگر در این ماه

فِي هَذَا الشَّهْرِ، فَمِنَ الْآنَ فَارِضَ عَنِّي السَّاعَةَ السَّاعَةَ

مبارک از من خشنود نشده‌ای، از حالا از من راضی و خشنود شو؛ در همین ساعت، در

السَّاعَةَ، وَاجْعَلْنِي فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي هَذَا الْمَجْلِسِ

همین ساعت، در همین ساعت و در همین مجلس مرا از آزاد شدگان

مِنْ عُقَّتَائِكَ مِنَ النَّارِ، وَطَلْقَائِكَ مِنْ جَهَنَّمَ، وَسُعْدَاءِ

از آتش قرار ده، و از رها شدگان از جهنم قرار ده، و راز بندگانی که به واسطه امرزش

خَلْقِكَ بِمَغْفِرَتِكَ وَرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. اللَّهُمَّ

و رحمتت سعادتمند شدند قرار ده؛ ای مهربان‌ترین مهربانان. بار الهی! به احترام آبروی

إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحُرْمَةِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ، أَنْ تَجْعَلَ شَهْرِي هَذَا

کریمانه‌ات از تو درخواست می‌کنم که این ماه را برایم نسبت به ماه رمضان‌های دیگر در

خَيْرَ شَهْرٍ رَمَضَانَ عَبْدُكَ فِيهِ، وَصُمَّتُهُ لَكَ، وَتَقَرَّبْتُ

دوران عمرم بهترین ماه رضانی قرار ده که تو را در آن پرستیده‌ام و روزه‌داری کرده‌ام

بِهِ إِلَيْكَ مُنْذُ اسْكَنْتَنِي فِيهِ، أَعْظَمَهُ أَجْرًا، وَأَتَمَّهُ نِعْمَةً، وَ

و به تو تقرب جسته‌ام، دارای بزرگترین پاداش و کامل‌ترین نعمت و فراگیرترین عافیت،

أَعَمَّهُ عَافِيَةً، وَأَوْسَعَهُ رِزْقًا، وَأَفْضَلَهُ عِتْقًا مِنَ النَّارِ، وَ

و فراخ‌ترین نصیب و برترین آنان از جهت رهاییم از آتش، و سزاوارترین آن برای رحمت

أَوْجِبَهُ رَحْمَةً، وَأَعْظَمَهُ مَغْفِرَةً وَأَكْمَلَهُ رِضْوَانًا، وَأَقْرَبَهُ

تو، و بزرگ‌ترین بخشش و کامل‌ترین روضان و خشنودی، و نزدیک‌کننده‌ترین مادها به

إِلَى مَا تُحِبُّ وَتَرْضَى. اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ شَهْرِ رَمَضَانَ

چیزهایی که تو دوست داری و از آن خشنود می‌شوی. بار الهایا! این ماه رمضان را آخرین

صُمْتُهُ لَكَ، وَارْزُقْنِي الْعُودَ ثُمَّ الْعُودَ حَتَّى تَرْضَى وَبَعْدَ

ماه رمضان من - که در آن به روزه‌داری می‌پردازم - قرار مده؛ و آنقدر حضور ماه‌های

الرِّضَا، وَحَتَّى تُخْرِجَنِي مِنَ الدُّنْيَا سَالِمًا وَأَنْتَ عَنِّي

رمضان بعدی را نصیبم کن تا رضایت تو حاصل شود، و پس از راضی شدنت باز هم مرا

رَاضٍ وَأَنَا لَكَ مَرْضِيٌّ. اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِيمَا تَقْضِي وَتُقَدِّرُ

در ماه‌های رمضان حاضر فرما؛ تا آنکه مرا از دنیا بدون عیب و آفت خارج کنی در حالی

مِنَ الْأَمْرِ الْمَخْتُومِ الَّذِي لَا يُرَدُّ وَلَا يُبَدَّلُ أَنْ تَجْعَلَنِي

که تو از من راضی باشی و من نیز مورد رضایت و خشنودیت باشم. بار الهایا! در آن چه

مِمَّنْ تُثِيبُ وَتُسَمِّي وَتَقْضِي لَهُ، وَتَزِيدُ وَتُحِبُّ لَهُ وَ

قضا و قدرت به آن تعلق می‌پذیرد، و از امور قطعی و حتمی است که رد نمی‌شود و تغییر

تَرْضَى، وَأَنْ تَكْتُبَنِي مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ فِي هَذَا

و تبدیلی نیز در آن راه نمی‌یابد؛ مرا از کسانی قرار ده که ثواب می‌گیرند و مرتبه‌شان

الْعَامِ، وَفِي كُلِّ عَامٍ، الْمَبْرُورِ حَجُّهُمْ، الْمَشْكُورِ سَعْيُهُمْ،

بالا می‌رود و حاجتشان برآورده می‌شود و برایش افزون می‌کنی و دوستش می‌داری و

الْمَغْفُورِ ذُنُوبِهِمْ، الْمُتَقَبَّلِ مِنْهُمْ مَنَاسِكُهُمْ، الْمُعَافِينَ عَلَى

از او خشنود هستی؛ نیز مرا از حاجیان خانهات در حج امسال و سال‌های آینده قرار ده؛

أَسْفَارِهِمُ الْمُقْبِلِينَ عَلَى نُسُكِهِمْ، الْمَحْفُوظِينَ فِي أَنْفُسِهِمْ

آن دسته‌ای که حجتشان عالی، و تلاششان مورد سپاسگزاری و گناهانشان بخشیده شده،

و أموالهم و ذراریهم، وَ كُلِّ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيْهِمْ. اللَّهُمَّ

و عبادات حجتشان پذیرفته شده؛ سفرهایشان با عافیت و سلامتی، و علاقه‌مند به انجام

أَقْلِبْنِي مِنْ مَجْلِسِي هَذَا، فِي شَهْرِي هَذَا، فِي يَوْمِي هَذَا،

عبادت‌های مخصوصشان و در مورد خودشان و دارایی و بچه‌هایشان و همه نعمت‌هایی

فِي سَاعَتِي هَذِهِ، مُفْلِحًا مُنْجِحًا مُسْتَجَابًا لِي، مَغْفُورًا

که به آنان داده‌ای، محفوظ و نگه داری شده باشند. بار الهی! مرا از اینجایی که نشسته‌ام،

ذَنْبِي، مُعَافًا مِنَ النَّارِ، وَ مُعْتَقًا مِنْهَا عِتْقًا لَا رِقَّ بَعْدَهُ

و این ماه، و امروز، و همین ساعت و لحظه؛ رستگار و کامیاب و پاسبان مثبت شنیده و

أَبَدًا، وَ لَا رَهْبَةً يَا رَبَّ الْأَرْبَابِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ

بخشیده گناه و معاف شده از آتش و آزاد گشته از آن به گونه‌ای که دیگر هیچ گاه گرفتار

تَجْعَلَ فِيمَا شِئْتُ، وَ أَرَدْتُ وَ قَضَيْتَ وَ قَدَّرْتَ وَ حَتَمْتَ

نشوم و از آن نیز نترسم، بازگردان؛ ای پروردگار پرورش دهندگان بار الهی! درخواست

وَ أَنْفَذْتَ أَنْ تُطِيلَ عُمْرِي، وَ أَنْ تُنْسِيَ فِي أَجَلِي، وَ أَنْ

من آن است که در آنچه مورد مشیت و اراده و حکم و تقدیر و دستور حتمیت است و

تُقَوِّ ضِعْفِي، وَ أَنْ تُغْنِيَ فَقْرِي، وَ أَنْ تَجْبُرَ فَاقَتِي، وَ

دستور اجرای آن را داده‌ای، مقرر کنی که زندگانیم طولانی و مرگم دیررس و ناتوانیم

أَنْ تَرْحَمَ مَسْكَتِي، وَ أَنْ تُعِزَّ ذُلِّي، وَ أَنْ تَرْفَعَ ضِعْتِي،

تبدیل به نیرومندی و نیازمندیم تبدیل به ثروتمندی گردد؛ و بیچارگیم جبران، و به

وَ أَنْ تُغْنِيَ عَائِلَتِي، وَ أَنْ تُؤْنِسَ وَحْشَتِي، وَ أَنْ تُكْثِرَ

بدبختی ام رحم کنی، و خواریم را به عزت، افتادگیم را به والایی تبدیل کنی و خانواده ام

قَلْتِي، وَ أَنْ تُدِرَّ رِزْقِي فِي عَافِيَةٍ وَ يُسِّرَ وَ خَفِّضَ، وَ أَنْ

را بی نیاز سازی؛ مونیس وحشت و تنهاییم باشی و کمبودم را به فزونی و بسیاری برسانی،

تَكْفِينِي مَا أَهْمَنِي مِنْ أَمْرِ دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي، وَ لَا تَكْلِنِي

و نصیب و رزق مرا با عافیت و راحتی و دستیابی آسان و سبکی، به فراوانی به من

إِلَى نَفْسِي فَأَعْجِزَ عَنْهَا، وَ لَا إِلَى النَّاسِ فَيَرْفُضُونِي،

برسانی. نیز مرا در امور مهم دنیا و آخرت کفایت کرده و بسنده باشی، و مرا به خودم

وَ أَنْ تُعَافِينِي فِي دِينِي وَ بَدَنِي وَ جَسَدِي وَ رُوحِي

وامگذاری که در مقابل آن عاجز و ناتوان شوم و به مردم وامگذاری که مرا به کناری

وَ وُلْدِي وَ أَهْلِي وَ أَهْلَ مَوَدَّتِي وَ إِخْوَانِي وَ جِيرَانِي

بیندازند و طرد کنند و مرا در مورد دینم و بدنم و جسم و روحم و فرزندانم و خانواده

مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ الْمُسْلِمِينَ وَ الْمُسْلِمَاتِ،

و دوستان و برادران و همسایگان مؤمن و مسلمان من - زنده باشند یا مرده - عافیت

الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَ الْأَمْوَاتِ، وَ أَنْ تَمُنَّ عَلَيَّ بِالْأَمْنِ وَ

عطا فرمایی - نیز امنیت و ایمان را در تمام زندگانیم بر من منت نهی؛ زیرا، تو ولی و

الْإِيمَانَ مَا أَبْقَيْتَنِي، فَإِنَّكَ وَلِيٌّ وَ مَوْلَايَ، وَ ثَقَّتِي وَ

سرپرست و صاحب اختیار من، مورد اعتماد و امید من، محل درخواستها و شکایت من،

رَجَائِي، وَ مَعْدِنُ مَسْأَلَتِي، وَ مَوْضِعُ شَكْوَايَ، وَ مُنْتَهَى

و آخرین درجه آرزوی من هستی. ای آقا و سرور من؛ امیدم را ناامید مکن، و حسن ظن

رَغَبْتِي. فَلَا تُخَيِّبْنِي فِي رَجَائِي يَا سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ، وَلَا

و امیدواریم را نادرست از آب در میاور؛ زیرا، که من به واسطه محمد و آل محمد به تو

تُبْطِلُ طَمَعِي وَ رَجَائِي، فَقَدْ تَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِ

رو آوردم، و آنان را پیشاپیش خود و حاجت و خواسته‌ها و گریه و زاری و خواهش را به

مُحَمَّدٍ، وَ قَدَّمْتُهُمْ إِلَيْكَ أَمَامِي، وَ أَمَامَ حَاجَتِي وَ طَلِبَتِي،

درگاه تو آوردم؛ پس مرا در دنیا و آخرت، از آبرومندان و مقربان درگاہت قرار ده؛ زیرا،

وَ تَضَرُّعِي وَ مَسْأَلَتِي، فَاجْعَلْنِي بِهِمْ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا

تو با شناخت ایشان بر من منت نهادی؛ پس، سعادت و خوشبختی مرا در آخر کارم به

وَ الْآخِرَةِ وَ مِنْ الْمُقَرَّبِينَ، فَإِنَّكَ مَنَنْتَ عَلَيَّ بِمَعْرِفَتِهِمْ،

واسطه آنان نصیب گردان؛ راستی تو قدرت بر هر چیزی داری.

فَاخْتَمَ لِي بِهِمُ السَّعَادَةَ، إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

این عبارات، در برخی از روایات، افزون است:

به واسطه ایشان بر من منت نهادی؛ پس پایان کارم را خوشبختی، امنیت و آرامش،

مَنَنْتَ عَلَيَّ بِهِمْ، فَاخْتَمَ لِي بِالسَّعَادَةِ وَ الْأَمْنِ وَ السَّلَامَةِ

سلامتی، ایمان کامل، بخشش و رضوان خودت، سعادت و نگرهبانی از جانب خودت

وَ الْإِيمَانَ وَ الْمَغْفِرَةَ وَ الرِّضْوَانَ وَ السَّعَادَةَ وَ الْحِفْظَ، يَا

قرار ده. ای خدا؛ تو بر آورنده تمام خواسته‌های ما هستی؛ پس، بر محمد و آل

اللَّهِ أَنْتَ لِكُلِّ حَاجَةٍ لَنَا فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ عَافِنَا

او درود پیوسته نثار کن، و ما را عافیت بخش، و هیچ یک از مخلوقات را که

وَلَا تُسَلِّطْ عَلَيْنَا أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ، وَ أَكْفِنَا

توان تحملش را نداشته باشیم بر ما مسلط مفرما؛ و تمام امور دنیا و آخرت ما
 كل أمر من أمور الدنيا والآخرة يا ذا الجلال والإكرام.

را کفایت کن؛ ای صاحب شکوه و بزرگواری. بر محمد و آل محمد درود فرست،

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ تَرَحَّمْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ

و بر محمد و آل محمد ترحم و مهربانی ویژه نما، و بر محمد و آل محمد

ال مُحَمَّدٍ، وَ سَلِّمْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، كَأَفْضَلِ مَا

سلام بفرست، مانند برترین صلوات و برکات و رحمت و سلام و درودی که بر

صَلَّيْتَ وَ بَارَكْتَ وَ تَرَحَّمْتَ وَ سَلَّمْتَ وَ تَحَنَّنْتَ عَلَى

ابراهیم و آل ابراهیم فرستادی؛ راستی، تو ستوده شکوهمند هستی.

إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ.

دعای حضرت خضر (ع) معروف به دعای کمیل

قرائت این دعا در شب نیمه شعبان و نیز شبهای جمعه

استجاب دارد. من از تو درخواست می کنم به واسطه رحمت که همه چیز را فرا گرفته است؛ و نیز به

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ،

واسطه نیرویت که با آن بر هر چیزی چیرگی یافتی، و همه چیز در برابر آن خاضع و فروتن و

وَبِقُوَّتِكَ الَّتِي قَهَرْتَ بِهَا كُلَّ شَيْءٍ، وَخَضَعَ لَهَا كُلَّ

ذلیل و خوار شد، و به واسطه جبروت و سلطهات که با آن بر همه چیز غالب شدی، و به

شَيْءٍ، وَذَلَّ لَهَا كُلَّ شَيْءٍ، وَبِجَبْرُوتِكَ الَّتِي غَلَبْتَ بِهَا

واسطه عزتت که هیچ چیزی در برابرش استادگی نمی کند، و به واسطه بزرگی و عظمتت که

كُلَّ شَيْءٍ، وَبِعِزَّتِكَ الَّتِي لَا يَقُومُ لَهَا شَيْءٌ، وَبِعِظَمَّتِكَ

همه چیز را بر کرده است؛ و به واسطه سلطنت و چیرگی و تواناییات که بر هر چیز برتری

الَّتِي مَلَأْتَ كُلَّ شَيْءٍ، وَبِسُلْطَانِكَ الَّذِي عَلَا كُلَّ شَيْءٍ،

یافته است، و به واسطه ذات پاکت که پس از فانی شدن همه چیز باقی می ماند، و به نامهایت

وَبِوَجْهِكَ الْبَاقِي بَعْدَ فَنَاءِ كُلِّ شَيْءٍ، وَبِأَسْمَائِكَ الَّتِي

که اساس و پایه هر چیز را پر کرده است، و به دانشت که همه چیز را احاطه کرده است، و به

مَلَأْتَ أَرْكَانَ كُلِّ شَيْءٍ، وَبِعِلْمِكَ الَّذِي أَحَاطَ بِكُلِّ

نور رخسارت که هر چیزی به سبب آن روشن شد؛ (از تو درخواست می کنم؛) ای نور؛ ای منزّه

شَيْءٍ، وَبِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي أَضَاءَ لَهُ كُلَّ شَيْءٍ، يَا نُورُ يَا

از هر عیب و نقص؛ ای پیش از هر ابتدا؛ ای پس از هر پایان؛ بارالها؛ بیامرزش بر من گناھانی را

قُدُّوسُ، يَا أَوَّلَ الْأَوَّلِينَ، وَيَا آخِرَ الْآخِرِينَ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ

که پرده های حیا و عصمت را می درد. خدایا؛ بیامرزش بر من گناھانی را که عذابها را فرود

لِيَ الذُّنُوبِ الَّتِي تَهْتِكُ الْعِصْمَ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ

می آورد. خدایا؛ بیامرزش بر من گناھانی را که نعمتها را دگرگون می سازد؛ خدایا؛ بیامرزش بر من

الَّتِي تُنَزِّلُ النَّعْمَ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُغَيِّرُ النَّعْمَ،

تمام گناہانی را کہ انجام دادہام، و ہمہ اشتباہاتی را کہ مرتکب شدہام. بارالہا! من با یادت بہ

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْبِسُ الدُّعَاءَ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ

سوی تو تقرّب می جویم، و خودت را نزد تو شفیع و واسطہ می کنم، و بہ خاطر جود و

لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنَزِّلُ الْبَلَاءَ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ

بخششت از تو می خواہم کہ مرا بہ مقام قرب خود نزدیک گردانی، و شکر تو را نصیب نمایی،

أَذْنِبْتُهُ، وَكُلِّ خَطِيئَةٍ أَخْطَأْتُهَا، اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ

و یادت را بہ من الہام کنی. بارالہا! من خاضعانہ و ذلیلانہ و از روی فروتنی، از تو می خواہم

بذَكَرِكَ، وَأَسْتَشْفِعُ بِكَ إِلَى نَفْسِكَ، وَأَسْأَلُكَ بِجُودِكَ أَنْ

کہ با من مدارا کنی، و بر من رحم کنی، و مرا خشنود و راضی و قانع نسبت بہ تقسیم نصیب

تُدْنِيَنِي مِنْ قُرْبِكَ، وَأَنْ تُوزِعَنِي شُكْرَكَ، وَأَنْ تُلْهِمَنِي

قرار دہی و در ہمہ حالات مرا فروتن سازی. بارالہا! من از تو درخواست می کنم همانند

ذَكَرَكَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ سُؤَالَ خَاضِعٍ مُتَذَلِّلٍ خَاشِعٍ،

درخواست کسی کہ فقر و بی نوایی او سخت شدہ است، و در سختی ہا درخواستش را بہ درگاہ

أَنْ تُسَامِحَنِي وَتَرْحَمَنِي، وَتَجْعَلَنِي بِقِسْمِكَ رَاضِيًا قَانِعًا،

تو آورده است، و بہ آنچه نزد توست بسیار مشتاق گشتہ است. خدایا! سلطہ و چیرگی تو

وَفِي جَمِيعِ الْأَحْوَالِ مُتَوَاضِعًا، اللَّهُمَّ وَأَسْأَلُكَ سُؤَالَ مَنْ

بزرگ، و جایگاہت والا، و مکر تو پنهان و دستورت آشکار و قہر و خشم چیرہ، و توان و

أَشْتَدَّتْ فَاقَتُهُ، وَأَنْزَلَ بِكَ عِنْدَ الشَّدَائِدِ حَاجَتَهُ، وَعَظَمَ

قدرت در جریان است، و بہ ہیچ وجہ نمی توان از حکومت فرار کرد. بارالہا! من برای بخشش

فِيمَا عِنْدَكَ رَغْبَتُهُ، اللَّهُمَّ عَظْمَ سُلْطَانِكَ، وَعَلا مَكَانِكَ،

گناهانم کسی را سراغ ندارم، و برای پوشاندن زشتی‌هایم کسی را نیافتم؛ و برای تبدیل

وَخَفِي مَكْرُكٍ، وَظَهَرَ أَمْرُكَ، وَغَلَبَ قَهْرُكَ، وَجَرَتْ

کارهای زشت و ناهنجارم به خوبی و نیکی، کسی را نیافتم جز تو. معبودی جز تو نیست، منزّه

قُدْرَتُكَ، وَلَا يُمَكِّنُ الْفِرَارُ مِنْ حُكُومَتِكَ، اللَّهُمَّ لَا أَجِدُ

و ستوده‌ای و تنها به ستایش تو می‌پردازم، بر خود ستم کردم؛ و با نادانی و جهل خود بر تو

لِذُنُوبِي غَافِرًا، وَلَا لِقَبَائِحِي سَاتِرًا، وَلَا لِشَيْءٍ مِنْ عَمَلِي

جرت یافتیم؛ و به خاطر یاد دیرینهات و احسان و لطفی که بر من داری، آرامش داشتیم و

الْقَبِيحِ بِالْحَسَنِ مُبَدِّلًا غَيْرُكَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ

خیالم راحت بود. بارالها؛ مولای من؛ چه زشتی‌های بسیاری که از من پوشاندی و بلاهای

وَبِحَمْدِكَ ظَلَمْتُ نَفْسِي، وَتَجَرَّاتٌ بِجَهْلِي، وَسَكَنْتُ

سنگینی که از من بازگرداندی و چه لغزش‌های بسیاری که از آن نگاهم داشتی، و چه

إِلَى قَدِيمِ ذِكْرِكَ لِي، وَمَنْنِكَ عَلَيَّ، اللَّهُمَّ مَوْلَايَ كَمْ مِنْ

ناپسندی‌هایی که از من دور ساختی و چه ثنا و مدح زیبا که لایقش نبودم ولی در بین مردم

قَبِيحِ سَتْرَتِهِ، وَكَمْ مِنْ فَادِحِ مِنَ الْبَلَاءِ أَقْلَتُهُ، وَكَمْ مِنْ

پخش کردی. بارالها؛ بلای من بزرگ است و بگذالیم از حد گذشته است، و اعمالم مرا مقصر

عَثَارٍ وَقَيْتِهِ، وَكَمْ مِنْ مَكْرُوهٍ دَفَعْتَهُ، وَكَمْ مِنْ ثَنَاءٍ جَمِيلٍ

ساخته و غل و زنجیر‌هایم مرا زمین‌گیر کرده است و آرزوهای دور و درازم باعث جلوگیری از

لَسْتُ أَهْلًا لَهُ نَشْرَتِهِ، اللَّهُمَّ عَظْمَ بَلَائِي، وَأَفْرَطَ بِي سُوءِ

سودمندیم شده است و دنیا مرا با ظاهر فریبنده‌اش فریفته است و نفسم با جنایت‌هایم و

حَالِي، وَقَصُرْتُ بِیْ أَعْمَالِي، وَقَعَدْتُ بِیْ أَغْلَالِي،

امروز و فردا کردیم مرا فریب داده است، ای آقای من؛ به خاطر عزت‌مندیت از تو می‌خواهم

وَحَبَسَنِي عَنْ نَفْعِي بَعْدَ أَمَلِي، وَخَدَعْتَنِي الدُّنْيَا

که کردار زشتم و رفتار نادرستم مانع تو از اجابت دعایم نشود، و به کارهای زشت پنهانی من

بَغُرُّورَهَا، وَنَفْسِي بِجِنَايَتِهَا وَمِطَالِي، يَا سَيِّدِي فَاسْأَلْكَ

که تو بر آن آگاهی داری مرا رسوا نسازی؛ و بد رفتاری و بد کرداریم در تنهایی‌ها و کوتاهی و

بِعِزَّتِكَ أَنْ لَا يَحْجُبَ عَنْكَ دُعَائِي، سُوءُ عَمَلِي وَفِعَالِي،

نارسایی پیوسته‌ام در عمل، و نادانی و شهوت‌های نفسانی زیاد، و غفلت و بی‌توجهییم باعث

وَلَا تَفْضَحْنِي بِخَفِيِّ مَا أَطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنْ سِرِّي، وَلَا

شتاب در عقوبت و کیفر تو نشود. بارالها؛ به خاطر اقتدارت بر من، در همه حالات با من

تُعَاجِلْنِي بِالْعُقُوبَةِ عَلَيَّ مَا عَمِلْتُهُ فِي خَلَوَاتِي، مِنْ سُوءِ

مهربانی کن، و در تمام امورم مرا مورد عطف و عطفیت و خوش رفتاریت قرار ده؛ خدای من؛ و

فِعْلِي وَأَسْأَلْتِي، وَدَوَامَ تَفْرِيطِي وَجَهَالَتِي، وَكَثْرَةَ

پروندگاریم؛ من چه کسی جز تو دارم که از او درخواست کنم که بیچارگی و گرفتاری مرا

شَهَوَاتِي وَغَفَلَتِي، وَكُنِ اللَّهُمَّ بِعِزَّتِكَ لِي فِي كُلِّ

برطرف کند و در امورم نگاهی مهربانانه نماید؟! خدای من؛ و مولای من، حکیم و دستوری به

الْأَحْوَالِ رَوْفًا، وَعَلَيَّ فِي جَمِيعِ الْأُمُورِ عَطُوفًا، إِلَهِي

من دادی ولی از هوای نفسم پیروی کردم و از فریبکاری دشمنم (شیطان) در امان نماندم؛ در

وَرَبِّي مَنْ لِي غَيْرُكَ، أَسْأَلُهُ كَشْفَ ضُرِّي وَالنَّظَرَ فِي

نتیجه با خواهش‌هایم مرا فریفت، و قضا و قدر نیز به او کمک کرد، و باعث شد نسبت به

أَمْرِي، إِلَهِي وَمَوْلَايَ أَجْرَيْتَ عَلَيَّ حُكْمًا اتَّبَعْتُ فِيهِ

بعضی از حدودت تجاوز کنم، و با برخی از دستوراتت مخالفت نمایم. پس برای توست در تمام

هَوَى نَفْسِي، وَلَمْ أَحْتَرَسْ فِيهِ مِنْ تَزْيِينِ عَدُوِّي، فَغَرَّنِي

اینها حجت بر من؛ و هیچ حجتی به نفع من نیست در آنچه بر من از قضا و فرمان تو جاری

بِمَا أَهْوَى، وَأَسْعَدَهُ عَلَيَّ ذَلِكَ الْقَضَاءُ، فَتَجَاوَزْتُ بِمَا

گشته؛ و حکم و آزمایشت مرا ملزم ساخته و رها نمی کند. اینک خدای من؛ پس از این همه

جَرِي، عَلَيَّ مِنْ ذَلِكَ بَعْضَ حُدُودِكَ، وَخَالَفْتُ بَعْضَ

تقصیر و کوتاهی و اسراف بر خویش، نزدت آمده‌ام با حالت عذرخواهی، پشیمانی، دل شکسته،

أَوَامِرِكَ، فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَيَّ فِي جَمِيعِ ذَلِكَ، وَلَا حُجَّةَ لِي

خواهان گذشت و آمرزش تو، توبه و بازگشت کننده، اعتراف کننده، و اقرار کننده. هیچ راه

فِيمَا جَرِي عَلَيَّ فِيهِ قَضَاؤُكَ، وَالزَّمَنِي حُكْمَكَ وَبِلَاؤُكَ،

فراری از آنچه از من صادر گشته ندارم، و پناهگاهی نیز برای روی‌آوری پیدا نکرده‌ام؛ جز اینکه

وَقَدْ أَتَيْتُكَ يَا إِلَهِي بَعْدَ تَقْصِيرِي وَإِسْرَافِي عَلَيَّ نَفْسِي،

تو پوزشتم را بپذیری و مرا در رحمت فراگیری وارد کنی. بارالها! عذر و پوزشتم را بپذیر، و بر

مُعْتَذِرًا نَادِمًا مُنْكَسِرًا مُسْتَقِيلًا، مُسْتَغْفِرًا مُنِيبًا، مُقْرًا

گرفتاری سختم رحم کن، و از بند محکم و سخت رهاییم بخش؛ ای پروردگار من؛ به ناتوانی

مُدْعَا مُعْتَرِفًا، لَا أَجِدُ مَفْرًا مِمَّا كَانَتْ مِنِّي، وَلَا مَفْرَعًا

بدنم رحم کن، و به پوست نازک و استخوان نحیف من رحم کن؛ ای کسی که آفرینش و یاد

أَتَوَجَّهُ إِلَيْهِ فِي أَمْرِي، غَيْرَ قَبُولِكَ عُذْرِي، وَأَدْخَالَكَ

و پرورش و نیکی و غذا دادن به من را خودت آغاز فرمودی. به خاطر کرامت آغازین و اولیئات،

إِيَّايَ فِي سَعَةِ رَحْمَتِكَ، اللَّهُمَّ فَاقْبَلْ عُذْرِي، وَارْحَمْ

و نیکی های دیرینهات به من؛ مرا ببخش. ای خدای من؛ آقای من؛ پروردگار من؛ آیا بینم تو

شِدَّةَ ضُرِّي، وَفُكْنِي مِنْ شَدِّ وَثَاقِي، يَا رَبِّ ارْحَمْ ضَعْفَ

را که می خواهی پس از یگانه پرستی ام، مرا با آتش دوزخت عذاب کنی؟ و پس از اینکه قلبم

بَدَنِي، وَرَقَّةَ جِلْدِي، وَدَقَّةَ عَظْمِي، يَا مَنْ بَدَأَ خَلْقِي

آمیخته از شناخت نسبت به تو شده است؟ و پس از اینکه زبانم به ذکر گویا شده است؟ و

وَذِكْرِي، وَتَرْبِيَّتِي وَبِرِّي وَتَغْذِيَّتِي، هَبْنِي لِابْتِدَاءِ كَرَمِكَ،

درون من با دوستی تو گره خورده؟ و پس از اعتراف صادقانه و دعای خاضعانه ام در پیشگاه

وَسَالِفِ بَرِّكَ بِي، يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي وَرَبِّي، أَتْرَاكَ مُعَذِّبِي

ربوبیت تو؟ نه، هرگز تو، بزرگوارتر از آن هستی که پروردهات را ضایع و تباه گردانی، یا کسی

بِنَارِكَ بَعْدَ تَوْحِيدِكَ، وَبَعْدَ مَا أَنْطَوَى عَلَيْهِ قَلْبِي مِنْ

را که نزدیک کرده ای دور کنی، یا کسی را که پناه داده ای آواره کنی، یا کسی را که مورد

مَعْرِفَتِكَ، وَلَهَجَ بِهِ لِسَانِي مِنْ ذِكْرِكَ، وَأَعْتَقَدَهُ ضَمِيرِي

کفایت و رحمتت قرار داده ای به دست بلاها بسپاری؛ و ای کاش می دانستم، ای آقای من؛

مِنْ حُبِّكَ، وَبَعْدَ صِدْقِ اعْتِرَافِي وَدُعَائِي خَاضِعًا

معبود من؛ و مولای من؛ آیا تو بر چهره هایی که در پیشگاه عظمتت خاکساری کرده و به

لِرُبُوبِيَّتِكَ، هَيْهَاتَ أَنْتَ أَكْرَمُ مِنْ أَنْ تُضَيِّعَ مِنْ رَبِّيَّتِهِ، أَوْ

سجده افتاده است؟ و بر زبان هایی که صادقانه به توحید و یگانگی ات گویا گشته، و برای

تُبَعْدَ مَنْ أَدْنَيْتَهُ، أَوْ تُشَرِّدَ مَنْ آوَيْتَهُ، أَوْ تُسَلِّمَ إِلَى الْبَلَاءِ

ستایشت تو را شکرگزاری کرده است، و بر دل هایی که به طور حقیقی به خدایی تو اعتراف

مَنْ كَفَيْتَهُ وَرَحِمْتَهُ، وَلَيْتَ شِعْرِي يَا سَيِّدِي وَالْهِى

کرده‌اند، و بر درون‌هایی که از بس نسبت به تو آگاهی یافته‌اند، فروتن گشته‌اند؛ و بر اعضا و

وَمَوْلَايَ، اَتَسَلَطُ النَّارَ عَلَيَّ وَجُوهٍ خَرَّتْ لِعَظَمَتِكَ

جوارحی که از روی فرمانبرداری به سوی محل‌های عبادت و بندگی تو تلاش کرده‌اند؛ و با

ساجدةً، وَعَلَى السُّنِّ نَطَقْتُ بِتَوْحِيدِكَ صَادِقَةً، وَبِشُكْرِكَ

اعتراف به گناهان خود به سمت آمرزش تو قدم برداشته‌اند؛ آتش را مسلط می‌کنی؟ چنین

مَادِحَةً، وَعَلَى قُلُوبٍ اعْتَرَفْتُ بِالْهِيتِكَ مُحَقِّقَةً، وَعَلَى

گمانی نسبت به تو راه ندارد و درباره‌ی فضل و بزرگواری تو، این‌گونه برای ما بازگو نکرده‌اند؛ ای

ضَمَائِرَ حَوَتْ مِنْ الْعِلْمِ بِكَ حَتَّى صَارَتْ خَاشِعَةً،

بزرگسوار! ای پروردگار من! اینها در حالی است که تو می‌دانی در مقابل تحمل بلاهای کم

وَعَلَى جَوَارِحٍ سَعَتْ إِلَى أَوْطَانِ تَعْبُدِكَ طَائِعَةً، وَأَشَارَتْ

دنیایی و مجازات آنها تاب و توان ندارم، و در برابر ناخوشی‌های دنیا که بر اهل دنیا است نیز

بِاسْتِغْفَارِكَ مُذْعِنَةً، مَا هَكَذَا الظَّنُّ بِكَ، وَلَا أَخْبِرْنَا

توان تحمل ندارم؛ با اینکه این بلا و مصیبتی است که مدت کمی می‌ماند، و پایداری آن اندک

بِفَضْلِكَ عَنْكَ يَا كَرِيمُ يَا رَبِّ، وَأَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفِي عَنْ

و زمانش کوتاه است. پس، با این اوصاف، من چگونه بلای آخرت، و ناخوشی‌های

قَلِيلٍ مِنْ بَلَاءِ الدُّنْيَا وَعُقُوبَاتِهَا، وَمَا يَجْرِي فِيهَا مِنْ

طاقت‌فرسایش را تحمل کنیم؟ در حالی که آن بلایی است که مدت آن طولانی و ماندگاریش

الْمَكَارِهِ عَلَى أَهْلِهَا، عَلَى أَنَّ ذَلِكَ بَلَاءٌ وَمَكْرُوهٌ قَلِيلٌ

دائمی است، و نسبت به اهل آن نیز تخفیف‌پذیر نیست؛ چرا که این (بلا) از غضب و انتقام و

مَكْتُهُ، يَسِيرٌ بَقَائُهُ، قَصِيرٌ مُدَّتُهُ، فَكَيْفَ اِحْتِمَالِي لِبَلَاءِ

خشم تو سرچشمه گرفته است. و این، چیزی است که آسمان‌ها و زمین را یارای مقاومت در

الْآخِرَةِ، وَجَلِيلٌ وَقُوعِ الْمَكَارِهِ فِيهَا، وَهُوَ بَلَاءٌ تَطُولُ

برابر آن نیست؛ ای آقای من؛ پس من چگونه اینها را تحمل کنم، با وجود اینکه بنده‌ای

مُدَّتُهُ، وَيَدُومُ مَقَامُهُ، وَلَا يُخَفَّفُ عَنْ أَهْلِهِ، لِأَنَّهُ لَا يَكُونُ

ضعیف، خوار، کوچک، نیازمند و بیچاره هستیم؟! ای معبود من؛ و پروردگار من؛ و آقای من؛ و

الَّا عَنْ غَضَبِكَ وَأَنْتِقَامِكَ وَسَخَطِكَ، وَهَذَا مَا لَا تَقُومُ لَهُ

مولای من؛ برای کدام یک از این امور به تو شکایت کنم؟ و برای کدام یک از آنها ضجه و ناله

السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، يَا سَيِّدِي، فَكَيْفَ لِي وَأَنَا عَبْدُكَ

و گریه سردهم؟ (آیا) برای دردناکی و سختی عذاب؟ یا برای طولانی شدن و مدت زیاد

الضَّعِيفِ الذَّلِيلِ الْحَقِيرِ الْمُسْكِينِ الْمُسْتَكِينِ، يَا إِلَهِي

مصیبت و بلا؟ (خدایا!) اگر برای عذاب، مرا در کنار دشمنانت قرار دهی، و میان من و

وَرَبِّي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ لِأَيِّ الْأُمُورِ إِلَيْكَ أَشْكُو، وَلَمَّا

گرفتاران بلایت جمع کنی، و بین من و دوستان و اولیای جدایی بیفکنی؛ گیرم که ای خدای

مِنْهَا أَضِحُّ وَأَبْكِي، لِأَلِيمِ الْعَذَابِ وَشِدَّتِهِ، أَمْ لَطُولِ الْبَلَاءِ

من و ای آقا و مولا و پروردگار من؛ بر عذابت صبر و شکیبایی بورزم؛ ولی چگونه بر جدایی و

وَمُدَّتِهِ، فَلَنْ صَيَّرْتَنِي لِلْعُقُوبَاتِ مَعَ أَعْدَائِكَ، وَجَمَعْتَ

فراقت شکیبا باشم؟! گیرم که بر گرمی و سوزندگی آتشت صبر کنم؛ ولی چگونه نسبت به

بَيْنِي وَبَيْنَ أَهْلِ بَلَائِكَ، وَفَرَّقْتَ بَيْنِي وَبَيْنَ أَحِبَّائِكَ

محرومیت از تماشای کرامت و بزرگواریت، صبر کنم؟ یا چگونه، با وجود امیدي که به عفو و

وَأَوْلِيَاءِكَ، فَهَبْنِي يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ وَرَبِّي،

بخشش تو دارم، در آتش دوزخ مسکن گزینم؟ ای آقا و مولای من؛ سوگند صادقانه می خورم،

صَبَرْتُ عَلَىٰ عَذَابِكَ، فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَلَىٰ فِرَاقِكَ، وَهَبْنِي

که اگر به من اجازه سخن گفتن بدهی، به طور حتم در بین دوزخیان فریاد آرزومندان

صَبَرْتُ عَلَىٰ حَرِّ نَارِكَ فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَنِ النَّظَرِ إِلَىٰ

درخواهم داد و دردمندانه ضجه و ناله فریادرس جویان سرخواهم داد، و همانند عزیز از دست

كَرَامَتِكَ، أَمْ كَيْفَ أَسْكُنُ فِي النَّارِ وَرَجَائِي عَفْوُكَ،

دادگان گریه‌های فراق خواهم کرد، و تو را ندا خواهم داد که: کجایی ای سرپرست مؤمنان؛

فَبِعِزَّتِكَ يَا سَيِّدِي وَمَوْلَايَ أَقْسِمُ صَادِقًا، لَئِنْ تَرَكْتَنِي

ای نهایت آرزوی عارفان و خداشناسان؛ ای فریادرس دادخواهان؛ ای محبوب دل‌های

نَاطِقًا، لِأَضْجَنِّ إِلَيْكَ بَيْنَ أَهْلِهَا ضَجِيجَ الْآمِلِينَ،

راستگویان؛ و ای معبود جهانیان؛ آیا ببینم تو را - ای کسی که منزهی؛ ای خدای من در

وَلَأَصْرُخَنَّ إِلَيْكَ صُرَاخَ الْمُسْتَصْرِخِينَ، وَلَا بُكَيْنٌ عَلَيْكَ

حالی که به حمد تو مشغولم - که صدای بنده مسلمانان را می شنوی که در جهنم به خاطر

بُكَاءَ الْفَاقِدِينَ، وَلَا نَادِيَّكَ أَيْنَ كُنْتَ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ،

مخالفت و نافرمانیش زندانی شده است؛ و به خاطر معصیت و گناهش مزه عذاب جهنم را

يَا غَايَةَ آمَالِ الْعَارِفِينَ، يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ، يَا حَبِيبَ

چشیده است و بین طبقه‌های مختلف جهنم به خاطر جرم و گناهش زندانی شده است؛ او با

قُلُوبِ الصَّادِقِينَ، وَيَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ، أَفْتُرَاكَ سُبْحَانَكَ يَا

ضجه و ناله، به امید و آرزوی رحمت فریاد برمی آورد، و با زبان و طرز گفتار یگانه پرستانت تو

الهی وَبِحَمْدِكَ، تَسْمَعُ فِيهَا صَوْتَ عَبْدٍ مُسْلِمٍ سُجِنَ

راندا می دهد و تو سَل به ربوبیت و پروردگاری تو پیدا می کند. ای مولای من؛ چگونه این

فِيهَا بِمُخَالَفَتِهِ، وَذَاقَ طَعْمَ عَذَابِهَا بِمَعْصِيَتِهِ، وَحُبْسَ

بندهات در عذاب باقی بماند با وجود این که به حلم و بردباری دیرینهات امیدوار است؟ یا

بَيْنَ أَطْبَاقِهَا بِجُرْمِهِ وَجَرِيرَتِهِ، وَهُوَ يَضِجُ إِلَيْكَ ضَجِيجَ

چگونه آتش او را به درد آورد؛ با اینکه او به فضل و مهربانیت، آرزومند است؟ یا چگونه

مُؤْمَلٍ لِرَحْمَتِكَ، وَيُنَادِيكَ بِلِسَانِ أَهْلِ تَوْحِيدِكَ،

زبانهای آتش، او را بسوزاند در حالی که صدایش را می شنوی و جایگاهش را می نگری؟ یا

وَيَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِرُبُوبِيَّتِكَ، يَا مَوْلَايَ فَكَيْفَ يَبْقَى فِي

چگونه شعله ها و شراردهای آتش او را در برگیرد در حالی که ناتوانی او را می دانی؟ یا چگونه

الْعَذَابِ وَهُوَ يَرْجُوا مَا سَلَفَ مِنْ حِلْمِكَ، أَمْ كَيْفَ تُوَلِّمُهُ

با وجود راستگویی اش - که تو نیز از آن آگاهی - بین طبقه های جهنم بالا و پایین رود؟ یا

النَّارُ وَهُوَ يَأْمَلُ فَضْلَكَ وَرَحْمَتَكَ، أَمْ كَيْفَ يُحْرِقُهُ لَهْيُهَا

چگونه مأموران آتش او را به سوی دوزخ می رانند در حالی که او ندا می دهد و می گوید: ای

وَأَنْتَ تَسْمَعُ صَوْتَهُ وَتَرَى مَكَانَهُ، أَمْ كَيْفَ يَشْتَمِلُ عَلَيْهِ

پروردگار من؛ یا چگونه او به فضل تو امیدوار باشد تا رهایش کنی، ولی تو او را در آتش

زَفِيرُهَا وَأَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفَهُ، أَمْ كَيْفَ يَتَقَلَّبُ بَيْنَ أَطْبَاقِهَا

وامی گذاری؟! نه هرگز؛ این بعید است و چنین گمان و اندیشه ای در مورد تو نیست؟ و این

وَأَنْتَ تَعْلَمُ صِدْقَهُ، أَمْ كَيْفَ تَرْجُرُهُ زَبَانِيَّتِهَا وَهُوَ يُنَادِيكَ

گونه در مورد فضل تو معروف نیست؛ و این شبیه رفتار بزرگوارانه و نیکویی و احسان تو،

يَا رَبِّهِ، أَمْ كَيْفَ يَرْجُو فَضْلَكَ فِي عِتْقِهِ مِنْهَا فَتْرُكُهُ

نسبت به یکتاپرستان نیست. پس یقین دارم و باورم بر این است که اگر حکم و دستور تو در

فيها، هَيْهَاتَ مَا ذَلِكَ الظَّنُّ بِكَ، وَلَا الْمَعْرُوفُ مِنْ فَضْلِكَ،

مورد عذاب کردن منکرات و جاودانه ماندن دشمنان خود در آتش، صادر نشده بود؛ به طور

وَلَا مُشَبَّهُ لِمَا عَامَلْتَ بِهِ الْمُوَحِّدِينَ مِنْ بَرِّكَ وَأِحْسَانِكَ،

حتم (در روز قیامت) تمام آتش را سرد و سلامت می کردی؛ و هیچ کس در آن استقرار

فَبِالْيَقِينِ أَقْطَعُ لَوْ لَا مَا حَكَمْتَ بِهِ مِنْ تَعْذِيبِ

نمی یافت و جانمی گرفت. لیکن، تو - که نام های شریف و پاک و مقدس است - سوگند یاد

جَاحِدِيكَ، وَقَضَيْتَ بِهِ مِنْ إِخْلَادِ مُعَانِدِيكَ، لَجَعَلْتَ

کردی که جهنم را پراز تمام کافران جَنِّي و انسی کنی، و معاندان و دشمنان سرسختت را

النَّارَ كُلَّهَا بَرْدًا وَسَلَامًا، وَمَا كَانَ لِأَحَدٍ فِيهَا مَقْرًا وَلَا

برای همیشه در آتش نگاه داری. و تو - که مدح و ثنایت شکوه مند باد - در آغاز فرمودی، و

مُقَامًا، لَكِنَّكَ تَقَدَّسْتَ أَسْمَاؤُكَ، أَقْسَمْتَ أَنْ تَمْلَأَهَا مِنْ

در ادامه نیز بزرگواریه با نعمت بخشیدنت فرصت دادی که: آیا کسی که ایمان آورده با کسی

الْكَافِرِينَ مِنَ الْجَنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ، وَأَنْ تُخْلَدَ فِيهَا

که اهل فسق و بدی باشد؛ مساویند؟! مساوی نیستند. خدای من؛ و آقای من؛ از تو می خواهم

المُعَانِدِينَ، وَأَنْتَ جَلُّ ثَنَاؤِكَ قُلْتَ مُبْتَدِئًا، وَتَطَوَّلْتَ

به واسطه قدرتت که آن را تقدیر فرمودی، و دستوری که حتمی و لازم نمودی، و بر هر که

بِالْإِنْعَامِ مُتَكْرِمًا، «أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا، لَا

اجرا کردی نیز پیروز شدی، بر من ببخشی در این شب و این ساعت، هر جرمی که از من سر

يَسْتَوُونَ» اِلهِي وَسَيِّدِي فَاسْئَلُكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتِي قَدَّرْتَهَا،

زده است، و هر گناهی مرتکب شده‌ام، و هر زشتی که آن را پنهان داشته‌ام، و هر نادانی که

وَبِالْقَضِيَّةِ الَّتِي حَتَمْتَهَا وَحَكَمْتَهَا، وَغَلَبْتَ مَنْ عَلَيْهِ

انجام داده‌ام، آن را کتمان نمودم یا علنی ساختم، پنهان کردم یا آشکار نمودم؛ و هر کار بدی

اَجْرِيَّتَهَا، اَنْ تَهَبَ لِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ وَفِي هَذِهِ السَّاعَةِ،

را که به نویسندگان بزرگوارت دستور ثبت آنها را داده‌ای؛ همان نویسندگان بزرگواری که

كُلِّ جُرْمٍ اَجْرَمْتُهُ، وَكُلِّ ذَنْبٍ اَذْنَبْتُهُ، وَكُلِّ قَبِيحٍ اَسْرَرْتُهُ،

موظف به حفظ و ثبت اعمال من کرده‌ای و آنان را به همراه اعضا و جوارح خودم به عنوان

وَكُلِّ جَهْلٍ عَمَلْتُهُ، كَتَمْتُهُ اَوْ اَعْلَنْتُهُ اَخْفَيْتُهُ اَوْ اَظْهَرْتُهُ،

شاهد و گواه رفتار من قرار داده‌ای؟ و از طرفی خودت نیز پیشاپیش آنها مواظب و مراقب

وَكُلِّ سَيِّئَةٍ اَمَرْتْ بِاَثْبَاتِهَا الْكِرَامَ الْكَاتِبِينَ، الَّذِيْنَ

رفتارم بوده‌ای و هر چه را از آنان مخفی شده است نیز خودت گواه بوده‌ای؛ البته، کارهای

وَكَتَبْتَهُمْ بِحِفْظِ مَا يَكُونُ مِنِّي، وَجَعَلْتَهُمْ شُهُودًا عَلَيَّ مَعَ

مخفی را خودت به واسطه رحمت پنهان نمودی و به فضل خودت پوشیدی، و از تو می‌خواهم

جَوَارِحِي، وَكُنْتَ اَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيَّ مِنْ وِرَائِهِمْ،

فراوان کنی حظ و نصیبم را از هر خیر و خوبی که فرو می‌فرستی، یا هر احسان و نیکی که

وَالشَّاهِدَ لَمَّا خَفِيَ عَنْهُمْ، وَبِرَحْمَتِكَ اَخْفَيْتُهُ وَبِفَضْلِكَ

لطف می‌کنی، یا هر خوبی بین بندگانت پخش نموده‌ای، یا روزی و نصیبی که گسترده

سَتَرْتَهُ، وَاَنْ تُوفِّرَ حَظِّي مِنْ كُلِّ خَيْرٍ اَنْزَلْتَهُ، اَوْ اِحْسَانٍ

ساخته‌ای، یا هر گناهی که بخشیده‌ای، یا هر اشتباهی که آن را پنهان داشته‌ای. پروردگارا؛

فَضْلَتُهُ، أَوْ بِرَّ نَشْرَتَهُ، أَوْ رِزْقَ بَسَاطَتِهِ، أَوْ ذَنْبَ تَغْفِرُهُ،

پروردگارا! ای خدای من؛ و آقای من؛ و مولای من؛ و مالک هستی من؛ ای کسی که اختیار و

أَوْ خَطَأُ تَسْتُرُهُ، يَا رَبُّ يَا رَبُّ يَا رَبُّ، يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي

زمام من در دست اوست؛ ای کسی که بیچارگی و درماندگی را می‌دانی؛ ای کسی که از

وَمَوْلَايَ وَمَالِكِ رَقِيٍّ، يَا مَنْ بَيَّدَهُ نَاصِيَتِي يَا عَلِيمًا بُضْرِي

نیازمندی و بی‌نوایی من آگاهی، ای پروردگارا؛ از تو می‌خواهم به حق خودت و پاکت و

وَمَسْكِنَتِي، يَا خَيْرًا بِفَقْرِي وَفَاقَتِي، يَا رَبُّ يَا رَبُّ يَا

بزرگ‌ترین صفات و نام‌هایت؛ که تمام شب و روزم را با یادت آباد کنی؛ و پیوسته در خدمت

رَبِّ، أَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ وَقُدْسِكَ، وَأَعْظَمَ صِفَاتِكَ وَأَسْمَائِكَ،

خودت قرار دهی؛ و کارهایم را نزد خودت پذیرفته شده قرار دهی؛ تا آنکه تمام کارها و

أَنْ تَجْعَلَ أَوْقَاتِي مِنَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ بِذِكْرِكَ مَعْمُورَةً،

وردهایم یک ورد (و یک جهت) باشد، و حال من در خدمت تو پاینده باشد. ای آقای من؛ ای

وَيَخْدُمَتِكَ مَوْصُولَةً، وَأَعْمَالِي عِنْدَكَ مَقْبُولَةً، حَتَّى

کسی که تکیه‌گاه و مورد اعتمادم، تنها تو هستی؛ ای کسی که بدحالی‌هایم را تنها به تو

تَكُونِ أَعْمَالِي وَأَوْرَادِي كُلِّهَا وَرِدًا وَاحِدًا، وَحَالِي فِي

شکایت می‌کنم؛ پروردگارا؛ پروردگارا؛ پروردگارا؛ اعضا و جوارحم را برای خدمت‌گزاریت نیرومند

خِدْمَتِكَ سَرْمَدًا، يَا سَيِّدِي يَا مَنْ عَلَيْهِ مُعْوَلِي، يَا مَنْ

کن، و دلم را بر قصد و آهنگ به سوی خودت محکم گردان، و نصیبم کن که به طور جدی از

إِلَيْهِ شَكْوَتُ أَحْوَالِي، يَا رَبُّ يَا رَبُّ يَا رَبُّ، قُوٌّ عَلِي

تو در هراس باشم، و همیشه و به طور دائم به خدمت تو بپردازم؛ تا در نتیجه در میدان‌های

خَدَمَتِكَ جَوَارِحِي، وَأَشَدُّ عَلَى الْعَزِيمَةِ جَوَانِحِي،

پیشی گیرندگان به سوی تو روانه گردم، و در زمره کسانی که نمودار گشته‌اند به سرعت به

وَهَبْ لِي الْجِدَّ فِي خَشِيَّتِكَ، وَالِدَّوَامَ فِي الْإِتِّصَالِ

سوی تو بیایم، و در زمره مشتاقانت با شوق فراوان به مقام قرب تو راه پیدا کنم،

بِخَدَمَتِكَ، حَتَّى أَسْرَحَ إِلَيْكَ فِي مَيَادِينِ السَّابِقِينَ،

و همچنین نزدیک بودن اهل اخلاص به تو نزدیک گردم، و همانند ترسی که اهل یقین از تو

وَأَسْرِعَ إِلَيْكَ فِي الْبَارِزِينَ، وَأَشْتَقَ إِلَى قُرْبِكَ فِي

دارند بترسم؛ و در جوار رحمتت با مؤمنان گرد آیم. بارالها! هر کس قصد بدی در مورد من

الْمُشْتَاقِينَ، وَأَدْنُو مِنْكَ دُنُوَّ الْمُخْلِصِينَ، وَأَخَافُكَ مَخَافَةَ

دارد، خودت در موردش قصد بد کن؛ و هر کس برایم مکر و حيله‌ای فراهم کند، تو نیز با او

الْمُوقِنِينَ، وَأَجْتَمِعَ فِي جِوَارِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ، اللَّهُمَّ وَمَنْ

مکر کن؛ و مرا از بهترین بنده‌های بهره‌مند در نزد خودت، و از کسانی که نزدیک‌ترین

أَرَادَنِي بِسُوءٍ فَارِدُهُ، وَمَنْ كَادَنِي فَكِدُهُ وَأَجْعَلْنِي مِنْ

جایگاه معنوی را نسبت به تو دارند، و بهترین درجه را به ایشان اختصاص داده‌ای،

أَحْسَنَ عِبِيدِكَ نَصِيبًا عِنْدَكَ، وَأَقْرَبَهُمْ مَنْزِلَةً مِنْكَ،

قرار ده؛ زیرا، اینها جز با فضل و فزون‌بخشی تو به دست نمی‌آید؛ و با سخاوت‌مندیت بر

وَأَخْصَهُمْ زُلْفَةً لَدَيْكَ، فَإِنَّهُ لَا يُنَالُ ذَلِكَ إِلَّا بِفَضْلِكَ،

من بیخشای، و با بزرگواری و شکوهت بر من عطاوت و مهربانی کن، و با رحمتت مرا

وَجُدْ لِي بِجُودِكَ، وَأَعْطِفْ عَلَيَّ بِمَجْدِكَ، وَأَحْفَظْنِي

حفظ کن؛ و زبانم را به ذکر و یاد خود گویا و قلبم را از دوستی‌ات بی‌قرار ساز، و با اجابت

بِرَحْمَتِكَ، وَاجْعَلْ لِسَانِي بِذِكْرِكَ لَهْجًا، وَقَلْبِي بِحُبِّكَ

نیکو به درخواست من بر من منت گذار، و از لغزش من درگذر و لغزشم را نادیده بگیر؛

مُتِيْمًا، وَمَنْ عَلَيَّ بِحُسْنِ اجَابَتِكَ، وَاَقْلِنِي عَثْرَتِي، وَاغْفِرْ

زیرا، تو به بندگانت دستور دادی تو را بپرستند، و بر آنان امر کرده‌ای تا تو را بخوانند،

زَلْتِي، فَاِنَّكَ قَضَيْتَ عَلَيَّ عِبَادَكَ بِعِبَادَتِكَ، وَاَمْرَتَهُمْ

و در مقابل نیز ضمانت کرده‌ای که اجابتشان کنی. پس پروردگارا! به سوی تو روی آورده‌ام،

بِدُعَائِكَ، وَضَمَنْتَ لَهُمُ الْاِجَابَةَ، فَالِيكَ يَا رَبِّ نَصَبْتُ

و دستم را تنها به طرف تو دراز کردم؛ پس تو را به عزتت سوگوئند؛ دعایم را مستجاب

وَجْهِي، وَالِيكَ يَا رَبِّ مَدَدْتُ يَدِي، فَبِعِزَّتِكَ اسْتَجِبْ لِي

فرما، و مرا به آرزویم برسان، و امیدم را از فضلت قطع مکن، و از شر دشمنانم چه جنتی و

دُعَائِي، وَبَلِّغْنِي مُنَايَ، وَلَا تَقْطَعْ مِنْ فَضْلِكَ رَجَائِي،

چه انسی، مرا در امان دار و کفایت کن. ای کسی که زود راضی می‌شوی؛ بیمارز کسی

وَاكْفِنِي شَرَّ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ مِنْ اَعْدَائِي، يَا سَرِيْعَ الرِّضَا،

را که جز دعا کاری از دستش نمی‌آید، زیرا تو کاری را که بخواهی به طور کامل انجام

اغْفِرْ لِمَنْ لَا يَمْلِكُ اِلَّا الدُّعَاءُ، فَاِنَّكَ فَعَّالٌ لِمَا تَشَاءُ، يَا

می‌دهی. ای کسی که نامش، دواست و یادش شفاست، و فرمان برداریش، مایه بی‌نیازی است؛

مَنْ اسْمُهُ دَوَاءٌ، وَذِكْرُهُ شِفَاءٌ، وَطَاعَتُهُ غِنَى، اِرْحَمْ مَنْ

رحم کن به کسی که سرمایه‌اش امید است، و تنها سلاحش گریه است. ای فرو ریزنده

رَأْسُ مَالِهِ الرَّجَاءُ وَسِلَاحُهُ الْبُكَاءُ، يَا سَابِغَ النُّعْمِ،

نعمت‌ها؛ ای برطرف کننده سختی‌ها و مجازات‌ها؛ ای روشنی و حشت زدگان در تاریکی‌ها؛

يَادْفَعُ النَّقْمَ، يَأْنُورُ الْمُسْتَوْحِشِينَ فِي الظُّلْمِ، يَا عَالِمًا

ای عالمی که تعلیم داده نشده‌ای؛ بر محمد و آل محمد درود پیوسته بفرست، و آن چنان که

لَا يُعَلِّمُ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَفْعَلَ بِي مَا أَنْتَ

شایسته و بایسته تو سزاوار من رفتار کن. و درود پیوسته خداوند بر فرستاده‌اش و

أَهْلَهُ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ وَالْأُمَّةِ الْمَيَامِينِ مِنْ

امامان پربرکت از آل او و سلام بسیارش بر آنان باد.

إِلَهُ (أَهْلِهِ)، وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا كَثِيرًا.!

ملحقات

بعضی از عباداتی که مورد توجّه

حضرت بقیّة الله می باشند

در پایان کتاب، به بیان برخی از مطالبی می‌پردازیم که حضرت مهدی(ع) به گونه‌ای دستور به انجام آنها فرموده‌اند؛ آنها عبارتند از بعضی دعاها و زیارت‌ها و برخی از دستورات و مطالبی که با موضوع کتاب مناسبت دارد. در ابتدا، جریان «سید رشتی(ره)» را بیان می‌کنیم؛ زیرا جریان دیدار او، مطالبی را در بر دارد که مولای ما امام زمان(ع) به انجام آن امر فرموده‌اند.

«محدث نوری(ره)» می‌فرماید: سید رشتی گفت: در سال ۱۲۸۰ ه.ق. به قصد انجام حج حرکت کردم و از طرف «رشت» به «تبریز» رفتم. در تبریز به خانه حاج «صفر علی تاجر» معروف تبریزی رفته و به دلیل اینکه کاروانی برای عزیمت به حج نیافتم، سرگردان شده بودم؛ تا آنکه «حاج جبار جلو دار سده‌ای اصفهانی»، کاروانی برای رفتن به «طربوزن» تدارک دید.

من یک مرکب برای خودم از او کرایه کردم و به راه افتادم و

وقتی به اولین منزلگاه بین راه رسیدم، بنابر تشویق «حاج صفر علی تاجر»، سه نفر دیگر نیز به من پیوستند و با یکدیگر هم‌سفر شدیم؛ در بین راه به شهر «ارضروم» رسیدیم و از آنجا نیز عازم شهر «طربوزن» بودیم. در یکی از استراحتگاه‌های بین این دو شهر، «حاج جبار جلودار» (رئیس کاروان) نزد من آمد و گفت: منزلگاه بعدی که در پیش داریم، ترسناک است؛ بدین جهت، لازم است، عجله کنید و از قافله عقب نمانید؛ زیرا ما در بین راه کمی از کاروان فاصله می‌گرفتیم، حدود دو و نیم یا سه ساعت به صبح مانده بود، که همگی با هم حرکت کردیم، هنوز به طور تقریبی نیم فرسخ یا سه چهارم فرسخ از منزلگاه قبلی دور نشده بودیم که ناگهان هوا دگرگون و تاریک شد و شروع به بارش برف کرد.

در این حال، هر یک از دوستانم سرشان را پوشاندند و به سرعت حرکت کردند. من نیز چنین کردم، لیکن نمی‌توانستم به سرعت آنان بروم؛ آنان دور شدند و من تنها ماندم. بنابراین، از اسب پیاده شدم و در کنار جاده نشستم و به شدت دچار اضطراب و نگرانی شدم؛ چون، حدود ششصد تومان برای خرجی سفرم همراه داشتم.

پس از اندیشه در مورد وضعیتیم، بدین نتیجه رسیدم که همان جا بمانم تا صبح شود و به همان منزلگاه قبلی برگردم و از آنجا چند نفر را برای نگهداری از خود استخدام کنم، تا دوباره به کاروان برسم.

در همین اندیشه بودم که ناگهان باغی زیبا را در پیش رویم دیدم و مشاهده کردم باغبانی در آنجاست و بیلی در دست دارد و برفها را از شاخ و برگ درختان می‌ریزد. باغبان نزد آمد و به قدری پیش آمد که فاصله کمی بین من و ایشان بود. فرمود: تو کیستی؟
گفتم: دوستانم رفتند و من تنها ماندم و راه را نیز بلد نیستم؛ سرگردان شده‌ام.

وی با زبان فارسی گفت: نافله بخوان تا راه را پیدا کنی و مقصودش نماز شب بود. من مشغول نماز شب شدم، تا از تهجد فارغ گردیدم، پس از آن دوباره نزد آمد و فرمود: آیا هنوز نرفته‌ای؟
گفتم: به خدا، راه را بلد نیستم.

فرمود: جامعه بخوان. من زیارت جامعه را حفظ نکرده بودم و هیچگاه نمی‌توانستم آن را حفظ کنم و بدون نگاه کردن به کتاب

بخوانم؛ با اینکه بارها به حرم مطهر امامان (ع) شرفیاب شده بودم، با این حال، در همان جا ایستادم و از حفظ شروع به خواندن زیارت جامعه کردم و آن را به طور کامل خواندم.

بار دیگر آن شخص آمد و فرمود: هنوز نرفته‌ای؟ بی‌اراده، اشکم سرازیر شد و گریستم؛ گفتم: این همه وقت است که اینجا هستم و راه را بلد نشده‌ام!

فرمود: عاشورا بخوان.

در مورد زیارت عاشورا نیز همان وضع را داشتم، یعنی مانند زیارت جامعه نمی‌توانستم آن را از حفظ بخوانم، ولی برخاستم و بی‌اختیار آن را تا آخر خواندم و لعن و سلام و دعای علقمه را نیز قرائت کردم. دیدم دوباره آمد و فرمود: هنوز هم که نرفته‌ای؟!

گفتم: نه، تا صبح همین جا می‌مانم.

فرمود: حالا من، تو را به کاروان می‌رسانم و بر الاغی سوار شد و بیل خود را بر دوش گذاشت و آمد و گفت: پشت سر من سوار الاغ شو.

من سوار شدم و افسار اسبم را نیز به دست گرفتم؛ ولی اسبم

حرکت نکرد.

فرمود: افسار اسب را به من بده. افسارش را به دست آن شخص سپردم و او بیل خود را بر شانه چپ گذاشت و افسار اسب مرا با دست راست گرفت و به راه افتاد. اسبم، به گونه‌ای شگفت‌انگیز، گوش به فرمان او بود و به دنبال او به راه افتاد.

آنگاه دستش را بر زانویم نهاد و فرمود:

شما چرا نافله نمی‌خوانید؟ نافله، نافله، نافله. شما چرا عاشورا نمی‌خوانید؟ عاشورا، عاشورا، عاشورا. شما چرا جامعه نمی‌خوانید؟ جامعه، جامعه، جامعه.

ایشان به گونه‌ای مسیر را می‌پیمود که گویی زمین در زیر پایش در می‌نوردد؛ ناگهان برگشت و به من فرمود: دوستان، آنها هستند. دیدم که دوستانم در کنار نهر آبی فرود آمده‌اند و از آب آن برای نماز صبح وضو می‌گیرند.

من، از الاغ پیاده شدم که سوار اسبم شوم، ولی نتوانستم. ایشان، از الاغ پیاده شدند و بیل خود را در میان برف‌ها زدند و مرا سوار بر اسبم نمودند. سپس، سر اسب را رو به محلی که دوستانم بودند،

گردانیدند.

در این اثناء بود که در خاطرم گذشت: این شخص کیست که به راحتی، فارسی سخن می‌گوید؟ با اینکه می‌دانم، مردم این منطقه، فقط به زبان ترکی ترکیه آشنا هستند! بیشترشان نیز مسیحی‌اند. از طرفی، چگونه با این سرعت، مرا به دوستانم رسانید؟ همین که برگشتم و به پشت سرم نگاه کردم، هیچ کس را نیافتم و اثری از او ندیدم، بنابراین نزد دوستانم رفتم.

زیارت عاشورا

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ

سلام بر تو ای ابا عبدالله سلام بر تو ای فرزند رسول خدا سلام بر تو ای برگزیده

اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَةَ اللَّهِ وَابْنَ خَيْرَتِهِ، السَّلَامُ

خدا و فرزند برگزیده‌اش سلام بر تو ای فرزند امیر مؤمنان و فرزند آقای اوصیا سلام

عَلَيْكَ يَا بَنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، السَّلَامُ

بر تو ای فرزند فاطمه بانوی زنان جهانبیان سلام بر تو که، خدا خون خواهرت است

عَلَيْكَ يَا بَنَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

و فرزند چنین کسی و ای کشته‌ای که انتقام کشته‌گانت را نگرفتی سلام بر تو و

يَا ثَارَ اللَّهِ وَابْنَ ثَارِهِ، وَالْوَتَرَ الْمُؤْتُورَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

بر روان‌هایی که فرود آمدند به آستانت، بر شما همگی از جانب من سلام خدا باد

وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفَنَائِكَ، عَلَيْكُمْ مِنِّي جَمِيعًا

همیشه تا من برجایم و بر جا است شب و روز ای ابا عبدالله به راستی بزرگ شد

سَلَامٌ لِّلَّهِ أَبَدًا مَا بَقِيَتْ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ، يَا أَبَا عَبْدِ

سوگواری تو و گران و عظیم گشت مصیبت تو بر ما و بر همه اهل اسلام و گران

اللَّهُ، لَقَدْ عَظَمْتَ الرَّزِيَّةَ وَجَلَّتْ وَعَظَمْتَ الْمُصِيبَةَ بِكَ

و عظیم گشت مصیبت تو در آسمان‌ها بر همه اهل آسمان‌ها پس خدا لعنت کند

عَلَيْنَا، وَعَلَى جَمِيعِ أَهْلِ فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أُسَّسَتْ أَسَاسَ

مردمی را که ریختند شالوده ستم و بیدادگری را بر شما خاندان و خدا لعنت

الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً دَفَعَتْكُمْ

کند مردمی را که کنار زدند شما را از مقام مخصوصتان و دور کردند شما را از

عَنْ مَقَامِكُمْ، وَأَزَالَتَكُمْ عَنْ مَرَاتِبِكُمُ الَّتِي رَتَّبَكُمْ اللَّهُ

آن مرتبه‌هایی که خداوند آن رتبه‌ها را به شما داده بود و خدا لعنت کند مردمی

فِيهَا، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلْتَكُمْ، وَلَعَنَ اللَّهُ الْمُمَهِّدِينَ لَهُمْ

که شما را کشتند و خدا لعنت کند آنان که تهیه اسباب کردند برای کشتندگان

بِالتَّمَكِينِ مِنْ قِتَالِكُمْ، بَرَأْتُ إِلَى اللَّهِ وَالْيَوْمِ مِنْهُمْ وَمَنْ

شما تا آنها توانستند با شما بجنگند بیزاری جویم به سوی خدا و به سوی شما

أَشْيَاعِهِمْ وَأَتْبَاعِهِمْ وَأَوْلِيَاءَهُمْ، يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، أَنِّي سَلِمٌ لِمَنْ

از ایشان و از پیروان و دنبال روندگانشان و دوستانشان. ای اباعبدالله من تسلیم

سَأَلَمَكُمْ، وَحَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَلَعَنَ

و در صلح با کسی که با شما در صلح است و در جنگم با هر کس که با شما در

اللَّهُ آلَ زِيَادٍ وَآلَ مَرْوَانَ، وَلَعَنَ اللَّهُ بَنِي أُمِّةٍ قَاطِبَةٍ، وَلَعَنَ

جنگ است تا روز قیامت و خدا لعنت کند خاندان زیاد و خاندان مروان را و خدا

اللَّهُ ابْنَ مَرْجَانَةَ، وَلَعَنَ اللَّهُ عُمَرَ بْنَ سَعْدٍ، وَلَعَنَ اللَّهُ شِمْرًا،

لعنت کند بنی امیه را همگی و خدا لعنت کند فرزند مرجانه (ابن زیاد) را و خدا لعنت

وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أَسْرَجَتْ وَالْجَمْتِ وَتَتَقَبَّتْ لِقِتَالِكَ، يَا بِي

کند عمر بن سعد را و خدا لعنت کند شمر را و خدا لعنت کند مردمی را که اسبها

أَنْتَ وَأُمِّي لَقَدْ عَظُمَ مُصَابِي بِكَ، فَاسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَكْرَمَ

را زین کردند و دهنه زدند و به راه افتادند برای بیکار با تو پدر و مادرم بفدایت که

مَقَامَكَ وَأَكْرَمَنِي بِكَ أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِكَ مَعَ إِمَامٍ

به راستی بزرگ شد مصیبت تو بر من پس می خواهم از این خدایی که گرامی داشت

مَنْصُورٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، اللَّهُمَّ

مقام تو را و گرامی داشت مرا به خاطر تو که روزیم گرداند خون خواهی تو را در رکاب

اجْعَلْنِي عِنْدَكَ وَجِيهًا بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الدُّنْيَا

آن امام یاری شده از خاندان محمد صلی الله علیه و آله خدایا قرار ده مرا نزد خودت

وَالْآخِرَةِ، يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ أَنْيَ اتَّقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ وَالِي رَسُولِهِ،

آبرومند به وسیله حسین علیه السلام در دنیا و آخرت ای ابا عبدالله من تقرب جویم

وَالِي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَالِي فَاطِمَةَ وَالِي الْحَسَنِ، وَالِيكَ

به درگاه خدا و پیشگاه رسولش و امیرالمؤمنین و فاطمه و حسن و شما به وسیله

بِمُؤَالَاتِكَ، وَبِالْبَرَاءَةِ [مِمَّنْ قَاتَلَكَ وَنَصَبَ لَكَ الْحَرْبَ، وَ

دوستی تو و به وسیله بیزاری از کسی که با تو مقاتله کرد و جنگ با تو را برپا کرد و

بِالْبَرَاءَةِ مِمَّنْ أَسَّسَ أَسَاسَ الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ عَلَيْكُمْ، وَأَبْرَأُ

به بیزاری جستن از کسی که شالوده ستم و ظلم بر شما را ریخت و بیزاری جویم به

إِلَى اللَّهِ وَالِي رَسُولِهِ] مِمَّنْ أَسَّسَ أَسَاسَ ذَلِكَ، وَبَنَى

سوی خدا و بسوی رسولش از کسی که پی ریزی کرد شالوده این کار را و پایه گذاری

عَلَيْهِ بُيَانُهُ، وَجَرَى فِي ظُلْمِهِ، وَجَوْرَهُ عَلَيْكُمْ وَعَلَى

کرد بر آن بنیانش را و دنبال کرد ستم و ظلمش را بر شما و بر پیروان شما بیزاری

أَشْيَاعِكُمْ، بَرَأْتُ إِلَى اللَّهِ وَالْيَكْمَ مِنْهُمْ، وَاتَّقَرَّبُ إِلَى

جویم به درگاه خدا و به پیشگاه شما از ایشان و تقرب جویم به سوی خدا سپس

اللَّهِ، ثُمَّ إِلَيْكُمْ بِمُؤَالَاتِكُمْ وَمُؤَالَاةِ وَلِيِّكُمْ، وَبِالْبِرَاءَةِ مِنْ

به شما به وسیله دوستیتان و دوستی دوستان شما و به بیزاری از دشمنانتان و برپا

أَعْدَائِكُمْ وَالنَّاصِبِينَ لَكُمْ الْحَرْبِ، وَبِالْبِرَاءَةِ مِنْ أَشْيَاعِهِمْ

کنندگان (و آتش افروزان) جنگ با شما و به بیزاری از یاران و پیروانشان من در صلح

وَاتَّبَاعِهِمْ، أَنِّي سَلِمٌ لِمَنْ سَالَمَكُمْ، وَحَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ،

و سازشم با کسی که با شما در صلح است و در جنگم با کسی که با شما در جنگ

وَوَلِيٌّ لِمَنْ وَالَاكُمْ، وَعَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاكُمْ، فَاسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي

است و دوستم با کسی که شما را دوست دارد و دشمنم با کسی که شما را دشمن

أَكْرَمَنِي بِمَعْرِفَتِكُمْ، وَمَعْرِفَةَ أَوْلِيَاءِكُمْ، وَرَزَقَنِي الْبِرَاءَةَ

دارد و درخواست می کنم از خدایی که مرا گرامی داشت به وسیله معرفت شما و

مَنْ أَعْدَائِكُمْ، أَنْ يَجْعَلَ لِي مَعَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَأَنْ

معرفت دوستانتان و روزیم کند بیزاری جستن از دشمنانتان را به اینکه قرار دهد مرا

يُثَبِّتَ لِي عِنْدَكُمْ قَدَمَ صَدَقٍ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَأَسْأَلُهُ

با شما در دنیا و آخرت و پایرجا دارد برای من در پیش شما گام راست و درستی (و

أَنْ يُبَلِّغَنِي الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ، وَأَنْ يَرْزُقَنِي

ثبات قدمی) در دنیا و آخرت و از او خواهم که برساند مرا به مقام پسندیده شما در

طَلَبَ ثَارِي، مَعَ إِمَامٍ مَهْدِيٍّ ظَاهِرٍ نَاطِقٍ [بِالْحَقِّ] مِنْكُمْ،

پیش خدا و روزیم کند خون خواهی شما را یا امام راهنمای آشکار گویای آیه حق

وَأَسْأَلُ اللَّهَ بِحَقِّكُمْ وَبِالْشَّانِ الَّذِي لَكُمْ عِنْدَهُ أَنْ يُعْطِنِي

که از شما (خاندان) است و از خدا خواهم به حق شما و بدان منزلتی که شما نزد او

بِمُصَابِي بِكُمْ أَفْضَلَ مَا يُعْطَى مُصَابًا بِمُصِيبَتِهِ مُصِيبَةً

دارید که عطا کند به من به وسیله مصیبتی که از ناحیه شما به من رسیده بهترین

مَا أَعْظَمَهَا وَأَعْظَمَ رَزِيَّتَهَا فِي الْإِسْلَامِ، وَفِي جَمِيعِ

پاداشی را که می دهد به یک مصیبت زده از مصیبتی که دیده به راستی چه مصیبت

السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِي مَقَامِي هَذَا، مِمَّنْ

بزرگی و چه داغ گرانی بود در اسلام و در تمام آسمانها و زمین خدایا چنانم کن در

تَنَالَهُ مِنْكَ صَلَوَاتٌ وَرَحْمَةٌ وَمَغْفِرَةٌ، اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَحْيَايَ

اینجا که ایستاده ام از کسانی باشم که برسد بدو از ناحیه تو درود و رحمت و آمرزشی

مَحْيَا مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَمَمَاتِي مَمَاتِ مُحَمَّدٍ وَآلِ

خدایا قرار ده زندگیم را زندگی محمد و آل محمد و مرگم را مرگ محمد و آل محمد

مُحَمَّدٍ، اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا يَوْمٌ تَبَرَّكَتْ بِهِ بَنُو أُمِّيَّةَ، وَإِبْنُ آكَلَةِ

خدایا این روز روزی است که مبارک و میمون دانستند آن را بنی امیه و پسر آن زن

الْأَكْبَادِ، اللَّعِينُ ابْنُ اللَّعِينِ عَلَى لِسَانِكَ وَلِسَانِ نَبِيِّكَ،

جگر خوار (معاویه) آن ملعون پسر ملعون (که لعن شده) بر زبان تو و زبان پیامبرت

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فِي كُلِّ مَوْطِنٍ وَمَوْقِفٍ وَقَفَ فِيهِ

که درود خدا بر او و آلش باد - در هر جا و هر مکانی که توقف کرد در آن مکان

نَبِيِّكَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اللَّهُمَّ الْعَنْ أَبَا سُفْيَانَ وَمُعَاوِيَةَ

پیامبرت - صلی الله علیه و آله - خدایا لعنت کن ابوسفیان و معاویه و یزید بن معاویه

وَيَزِيدَ بْنَ مُعَاوِيَةَ، عَلَيْهِمْ مِنْكَ اللَّعْنَةُ أَبَدَ الْأَبْدِينَ، وَهَذَا

را که لعنت بر ایشان باد از جانب تو برای همیشه و این روز روزی است که شادمان

يَوْمٌ فَرَحَتْ بِهِ آلُ زِيَادٍ وَآلُ مَرْوَانَ بِقَتْلِهِمُ الْحُسَيْنِ،

شدند به این روز دودمان زیاد و دودمان مروان به خاطر کشتنشان حضرت حسین

صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ، اللَّهُمَّ فَضَاعِفْ عَلَيْهِمُ اللَّعْنَ مِنْكَ

صلوات الله علیه را خدایا پس چندین برابر کن بر آنها لعنت خود و عذاب دردناک

وَالْعَذَابَ الْأَلِيمَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ فِي هَذَا الْيَوْمِ، وَفِي

را خدایا من تقرب جویم به سوی تو در این روز و در این جایی که هستم و در تمام

مَوْقِفِي هَذَا، وَأَيَّامَ حَيَاتِي بِالْبُرْآئَةِ مِنْهُمْ، وَاللَّعْنَةَ عَلَيْهِمْ،

دوران زندگیم به بیزاری جستن از اینها و لعنت فرستادن بر ایشان و به وسیله دوست

وَبِالْمُؤَالَاتِ لِنَبِيِّكَ وَآلِ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ. پس

داشتن پیامبرت و خاندان پیامبرت که بر او و بر ایشان سلام باد

می گویی صد مرتبه: اللَّهُمَّ الْعَنْ أَوَّلَ ظَالِمٍ ظَلَمَ حَقَّ مُحَمَّدٍ

خدایا لعنت کن نخستین ستمگری را که به زور گرفت حق محمد و آل محمد را و آخرین

وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَآخِرَ تَابِعٍ لَهُ عَلَى ذَلِكَ، اللَّهُمَّ الْعَنْ الْعَصَابَةَ

کسی که او را در این زور و ستم بیروی گرد خدایا لعنت کن بر گروهی که بیکار کردند با حسین (ع)

الَّتِي جَاهَدَتْ الْحُسَيْنِ، وَشَايَعَتْ وَبَايَعَتْ وَتَابَعَتْ عَلِيَّ

و همراهی کردند و پیمان بستند و از هم پیروی کردند برای کشتن آن حضرت

قَتْلِهِ، اللَّهُمَّ الْعَنَّهُمْ جَمِيعاً. پس می گوئی صد مرتبه: السَّلَامُ

خدایا لعنت کن همه آنها را. سَلَامٌ بِرِئَاسَةِ

عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفَنَائِكَ،

اباعبدالله و بر روان هایی که فرود آمدند به آستانت، بر تو از جانب

عَلَيْكَ مِنِّي سَلَامٌ اللَّهُ [أَبَدًا] مَا بَقِيَتْ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ،

من سلام خدا باد تا من زنده ام و برپا است شب و روز و قرار ندهد

وَلَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي لِزِيَارَتِكُمْ، السَّلَامُ عَلَيَّ

این زیارت را خداوند آخرین بار زیارت من از شما سلام بر حسین

الْحُسَيْنِ، وَعَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ، وَعَلَى أَوْلَادِ الْحُسَيْنِ،

و بر علی بن الحسین و بر فرزندان حسین و بر

وَعَلَى أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ. پس می گوئی: اللَّهُمَّ خُصَّ أَنْتَ

اصحاب و یاران حسین خدایا مخصوص گردان نخستین

أَوَّلَ ظَالِمٍ بِاللَّعْنِ مِنِّي، وَأَبْدَأُ بِهِ أَوَّلًا، ثُمَّ الثَّانِي وَالثَّالِثَ

ستمگر را به لعنت من و آغاز کن بدان لعین اولی را و سپس دومی و سومی و

وَالرَّابِعَ، اللَّهُمَّ الْعَنْ يَزِيدَ خَامِسًا، وَالْعَنْ عُبَيْدَ اللَّهِ بْنَ زِيَادٍ

چهارمی را خدایا لعنت کن یزید را در مرتبه پنجم و لعنت کن عبیدالله پسر

وَأَبْنِ مَرْجَانَةَ، وَعُمَرَ بْنَ سَعْدٍ وَشِمْرًا، وَآلَ أَبِي سُفْيَانَ

زیاد و پسر مرجانه را و عمر بن سعد و شمیر و دودمان ابوسفیان و دودمان

وَآلَ زِيَادٍ وَآلَ مَرْوَانَ، إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ. پس به سجده می روی

زیاد و دودمان مروان را تا روز قیامت.

و می‌گویی: **اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدَ الشَّاكِرِينَ لَكَ عَلَى**

خدایا مخصوص تو است ستایش سپاسگزاران تو بر مصیبت‌زدگی

مُصَابِهِمْ، الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى عَظِيمِ رَزِيَّتِي، اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي

آنها، ستایش خدای را بر بزرگی مصیبت‌م خدایا روزیم گردان شفاعت

شَفَاعَةَ الْحُسَيْنِ يَوْمَ الْوُرُودِ، وَثَبَّتْ لِي قَدَمَ صَدَقِ عِنْدَكَ

حسین علیه السلام را در روز ورود (به صحرائی قیامت) و ثابت بدار گام راستیم

مَعَ الْحُسَيْنِ، وَأَصْحَابِ الْحُسَيْنِ، الَّذِينَ بَدَلُوا مُهَجَّهُمْ دُونَ

را در نزد خودت با حسین علیه السلام و یاران حسین آنان که بی‌دریغ دادند جان خود

الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

را در راه حسین علیه السلام

زیارت جامعه کبیره

«شیخ صدوق (ره)» در کتاب «من لا یحضره الفقیه» و «عیون

أخبار الرضا (ع)»، از «موسی بن عبدالله نخعی» روایت می‌کند که

گفت: به امام هادی (ع) عرض کردم: ای پسر رسول خدا (ص)؛ کلامی

بلیغ و رسا به من بیاموز تا هنگام زیارت هر یک از شما عزیزان،

بتوانم با آن، شما را زیارت کنم. حضرت فرمودند:

هنگامی که به درب حرم مطهر رسیدی بایست و بر یگانگی خدا
و رسالت حضرت محمد(ص) گواهی بده؛ یعنی بگو:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ

گواهی می‌دهم که معبودی نیست جز خدای یگانه‌ای که شریک ندارد و گواهی می‌دهم

مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ.

محمد - که دروذهای خدا بر او و آتش باد - بنده و رسول او است

و در حالی که غسل داری وقتی که وارد شدی و قبر شریف را دیدی،
بایست و سی مرتبه بگو: «الله اکبر»؛ سپس با آرامش و وقار در حالی که
قدم‌هایت را نزدیک به هم برمی‌داری کمی راه برو. در این حال بایست
و سی مرتبه: «الله اکبر» بگو؛ سپس به قبر مطهر نزدیک شو و چهل بار
«الله اکبر» را تکرار کن. تا صد مرتبه تکبیر تمام شود. آنگاه بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبُوَّةِ، وَمَوْضِعِ الرِّسَالَةِ،

سلام بر شما، ای اهل بیت نبوت، و محل قرار گرفتن رسالت الهی و رفت و آمد فرشتگان، و

وَمُخْتَلَفِ الْمَلَائِكَةِ، وَمَهْبِطِ الْوَحْيِ وَمَعْدِنِ الرَّحْمَةِ،

فرود آمدن وحی و سخن خداوند، و معدن و گنجینه رحمت خداوند، و خزینه‌داران دانش،

و خُزَّانِ الْعِلْمِ، وَمُنْتَهَى الْحِلْمِ، وَأُصُولِ الْكِرَامِ، وَقَادَةَ

و نهایت بردباری، و اساس بنیان کرامت و بزرگواری، و پیشوایان ملت‌ها، و صاحب‌اختیاران

الْأُمَّمِ وَأَوْلِيَاءِ النَّعْمِ، وَعَنَاصِرِ الْأَبْرَارِ، وَدَعَائِمِ الْأَخْيَارِ،

همه نعمت‌ها، و عنصرهای اصلی نیکوکاران، و پشتیبان‌های نیکوکاران و مدبر امور بندگان و

وَسَاسَةِ الْعِبَادِ وَأَرْكَانِ الْبِلَادِ، وَأَبْوَابِ الْإِيمَانِ، وَأَمْنَاءَ

رکن‌های شهرها و درگاه‌های ایمان و امینان خدای رحمان و فرزندان پیامبران و برگزیده

الرَّحْمَنِ، وَسُلَالَةِ النَّبِيِّينَ، وَصَفْوَةِ الْمُرْسَلِينَ، وَعِثْرَةَ

پیامبران مرسل و عترت بهترین برگزیده پروردگار هستی و رحمت و برکات خداوند نیز به

خَيْرَةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ، السَّلَامُ عَلَيَّ

طور ثابت و دائمی نثاران باد. سلام بر امامان و پیشوایان هدایت، و چراغ‌های روشنی بخش

أُمَّةِ الْهُدَى، وَمَصَابِيحِ الدُّجَى وَأَعْلَامِ التَّقَى، وَذَوِي

در تاریکی‌ها، و پرچمداران پرهیزکاری و تقوا، و صاحبان عقل و خرد، و دارندگان گانه ذکاوت، و

النَّهْيِ، وَأَوْلِي الْحِجَى، وَكُهْفِ السُّورَى، وَوَرَثَةِ الْأَنْبِيَاءِ،

پناهگاه مردم و وارثان پیامبران الهی و نمونه و الگوی والا و برتر، و دعوت نیکو، و حجت‌های

وَالْمَثَلِ الْأَعْلَى وَالِدُّعْوَةِ الْحُسْنَى، وَحُجَجِ اللَّهِ عَلَى أَهْلِ

پروردگار بر مردم دنیا و آخرت و پیشینیان؛ و رحمت و برکات خداوند نیز به طور ثابت و

الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَالْأَوْلَى وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ، السَّلَامُ

دائمی نثاران باد. سلام بر جایگاه شناخت الهی؛ و منزلگاه‌های برکت خداوندی، و معدن‌های

عَلَى مَحَالِّ مَعْرِفَةِ اللَّهِ، وَمَسَاكِنِ بَرَكَاتِ اللَّهِ، وَمَعَادِنِ

حکمت خدا، و نگهبانان راز خداوند، و حاملان علوم و اسرار خداوند، و اوصیای پیامبر

حِكْمَةِ اللَّهِ، وَحَفْظَةِ سِرِّ اللَّهِ، وَحَمَلَةِ كِتَابِ اللَّهِ، وَأَوْصِيَاءِ

خداوند، و فرزندان فرستاده خداوند - که درود خدا بر او و آل او باد - و رحمت و برکات

نَبِيِّ اللَّهِ، وَذُرِّيَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَرَحْمَةً

خداوند نثارشان باد. سلام بر دعوت‌کنندگان به سوی خدا و دلالت‌کنندگان بر آنچه مورد

اللَّهُ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَى الدُّعَاةِ إِلَى اللَّهِ وَالْأَدْلَاءِ عَلَى

رضایت او است؛ همان‌هایی که در اجرای دستور الهی پایدار و پابرجایند، و محبت‌شان

مَرْضَاتِ اللَّهِ، وَالْمُسْتَقْرِّينَ فِي أَمْرِ اللَّهِ، وَالتَّآمِنِينَ فِي

نسبت به خدا واقعی و کامل است، و اخلاص‌دارندگان در توحید و یکتایی خداوند هستند،

مَحَبَّةِ اللَّهِ، وَالْمُخْلِصِينَ فِي تَوْحِيدِ اللَّهِ، وَالْمُظْهِرِينَ لِأَمْرِ

و امر و نهی خداوند را آشکار می‌گرداند، و بندهای گرامی خدایند؛ همانان که در سخن

اللَّهُ وَنَهْيِهِ، وَعِبَادَةِ الْمُكْرَمِينَ، الَّذِينَ لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ

گفتن بر او پیشی نمی‌گیرند و خودشان به دستور او رفتار می‌کنند؛ و رحمت و برکات

وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَى

خداوند، نیز به طور دائم و ثابت نثارشان باد. سلام بر پیشوایان دعوت‌کننده (به سوی حق)

الْأئِمَّةِ الدُّعَاةِ وَالْقَادَةَ الْهُدَاةِ، وَالسَّادَةَ الْوُلَاةِ، وَالذَّادَةَ

و رهبران هدایت‌گر و سروران سرپرست، و دفع‌کنندگان حمایت‌گر (دین) و اهل ذکر و

الْحُمَاةِ، وَأَهْلَ الذِّكْرِ وَأَوْلِيَ الْأَمْرِ، وَبَقِيَّةَ اللَّهِ وَخَيْرَتَهُ،

فرمانداران و والیان (از جانب خدا)، و باقی‌مانده و برگزیدگان الهی؛ و حزب خدا، مخزن

وَحِزْبِهِ وَعَيْبَةَ عِلْمِهِ، وَحُجَّتَهُ وَصِرَاطَهُ وَنُورَهُ وَبُرْهَانَهُ

دانش او، حجت، راه، نور و برهان و دلیل روشن الهی؛ و رحمت و برکات خدا نثارشان باد.

وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لَا

گواهی می‌دهم جز خدا، کسی شایسته برای پرستش نیست؛ یکی است؛ شریک ندارد؛

شَرِيكَ لَهُ كَمَا شَهِدَ اللَّهُ لِنَفْسِهِ، وَشَهِدَتْ لَهُ مَلَائِكَتُهُ،

چنان که خودش نیز در مورد خودش گواهی داده است، و فرشتگان او و دانشمندان واقعی

وَأُولُوا الْعِلْمِ مِنْ خَلْقِهِ، لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

از آفریدگانش نیز بر این معنا گواهند؛ جز او که عزت‌مندی حکیم است، خدایی نیست.

وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ الْمُنْتَجَبُ وَرَسُولُهُ الْمُرْتَضَى،

گواهی می‌دهم محمد، بنده انتخاب شده و فرستاده مورد رضایت الهی است؛ خدا، او را به

أَرْسَلَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ، لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ

هدایت و آیین حقیقی خود فرستاد، تا او را بر تمام آیین‌ها پیروز و نمایان کند؛ گرچه

كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ، وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ الْأُمَّةَ الرَّاشِدُونَ الْمَهْدِيُّونَ،

مشرکان از این جریان ناخشنودند؛ نیز، گواهی می‌دهم که شما پیشوایان هدایت‌گر،

الْمَعْصُومُونَ الْمُكْرَمُونَ، الْمُقَرَّبُونَ الْمُتَّقُونَ الصَّادِقُونَ

هدایت‌شده، معصوم، ارجمند، از نظر رتبه و مقام نزدیک به خدا، پرهیزگار، راستگو، برگزیده،

الْمُطِيعُونَ الْمُطِيعُونَ لِلَّهِ، الْقَوَّامُونَ بِأَمْرِهِ، الْعَامِلُونَ

مطیع اوامر الهی، اجراکننده واقعی دستور خدا و به پا دارنده آن، و عمل‌کننده به اراده

بِأَرَادَتِهِ، الْفَائِزُونَ بِكَرَامَتِهِ، اصْطَفَاكُمْ بِعِلْمِهِ، وَأَرْتَضَاكُمْ

الهی، و رستگاران به کرامت او هستید. خدا شما را از روی آگاهی برگزید، و برای امور

لِغَيْبِهِ، وَأَخْتَارَكُمْ لِسِرِّهِ، وَأَجْتَبَاكُمْ بِقُدْرَتِهِ، وَأَعَزَّكُمْ بِهُدَايِهِ،

پنهانی خود پسندید، و برای رازهای نهانی خود اختیار کرده، شما را با قدرتش انتخاب کرد،

وَخَصَّكُمْ بِبُرْهَانِهِ، وَأَنْتَجَبَكُمْ لِنُورِهِ (بِنُورِهِ)، وَأَيَّدَكُمْ

و با هدایت خود شما را عزتمند کرد، و دلیل روشنش را به شما اختصاص داد، و برای

بِرُوحِهِ، وَرَضِيكُمُ خُلَفَاءَ فِي أَرْضِهِ، وَحُجَجًا عَلَيَّ

روشنیش برگزید، و با روح خود تأیید و تقویت کرد، و به عنوان جانشینانش در زمینش

بَرِيَّتِهِ، وَأَنْصَارًا لِدِينِهِ، وَحَفَظَةً لِسِرِّهِ، وَخَزَنَةً لِعِلْمِهِ،

پسندید؛ نیز به عنوان حجت‌های او بر بندگانش، یاران آیینش، نگهبانان رازش، گنجینه‌داران

وَمُسْتَوْدَعًا لِحِكْمَتِهِ، وَتَرَاجِمَةً لَوْحِيهِ، وَأَرْكَانًا لِتَوْحِيدِهِ،

دانشش، محل ودیعه نهادن حکمتش، بیان کننده وحی اش برای بیان مقصود وحی؛

وَشُهَدَاءَ عَلَيَّ خَلْقِهِ، وَأَعْلَامًا لِعِبَادَتِهِ، وَمَنَارًا فِي بِلَادِهِ،

پایه‌های توحیدش، گواهان بر آفریدگانش، نشانه‌های آشکار برای بندگانش، محل نورافشانی

وَأَدْلَاءَ عَلَيَّ صِرَاطِهِ، عَصَمَكُمُ اللَّهُ مِنَ الزَّلَلِ، وَأَمْنَكُمُ

در شهرهایش، و راهنمایان به راهش؛ شما را پسندید. خدا، شما را از لغزش‌ها حفظ کرد، از

مِنَ الْفِتَنِ، وَطَهَّرَكُمُ مِنَ الدَّنَسِ، وَأَذْهَبَ عَنْكُمُ الرَّجْسَ،

فتنه‌ها ایمن داشت، و از هرگونه آلودگی پاک گردانید، و هرگونه پلیدی را از وجود شما دور

وَطَهَّرَكُمُ تَطْهِيرًا، فَعَظُمْتُمْ جَلَالَهُ، وَأَكْبَرْتُمْ شَأْنَهُ، وَمَجَّدْتُمْ

گردانید، و به خوبی پاک و پاکیزه گردانید؛ لذا، شما جلالتش را با عظمت، و شأنش را بزرگ

كِرْمَهُ، وَأَدْمُتُمْ ذِكْرَهُ، وَوَكَّدْتُمْ مِيثَاقَهُ، وَأَحْكَمْتُمْ عَقْدَ

داشتید و کرمش را ثنا گفتید، و یادش را همیشه ادامه دادید، و پیمانش را تأکید نمودید، و

طَاعَتِهِ، وَنَصَحْتُمْ لَهُ فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ، وَدَعَوْتُمْ إِلَى

قرار داد فرمان برداریش را محکم کردید، و در پنهان و آشکار به انجام نصیحت و خیرخواهی

سَبِيلِهِ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ، وَبَدَلْتُمْ أَنْفُسَكُمْ فِي

پرداختید، و با حکمت و پند نیکو به راه او دیگران را فرا خواندید، و از جان و روان خویش

مَرْضَاتِهِ، وَصَبَرْتُمْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكُمْ فِي جَنْبِهِ، وَأَقَمْتُمْ

در راه رضا و خشنودی او گذشتید. بر مصایبی که در کنارش بر شما وارد شد شکیبا بودید،

الصَّلَاةَ، وَأَتَيْتُمُ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتُم بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتُم عَنِ

و نماز را برپا داشتید و زکات را پرداختید و امر به معروف کرده و نهي از منکر نمودید، و

الْمُنْكَرِ، وَجَاهَدْتُمْ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ، حَتَّىٰ أَعْلَنْتُمْ

آن گونه که سزاوار بود در راه خدا جهاد کردید تا اینکه دعوت او را آشکار و فریض او را بیان

دَعْوَتَهُ، وَبَيَّنْتُمْ فَرَائِضَهُ، وَأَقَمْتُمْ حُدُودَهُ وَنَشَرْتُمْ شَرَائِعَ

و حدودش را اقامه نمودید و دستورات احکامش را منتشر ساختید، و روش او را سنت

أَحْكَامِهِ، وَسَنَّتُمْ سُنَّتَهُ، وَصَرَّيْتُمْ فِي ذَلِكَ مِنْهُ إِلَى الرِّضَا،

نهادید، و در این بین به سوی خشنودی او سیر کردید و به حکم و فرمان او تسلیم شدید و

وَسَلَّمْتُمْ لَهُ الْقَضَاءَ، وَصَدَّقْتُمْ مَنْ رُسُلُهُ مِنْ مَضَىٰ،

پیامبران گذشته او را تصدیق نمودید. آنکه از راه شما رو گرداند در واقع از دین خارج شده،

فَالرَّغْبُ عَنْكُمْ مَارِقٌ، وَاللَّازِمُ لَكُمْ لَاحِقٌ، وَالْمُقَصَّرُ

و ملازم و همراه شما به شما پیوسته، و آنکه در حق شما کوتاهی کرده نابود گشت و حق با

فِي حَقِّكُمْ زَاهِقٌ، وَالْحَقُّ مَعَكُمْ، وَفِيكُمْ وَمِنْكُمْ وَالْيَكْمُ،

شماست و در شما و از شما و به سوی شماست، و شما اهل حق و معدن آن هستید، میراث

وَأَنْتُمْ أَهْلُهُ وَمَعْدِنُهُ، وَمِيرَاثُ النُّبُوَّةِ عِنْدَكُمْ، وَإِيَابُ

پیامبری در اختیار شماست، و بازگشت آفریدگان به سوی شماست و حساب آنان با

الْخَلْقِ الْيَكْمُ، وَحِسَابُهُمْ عَلَيْكُمْ، وَفَضْلُ الْخَطَابِ

شماست، و سخنی که حق و باطل را فیصه دهد در نزد شماست و آیات الهی در پیشگاه

عِنْدَكُمْ، وَآيَاتُ اللَّهِ لَدَيْكُمْ، وَعَزَائِمُهُ فِيكُمْ، وَنُورُهُ

شماست، و اوامر و دستورات قطعی خداوند در شما خاندان است و نور و برهان او نزد

وَبُرْهَانُهُ عِنْدَكُمْ، وَأَمْرُهُ إِلَيْكُمْ، مَنْ وَالَاكُمْ فَقَدْ وَالَى اللَّهَ،

شماست، و امر او متوجه شماست. هر که ولایت شما را داشته باشد به راستی از ولایت خدا

وَمَنْ عَادَاكُمْ فَقَدْ عَادَ اللَّهَ وَ مَنْ أَحَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ،

برخوردار است، و هر که به شما دشمنی ورزد به طور قطع به خدا دشمنی ورزیده است و

وَمَنْ أَبْغَضَكُمْ فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ وَ مَنْ اعْتَصَمَ بِكُمْ فَقَدْ

هر که شما را دوست بدارد به یقین خدا را دوست داشته و هر که از شما کینه داشته باشد

اعْتَصَمَ بِاللَّهِ، أَنْتُمْ الصِّرَاطُ الْأَقْوَمُ وَ شُهَدَاءُ دَارِ الْفَنَاءِ،

به یقین از خدا کینه ورزیده، و هر که به دامن شما چنگ زده در واقع به (الطاف) خدا

وَ شُفَعَاءُ دَارِ الْبَقَاءِ، وَالرَّحْمَةُ الْمَوْصُولَةُ وَالْآيَةُ الْمَخْرُوجَةُ،

چنگ زده است، شما همان راه استوار و راست و گواهان دنیای گذرا و فناپذیر و شفیعیان

وَالْأَمَانَةُ الْمُحْفَظَةُ، وَالْبَابُ الْمُبْتَلَى بِهِ النَّاسُ، مَنْ

جهان همیشگی آخرت و رحمت و مهر پیوسته و نشانه ذخیره شده و امانت حفظ شده و

اتَيْكُمْ نَجَى، وَمَنْ لَمْ يَأْتِكُمْ هَلَكَ، إِلَى اللَّهِ تَدْعُونَ،

همان درگاهی که مردم بدان آزموده می شوند، هستید. هر کس نزد شما آید رهایی یابد، و

وَعَلَيْهِ تَدُلُّونَ، وَبِهِ تُؤْمِنُونَ، وَلَهُ تُسَلِّمُونَ، وَبِأَمْرِهِ

هر کس نیاید نابود می گردد، شما به سوی خدا فرامی خوانید و بر او راهنمایی می کنید و به

تَعْمَلُونَ، وَإِلَى سَبِيلِهِ تُرْشِدُونَ، وَبِقَوْلِهِ تَحْكُمُونَ، سَعَدَ

او ایمان دارید، و تسلیم او هستید و به دستور او عمل می نمایید و به راه او ارشاد می کنید و

مَنْ وَالَاكُمْ، وَهَلَكَ مَنْ عَادَاكُمْ، وَخَابَ مَنْ جَحَدَكُمْ،

طبق فرمایش او دآوری می کنید. آنکه ولایت شما را پذیرفت سعادت مند گردید و آنکه با

وَضَلَّ مَنْ فَارَقَكُمْ، وَفَازَ مَنْ تَمَسَّكَ بِكُمْ، وَأَمِنَ مَنْ لَجَأَ

شما دشمنی ورزید هلاک و نابود گردید، و آنکه منکر شما شد نومید گشت و آنکه از شما

الْيَوْمَ، وَسَلِمَ مَنْ صَدَّقَكُمْ، وَهُدِيَ مَنْ اعْتَصَمَ بِكُمْ مِنْ

جدا شد گمراه گشت و آنکه به شما چنگ زد رستگار شد، و هر که به شما پناه آورد ایمن

اتَّبِعَكُمْ فَالْجَنَّةُ مَأْوِيهِ، وَمَنْ خَالَفَكُمْ فَالنَّارُ مَثْوِيهِ، وَمَنْ

شد، و هر که شما را تصدیق کرد سالم ماند و هر که به شما پیوست ملازم گردید هدایت

جَحَدَكُمْ كَافِرٌ، وَمَنْ حَارَبَكُمْ مُشْرِكٌ، وَمَنْ رَدَّ عَلَيْكُمْ

یافت. هر کس از شما پیروی کرد بهشت جایگاه اوست و هر کس با شما مخالفت کرد دوزخ

فِي اسْفَلِ دَرَكٍ مِنَ الْجَحِيمِ، أَشْهَدُ أَنَّ هَذَا سَابِقٌ لَكُمْ

منزل گاه اوست و هر کس منکر شما شد کافر است و هر کس با شما جنگید مشرک است

فِي مَا مَضَى، وَجَارَ لَكُمْ فِيمَا بَقِيَ، وَأَنَّ أَرْوَاحَكُمْ وَنُورَكُمْ

و هر کس حکم شما را رد کرد در پایین ترین بخش دوزخ جای دارد. گواهی می دهم که

وَطِينَتَكُمْ وَاحِدَةٌ، طَابَتْ وَطَهَّرَتْ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ،

این مقامات در گذشته برای شما بوده و در آینده نیز در حق شما جاری است، و بدون

خَلَقَكُمْ اللَّهُ أَنْوَارًا، فَجَعَلَكُمْ بَعْرِشِهِ مُحَدِّقِينَ، حَتَّىٰ مِنْ

تردید ارواح شما و نور شما و سرشت شما یکی است، پاک است و برخی از برخی دیگر به

عَلَيْنَا بِكُمْ، فَجَعَلَكُمْ فِي بُيُوتِ أذنِ اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ، وَيُذَكَرَ

ارث برده. خداوند شما را به عنوان نورهایی آفرید آنگاه شما را گرداگرد عرش خود قرار داد

فِيهَا اسْمُهُ، وَجَعَلَ صَلَاتَنَا (صَلَوَاتِنَا) عَلَيْكُمْ وَمَا خَصَّنَا

تا اینکه به سبب وجود شما منت نهاد، پس شما را در خانه‌هایی قرار داد که اذن داد

به من و لایتکم، طيباً لخلقنا، وَطَهَارَةً لَانْفُسِنَا، وَتَرْكِيَةً

بلندمرتبه گشته و نامش در آنها برده شود، و صلوات و درود ما را بر شما و آنچه ویژه ما

لنا، وَكَفَّارَةً لذنُوبِنَا فَكُنَّا عِنْدَهُ مُسْلِمِينَ بِفَضْلِكُمْ،

گردانید از ولایت شما باعث پاکیزه بودن آفرینش ما و پاک شدن جان ما و تزکیه ما و کفاره

وَمَعْرُوفِينَ بِتَصَدِيقِنَا اِيَّاكُمْ، فَبَلَغَ اللهُ بِكُمْ اَشْرَفَ مَحَلِّ

گناهان ما، قرار داد. ما در پیشگاه او تسلیم برتری شما بودیم، و به تصدیق شما شناخته

الْمُكْرَمِينَ، وَاَعْلَىٰ مَنَازِلِ الْمُقْرَبِينَ، وَاَرْفَعَ دَرَجَاتِ

شدیم. خداوند شما را به شریف‌ترین جایگاه گرامی شدگان و بالاترین منزل‌ها و مرتبه‌های

الْمُرْسَلِينَ، حَيْثُ لَا يَلْحَقُهُ لَاحِقٌ، وَلَا يَفُوقُهُ فَائِقٌ، وَلَا

مقربان و والاترین درجه‌های پیامبران رسانید، به گونه‌ای که هیچ ملحق شونده‌ای به آنها

يَسْبِقُهُ سَابِقٌ، وَلَا يَطْمَعُ فِي ادْرَاكِه طَامِعٌ، حَتَّىٰ لَا يَبْقَىٰ

نمی‌پیوندد و هیچ برتری جویی به آن فائق نیاید، و هیچ پیشی‌گیرنده‌ای بدان پیشی نگیرد و

مَلِكٌ مُّقْرَبٌ، وَلَا نَبِيٌّ مُّرْسَلٌ، وَلَا صَدِيقٌ وَلَا شَهِيدٌ،

هیچ طمع‌کننده‌ای به درک آن طمع نورد، تا اینکه هیچ فرشته مقرب و نه پیامبر مرسل و

وَلَا عَالِمٌ وَلَا جَاهِلٌ، وَلَا دَنِيٌّ وَلَا فَاضِلٌ، وَلَا مُؤْمِنٌ

نه صدیق و نه شهید و نه دانا و نه نادان و نه پست و نه شریف و نه مؤمن شایسته و نه

صَالِحٌ وَلَا فَاجِرٌ طَالِحٌ، وَلَا جَبَّارٌ عَنِيدٌ وَلَا شَيْطَانٌ

بدکار ناشایسته و نه سرکش عنادپیشه و نه شیطان متمرد و نه آفریدگانی که در این میان

مَرِيدٌ، وَلَا خَلْقٌ فِيمَا بَيْنَ ذَلِكَ شَهِيدٌ، إِلَّا عَرَفَهُمْ جَلَالَةَ

گواهند، نیستند مگر آنکه به آنها شناساننده جلالت امر شما را و عظمت منزلت شما را و

أَمْرِكُمْ، وَعَظْمَ خَطَرِكُمْ، وَكِبْرَ شَانِكُمْ، وَتَمَامَ نُورِكُمْ،

بزرگی شان شما را و تمامیت نور شما را و درستی و راستی جایگاه شما را و پابرجا بودن

وَصَدْقَ مَقَاعِدِكُمْ، وَثَبَاتَ مَقَامِكُمْ، وَشَرَفَ مَحَلِّكُمْ

مقام شما را و شرافت موقعیت شما را و منزلت شما را در پیشگاه او و کرامت شما را پیش

وَمَنْزِلَتِكُمْ عِنْدَهُ، وَكَرَامَتِكُمْ عَلَيْهِ، وَخَاصَّتِكُمْ لَدَيْهِ،

او و مخصوص بودن شما را نزد او و منزلت نزدیک شما را به او. پدر، مادر و خانواده و دارایی

وَقُرْبَ مَنْزِلَتِكُمْ مِنْهُ، بِأَبِي أَنْتُمْ وَأُمَّيْ وَأَهْلِي وَمَالِي

و خاندانم فدای شما باد، خدا و شما را گواه می گیرم که به راستی من به شما و آنچه شما

وَأُسْرَتِي، أَشْهَدُ اللَّهَ وَأَشْهَدُكُمْ، أَنِّي مُؤْمِنٌ بِكُمْ وَبِمَا آمَنْتُمْ

ایمان آوردید، ایمان دارم و به دشمن شما و آنچه شما بدان کفر ورزیدید کفر می ورزم، به

بِهِ، كَافِرٌ بَعْدُوكُمْ وَبِمَا كَفَرْتُمْ بِهِ، مُسْتَبْصِرٌ بِشَانِكُمْ

شان شما و به گمراهی مخالفان شما بصیرت و بینش دارم، دوستدار شما و دوستان شما

وَبِضَلَالَةِ مَنْ خَالَفَكُمْ، مُوَالٍ لَكُمْ وَلَا أَوْلِيَاءَكُمْ، مُبْغِضٌ

هستم، کینه دشمنانتان را به دل گرفته و با آنان دشمنی دارم، با آنکه با شما از در آشتی

لَأَعْدَائِكُمْ وَمُعَادٍ لَهُمْ، سَلِيمٌ لِمَنْ سَالَمَكُمْ، وَحَرْبٌ لِمَنْ

آید در صلح و آشتی ام و با آنکه با شما در جنگ باشد در جنگم، آنچه را شما اثبات کردید

حَارِبِكُمْ، مُحَقِّقٌ لِمَا حَقَّقْتُمْ، مُبْطِلٌ لِمَا أَبْطَلْتُمْ، مُطِيعٌ

من ثابت می دانم، و آنچه شما ابطال کردید باطل می دانم، پیرو شما هستم، به حق شما

لَكُمْ عَارِفٌ بِحَقِّكُمْ، مُقَرَّرٌ بِفَضْلِكُمْ، مُحْتَمِلٌ لِعِلْمِكُمْ،

عارفم و به فضل و برتری شما معترف هستم، دانش شما را تحمل می‌کنم و پذیرا هستم، و

مُحْتَجِبٌ بِذِمَّتِكُمْ، مُعْتَرِفٌ بِكُمْ، مُؤْمِنٌ بِأَيَابِكُمْ، مُصَدِّقٌ

در پناه شما پنهان شده‌ام، به شما معترف و به بازگشت شما مؤمن و رجعت شما را تصدیق

بِرَجْعَتِكُمْ، مُنْتَظِرٌ لِأَمْرِكُمْ، مُرْتَقِبٌ لِدَوْلَتِكُمْ آخِذٌ بِقَوْلِكُمْ،

کنندادم. منتظر امر شما، در انتظار دولت شما و گیرنده گفتار شما، اجراکننده فرمان شما

عَامِلٌ بِأَمْرِكُمْ، مُسْتَجِيرٌ بِكُمْ، زَائِرٌ لَكُمْ لِأَنْدِ عَائِدٌ

هستم، به شما پناهنده بوده، زائر شما هستم، به قبور شما پناه گرفته و توسط شما به درگاه

بِقُبُورِكُمْ، مُسْتَشْفِعٌ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ بِكُمْ، وَمُتَقَرِّبٌ بِكُمْ

خدا شفاعت می‌طلبم، و به وسیله شما به او تقرب می‌جویم، و شما را پیشاپیش حوائج و

إِلَيْهِ، وَمُقَدِّمٌكُمْ أَمَامَ طَلِبَتِي، وَحَوَائِجِي وَإِرَادَتِي فِي كُلِّ

خواسته‌هایم در همه حالات و کارهایم قرار داده‌ام. من به نپایان و آشکار شما، شاهد و غایب

أَحْوَالِي وَأُمُورِي، مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ وَعَلَانِيَتِكُمْ، وَشَاهِدِكُمْ

شما، اول و آخر شما ایمان دارم، و همه امورم را به شما واگذار دادم، و به همراه شما در آن

وَعَائِبِكُمْ، وَأَوَّلِكُمْ وَآخِرِكُمْ، وَمُفَوَّضٌ فِي ذَلِكَ كُلِّهِ

تسلیم شما هستم، و دلم برای شما تسلیم و پذیرا، و رأیم پیرو شماست و یاریم برای شما

إِلَيْكُمْ وَمُسَلَّمٌ فِيهِ مَعَكُمْ، وَقَلْبِي لَكُمْ مُسَلَّمٌ، وَرَأْيِي لَكُمْ

آماده است تا آنگاه که خداوند دینش را توسط شما حیات جدیدی بخشد و شما را در

تَبَعٌ، وَنُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ، حَتَّى يُحْيِيَ اللَّهُ تَعَالَى دِينَهُ

دوران خود بازگرداند، و شما را برای دادگریش آشکار کند و در زمینش قدرت و توانمندی

بِكُمْ، وَيَرُدُّكُمْ فِي أَيَّامِهِ، وَيُظْهِرُكُمْ لِعَدْلِهِ، وَيُمْكِنُكُمْ فِي

دهد. پس کسی که با شما است فقط با شماست، نه با غیر شما، به شما ایمان آوردم و

أَرْضِهِ فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَامَعَ غَيْرِكُمْ، آمَنْتُ بِكُمْ، وَتَوَلَّيْتُ

ولایت و سرپرستی آخرین شما را به سان نخستین شما قبول نمودم، و بیزاری می جویم به

آخِرِكُمْ بِمَا تَوَلَّيْتُ بِهِ أَوْلَاكُمْ، وَبَرَّيْتُ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ

سوی خداوند متعال از دشمنانتان و از جبت و طاغوت و شیطانها و حزبهای آنان؛

مَنْ أَعْدَائِكُمْ وَمَنْ الْجَبْتِ وَالطَّاغُوتِ، وَالشَّيَاطِينِ

همانهایی که به شما ستم کرده، حق شما را منکر شده، و از ولایت شما خارج شدند، و

وَحَزْبِهِمُ الظَّالِمِينَ لَكُمْ الجاحدين لحقكم، وَالْمَارِقِينَ

ارت شما را غصب نموده و درباره شما به تردید افتاده و از شما منحرف شدند، و از هر

مِنْ وَلايَتِكُمْ، وَالغاصبين لأرثكم، الشَّاكِينَ فيكُمْ،

تکیه گاه و دستاویزی که غیر شما هستند و از هر اطاعت شونده از غیر شما و از پیشوایانی

الْمُنْحَرِفِينَ عَنْكُمْ، وَمَنْ كُلِّ وَليجة دُونَكُمْ، وَكُلِّ مُطَاعٍ

که به سوی آتش فرامی خوانند، بیزارم. از این رو خداوند همواره مرا مادامی که زنده هستم

سَوَاكُمُ، وَمَنْ الأئمة الذين يدعون إلى النار، فَثَبَّتَنِي اللَّهُ

بر ولایت و دوستی و دین شما استوار بدارد و مرا به فرمانبری از شما موفق گرداند، و

أَبَدًا مَا حَيَّيْتُ عَلَى مَوَالِيَتِكُمْ وَمَحَبَّتِكُمْ وَدِينِكُمْ،

شفاعت شما را روزیم کند، و مرا از بهترین دوستان شما قرار دهد، همانهایی که پیروی

وَوَقَّفَنِي لَطَاعَتِكُمْ، وَرَزَقَنِي شَفَاعَتَكُمْ، وَجَعَلَنِي مِنْ

کردند از آنچه شما به سوی آن دعوت کردید، و مرا از جمله کسانی قرار دهد که بازگو

خِيارِ مَوَالِيكُمْ، التَّابِعِينَ لِمَا دَعَوْتُمْ إِلَيْهِ، وَجَعَلَنِي مِمَّنْ

کننده و در پی آثار شما هست و راه شما را می‌بیماید و به هدایت شما هدایت می‌گردد، و

يَقْتَصُّ آثَارَكُمْ، وَيَسْلُكُ سَبِيلَكُمْ، وَيَهْتَدِي بِهُدْيِكُمْ،

در گروه شما محشور می‌گردد، و دوران شما بازمی‌گردد، و در دولت شما به حکومت

وَيُحْشَرُ فِي زُمْرَتِكُمْ، وَيَكْرُ فِي رَجْعَتِكُمْ، وَيُمْلِكُ فِي

می‌رسد، و در زمان عافیت شما شریف گردد و در روزگار شما اقتدار یابد و فردای (رستاخیز)

دَوْلَتِكُمْ وَ يُشَرِّفُ فِي عَافِيَتِكُمْ، وَيُمْكِنُ فِي أَيَّامِكُمْ،

به دیدار شما چشمش روشن گردد. پدر و مادر و جان و خانواده و داراییم فدای شما باد. هر

وَتَقْرَأُ عَيْنُهُ غَدًا بِرُؤْيَتِكُمْ، بِأَبِي أَنْتُمْ وَأُمِّي وَنَفْسِي وَأَهْلِي

که خدا را اراده کرد و به شما آغاز کرد و هر که او را به یگانگی شناخت از شما پذیرفت و

وَمَالِي، مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بَدَأَ بِكُمْ، وَمَنْ وَحَدَهُ قَبْلَ عَنكُمْ،

هر که او را قصد کرد متوجه شما شد. سروران من؛ قدرت شمارش ثنای شما را ندارم و با

وَمَنْ قَصَدَهُ تَوَجَّهَ بِكُمْ، مَوَالِي لَا أَحْصِي ثَنَائِكُمْ، وَلَا

مدح شما هرگز به کنه و حقیقت شما راه پیدا نمی‌کنم، و با توصیف شما هرگز به قدر و

أَبْلُغُ مِنَ الْمَدْحِ كُنْهَكُمْ وَمِنَ الْوَصْفِ قَدْرَكُمْ، وَأَنْتُمْ نُورٌ

منزلت شما نمی‌رسم، و شما نور نیکان و هدایت صالحان و حجت‌های خدای جبار هستید،

الْأَخْيَارِ، وَهُدَاةُ الْأَبْرَارِ وَحُجَجُ الْجَبَّارِ، بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ

خداوند به وسیله شما (هستی را) افتتاح و به شما پایان می‌دهد و به سبب شما باران

وَبِكُمْ يَخْتَمُ، وَبِكُمْ يُنْزِلُ الْغَيْثَ، وَبِكُمْ يُمْسِكُ السَّمَاءَ

می‌فرستد، و به وسیله شما آسمان را نگاه داشته تا بر زمین - جز به فرمانش - نیفتد، و به

أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَبِكُمْ يُنْفَسُ النَّهْمُ،

وسيله شما غصه و اندوهها گشوده و زایل می گردد و بیچارگی ها برطرف

وَيَكْشِفُ الضُّرَّ، وَعِنْدَكُمْ مَا نَزَلَتْ بِهِ رُسُلُهُ، وَهَبَطَتْ بِهِ

می شود، و آنچه به پیامبرانش فرو فرستاده و فرشتگان به آن فرود آمده اند نزد

مَلَائِكَتُهُ، وَالِى جَدِّكُمْ.

شماست و به سوی جدتان

و اگر زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام باشد بجای:

وَالِى جَدِّكُمْ بگو: وَالِى أَخِيكَ بُعِثَ الرُّوحُ الْأَمِينُ، آتَاكُمْ اللَّهُ

و به برادرت - روح الامین برانگیخته شده خداوند به شما مقاماتی را داده که

مَا لَمْ يُؤْتِ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ طَاطًا كُلَّ شَرِيفٍ لَشَرَفِكُمْ،

به هیچ یک از جهانیان نداده است، هر فرد شریفی در برابر شرافت شما سر فرود آورده و

وَبَخَعَ كُلُّ مُتَكَبِّرٍ لَطَاعَتِكُمْ وَخَضَعَ كُلُّ جَبَّارٍ لِفَضْلِكُمْ،

هر سرکشى در برابر فرمان شما گردن نهاده است، و هر جبار و زورگویی در برابر فضل و

وَذَلَّ كُلُّ شَيْءٍ لَكُمْ، وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِكُمْ، وَفَازَ

برتری شما فروتن است، و هر چیزی در برابر شما ذلیل و خوار است و زمین به نور وجود

الْفَائِزُونَ بِوِلَايَتِكُمْ، بِكُمْ يُسَلِّكُ إِلَى الرِّضْوَانِ، وَعَلَى

شما روشن گشته و رستگاران به ولایت شما رستگار و فایز گشته اند، با شما به سوی رضوان

مَنْ جَحَدَ وَلَايَتِكُمْ غَضَبُ الرَّحْمَنِ بِأَبِي أَنْتُمْ وَأُمِّي

و بهشت الهی رهسپار می گردند و کسی که منکر ولایت شماسست خشم خدای رحمان را

وَنَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي، ذِكْرُكُمْ فِي الذَّاكِرِينَ، وَأَسْمَاءُكُمْ

فراهم نموده است. پدر، مادر، جان، خانواده و داراییم فدای شما باد؛ یاد شما در یادآوران

فِي الْأَسْمَاءِ، وَأَجْسَادُكُمْ فِي الْأَجْسَادِ وَأَرْوَاحُكُمْ فِي

و نامهای شما در میان نامها و جسدهای شما در میان اجساد، و ارواح شما در میان ارواح

الْأَرْوَاحِ، وَأَنْفُسُكُمْ فِي النَّفُوسِ، وَأَثَارُكُمْ فِي الْآثَارِ،

و جانهای شما در میان جانها و آثارتان در میان آثار و بارگاههای شما در میان قبور

وَقُبُورُكُمْ فِي الْقُبُورِ، فَمَا أَحَلَى أَسْمَاءَكُمْ وَأَكْرَمَ أَنْفُسَكُمْ،

پس چه نامهای شما را شیرین و جان شما گرامی و شأن شما با عظمت و مقام شما بزرگ

وَأَعْظَمَ شَأْنَكُمْ، وَأَجَلَ خَطْرَكُمْ، وَأَوْفَى عَهْدَكُمْ، وَأَصْدَقَ

است و چقدر شما نسبت به عهد و پیمان با وفا و در مورد وعده راستگو هستید! سخن شما

وَعْدَكُمْ، كَلَامُكُمْ نُورٌ، وَأَمْرُكُمْ رُشْدٌ، وَوَصِيَّتُكُمْ التَّقْوَى،

نور و فرمانتان باعث رشد و کمال، و سفارش شما پرهیزکاری و کردار شما خیر و خوبی

وَفِعْلُكُمْ الْخَيْرُ، وَعَادَتُكُمْ الْأِحْسَانُ، وَسَجِيَّتُكُمْ الْكِرَامُ،

و روش عادت شما نیکویی، و احسان و خوی و سرشت شما کرامت و بزرگواری، و شأن

وَشَأْنُكُمْ الْحَقُّ وَالصِّدْقُ وَالرِّفْقُ، وَقَوْلُكُمْ حُكْمٌ وَحَتْمٌ،

شما حق و راستی و مدارا کردن است، و سخن شما حکم حتمی و لازم الاجرا است، و رای

وَرَأْيُكُمْ عِلْمٌ وَحِلْمٌ وَحَزْمٌ، إِنَّ ذِكْرَ الْخَيْرِ كُنْتُمْ أَوْلَاهُ

و ایده شما دانش و بردباری و استوار کردن امور است، اگر یادی از خیر شود شما پایه

وَأَصْلُهُ وَفَرْعُهُ، وَمَعْدِنُهُ وَمَاوِيَهُ وَمُنْتَهَاهُ، بَابِي أَنْتُمْ وَأُمِّي

نخست آن، ریشه، شاخه و معدن و جایگاه و سرانجام آن هستید. پدر، مادر و جانم فدای

وَنَفْسِي، كَيْفَ أَصْفُ حُسْنَ ثَنَائِكُمْ، وَأَحْصِي جَمِيلَ

شما باد؛ چگونه ثنای نیکوی شما را توصیف کنم و نعمت زیبایتان را بشمارم، و خداوند با

بَلَائِكُمْ، وَبِكُمْ أَخْرَجَنَا اللَّهُ مِنَ الذَّلِّ، وَفَرَّجَ عَنَّا غَمْرَاتِ

شما ما را از خواری بیرون آورد و از غم و اندوه سخت ما را گشایش داد و از وادی پرتگاه

الْكُرُوبِ، وَأَنْقَذَنَا مِنْ شَفَا جُرْفِ الْهَلَكَاتِ وَمِنَ النَّارِ،

نابودی و از آتش نجاتمان داد. پدر، مادر و جانم فدای شما باد؛ خداوند به وسیله پیروی

بَابِي أَنْتُمْ وَأُمِّي وَنَفْسِي، بِمُؤَالَاتِكُمْ عَلَّمَنَا اللَّهُ مَعَالِمَ دِينِنَا،

از شما معالم دین ما را به ما آموخت و آنچه از امور دنیای ما فاسد بود، اصلاح نمود. و به

وَأَصْلَحَ مَا كَانَ فَسَدَ مِنْ دُنْيَانَا، وَبِمُؤَالَاتِكُمْ تَمَّتِ الْكَلِمَةُ،

موالات و دوستی و پیروی شما کلام الهی کامل گشت، و نعمت؛ با عظمت و شکوه گردید

وَعَظُمَتِ النُّعْمَةُ، وَأَتْلَفَتِ الْفُرْقَةُ، وَبِمُؤَالَاتِكُمْ تَقْبَلُ الطَّاعَةَ

و به جدایی الفت بخشید و به پیروی و موالات شما طاعت واجب پذیرفته می شود و دوستی

الْمُفْتَرِضَةَ، وَلَكُمْ الْمَوَدَّةُ الْوَاجِبَةُ، وَالذَّرَجَاتُ الرَّفِيعَةُ،

واجب و درجه های والا و مقام پسندیده و جایگاه معین در پیشگاه خداوند رحمان و مقام و

وَالْمَقَامُ الْمَحْمُودُ، وَالْمَكَانُ الْمَعْلُومُ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ،

جاه باشکوه و شأن بزرگ و شفاعت پذیرفته شده برای شماست. پروردگارا! ما به آنچه نازل

وَالجَاهُ الْعَظِيمُ، وَالشَّانُ الْكَبِيرُ، وَالشَّفَاعَةُ الْمَقْبُولَةُ، رَبَّنَا

کرده ای ایمان آوردیم و از پیامبر پیروی کردیم، پس ما را از گواهان ثبت کن. پروردگارا!

آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ، فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ،

دل‌های ما را پس از هدایت‌مان منحرف مکن و برای ما از جانب خود رحمتی ببخش، به

رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ

راستی که تو بسیار بخشنده‌ای، پاک و منزّه است پروردگار ما به حقیقت وعده پروردگار ما

رَحْمَةً، إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ، سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ

محقق خواهد شد. ای ولی خدا؛ به راستی که میان من و خدای متعال گناهایی است که

رَبَّنَا لَمَفْعُولًا، يَا وَلِيَّ اللَّهِ إِنْ بَيْنِي وَبَيْنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ

جز رضایت و خشنودی شما آنرا را از بین نمی‌برد، پس به حق کسی که شمارا بر راز خود

ذُنُوبًا لَا يَأْتِي عَلَيْهَا إِلَّا رِضَاكُمْ، فَبِحَقِّ مَنْ أَيْتَمَنَّا عَلَى

امین قرار داده و تدبیر و امور و مراعات حال بندگانش را به شما سپرد و طاعت شما را قرین

سِرِّهِ، وَأَسْتَرْعَاكُمْ أَمْرَ خَلْقِهِ، وَقَرْنَ طَاعَتَكُمْ بِطَاعَتِهِ، لَمَّا

و پیوسته با طاعت خود قرار داد، که نسبت به گناهان من طلب آمرزش و بخشش کنید و

أَسْتَوْهَبْتُمْ ذُنُوبِي وَكُنْتُمْ شُفَعَاءِي، فَإِنِّي لَكُمْ مُطِيعٌ، مَنْ

شما شفاعان من باشید، پس من به حقیقت مطیع و فرمان‌بردار شما هستم هر که از شما

أَطَاعَكُمْ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ، وَمَنْ عَصَاكُمْ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ،

فرمان برد در واقع از خدا فرمان برده و هر که از (فرمان) شما عصیان کند در واقع از خدا

وَمَنْ أَحَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ، وَمَنْ أَبْغَضَكُمْ فَقَدْ أَبْغَضَ

عصیان نموده است و هر کس شما را دوست بدارد در واقع خدا را دوست داشته و هر که

اللَّهُ، اللَّهُمَّ إِنِّي لَوْ وَجَدْتُ شُفَعَاءَ أَقْرَبَ إِلَيْكَ مِنْ مُحَمَّدٍ

شما را دشمن بدارد در واقع خدا را دشمن داشته. بار خداوند! من اگر شفاعتی نزدیک‌تر

وَأَهْلَ بَيْتِهِ الْأَخْيَارِ، الْأَثَمَّةِ الْأَبْرَارِ، لَجَعَلْتُهُمْ شُفَعَائِي،

به تو جز محمد و اهل بیت برگزیده‌اش - که پیشوایان نیکوکارند - می‌یافتم آنان را شفیعان

فَبِحَقِّهِمُ الَّذِي أَوْجَبْتَ لَهُمْ عَلَيْكَ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُدْخِلَنِي

خود قرار می‌دادم، پس به حق آنها که آن را بر خود لازم شمرده‌ای از تو می‌خواهم که

فِي جُمْلَةِ الْعَارِفِينَ بِهِمْ وَبِحَقِّهِمْ، وَفِي زُمْرَةِ الْمَرْحُومِينَ

مرا در گروه اهل معرفت به آنان و حقشان قرار دهی و در زمره کسانی که به شفاعت آنان

بِشَفَاعَتِهِمْ، إِنَّكَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ

مورد رحمت تو قرار گرفته‌اند، وارد سازی؛ زیرا که تو مهربان‌ترین مهربانان هستی، و درود

وَأَلِهِ الطَّاهِرِينَ، وَسَلِّمْ تَسْلِيمًا كَثِيرًا، وَحَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ

خدا بر محمد و خاندان پاکش و سلام زیاد بر آنان باد و خداوند ما را بسننده است و خوب

الْوَكِيلُ.

حمایت‌گری است.

زیارت امین الله و فضیلت آن

«زیارت امین الله» را به چند جهت آوردیم:

۱. در روایتی از امام باقر(ع) آمده است که آن حضرت فرمودند:

این کلام و این دعا (زیارت امین الله) را هر یک از شیعیان ما نزد قبر

امیرمؤمنان یا یکی از امامان(ع) بخواند، به طور حتم و بی‌شک، دعایش در

صندوقچه‌ای از نوربالا می‌رود و تسلیم قائم آل محمد(ص) می‌شود...

۲. این زیارت از زیاراتی است که حضرت مهدی(ع) آن را خوانده است؛ چنان که در جریان شرفیابی «حاج علی بغدادی» خدمت آن حضرت آمده است.

۳. امام زمان(ع) در جریان دیدار حاج علی بغدادی تصریح و تأکید فرمودند که: این زیارت از برترین زیارت‌هاست.

نکته مهمی که از آن جریان استفاده می‌شود، این است که این زیارت، جزو زیارت‌های جامعه و عمومی امامان است و در تمام حرم‌های اهل بیت(ع) می‌توان خواند؛ چنان که آن حضرت این زیارت را در حرم امام کاظم و امام جواد(ع) در شهر «کاظمین» خواندند. البته، این نکته در روایت امام باقر(ع) نیز، به صراحت بیان شده است. مرحوم «محدث قمی» می‌فرماید: این زیارت دارای اعتباری کامل است و در تمام کتاب‌های ادعیه و زیارات آمده است.

«علامة مجلسی(ره)» این زیارت را بهترین زیارت‌ها از نظر متن و سند می‌شمارد؛ وی می‌افزاید: شایسته است در تمام حرم‌های مطهر و مقدس این زیارت خوانده شود؛ چنان که با سندهای معتبر از «جابر» از امام باقر(ع) روایت شده است که فرمود:

امام سجّاد(ع) به زیارت قبر مطهر امیرمؤمنان(ع) رفت و نزد قبر ایستاد و گریست و قرائت نمود:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، وَحُجَّتَهُ عَلَى عِبَادِهِ،

سلام بر تو، ای امانت‌دار خداوند در زمینش، و حجّت او بر بندگانش، (سلام بر تو، ای

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ) ۱، أَشْهَدُ أَنَّكَ جَاهَدْتَ

امیرمؤمنان؛) گواهی می‌دهم که شما به طور کامل در راه خدا جهاد کردی و حقش را ادا

فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ، وَعَمَلْتَ بَكِتَابِهِ، وَأَتَّبَعْتَ سُنَنَ نَبِيِّهِ

فرمودی، به کتاب خدا عمل نمودی، و از سنت‌های پیامبر - درود خدا بر او و آل او - پیروی

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، حَتَّى دَعَاكَ اللَّهُ إِلَى جِوَارِهِ، فَقَبَضَكَ

کردی؛ تا آنکه خداوند تعالی، شما را به جوارش فرا خواند، و با اختیار و انتخابش شما را از این

إِلَيْهِ بِاخْتِيَارِهِ، وَالْزَمَ أَعْدَائِكَ الْحُجَّةَ مَعَ مَالِكٍ مِنَ الْحُجَجِ

دنیا به سوی خود برد؛ و با وجودی که حجّت‌های رسایی بر تمام آفریدگان داشتی، باز هم

الْبَالِغَةَ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ، اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسِي مُطْمَئِنَّةً

حجّت را بر دشمنانت تمام کرد. بار الها! نفس و روح مرا به تقدیرت مطمئن گردان، و به قضا

بِقَدْرِكَ رَاضِيَةً بِقَضَائِكَ، مُوَلَّعَةً بِذِكْرِكَ وَدُعَائِكَ، مُحِبَّةً

و فرمانت خشنود گردان. حرص مرا به یاد خودت و دعا کردن به درگاہت افزون کن، و مرا

لِصَفْوَةِ أَوْلِيَاءِكَ، مَحْبُوبَةً فِي أَرْضِكَ وَسَمَاؤِكَ، صَابِرَةً

دوست‌دار واقعی برای اولیای برگزیده‌ات قرار بده. مرا در زمین و آسمانت محبوب گردان؛ بر

۱. این فقره از زیارت، در حرم حضرت امیرالمؤمنین(ع) خوانده شود.

عَلَى نَزُولِ بَلَائِكَ، شَاكِرَةً لِفَوَاضِلِ نِعْمَائِكَ، ذَاكِرَةً لِسَوَابِغِ

فرو ریزی بلاهایت شکیبا ساز؛ بر زیادتی نعمت‌هایت سپاسگزار، به یادآوری نعمت‌های فراوانت

الْآتِكَ، مُشْتَاقَةً إِلَى فَرْحَةِ لِقَائِكَ، مُتَزَوِّدَةً التَّقْوَى لِيَوْمِ

مشغول دار؛ به سرور و شادمانی دیدارت مشتاق کن؛ توشه بردارنده تقوا و پرهیزکاری برای روز

جَزَائِكَ، مُسْتَنَّةً بِسُنَنِ أَوْلِيَائِكَ، مُفَارِقَةً لِأَخْلَاقِ أَعْدَائِكَ،

قیامت؛ و اجراکننده سنت و طریقه اولیا و خاصان خود؛ جدا شونده از اخلاق دشمنانت قرار ده؛

مَشْغُولَةً عَنِ الدُّنْيَا بِحَمْدِكَ وَتَنَائِكَ،

و از کار دنیا مشغول به حمد و ثنای خودت نما.

سپس گونه مبارک خود را بر قبر آن حضرت قرار داده و گفت:

اللَّهُمَّ إِنَّ قُلُوبَ الْمُخْبِتِينَ إِلَيْكَ وَالْهَتَّةُ، وَسُبُلَ الرَّاعِبِينَ

بارالها؛ راستی، قلب خاشعان و خداترسان، واله و حیرانت است، و راه‌های مشتاقان به سوی تو باز

إِلَيْكَ شَارِعَةً، وَأَعْلَامَ الْقاصِدِينَ إِلَيْكَ وَاضِحَةً، وَأَفئِدَةَ

است، و نمایان، و نشانه‌ها برای کسانی که قصد رسیدن به تو را دارند آشکار است، و دل‌های اهل

العارفين منك فازعةً، وَأَصْوَاتِ الدَّاعِينَ إِلَيْكَ صَاعِدَةً،

معرفت از تو بسیار در هراس است، و صداهاى دعاکنندگان به طرف تو بالا رونده است، و درهای

وَأَبْوَابَ الإِجَابَةِ لَهُمْ مُفْتَحَةً، وَدَعْوَةَ مَنْ نَاجَاكَ مُسْتَجَابَةً،

اجابت و پاسخ‌گویی نیز برای‌شان باز شده است؛ و دعای هر کسی که با تو مناجات و به آرامی تو را

وَتَوْبَةَ مَنْ أَنَابَ إِلَيْكَ مَقْبُولَةً، وَعَبْرَةَ مَنْ بَكَى مِنْ خَوْفِكَ

بخواند مستجاب است، و توبه و بازگشت کسی که به سوی تو بازگردد پذیرفته شده است، و اشک

مَرْحُومَةً، وَالْإِغَاثَةَ لِمَنْ اسْتَعَاثَ بِكَ مَوْجُودَةً، وَالْإِعَانَةَ

گریه کننده از ترس تو مورد ترحم قرار می گیرد، و دادرسی برای کسی که دادخواهی کند موجود

لِمَنْ اسْتَعَانَ بِكَ مَبْدُولَةً، وَعَدَاتِكَ لِعِبَادِكَ مُنْجَزَةً، وَزَلَلَ

است، و برای کسی که از تو کمک بخواهد، کمک بلاعوض می فرستی؛ و وعده هایی که به بندگانت

مَنْ اسْتَقَالَكَ مُقَالََةً، وَأَعْمَالَ الْعَامِلِينَ لَدَيْكَ مَحْفُوظَةً،

داده ای قطعی است؛ و هر کس از تو درخواست چشم پوشی از لغزش خود را بکند چشم پوشی

وَأَرْزَاقَكَ إِلَى الْخَلَائِقِ مِنْ لَدُنْكَ نَازِلَةً، وَعَوَائِدَ الْمَزِيدِ

می کنی؛ و اعمال عمل کنندگان، نزد تو نگهداری و باقی می ماند؛ و نصیب ها و روزی های تو، به

إِلَيْهِمْ وَاصِلَةً، وَذُنُوبَ الْمُسْتَغْفِرِينَ مَغْفُورَةً، وَحَوَائِجَ

سوی بندگانت فرستاده می شود، و عایدات بیشتر نیز برایشان ارسال و به دستشان می رسد؛ و گناه

خَلْقِكَ عِنْدَكَ مَقْضِيَةً، وَجَوَائِزَ السَّائِلِينَ عِنْدَكَ مُوفَّرَةً،

بخشش خواهان، بخشیده شده است؛ و خواسته های آفریدگانت، نزد تو برآورده شده است؛ و پاداش

وَعَوَائِدَ الْمَزِيدِ مُتَوَاتِرَةً، وَمَوَائِدَ الْمُسْتَطْعِمِينَ مُعَدَّةً،

و جایزدهای درخواست کنندگان نیز نزدت فراوان است؛ و بهره های فراوان بی دری می رسد؛ و

وَمَنَاهِلَ الظَّمَاءِ مُتْرَعَةً، اللَّهُمَّ فَاسْتَجِبْ دُعَائِي، وَأَقْبِلْ

سفره های تو برای گرسنگان گسترده است؛ و چشمه ها نیز برای سیراب شدن تشنگان، لبریز و پر

ثَنَائِي، وَأَجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ أَوْلِيَائِي، بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ

آب است. بارالها! پس، دعایم را مستجاب کن و پاسخ بده؛ و ثنا گویم را بپذیر؛ و من و اولیایم را

وَفَاطِمَةَ، وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ، إِنَّكَ وَلِيُّ نِعْمَائِي، وَمُنْتَهَى

گردهم آور؛ به حق محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین؛ واقعیت آن است که سرپرست نعمت های

مُنَايَ، وَغَايَةَ رَجَائِي فِي مُنْقَلَبِي وَمَثْوَايَ

من تویی، و حدّ نیایی آرزو، و نهایت امید من در دنیا و آخرت، تو هستی.

و در کامل‌الزیاره بعد از این زیارت این فقرات نیز مسطور است

أَنْتَ إِلَهِي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ، اغْفِرْ لَأَوْلِيَانَا، وَكُفَّ عَنَّا

تو، خدای من، آقای من و مولای من هستی؛ دوستان ما را بیامرزش، و دشمنان ما را از

اَعْدَائِنَا، وَاشْغَلْهُمْ عَنِّ اِذَانَا، وَاطْهَرْ كَلِمَةَ الْحَقِّ وَاجْعَلْهَا

ما باز دار، و آنان را از آزار ما مشغول ساز؛ و کلمه و سخن حق را آشکار و آن را بلندتر

الْعُلْيَا، وَادْحَضْ كَلِمَةَ الْبَاطِلِ وَاجْعَلْهَا السُّفْلَى، إِنَّكَ عَلَيَّ

از هر چیز قرار ده، و کلمه باطل را نابود کن، و آن را پایین‌ترین درجه قرار ده. راستی،

كُلُّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

تو بر هر کاری توانایی.

سپس امام باقر(ع) فرمود:

هیچ یک از شیعیان ما این کلام (زیارت امین الله) را نزد قبر امیرالمؤمنین(ع) نمی خواند و دعا نمی کند، مگر آنکه دعایش در نامه‌ای از نور بالا می رود و مهر پیغمبر بر آن می خورد و نگهداری می شود تا به قائم آل محمد(ص) سپرده می شود. در این حال نیز، بشارت و احترامات ویژه و اکرام، برای زیارت کننده ارسال می گردد - اگر خدا بخواند -^۱.

۱. مفاتیح الجنان، ص ۶۹۸، مصباح المتهجد، ص ۷۳۸؛ مصباح الزائر، ص ۴۷۴ و مزار آقا جمال خوانساری، ص ۹۸، با تفاوت اندک.